# خردگرایی در قرآن و حدیث

## مشخصات کتاب

سرشناسه:محمدی ری شهری، محمد، 1325 -

Muhammadi Reyshahri, Muhammad

سرشناسه:دار الحدیث

عنوان و نام پدیدآور:خردگرایی در قرآن و حدیث / محمدی ری شهری ؛ با همکاری رضا برنجکار و عبد الهادی مسعودی ؛ ترجمه مهدی مهریزی.

مشخصات نشر:قم: دار الحدیث، 1378.

مشخصات ظاهری:508 ص.

شابک:18500ریال: 964-5985-81-1 ؛ 26000ریال(چاپ چهارم) ؛ 260000ریال (چاپ پنجم)

یادداشت:این کتاب بخشی از کتاب "میزان الحکمه" می باشد که به صورت مستقل ترجمه و چاپ شده است.

یادداشت:چاپ چهارم: 1393.

یادداشت:این کتاب در سال های 1378 - 1396 تجدید چاپ شده است

یادداشت:کتابنامه: ص. [489] - 508.

موضوع:عقل گرایی (اسلام)

موضوع:قرآن و عقل

موضوع:احاد یث

موضوع:احادیث -- قرن 14

موضوع:جهل(فقه)-- احادیث

شناسه افزوده:برنجکار، رضا، 1342 -

شناسه افزوده:مسعودی، عبدالهادی، 1343 -، خلاصه کننده

شناسه افزوده:مهریزی، مهدی، 1341 -، مترجم

رده بندی کنگره:BP104/ع7 م 3 1378

رده بندی دیویی:297/159

شماره کتابشناسی ملی:م 79-11713

ص :1

## اشاره

خردگرایی در قرآن و حدیث

محمدی ری شهری

با همکاری رضا برنجکار و عبد الهادی مسعودی

ترجمه مهدی مهریزی.

ص :2

بسم الله الرحمن الرحیم

ص :3

ص :4

فهرست مطالب

ص :5

فهرست مطالب

ص :6

فهرست مطالب

ص :7

فهرست مطالب

ص :8

فهرست مطالب

ص :9

فهرست مطالب

ص :10

فهرست مطالب

ص :11

فهرست مطالب

ص :12

## سخن مترجم

خردورزی و خردمندی را باید جانمایۀ دین و دینداری دانست؛چرا که عقلْ پیامبر باطنی است و شکوفایی آن،هدف برانگیخته شدن پیامبران ظاهری.

جامعۀ خردمند و آرمانی اسلام،جامعه ای است که از خردِ سیاسی،اقتصادی،فرهنگی و خردِ در عبادت و معاشرت،برخوردار باشد و عقل را حکمران همۀ ساحت های زندگی بداند.جامعۀ عصر موعود،نیز جامعه ای است که از بالندگی و رشد عقلانی برخوردار شده است.

آنچه از پیشوایان دینی در باب خرد و خردمندی به ما رسیده،روشنگر جایگاه خرد در زندگی،کاربرد آن،نشانه های خردمند،اسباب بالندگی و پرورش خرد،و راههای بازدارنده از سقوط در ورطۀ جهل و نادانی است.این احادیث،در این کتاب،با گزینش و ترتیب مناسب سودمند در اختیار ارباب فضلْ قرار گرفته که برگردان آن به زبان فارسی می تواند در تعمیم فایدۀ آن سودمند باشد.

## دربارۀ ترجمه

1.ترجمه آیات قرآنی در بیشتر موارد بی کم و کاست از ترجمۀ قرآن کریم استاد محمد مهدی فولادوند گرفته شده است.

2.درآمد کتاب،بیان ها و چند توضیح بلند،به قلم نویسندۀ کتاب بوده که بی کم و

ص:13

کاست در بَرگردانِ فارسی جای گرفته است.

3.مترجم،بر آن بوده است که در حدّ امکان از ترجمۀ ساختاری خارج نشود؛چنانکه بر آن بوده تا از رسایی و روانی ترجمه نیز کم نگذارد.

4.از حجّه الاسلام سید حسن اسلامی که رنج مقابلۀ ترجمه را با متن عربی بر عهده داشته اند و نیز آقای سید محمد دلّال موسوی که زحمت ویراستاری ترجمه را برخود هموار ساختند،و آقایان فخرالدین جلیل وند و ضیاء سلطانی که دشواری تایپ و صفحه آرایی را بر دوش کشیدند،صمیمانه سپاسگزارم.

مهدی مهریزی

[رمضان 1420]

ص:14

## مقدمه

در مقدمۀ کتاب«العلم و الحکمه فی الکتاب والسنه»یادآور شدیم که برای تکمیل مباحث آن،باید به کتاب«العقل و الجهل فی الکتاب والسنه»مراجعه کرد.اینک این کتاب به عنوان پنجمین اثر از موسوعۀ«میزان الحکمه»به چاپ می رسد.

این کتاب از لابه لای آیات و روایات،نکته های جدیدی را در حوزۀ معرفت عرضه می دارد،بدان امید که جایگاه مناسب را نزد صاحبان دانش و حکمت بیابد.

یادآوری این نکته لازم است که بخش اوّل این کتاب با همکاری فاضل ارجمند جناب آقای رضا برنجکار و بخش دوم آن با مساعدت فاضل ارجمند جناب آقای عبدالهادی مسعودی به ثمر رسیده است که باید از آنان و تمامی برادرانی که در آماده سازی این اثر سهیم بوده اند،سپاسگزاری نمود.

در پایان اشاره می کنیم که روش ما در گزینش و ثبت نشانی در این موسوعه،از این قرار است:

1.تلاش شده تا تمامی روایات مربوط به یک موضوع،از مصادر روایی شیعه و اهل سنّت،پس از فیش برداری مستقیم،با کمک گرفتن از نرم افزارهای رایانه ای گرد آید و سپس،جامع ترین،استوارترین و کهن ترین مصدر گزینش شود.

2.از تکرار روایات پرهیز شده است؛مگر در موارد ذیل:

الف.متنها کاملاً متفاوت و مروی عنه متعدد باشد،

ب.نکته مهمی در تفاوت واژه ها و الفاظْ نهفته باشد،

ج.تفاوت لفظی در متون شیعی و سنّی وجود داشته باشد،

ص:15

د.متن روایت،کمتر از یک سطر و مربوط به دو باب باشد.

3.در صورتی که متنهایی از پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر معصومان نقل شده باشد،حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله در متن می آید و روایت سایر معصومان در پاورقی.

4.پس از ذکر آیات در هر موضوع،روایات به ترتیب معصومان علیهم السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله تا امام دوازدهم،نقل می گردد؛مگر آنکه روایتی در تفسیر آیه وارد شده باشد که بر تمامی روایات،مقدّم می شود و یا آنکه تناسب موضوعی روایات،این ترتیب را بر هم زند.

5.در ابتدای روایات،فقط نام رسول خدا و دیگر معصومان ذکر می شود؛مگر آنکه راوی،ناقل فعل معصوم باشد یا سؤال و جوابی در میان باشد،و یا آنکه راوی،لفظی را در متن آورده که سخن مروی عنه نیست.

6.با توجّه به تعدّد اسامی معصومان علیهم السلام نام واحدی برای آنها انتخاب شده که در ابتدای روایت ذکر می شود.

7.مصادر روایات،در پاورقی و به ترتیب معتبرترین مصدر،تنظیم شده است.

8.در صورتی که دسترسی به منابع اوّلیه،ممکن باشد،حدیث از مصادر اوّلیه نقل می گردد؛مگر نشانی بحار الأنوار در احادیث شیعه و کنزالعمّال در احادیث اهل سنّت که در پایانْ نشانی آن خواهد آمد.

9.پس از ذکر مصادر،گاه ارجاعاتی به برخی از منابع با تعبیر«راجع»داده شده است.

در چنین مواردی،متن ارجاعی،تفاوت فاحشی با متن نقل شده داشته است.

10.ارجاعاتی که به ابواب دیگرِ این کتاب داده شده،به جهت تناسب محتوایی میان روایات آنهاست.

11.درآمد،توضیحات و جمع بندی هایی در پایان برخی فصول و ابوابْ ذکر شده که چشم انداز کلّی روایات کتاب و باب،و گاه حل پاره ای از دشواری های موجود در احادیث را نشان می دهد.

12.و مهمْ ترین نکته اینکه تلاش شده حتی المقدور از طریق تأیید مضمون احادیث باب،به وسیله قرائن عقلی و نقلی،تحصیلِ نوعی وثوق به صدور مجموعۀ آنها امکان پذیر باشد.

محمد محمدی ری شهری

8 صفر 1419

ص:16

## درآمد

اندیشه و تعقّل،اصلی ترین تکیه گاه اسلام در عقاید،اخلاق و اعمال است.از نظر این آیین آسمانی،انسان حق ندارد آنچه را که عقل نادرست می داند،باور کند؛ صفاتی را که عقلْ ناپسند می داند،بدان متّصف شود.و کارهایی را که عقلْ ناشایست می داند،انجام دهد.

از این رو،در فرهنگ قرآن و احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سخنان اهل بیت علیهم السلام آن بزرگوار،واژه هایی که مردم را به تعقّل و اندیشه دعوت می کنند؛مانند تفکّر،تذکّر، تدّبر،تعقّل،تعلّم،تفقّه،ذکر،لُبّ ونُهیٰ،که محور و اساس سخن با مردم بوده،بیش از هر چیز دیگر،مورد توجه و تأکید است.

در قرآن کریم،مشتقات علم 779 بار،عقل 49 بار،فقه 20 بار،فکر 18 بار،ذکر 274 بار،تدّبر 4 بار و لُبّ 16 بار آمده است.

از نظر اسلام،عقل،اصل انسان،معیار ارزش و درجات کمال او،ملاک ارزیابی اعمال،میزان جزا و حجّت باطنی خداوند متعال است. [(1)](#content_note_17_1)

عقل،از بهترین هدیه های الهی به انسان،نخستین پایگاه اسلام،اساسی ترین پایه های زندگی و زیباترین زیور انسان است.عقل،گرانبهاترین ثروت،بهترین

ص:17

1- (1) .ر.ک:فصل اوّل از بخش یک.

دوست و راهنما،و اصلی ترین تکیه گاه اهل ایمان است.از نظر اسلام،علم،نیازمند عقل است؛زیرا علمِ بدون عقل برای عالم،زیانبار است. [(1)](#content_note_18_1)

کوتاه سخن اینکه از نظر اسلام،تنها راه تکامل مادّی و معنوی و سازندگی دنیا و آخرت و رسیدن به جامعۀ مطلوب و مقصد اعلای انسانیت،درست فکر کردن است و همۀ گرفتاری های انسان،نتیجۀ به کار نگرفتن اندیشه و جهل است.

از این رو،در جهان پس از مرگ،آنان که به فرجام عقاید،اخلاق و اعمال ناشایستۀ خود گرفتار می شوند،دربارۀ ریشۀ گرفتاری های خود چنین می گویند:

وَ قٰالُوا لَوْ کُنّٰا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مٰا کُنّٰا فِی أَصْحٰابِ السَّعِیرِ فَاعْتَرَفُوا بِذَنْبِهِمْ فَسُحْقاً لِأَصْحٰابِ السَّعِیرِ. 2

و گویند اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقّل کرده بودیم،در [میان] دوزخیان نبودیم.پس به گناه خود،اقرار کنند؛و مرگ باد بر اهل جهنّم!

واژۀ عقل در لغت

واژۀ عقل،در زبان عرب به معنای نگه داشتن،بازداشتن و حبس کردن است، مانند بستن شتر با عقال. [(2)](#content_note_18_2)

همان گونه که عقال،شتر را از حرکت بیجا باز می دارد،نیرویی در جان انسان وجود دارد به نام عقل،که او را از جهل و لغزش در اندیشه و عمل،باز می دارد.لذا پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

العقل عقال من الجهل. [(3)](#content_note_18_3)

ص:18

1- (1) .همان.

2- (3) .ر.ک:النهایه،ج 5،ص 2139؛الصحاح،ج 5،ص 1769؛المصباح المنیر،ص 422-423؛معجم مقاییس اللّغه،ج 4،ص 69؛المفردات للرّاغب،ص 577-578؛التعریفات للجرجانی،ص 65؛کتاب العین للخلیل،ص 565.

3- (4) .ر.ک:حدیث 277.

خرد،بازدارندۀ از نادانی است.

واژۀ عقل در روایات اسلامی

فقیه و محدّث بزرگوار،شیخ حرّ عاملی (رض) دربارۀ معانی عقل،چنین می فرماید:

عقل در سخن اندیشمندان و حکیمان،معانی بسیار دارد [(1)](#content_note_19_1)و با جستجو در احادیث،سه معنا برایش به دست می آید:

1.نیرویی که بدان خوبی ها و بدی ها و تفاوتها و زمینه های آن،شناخته گردد،و این،معیار تکلیف شرعی است.

2.ملکه ای که به انتخاب خوبی ها و پرهیز از بدی ها فرا می خواند.

3.تعقّل و دانستن؛و از این روست که در برابر جهل و نادانی قرار می گیرد، نه در برابر دیوانگی.بیشترین استعمال عقل در احادیث،معنای دوم و سوم است. [(2)](#content_note_19_2)

با تتبّع و تأمّل در مواردی که کلمۀ«عقل»وکلماتِ هم خانوادۀ آن در نصوص اسلامی به کار رفته است،معلوم می شود که این کلمه،گاه در مبدأ ادراکات انسان به کار رفته است و گاه،در نتیجۀ ادراکات او،و در هر یک از این دو نیز کاربردهای مختلفی دارد.

الف:کاربردهای عقل در مبدأ ادراکات

مبدأ معارف انسانی

احادیثی که حقیقت عقل را به نور تفسیر می کنند، [(3)](#content_note_19_3)و یا مبدأ پیدایش عقل را

ص:19

1- (1) .ر.ک:نهایه الحکمه،مؤسسه النشر الإسلامی،ص 305 و 308؛کشف المراد،ص 234 و 245؛بحارالأنوار،ج 1،ص 99-101.

2- (2) .وسائل الشیعه،تحقیق مؤسسۀ آل البیت علیهم السلام،ص 208-209.

3- (3) .ر.ک:ص 31 و 33.

نور می دانند [(1)](#content_note_20_1)و یا عقل را هدیۀ الهی و اصل انسان می دانند، [(2)](#content_note_20_2)اشاره به این معنا دارند.

طبق این احادیث،انسان در ژرفای هستی خود،از نیرویی نورانی برخوردار است که حیات روح او محسوب می شود.اگر این نیرو پرورش پیدا کند،در پرتو آن،انسان می تواند حقایق هستی را درک کند و حقایق محسوس را از نامحسوس،حق را از باطل،خیر را از شر و نیک را از بد،تشخیص دهد.

اگر این نیروی نورانی و این شعور مرموز و پیچیده،تقویت شود،انسان از ادراکاتی فوق اندیشه برخوردار می گردد و با دیدۀ غیبی با جهان غیب آشنا می شود و غیب برای او مبدّل به شهود می گردد، [(3)](#content_note_20_3)که از این مرتبۀ از عقل،در نصوص اسلامی به«یقین»تعبیر می شود.

مبدأ تفکّر

کاربرد دیگر عقل در متون اسلامی،مبدأ فکر و اندیشه است.در این کاربرد، عقل به عنوان منشأ«الفطنه (زیرکی)»و«الفهم (دانستن)»و«الحفظ (نگهداری)» [(4)](#content_note_20_4)تعریف می شود و«دِماغ»،جایگاه آن معرفی می گردد. [(5)](#content_note_20_5)

آیات و احادیثی که بر تعقّل و تفکّر تأکید می کنند و نیز احادیثی که عقل تجربی و عقل تعلّمی را در کنار عقل طبع و عقل موهبتی مطرح می نمایند،نمونه هایی از استعمال واژۀ عقل در مبدأ اندیشه است.

مبدأ الهام

وجدان اخلاقی،نیرویی است در متن وجود انسان که او را به ارزشهای اخلاقی دعوت می کند و از ضدّ ارزشها باز می دارد.به عبارت دیگر،احساس جاذبۀ فطری

ص:20

1- (1) .همان.

2- (2) .ر.ک:ص 51،53 و 55.

3- (3) .ر.ک:العلم و الحکمه فی الکتاب والسنه،ص 1 (ح 3).

4- (4) .ر.ک:حدیث 55 و 287.

5- (5) .ر.ک:حدیث 19،20 و 21.

نسبت به ارزشهای اخلاقی و احساس نفرت طبیعی نسبت به ضدّ ارزشها،وجدان اخلاقی نامیده می شود.

اگر انسان خود را از همۀ عقاید و سنن و آداب مذهبی و اجتماعی جدا فرض کند و مفهوم عدل و ظلم،خیر و شرّ،صدق و کذب،وفای به عهد و عهدشکنی را تصوّر نماید،فطرت او داوری می کند که عدل،خیر،صدق و وفای به عهد،زیباست و ظلم، شرّ،کذب و عهد شکنی،زشت است. [(1)](#content_note_21_1)

احساس جاذبه نسبت به ارزشها و نفرت نسبت به ضدّ ارزشها،از نظر قرآن کریم، الهام الهی است:

وَ نَفْسٍ وَ مٰا سَوّٰاهٰا فَأَلْهَمَهٰا فُجُورَهٰا وَ تَقْوٰاهٰا. 2

سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترد.سوگند به نفْس و آن کس که آن را درست کرد.

این احساس و الهام،اساسی ترین بخشهای هدیۀ معرفتی خداوند متعال به انسان است و مبدأ آن،یعنی شعور مرموزی که احساس ارزشهای اخلاقی را در انسان به وجود می آورد،در متون اسلامی،عقل نامیده می شود و همۀ ارزشهای اخلاقی،جنود عقل [(2)](#content_note_21_2)،و همۀ ضد ارزشها،جنود جهل شمرده می شوند.

توجّه به یک نکته

در برخی از کتب فلسفی،سخنی به امام علی علیه السلام دربارۀ تفسیر عقل نسبت داده شده که منطبق با یکی از معانی عقل در فلسفه است.متن سخن این است:

قال السائل:یا مولای وما العقل؟قال علیه السلام:العقل جوهر درّاک،محیط بالأشیاء من جمیع جهاتها،عارف بالشیء قبل کونه فهو عله الموجودات ونهایه المطالب. [(3)](#content_note_21_3)

پرسشگر گفت:«آقای من! خرد چیست؟».فرمود:«خرد،گوهری درک کننده

ص:21

1- (1) .ر.ک:کتاب الحسن و قبح عقلی،ص 49.

2- (3) .ر.ک:ص 123.

3- (4) .اتحاد عاقل به معقول،ص 12.

است که بر حقایق از همۀ جهتْ احاطه دارد،اشیا را قبل ازآفرینش می شناسد.

این گوهر،سبب و علّت موجودات و پایان خواسته ها است».

با همۀ تفحّصی که در منابع حدیثی در این زمینه انجام گرفت،مصدری برای آن،یافت نشد.

ب) کاربردهای عقل در نتیجۀ ادراکات

شناخت حقایق

در نصوص اسلامی،کلمۀ عقل،علاوه بر استعمال در مبدأ ادراکات شعور مُدرِک، گاه در مُدرَکات عقلی و شناخت حقایق مربوط به مبدأ و معاد و آگاهی نیز به کار می رود.نمونه آن،احادیثی است که عقل را در کنار انبیای الهی،حجّت باطنی خداوند متعال معرّفی می کنند. [(1)](#content_note_22_1)همچنین احادیثی که عقل را قابل تعلّم می دانند،یا آن را به معیار ارزش انسان،و پاداش اعمال او ذکر می کنند،یا عقل را به«طبع»و«تجربه»، و«مطبوع»و«مسموع»تقسیم می کنند،مقصود از عقل،شناخت و آگاهی است.

کار بر پایۀ خرد

گاه کلمۀ عقل،در عمل کردن به مقتضای قوّه عاقله-از باب مبالغه-به کار می رود؛چنانکه از پیامبر اسلام در تعریف عقل روایت شده است:

العمل بطاعه اللّٰه،و إن العمال بطاعه اللّٰه هم العقلاء. [(2)](#content_note_22_2)

خرد،پیروی از دستورهای خداوند است.به درستی که خردمندان،کسانی اند که فرمان خداوند را پیروی می کنند.

یا از امام علی علیه السلام روایت شده است:

العقل أن تقول ما تعرف و تعمل بما تنطق به. [(3)](#content_note_22_3)

ص:22

1- (1) .ر.ک:ص 91.

2- (2) .ر.ک:حدیث 361.

3- (3) .ر.ک:حدیث 350.

خرد،آن است که آنچه می دانی،بر زبان آوری و به آنچه می گویی،عمل کنی.

جهل نیز مانند عقل،در عمل کردن به مقتضای نادانی به کار رفته است؛مثلاً آمده است:

وکل جهل عملته... [(1)](#content_note_23_1)

و هر نادانی را که انجام دادم...

زندگی عقل

عقل،حیات روح است؛لیکن خود او نیز از نظر نصوص اسلامی،حیات و مرگ دارد،و تکامل مادّی و معنوی انسان،در گرو حیات آن است.رمز اصلی حیات عقلی بشر،زنده شدن قوّۀ عاقله،به معنای وجدان اخلاقی اوست و این،یکی از رازهای اصلی بعثت انبیای الهی است.

امام علی علیه السلام با جملۀ

«و یثیروا لهم دفائن العقول [(2)](#content_note_23_2)؛ گنجینه های خرد را در آنان، آشکار کنند»،به فلسفۀ بعثت انبیاء اشاره کرده است.

زنده کردن اندیشه در جهت کشف اسرار طبیعت،از انسان ساخته است؛ولی زنده کردن عقل در زمینۀ شناخت کمال مطلق و برنامه ریزی جهت حرکت در مسیر مقصد اعلای انسانیت،جز از انبیای الهی ساخته نیست.

آنچه در کتاب و سنّت دربارۀ عقل و جهل،از اسباب و موانع عقل و آثار و علائم و احکام آن آمده است،همگی مربوط به این معنا از معانی عقل و اندیشه است.

هنگامی که انسان در پرتو تعالیم پیامبران الهی به بالاترین مراتب حیات عقلی رسید،به نورانیت و معرفتی دست می یابد که نه تنها خطاپذیر نیست؛بلکه او را تا رسیدن به مقصد اعلای انسانیت همراهی می کند.علی علیه السلام در این باره می فرماید:

خردش را زنده گردانید و نفسش را میرانید تا پیکر ستبر او لاغر شد و دل سختش به لطافت گرایید؛فروغی سختْ روشن بر او تابید و راهش را روشن ساخت و به راه راستش روان داشت؛درها او را به آستان سلامت و سرای

ص:23

1- (1) .مفاتیح الجنان،دعای کمیل. [1]

2- (2) .ر.ک:حدیث 608.

اقامت راندند.و به آرامشی که در بدنش پدید آمده بود،پاهایش در قرارگاه ایمنی و آسایش استوار بماند؛به آنچه دل خود را به کار واداشت و پروردگارش را خشنود ساخت. [(1)](#content_note_24_1)

بر این اساس و بر مبنای آنچه در کتاب«العلم و الحکمه فی الکتاب والسنه»،در تعریف علم و حکمت حقیقی بیان کردیم،علم و حکمت و عقل،در متون اسلامی سه تعبیر مختلف از یک نیروی نورانیِ سازندۀ باطنی در وجود انسان است.این نیرو،از آن جهت که انسان را به تکامل مادّی و معنوی هدایت می کند،نورِ علم،و به دلیل آنکه از استحکامی برخوردار است که خطاپذیر نیست،حکمت حقیقی،و به لحاظ آنکه انسان را به انتخاب کردار نیک،وادار می سازد و از لغزشهای فکری و عملی باز می دارد،عقل نامیده می شود.بررسی مبادی،اسباب و آثار،آفات و موانع علم، حکمت [(2)](#content_note_24_2)و عقل [(3)](#content_note_24_3)به روشنی این مدّعا را اثبات می کند.

عقل نظری و عقل عملی

در تفسیر عقل نظری و عقل عملی،دو نظریه وجود دارد:

نظریه اوّل این است که عقل،مبدأ ادراک است و در این مورد،تفاوتی میان عقل نظری و عقل عملی وجود ندارد؛بلکه تفاوت در هدف است.اگر هدف از ادراکِ چیزی،شناخت بود،مبدأ ادراک آن،عقل نظری نامیده می شود؛مانند شناخت حقیقت هستی؛و اگر هدف از ادراکِ چیزی عمل بود،مبدأ ادراک آن،عقل عملی نامیده می شود؛مانند شناختِ نیکو بودنِ عدل و زشت بودن ظلم،پسندیده بودن صبر،ناپسند بودن جزع و...این نظریه به مشهور فلاسفه نسبت داده شده است.

بر اساس این نظریه،عقل عملی،مبدأ ادراک است نه تحریک.

نظریۀ دوم،این است که تفاوتِ میانِ عقل نظری و عقل عملی،جوهری است، یعنی تفاوت در مبدأ ادراک بودن آنهاست.عقل نظری،مبدأ ادراک است؛خواه هدف از ادراک،معرفت باشد یا عمل؛و عقل عملی،مبدأ تحریک است و نه ادراک.

ص:24

1- (1) .نهج البلاغه،خطبۀ 230. [1]

2- (2) .ر.ک:العلم والحکمه فی الکتاب والسنه،ص 145،157 و 183.

3- (3) .ر.ک:ص 101،122،211 و 235.

وظیفۀ عقل عملی،اجرای مدرَکات عقلی نظری است.

نخستین کسی که این نظریه را در برابر مشهور اختیار کرده،ابن سینا و پس از وی،قطب الدین رازی،صاحب محاکمات و اخیراً محقّق نراقی،صاحب جامع السعادات است. [(1)](#content_note_25_1)

به نظر می رسد که نظریۀ نخست،به مفهوم کلمۀ عقل،نزدیک تر است وصحیح تر آن است که عقل عملی،به مبدأ ادراک و تحریک تفسیر شود؛زیرا شعوری که بایدها و نبایدهای اخلاقی و عملی را هدف قرار می دهد،هم مبدأ ادراک است و هم مبدأ تحریک،و این نیروی ادراکی،همان است که قبلاً وجدان اخلاقی نامیده شد و در نصوص اسلامی در بارۀ آن آمده:

«عقل طبع نام کما سنوضّحه» .

عقل طبع و عقل تجربه

در متون اسلامی به جای تقسیم عقل به نظری و عملی،تقسیم بندی دیگری وجود دارد و آن،تقسیم عقل به«عقل طبع»و«عقل تجربه»یا«عقل مطبوع»و«عقل مسموع»است.امام علی علیه السلام می فرماید:

العقل عقلان:عقل الطبع و عقل التجربه،و کلاهما یؤدی المنفعه.

عقل دو گونه است:طبیعی و تجربی،و هر دو سودآور است.

و نیز فرموده است: رأیت العقل عقلین

عقل را دو گونه یافتم،طبیعی و شنیدنی.عقل شنیدنی،بدون عقل طبیعی، سودمند نیست؛چنانکه با فقدان نور چشم،خورشید،سودی ندارد [(2)](#content_note_25_2).

جالب توجّه است که همین تقسیم،دربارۀ علم از آن حضرت روایت شده است:

العلم علمان:مطبوع و مسموع و لاینفع المسموع اذا لم یکن المطبوع. [(3)](#content_note_25_3)

ص:25

1- (1) .برای توضیح بیشتر ر.ک:«حسن و قبح عقلی»،فصل ششم:«عقل نظری و عقل عملی».

2- (2) .ر.ک:ص 45. [1]

3- (3) .ر.ک:العلم والحکمه فی الکتاب والسنه،ص 36 (ح 4). [2]

دانش،دو گونه است:طبیعی و شنیدنی.دانش شنیدنی،بدون دانش طبیعی، سودمند نیست.

سؤال این است که عقل و علم مطبوع چیست و چه تفاوتی با عقل و علم مسموع دارد،و چرا اگر عقل و علم مطبوع نباشد،عقل تجربه و علم مسموع برای انسان مفید نیست؟

پاسخ این است که به حسب ظاهر،مقصود از عقل و علم مطبوع،معارفی است که خداوند متعال در طبیعت همۀ انسانها نهاده،تا بتوانند راه کمال را بیابند و به مقصد نهایی آفرینش خود،راه یابند.قرآن کریم،از این معارف فطری به الهام فجور و تقوا تعبیر کرده است:

وَ نَفْسٍ وَ مٰا سَوّٰاهٰا فَأَلْهَمَهٰا فُجُورَهٰا وَ تَقْوٰاهٰا. 1

سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترد؛سوگند به نفْس و آن کس که آن را درست کرد.

که امروزه آن را وجدان اخلاقی می نامند.

عقل طبع و یا وجدان اخلاقی،هم مبدأ ادراک است و هم مبدأ تحریک،و اگر بر اساس تعالیم پیامبران الهی احیا شود و رشد کند،انسان می تواند از سایر معارفی که از طریق تحصیل وتجربه اندوخته است،بهره گیرد وبه حیات طیّبۀ انسانی دست یابد.

اگر عقل طبع در اثر پیروی از هواهای نفسانی و وساوس شیطانی بمیرد،هیچ معرفتی برای رساندن انسان به زندگی مطلوب او سودمند نیست.همان گونه که در کلام زیبای امیرالمؤمنین آمده،عقل طبع،نقش شمع را دارد و عقل تجربه،نقش خورشید را.برای دیدن حقایق،هم چشم سالم لازم است و هم نور خورشید،و همان طور که نور خورشید نمی تواند جلوی لغزش نابینا را بگیرد،عقل تجربه هم نمی تواند مانع لغزش و انحطاط کسانی گردد که عقل طبع و وجدان اخلاقی آنها مرده است.

فرق عاقل و عالم

در درآمد کتاب العلم و الحکمه فی الکتاب والسنه،توضیح دادیم که واژۀ علم،در

ص:26

نصوص اسلامی دو کاربرد دارد:یکی جوهر وحقیقت علم،ودیگر،پوسته وظاهر دانش.

در کاربرد اوّل،عقل و علم تلازم دارند،همان گونه که امیرالمؤمنین فرموده است:

العقل و العلم مقرونان فی قرن لا یفترقان ولایتباینان. [(1)](#content_note_27_1)

خرد و دانش همراه اند،نه از یکدیگر جدا شوند و نه با یکدیگر ستیز کنند.

و بر این مبنا فرقی میان عالم و عاقل نیست.عاقل،عالم است و عالم،عاقل.

خداوند نیز فرموده است:

تِلْکَ الْأَمْثٰالُ نَضْرِبُهٰا لِلنّٰاسِ وَ مٰا یَعْقِلُهٰا إِلاَّ الْعٰالِمُونَ. 2

و این مَثَلها را برای مردم می زنیم؛و[لی] جز دانشوران آنها را در نیابند.

امّا در کاربرد دوم،عاقل و عالم متفاوت اند و علم،به عقل نیازمند؛چرا که ممکن است کسی عالم باشد،ولی عاقل نباشد.اگر علم همراه عقل شد،برای عالِم و عالَم سودمند است،و اگر از عقل جدا شود،نه تنها سودمند نیست،بلکه زیانبار و خطرناک است.

خطر علمِ بدون عقل

به فرمودۀ امام علی علیه السلام:

العقل لم یجن علی صاحبه قطّ والعلم من غیر عقل یجنی علی صاحبه [(2)](#content_note_27_2).

خرد،هرگز،بر صاحبش جنایت نورزد؛امّا دانشِ بدون خرد،بر صاحب خویش جفا کند.

در جهان امروز،علم رشد کرده؛ولی عقل کاهش یافتۀ جامعۀ کنونی،مصداق این فرمایش آن امامِ بزرگ است که می فرماید:

من زاد علمه علی عقله کان وبالاً علیه. [(3)](#content_note_27_3)

ص:27

1- (1) .ر.ک:حدیث 275 و ص 127.

2- (3) .ر.ک:حدیث 105.

3- (4) .ر.ک:حدیث 107.

آنکه دانش وی بر خردش افزون شود،باری بر او باشد.

و مصداق این شعر إذا کنت ذا علم و لم تک عاقلاً فأنت کذی نعل لیس له رجل [(1)](#content_note_28_1)

اگر دانشورِ بدون خردی،به سان کسی باشی که نعل دارد،ولی پا ندارد.

امروز علم در اثر جدا شدن از عقل،به جای آنکه عامل آرامش و آسایش و رشد و تکامل مادّی و معنوی جامعۀ بشر باشد،موجب ناامنی و اضطراب و فساد و انحطاط مادّی و معنوی انسانها گردیده است.

در جهان امروز،علم به صورت ابزاری درآمده برای رسیدن به مطامع سیاسی و اقتصادی و لذایذِ مادّیِ جمعی رفاه طلب و مستکبر و بی عقل که با استفادۀ از این ابزارِ کارآمد،بیش از هر زمان دیگر،توده های مردم را به انحراف و استضعاف می کشند.

تا علم در کنار عقل قرار نگیرد و عقل به موازات علم،رشد نکند،جامعۀ بشر روی آرامش و آسایش را نخواهد دید،و به گفتۀ امام علی علیه السلام:

أفضل ما منّ اللّٰه سبحانه به علی عباده علم و عقل،و ملک و عدل. [(2)](#content_note_28_2)

برترین بخشش خداوند بر بندگانش دانش و خرد است و حکمرانی و عدالت پیشگی.

بنابر این،علم در جهان امروز،بیش از هر وقت دیگر،نیازمند عقل است و کتاب «خِرد گرایی در قرآن و حدیث»که اینک در برابر شماست،بیش از هر زمان دیگر، کاربرد فرهنگی،اجتماعی و سیاسی دارد.

ص:28

1- (1) .ر.ک:حدیث 110.

2- (2) .ر.ک:حدیث 108.

## بخش اول:خرد

### اشاره

ص:29

الفصل الأوّل

مَعرِفَهُ العَقلِ

1/1

حَقیقَهُ العَقلِ

1-رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله: العَقلُ نورٌ خَلَقَهُ اللّٰهُ لِلإِنسانِ،وجَعَلَهُ یُضیءُ عَلَی القَلبِ لِیَعرِفَ بِهِ الفَرقَ بَینَ المُشاهَداتِ مِنَ المُغَیَّباتِ [(1)](#content_note_30_1).

2-عنه صلی الله علیه و آله: العَقلُ نورٌ فِی القَلبِ،یُفَرِّقُ بِهِ بَینَ الحَقِّ والباطِلِ [(2)](#content_note_30_2).

3-عنه صلی الله علیه و آله: مَثَلُ العَقلِ فِی القَلبِ کَمَثَلِ السِّراجِ فی وَسَطِ البَیتِ [(3)](#content_note_30_3).

4-الإمام علیّ علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:الرّوحُ حَیاهُ البَدَنِ،وَالعَقلُ حَیاهُ الرّوحِ [(4)](#content_note_30_4).

5-الإمام الصادق علیه السلام: خَلَقَ اللّٰهُ تَعالَی العَقلَ مِن أربَعَهِ أشیاءَ:مِنَ العِلمِ،وَالقُدرَهِ،

ص:30

1- (1) عوالی اللآلی:4/248/1. [1]

2- (2) إرشاد القلوب:198؛ [2]ربیع الأبرار:137/3. [3]

3- (3) علل الشرایع:1/98 [4] عن عمر بن علی عن أبیه الإمام علی علیه السلام.

4- (4) شرح نهج البلاغه:204/278/20.

### فصل یکم:شناخت خرد

#### 1/1 حقیقت خرد

1.پیامبر صلی الله علیه و آله: خرد،نوری است که خداوند،آن را برای انسان آفرید و وسیلۀ روشنی بخشی دل قرار داد،تا بدان،تفاوت دیدنی ها را از نادیدنی ها بازشناسد.

2.پیامبر صلی الله علیه و آله: خرد،نوری است در دل که بدان،میان حقّ و باطل را جدا می کند.

3.پیامبر صلی الله علیه و آله: خرد در دل،مانند چراغ در میان خانه است.

4.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:جان،حیات تن و خرد،حیات جان است.

5.امام صادق علیه السلام: خداوند،خرد را از چهار چیز آفرید:دانش،قدرت،نور و ارادۀ کاری.پس آن را متّکی بر دانش و جاودانه در ملکوت،قرار داد.

ص:31

وَالنّورِ،والمَشیئَهِ بِالأَمرِ،فَجَعَلَهُ قائِمًا بِالعِلمِ دائِمًا فِی المَلَکوتِ [(1)](#content_note_32_1).

6-عنه علیه السلام: قِوامُ الإِنسانِ وبَقاؤُهُ بِأَربَعَهٍ:بِالنّارِ،وَالنّورِ،وَالرّیحِ،وَالماءِ.فَبِالنّارِ یَأکُلُ ویَشرَبُ،وبِالنّورِ یُبصِرُ ویَعقِلُ...ولَولا أنَّ النّورَ فی بَصَرِهِ لَما أبصَرَ ولا عَقَلَ [(2)](#content_note_32_2).

7-الإمام الکاظم علیه السلام: إنَّ ضَوءَ الرّوحِ العَقلُ [(3)](#content_note_32_3).

2/1 خَلقُ العَقلِ وَالجَهلِ

الکتاب

وَ نَفْسٍ وَ ما سَوّاها \* فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها [(4)](#content_note_32_4).

وَ لا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوّامَهِ [(5)](#content_note_32_5).

وَ ما أُبَرِّئُ نَفْسِی إِنَّ النَّفْسَ لَأَمّارَهٌ بِالسُّوءِ إِلاّ ما رَحِمَ رَبِّی إِنَّ رَبِّی غَفُورٌ رَحِیمٌ [(6)](#content_note_32_6).

\* الحدیث

8-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالی خَلَقَ العَقلَ مِن نورٍ مَخزونٍ مَکنونٍ فی سابِقِ عِلمِهِ الَّذی لَم یَطَّلِع عَلَیهِ نَبِیٌّ مُرسَلٌ ولا مَلَکٌ مُقَرَّبٌ [(7)](#content_note_32_7).

9-عنه صلی الله علیه و آله: أوَّلُ ما خَلَقَ اللّهُ سُبحانَهُ وتَعالَی العَقلُ [(8)](#content_note_32_8).

10-عنه صلی الله علیه و آله: خَلَقَ [اللّهُ] العَقلَ فَاستَنطَقَهُ فَأَجابَهُ،فَقالَ:وعِزَّتی وجَلالی ما خَلَقتُ خَلقًا هُوَ أحَبُّ إلَیَّ مِنکَ،[بِکَ] آخُذُ وبِکَ اعطی،وعِزَّتی لَاُکَمِّلَنَّکَ فیمَن أحبَبتُ،ولَأَنقُصَنَّکَ فیمَن أبغَضتُ [(9)](#content_note_32_9).

ص:32

1- (1) الاختصاص:244.

2- (2) الخصال:62/227 عن المفضّل بن عمر.

3- (3) تحف العقول:396.

4- (4) الشمس:7 و 8. [1]

5- (5) القیامه:2. [2]

6- (6) یوسف:53. [3]

7- (7) معانی الأخبار:1/313،الخصال:4/427 کلاهما عن یزید الکحّال عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام،الأمالی للطوسی:1164/542 [4] عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علیّ علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله،مشکاه الأنوار:250، [5]روضه الواعظین:7. [6]

8- (8) حلیه الأولیاء:318/7 عن عائشه؛عوالی اللآلی:141/99/4، [7]المحجّه البیضاء:7/5،سعد السعود:202 [8] وفیه«وکان المسلمون قد رووا:...إلخ»،بحارالأنوار:8/97/1. [9]

9- (9) مسند زید:409 عن زید عن أبیه عن جدّه عن الإمام علیّ علیهم السلام؛وراجع:نوادر الاُصول:60/2.

6.امام صادق علیه السلام: بنیاد و بقای انسان به چهار چیز است:آتش،نور،باد و آب؛با آتش می خورد و می نوشد،با نور می بیند و تعقّل می کند...؛و اگر در چشم آدمی نور نبود،توان دیدن و خردورزی نداشت.

7.امام کاظم علیه السلام: خرد،روشنایی جان است.

ر.ک:ص 19«درآمد»/حدیث 293 و 294«مبدأ معارف انسانی».

#### 2/1 آفرینش خرد و نادانی

قرآن

سوگند به نفْس و آن کس که آن را درست کرد؛سپس پلیدی و پرهیزکاری اش را به آن الهام کرد.

و سوگند به وجدان بیدار و ملامتگر [نفْس لوّامه] (که رستاخیز حقّ است).

و من نفْس خود را تبرئه نمی کنم؛چرا که نفْس،قطعاً به بدی امر می کند،مگر کسی را که خدا به او رحم کند؛زیرا پروردگار من آمرزندۀ مهربان است.

حدیث

8.پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند تبارک و تعالی،خرد را از نور ذخیره شده و پنهان در علم پیشین خود،آفرید؛دانشی که هیچ پیامبر مرسل و فرشتۀ مقرّبی بر آن آگاهی نیافت.

9.پیامبر صلی الله علیه و آله: خرد،نخستین آفریدۀ خداوند سبحان است.

10.پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند،خرد را آفرید؛سپس او را به سخن آورد و او پاسخ داد.

آن گاه خداوند فرمود:سوگند به عزّت و جلالم که آفریده ای دوست داشتنی تر از تو نیافریدم؛به وسیلۀ تو می گیرم و می بخشم.به جلالم سوگند که تو[خرد] را در هر که دوست بدارم،کامل سازم و در هر کس که مبغوض بدارم،ناقص بگذارم.

ص:33

11-الإمام علیّ علیه السلام: إنَّ اللّهَ عز و جل رَکَّبَ فِی المَلائِکَهِ عَقلًا بِلا شَهوَهٍ،ورَکَّبَ فِی البَهائِمِ شَهوَهً بِلا عَقلٍ،ورَکَّبَ فی بَنی آدَمَ کِلَیهِما،فَمَن غَلَبَ عَقلُهُ شَهوَتَهُ فَهُوَ خَیرٌ مِنَ المَلائِکَهِ،ومَن غَلَبَت شَهوَتُهُ عَقلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ البَهائِمِ [(1)](#content_note_34_1).

12-الإمام الصادق علیه السلام: إنَّ اللّهَ عز و جل خَلَقَ العَقلَ وهُوَ أوَّلُ خَلقٍ مِنَ الرّوحانِیّینَ عَن یَمینِ العَرشِ مِن نورِهِ،فَقالَ لَهُ:أدبِر فَأَدبَرَ،ثُمَّ قالَ لَهُ:أقبِل فَأَقبَلَ،فَقالَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالی:خَلَقتُکَ خَلقًا عَظیمًا وکَرَّمتُکَ عَلی جَمیعِ خَلقی.

ثُمَّ خَلَقَ الجَهلَ مِنَ البَحرِ الاُجاجِ ظُلمانِیًّا فَقالَ لَهُ:أدبِر فَأَدبَرَ؛ثُمَّ قالَ لَهُ:أقبِل فَلَم یُقبِل،فَقالَ لَهُ:اِستَکبَرتَ،فَلَعَنَهُ [(2)](#content_note_34_2).

13-عنه علیه السلام -فی قَولِ اللّهِ عز و جل: فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها -:بَیَّنَ لَها ما تَأتی وما تَترُکُ [(3)](#content_note_34_3).

14-عنه علیه السلام -فی قَولِهِ تَعالی: وَ نَفْسٍ وَ ما سَوّاها -:خَلَقَها وصَوَّرَها، وقَولُهُ: فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها أی عَرَّفَها وألهَمَها،ثُمَّ خَیَّرَها فَاختارَت [(4)](#content_note_34_4).

ص:34

1- (1) علل الشرایع:1/4، [1]مشکاه الأنوار:251 [2] عن الإمام الصادق علیه السلام نحوه،بحارالأنوار:5/299/60. [3]

2- (2) الکافی:14/21/1، [4]الخصال:13/589،علل الشرایع:10/114، [5]المحاسن:620/311/1، [6]مشکاه الأنوار:252 [7] ولیس فیه«من البحر الاُجاج ظلمانیًّا»وکلّها عن سماعه بن مهران،بحارالأنوار:7/109/1. [8]

3- (3) الکافی:3/163/1، [9]التوحید:4/411،المحاسن:993/430/1 [10] کلّها عن حمزه بن الطیّار،الاعتقادات:36، [11]تفسیر مجمع البیان:755/10 عن زراره وحمران ومحمّد بن مسلم عن الإمام الباقر والإمام الصادق علیهما السلام،بحار الأنوار:3/196/5. [12]

4- (4) تفسیر القمّی:424/2 [13]عن أبی بصیر،بحار الأنوار:4/70/24. [14]

11.امام علی علیه السلام: خداوند عزّوجلّ،در نهاد فرشتگانْ خردی بدون شهوت،نهاد و در چارپایان،شهوتی بدون خرد آفرید؛امّا در آدمیان،خرد و شهوت را با هم نهاد.پس هر آن کس خردش بر شهوتش پیروز گردد،از فرشتگان برتر است و هر آن کس که شهوتش بر خردش غالب گردد،از چارپایانْ پست تر است.

12.امام صادق علیه السلام: خداوند،خرد را که نخستین آفریدۀ روحانی او در سمت راست عرش خود است،از نور خود آفرید.آن گاه بدو گفت:«پشت کن».او نیز پشت کرد.پس فرمود:«روی آور».خرد نیز روی آورد.پس از آن،خداوندِ تبارک و تعالی فرمود:تو را آفریده ای بزرگ آفریدم و بر تمام آفریده هایم ارجمند داشتم.پس از آن،جهل و نادانی را از دریای شور و تاریکْ خلق کرد و بدان فرمود:«پشت کن».او نیز پشت کرد.پس فرمود:«روی آور».پس او رو نیاورد.

آنگاه به جهل فرمود:«گردنکشی کردی».پس او را لعنت کرد.

13.امام صادق علیه السلام -در تفسیر آیۀ «فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها» -:[خداوند] برای عقل روشن ساخت چه کاری انجام دهد و از چه چیزی دوری گزیند.

14.امام صادق علیه السلام -در تفسیر آیۀ «وَ نَفْسٍ وَ ما سَوّاها» -:[خداوند] نفس آدمی را آفرید و صورت داد؛-و در تفسیر آیۀ «فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها» فرمود-:

[خداوند،] به نفس،خوبی ها و بدی ها را شناساند و الهام کرد.آن گاه مخیّرش کرد و او برگزید.

ر.ک:حدیث 272.«لشکریان خرد و نادانی»

#### چشم اندازی بر آفرینش عقل و جهل

آفرینش عقل و جهل،چگونگی ترکیب این دو عنصر متضاد و فلسفۀ ترکیب آنها در انسان،از اصلی ترین مسائل انسان شناسی اسلامی و مهمترین مبانی تربیتی در این آیین الهی است و اینک،با الهام از احادیث این باب،توضیحات کوتاهی در بارۀ این مسائل،ارائه می شود:

ص:35

1.خلقت عقل

در پرتو احادیثی که ذکر شد.می توان گفت که مقصود از خلقت عقل،آفرینش شعور مرموزی است که حقیقت آن را خدا می داند و بس.لذا نمی توان انتظار داشت که تحقیقات علمی،بتواند کُنه نیروی عقل را کشف کند؛لیکن از طریق ویژگی ها و علائم،می توان این پدیده را تعریف کرد.مهمترین این خصائص،عبارت اند از:

الف) نخستین آفریده

این خصوصیّت که در چند حدیث [(1)](#content_note_36_1)مورد توجّه است،ممکن است اشاره به این نکته باشد که هویت واقعی انسان،چیزی جز عقل نیست؛نکته ای که در روایات دیگر نیز بدان تصریح شده است. [(2)](#content_note_36_2)طبق این احادیث،اصل و اساس انسان در خلقت،عقل است و دیگر چیزها به تبعِ عقل برای او آفریده شده است.

ب) آفرینش از نور

اشاره به این است که کار اصلی عقل،روشنگری، [(3)](#content_note_36_3)واقع نمایی،آینده نگری و قراردادن انسان در مسیر عقاید،اخلاق و اعمال شایسته [(4)](#content_note_36_4)و در یک جمله، رساندن به کمال است.

ج) حق گرایی محض

نیروی عقل،تسلیمِ محضِ حقّ است و اگر تنها باشد و با جهل آمیخته نگردد،از حق تبعیت می کند و چیزی جز حق را نمی پذیرد:

...فقال له:أدبر،فأدبر،ثمّ قال له:أقبل،فأقبل. [(5)](#content_note_36_5)

[خداوند] بدو [عقل] فرمود:«پشت کن»؛او نیز پشت کرد.سپس فرمود:

ص:36

1- (1).ر.ک:حدیث 9 و 12 و 272.

2- (2) .ر.ک:ص 51:«ارزش خرد».

3- (3) .ر.ک:ص 31.

4- (4) .ر.ک:حدیث 272.

5- (5) .ر.ک:حدیث 12.

«روی آور».پس او روی آورد.

2.آفرینش جهل

در نگاه ابتدایی به نظر می رسد که آفرینش جهلْ بی معناست؛چه اینکه جهل، عدم علم است و عدم،آفرینش ندارد.بنابر این،باید احادیثی را که دلالت بر خلقت جهل دارد،توجیه کرد.لیکن با تأمّل در این روایات،معلوم می شود که مقصود از خلقت جهل،آفرینش شعور مرموزی است در مقابل عقل که به لحاظ آنکه انسان را به کارهای ناشایست دعوت می کند،«جهل»و«حمق»،و به لحاظ آنکه او را به زشتی ها وا می دارد،«نفس أمّاره بالسوء»و به لحاظ آنکه کارهای زشت را لذیذ و دلپذیر جلوه می دهد،«شهوت» [(1)](#content_note_37_1)نامیده می شود،و ویژگی هایی بدین شرح دارد:

الف) پس از عقل آفریده شد

این خصوصیت،اشاره به آن است که وجود جهل،یک وجود تبعی است و به دنبال آفرینش عقل با فلسفه و حکمت خاص خود،در وجود انسان قرار داده می شود.

ب) آفرینش از تلخی و تاریکی

در مقابل نیروی عقل که از نور آفریده شده،نیروی جهل از تلخی و تاریکی آفریده شده است و این اشاره بدان است که مقتضای نیروی جهل،ندیدن حقایق، گرایش به باورهای موهوم و اخلاق و اعمال ناشایست و در یک جمله،ضلالت و گمراهی است [(2)](#content_note_37_2)و ثمری جز تلخی و ناکامی ندارد.

ج) باطل گرایی محض

برخلاف عقل،نیروی جهل،تسلیم محض باطل است و اگر تنها باشد،هیچ گاه از حقّ تبعیت نمی کند.

ص:37

1- (1) .ر.ک:حدیث ح 11.

2- (2) .ر.ک:ص 292.

فقال له:«أدبر»فأدبر،ثمّ قال له:«أقبل»فلم یقبل [(1)](#content_note_38_1).

پس [خداوند] بدو [جهل] فرمود:«پشت کن»،او نیز پشت کرد.سپس بدو فرمود:«رو آور».پس رو نیاورد.

3.ترکیب عقل و جهل

یکی از مهمترین نکاتی که دربارۀ خلقت عقل و جهل،قابل تأمّل است،مسئلۀ ترکیب این دو عنصر در وجود انسان است.امام علی علیه السلام دربارۀ شرح این ترکیب فرمود:

إنّ اللّه-عزّوجلّ-رکّب فی الملائکه عقلاً بلا شهوه،ورکّب فی البهائم شهوه بلا عقل،ورکّب فی بنی آدم کلیهما [(2)](#content_note_38_2).

خداوند،در نهاد فرشتگان،خردی بدون شهوت نهاد و در چارپایان،شهوتی بدون خرد آفرید؛امّا در آدمیان،خرد و شهوت را با هم قرار داد.

عنصر جهل در این سخن،شهوت نامیده شده است.فرشتگان،فقط از عنصر عقل برخوردارند و بهائم،فقط از عنصر شهوت.فرشته،عقل محض است و بهیمه، جهل محض.انسان نیز ترکیبی است از عقل و جهل،یا عقل و شهوت،یا عقل و نفس امّاره.

4.حکمت ترکیب عقل و جهل

مهمترین مسئله در مورد آفرینش عقل و جهل،حکمت و فلسفۀ ترکیب این دو عنصر متضاد است.امّا چرا خداوند حکیم،به انسانْ نفس امّاره داد؟چرا به او شهوت داد تا به جاهلیت گرایش پیدا کند؟چرا به انسان،مانند فرشته،عقل بدون شهوت داده نشد تا هرگز گِرد زشتی ها نگردد؟

پاسخ این است که:چون خداوند حکیم می خواست انسان بیافریند؛چون

ص:38

1- (1) .ر.ک:حدیث 12.

2- (2) .ر.ک:حدیث 11.

می خواست موجودی بیافریند که بتواند انتخاب کند.فلسفه و حکمت و رمز ترکیب عقل و جهل در انسان،آفرینش موجودی آزاد و انتخابگر است.

فرشتگان چون شهوت ندارند،صدور اعمال ناشایست از آنها ممتنع است [(1)](#content_note_39_1)؛لذا نمی توانند جز راهی را که عقل می گوید،انتخاب کنند.بهائم نیز چون عقل ندارند، نمی توانند جز راهی را که شهوتْ آنها را بدان می خواند،انتخاب کنند؛امّا انسان، چون آمیخته ای است از عقل و شهوت،آزاد است و می تواند انتخاب کند.

آنچه موجب برتری خمیرْ مایۀ انسان بر سایر پدیده هاست،آزادی و قدرت انتخاب اوست و شاید همین امر،موجب شد که آفریدگار،هنگام آفرینشْ به خود تبریک گوید. [(2)](#content_note_39_2)از این رو،از پیامبر اسلام روایت شده که فرمود:

ما من شیء أکرم علی اللّه من ابن آدم.قیل:«یا رسول اللّه! ولا الملائکه؟»،قال:

الملائکه مجبورون بمنزله الشّمس والقمر. [(3)](#content_note_39_3)

هیچ چیزی نزد خداوند گرامی تر از فرزندان آدم نیست.گفته شد:حتّی فرشتگان؟فرمود:فرشتگان مانند ماه و خورشید مجبورند.

البته این فضیلت،بالقوه هنگامی فعلیت می یابد که انسان از این آزادی در جهت تکامل اختیار خود،بهره برداری نماید؛امّا اگر از آزادی سوء استفاده کند و در مصاف عقل وشهوت،عقلْ مغلوب گردد،نعمت آزادی به نقمت تبدیل می گردد.لذا امام علیه السلام در ادامۀ سخنی که در تبیین ترکیب عقل و جهل از ایشان نقل کردیم،می فرماید:

فمن غلب عقله شهوته هو خیر من الملائکه،ومن غلبت شهوته عقله فهو شرّ من البهائم. [(4)](#content_note_39_4)

آنکه عقلش بر شهوتش پیروز گردد از فرشتگان برتر است،و آنکه شهوتش بر عقلش غالب گردد،از چارپایانِ پست است.

ص:39

1- (1).سورۀ تحریم،آیۀ 6:« [1]لا یَعْصُونَ اللّهَ ما أَمَرَهُم وَیفْعلُونَ ما یُؤمَرونَ.از آنچه خدا به آنان دستور داده،سرپیچی نمی کنند و آنچه را که مأمورند،انجام می دهند».

2- (2) .سورۀ مؤمنون،آیه 12-14.«و به یقین ایشان را از عصاره ای از گل آفریدیم...آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است».

3- (3) .شعب الإیمان ج 1،ص 153 و 174، [2]تاریخ بغداد ج 4،ص 45 (ش 1652)،الفردوس ج 4،ص 105 (ش 6231)،کنزالعمّال ج 12،ص 192 (ش 34621).

4- (4) .ر.ک:حدیث 11.

3/1 مَوضِعُ العَقلِ

15-الإمام علیّ علیه السلام: إنَّ العَقلَ فِی القَلبِ [(1)](#content_note_40_1).

16-عنه علیه السلام: القَلبُ وهُوَ أمیرُ الجَوارِحِ الَّذی بِهِ تَعقِلُ وتَفهَمُ وتَصدُرُ عَن أمرِهِ ورَأیِهِ [(2)](#content_note_40_2).

17-الإمام الصادق علیه السلام: العَقلُ مَسکَنُهُ فِی القَلبِ [(3)](#content_note_40_3).

18-فی مُناظَرَهِ الإِمامِ الصّادِقِ علیه السلام الطَّبیبَ الهِندِیَّ قالَ [الطَّبیبُ]:أخبِرنی بِمَ تَحتَجُّ فی مَعرِفَهِ رَبِّکَ الَّذی تَصِفُ قُدرَتَهُ ورُبوبِیَّتَهُ،وإنَّما یَعرِفُ القَلبُ الأَشیاءَ کُلَّها بِالدَّلالاتِ الخَمسِ الَّتی وَصَفتُ لَکَ؟

[قالَ علیه السلام ]:بِالعَقلِ الَّذی فی قَلبی،وَالدَّلیلِ الَّذی أحتَجُّ بِهِ فی مَعرِفَتِهِ [(4)](#content_note_40_4).

19-الإمام الصادق علیه السلام: مَوضِعُ العَقلِ الدِّماغُ،ألا تَری أنَّ الرَّجُلَ إذا کانَ قَلیلَ العَقلِ قیلَ لَهُ:ما أخَفَّ دِماغَکَ؟! [(5)](#content_note_40_5)

20-ابنُ عَبّاس: أوحَی اللّهُ تَبارَکَ وتَعالی إلی داودَ علیه السلام...اُنظُر إلَی ابنِکَ فَاسأَلهُ عَن أربَعَ عَشرَهَ کَلِمَهً،فَإِن أخبَرَکَ فَوَرِّثهُ العِلمَ والنُّبُوَّهَ...فَقالَ داودُ لِسُلَیمانَ علیه السلام:أخبِرنی یا بُنَیَّ أینَ مَوضِعُ العَقلِ مِنکَ؟قالَ:الدِّماغُ... [(6)](#content_note_40_6).

21-وَهبُ بنُ مُنَبِّهٍ: إنَّهُ وُجِدَ فِی التَّوراهِ صِفَهُ خَلقِ آدَمَ علیه السلام...وجُعِلَ عَقلُهُ فی دِماغِهِ [(7)](#content_note_40_7).

ص:40

1- (1) الأدب المفرد:547/166 [1] عن عیاض بن خلیفه،شرح نهج البلاغه:10/256/20.

2- (2) الفقیه:3215/627/2.

3- (3) الکافی:218/190/8، [2]علل الشرایع:3/107 [3] کلاهما عن أبی جمیله عمّن ذکره عن الإمام الباقر علیه السلام.

4- (4) بحار الأنوار:153/3 [4] فی نقل الخبر المشتهر بتوحید المفضّل.

5- (5) تفسیر القمّی:239/2 [5] عن أبی خالد القمّاط،تحف العقول:371 وفیه صدره فقط.

6- (6) تفسیر الدرّالمنثور:176/7؛ [6]بحار الأنوار:32/331/61. [7]

7- (7) علل الشرایع:9/110. [8]

#### 3/1 جایگاه خرد

15.امام علی علیه السلام: خرد،در قلب جای دارد.

16.امام علی علیه السلام: قلب،فرمانروای اعضاست که بدان می سنجند و می فهمند و با رأی و دستور قلب به حرکت درمی آیند.

17.امام صادق علیه السلام: جایگاه خرد،قلب است.

18.امام صادق علیه السلام -در گفتگو با پزشک هندی-:پزشک:«به من بگو چگونه بر شناخت پروردگاری که او را به توانایی و ربوبیّت وصف می کنی،استدلال می کنی،حال آنکه قلبْ همه چیز را با حواس پنجگانه که شرح دادم،باز می شناسد؟».امام صادق علیه السلام فرمود:«[شناخت خداوند] با خردی است که در قلب من جای دارد و به برهانی که در شناخت خداوند،بدان استدلال می کنم».

19.امام صادق علیه السلام: جایگاه خرد،مغز است.آیا نمی بینی به انسان کم خرد می گویند:چقدر سبک مغزی؟

20.ابن عبّاس: خداوند تبارک و تعالی به داوود علیه السلام وحی فرستاد:«...به فرزندت بنگر و از چهارده چیز از او پرسش کن،اگر پاسخ گفت،دانش و نبوّت را برایش به ارث گذار»...آن گاه،داوود علیه السلام به سلیمان علیه السلام گفت:«فرزندم! به من بگو جایگاه عقل تو درکجاست؟».سلیمان گفت:«مغز...»

21.وهب بن منبه: دربارۀ چگونگی آفرینش آدم علیه السلام در تورات چنین آمده است:...و خرد او در مغزش گذاشته شد.

ص:41

توضیحی دربارۀ جایگاه خِرد

چنانکه ملاحظه گردید،در پاره ای روایات،«قلب [دل]»جایگاه عقل و ادراک معرّفی شده،در حالی که در پاره ای دیگر،«دماغ [مغز]»،جایگاه ادراک دانسته شده است.

آیا این دو دسته احادیثْ با یکدیگر تعارض دارند یا اداراکات انسانی دو جایگاه دارند و«قلب»و«دماغ»،دو مرکز شناخت و در عرض یکدیگرند؟یا اینکه دو مرکزند و در طول یکدیگر واقع شده اند؟

پاسخ این است که در این روایات،تعارضی نیست و حلّ مسئله در این نکته نهفته است که واژۀ«قلب»،درنصوص اسلامی به چهار معنا به کار رفته است:

1) تصفیه کنندۀ خون.

2) عقل.

3) جایگاه شناخت شهودی.

4) روح.

«قلب»به معنای چهارم،مبدأ اصلی تمامی ادراکات انسانی است و احادیثی که قلب را جایگاه خرد می دانند،به این معنا اشاره دارند.در این صورت،مغز-که به حواس پنج گانه مربوط است-در طول قلب قرار دارد،نه در عرض آن.

برپایه این تصوّر،می توان گفت که جایگاه عقل،دماغ است؛زیرا ادراکات انسانی،از

ص:42

طریق مغز به روح منتقل می گردد و می توان گفت که جایگاه عقل،قلب است؛زیرا هنگامی که قلب به معنای روح باشد،مبدأ تمامی ادراکات حسی،عقلی و شهودی است.

ص:43

4/1 أنواعُ العَقلِ

22-الإمام علیّ علیه السلام: العَقلُ عَقلانِ:عَقلُ الطَّبعِ وعَقلُ التَّجرِبَهِ،وکِلاهُما یُؤَدّی المَنفَعَهَ [(1)](#content_note_44_1).

23-عنه علیه السلام:

رَأَیتُ العَقلَ عَقلَینِ

5/1 زِیادَهُ العَقلِ ونُقصانُهُ فی أدوارِ الحَیاهِ

24-الإمام علیّ علیه السلام: إذا شابَ العاقِلُ شَبَّ عَقلُهُ،إذا شابَ الجاهِلُ شَبَّ جَهلُهُ [(2)](#content_note_44_2).

25-عنه علیه السلام: لا یَزالُ العَقلُ وَالحُمقُ یَتَغالَبانِ عَلَی الرَّجُلِ إلی ثَمانِیَ عَشرَهَ سَنَهً، فَإِذا بَلَغَها غَلَبَ عَلَیهِ أکثَرُهُما فیهِ [(3)](#content_note_44_3).

26-عنه علیه السلام: یَثَّغِرُ [(4)](#content_note_44_4)الصَّبِیُّ لِسَبعٍ،ویُؤمَرُ بِالصَّلاهِ لِتِسعٍ،ویُفَرَّقُ بَینَهُم فِی المَضاجِعِ لِعَشرٍ،ویَحتَلِمُ لِأَربَعَ عَشرَهَ،ویَنتَهی طولُهُ لِإِحدی وعِشرینَ سَنَهً ویَنتَهی عَقلُهُ لِثَمانٍ وعِشرینَ إلَّاالتَّجارِبَ [(5)](#content_note_44_5).

27-عنه علیه السلام: إنَّ الغُلامَ إنَّما یَثَّغِرُ فی سَبعِ سِنینَ،ویَحتَلِمُ فی أربَعَ عَشرَهَ سَنَهً،

ص:44

1- (1) مطالب السؤول:49. [1]

2- (3) غرر الحکم:4169 و 4170. [2]

3- (4) کنزالفوائد:200/1، [3]کشف الغمّه:140/3 [4] عن الإمام الجواد علیه السلام.

4- (5) الاثِّغار:سقوط سنّ الصبی ونباتها (النهایه:213/1). [5]

5- (6) الکافی:8/69/7،و ج 1/46/6، [6]تهذیب الأحکام:738/183/9 کلّها عن عیسی بن زید عن الإمام الصادق علیه السلام وفی الثانی من دون إسناده إلی الإمام علیّ علیه السلام.

#### 4/1 انواع خرد

22.امام علی علیه السلام: خرد،دو گونه است:فطری و اکتسابی،و هر دو،منفعت می رسانند.

23.امام علی علیه السلام: خرد را دو گونه یافتم:سرشتی و شنیدنی [اکتسابی].خرد اکتسابی،بدون خرد فطریْ سودمند نیست؛همان گونه که نور خورشید، بی فروغ چشم،سودی نمی بخشد.

ر.ک:ص 25«درآمد»،«عقل طبع و عقل تجربه»/ص 51«ارمغان خدایی».

#### 5/1 فزونی و کاستی خرد در دوران زندگی

24.امام علی علیه السلام: چون خردمند،پیر شود،عقلش جوان می گردد و چون نادان پیر گردد،نادانی اش جوان شود.

25.امام علی علیه السلام: خرد و نادانی تا حدود هیجده سالگی برای چیرگی بر آدمی در نبردند؛چون به هیجده سالگی رسید،هر یک از آن دو در او افزون بود،بر او چیره می شود.

26.امام علی علیه السلام: بچه ها در هفت سالگی کودکی را رها می کنند؛در نُه سالگی به نماز واداشته می شوند؛در ده سالگی جای خوابیدن آنان جدا می گردد؛در چهارده سالگی بالغ می شوند؛تا 21 سالگی قد می کشند و تا 28 سالگی خردشان رشد می کند؛بجز تجربه [که پس از آن نیز زمینۀ رشد دارد].

27.امام علی علیه السلام: بچه ها در هفت سالگی کودکی را کنار می گذارند؛در چهارده سالگی بالغ می شوند؛قدشان در 24 سالگی به بیشترین حدّ خود می رسد،و خردشان در 28 سالگی به کمال می رسد؛پس هر چه پس از آن باشد،بر اثر تجربه است.

ص:45

ویَستَکمِلُ طولُهُ فی أربَعٍ وعِشرینَ سَنَهً،ویَستَکمِلُ عَقلُهُ فی ثَمانٍ وعِشرینَ سَنَهً،فَما کانَ بَعدَ ذلِکَ فَإِنَّما هُوَ بِالتَّجارِبِ [(1)](#content_note_46_1).

28-عنه علیه السلام: یُرَبَّی الصَّبِیُّ سَبعًا ویُؤَدَّبُ سَبعًا ویُستَخدَمُ سَبعًا ومُنتَهی طولِهِ فی ثَلاثٍ وعِشرینَ سَنَهً...،وعَقلِهِ فی خَمسٍ وثَلاثینَ (سَنَهً)،وما کانَ بَعدَ ذلِکَ فَبِالتَّجارِبِ [(2)](#content_note_46_2).

29-الإمام الباقر علیه السلام: إنَّ الرَّجُلَ إذا کَبِرَ ذَهَبَ شَرُّ شَطرَیهِ وبَقِیَ خَیرُهُما؛ثَبَتَ عَقلُهُ، وَاستَحکَمَ رَأیُهُ،وقَلَّ جَهلُهُ [(3)](#content_note_46_3).

30-الإمام الصادق علیه السلام: یَزیدُ عَقلُ الرَّجُلِ بَعدَ الأَربَعینَ إلی خَمسینَ وسِتّینَ،ثُمَّ یَنقُصُ عَقلُهُ بَعدَ ذلِکَ [(4)](#content_note_46_4).

ص:46

1- (1) الجعفریّات:213 [1] عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام.

2- (2) الفقیه:4746/493/3.

3- (3) الفقیه:4621/468/3 عن جابر،مکارم الأخلاق:1710/494/1. [2]

4- (4) الاختصاص:244.

28.امام علی علیه السلام: بچه ها هفت سال پرورش یابند؛هفت سال تربیت شوند؛هفت سال به کار گماشته گردند؛نهایت افزایش قدشان در بیست و سه سالگی است،و پایان دورۀ رشد خردشان سی و پنج سالگی است؛پس از آن هرچه [رشد عقلشان] باشد،بر اثر تجربه است.

29.امام باقر علیه السلام: انسان چون بزرگ شود،نیمۀ بد خصلتهایش از میان برود و نیمۀ خوب آنها باقی ماند؛خردش پابرجا شود؛رأی و نظرش استوار گردد و نادانی اش اندک شود.

30.امام صادق علیه السلام: خرد آدمی از چهل سالگی تا پنجاه،شصت سالگی افزایش یابد و پس از آن،رو به کاستی نهد.

ر.ک:ص 101«آنچه خرد را نیرومند می سازد».

پژوهشی در بارۀ زمان افزایش و کاهش رشد عقل

یکی از مسائل مهم در تعلیم و تربیت،رعایت هنگام آن است.بی تردید،تعلیم و تربیت نابهنگام،موفّق نیست.از این رو،تحقیق در بارۀ اینکه تا چه سنّی قوای عقلی در انسان رشد می کند و در چه زمانی رشد عقلی او متوقّف می گردد،برای تعیین بهترین فرصت تربیت او ضروری است و احادیث این باب،به این مسئلۀ مهم،اختصاص دارد.

در این احادیث،مقطع سرنوشت ساز عمر انسان،سنّ توقّف رشد عقلی،آغاز فرسودگی عقل و امکان جوان ماندن همیشگی اندیشه،مورد توجّه قرار گرفته است.

الف) مقطع سرنوشت ساز

در روایت شمارۀ بیست و پنجم مقطع سرنوشت سازِ عمر انسان تا سن هیجده سالگی تعیین شده است و در این هنگام،سرنوشت پرورشی او مشخّص می شود؛یا قوای عقلی،او را تسخیر می کنند و یا در چنبر هوس و شهوت قرار می گیرد.از این پس،تغییر مسیر زندگی انسان،دشوار می گردد.

ب) سنّ توقّف رشد عقلی

براساس روایات بیست و ششم و بیست و هفتم،رشد طبیعی عقل انسان در سن

ص:47

28 سالگی متوقف می شود و مطابق روایت بیست و هشتم مقطع توقّف رشد طبیعی عقل 35 سالگی است و پس از آن،تنها از طریق تجربه افزایش نیروی عقل،امکان پذیر است.

ج) آغاز فرسودگی عقل

مطابق روایت سی ام افزایش قوای عقلانی در انسانْ تا شصت سالگی امکان پذیر است و از این هنگام،فرسودگی عقل آغاز می گردد.قرآن کریم نیز بدون مشخّص کردن دقیق هنگام آغاز فرسودگی عقل،در دو آیه به فرسوده شدن نیروی ادراک در هنگام پیری در انسان،اشاره کرده است. 1

د:جوان شدن عقل در پیری

در روایات نوزدهم و بیست و چهارم،امکان جوان شدن و توانمند شدن عقل در پیری،مورد توجّه قرار گرفته است؛با این توضیح که شخص عاقل،نه تنها پیری از عقل وی نمی کاهد و عقلش فرسوده و پیر نمی گردد؛بلکه عقلش جوان تر و نیرومندتر می گردد.لذا در روایتی دیگر از امام علی علیه السلام آمده:

رأی الشیخ أحبّ إلیّ من جلد الغلام. 2

نظر پیر،نزد من از تیزی جوان،پسندیده تر است.

و در حدیثی دیگر چنین نقل شده:

رأیّ الشیخ أحبّ إلیّ من حیله الشاب. 3

نظر پیر،نزد من از چاره جویی جوان،پسندیده تر است.

امّا جاهل،نه تنها پیری از جهلش نمی کاهد،بلکه به عکس،جهل وی را

ص:48

افزایش می دهد.بنابراین،فرسودگی عقل در پیری،ویژۀ کسانی است که در جوانی عوامل تقویت آن را فراهم نکرده باشند.

در پایان،در زمینۀ تفسیر روایات این باب بر اساس دسته بندی ارائه شده،چند نکته حائز اهمیت است:

1.توجّه به مفهوم عقل

تأمّل در این روایات،نشان می دهد که مقصود از عقل در همۀ این روایات، یکسان نیست؛بلکه مراد از عقل در بندهای«الف»و«د»عقل عملی و در بند«ب»و «ج»،مقصود،نخستین معنا از معانی عقل،یعنی استعداد معرفت و آگاهی است.

2.اختلاف روایات بند«ب»

مقطع توقّف رشد طبیعی عقل،در روایات بیست و یکم و بیست و دوم،28 سالگی و در روایت بیست و سوم،35 سالگی تعیین شده است.در صورتی که بتوانیم صدور هر دو را از معصوم اثبات کنیم،اختلاف روایات،حمل بر اختلاف اشخاص می شود.

3.ضرورت پژوهش میدانی

با عنایت به اهمّیت موضوع و با توجّه به اینکه روایات باب،از نظر سند دارای اعتبار لازم نیست،برای اثبات صدور آنها از طریق قرائن و تأیید آنچه ذکر شد، پژوهش میدانی،ضروری است و امید است که مرکز تحقیقات دارالحدیث،مقدمات این پژوهش را فراهم سازد.ان شاء اللّه.

4.سایر عوامل کاهش یا افزایش رشد عقل

مقاطع مختلف زندگی،یکی از عوامل افزایش یا کاهش و یا توقّف رشد عقل است.عوامل دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که در فصل پنجم،با عنوان «اسباب تقویت عقل»و در فصل ششم،با عنوان«آفات عقل»خواهد آمد.

ص:49

الفصل الثّانی:قیمَهُ العَقلِ

1/2 هَدِیَّهٌ مِنَ اللّهِ

31-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: العَقلُ هَدِیَّهٌ مِنَ اللّهِ [(1)](#content_note_50_1).

32-الإمام علیّ علیه السلام: العُقولُ مَواهِبُ،الآدابُ مَکاسِبُ [(2)](#content_note_50_2).

33-عنه علیه السلام: العَقلُ وِلادَهٌ،وَالعِلمُ إفادَهٌ [(3)](#content_note_50_3).

34-عنه علیه السلام: إذا أرادَ اللّهُ بِعَبدٍ خَیرًا مَنَحَهُ عَقلًا قَویمًا وعَمَلًا مُستَقیمًا [(4)](#content_note_50_4).

35-عنه علیه السلام: إنَّ مَن رَزَقَهُ اللّهُ عَقلًا قَویمًا وعَمَلًا مُستَقیمًا فَقَد ظاهَرَ لَدَیهِ النِّعمَهَ وأعظَمَ عَلَیهِ المِنَّهَ [(5)](#content_note_50_5).

36-أبو هاشِمٍ الجَعفَرِیُّ: کُنّا عِندَ الرِّضا علیه السلام فَتَذاکَرنَا العَقلَ...قالَ:یا أبا هاشِمٍ، العَقلُ حِباءٌ مِنَ اللّهِ...مَن تَکَلَّفَ العَقلَ لَم یَزدَد بِذلِکَ إلّاجَهلًا [(6)](#content_note_50_6).

ص:50

1- (1) شعب الإیمان:7040/388/5، [1]الفردوس:4419/155/3 کلاهما عن عائشه؛جامع الأحادیث للقمّی:101 عن إسماعیل عن أبیه الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله ولیس فیه«من اللّه»،بحارالأنوار:175/77. [2]

2- (2) غرر الحکم:227. [3]

3- (3) کنزالفوائد:56/1، [4]إرشاد القلوب:198. [5]

4- (4) غرر الحکم:4113. [6]

5- (5) غرر الحکم:3545. [7]

6- (6) الکافی:18/23/1، [8]تحف العقول:448،بحار الأنوار:355/78 [9] نقلًا عن کتاب الدرّ.

### فصل دوم:ارزش خرد

#### 1/2 ارمغان خدایی

31.پیامبر صلی الله علیه و آله: خرد،ارمغان خداوند است.

32.امام علی علیه السلام: خردها بخشیدنی اند و آداب،کسب کردنی.

33.امام علی علیه السلام: خرد،سرشتی است و دانش،به دست آوردنی.

34.امام علی علیه السلام: هرگاه خداوند بنده اش را بخواهد،خردی استوار و کرداری درستْ بدو بخشد.

35.امام علی علیه السلام: هرگاه خداوند به انسانی خرد استوار و کرداری درست روزی کند، نعمت خود را بر او فراوان ساخته و منّت خود را بر او بزرگ داشته است.

36.ابوهاشم جعفری: نزد امام رضا علیه السلام بودم که از خرد سخن به میان آمد.ایشان فرمود:«ای ابوهاشم ! خرد،بخشش خدایی است.هر آن کس بخواهد با تکلّف خود را خردمند بنماید؛جز نادانی چیزی بر او افزوده نگردد».

ص:51

37-فی سُنَنِ إدریسَ علیه السلام: إنَّ اللّهَ لَمّا أحَبَّ عِبادَهُ وَهَبَ لَهُمُ العَقلَ وَاختَصَّ أنبِیاءَهُ وأولِیاءَهُ بِروحِ القُدُسِ [(1)](#content_note_52_1).

2/2 خَیرُ المَواهِبِ

38-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: ما قَسَمَ اللّهُ لِلعِبادِ شَیئًا أفضَلَ مِنَ العَقلِ،فَنَومُ العاقِلِ أفضَلُ مِن سَهَر الجاهِلِ،وإقامَهُ العاقِلِ أفضَلُ مِن شُخوصِ الجاهِلِ.ولا بَعَثَ اللّهُ نَبِیًّا ولا رَسولًا حَتّی یَستَکمِلَ العَقلَ،ویَکونَ عَقلُهُ أفضَلَ مِن جَمیعِ عُقولِ امَّتِهِ.

وما یُضمِرُ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله فی نَفسِهِ أفضَلُ مِنِ اجتِهادِ المُجتَهِدینَ،وما أدَّی العَبدُ فَرائِضَ اللّهِ حَتّی عَقَلَ عَنهُ،ولا بَلَغَ جَمیعُ العابِدینَ فی فَضلِ عِبادَتِهِم ما بَلَغَ العاقِلُ،وَالعُقَلاءُ هُم اولُو الأَلبابِ،الَّذینَ قالَ اللّهُ تَعالی: وَ ما یَذَّکَّرُ 2إِلاّ أُولُوا الْأَلْبابِ [(2)](#content_note_52_2)[(3)](#content_note_52_3).

39-عنه صلی الله علیه و آله: تَبارَکَ الَّذی قَسَّمَ العَقلَ بَینَ عِبادِهِ أشتاتًا،إنَّ الرَّجُلَینِ لَیَستَوی عَمَلُهُما وبِرُّهُما وصَومُهُما وصَلاتُهُما،ولکِنَّهُما یَتَفاوَتانِ فِی العَقلِ کَالذَّرَّهِ فی جَنبِ احُدٍ،وما قَسَمَ اللّهُ لِخَلقِهِ حَظًّا هُوَ أفضَلُ مِنَ العَقلِ وَالیَقینِ [(4)](#content_note_52_4).

40-تاریخ الیعقوبی: أنَّه قیلَ لرسول اللّه صلی الله علیه و آله:ما أفضَلُ ما اعطِیَ العَبدُ؟قالَ:

نَحیزَهٌ [(5)](#content_note_52_5)مِن عَقلٍ یولَدُ مَعَهُ،قالوا:فَإِذا أخطَأَهُ ذلِکَ؟قالَ:فَلیَتَعَلَّم عَقلًا [(6)](#content_note_52_6).

41-جامع الأحادیث: سُئِلَ أمیرُالمُؤمِنینَ علیه السلام:ما أفضَلُ ما اعطِیَ الإِنسانُ؟قالَ:

غَریزَهُ عَقلٍ،قیلَ:فَإِن لَم یَکُن؟قالَ:فَأَخٌ مُستَشیرٌ،قیلَ:فَإِن لَم یَکُن؟

ص:52

1- (1) سعد السعود:39 [1] عن إبراهیم بن هلال الصابئ.

2- (3) البقره:269. [2]

3- (4) الکافی:11/12/1 [3] عن أحمد بن محمّد بن خالد عن بعض أصحابه رفعه،المحاسن:609/308/1، [4]غرر الحکم:9605،بحارالأنوار:22/91/1، [5]وراجع تحف العقول:397.

4- (5) کنزالعمّال:7053/382/3 عن الحکیم عن طاووس.

5- (6) نحیزه الرجل:طبیعته (ترتیب کتاب العین للخلیل:794).

6- (7) تاریخ الیعقوبی:98/2. [6]

37.ادریس علیه السلام -چنانکه در سنن او آمده-:هرگاه خداوند،بندگانش را دوست بدارد، به آنان خرد می بخشد و روح القدس را ویژۀ پیامبران و اولیای خود قرار داده است.

ر.ک:ص 45«انواع خرد».

#### 2/2 بهترین بخشش

38.پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند،چیزی با ارزش تر از خرد در میان بندگان،تقسیم نکرد.لذا خواب خردمند،از بیداری نادانْ برتر است و برجا بودن خردمند،برتر است از به حرکت در آمدن نادان.خداوند،هیچ پیامبر و فرستاده ای را برنینگیخت؛ مگر آن زمان که خردش کامل گشت و خردش از خردهای همۀ امّتش بیشتر بود.آنچه را پیامبر در خود نهان می دارد،از کوشش کوشندگان،برتر است.

هیچ بنده ای،واجبات الهی را به جای نیاورد؛مگر آنکه آن را درک کند.همۀ پرستشگران با زیادتی عبادت و پرستش،به پایۀ خردمندان نرسند و خردمندان،همان«اولوالالباب»(صاحبان خرد) هستند که خداوند،در بارۀ آنان فرمود:«جز صاحبان خرد،پند نگیرند».

39.پیامبر صلی الله علیه و آله: خجسته است آنکه خرد را میان بندگانش گوناگونْ قسمت کرد.گاه دو انسانْ کردار،نیکی ها،روزه و نمازشان برابر است؛امّا در خرد،متفاوت اند؛ به سان ذره ای در کنار کوه احُد.خداوند،بهره ای برتر از خرد و یقین در میان آفریدگانش قسمت نکرد.

40.تاریخ یعقوبی: از رسول خدا پرسیدند:«برترین چیزی که به بندگان بخشیده شده،چیست؟».فرمود:«خردِ سرشتی که با آن زاده شود».گفتند:«اگر از آن بی بهره شد؟».فرمود:«خرد بیاموزد».

41.جامع الاحادیث: از امیر مؤمنان سؤال شد:«برترین چیزی که به انسانها بخشیده شده چیست؟».فرمود:«خردِ سرشتی».گفته شد:«اگر نباشد؟».فرمود:«برادری که با او مشورت شود».گفته شد:«اگر

ص:53

قالَ:فَصَمتٌ فِی المَجالِسِ،قیلَ:فَإِن لَم یَکُن؟قالَ:فَمَوتٌ عاجِلٌ [(1)](#content_note_54_1).

42-الإمام علیّ علیه السلام: خَیرُ المَواهِبِ العَقلُ [(2)](#content_note_54_2).

43-عنه علیه السلام: مِن کَمالِ النِّعَمِ وُفورُ العَقلِ [(3)](#content_note_54_3).

44-عنه علیه السلام: أفضَلُ النِّعَمِ العَقلُ [(4)](#content_note_54_4).

45-عنه علیه السلام: أفضَلُ حَظِّ الرَّجُلِ عَقلُهُ،إن ذَلَّ أعَزَّهُ،وإن سَقَطَ رَفَعَهُ،وإن ضَلَّ أرشَدَهُ،وإن تَکَلَّمَ سَدَّدَهُ [(5)](#content_note_54_5).

46-عنه علیه السلام: لا نِعمَهَ أفضَلُ مِن عَقلٍ [(6)](#content_note_54_6).

47-الإمام الحسن علیه السلام: العَقلُ أفضَلُ ما وَهَبَهُ اللّهُ تَعالی لِلعَبدِ،إذ بِهِ نَجاتُهُ فِی الدُّنیا مِن آفاتِها وسَلامَتُهُ فِی الآخِرَهِ مِن عَذابِها [(7)](#content_note_54_7).

48-الإمام علیّ علیه السلام -فِی الدّیوانِ المَنسوبِ إلَیهِ-:

وأفضَلُ قِسمِ اللّهِ لِلمَرءِ عَقلُهُ

3/2 أصلُ الإِنسانِ

49-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: یا مَعشَرَ قُرَیشٍ،إنَّ حَسَبَ الرَّجُلِ دینُهُ،ومُروءَتَهُ خُلُقُهُ، وأصلَهُ عَقلُهُ [(8)](#content_note_54_8).

50-الإمام علیّ علیه السلام: أصلُ الإِنسانِ لُبُّهُ،وعَقلُهُ دینُهُ،ومُرُوَّتُهُ حَیثُ یَجعَلُ نَفسَهُ [(9)](#content_note_54_9).

51-عنه علیه السلام: الکَیِّسُ أصلُهُ عَقلُهُ،ومُروءَتُهُ خُلُقُهُ،ودینُهُ حَسَبُهُ [(10)](#content_note_54_10).

ص:54

1- (1) جامع الأحادیث للقمّی:194.

2- (2) غرر الحکم:4947،9300،2881،3354،10672. [1]

3- (3) غرر الحکم:4947،9300،2881،3354،10672. [2]

4- (4) غرر الحکم:4947،9300،2881،3354،10672. [3]

5- (5) غرر الحکم:4947،9300،2881،3354،10672. [4]

6- (6) غرر الحکم:4947،9300،2881،3354،10672. [5]

7- (7) إرشاد القلوب:199. [6]

8- (9) الکافی:203/181/8، [7]الأمالی للطوسی:241/147 [8] کلاهما عن سدیر الصیرفی عن الإمام الباقر علیه السلام،روضه الواعظین:310 [9] عن الإمام الباقر علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله.

9- (10) روضه الواعظین:8، [10]الأمالی للصدوق:361/312 عن جمیل بن درّاج عن الإمام الصادق عنه علیهما السلام وفیه«عقله ودینه»بدل«عقله دینه»والظاهر زیاده الواو وأنّها اشتباه من المصحّح؛إذ أنّ المستنسخ وضع ضمّه کبیره علی هاء کلمه«عقلهُ»فی الطبعه القدیمه والحجریّه،فظنّ المصحّح أنّها واوٌ،وفی بحارالأنوار:2/82/1 [11] نقل الحدیث أیضًا عن الأمالی من دون واوٍ.راجع فی خصوص هذه المسأله الأحادیث الوارده فی:تحف العقول:217 والفقه المنسوب إلی الإمام الرضا علیه السلام:367 [12] وبحارالأنوار:11/108/75.

10- (11) غرر الحکم:1739. [13]

نبود؟».فرمود:«خاموشی در مجلسها».گفته شد:«اگر این هم نبود؟».فرمود:

«مرگِ زودرس».

42.امام علی علیه السلام: بهترین بخشش ها خرد است.

43.امام علی علیه السلام: نشانۀ نعمت کامل،زیادتی خرد است.

44.امام علی علیه السلام: برترین نعمت،خرد است.

45.امام علی علیه السلام: برترین بهرۀ آدمی،خرد اوست؛اگر خوار شد،خرد،او را عزیز گرداند؛اگر فرو افتاد،خرد او را رفعت بخشد؛و اگر گمراه شد،او را راهنمایی کند؛اگر سخن گفت،او را نگه دارد.

46.امام علی علیه السلام: نعمتی برتر از خرد نیست.

47.امام حسن علیه السلام: خرد،بهترین بخشش خداوند به بنده است؛زیرا بدان از آفتهای دنیا بِرَهد و از عذاب دوزخ در امان ماند.

48.امام علی علیه السلام -در دیوان شعر منسوب به ایشان-:بهترین بهرۀ خداوند بر انسانها خرد است و هیچ یک از خوبی ها به پایۀ آن نرسد.اگر خدای رحمان،خرد انسانی را کامل کرد،اخلاق و بصیرت او نیز به کمال رسد.

#### 3/2 بنیاد انسان

49.پیامبر صلی الله علیه و آله: ای گروه قریش ! همانا تبار آدمی،دین اوست؛جوانمردی،خلق و خوی اوست؛و بنیادش خرد اوست.

50.امام علی علیه السلام: بنیاد آدمی،خرد اوست.مرام و آیین هر کس به عقل اوست،و جوانمردی هرکس به آن است که خود را در کجا قرار دهد.

51.امام علی علیه السلام: بنیاد انسان زیرک،خرد اوست،و جوانمردی او،به خُلق و خُویَش بسته است،و تبار او به دین اوست.

ص:55

52-الإمام الصادق علیه السلام: أصلُ الرَّجُلِ عَقلُهُ،وحَسَبُهُ دینُهُ،وکَرَمُهُ تَقواهُ،وَالنّاسُ فی آدَمَ مُستَوونَ [(1)](#content_note_56_1).

53-الإمام علیّ علیه السلام: الإِنسانُ عَقلٌ وصورَهٌ،فَمَن أخطَأَهُ العَقلُ ولَزِمَتهُ الصّورَهُ لَم یَکُن کامِلًا وکانَ بِمَنزِلَهِ مَن لا روحَ فیهِ،فَمَن طَلَبَ العَقلَ المُتَعارَفَ فَلیَعرِف صورَهَ الاُصولِ وَالفُضولِ،فَإِنَّ کَثیرًا مِنَ النّاسِ یَطلُبونَ [ الفُضولَ ] [(2)](#content_note_56_2)ویُضَیِّعونَ الاُصولَ،مَن أحرَزَ الأَصلَ اکتَفی بِهِ عَنِ الفَضلِ [(3)](#content_note_56_3).

54-عنه علیه السلام: عَقلُ المَرءِ نِظامُهُ،وأدَ بُهُ قِوامُهُ،وصِدقُهُ إمامُهُ،وشُکرُهُ تَمامُهُ [(4)](#content_note_56_4).

55-الإمام الصادق علیه السلام: دِعامَهُ الإِنسانِ العَقلُ،وَالعَقلُ مِنهُ الفِطنَهُ وَالفَهمُ وَالحِفظُ وَالعِلمُ؛وبِالعَقلِ یَکمُلُ،وهُوَ دَلیلُهُ ومُبصِرُهُ ومِفتاحُ أمرِهِ [(5)](#content_note_56_5).

4/2 قیمَهُ الإِنسانِ

56-ابنُ عَبّاسٍ رَفَعَهُ إلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قالَ:أفضَلُ النّاسِ أعقَلُ النّاسِ.قالَ ابنُ عَبّاسٍ:وذلِکَ نَبِیُّکُم صلی الله علیه و آله [(6)](#content_note_56_6).

57-الإمام علیّ علیه السلام: قیمَهُ کُلِّ امرِیً عَقلُهُ [(7)](#content_note_56_7).

58-عنه علیه السلام: یُنبِئُ عَن قیمَهِ کُلِّ امرِیً عِلمُهُ وعَقلُهُ [(8)](#content_note_56_8).

59-عنه علیه السلام: الإِنسانُ بِعَقلِهِ [(9)](#content_note_56_9).

60-عنه علیه السلام: عُنوانُ فَضیلَهِ المَرءِ عَقلُهُ وحُسنُ خُلقِهِ [(10)](#content_note_56_10).

ص:56

1- (1) کشف الغمّه:370/2،إحقاق الحقّ:533/19 نقلًا عن الأنوار القدسیه.

2- (2) ما بین المعقوفتین نقلناه من بحارالأنوار:59/7/78، [1]وفیه أیضًا«یضعون»بدل«یضیّعون».

3- (3) مطالب السؤول:49. [2]

4- (4) غرر الحکم:6335. [3]

5- (5) الکافی:23/25/1 [4] عن أحمد بن محمّد مرسلًا،علل الشرایع:2/103 [5] عن الحسن بن محبوب عن بعض أصحابه.

6- (6) تیسیر المطالب:146. [6]

7- (7) غرر الحکم:6763،11027،230،6343،252،7356،6376،976،3873،9749.

8- (8) غرر الحکم:6763،11027،230،6343،252،7356،6376،976،3873،9749. [7]

9- (9) غرر الحکم:6763،11027،230،6343،252،7356،6376،976،3873،9749. [8]

10- (10) غرر الحکم:6763،11027،230،6343،252،7356،6376،976،3873،9749. [9]

52.امام صادق علیه السلام: بنیاد انسان،خرد اوست،و شرافت او به دین،و کرامت آدمی به پارسایی است.انسانها در فرزندی آدم،برابرند.

53.امام علی علیه السلام: آدمی،عقل و صورت است؛هر آنکه از عقل تهی شود و تنها صورت آدمی داشته باشد،کامل نیست و به سان موجودِ بی جان است.هر کس که خرد تجربی را جستجو کند،باید اصول و حواشی را بشناسد.چه بسیارند کسانی که در جستجوی حواشی اند و اصول را از دست می دهند.هر آن کس که اصول را به دست آورد،از زیادتی هم بی نیاز است.

54.امام علی علیه السلام: خرد،نظامْ نامۀ آدمی است؛استواری او به ادب است؛راستی، پیشوای اوست و با سپاسگزاری از نقص می رهد.

55.امام صادق علیه السلام: پشتیبان انسان،خرد است.از خرد،زیرکی،فهم،بردباری و دانش حاصل آید؛با خرد به کمال رسد و همو راهنما،بیناکننده و کلید کارهاست.

ر.ک:ص 61«پشتیبان مؤمن».

#### 4/2 ارزش انسان

56.پیامبر صلی الله علیه و آله -چنانکه ابن عباس از ایشان نقل می کند-:برترین مردم، خردمندترین آنهاست.ابن عباس گفت:و آن،پیامبر شماست.

57.امام علی علیه السلام: ارزش هر انسانی،خرد اوست.

58.امام علی علیه السلام: دانش و خرد،از ارزش آدمی خبر می دهد.

59.امام علی علیه السلام: انسان به خردش است.

60.امام علی علیه السلام: نشانِ فضیلتِ انسان،خرد و خوشْ خُلقی است.

ص:57

61-عنه علیه السلام: العَقلُ فَضیلَهُ الإِنسانِ [(1)](#content_note_58_1).

62-عنه علیه السلام: لِلإِنسانِ فَضیلَتانِ:عَقلٌ ومَنطِقٌ،فَبِالعَقلِ یَستَفیدُ،وبِالمَنطِقِ یُفیدُ [(2)](#content_note_58_2).

63-عنه علیه السلام: غایَهُ الفَضائِلِ العَقلُ [(3)](#content_note_58_3).

64-عنه علیه السلام: العَقلُ أشرَفُ مَزِیَّهٍ [(4)](#content_note_58_4).

65-عنه علیه السلام: إنَّمَا الشَّرَفُ بِالعَقلِ وَالأَدَبِ لا بِالمالِ وَالحَسَبِ [(5)](#content_note_58_5).

66-عنه علیه السلام: مِیزَهُ الرَّجُلِ عَقلُهُ،وجَمالُهُ مُرُوَّتُهُ [(6)](#content_note_58_6).

5/2 أوَّلُ قَواعِدِ الإِسلامِ

67-الإمام علیّ علیه السلام: قَواعِدُ الإِسلامِ سَبعَهٌ:فَأَوَّلُهَا العَقلُ وعَلَیهِ بُنِیَ الصَّبرُ،وَالثّانی صَونُ العِرضِ وصِدقُ اللَّهجَهِ،وَالثّالِثَهُ تِلاوَهُ القُرآنِ عَلی جِهَتِهِ،وَالرّابِعَهُ الحُبُّ فِی اللّهِ وَالبُغضُ فِی اللّهِ،وَالخامِسَهُ حَقُّ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ومَعرِفَهُ وَلایَتِهِم،وَالسّادِسَهُ حَقُّ الإِخوانِ وَالمُحاماهُ عَلَیهِم،وَالسّابِعَهُ مُجاوَرَهُ النّاسِ بِالحُسنی [(7)](#content_note_58_7).

6/2 صَدیقُ المَرءِ

68-الإمام علیّ علیه السلام -فی وَصِیَّتِهِ لِابنِهِ الحَسَنِ علیه السلام-:یا بُنَیَّ،العَقلُ خَلیلُ المَرءِ [(8)](#content_note_58_8).

69-عنه علیه السلام: المَرءُ صَدیقُ ما عَقَلَ [(9)](#content_note_58_9).

70-عنه علیه السلام: العَقلُ صَدیقٌ مَقطوعٌ،الهَوی عَدُوٌّ مَتبوعٌ [(10)](#content_note_58_10).

ص:58

1- (1) غرر الحکم:6763،11027،230،6343،252،7356،6376،976،3873،9749. [1]

2- (2) غرر الحکم:6763،11027،230،6343،252،7356،6376،976،3873،9749. [2]

3- (3) غرر الحکم:6763،11027،230،6343،252،7356،6376،976،3873،9749. [3]

4- (4) غرر الحکم:6763،11027،230،6343،252،7356،6376،976،3873،9749. [4]

5- (5) غرر الحکم:6763،11027،230،6343،252،7356،6376،976،3873،9749.

6- (6) غرر الحکم:6763،11027،230،6343،252،7356،6376،976،3873،9749. [5]

7- (7) تحف العقول:196 عن کمیل.

8- (8) الأمالی للطوسی:240/146 [6] عن أبی وَجْزَه السعدی عن أبیه.

9- (9) غرر الحکم:424،(324 و 325)، [7]2218.

10- (10) غرر الحکم:424،(324 و 325)، [8]2218.

61.امام علی علیه السلام: فضیلتِ انسان به خرد است.

62.امام علی علیه السلام: آدمی دو فضیلت دارد:خرد و سخنوری؛با خرد می آموزد و با سخنْ آموزش می دهد.

63.امام علی علیه السلام: خرد،والاترین فضیلت هاست.

64.امام علی علیه السلام: گرامی ترین درجه،خرد است.

65.امام علی علیه السلام: بزرگواری و شرافتْ به عقل و ادب است،نه به ثروت و قبیله.

66.امام علی علیه السلام: شاخص انسان به خردش است و زیبایی او،به جوانمردی اوست.

#### 5/2 نخستین پایۀ اسلام

67.امام علی علیه السلام: پایه های اسلام،هفت است:خرد،نخستین پایه است و بر آن، شکیبایی استوار است.دومین پایه،راستگویی و آبروداری است.پایۀ سوّم، تلاوت قرآن است،آن گونه که هست.چهارمین پایه،دوستی و دشمنی برای خداست.پایۀ پنجم،شناخت ولایت خاندان پیامبر و رعایت حقوق آنان است.ششمین پایه،حمایت از دوستان و برادران و ادای حقوق آنان است.

پایۀ هفتم،به نیکی با مردم رفتار کردن است.

#### 6/2 دوست انسان

68.امام علی علیه السلام -در سفارش به فرزندش امام حسن علیه السلام-:فرزندم! خرد،دوست آدمی است.

69.امام علی علیه السلام: آدمی،دوستِ دانستنی های خویش است.

70.امام علی علیه السلام: خرد،دوستی است که با او قطع رابطه می شود و میل نفسانی، دشمنی است که از او پیروی می شود.

ص:59

71-عنه علیه السلام: العَقلُ صَدیقٌ مَحمودٌ [(1)](#content_note_60_1).

72-عنه علیه السلام: العَقلُ خَیرُ صاحِبٍ [(2)](#content_note_60_2).

73-الإمام الرضا علیه السلام: صَدیقُ کُلِّ امرِیً عَقلُهُ،وعَدُوُّهُ جَهلُهُ [(3)](#content_note_60_3).

7/2 خَلیلُ المُؤمِنِ ودَلیلُهُ

74-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: العِلمُ خَلیلُ المُؤمِنِ،وَالعَقلُ دَلیلُهُ،وَالعَمَلُ قَیِّمُهُ،وَالحِلمُ وَزیرُهُ،وَالصَّبرُ أمیرُ جُنودِهِ،وَالرِّفقُ والِدُهُ،وَاللّینُ أخوهُ [(4)](#content_note_60_4).

75-الإمام علیّ علیه السلام: العَقلُ خَلیلُ المُؤمِنِ [(5)](#content_note_60_5).

76-عنه علیه السلام: حُسنُ العَقلِ أفضَلُ رائِدٍ [(6)](#content_note_60_6).

77-الإمام الصادق علیه السلام: العَقلُ دَلیلُ المُؤمِنِ [(7)](#content_note_60_7).

8/2 دِعامَهُ المُؤمِنِ

78-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: لِکُلِّ شَیءٍ دِعامَهٌ ودِعامَهُ المُؤمِنِ عَقلُهُ،فَبِقَدرِ عَقلِهِ تَکونُ عِبادَتُهُ لِرَبِّهِ [(8)](#content_note_60_8).

79-عنه صلی الله علیه و آله: إنَّ مِن دِعامَهِ البَیتِ أساسَهُ،ودِعامَهُ الدّینِ المَعرِفَهُ بِاللّهِ تَعالی وَالیَقینُ بِتَوحیدِهِ وَالعَقلُ القامِعُ،فَقالوا:ومَا القامِعُ یا رَسولَ اللّهِ؟قالَ:الکَفُّ عَنِ المَعاصی وَالحِرصُ عَلی طاعَهِ اللّهِ وَالشُّکرُ عَلی جَمیعِ إحسانِهِ وإنعامِهِ وحُسنِ بَلائِهِ [(9)](#content_note_60_9).

ص:60

1- (1) غرر الحکم:424،(324 و 325)، [1]2218.

2- (2) شعب الإیمان:8032/246/6، [2]تاریخ دمشق:509/42 کلاهما عن إبراهیم.

3- (3) الکافی:4/11/1، [3]المحاسن:610/309/1 عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله،علل الشرایع:2/101 [4] کلّها عن الحسن بن الجهم،عیون أخبار الرضا علیه السلام:15/258/1 [5] عن حمدان الدیوانی،تحف العقول:443،کنزالفوائد:32/2 عن الإمام علیّ علیه السلام وفیه«إنسان»بدل«امرئ»،غررالحکم:5854.

4- (4) شعب الإیمان:4659/161/4 [6] عن الحسن،نوادر الاُصول:130/1 عن ابن عبّاس،کنزالعمّال:28663/133/10 وص 28732/144؛تحف العقول:55،بحارالأنوار:3/367/69 [7] نقلًا عن کتاب الشهاب.

5- (5) تحف العقول:203،غرر الحکم:2092. [8]

6- (6) غرر الحکم:4826. [9]

7- (7) الکافی:24/25/1، [10]کنزالفوائد:199/1 [11] کلاهما عن إسماعیل بن مهران عن بعض رجاله.

8- (8) کنزالفوائد:31/2؛ [12]الفردوس:4999/333/3 عن أبی سعید وزاد فیه«أما سمعتم قول الفاجر عند ندامته یقول:لو کنّا نسمع أو نعقل».

9- (9) إرشاد القلوب:169؛ [13]وراجع الفردوس:3077/222/2.

71.امام علی علیه السلام: خرد،دوستیْ پسندیده است.

72.امام علی علیه السلام: خرد،بهترین همراه است.

73.امام رضا علیه السلام: دوست هر انسانی،خرد اوست و دشمنش نادانی او.

#### 7/2 دوست و راهنمای مؤمن

74.پیامبر صلی الله علیه و آله: دانش،دوست مؤمن است و خرد،راهنمای او؛کار و تلاش، سرپرست او و بردباری،وزیرش؛شکیبایی،فرمانده سربازان اوست و رفق و مدارا،پدرش و نرم خوییْ برادرش.

75.امام علی علیه السلام: خرد،دوست مؤمن است.

76.امام علی علیه السلام: نیک خردی،برترین راهبر است.

77.امام صادق علیه السلام: خرد،راهنمای مؤمن است.

#### 8/2 پشتیبان مؤمن

78.پیامبر صلی الله علیه و آله: هر چیزی پشتیبانی دارد و پشتیبان مؤمن،خرد اوست؛لذا بندگی مؤمن برای پروردگارش به اندازۀ خرد اوست.

79.پیامبر صلی الله علیه و آله: تکیه گاه خانه،پایۀ آن است و تکیه گاه دین،شناخت خداوند متعال، یقین به یگانگی او و خردی سرکوب کننده است.پرسیدند:«ای رسول خدا! سرکوب کننده چیست؟».فرمود:«بازداری از گناهان،شوق داشتن بر پیروی از خداوند و سپاسگزاری بر همۀ بخشش ها و نعمت ها و آزمایش های نیکوی خداوند».

ص:61

80-عنه صلی الله علیه و آله: إنَّ لِکُلِّ شَیءٍ آلَهً وعُدَّهً وآلَهُ المُؤمِنِ وعُدَّتُهُ العَقلُ،ولِکُلِّ تاجِرٍ بِضاعَهٌ وبِضاعَهُ المُجتَهِدینَ العَقلُ،ولِکُلِّ خَرابٍ عِمارَهٌ وعِمارَهُ الآخِرَهِ العَقلُ،ولِکُلِّ سَفَرٍ فِسطاطٌ یَلجَؤونَ إلَیهِ وفِسطاطُ المُسلِمینَ العَقلُ [(1)](#content_note_62_1).

81-الإمام علیّ علیه السلام: المُؤمِنُ کَیِّسٌ عاقِلٌ [(2)](#content_note_62_2).

9/2 أجمَلُ زینَهٍ

82-الإمام علیّ علیه السلام: العَقلُ أجمَلُ زینَهٍ،وَالعِلمُ أشرَفُ مَزِیَّهٍ [(3)](#content_note_62_3).

83-عنه علیه السلام: لا جَمالَ أزیَنُ مِنَ العَقلِ [(4)](#content_note_62_4).

84-عنه علیه السلام: العَقلُ أحسَنُ حِلیَهٍ [(5)](#content_note_62_5).

85-عنه علیه السلام: زینَهُ الرَّجُلِ عَقلُهُ [(6)](#content_note_62_6).

86-عنه علیه السلام: العَقلُ زَینٌ،الحُمقُ شَینٌ [(7)](#content_note_62_7).

87-عنه علیه السلام: العَقلُ زَینٌ لِمَن رُزِقَهُ [(8)](#content_note_62_8).

88-عنه علیه السلام: العَقلُ ثَوبٌ جَدیدٌ لا یَبلی [(9)](#content_note_62_9).

89-عنه علیه السلام: حَسَبُ المَرءِ عِلمُهُ،وجَمالُهُ عَقلُهُ [(10)](#content_note_62_10).

90-عنه علیه السلام: حُسنُ العَقلِ جَمالُ الظَّواهِرِ وَالبَواطِنِ [(11)](#content_note_62_11).

91-عنه علیه السلام: مَن لَم یَکُن لَهُ عَقلٌ یَزینُهُ لَم یَنبُل [(12)](#content_note_62_12).

ص:62

1- (1) کنزالفوائد:56/1. [1]

2- (2) غرر الحکم:714،1940. [2]

3- (3) غرر الحکم:714،1940. [3]

4- (4) الکافی:4/19/8 [4] عن جابر بن یزید عن الإمام الباقر علیه السلام،الفقیه:5880/406/4،التوحید:27/73 [5] کلاهما عن جابر بن یزید الجعفی عن الإمام الباقر عن آبائه علیهم السلام عنه علیه السلام،تحف العقول:93 وفیه«أحسن»بدل«أزین»،کنزالفوائد:200/1، [6]غرر الحکم:10639. [7]

5- (5) غرر الحکم:813. [8]

6- (6) کنزالفوائد:199/1. [9]

7- (7) غرر الحکم:14،1276،1235،4892،4807،9002،5466. [10]

8- (8) غرر الحکم:14،1276،1235،4892،4807،9002،5466. [11]

9- (9) غرر الحکم:14،1276،1235،4892،4807،9002،5466. [12]

10- (10) غرر الحکم:14،1276،1235،4892،4807،9002،5466.

11- (11) غرر الحکم:14،1276،1235،4892،4807،9002،5466. [13]

12- (12) غرر الحکم:14،1276،1235،4892،4807،9002،5466. [14]

80.پیامبر صلی الله علیه و آله: هر چیزی به ابزار و نیرویی نیازمند است و نیرو و ابزار مؤمن، خرد است.هر بازرگانی،سرمایه ای دارد و سرمایۀ مجتهدان،خرد است.

هر ویرانی را آبادانی است و آبادانی آخرت به خرد است.در هر مسافرتی خیمه ای به پا می کنند که بدان پناه می برند و خیمۀ مسلمانان [در سفر آخرت]،خرد است.

81.امام علی علیه السلام: مؤمن،زیرک و خردمند است.

ر.ک:ص 55«بنیاد انسان».

#### 9/2 زیباترین آرایه

82.امام علی علیه السلام: خرد،زیباترین آرایه و دانش،گرامی ترین رتبه است.

83.امام علی علیه السلام: هیچ زیبایی یی نیکوتر از خرد نیست.

84.امام علی علیه السلام: خرد،زیباترین زیور است.

85.امام علی علیه السلام: آرایۀ آدمیْ خرد است.

86.امام علی علیه السلام: خرد،زیبایی است و نادانیْ زشتی.

87.امام علی علیه السلام: عقل برای خردمند،زیبایی است.

88.امام علی علیه السلام: خرد،لباسی است نو که کهنه نمی شود.

89.امام علی علیه السلام: تبار آدمی دانش اوست و زیبایی او به خرد است.

90.امام علی علیه السلام: نیکْ خردی،زیبایی ظاهر و باطن است.

91.امام علی علیه السلام: هر که از خردی که او را بیاراید،بی بهره باشد،رشد نخواهد یافت.

ص:63

92-عنه علیه السلام: زَینُ الدّینِ العَقلُ [(1)](#content_note_64_1).

93-الإمام العسکریّ علیه السلام: حُسنُ الصّورَهِ جَمالٌ ظاهِرٌ،حُسنُ العَقلِ جَمالٌ باطِنٌ [(2)](#content_note_64_2).

94-الإمام علیّ علیه السلام -فِی الدّیوانِ المَنسوبِ إلَیهِ-:

یَعیشُ الفَتی فِی النّاسِ بِالعَقلِ إنَّهُ

10/2 أغنَی الغِنی

95-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: لا فَقرَ أشَدُّ مِنَ الجَهلِ،ولا مالَ أعوَدُ مِنَ العَقلِ [(3)](#content_note_64_3).

96-الإمام علیّ علیه السلام: أغنَی الغِنَی العَقلُ [(4)](#content_note_64_4).

97-عنه علیه السلام: العَقلُ أغنَی الغِنی،وغایَهُ الشَّرَفِ فِی الآخِرَهِ وَالدُّنیا [(5)](#content_note_64_5).

98-عنه علیه السلام: لا غِنی أکبَرُ مِنَ العَقلِ [(6)](#content_note_64_6).

99-عنه علیه السلام: لا عُدَّهَ أنفَعُ مِنَ العَقلِ [(7)](#content_note_64_7).

100-عنه علیه السلام: کَفی بِالعَقلِ غِنًی [(8)](#content_note_64_8).

101-عنه علیه السلام: لا غِنی مِثلُ العَقلِ [(9)](#content_note_64_9).

ص:64

1- (1) غرر الحکم:14،1276،1235،4892،4807،9002،5466.

2- (2) الدرّه الباهره:43،نزهه الناظر:9/145،أعلام الدین:313، [1]غرر الحکم:4805 و 4807 [2] نحوه.

3- (4) الکافی:25/25/1 [3] عن السری بن خالد عن الإمام الصادق علیه السلام،الفقیه:5762/372/4 عن حمّاد ابن عمرو وأنس بن محمّد عن أبیه جمیعًا عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام،غررالحکم:10619 و 10618؛ [4]الفردوس:7889/179/5،کنزالعمّال:44135/120/16 وفیه«لا غنی أعود...»وکلاهما عن الإمام علیّ علیه السلام.

4- (5) نهج البلاغه:الحکمه 38، [5]غرر الحکم:2843؛ [6]مائه کلمه للجاحظ:83/99،سجع الحمام:263/86 نقلًا عن الإعجاز والإیجاز،کنزالعمّال:44388/266/16 نقلًا عن تاریخ ابن عساکر عن عقبه بن أبی الصهباء.

5- (6) غرر الحکم:1822. [7]

6- (7) کشف الغمّه:198/2. [8]

7- (8) الإرشاد:304/1، [9]کنزالفوائد:199/1. [10]

8- (9) غرر الحکم:7015. [11]

9- (10) تحف العقول:201،روضه الواعظین:8،غرر الحکم:10472 وفیهما«کالعقل»بدل«مثل العقل».

92.امام علی علیه السلام: آرایش دینداری به خرد است.

93.امام عسکری علیه السلام: زیبایی اندام،زیباییِ ظاهری است و زیبایی خرد،زیبایی باطنی است.

94.امام علی علیه السلام -در دیوان شعر منسوب به ایشان-:جوان،در میان مردم با خرد، زندگی می کند و برپایۀ خرد،دانش و تجربه هایش کارساز است.درستی عقل، جوان را در میان مردم می آراید؛گرچه کسب وکارش بی رونق باشد.کمْ خردی، جوان را زشت جلوه دهد؛گرچه از خانواده ای بزرگ و صاحب منصب باشد.

ر.ک:ص 123«نشانه های خرد»/ص 139«مکارم اخلاق»/ص 149«کارهای نیک».

#### 10/2 بزرگترین بی نیازی

95.پیامبر صلی الله علیه و آله: هیچ تنگدستی یی سخت تر از نادانی نیست و هیچ سرمایه ای پرسودتر از خرد نیست.

96.امام علی علیه السلام: برترین بی نیازیْ خرد است.

97.امام علی علیه السلام: خرد،برترین بی نیازی و عالی ترین رتبه در دنیا و آخرت به شمار می رود.

98.امام علی علیه السلام: هیچ بی نیازی یی بزرگتر از خرد نیست.

99.امام علی علیه السلام: هیچ سرمایه ای سودمندتر از خرد نیست.

100.امام علی علیه السلام: بی نیازی خرد،کفایت می کند.

101.امام علی علیه السلام: هیچ بی نیازی یی،مانند عقل نیست.

ص:65

102-عنه علیه السلام: لا فَقرَ لِعاقِلٍ [(1)](#content_note_66_1).

103-عنه علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:أنفَسُ الأَعلاقِ [(2)](#content_note_66_2)عَقلٌ قُرِنَ إلَیهِ حَظٌّ [(3)](#content_note_66_3).

104-الإمام الصادق علیه السلام: لا غِنی أخصَبُ مِنَ العَقلِ،ولا فَقرَ أحَطُّ مِنَ الحُمقِ [(4)](#content_note_66_4).

11/2 العِلمُ یُحتاجُ إلَیهِ

105-الإمام علیّ علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:العَقلُ لَم یَجنِ عَلی صاحِبِهِ قَطُّ، وَالعِلمُ مِن غَیرِ عَقلٍ یَجنی عَلی صاحِبِهِ [(5)](#content_note_66_5).

106-عنه علیه السلام: کُلُّ عِلمٍ لا یُؤَیِّدُهُ عَقلٌ مَضَلَّهٌ [(6)](#content_note_66_6).

107-عنه علیه السلام: مَن زادَ عِلمُهُ عَلی عَقلِهِ کانَ وَبالًا عَلَیهِ [(7)](#content_note_66_7).

108-عنه علیه السلام: أفضَلُ ما مَنَّ اللّهُ سُبحانَهُ بِهِ عَلی عِبادِهِ عِلمٌ وعَقلٌ،ومُلکٌ وعَدلٌ [(8)](#content_note_66_8).

109-عنه علیه السلام: لا شَیءَ أحسَنُ مِن عَقلٍ مَعَ عِلمٍ،وعِلمٍ مَعَ حِلمٍ،وحِلمٍ مَعَ قُدرَهٍ [(9)](#content_note_66_9).

110-عنه علیه السلام -فِی الدّیوانِ المَنسوبِ إلَیهِ-:

إذا کُنتَ ذا عِلمٍ ولَم تَکُ عاقِلًا

ص:66

1- (1) غرر الحکم:10449. [1]

2- (2) العِلق:النفیس من کلّ شیء،جمعه الأعلاق (لسان العرب:268/10). [2]

3- (3) شرح نهج البلاغه:448/302/20.

4- (4) الکافی:/29/1ذیل ح 34 [3] عن حمران وصفوان بن مهران الجمّال.

5- (5) شرح نهج البلاغه:702/323/20.

6- (6) غرر الحکم:6869،8601،3205،10909. [4]

7- (7) غرر الحکم:6869،8601،3205،10909. [5]

8- (8) غرر الحکم:6869،8601،3205،10909. [6]

9- (9) غرر الحکم:6869،8601،3205،10909. [7]

102.امام علی علیه السلام: هیچ خردمندی،تنگدست نیست.

103.امام علی علیه السلام -از حکمتهای منسوب به ایشان-:گرانبهاترین دارایی،عقلی است که قرین سعادت باشد.

104.امام صادق علیه السلام: هیچ بی نیازی یی پربارتر از خرد نیست و هیچ تنگدستی یی پست تر از نادانی.

#### 11/2 نیاز دانش به خرد

105.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:هیچ گاه خرد به صاحبش آسیب نمی زند؛لیکْ دانش بدون خرد،به صاحبش آسیب می رساند.

106.امام علی علیه السلام: هر دانشی که خردْ آن را تأیید نکند،گمراهی است.

107.امام علی علیه السلام: هر که دانش او از خردش افزون باشد،دانشْ باری بر او خواهد بود.

108.امام علی علیه السلام: برترین بخششِ خداوندِ سبحان بر بندگانش،دانش و خرد است و حکمرانی و عدالت پیشگی.

109.امام علی علیه السلام: هیچ چیز زیباتر از خردِ همراه با دانش،دانشِ همراه با بردباری و بردباریِ همراه با توانمندی نیست.

110.امام علی علیه السلام -در دیوان شعر منسوب به ایشان-:اگر دانشور باشی و خردمند نباشی،به سان کسی هستی که کفش دارد،ولی پا ندارد.اگر خردمندی و عالم نیستی،به سان کسی باشی که پا دارد،ولی نعل ندارد.

همانا آدمی چون نیام عقل و خرد است،و تیردان بدون تیر،سودی ندارد.

ر.ک:ص 129«نشانه های خرد»،«دانش و حکمت».

ص 103«آنچه خرد رانیرومند می سازد»

ص:67

12/2 النَّوادِر

111-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: إنَّ اللّهَ عز و جل خَلَقَ العَقلَ مِن نورٍ مَخزونٍ مَکنونٍ فی سابِقِ عِلمِهِ الَّذی لَم یَطَّلِع عَلَیهِ نَبِیٌّ مُرسَلٌ ولا مَلَکٌ مُقَرَّبٌ؛فَجَعَلَ العِلمَ نَفسَهُ وَالفَهمَ روحَهُ،وَالزُّهدَ رَأسَهُ،وَالحَیاءَ عَینَیهِ،وَالحِکمَهَ لِسانَهُ،وَالرَّأفَهَ فَمَهُ،وَالرَّحمَهَ قَلبَهُ،ثُمَّ حَشاهُ وقَوّاهُ بِعَشَرَهِ أشیاءَ:بِالیَقینِ،وَالإِیمانِ، وَالصِّدقِ،وَالسَّکینَهِ،وَالإِخلاصِ،وَالرِّفقِ،وَالعَطِیَّهِ،وَالقُنوعِ،وَالتَّسلیمِ، وَالشُّکرِ [(1)](#content_note_68_1).

112-الإمام علیّ علیه السلام: العُقولُ ذَخائِرُ،وَالأَعمالُ کُنوزٌ [(2)](#content_note_68_2).

113-عنه علیه السلام: العَقلُ أقوی أساسٍ [(3)](#content_note_68_3).

114-عنه علیه السلام: العَقلُ قُربَهٌ،الحُمقُ غُربَهٌ [(4)](#content_note_68_4).

115-عنه علیه السلام: العَقلُ أفضَلُ مَرجُوٍّ [(5)](#content_note_68_5).

116-عنه علیه السلام: العَقلُ یُحسِنُ الرَّوِیَّهَ [(6)](#content_note_68_6)[(7)](#content_note_68_7).

117-عنه علیه السلام: العَقلُ شَرَفٌ کَریمٌ لا یَبلی [(8)](#content_note_68_8).

118-عنه علیه السلام: تَزکِیَهُ الرَّجُلِ عَقلُهُ [(9)](#content_note_68_9).

119-عنه علیه السلام: لا یَزکو عِندَ اللّهِ سُبحانَهُ إلّاعَقلٌ عارِفٌ ونَفسٌ عَزوفٌ [(10)](#content_note_68_10).

120-عنه علیه السلام: حَسَبُ الرَّجُلِ عَقلُهُ،ومُروءَتُهُ خُلقُهُ [(11)](#content_note_68_11).

121-عنه علیه السلام: غایَهُ المَرءِ حُسنُ عَقلِهِ [(12)](#content_note_68_12).

ص:68

1- (1) معانی الأخبار:1/313،الخصال:4/427 کلاهما عن یزید بن الحسین عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام،الأمالی للطوسی:1164/542 [1] عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله،روضه الواعظین:7، [2]إرشاد القلوب:197 [3] عن الإمام علیّ علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله.

2- (2) کنزالفوائد:32/2. [4]

3- (3) غرر الحکم:475،111،479.

4- (4) غرر الحکم:475،111،479. [5]

5- (5) غرر الحکم:475،111،479. [6]

6- (6) الرویّه:الفکر والتدبّر (المصباح المنیر:247).

7- (7) غررالحکم:495،1590،4474،10882،4891،6366،7300،3410،427،206،824. [7]

8- (8) غررالحکم:495،1590،4474،10882،4891،6366،7300،3410،427،206،824. [8]

9- (9) غررالحکم:495،1590،4474،10882،4891،6366،7300،3410،427،206،824. [9]

10- (10) غررالحکم:495،1590،4474،10882،4891،6366،7300،3410،427،206،824. [10]

11- (11) غررالحکم:495،1590،4474،10882،4891،6366،7300،3410،427،206،824.

12- (12) غررالحکم:495،1590،4474،10882،4891،6366،7300،3410،427،206،824. [11]

#### 12/2 گوناگون

111.پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند،خرد را از نورِ پنهان در علم پیشینِ خود،بیافرید.دانشی که هیچ پیامبرِ فرستاده شده و هیچ فرشتۀ مقرّبی را بر آن آگاه نکرده است.

سپس دانش را نفْسِ خرد قرار داد،و فهمیدن را جانِ او،و پارسایی را سرِ او،و حیا و پروا را دو چشم او،و حکمت را زبانش،و دهانش را مهربانی،و قلبش را رحمت.آن گاه با ده خصلت که در عقل نهاد،آن را نیرومند کرد:

یقین،ایمان،راستی،آرامش،اخلاص،رفق و مدارا،بخشش،قناعت، تسلیم و سپاسگزاری.

112.امام علی علیه السلام: عقلها سرمایه های پنهان اند و کارها گنجها.

113.امام علی علیه السلام: خرد،نیرومندترین بنیان است.

114.امام علی علیه السلام: خرد،مایۀ نزدیکی و نادانی،سبب دوری است.

115.امام علی علیه السلام: خرد،برترین خواسته است.

116.امام علی علیه السلام: خرد،سبب نیکو اندیشیدن است.

117.امام علی علیه السلام: خرد،کرامتی گرانمایه است که نابود نگردد.

118.امام علی علیه السلام: رشد آدمی به خرد است.

119.امام علی علیه السلام: نزد خداوندِ سبحان،جز عقل آگاه و نفْس رویگردان [از آلودگی ها]، روسفید نباشد.

120.امام علی علیه السلام: تبار آدمی به خرد است و جوانمردی او به خُلق و خوی.

121.امام علی علیه السلام: نهایتِ رشد آدمی،داشتن عقلی نیکوست.

ص:69

122-عنه علیه السلام: لِکُلِّ شَیءٍ غایَهٌ،وغایَهُ المَرءِ عَقلُهُ [(1)](#content_note_70_1).

123-عنه علیه السلام: إنَّ اللّهَ سُبحانَهُ یُحِبُّ العَقلَ القَویمَ وَالعَمَلَ المُستَقیمَ [(2)](#content_note_70_2).

124-عنه علیه السلام: العَقلُ لا یَنخَدِعُ [(3)](#content_note_70_3).

125-عنه علیه السلام: العَقلُ شِفاءٌ [(4)](#content_note_70_4).

126-عنه علیه السلام: العَقلُ حُسامٌ قاطِعٌ [(5)](#content_note_70_5).

127-عنه علیه السلام: لا عُدمَ أعدَمُ مِن عَدَمِ العَقلِ [(6)](#content_note_70_6).

128-عنه علیه السلام: الدّینُ لا یُصلِحُهُ إلَّاالعَقلُ [(7)](#content_note_70_7).

129-عنه علیه السلام: فَقدُ العَقلِ شَقاءٌ [(8)](#content_note_70_8).

130-عنه علیه السلام: لا مَرَضَ أضنی مِن قِلَّهِ العَقلِ [(9)](#content_note_70_9).

131-عنه علیه السلام: لَن یَنجَعَ الأَدَبُ حَتّی یُقارِنَهُ العَقلُ [(10)](#content_note_70_10).

132-الإمام الحسن علیه السلام: اعلَموا أنَّ العَقلَ حِرزٌ وَالحِلمَ زینَهٌ [(11)](#content_note_70_11).

133-الإمام الکاظم علیه السلام -لِهِشامِ بنِ الحَکَمِ-:یا هِشامُ،إنَّ لُقمانَ قالَ لِابنِهِ:یا بُنَیَّ،إنَّ الدُّنیا بَحرٌ عَمیقٌ،قَد غَرِقَ فیها عالَمٌ کَثیرٌ،فَلتَکُن سَفینَتُکَ فیها تَقوَی اللّهِ، وحَشوُهَا الإِیمانَ،وشِراعُهَا التَّوَکُّلَ،وقَیِّمُهَا العَقلَ،ودَلیلُهَا العِلمَ، وسُکّانُهَا الصَّبرَ [(12)](#content_note_70_12).

ص:70

1- (1) غررالحکم:495،1590،4474،10882،4891،6366،7300،3410،427،206،824. [1]

2- (2) غررالحکم:495،1590،4474،10882،4891،6366،7300،3410،427،206،824. [2]

3- (3) غررالحکم:495،1590،4474،10882،4891،6366،7300،3410،427،206،824. [3]

4- (4) غررالحکم:495،1590،4474،10882،4891،6366،7300،3410،427،206،824. [4]

5- (5) غررالحکم:495،1590،4474،10882،4891،6366،7300،3410،427،206،824. [5]

6- (6) کشف الغمّه:10/2، [6]الأمالی للطوسی:240/146 [7] کلاهما عن أبی وجزَه السعدی عن أبیه وفیه«من العقل»بدل«من عدم العقل».

7- (7) غررالحکم:1341،6534.

8- (8) غررالحکم:1341،6534. [8]

9- (9) مائه کلمه للجاحظ:30/46،سجع الحمام:1241/323 نقلًا عن الإعجاز والإیجاز، [9]المناقب للخوارزمی:395/375؛غرر الحکم:10763. [10]

10- (10) غرر الحکم:7412. [11]

11- (11) إرشاد القلوب:199. [12]

12- (12) الکافی:12/16/1 [13] عن هشام بن الحکم،تحف العقول:386.

122.امام علی علیه السلام: هر چیزی را نهایتی است و نهایتِ انسان،خرد است.

123.امام علی علیه السلام: خداوند سبحان،خردِ استوار و کار درست را دوست می دارد.

124.امام علی علیه السلام: خرد،فریب نمی خورد.

125.امام علی علیه السلام: خرد،درمان [دردها] است.

126.امام علی علیه السلام: خرد،شمشیری بُرنده است.

127.امام علی علیه السلام: هیچ نداری یی،بدتر از نداشتن عقل نیست.

128.امام علی علیه السلام: دین را جز خرد،اصلاح نمی کند.

129.امام علی علیه السلام: از دست دادن خرد،بدبختی است.

130.امام علی علیه السلام: هیچ بیماری یی،تنْ سوزتر از کمْ خردی نیست.

131.امام علی علیه السلام: ادبْ سودمند نیست؛مگر با خرد همراه گردد.

132.امام حسن علیه السلام: آگاه باشید که خرد،نگه دارنده است و بردباریْ زینت.

133.امام کاظم علیه السلام -به هشام-:ای هشام! لقمان به فرزندش فرمود:«فرزندم! دنیا دریایی ژرف است که خلقی بسیار در آن غرق شدند.پس تلاش کن در این دریا کشتی ات تقوای خداوند،ساحل آنْ ایمان،بادبانش توکّل [بر خدا]، ناخدایش خرد،راهنمایش دانش و سُکّانش شکیبایی باشد».

ص:71

الفصل الثّالث:التَّعَقُّل

1/3 التَّأکیدُ عَلَی التَّعَقُّلِ

الکتاب

کَذلِکَ یُبَیِّنُ اللّهُ لَکُمْ آیاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ [(1)](#content_note_72_1).

وَ هُوَ الَّذِی یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ لَهُ اخْتِلافُ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ أَ فَلا تَعْقِلُونَ [(2)](#content_note_72_2).

کَذلِکَ یُحْیِ اللّهُ الْمَوْتی وَ یُرِیکُمْ آیاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ [(3)](#content_note_72_3).

لَقَدْ أَنْزَلْنا إِلَیْکُمْ کِتاباً فِیهِ ذِکْرُکُمْ أَ فَلا تَعْقِلُونَ [(4)](#content_note_72_4).

\* الحدیث

134-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: استَرشِدُوا العَقلَ تَرشُدوا،ولا تَعصوهُ فَتَندَموا [(5)](#content_note_72_5).

ص:72

1- (1) البقره:242. [1]

2- (2) المؤمنون:80. [2]

3- (3) البقره:73. [3]

4- (4) الأنبیاء:10. [4]

5- (5) کنزالفوائد:31/2. [5]

### فصل سوم:خرد ورزی

#### 1/3 اهتمام بر خردورزی

قرآن

بدین گونه،خداوند آیات خود را برای شما بیان می کند،باشد که بیندیشید؛و اوست آن کس که شما را در زمین پدید آورد،و به سوی اوست که گردآورده خواهید شد.

این گونه خدا مردگان را زنده می کند و آیات خود را به شما می نمایاند؛باشد که بیندیشید.در حقیقت،ما کتابی به سوی شما نازل کردیم که یاد شما در آن است؛آیا نمی اندیشید؟

ر.ک:بقره:164،انعام:32 و 151،اعراف:169،هود:51،یوسف:2 و 109،رعد:4،

نحل:12 و 67،حجّ:46،نور:61،قصص:60،عنکبوت:35،روم:24 و 28، یس:62 و 68،ص:29،غافر:67 و 70،زخرف:3،جاثیه:5 و 13،حدید:13.

حدیث

134.پیامبر صلی الله علیه و آله: از خرد راهنمایی بگیرید تا به رشد برسید،و نافرمانی خرد مکنید که پشیمان می شوید.

ص:73

135-عنه صلی الله علیه و آله: لَم یُعبَدِ اللّهُ عز و جل بِشَیءٍ أفضَلَ مِنَ العَقلِ [(1)](#content_note_74_1).

136-عنه صلی الله علیه و آله: سَیِّدُ الأَعمالِ فِی الدّارَینِ العَقلُ [(2)](#content_note_74_2).

137-ابنُ عُمَر عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله أنَّهُ تَلا تَبارَکَ الَّذِی بِیَدِهِ الْمُلْکُ حَتّی بَلَغَ قَولَهُ أَیُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً ثُمَّ قالَ:أیُّکُم أحسَنُ عَمَلًا فَهُوَ أحسَنُ عَقلًا،وأورَعُ عَن مَحارِمِ اللّهِ، وأسرَعُهُم فی طاعَهِ اللّهِ تَعالی [(3)](#content_note_74_3).

138-رسول اللّه صلی الله علیه و آله -فی وَصِیَّتِهِ إلَی ابنِ مَسعودٍ-:یَابنَ مَسعودٍ،إذا عَمِلتَ عَمَلًا فَاعمَل بِعِلمٍ وعَقلٍ،وإیّاکَ وأن تَعمَلَ عَمَلًا بِغَیرِ تَدَبُّرٍ وعِلمٍ،فَإِنَّهُ جَلَّ جَلالُهُ یَقولُ: وَ لا تَکُونُوا کَالَّتِی نَقَضَتْ غَزْلَها مِنْ بَعْدِ قُوَّهٍ أَنْکاثاً [(4)](#content_note_74_4).

139-عنه صلی الله علیه و آله: خِیارُکُم فِی الجاهِلِیَّهِ خِیارُکُم فِی الإِسلامِ إذا فَقِهوا [(5)](#content_note_74_5).

140-عنه صلی الله علیه و آله: سَیِّدُ أهلِ الجَنَّهِ بَعدَ المُرسَلینَ أفضَلُهُم عَقلًا،وأفضَلُ النّاسِ أعقَلُ النّاسِ [(6)](#content_note_74_6).

141-عنه صلی الله علیه و آله: یا عَلِیُّ،إذَا اکتَسَبَ النّاسُ مِن أنواعِ البِرِّ لِیَتَقَرَّبوا بِها إلی رَبِّنا فَاکتَسِب أنتَ أنواعَ العَقلِ تَسبِقهُم بِالزَّلفِ وَالقُربَهِ وَالدَّرَجاتِ فِی الدُّنیا وَالآخِرَهِ [(7)](#content_note_74_7).

142-عَطاءٌ: إنَّ ابنَ عَبّاسٍ دَخَلَ عَلی عائِشَهَ فَقالَ:یا امَّ المُؤمِنینَ،أرَأَیتِ الرَّجُلَ یَقِلُّ قِیامُهُ ویَکثُرُ رُقادُهُ،وآخَرُ یَکثُرُ قِیامُهُ ویَقِلُّ رُقادُهُ،أیُّهُما أحَبُّ إلَیکِ؟ قالَت:سَأَلتُ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله کَما سَأَلتَنی،فَقالَ:أحسَنُهُما عَقلًا.فَقُلتُ:یا رَسولَ اللّهِ،إنَّما أسأَلُکَ عَن عِبادَتِهِما؟فَقالَ:یا عائِشَهُ،إنَّما یُسأَلانِ عَن عُقولِهِما،فَمَن کانَ أعقَلَ کانَ أفضَلَ فِی الدُّنیا وَالآخِرَهِ [(8)](#content_note_74_8).

143-أبو أیّوبَ الأَنصارِیُّ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله:إنَّ الرَّجُلَینِ لَیَتَوَجَّهانِ إلَی المَسجِدِ

ص:74

1- (1) الخصال:17/433 عن سلیمان بن خالد،روضه الواعظین:12 کلاهما عن الإمام الباقر علیه السلام،علل الشرایع:11/116 عن علیّ الأشعری رفعه،تنبیه الخواطر:112/2،المواعظ العددیّه:368 والثلاثه الأخیره نحوه.

2- (2) کنزالفوائد:31/2. [1]

3- (3) تیسیر المطالب:377. [2]

4- (4) مکارم الأخلاق:2660/361/2 [3] عن ابن مسعود.

5- (5) صحیح البخاری:3194/1235/3،صحیح مسلم:199/1958/4،مسند ابن حنبل:10300/536/3، [4]سنن الدارمی:227/78/1 کلّها عن أبی هریره،المستدرک علی الصحیحین:5061/271/3 عن امّ سلمه،الفردوس:2863/173/2 عن جابر.

6- (6) الفردوس:3476/325/2 عن ابن عمر.

7- (7) الفردوس:8328/325/5 عن الإمام علیّ علیه السلام.

8- (8) تاریخ بغداد:360/8. [5]

135.پیامبر صلی الله علیه و آله: بهترین چیزی که با آن بندگی خدا شود،خرد است.

136.پیامبر صلی الله علیه و آله: سرور کارها در هر دو سرایْ خرد است.

137.فرزند عمر از رسول خدا چنین نقل می کند:آن حضرت آیۀ «تَبارَکَ الَّذِی بِیَدِهِ الْمُلْکُ» را تا«أیّکم أحسن عملاً»تلاوت کرد و آن گاه فرمود:«هر یک از شما که رفتارش نیکوتر باشد،عقلی نیکوتر دارد و بیشتر از گناهان پرهیز می کند و در بندگی خدا،شتابان تر است».

138.پیامبر صلی الله علیه و آله -در سفارش به ابن مسعود-:ای پسر مسعود! هرگاه کاری انجام می دهی،برپایۀ دانش و خرد انجام ده.بپرهیز از آنکه بی اندیشه و دانش دست به کاری زنی؛زیرا خداوند بزرگ فرمود:«و مانند آن [زنی] مباشید که رشتۀ خود را پس از محکم بافتن،[یکی یکی] از هم می گسست».

139.پیامبر صلی الله علیه و آله: بهترینِ شما در دوران جاهلیت،بهترینِ شما در دوران اسلام است؛ اگر بفهمید.

140.پیامبر صلی الله علیه و آله: سرور بهشتیان پس از پیامبران،خردمندترین آنهاست و برترین مردم،خردمندترین آنهاست.

141.پیامبر صلی الله علیه و آله: ای علی! هرگاه مردم با انجام کارهای نیک به خداوند تقرّب می جویند تو خردورزی پیشه ساز که از آنان در قرب به خداوند و کسب رتبه در دنیا و آخرت،پیشی خواهی گرفت.

142.عطا: ابن عباس بر عایشه وارد شد و گفت:«ای امّ المؤمنین! از میان دو انسانی که یکی کم شب زنده داری می کند و بیشتر می خوابد و دیگری که کمتر می خوابد و بیشتر شب زنده داری می کند،کدام را بیشتر دوست می داری؟».

عایشه گفت:«من همین پرسش را از رسول خدا کردم»و ایشان فرمود:«آنکه خردمندتر باشد».پرسیدم:«من از عبادت آنان پرسیدم [و شما از خردشان سخن می گویی؟]».فرمود:«ای عایشه! آنان به اندازۀ خردشان مورد سؤال قرار می گیرند.هرکه خردمندتر باشد،در دنیا و آخرتْ برتر است».

143.ابو ایوب انصاری از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود:«دو مرد وارد

ص:75

فَیُصَلِّیانِ،فَیَنصَرِفُ أحَدُهُما وصَلاتُهُ أوزَنُ مِن احُدٍ،ویَنصَرِفُ الآخَرُ وما تَعدِلُ صَلاتُهُ مِثقالَ ذَرَّهٍ.فَقالَ أبو حُمَیدٍ السّاعِدِیُّ:وکَیفَ یَکونُ ذلِکَ یا رَسولَ اللّهِ؟قالَ:إذا کانَ أحسَنَهُما عَقلًا.قالَ:وکَیفَ یَکونُ ذلِکَ؟قالَ:إذا کانَ أورَعَهُما عَن مَحارِمِ اللّهِ،وأحرَصَهُما عَلَی المُسارَعَهِ إلَی الخَیرِ،وإن کانَ دونَهُ فِی التَّطَوُّعِ [(1)](#content_note_76_1).

144-اللّهُ تبارک تَعالی -فی حَدیثِ المِعراجِ-:یا أحمَدُ،اِستَعمِل عَقلَکَ قَبلَ أن یَذهَبَ،فَمَنِ استَعمَلَ عَقلَهُ لا یُخطِئُ ولا یَطغی [(2)](#content_note_76_2).

145-الإمام علیّ علیه السلام: فَضلُ فِکرٍ وتَفَهُّمٍ أنجَعُ مِن فَضلِ تَکرارٍ ودِراسَهٍ [(3)](#content_note_76_3).

146-عنه علیه السلام: استَرشِدِ العَقلَ وخالِفِ الهَوی تَنجَح [(4)](#content_note_76_4).

147-عنه علیه السلام: العَقلُ رَقِیٌّ إلی عِلِّیّینَ [(5)](#content_note_76_5).

148-عنه علیه السلام: مَرتَبَهُ الرَّجُلِ بِحُسنِ عَقلِهِ [(6)](#content_note_76_6).

149-عنه علیه السلام: کَمالُ المَرءِ عَقلُهُ،وقیمَتُهُ فَضلُهُ [(7)](#content_note_76_7).

150-عنه علیه السلام: کَمالُ الإِنسانِ العَقلُ [(8)](#content_note_76_8).

151-عنه علیه السلام: الجَمالُ فِی اللِّسانِ،وَالکَمالُ فِی العَقلِ [(9)](#content_note_76_9).

152-عنه علیه السلام: یَتَفاضَلُ النّاسُ بِالعُلومِ وَالعُقولِ لا بِالأَموالِ وَالاُصولِ [(10)](#content_note_76_10).

153-عنه علیه السلام: إنَّ الزُّهدَ فِی الجَهلِ بِقَدرِ الرَّغبَهِ فِی العَقلِ [(11)](#content_note_76_11).

154-عنه علیه السلام: لا یَغُشُّ العَقلُ مَنِ استَنصَحَهُ [(12)](#content_note_76_12).

155-عنه علیه السلام: مَنِ استَعانَ بِالعَقلِ سَدَّدَهُ [(13)](#content_note_76_13).

ص:76

1- (1) حلیه الأولیاء:362/1، [1]الفردوس:4604/212/3،المعجم الکبیر:3970/149/4 وفیهما إلی«مثقال ذرّه».

2- (2) إرشاد القلوب:205 [2] عن الإمام علیّ علیه السلام.

3- (3) غرر الحکم:6564،2310،1325. [3]

4- (4) غرر الحکم:6564،2310،1325. [4]

5- (5) غرر الحکم:6564،2310،1325. [5]

6- (6) دستور معالم الحکم:22.

7- (7) غرر الحکم:7235،7244.

8- (8) غرر الحکم:7235،7244. [6]

9- (9) کنزالفوائد:200/1، [7]کشف الغمّه:137/3 عن الإمام الجواد عن آبائه عنه علیهم السلام.

10- (10) غرر الحکم:11009،3444. [8]

11- (11) غرر الحکم:11009،3444. [9]

12- (12) نهج البلاغه:الحکمه 281، [10]غرر الحکم:10698 [11] وفیه«انتصحه»بدل«استنصحه».

13- (13) غرر الحکم:7925،7756،8295،8282،6434. [12]

مسجد می شوند و نماز می گذارند،آن گاه باز می گردند؛حال آنکه نماز یکی به اندازۀ کوه احُد وزن دارد و نماز دیگری،همسنگ ذرّه ای نیست».ابوحمید ساعدی پرسید:«چگونه چنین می شود،ای رسول خدا؟».فرمود:«اگر یکی خردمندتر باشد».باز پرسید:«چگونه می شود؟».فرمود:«اگر یکی در مقابل گناهان خودْ نگه دارتر باشد و در انجام دادن خوبی ها شتاب و ولع بیشتری به خرج دهد،گرچه در امور مستحبّی از دیگری پایین تر باشد».

144.خداوند -در حدیث معراج خطاب به پیامبر-:ای احمد! پیش از آنکه خردت را از دست دهی،آن را به کار گیر.هر آن کس که عقلش را به کار گیرد،نلغزد و طغیان نورزد.

145.امام علی علیه السلام: اندیشه ورزی و تفکّر بسیار،از تکرار و آموختن،سودمندتر است.

146.امام علی علیه السلام: از خرد،راهنمایی بگیر و با میل نفسانی مخالفت کن تا پیروز شوی.

147.امام علی علیه السلام: خرد،نردبان علّیین است.

148.امام علی علیه السلام: مرتبۀ آدمی به اندازۀ خرد اوست.

149.امام علی علیه السلام: کمال آدمیْ به خرد است و بهای او به فضل و دانش.

150.امام علی علیه السلام: کمال آدمیْ به خرد است.

151.امام علی علیه السلام: زیباییْ در زبان است و کمالْ در خرد.

152.امام علی علیه السلام: درجه بندی آدمیان به دانش و خرد است،نه به ثروت و ریشه ها[ی خانوادگی].

153.امام علی علیه السلام: بی میلی به نادانی به اندازۀ رغبت به خردمندی است.

154.امام علی علیه السلام: خرد،هر که را از او خیرخواهی کند،فریب ندهد.

155.امام علی علیه السلام: هر که از خرد کمک بخواهد،او را یاری رساند.

ص:77

156-عنه علیه السلام: مَنِ استَرفَدَ العَقلَ أرفَدَهُ [(1)](#content_note_78_1).

157-عنه علیه السلام: مَنِ اعتَبَرَ بِعَقلِهِ استَبانَ [(2)](#content_note_78_2).

158-عنه علیه السلام: مَن مَلَکَ عَقلَهُ کانَ حَکیمًا [(3)](#content_note_78_3).

159-عنه علیه السلام: غِطاءُ العُیوبِ العَقلُ [(4)](#content_note_78_4).

160-الإمام الکاظم علیه السلام -لِهِشامِ بنِ الحَکَمِ-:یا هِشامُ،إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالی بَشَّرَ أهلَ العَقلِ وَالفَهمِ فی کِتابِهِ فَقالَ: فَبَشِّرْ عِبادِ الَّذِینَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولئِکَ الَّذِینَ هَداهُمُ اللّهُ وَ أُولئِکَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبابِ [(5)](#content_note_78_5).

یا هِشامُ إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالی أکمَلَ لِلنّاسِ الحُجَجَ بِالعُقولِ،ونَصَرَ النَّبِیّینَ بِالبَیانِ،ودَلَّهُم عَلی رُبوبِیَّتِهِ بِالأَدِلَّهِ،فَقالَ: وَ إِلهُکُمْ إِلهٌ واحِدٌ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحِیمُ \* إِنَّ فِی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ الْفُلْکِ الَّتِی تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِما یَنْفَعُ النّاسَ وَ ما أَنْزَلَ اللّهُ مِنَ السَّماءِ مِنْ ماءٍ فَأَحْیا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَ بَثَّ فِیها مِنْ کُلِّ دَابَّهٍ وَ تَصْرِیفِ الرِّیاحِ وَ السَّحابِ الْمُسَخَّرِ بَیْنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ [(6)](#content_note_78_6).

یا هِشامُ قَد جَعَلَ اللّهُ ذلِکَ دَلیلًا عَلی مَعرِفَتِهِ بِأَنَّ لَهُم مُدَبِّرًا،فَقالَ:

وَ سَخَّرَ لَکُمُ اللَّیْلَ وَ النَّهارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومُ مُسَخَّراتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ [(7)](#content_note_78_7).وقالَ: هُوَ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَهٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَهٍ ثُمَّ یُخْرِجُکُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ ثُمَّ لِتَکُونُوا شُیُوخاً وَ مِنْکُمْ مَنْ یُتَوَفّی مِنْ قَبْلُ وَ لِتَبْلُغُوا أَجَلاً مُسَمًّی وَ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ [(8)](#content_note_78_8)وقالَ:وَ اخْتِلَفِ الَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَ مَآ أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَآءِ مِن رِّزْقٍ فَأَحْیَا بِهِ الْأَرْضَ

ص:78

1- (1) غرر الحکم:7925،7756،8295،8282،6434. [1]

2- (2) غرر الحکم:7925،7756،8295،8282،6434. [2]

3- (3) غرر الحکم:7925،7756،8295،8282،6434. [3]

4- (4) غرر الحکم:7925،7756،8295،8282،6434. [4]

5- (5) الزمر:17 و 18. [5]

6- (6) البقره:163 و 164. [6]

7- (7) النحل:12. [7]

8- (8) غافر:67. [8]

156.امام علی علیه السلام: هر که از عقل راهنمایی گیرد،او را راهنمایی کند.

157.امام علی علیه السلام: آنکه از خردِ خویش پند گیرد،راه یابد.

158.امام علی علیه السلام: هر که مالک خردِ خود شود،فرزانه است.

159.امام علی علیه السلام: خرد،پوشانندۀ عیبهاست.

160.امام کاظم علیه السلام -به هشام بن حکم-:ای هشام! خداوند تبارک و تعالی در کتابش صاحبان خرد و فهم را بشارت داده و فرموده است:پس بشارت ده به آن بندگان من که به سخنْ گوش فرا می دهند و بهترین آن را پیروی می کنند؛ اینان اند که خدایشان راه نموده و اینان اند همان خردمندان.

ای هشام ! خداوند تعالی دلائلش را با خرد،کامل کرد،و پیامبران را با سخنوری یاری رسانید،و با برهان،آنان را به ربوبیّت الهی راهنمایی ساخت.

خداوند [درکتابش] فرمود:«ومعبود شما،معبود یگانه ای است که جز او هیچ معبودی نیست؛[و اوست] بخشایشگر مهربان».راستی که در آفرینش آسمانها و زمین،و در پیِ یکدیگر آمدن شب و روز،و کشتی هایی که در دریا روان اند، با آنچه به مردم می رساند؛و [همچنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و با آن،زمین را پس از مردنش زنده گردانیده و در آن،هرگونه جنبنده ای پراکنده؛و [نیز در] گردانیدن بادها و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است،برای گروهی که می اندیشند،واقعاً نشانه هایی [گویا] وجود دارد.

ای هشام ! خداوند این را نشانه قرار داد برای شناختنش به عنوان مدبّر.

پس [او در کتابش] فرمود:«و شب و روز و خورشید و ماه را برای شما رام گردانید،و ستارگانْ به فرمان او مسخّر شده اند.مسلماً در این [امور]،برای مردمی که تعقّل می کنند،نشانه هاست».و فرمود:«او همان کسی است که شما را از خاکی آفرید؛سپس از نطفه ای؛آن گاه از علقه ای؛و بعد شما را [به صورت] کودکی برمی آورد،تا به کمال قوّت خود برسید و تا سالمند شوید؛و از میان شما کسی است که مرگ پیش رس می یابد،و [بالاخره] تا به مدّتی که مقرّر است،برسید،و امید که در اندیشه فرو روید»و فرمود:«راستی که در پیِ یکدیگر آمدنِ شب و روز و آنچه خدا از روزی از آسمان فرود آورده و به

ص:79

بَعْدَ مَوْتِهَا وَ تَصْرِیفِ الرِّیَحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَیْنَ السَّمَآءِ وَ الْأَرْضِ لَأَیَتٍ لِّقَوْمٍ یَعْقِلُونَ [(1)](#content_note_80_1)وقالَ: یُحْیِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها قَدْ بَیَّنّا لَکُمُ الْآیاتِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ [(2)](#content_note_80_2).وقالَ: وَ جَنّاتٌ مِنْ أَعْنابٍ وَ زَرْعٌ وَ نَخِیلٌ صِنْوانٌ وَ غَیْرُ صِنْوانٍ یُسْقی بِماءٍ واحِدٍ وَ نُفَضِّلُ بَعْضَها عَلی بَعْضٍ فِی الْأُکُلِ إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ [(3)](#content_note_80_3).وقالَ: وَ مِنْ آیاتِهِ یُرِیکُمُ الْبَرْقَ خَوْفاً وَ طَمَعاً وَ یُنَزِّلُ مِنَ السَّماءِ ماءً فَیُحْیِی بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ [(4)](#content_note_80_4).وقالَ:

قُلْ تَعالَوْا أَتْلُ ما حَرَّمَ رَبُّکُمْ عَلَیْکُمْ أَلاّ تُشْرِکُوا بِهِ شَیْئاً وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً وَ لا تَقْتُلُوا أَوْلادَکُمْ مِنْ إِمْلاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُکُمْ وَ إِیّاهُمْ وَ لا تَقْرَبُوا الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ وَ لا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اللّهُ إِلاّ بِالْحَقِّ ذلِکُمْ وَصّاکُمْ بِهِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ [(5)](#content_note_80_5).وقالَ: هَلْ لَکُمْ مِنْ ما مَلَکَتْ أَیْمانُکُمْ مِنْ شُرَکاءَ فِی ما رَزَقْناکُمْ فَأَنْتُمْ فِیهِ سَواءٌ تَخافُونَهُمْ کَخِیفَتِکُمْ أَنْفُسَکُمْ کَذلِکَ نُفَصِّلُ الْآیاتِ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ [(6)](#content_note_80_6)...

یا هِشامُ،ما بَعَثَ اللّهُ أنبِیاءَهُ ورُسُلَهُ إلی عِبادِهِ إلّالِیَعقِلوا عَنِ اللّهِ، فَأَحسَنُهُمُ استِجابَهً أحسَنُهُم مَعرِفَهً،وأعلَمُهُم بِأَمرِ اللّهِ أحسَنُهُم عَقلًا، وأکمَلُهُم عَقلًا أرفَعُهُم دَرَجَهً فِی الدُّنیا وَالآخِرَهِ [(7)](#content_note_80_7).

161-جابِرُ بنُ عَبدِاللّهِ: إنَّ النَّبیَّ صلی الله علیه و آله تَلا هذِهِ الآیَهَ«وَتِلْکَ الأمثلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا یَعْقِلُهَآ إِلَّا الْعلِمُونَ»قالَ:العالِمُ الَّذی عَقَلَ عَنِ اللّهِ عَزَّوجَلَّ فَعَمِلَ بِطاعَتِهِ واجتَنَبَ سَخَطَهُ [(8)](#content_note_80_8).

162-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: قَسَمَ اللّهُ تَعالی العَقلَ عَلی ثَلاثَهِ أجزاءٍ فَمَن کُنَّ فیهِ کَمُلَ عَقلُهُ، ومَن لَم یَکُنَّ فیهِ فَلا عَقلَ لَهُ:حُسنُ المَعرِفَهِ بِاللّهِ،وحُسنُ الطّاعَهِ لَهُ،

ص:80

1- (1) مضمون مأخوذ من الآیه 164 من سوره البقره [1]ومن الآیه 5 من سوره الجاثیه. [2]

2- (2) الحدید:17. [3]

3- (3) الرعد:4. [4]

4- (4) الروم:24. [5]

5- (5) الأنعام:151. [6]

6- (6) الروم:28. [7]

7- (7) الکافی:12/13/1 [8] عن هشام بن الحکم.

8- (8) تیسیر المطالب:146،148،156،164،313،146. [9]

[وسیلۀ] آن،زمین را پس از مرگش زنده گرانیده است؛و [همچنین در] گردش بادها و ابری که در میان آسمان و زمین آرمیده است،برای گروهی که می اندیشند، واقعاً نشانه هایی [گویا] وجود دارد.

و فرمود:«[خدا] زمین را پس از مرگش زنده می گرداند.به راستی آیات [خود] را برای شما روشن گردانیده ایم؛باشد که بیندیشید».و فرمود:«و باغهایی از انگور و کشتزارها و درختان خرما؛چه از یک ریشه و چه از غیر یک ریشه که با یک آبْ سیراب می گردند،و [با این همه] برخی از آنها را در میوه [از حیث مزه و نوع و کیفیت] بر برخی دیگر،برتری می دهیم».

و فرمود:«و از نشانه های او [اینکه] برقی را برای شما بیم آور و امید بخش می نمایاند،و از آسمان،به تدریج آبی فرو می فرستد که به وسیلۀ آن،زمین را پس از مرگش زنده می گرداند.در این [امر هم] برای مردمی که تعقّل می کنند،قطعاً نشانه هایی است».

و فرمود:«بگو بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده،برای شما بخوانم:چیزی را با او شریک قرار مدهید،و به پدر و مادرتان احسان کنید،و فرزندان خود را از بیم تنگدستی مکشید؛ما شما و آنان را روزی می رسانیم؛و به کارهای زشت-چه علنی آن و چه پوشیده[اش]-نزدیک مشوید،و نفسی را که خدا حرام گردانیده،جز به حق مکشید.اینهاست که [خدا] شما را به [انجام دادن] آن سفارش کرده است؛باشد که بیندیشید».

و فرمود:«آیا در آنچه به شما روزی داده ایم،شریکانی از بردگانتان دارید که در آن [مال با هم] مساوی باشید و همان طور که شما از یکدیگر بیم دارید،از آنها بیم داشته باشید؟این گونه،آیات خود را برای مردمی که می اندیشند،به تفصیل بیان می کنیم».

ای هشام! خداوند،پیامبران و رسولان را به سوی بندگان فرستاد تا از خداوند، شناختْ پیدا کنند.بهترین پاسخ دهندگان به دعوت پیامبران،کسانی اند که خدا را بهتر بشناسد،و داناترین مردم به فرمان خداوند،خردمندترین آنهاست،و خردمندان،رتبه هایی عالی در دنیا و آخرت دارند.

161.جابر بن عبداللّه: رسول خدا این آیه را خواند:«و این مَثَلها را برای مردم می زنیم و جز دانشوران،آن را در نمی یابند».[آن گاه] فرمود:«دانشور،کسی است که دریافتی از خدایِ عزّوجل دارد؛از فرمانهایش پیروی می کند واز خشم او دوری می گزیند».

162.پیامبر صلی الله علیه و آله: خدای متعال،خرد را بر سه پاره تقسیم کرد،هر که آن سه پاره را دارا شود،خردش کامل است و آنکه از آن بی بهره است،خردمند نیست.شناختی نیکو

ص:81

وحُسنُ الصَّبرِ عَلی أمرِهِ عَزَّوجَلَّ [(1)](#content_note_82_1).

163-عنه صلی الله علیه و آله: کَم مِن عاقِلٍ عَقَلَ عَنِ اللّهِ أمرَهُ وهُوَ حَقیرٌ عِندَ النّاسِ ذَمیمُ المَنظَرِ یَنجو غَدًا،وکَم مِن ظَریفِ اللِّسانِ جَمیلِ المَنظَرِ عِندَ النّاسِ یَهلِکُ غَدًا فِی القِیامَهِ [(2)](#content_note_82_2).

164-عنه صلی الله علیه و آله: ما تَمَّ دینُ إنسانٍ قَطُّ حَتّی یَتِمَّ عَقلُهُ [(3)](#content_note_82_3).

165-عنه صلی الله علیه و آله: جَدَّ المَلائِکَهُ واجتَهَدوا فی طاعَهِ اللّهِ بِالعَقلِ،وجَدَّ المُؤمِنونَ من بَنی آدَمَ واجتَهَدوا فی طَاعَهِ اللّهِ عَلی قَدرِ عُقولِهِم فَأعمَلُهُم بِطاعَهِ اللّهِ أوفَرُهُم عَقلًا [(4)](#content_note_82_4).

166-اِبنُ عَبّاسٍ رَفَعَهُ إلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قالَ:أفضَلُ النّاسِ أعقَلُ النّاسِ،قالَ ابنُ عَبّاسٍ:وذلِکَ نَبِیُّکُم صلی الله علیه و آله [(5)](#content_note_82_5).

167-الإمام الصادق علیه السلام: ما أنتُم وَالبَراءَهُ؛یَبرَأُ بَعضُکُم مِن بَعضٍ ! إنَّ المُؤمِنینَ بَعضُهُم أفضَلُ مِن بَعضٍ،وبَعضُهُم أکثَرُ صَلاهً مِن بَعضٍ،وبَعضُهُم أنفَذُ بَصَراً مِن بَعضٍ،وَهِیَ الدَّرَجاتُ [(6)](#content_note_82_6).

ص:82

1- (1) تیسیر المطالب:146،148،156،164،313،146. [1]

2- (2) تیسیر المطالب:146،148،156،164،313،146. [2]

3- (3) تیسیر المطالب:146،148،156،164،313،146. [3]

4- (4) تیسیر المطالب:146،148،156،164،313،146. [4]

5- (5) تیسیر المطالب:146،148،156،164،313،146. [5]

6- (6) الکافی:4/45/2 [6] عن الصباح بن سیابه.

از خداوند،نیکْ فرمانبرداری و پایداری شایسته بر دستورهای خداوند عزّوجل.

163.پیامبر صلی الله علیه و آله: چه بسیار خردمندانی که دستورهای خداوند را [به نیکی] دریافته اند؛ولی نزد مردم،خوار و زشت منظرند،امّا در آینده رستگار می شوند؛وچه بسیار سخنورانِ زیبا رویی نزد مردم هستند که در قیامت به هلاکت می افتند.

164.پیامبر صلی الله علیه و آله: دینداری آدمی هرگز به کمال نرسد،جز آنکه خردش کامل گردد.

165.پیامبر صلی الله علیه و آله: فرشتگان،با خرد در راه فرمانبرداری خداوند،کوشش و تلاش کردند و انسانهای مؤمن نیز به اندازۀ عقلشان در راه طاعت خداوند کوشش و تلاش کردند.حقیقتاً بیشترین فرمانبرداران از دستورهای خداوند،بیشترین برخوردارانِ از خردند.

166.پیامبر صلی الله علیه و آله -ابن عباس از ایشان نقل می کند-:«برترین مردم،خردمندترین آنهاست»ابن عباس گفت:«و آن،پیامبر شماست».

167.امام صادق علیه السلام: شما را چه به دوری جستن،که برخی از شما از برخی دیگر دوری می جویید.بعضی از مؤمنان از برخی برترند،برخی نمازشان بیشتر است،و برخی نگاهی نافذتر دارند؛و این است معنای رتبه ها.

ر.ک:ص 51«ارزش خرد»/ص 123«نشانه های خرد».

یادآوری:

همۀ آیات و روایاتی که مردم را به تفکّر،تدبّر،تذکّر،تفقّه و بصیرت دعوت می کنند،بر تعقّل و نقش آن در شناخت و انتخاب مسیرِ صحیح زندگیْ تأکید دارند.

ص:83

2/3 التَّحذیرُ مِن تَرکِ التَّعَقُّلِ

الکتاب

وَ لَقَدْ ذَرَأْنا لِجَهَنَّمَ کَثِیراً مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لا یَفْقَهُونَ بِها وَ لَهُمْ أَعْیُنٌ لا یُبْصِرُونَ بِها وَ لَهُمْ آذانٌ لا یَسْمَعُونَ بِها أُولئِکَ کَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولئِکَ هُمُ الْغافِلُونَ [(1)](#content_note_84_1).

وَ یَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَی الَّذِینَ لا یَعْقِلُونَ [(2)](#content_note_84_2).

وَ مَنْ کانَ فِی هذِهِ أَعْمی فَهُوَ فِی الْآخِرَهِ أَعْمی وَ أَضَلُّ سَبِیلاً [(3)](#content_note_84_3).

أُفٍّ لَکُمْ وَ لِما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّهِ أَ فَلا تَعْقِلُونَ [(4)](#content_note_84_4).

وَ قالُوا لَوْ کُنّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ ما کُنّا فِی أَصْحابِ السَّعِیرِ [(5)](#content_note_84_5).

وَ الَّذِینَ کَفَرُوا لَهُمْ نارُ جَهَنَّمَ لا یُقْضی عَلَیْهِمْ فَیَمُوتُوا وَ لا یُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذابِها کَذلِکَ نَجْزِی کُلَّ کَفُورٍ\* وَ هُمْ یَصْطَرِخُونَ فِیها رَبَّنا أَخْرِجْنا نَعْمَلْ صالِحاً غَیْرَ الَّذِی کُنّا نَعْمَلُ أَ وَ لَمْ نُعَمِّرْکُمْ ما یَتَذَکَّرُ فِیهِ مَنْ تَذَکَّرَ وَ جاءَکُمُ النَّذِیرُ فَذُوقُوا فَما لِلظّالِمِینَ مِنْ نَصِیرٍ [(6)](#content_note_84_6).

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَکْثَرَهُمْ یَسْمَعُونَ أَوْ یَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلاّ کَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِیلاً [(7)](#content_note_84_7).

\* الحدیث

168-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: استَرشِدُوا العَقلَ تَرشُدوا،ولا تَعصوهُ فَتَندَموا [(8)](#content_note_84_8).

169-الإمام علیّ علیه السلام: مَن عَجَزَ عَن حاضِرِ لُبِّهِ فَهُوَ عَن غائِبِهِ أعجَزُ [(9)](#content_note_84_9).

ص:84

1- (1) الأعراف:179. [1]

2- (2) یونس:100. [2]

3- (3) الإسراء:72. [3]

4- (4) الأنبیاء:67. [4]

5- (5) الملک:10. [5]

6- (6) فاطر:36 و 37. [6]

7- (7) الفرقان:44. [7]

8- (8) کنزالفوائد:31/2. [8]

9- (9) غرر الحکم:8209،10352،3444،8701. [9]

#### 2/3 زنهار از کنار نهادن خردورزی

قرآن

و در حقیقت،بسیاری از جنّیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم؛[چرا که] دلهایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی کنند،و چشمانی دارند که با آنها نمی بینند،و گوشهایی دارند که با آنها نمی شنوند.آنان،همانند چارپایان،بلکه گمراه ترند.[آری،] آنها همان غافل ماندگان اند؛و [خدا] بر کسانی که نمی اندیشند،پلیدی را قرار می دهد.

و هر که در این [دنیا] کورْ [دل] باشد،در آخرت [هم] کور [دل] و گمراه تر خواهد بود.

اف بر شما و بر آنچه غیر از خدا می پرستید ! مگر نمی اندیشید؟

و گویند:اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقّل کرده بودیم،در [میان] دوزخیان نبودیم.

و[لی] کسانی که کافر شده اند،آتش جهنّم برای آنان خواهد بود.حکم به مرگْ بر ایشان [جاری] نمی شود،تا بمیرند و نه عذابِ آن از ایشان کاسته شود.[آری،] هر ناسپاسی را چنین کیفر می دهیم؛و آنان در آنجا فریاد برمی آورند:«پروردگارا ! ما را بیرون بیاور،تا غیر از آنچه می کردیم،کار شایسته کنیم».مگر شما را [آن قدر] عمر دراز ندادیم که هرکس باید در آن عبرت گیرد،عبرت می گرفت،و [آیا] برای شما هشدار دهنده نیامد؟پس بچشید که برای ستمگران یاوری نیست.

یا گمان داری که بیشترشان می شنوند یا می اندیشند؟آنان جز مانند ستوران نیستند؛بلکه گمراه ترند.

ر.ک:بقره:44 و 76،آل عمران:65،یونس:16،عنکبوت:35 و 43،

صافات:138،فاطر:37،جاثیه:23،احقاف:26.

حدیث

168.پیامبر صلی الله علیه و آله: از خردْ راهنمایی بگیرید تا به رُشد رسید و نافرمانی خرد مکنید که پشیمان می شوید.

169.امام علی علیه السلام: آنکه از به کار گرفتن خرد،ناتوان است،از به دست آوردن آن، ناتوان تر است.

ص:85

170-عنه علیه السلام: العاقِلُ یَتَّعِظُ بِالأَدَبِ،وَالبَهائِمُ لا تَرتَدِعُ إلّابِالضَّربِ [(1)](#content_note_86_1).

171-عنه علیه السلام: إنَّ الزُّهدَ فِی الجَهلِ بِقَدرِ الرَّغبَهِ فِی العَقلِ [(2)](#content_note_86_2).

172-عنه علیه السلام: مَن قَعَدَ بِهِ العَقلُ قامَ بِهِ الجَهلُ [(3)](#content_note_86_3).

173-عنه علیه السلام: نَعوذُ بِاللّهِ مِن سُباتِ العَقلِ وقُبحِ الزَّلَلِ [(4)](#content_note_86_4).

174-عنه علیه السلام: مَن لا یَعقِل یَهُن،ومَن یَهُن لا یُوَقَّر [(5)](#content_note_86_5).

175-عنه علیه السلام -فی کلامٍ لَهُ-:أیَّتُهَا النُّفوسُ المُختَلِفَهُ،وَالقُلوبُ المُتَشَتِّتَهُ،الشّاهِدَهُ أبدانُهُم،وَالغائِبَهُ عَنهُم عُقولُهُم،أظأَرُکُم عَلَی الحَقِّ وأنتُم تَنفِرونَ عَنهُ نُفورَ المِعزی مِن وَعوَعَهِ الأَسَدِ ! [(6)](#content_note_86_6)

176-عنه علیه السلام -مِن کَلامٍ لَهُ لِأَصحابِهِ-:أیُّهَا القَومُ،الشّاهِدَهُ أبدانُهُمُ،الغائِبَهُ عَنهُم عُقولُهُمُ،المُختَلِفَهُ أهواؤُهُمُ،المُبتَلی بِهِم امَراؤُهُم،صاحِبُکُم یُطیعُ اللّهَ وأنتُم تَعصونَهُ،وصاحِبُ أهلِ الشّامِ یَعصِی اللّهَ وهُم یُطیعونَهُ ! [(7)](#content_note_86_7)

177-الإمام الصادق علیه السلام: إذا أرادَ اللّهُ أن یُزیلَ مِن عَبدٍ نِعمَهً کانَ أوَّلُ ما یُغَیِّرُ مِنهُ عَقلَهُ [(8)](#content_note_86_8).

178-الإمام الکاظم علیه السلام -لِهِشامِ بنِ الحَکَمِ-:یا هِشامُ،إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالی أکمَلَ لِلنّاسِ الحُجَجَ بِالعُقولِ...ثُمَّ وَعَظَ أهلَ العَقلِ ورَغَّبَهُم فِی الآخِرَهِ فَقالَ: وَ مَا الْحَیاهُ الدُّنْیا إِلاّ لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَلدّارُ الْآخِرَهُ خَیْرٌ لِلَّذِینَ یَتَّقُونَ أَ فَلا تَعْقِلُونَ [(9)](#content_note_86_9).

یا هِشامُ،ثُمَّ خَوَّفَ الَّذینَ لا یَعقِلونَ عِقابَهُ فَقالَ تَعالی: ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِینَ \* وَ إِنَّکُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَیْهِمْ مُصْبِحِینَ \* وَ بِاللَّیْلِ أَ فَلا تَعْقِلُونَ [(10)](#content_note_86_10).

ص:86

1- (1) غرر الحکم:8209،10352،3444،8701.

2- (2) غرر الحکم:8209،10352،3444،8701. [1]

3- (3) غرر الحکم:8209،10352،3444،8701.

4- (4) نهج البلاغه:الخطبه 224. [2]

5- (5) غرر الحکم:7927. [3]

6- (6) نهج البلاغه:الخطبه 131، [4]الإرشاد:279/1، [5]الاحتجاج:89/411/1 [6] وفیهما«أیّها الشاهده أبدانهم،الغائبه عنهم عقولهم»فقط.

7- (7) نهج البلاغه:الخطبه 97. [7]

8- (8) الاختصاص:245؛شرح نهج البلاغه:445/301/20 عن الإمام علیّ علیه السلام.

9- (9) الأنعام:32. [8]

10- (10) الصافّات:136-138. [9]

170.امام علی علیه السلام: خردمندانْ از ادب پند گیرند و چارپایانْ جز با کتک،باز داشته نمی شوند.

171.امام علی علیه السلام: به اندازه بی میلی به نادانی،رغبت و میل به خردمندی حاصل شود.

172.امام علی علیه السلام: هر که خردْ او را فرو نشاند،جهل او را برآورد.

173.امام علی علیه السلام: به خدا پناه می بریم از خواب عقل و زشتی لغزشها.

174.امام علی علیه السلام: هر که اندیشه نکند،سَبُک شود و هر که سبک گشت،مورد احترام قرار نگیرد.

175.امام علی علیه السلام: ای مردمان گوناگون و دلهای پراکنده که بدنهایشان حاضر و عقلهایشان از آنها پنهان است ! با مهربانی تمام،شما را به طرف حقّ سوق می دهم و از آن می گریزید؛مانند رمیدن بز از غرّشِ شیر.

176.امام علی علیه السلام -در پاره ای از سخنانش در جمع یاران-:ای گروهی که بدنهایشانْ حاضر،و عقلهایشان از آنها پنهان،و اندیشه هاشانْ گوناگون است،و فرمانروایانْ به آنها گرفتار شده اند ! امیرِ شما،خدا را اطاعت می کند،حال آنکه شما نافرمانی او می کنید،و فرماندۀ شام،خدا را نافرمانی می کند،حال آنکه اهل شام از او پیروی می کنند.

177.امام صادق علیه السلام: هرگاه خداوند اراده کند که نعمتی را از بنده باز ستاند،نخست خردش را دگرگون سازد.

178.امام کاظم علیه السلام -به هشام بن حکم-:ای هشام! خداوند تبارک و تعالی به وسیلۀ عقل،حجّتها را بر انسانها تمام کرد...آن گاه،خردمندان را پند داد و آنان را به سوی آخرت ترغیب کرد و فرمود:«و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست،و قطعاً سرای بازپسین برای کسانی که پرهیزکاری می کنند،بهتر است؛آیا نمی اندیشید؟»

ای هشام! آن گاه کسانی را که خرد پیشه نیستند،از عذاب خود ترسانید و فرمود:«سپس،دیگران را هلاک کردیم و در حقیقت،شما بر آنان صبحگاهان و شامگاهان می گذرید؛آیا به فکر فرو نمی روید؟»؛و فرمود:«ما بر مردم این

ص:87

وقالَ: إِنّا مُنْزِلُونَ عَلی أَهْلِ هذِهِ الْقَرْیَهِ رِجْزاً مِنَ السَّماءِ بِما کانُوا یَفْسُقُونَ \* وَ لَقَدْ تَرَکْنا مِنْها آیَهً بَیِّنَهً لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ [(1)](#content_note_88_1).

یا هِشامُ،إنَّ العَقلَ مَعَ العِلمِ فَقالَ: وَ تِلْکَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنّاسِ وَ ما یَعْقِلُها إِلاَّ الْعالِمُونَ [(2)](#content_note_88_2).

یا هِشامُ،ثُمَّ ذَمَّ الَّذینَ لا یَعقِلونَ فَقالَ: وَ إِذا قِیلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا ما أَنْزَلَ اللّهُ قالُوا بَلْ نَتَّبِعُ ما أَلْفَیْنا عَلَیْهِ آباءَنا أَ وَ لَوْ کانَ آباؤُهُمْ لا یَعْقِلُونَ شَیْئاً وَ لا یَهْتَدُونَ [(3)](#content_note_88_3).وقالَ: وَ مَثَلُ الَّذِینَ کَفَرُوا کَمَثَلِ الَّذِی یَنْعِقُ بِما لا یَسْمَعُ إِلاّ دُعاءً وَ نِداءً صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لا یَعْقِلُونَ [(4)](#content_note_88_4).وقالَ: وَ مِنْهُمْ مَنْ یَسْتَمِعُونَ 5إِلَیْکَ أَ فَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَ لَوْ کانُوا لا یَعْقِلُونَ [(5)](#content_note_88_5).وقالَ: أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَکْثَرَهُمْ یَسْمَعُونَ أَوْ یَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلاّ کَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِیلاً [(6)](#content_note_88_6).وقالَ: لا یُقاتِلُونَکُمْ جَمِیعاً إِلاّ فِی قُریً مُحَصَّنَهٍ أَوْ مِنْ وَراءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَیْنَهُمْ شَدِیدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِیعاً وَ قُلُوبُهُمْ شَتّی ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لا یَعْقِلُونَ [(7)](#content_note_88_7).وقالَ: وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَکُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْکِتابَ أَ فَلا تَعْقِلُونَ [(8)](#content_note_88_8).

یا هِشامُ،ثُمَّ ذَمَّ اللّهُ الکَثرَهَ فَقالَ: وَ إِنْ تُطِعْ أَکْثَرَ مَنْ فِی الْأَرْضِ یُضِلُّوکَ عَنْ سَبِیلِ اللّهِ [(9)](#content_note_88_9).وقالَ: وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ لَیَقُولُنَّ اللّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلّهِ بَلْ أَکْثَرُهُمْ لا یَعْلَمُونَ [(10)](#content_note_88_10).وقالَ: وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَحْیا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِها لَیَقُولُنَّ اللّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلّهِ بَلْ أَکْثَرُهُمْ لا یَعْقِلُونَ [(11)](#content_note_88_11).

یا هِشامُ،ثُمَّ مَدَحَ القِلَّهَ فَقالَ: وَ قَلِیلٌ مِنْ عِبادِیَ الشَّکُورُ [(12)](#content_note_88_12).وقالَ:

ص:88

1- (1) العنکبوت:(34 و 35)، [1]43.

2- (2) العنکبوت:(34 و 35)، [2]43.

3- (3) البقره:170،171. [3]

4- (4) البقره:170،171. [4]

5- (6) یونس:42. [5]

6- (7) الفرقان:44. [6]

7- (8) الحشر:14. [7]

8- (9) البقره:44. [8]

9- (10) الأنعام:116. [9]

10- (11) لقمان:25. [10]

11- (12) العنکبوت:63. [11]

12- (13) سبأ:13. [12]

شهر به [سزای] گناهی که می کردند،عذابی از آسمان فرو خواهیم فرستاد،و از آن [شهر سوخته] برای مردمی که می اندیشند؛نشانه ای روشن باقی گذاشتیم».

ای هشام ! خرد با دانش همراه است؛پس خداوند فرمود:«و این مَثَلْها را برای مردم می زنیم؛و[لی] جز دانشورانْ آنها را درنیابند».

ای هشام ! پس خداوند کسانی را که تعقّل نمی کنند،سرزنش کرده و فرموده است:«و چون به آنان گفته شود:«از آنچه خدا نازل کرده است،پیروی کنید، می گویند:نه،بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته ایم،پیروی می کنیم.آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی کرده و به راه صواب نمی رفته اند [باز هم در خور پیروی هستند]؟»

و [خداوند] فرمود:«و مَثَل [دعوت کنندۀ] کافران،مَثَل کسی است که حیوانی را که جز صدا و ندایی [مبهم،چیزی] نمی شنود،بانگ می زند.[آری،] کرند، لال اند،کورند [و] درنمی یابند»؛و فرمود:«و برخی از آنان،کسانی اند که به تو گوش فرا می دهند.آیا تو کران را-هر چند درنیابند-شنوا خواهی کرد؟»

و [خداوند] فرمود:«آیا گمان داری که بیشترشان می شنوند یا می اندیشند؟ آنان جز مانند ستوران نیستند،بلکه گمراه ترند»؛و فرمود:«[آنان،به صورت] دسته جمعی،جز در قریه هایی که دارای استحکامات اند،یا از پشت دیوارها با شما نخواهند جنگید.جنگشان میان خودشان سخت است.آنان را متّحد می پنداری؛ و[لی] دلهایشان پراکنده است؛زیرا آنان مردمانی اند که نمی اندیشند»؛و فرمود:

«و خود را فراموش می کنید،با اینکه شما کتاب [خدا] را می خوانید؟آیا [هیچ] نمی اندیشید؟»

ای هشام ! خداوند،بیشتری را سرزنش کرد و فرمود:«و اگر از بیشتر کسانی که در [این سر]زمین هستند،پیروی کنی،تو را از راه خدا گمراه می کنند»؛و فرمود:

«و اگر از آنها بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است،مسلّماً خواهند گفت:خدا.بگو:ستایشْ از آنِ خداست؛ولی بیشترشان نمی دانند»؛و فرمود:«و اگر از آنان بپرسی چه کسی از آسمان،آبی فرو فرستاده و زمین را پس از مرگش به وسیلۀ آن زنده گردانیده است،حتماً خواهند گفت:خدا.بگو:ستایش از آنِ خداست،با این همه،بیشترشان نمی اندیشند».

ای هشام ! سپس خداوند،کمی را ستود و فرمود:«و از بندگان من،اندکی سپاسگزارند»؛و فرمود:«و اینها بسْ اندک اند»؛و فرمود:«و مردی مؤمن از خاندان

ص:89

وَ قَلِیلٌ ما هُمْ [(1)](#content_note_90_1).وقالَ: وَ قالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ یَکْتُمُ إِیمانَهُ أَ تَقْتُلُونَ رَجُلاً أَنْ یَقُولَ رَبِّیَ اللّهُ [(2)](#content_note_90_2).وقالَ: مَنْ آمَنَ وَ ما آمَنَ مَعَهُ إِلاّ قَلِیلٌ [(3)](#content_note_90_3).وقالَ: وَ لکِنَّ أَکْثَرَهُمْ لا یَعْلَمُونَ [(4)](#content_note_90_4).وقالَ: وَ أَکْثَرُهُمْ لا یَعْقِلُونَ [(5)](#content_note_90_5)[(6)](#content_note_90_6).

179-الإمام الرضا علیه السلام: لا یُعبَأُ بِأَهلِ الدّینِ مِمَّن لا عَقلَ لَهُ [(7)](#content_note_90_7).

180-إسحاقُ بنُ عَمّارٍ عَن أبی عَبدِاللّهِ علیه السلام:قُلتُ لَهُ:جُعِلتُ فِداکَ،إنَّ لی جارًا کَثیرَ الصَّلاهِ کَثیرَ الصَّدَقَهِ کَثیرَ الحَجِّ لا بَأسَ بِهِ.

فَقالَ:یا إسحاقُ،کَیفَ عَقلُهُ؟

قُلتُ لَهُ:جُعِلتُ فِداکَ،لَیسَ لَهُ عَقلٌ.

فَقالَ:لا یُرتَفَعُ بِذلِکَ مِنهُ [(8)](#content_note_90_8).

3/3 حُجِّیَّهُ العَقلِ

181-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: کُن مَعَ الحَقِّ حَیثُ کانَ،ومَیِّز مَا اشتَبَهَ عَلَیکَ بِعَقلِکَ فَإِنَّ حُجَّهَ اللّهِ عَلَیکَ وَدیعَهٌ فیکَ وبَرَکاتُهُ عِندَکَ [(9)](#content_note_90_9).

182-الإمام علیّ علیه السلام: العَقلُ رَسولُ الحَقِّ [(10)](#content_note_90_10).

183-عنه علیه السلام: العَقلُ شَرعٌ مِن داخِلٍ،وَالشَّرعُ عَقلٌ مِن خارِجٍ [(11)](#content_note_90_11).

184-الإمام الصادق علیه السلام: حُجَّهُ اللّهِ عَلَی العِبادِ النَّبِیُّ،وَالحُجَّهُ فیما بَینَ العِبادِ وبَینَ اللّهِ

ص:90

1- (1) ص:24.

2- (2) غافر:28. [1]

3- (3) هود:40. [2]

4- (4) الأنعام:37. [3]

5- (5) المائده:103. [4]

6- (6) الکافی:13/1 و ص 12/14 [5] عن هشام بن الحکم.

7- (7) الکافی:32/27/1 [6] عن الحسن بن الجهم.

8- (8) الکافی:19/24/1. [7]

9- (9) کشف الخفاء:2025/135/2،الفردوس:8307/318/5 عن الإمام علیّ علیه السلام وفیه«فإنّه حجّه اللّه».

10- (10) غرر الحکم:272. [8]

11- (11) مجمع البحرین:1249/2.

فرعون که ایمان خود را نهان می داشت،گفت:آیا مردی را می کُشید که می گوید پروردگار من خداست؟

و [خداوند] فرمود:«کسانی ایمان آورده اند،و با او جز [عدّۀ] اندکی ایمان نیاورده بودند»؛و فرمود:«لیکن بیشتر آنان نمی دانند»؛و فرمود:«بیشتر آنان نمی اندیشند».

179.امام رضا علیه السلام: به دینداران بی خرد،اعتنا نمی شود.

180.اسحاق بن عمّار: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:«جانم فدایت ! همسایه ای دارم که بسیار نماز می خواند،بسیار صدقه می دهد،بسیار حج به جای می آورد و مردی درستکار است».فرمود:«ای اسحاق ! عقل او چگونه است؟».گفتم:

«جانم به قربانت! از خرد بی بهره است».فرمود:«به همین جهت،این اعمالش پذیرفته نمی شود».

ر.ک:ص 271«سرزنش نادان».

#### 3/3 حجّیت خرد

181.پیامبر صلی الله علیه و آله: ای علی! با حقّ باش،هرجا که باشد و کارهای شبهه ناک را با عقلت جدا ساز؛زیرا خرد،حجّت خدا بر تو و امانت او نزد تو و برکت الهی در پیش توست.

182.امام علی علیه السلام: خرد،فرستادۀ حقّ است.

183.امام علی علیه السلام: خرد،شریعت درونی و شریعت،عقل بیرونی است.

184.امام صادق علیه السلام: حجّت خداوند بر بندگان،پیامبر است و حجّت بین بندگان و

ص:91

العَقلُ [(1)](#content_note_92_1).

185-الإمام الکاظم علیه السلام -لِهِشامِ بنِ الحَکَمِ-:یا هِشامُ،إنَّ للّهِ ِ عَلَی النّاسِ حُجَّتَینِ:

حُجَّهً ظاهِرَهً وحُجَّهً باطِنَهً فَأَمَّا الظّاهِرَهُ فَالرُّسُلُ وَالأَنبِیاءُ وَالأَئِمَّهُ علیهم السلام، وأمَّا الباطِنَهُ فَالعُقولُ [(2)](#content_note_92_2).

186-عنه علیه السلام -أیضًا-:یا هِشامُ،إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالی أکمَلَ لِلنّاسِ الحُجَجَ بِالعُقولِ،ونَصَرَ النَّبِیّینَ بِالبَیانِ،ودَلَّهُم عَلی رُبوبِیَّتِهِ بِالأَدِلَّهِ [(3)](#content_note_92_3).

187-أبو یَعقوبَ البَغدادِیُّ: قالَ ابنُ السِّکّیتِ لِأَبِی الحَسَنِ علیه السلام:...تَاللّهِ ما رَأَیتُ مِثلَکَ قَطُّ،فَمَا الحُجَّهُ عَلَی الخَلقِ الیَومَ؟قالَ:فَقالَ علیه السلام:العَقلُ،یُعرَفُ بِهِ الصّادِقُ عَلَی اللّهِ فَیُصَدِّقُهُ وَالکاذِبُ عَلَی اللّهِ فَیُکَذِّبُهُ،قالَ:فَقالَ ابنُ السِّکّیتِ:هذا وَاللّهِ هُوَ الجَوابُ [(4)](#content_note_92_4).

4/3 دَورُ العَقلِ فی حِسابِ الأَعمالِ

188-الإمام علیّ علیه السلام: إنَّ اللّهَ عز و جل یُحاسِبُ العِبادَ عَلی قَدرِ ما آتاهُم مِنَ العُقولِ فی دارِ الدُّنیا [(5)](#content_note_92_5).

189-الإمام الباقر علیه السلام -فی ذِکرِ بَعضِ ما أنزَلَ اللّهُ عَلی موسَی بنِ عِمرانَ علیه السلام-:فَانحَطَّ عَلَیهِ الوَحیُ...فَقالَ لَهُ:أنَا اؤاخِذُ عِبادی عَلی قَدرِ ما أعطَیتُهُم مِنَ العَقلِ [(6)](#content_note_92_6).

190-عنه علیه السلام: إنَّما یُداقُّ اللّهُ العِبادَ فِی الحِسابِ یَومَ القِیامَهِ عَلی قَدرِ ما آتاهُم مِنَ العُقولِ فِی الدُّنیا [(7)](#content_note_92_7).

ص:92

1- (1) الکافی:22/25/1 [1] عن عبداللّه بن سنان.

2- (2) الکافی:12/16/1 [2] عن هشام بن الحکم،تحف العقول:386.

3- (3) الکافی:12/13/1، [3]تحف العقول:384 وفیه«أفضی إلیهم»بدل«نصر النبیّین».

4- (4) الکافی:24/1 و ص 20/25، [4]علل الشرایع:6/122، [5]تحف العقول:450،الاحتجاج:309/438/2. [6]

5- (5) الاُصول الستّه عشر (أصل زید الزرّاد):4.

6- (6) المحاسن:608/308/1 [7] عن عبیداللّه بن الولید الوصّافی عن الإمام الباقر علیه السلام.

7- (7) الکافی:7/11/1، [8]المحاسن:614/310/1 [9] کلاهما عن أبی الجارود.

خداوند،عقل است.

185.امام کاظم علیه السلام -به هشام بن حکم-:ای هشام! خداوند،دو حجّت بر مردم دارد:

حجّت آشکار و حجّت پنهان.حجّت آشکار،رسولان،پیامبران و امامان اند، و حجّت پنهانْ عقلهایند.

186.امام کاظم علیه السلام: ای هشام! خداوند تبارک و تعالی حجّتها را با عقلْ بر مردم تمام کرد و پیامبران را با سخن یاری رساند و با براهین،آنان را با ربوبیّت خویش آشنا ساخت.

187.ابویعقوب بغدادی: ابن سکّیت به امام رضا علیه السلام عرض کرد:«...به خدا سوگند، مانند شما کسی را نیافتم؛امروزه حجّت خداوند بر مردم چیست؟».فرمود:

«خرد؛با آن راستگویان بر خداوند شناخته شده،تصدیق می شوند و دروغگویان،شناسایی شده،تکذیب می شوند».ابویعقوب می گوید که ابن سکّیت گفت:«به خدا سوگند،همین پاسخ [واقعی] است».

#### 4/3 نقش خرد در حسابرسی اعمال

188.امام علی علیه السلام: خداوند،بندگان را به اندازۀ عقلی که در دنیا به آنان عطا کرده، حسابرسی می کند.

189.امام باقر علیه السلام -به هنگام یاد کردن پاره ای از آنچه بر موسی بن عمران علیه السلام فرود آمد -:بر او وحی فرود آمد...آن گاه،خداوند فرمود:«به اندازۀ عقلی که به بندگانم دادم،آنان را حسابرسی می کنم».

190.امام باقر علیه السلام: خداوند،در روز رستاخیز به اندازۀ عقلی که به بندگان بخشیده، آنان را در حسابرسی مورد موشکافی قرار می دهد.

ص:93

191-عنه علیه السلام: إنّی نَظَرتُ فی کِتابٍ لِعَلِیٍّ علیه السلام،فَوَجَدتُ فِی الکِتابِ:إنَّ قیمَهَ کُلِّ امرِیً وقَدرَهُ مَعرِفَتُهُ،إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالی یُحاسِبُ النّاسَ عَلی قَدرِ ما آتاهُم مِنَ العُقولِ فی دارِ الدُّنیا [(1)](#content_note_94_1).

5/3 دَورُ العَقلِ فی جَزاءِ الأَعمالِ

192-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: إذا بَلَغَکُم عَن رَجُلٍ حُسنُ حالٍ فَانظُروا فی حُسنِ عَقلِهِ،فَإِنَّما یُجازی بِعَقلِهِ [(2)](#content_note_94_2).

193-عنه صلی الله علیه و آله: إذا رَأَیتُمُ الرَّجُلَ کَثیرَ الصَّلاهِ کَثیرَ الصِّیامِ،فَلا تُباهوا بِهِ حَتّی تَنظُروا کَیفَ عَقلُهُ [(3)](#content_note_94_3).

194-عنه صلی الله علیه و آله: إنَّ الرَّجُلَ لَیَکونُ مِن أهلِ الصَّلاهِ وَالزَّکاهِ وَالحَجِّ وَالعُمرَهِ وَالجِهادِ، وما یُجزی یَومَ القِیامَهِ إلّابِقَدرِ عَقلِهِ [(4)](#content_note_94_4).

195-عنه صلی الله علیه و آله: الجَنَّهُ مِائَهُ دَرَجَهٍ،تِسعَهٌ وتِسعونَ دَرَجَهً لِأَهلِ العَقلِ،ودَرَجَهٌ لِسائِرِ النّاسِ الَّذینَ هُم دونَهُم [(5)](#content_note_94_5).

196-عنه صلی الله علیه و آله: تَعَبَّدَ رَجُلٌ فی صَومَعَهٍ،فَمَطَرَتِ السَّماءُ،فَأَعشَبَتِ الأَرضُ،فَرَأی حِمارًا یَرعی،فَقالَ:رَبِّ لَو کانَ لَکَ حِمارٌ لَرَعَیتُهُ مَعَ حِماری.فَبَلَغَ ذلِکَ نَبِیًّا مِن أنبِیاءِ بَنی إسرائیلَ،فَأَرادَ أن یَدعُوَ عَلَیهِ،فَأَوحَی اللّهُ إلَیهِ:إنَّما اجازِی العِبادَ عَلی قَدرِ عُقولِهِم [(6)](#content_note_94_6).

197-تحف العقول: أثنی قَومٌ بِحَضرَتِهِ [ صلی الله علیه و آله ] عَلی رَجُلٍ حَتّی ذَکَروا جَمیعَ خِصالِ

ص:94

1- (1) معانی الأخبار:2/1 عن برید الرزّاز عن الإمام الصادق علیه السلام،الاُصول الستّه عشر [1] (أصل زید الزرّاد):3 عن زید عن الإمام الصادق علیه السلام وفیه«زنه»بدل«قیمه».

2- (2) الکافی:9/12/1 [2] عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام،المحاسن:612/310/1 [3] عن السکونی عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله،مشکاه الأنوار:248 [4] عن الإمام الصادق علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله،الجعفریّات:148 [5] عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله.

3- (3) الکافی:28/26/1 [6] عن الإمام الصادق علیه السلام.

4- (4) المعجم الأوسط:3057/251/3،تاریخ بغداد:79/13،و ج 200/2 [7] کلاهما نحوه وکلّها عن ابن عمر عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله؛مجمع البیان:487/10 نحوه.

5- (5) حلیه الأولیاء:139/4 عن عمر.

6- (6) شعب الإیمان:4640/156/4، [8]تاریخ بغداد:13/4،و ص 46 [9] نحوه وکلّها عن جابر بن عبداللّه،وراجع الفردوس:2114/16/2.

191.امام باقر علیه السلام: در کتاب علی علیه السلام نگاه کردم و چنین یافتم:بهای هر انسان و قدر و منزلت او به اندازۀ شناخت و معرفت اوست.خداوندِ تبارک و تعالی از بندگان به اندازۀ عقلی که در دنیا به آنان بخشیده،حسابرسی می کند.

ر.ک:ص 33 ح 10«آفرینش خرد و نادانی».

#### 5/3 نقش عقل در پاداش اعمال

192.پیامبر صلی الله علیه و آله: اگر از رفتار نیکوی شخصی به شما خبر رسید،در نیکویی خردش بنگرید؛چرا که به اندازۀ خردش پاداش داده می شود.

193.پیامبر صلی الله علیه و آله: اگر فردی را بسیار نمازگزار و بسیار روزه گیر یافتید،به وی مباهات نکنید تا در چگونگی خردش بنگرید.

194.پیامبر صلی الله علیه و آله: انسانی که اهل نماز،زکات،حج،عمره و جهاد است،در روز رستاخیز به اندازۀ خردش پاداش داده می شود.

195.پیامبر صلی الله علیه و آله: بهشت را یکصد رتبه است؛نودونُه رتبۀ آن،از آنِ خردمندان است و یک رتبۀ دیگر،از آنِ مردمان دیگر.

196.پیامبر صلی الله علیه و آله: مردی در صومعه ای عبادت می کرد.از آسمان باران بارید.زمین سرسبز شد.خری را دید که [در سبزه ها] می چرد.گفت:«پروردگارا! اگر تو هم خری می داشتی،به همراه خرِ خودم آن را می چراندم».این سخن به پیامبری از پیامبران بنی اسرائیل رسید.خواست او را نفرین کند که خداوند به وی وحی فرستاد:«همانا بندگانم را به میزان خردشانْ پاداش می دهم».

197.تحف العقول: گروهی در حضور پیامبر اسلام،مردی را ستایش کردند و همۀ ویژگی های خوب را برایش برشمردند.آن گاه رسول خدا فرمود:«عقل او

ص:95

الخَیرِ فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله:کَیفَ عَقلُ الرَّجُلِ؟فَقالوا:یا رَسولَ اللّهِ،نُخبِرُکَ عَنهُ بِاجتِهادِهِ فِی العِبادَهِ وأصنافِ الخَیرِ تَسأَلُنا عَن عَقلِهِ؟! فَقالَ صلی الله علیه و آله:إنَّ الأَحمَقَ یُصیبُ بِحُمقِهِ أعظَمَ مِن فُجورِ الفاجِرِ،وإنَّما یَرتَفِعُ العِبادُ غَدًا فِی الدَّرَجاتِ ویَنالونَ الزُّلفی مِن رَبِّهِم عَلی قَدرِ عُقولِهِم [(1)](#content_note_96_1).

198-رسول اللّه صلی الله علیه و آله -لَمّا وَصَفوا عِندَهُ رَجُلًا بِحُسنِ عِبادَتِهِ-:اُنظُروا إلی عَقلِهِ فَإِنَّما یُجزَی العِبادُ یَومَ القِیامَهِ عَلی قَدرِ عُقولِهِم [(2)](#content_note_96_2).

199-الإمام الباقر علیه السلام: کانَ یَری موسَی بنُ عِمرانَ علیه السلام رَجُلًا مِن بَنی إسرائیلَ یُطَوِّلُ سُجودَهُ ویُطَوِّلُ سُکوتَهُ،فَلا یَکادُ یَذهَبُ إلی مَوضِعٍ إلّاوهُوَ مَعَهُ،فَبَینا هُوَ یَومًا مِنَ الأَیّامِ فی بَعضِ حَوائِجِهِ إذ مَرَّ عَلی أرضٍ مُعشِبَهٍ تَزهو وتَهتَزُّ.

قالَ:فَتَأَوَّهَ الرَّجُلُ،فَقالَ لَهُ موسی:عَلی ماذا تَأَوَّهتَ؟قالَ:تَمَنَّیتُ أن یَکونَ لِرَبّی حِمارٌ أرعاهُ هاهُنا،فَأَکَبَّ موسی علیه السلام طَویلًا بِبَصَرِهِ عَلَی الأَرضِ اغتِمامًا بِما سَمِعَ مِنهُ.فَانحَطَّ عَلَیهِ الوَحیُ،فَقالَ لَهُ:مَا الَّذی أکبَرتَ مِن مَقالَهِ عَبدی؟! أنَا اؤاخِذُ عِبادی عَلی قَدرِ ما أعطَیتُهُم مِنَ العَقلِ [(3)](#content_note_96_3).

200-سُلَیمانُ الدَّیلَمِیُّ: قُلتُ لِأَبی عَبدِاللّهِ علیه السلام:فُلانٌ مِن عِبادَتِهِ ودینِهِ وفَضلِهِ [کذا وکذا] [(4)](#content_note_96_4)،فَقالَ:کَیفَ عَقلُهُ؟قُلتُ:لا أدری،فَقالَ:إنَّ الثَّوابَ عَلی قَدرِ العَقلِ،إنَّ رَجُلًا مِن بَنی إسرائیلَ کانَ یَعبُدُ اللّهَ فی جَزیرَهٍ مِن جَزائِرِ البَحرِ خَضراءَ نَضِرَهٍ کَثیرَهِ الشَّجَرِ ظاهِرَهِ الماءِ،وإنَّ مَلَکًا مِنَ المَلائِکَهِ مَرَّ بِهِ فَقالَ:یا رَبِّ،أرِنی ثَوابَ عَبدِکَ هذا،فَأَراهُ اللّهُ (تَعالی) ذلِکَ،فَاستَقَلَّهُ المَلَکُ،فَأَوحَی اللّهُ (تَعالی) إلَیهِ:أنِ اصحَبهُ،فَأَتاهُ المَلَکُ فی صورَهِ إنسِیٍّ،

ص:96

1- (1) تحف العقول:54،مجمع البیان:487/10 عن أنس بن مالک نحوه؛ربیع الأبرار:137/3 [1] عن أنس.

2- (2) إرشاد القلوب:199. [2]

3- (3) المحاسن:608/308/1 [3] عن عبیداللّه بن الولید الوصّافی؛وراجع عیون الأخبار لابن قتیبه:38/2.

4- (4) ما بین المعقوفتین أثبتناه من أمالی الصدوق. [4]

چگونه است؟».گفتند:«ای رسول خدا! ما از تلاش او در عبادت و دیگر خوبی ها سخن می رانیم و تو از خرد او می پرسی؟»فرمود:«نادان از روی نادانی دست به زشتی هایی بزرگتر از زشتی انسانهای گنهکار می زند.همانا بندگان به میزان خردشان در روز واپسین به رتبه های بالاتر نائل می شوند و به پروردگار، تقرّب می جویند».

198.پیامبر صلی الله علیه و آله -آن گاه که نزد او از عبادت نیکوی مردی سخن راندند-:در عقل او بنگرید؛همانا بندگانْ در روز رستاخیز به اندازۀ عقلشان پاداش داده می شوند.

199.امام باقر علیه السلام: موسی بن عمران علیه السلام مردی از بنی اسرائیل را می دید که سجده های طولانی می کرد و خاموشی اش دراز بود.هر جا موسی علیه السلام می رفت،آن مرد،وی را همراهی می کرد.روزی از روزها که موسی علیه السلام به دنبال کاری بود،از زمین سرسبزی گذشت.مرد عبادتْ پیشه،آهی کشید.موسی علیه السلام بدو گفت:«چرا آه می کشی؟».گفت:«آرزو کردم که ای کاش پروردگارم،الاغی داشت و من آن را در این سرزمین می چراندم».موسی علیه السلام مدتی طولانی چشمانش را به زمین دوخت،در حالی که از سخن آن مرد،غمگین شده بود.بر موسی علیه السلام وحی آمد که:«چرا سخن بنده ام بر تو گران آمد.من از بندگانم به میزان خردشان حسابرسی می کنم».

200.سلیمان دیلمی: نزد امام صادق علیه السلام از عبادت و دینداری و فضائل شخصی سخن راندم.فرمود:«عقل او چگونه است؟».گفتم:«نمی دانم».فرمود:

پاداش،به اندازۀ عقل است.[آن گاه ادامه داد:] مردی از بنی اسرائیل در جزیره ای سرسبز،پُر درخت و پُر آب،خدا را بندگی می کرد.فرشته ای از فرشتگان از کنار او گذشت.آن گاه گفت:«پروردگارا ! پاداش این بنده را به من نشان ده».خداوند پاداش بنده را به فرشته نشان داد؛امّا آن پاداش به نظر فرشته کم آمد.

خداوند بر فرشته وحی فرستاد که او را همراهی کن.فرشته به صورت

ص:97

فَقالَ لَهُ:مَن أنتَ؟قالَ:أنَا رَجُلٌ عابِدٌ،بَلَغَنی مَکانُکَ وعِبادَتُکَ فی هذَا المَکانِ فَأَتَیتُکَ لِأَعبُدَ اللّهَ مَعَکَ.فَکانَ مَعَهُ یَومَهُ ذلِکَ،فَلَمّا أصبَحَ قالَ لَهُ المَلَکُ:إنَّ مَکانَکَ لَنَزِهٌ،وما یَصلُحُ إلّالِلعِبادَهِ،فَقالَ لَهُ العابِدُ:إنَّ لِمَکانِنا هذا عَیبًا،فَقالَ لَهُ:وما هُوَ؟قالَ:لَیسَ لِرَبِّنا بَهیمَهٌ،فَلَو کانَ لَهُ حِمارٌ رَعَیناهُ فی هذَا المَوضِعِ،فَإِنَّ هذَا الحَشیشَ یَضیعُ،فَقالَ لَهُ ( ذلِکَ ) المَلَکُ:

وما لِرَبِّکَ حِمارٌ؟فَقالَ:لَو کانَ لَهُ حِمارٌ ما کانَ یَضیعُ مِثلُ هذَا الحَشیشِ.

فَأَوحَی اللّهُ إلَی المَلَکِ:إنَّما اثیبُهُ عَلی قَدرِ عَقلِهِ [(1)](#content_note_98_1).

ص:98

1- (1) الکافی:8/12/1، [1]الأمالی للصدوق:693/504 [2] نحوه.

انسانی نزد او آمد.مرد عابد از فرشته پرسید:«کیستی؟».گفت:«مردی عبادتْ پیشه ام که خبر جایگاه و عبادت این مکان به من رسید.آمده ام به همراه تو خدا را عبادت کنم».آن روز را با مرد بنی اسرائیلی سپری کرد.چون روز دیگر شد،فرشته به وی گفت:«مکان تو پاکیزه است و تنها برای عبادت مناسب است».مرد عابد گفت:«مکان ما عیبی دارد».فرشته پرسید:«آن عیب چیست؟».گفت:«پروردگار ما چارپایانی ندارد.اگر خداوند،الاغی داشت،در این مکان آن را می چراندیم؛چرا که این علف ها تلف می شود!».فرشته گفت:

«خداوند،الاغ می خواهد چه کند؟».مرد عابد گفت:«اگر خدا الاغی داشت، این علفها هرز نمی رفت».آن گاه،خداوند بر فرشته وحی فرستاد که:همانا او را به اندازۀ عقلش پاداش می دهم.

ص:99

الفصل الرّابع:أسبابُ تَقوِیَهِ العَقلِ

1/4 ما یُقَوِّی العَقلَ

أ:الوَحی

الکتاب

یا أَیُّهَا النّاسُ قَدْ جاءَکُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ أَنْزَلْنا إِلَیْکُمْ نُوراً مُبِیناً [(1)](#content_note_100_1).

اَللّهُ وَلِیُّ الَّذِینَ آمَنُوا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ وَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَوْلِیاؤُهُمُ الطّاغُوتُ یُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَی الظُّلُماتِ أُولئِکَ أَصْحابُ النّارِ هُمْ فِیها خالِدُونَ [(2)](#content_note_100_2).

لَقَدْ أَنْزَلْنا إِلَیْکُمْ کِتاباً فِیهِ ذِکْرُکُمْ أَ فَلا تَعْقِلُونَ [(3)](#content_note_100_3).

ص:100

1- (1) النساء:174. [1]

2- (2) البقره:257. [2]

3- (3) الأنبیاء:10. [3]

### فصل چهارم:عوامل رُشد خرد

#### 1/4 آنچه خرد را نیرومند می سازد

##### الف:وحی

قرآن

ای مردم! در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است،و ما به سوی شما نوری تابناک فرستاده ایم.

خداوند،سرور کسانی است که ایمان آورده اند.آنان را از تاریکی ها به سوی روشنایی به در می برد؛و[لی] کسانی که کفر ورزیده اند،سرورانشان [همان عصیانگران]،طاغوت اند،که آنان را از روشنایی به سوی تاریکی ها به در می برند.

آنان اهل آتش اند که خود،در آن جاودان اند.

در حقیقت،ما کتابی به سوی شما نازل کردیم که یاد شما درآن است؛آیا نمی اندیشید؟

ر.ک:ص 25«درآمد»،«عقل طبع و عقل تجربه»/ص 51«ارمغان خدایی».

ص:101

\* الحدیث

201-الإمام علیّ علیه السلام: بَعَثَ فیهِم رُسُلَهُ وواتَرَ إلَیهِم أنبِیاءَهُ،لِیَستَأدوهُم میثاقَ فِطرَتِهِ، ویُذَکِّروهُم مَنسِیَّ نِعمَتِهِ،ویَحتَجّوا عَلَیهِم بِالتَّبلیغِ،ویُثیروا لَهُم دَفائِنَ العُقولِ [(1)](#content_note_102_1).

202-عنه علیه السلام -فی صِفَهِ بِعثَهِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله-:بَعَثَهُ بِالحَقِّ دالًّا عَلَیهِ وهادِیًا إلَیهِ،فَهَدانا بِهِ مِنَ الضَّلالَهِ،وَاستَنقَذَنا بِهِ مِنَ الجَهالَهِ [(2)](#content_note_102_2).

203-عنه علیه السلام: إِنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالی شَرَعَ الإِسلامَ وسَهَّلَ شَرائِعَهُ لِمَن وَرَدَهُ،وأعَزَّ أرکانَهُ لِمَن حارَبَهُ،وجَعَلَهُ عِزًّا لِمَن تَوَلّاهُ وسِلمًا لِمَن دَخَلَهُ...وفَهمًا لِمَن تَفَطَّنَ ویَقینًا لِمَن عَقَلَ [(3)](#content_note_102_3).

204-عنه علیه السلام: إلی أن بَعَثَ اللّهُ سُبحانَهُ مُحَمَّدًا رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله لِإِنجازِ عِدَتِهِ،وإتمامِ نُبُوَّتِهِ،مَأخوذًا عَلَی النَّبِیّینَ میثاقُهُ،مَشهورَهً سِماتُهُ،کَریمًا میلادُهُ،وأهلُ الأَرضِ (الأَرَضینَ) یَومَئِذٍ مِلَلٌ مُتَفَرِّقَهٌ،وأهواءٌ مُنتَشِرَهٌ،وطَرائِقُ (طَوائِفُ)مُتَشَتِّتَهٌ،بَینَ مُشَبِّهٍ للّهِ ِ بِخَلقِهِ،أو مُلحِدٍ فِی اسمِهِ،أو مُشیرٍ إلی غَیرِهِ، فَهَداهُم بِهِ مِنَ الضَّلالَهِ،وأنقَذَهُم بِمَکانِهِ مِنَ الجَهالَهِ [(4)](#content_note_102_4).

ب:العِلم

الکتاب

وَ تِلْکَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنّاسِ وَ ما یَعْقِلُها إِلاَّ الْعالِمُونَ [(5)](#content_note_102_5).

\* الحدیث

205-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: إنَّ العِلمَ حَیاهُ القُلوبِ مِنَ الجَهلِ،وضِیاءُ الأَبصارِ مِنَ الظُّلمهِ،

ص:102

1- (1) نهج البلاغه:الخطبه 1. [1]

2- (2) بحار الأنوار:14/266/4 [2] عن الحارث الأعور.

3- (3) الکافی:1/49/2 [3] عن الأصبغ بن نباته.

4- (4) نهج البلاغه:الخطبه 1، [4]بحارالأنوار:48/216/18. [5]

5- (5) العنکبوت:43. [6]

حدیث

201.امام علی علیه السلام: ...خداوند،رسولان را در میان مردم برانگیخت و پیامبران را در پی فرستاد تا پیمان فطرت را به آنان ابلاغ کنند و نعمتهای فراموش شده الهی را بر آنان گوشزد کنند و با تبلیغ و رساندن پیام بر آنان،احتجاج نمایند و گنجینه های خرد را بر ایشان برملا سازند.

202.امام علی علیه السلام -در وصف بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله-:خداوند،او را به حقّ برانگیخت تا بر او راهنما باشد و به سوی او هدایت کند.خداوند ما را به وسیله او از گمراهی رهانید و از نادانی نجات داد.

203.امام علی علیه السلام: خداوند متعال،اسلام را تشریع کرد و راههایش را برای روندگان، آسان ساخت،و ارکان آن را در برابر دشمنان،استوار ساخت،و آن را وسیلۀ عزّتِ پیروان و صلح و آرامش گروندگانش...و فهم برای انسانهای زیرک،و یقین برای خردمندانْ قرار داد.

204.امام علی علیه السلام: ...تا آنکه خداوندِ سبحان،محمّد صلی الله علیه و آله را فرستادۀ خود کرد تا وعده هایش را به ثمر رساند و نبوّت را پایان بخشد؛در حالی که برای او از همۀ پیامبران پیمان گرفته بود.نشانه هایش نزد همۀ انبیا شهرت داشت و ولادت او گرامی بود.در آن روزگار،مردمان،ملّتهایی پراکنده،دارای خواسته های گوناگون و شیوه های [دسته جات] مختلف بودند.برخی،خداوند را به مخلوقات شبیه می کردند و برخی دیگر،منکر خدا بودند و گروهی نیز غیر خدا را می پرستیدند.خداوند به واسطۀ پیامبر صلی الله علیه و آله،آنان را از گمراهی رهانید و از نادانی نجات داد.

##### ب:دانش

قرآن

و این مَثَلها را برای مردم می زنیم؛و[لی] جز دانشورانْ آنها را درنیابند.

حدیث

205.پیامبر صلی الله علیه و آله: دانش،مایۀ زندگی دلهاست از نادانی،و نور چشمان است از

ص:103

وَقُوَّهُ الأَبدانِ مِنَ الضَّعفِ [(1)](#content_note_104_1).

206-الإمام علیّ علیه السلام: إنَّکَ مَوزونٌ بِعَقلِکَ،فَزَکِّهِ بِالعِلمِ [(2)](#content_note_104_2).

207-عنه علیه السلام: أعوَنُ الأَشیاءِ عَلی تَزکِیَهِ العَقلِ التَّعلیمُ [(3)](#content_note_104_3).

208-عنه علیه السلام: العَقلُ غَریزَهٌ تَزیدُ بِالعِلمِ وَالتَّجارِبِ [(4)](#content_note_104_4).

209-عنه علیه السلام: العِلمُ یَزیدُ العاقِلَ عَقلًا [(5)](#content_note_104_5).

210-الإمام الصادق علیه السلام: کَثرَهُ النَّظَرِ فِی الحِکمَهِ تَلقَحُ العَقلَ [(6)](#content_note_104_6).

211-عنه علیه السلام: کَثرَهُ النَّظَرِ فِی العِلمِ یَفتَحُ العَقلَ [(7)](#content_note_104_7).

212-الإمام الرّضا علیه السلام: مَن أبصَرَ فَهِمَ،ومَن فَهِمَ عَقَلَ [(8)](#content_note_104_8).

ج:الأَدَب

213-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: حُسنُ الأَدَبِ زینَهُ العَقلِ [(9)](#content_note_104_9).

214-الإمام علیّ علیه السلام: کُلُّ شَیءٍ یَحتاجُ إلَی العَقلِ،وَالعَقلُ یَحتاجُ إلَی الأَدَبِ [(10)](#content_note_104_10).

215-عنه علیه السلام: إنَّ بِذَوِی العُقولِ مِنَ الحاجَهِ إلَی الأَدَبِ کَما یَظمَأُ الزَّرعُ إلَی المَطَرِ [(11)](#content_note_104_11).

216-عنه علیه السلام: نِعمَ قَرینُ العَقلِ الأَدَبُ [(12)](#content_note_104_12).

217-عنه علیه السلام: الأَدَبُ صورَهُ العَقلِ [(13)](#content_note_104_13).

218-عنه علیه السلام: صَلاحُ العَقلِ الأَدَبُ [(14)](#content_note_104_14).

219-عنه علیه السلام: الأَدَبُ هُوَ لَقاحُ العَقلِ وذَکاءُ القَلبِ [(15)](#content_note_104_15).

ص:104

1- (1) الأمالی للطوسی:1069/488 [1] عن محمّد بن علیّ بن الحسین بن زید عن الإمام الرّضا عن آبائه علیهم السلام؛الترغیب والترهیب:8/95/1 نحوه.

2- (2) غرر الحکم:3812،3246،1717. [2]

3- (3) غرر الحکم:3812،3246،1717. [3]

4- (4) غرر الحکم:3812،3246،1717.

5- (5) بحارالأنوار:57/6/78. [4]

6- (6) تحف العقول:364.

7- (7) الدعوات:603/221.

8- (8) بحار الأنوار:355/78.

9- (9) جامع الأخبار:947/337.

10- (10) غرر الحکم:6911،3475،9894. [5]

11- (11) غرر الحکم:6911،3475،9894. [6]

12- (12) غرر الحکم:6911،3475،9894. [7]

13- (13) غرر الحکم:996، [8]کنزالفوائد:199/1؛ [9]مائه کلمه للجاحظ:159/74.

14- (14) غرر الحکم:5799. [10]

15- (15) أعلام الدین:84، [11]إرشاد القلوب:160. [12]

تاریکی،و نیرومندی بدن است از ناتوانی.

206.امام علی علیه السلام: تو به خردت سنجیده می شوی؛پس آن را با دانش،رُشد ده.

207.امام علی علیه السلام: بهترین چیزی که بر رُشد خرد کمک می کند،آموختن است.

208.امام علی علیه السلام: خرد،طبیعتی است که با دانش و تجربه افزایش می یابد.

209.امام علی علیه السلام: دانش به خردِ خردمند،می افزاید.

210.امام صادق علیه السلام: در حکمتْ بسیار نگریستن،خرد را بارور می سازد.

211.امام صادق علیه السلام: بسیار به دانش روی آوردن،عقل را گُشایش می دهد.

212.امام رضا علیه السلام: هر که بنگرد،بفهمد و هر که فهمید خردمند شود.

ر.ک:ص 67«نیاز دانش به خرد»/ص 129«دانش و حکمت».

##### ج:ادب

213.پیامبر صلی الله علیه و آله: ادبِ نیکو،زیورِ خرد است.

214.امام علی علیه السلام: هر چیزی به خرد نیاز دارد و خرد،نیازمند ادب است.

215.امام علی علیه السلام: نیاز خردمندان به ادب،مانند نیاز کشتزار به باران است.

216.امام علی علیه السلام: بهترین همنشین خرد،ادب است.

217.امام علی علیه السلام: ادب،صورت خرد است.

218.امام علی علیه السلام: سامان یافتن خرد،به ادب است.

219.امام علی علیه السلام: ادب،سبب باروری خرد و پالایش دل است.

ص:105

220-عنه علیه السلام: لا عَقلَ لِمَن لا أدَبَ لَهُ [(1)](#content_note_106_1).

221-عنه علیه السلام: ذَکِّ [(2)](#content_note_106_2)عَقلَکَ بِالأَدَبِ کَما تُذَکَّی النّارُ بِالحَطَبِ [(3)](#content_note_106_3).

222-الإمام زین العابدین علیه السلام: آدابُ العُلَماءِ زِیادَهٌ فِی العَقلِ [(4)](#content_note_106_4).

د:التَّجرِبَه

223-الإمام علیّ علیه السلام: العَقلُ غَریزَهٌ تَزیدُ بِالعِلمِ وَالتَّجارِبِ [(5)](#content_note_106_5).

224-عنه علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:العَقلُ غَریزَهٌ تُرَبّیهَا التَّجارِبُ [(6)](#content_note_106_6).

225-عنه علیه السلام: نِعمَ العَونُ الأَدَبُ لِلنَّحیزَهِ وَالتَّجارِبُ لِذِی اللُّبِّ [(7)](#content_note_106_7).

226-عنه علیه السلام: التَّجارِبُ لا تَنقَضی،وَالعاقِلُ مِنها فی زِیادَهٍ [(8)](#content_note_106_8).

227-الإمام الحسین علیه السلام: طولُ التَّجارِبِ زِیادَهٌ فِی العَقلِ [(9)](#content_note_106_9).

ه:السَّیرُ فِی الأَرضِ

الکتاب

أَ فَلَمْ یَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَتَکُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ یَعْقِلُونَ بِها أَوْ آذانٌ یَسْمَعُونَ بِها فَإِنَّها لا تَعْمَی الْأَبْصارُ وَ لکِنْ تَعْمَی الْقُلُوبُ الَّتِی فِی الصُّدُورِ [(10)](#content_note_106_10).

قُلْ سِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَانْظُرُوا کَیْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللّهُ یُنْشِئُ النَّشْأَهَ الْآخِرَهَ إِنَّ اللّهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ [(11)](#content_note_106_11).

وَ لَقَدْ تَرَکْنا مِنْها آیَهً بَیِّنَهً لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ [(12)](#content_note_106_12).

ص:106

1- (1) غرر الحکم:10769. [1]

2- (2) ذَکی الشخص ذکی...هو سرعه الفهم...الذکاء بالمدّ:حِدّه القلب،قال ابن الجوزی فی التفسیر:الذکاه فی اللغه تمام الشیء،ومنه الذکاء فی الفهم إذا کان تامّ العقل سریع القبول (المصباح المنیر:209). [2]

3- (3) غرر الحکم:5200. [3]

4- (4) الکافی:12/20/1، [4]تحف العقول:390 وفیه«أدب العلماء»وکلاهما عن هشام بن الحکم عن الإمام الکاظم علیه السلام.

5- (5) غرر الحکم:1717.

6- (6) شرح نهج البلاغه:907/341/20.

7- (7) الفقیه:5834/385/4.

8- (8) غرر الحکم:1543. [5]

9- (9) أعلام الدین:298. [6]

10- (10) الحجّ:46. [7]

11- (11) العنکبوت:20،35. [8]

12- (12) العنکبوت:20،35. [9]

220.امام علی علیه السلام: هر که ادب ندارد،از خرد بی بهره است.

221.امام علی علیه السلام: خرد را با ادب کامل ساز؛همان گونه که آتش را با هیزم،شعله ور می سازی.

222.امام سجاد علیه السلام: ادب دانشمندان،سبب زیادی خرد است.

ر.ک:ص 139«مکارم اخلاق».

##### د:تجربه

223.امام علی علیه السلام: خرد،طبیعتی است که با دانش و تجربه رشد می کند.

224.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:خرد،نیرویی درونی است که با تجربه پرورش می یابد.

225.امام علی علیه السلام: بهترین یاور طبیعت،ادب،و بهترین یاور خردمند،تجربه است.

226.امام علی علیه السلام: تجربه ها تمام شدنی نیستند و خردمند با آنها رُشد می کند.

227.امام حسین علیه السلام: تجربه های فراوان،[باعث] زیادتی خرد است.

ر.ک:ص 157«تجربه اندوزی»/ص 189 حدیث 564»«ویژگی های خردمندان».

##### ه:گردش در زمین

قرآن

آیا در زمین گردش نکرده اند،تا دلهایی داشته باشند که با آن بیندیشند،یا گوشهایی که با آن بشنوند؟در حقیقت،چشمها کور نیست،لیکن دلهایی که در سینه هاست،کور است.

بگو:در زمین بگردید و بنگرید چگونه آفرینش را آغاز کرده است.پس [باز] خداست که نشانۀ آخرت را پدید می آورد؛خداست که بر هر چیزی تواناست.

و از آن [شهر سوخته] برای مردمی که می اندیشند،نشانه ای روشن باقی گذاشتیم.

ص:107

فَالْیَوْمَ نُنَجِّیکَ بِبَدَنِکَ لِتَکُونَ لِمَنْ خَلْفَکَ آیَهً وَ إِنَّ کَثِیراً مِنَ النّاسِ عَنْ آیاتِنا لَغافِلُونَ [(1)](#content_note_108_1).

\* الحدیث

228-ابنُ دینارٍ: أوحَی اللّهُ إلی موسی علیه السلام:أنِ اتَّخِذ نَعلَینِ مِن حَدیدٍ وعَصًا،ثُمَّ سِح فِی الأَرضِ،فَاطلُبِ الآثارَ وَالعِبَرَ،حَتّی تَحفُوَ النَّعلانِ وتَنکَسِرَ العَصا [(2)](#content_note_108_2).

229-داود علیه السلام: قُل لِصاحِبِ العِلمِ یَتَّخِذ عَصًا مِن حَدیدٍ ونَعلَینِ مِن حَدیدٍ،ویَطلُبِ العِلمَ حَتّی تَنکَسِرَ العَصا وتَنخَرِقَ النَّعلانِ [(3)](#content_note_108_3).

و:المَشوَرَه

230-الإمام علیّ علیه السلام: مَن شاوَرَ ذَوِی العُقولِ استَضاءَ بِأَنوارِ العُقولِ [(4)](#content_note_108_4).

ز:التَّقوی

231-السَّیِّدُ ابنُ طاووسٍ: وَجَدتُ فی کِتابٍ...عَلَیهِ مَکتوبٌ«سُنَنُ إدریسَ»وکانَ فیهِ:اِعلَموا وَاستَیقِنوا أنَّ تَقوَی اللّهِ هِیَ الحِکمَهُ الکُبری،وَالنِّعمَهُ العُظمی، وَالسَّبَبُ الدّاعی إلَی الخَیرِ،وَالفاتِحُ لِأَبوابِ الخَیرِ وَالفَهمِ وَالعَقلِ [(5)](#content_note_108_5).

ح:مُجاهَدَهُ النَّفسِ

232-الإمام علیّ علیه السلام: جاهِد شَهوَتَکَ وغالِب غَضَبَکَ وخالِف سوءَ عادَتِکَ،تَزکُ نَفسُکَ ویَکمُل عَقلُکَ وتَستَکمِل ثَوابَ رَبِّکَ [(6)](#content_note_108_6).

233-الإمام الصادق علیه السلام: کَتَبَ أمیرُ المُؤمِنینَ علیه السلام إلی بَعضِ أصحابِهِ یَعِظُهُ:اُوصیکَ ونَفسی بِتَقوی مَن لا تَحِلُّ مَعصِیَتُهُ ولا یُرجی غَیرُهُ ولَا الغِنی إلّابِهِ،فَإِنَّ مَنِ اتَّقَی اللّهَ،جَلَّ وعَزَّ وقَوِیَ وشَبِعَ ورَوِیَ ورُفِعَ عَقلُهُ عَن أهلِ الدُّنیا،فَبَدَنُهُ مَعَ أهلِ الدُّنیا وقَلبُهُ وعَقلُهُ مُعایِنُ الآخِرَهِ،فَأَطفَأَ بِضَوءِ قَلبِهِ ما أبصَرَت

ص:108

1- (1) یونس:92. [1]

2- (2) تفسیر الدرّ المنثور:61/6 [2] نقلًا عن ابن أبی الدنیا فی کتاب التفکّر،وراجع ص 395 ح 1686.

3- (3) سنن الدارمی:571/147/1 [3] عن عبداللّه بن عبدالرحمن التستری،الفردوس:497/140/1 عن أبی بکره نحوه.

4- (4) غرر الحکم:8634. [4]

5- (5) بحار الأنوار:11/283/11. [5]

6- (6) غرر الحکم:4760. [6]

پس امروز تنت را به بلندی [ساحل] می افکنیم،تا برای کسانی که از پیِ تو آیند، عبرتی باشد،و بی گمان،بسیاری از مردم از نشانه های ما غافل اند.

حدیث

228.ابن دینار: خداوند به موسی وحی کرد:کفش آهنی و عصایی بردار؛آن گاه در زمین گردش کن و از عبرتها و نشانه ها [ی گذشتگان] جستجو کن تا کفشهایت ساییده شود و عصایت بشکند.

229.داوود علیه السلام: به دانشمند بگو که عصا و کفشی آهنین برگزیند و در جستجوی دانشْ حرکت کند تا عصایش بشکند و کفشهایش پاره شود.

##### و:رایزنی

230.امام علی علیه السلام: آنکه با خردمندان به رایزنی پردازد،از پرتوِ خرد،نورانی گردد.

##### ز:تقوا

231.سید بن طاووس: کتابی یافتم که بر آن نوشته شده بود:«سنن ادریس»و در آن چنین بود:بدانید و یقین کنید که تقوای خداوند،بزرگترین حکمت و عظیم ترین نعمت است.همان وسیله ای است که به خوبی دعوت می کند و درهای نیکی،فهم و خرد را می گشاید.

##### ح:جهاد با نفس

232.امام علی علیه السلام: با شهوتت مبارزه کن و بر خشمت غالب آی و با عادتهای زشت، مخالفت کن تا جانت پرورش یابد،خردت به کمال رسد و پاداش پروردگار را کاملاً دریافت داری.

233.امام صادق علیه السلام: امیرمؤمنان به یکی از یارانش نامه ای نوشت و او را چنین موعظه کرد:

تو را و خودم را سفارش می کنم به تقوای کسی که نافرمانی اش روا نیست؛ امیدی به غیر او نیست و بی نیازی،تنها از اوست.

هر کس تقوای خدا پیشه کند،بزرگ شود؛عزیز گردد؛نیرومند گردد؛ سیر و سیراب شود؛خردش را از دنیادوستان بازدارد،آن سان که بدنش با اهل دنیاست؛امّا دل و عقلش آخرت را می بیند؛با نور دل،آنچه چشمانش

ص:109

عَیناهُ مِن حُبِّ الدُّنیا فَقَذَّرَ حَرامَها،وجانَبَ شُبُهاتِها،وأضَرَّ وَاللّهِ بِالحَلالِ الصّافی،إلّاما لابُدَّ لَهُ مِن کَسرَهٍ (مِنهُ) یَشُدُّ بِها صُلبَهُ،وثَوبٍ یُواری بِهِ عَورَتَهُ مِن أغلَظِ ما یَجِدُ وأخشَنِهِ،ولَم یَکُن لَهُ فیما لا بُدَّ لَهُ مِنهُ ثِقَهٌ ولا رَجاءٌ،فَوَقَعَت ثِقَتُهُ ورَجاؤُهُ عَلی خالِقِ الأَشیاءِ،فَجَدَّ وَاجتَهَدَ وأتعَبَ بَدَنَهُ حَتّی بَدَتِ الأَضلاعُ وغارَتِ العَینانِ،فَأَبدَلَ اللّهُ لَهُ مِن ذلِکَ قُوَّهً فی بَدَنِهِ وشِدَّهً فی عَقلِهِ،وما ذَخَرَ لَهُ فِی الآخِرَهِ أکثَرُ [(1)](#content_note_110_1).

ط:ذِکرُ اللّهِ

234-الإمام علیّ علیه السلام: الذِّکرُ نورُ العَقلِ وحَیاهُ النُّفوسِ وجِلاءُ الصُّدورِ [(2)](#content_note_110_2).

235-عنه علیه السلام: مَن کَثُرَ ذِکرُهُ استَنارَ لُبُّهُ [(3)](#content_note_110_3).

236-عنه علیه السلام: مَن ذَکَرَ اللّهَ سُبحانَهُ،أحیَا اللّهُ قَلبَهُ ونَوَّرَ عَقلَهُ ولُبَّهُ [(4)](#content_note_110_4).

237-عنه علیه السلام: الذِّکرُ یُؤنِسُ اللُّبَّ ویُنیرُ القَلبَ ویَستَنزِلُ الرَّحمَهَ [(5)](#content_note_110_5).

238-عنه علیه السلام: الذِّکرُ هِدایَهُ العُقولِ وتَبصِرَهُ النُّفوسِ [(6)](#content_note_110_6).

ی:الزُّهدُ فِی الدُّنیا

239-الإمام علیّ علیه السلام: مَن سَخَت نَفسُهُ عَن مَواهِبِ الدُّنیا فَقَدِ استَکمَلَ العَقلَ [(7)](#content_note_110_7).

ک:اِتِّباعُ الحَقِّ

240-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: وأمّا طاعَهُ النّاصِحِ فَیَتَشَعَّبُ مِنهَا الزِّیادَهُ فِی العَقلِ وکَمالُ اللُّبِّ [(8)](#content_note_110_8).

241-أعلامُ الدّینِ: تَذاکَرُوا العَقلَ عِندَ مُعاوِیَهَ،فَقالَ الحُسَینُ علیه السلام:لا یَکمُلُ العَقلُ إلّا بِاتِّباعِ الحَقِّ.فَقالَ مُعاوِیَهُ:ما فی صُدورِکُم إلّاشَیءٌ واحِدٌ [(9)](#content_note_110_9).

ص:110

1- (1) الکافی:23/136/2، [1]مشکاه الأنوار:267 [2] کلاهما عن أبی جمیله.

2- (2) غرر الحکم:1999،9123،8876،1858،1403،8904. [3]

3- (3) غرر الحکم:1999،9123،8876،1858،1403،8904. [4]

4- (4) غرر الحکم:1999،9123،8876،1858،1403،8904. [5]

5- (5) غرر الحکم:1999،9123،8876،1858،1403،8904. [6]

6- (6) غرر الحکم:1999،9123،8876،1858،1403،8904. [7]

7- (7) غرر الحکم:1999،9123،8876،1858،1403،8904. [8]

8- (8) تحف العقول:18،علل الشرایع:9/113 [9] عن وهب بن منبّه وفیه:«أنّه وجد فی التوراه...».

9- (9) أعلام الدین:298. [10]

از دوستی دنیا می بیند،خاموش سازد؛حرام دنیا را ترک کند؛از شبهه ها کناره گیری نماید؛از حلالِ گوارا نیز دوری کند،مگر پاره ای که خود را بدان استوار نگه دارد و لباسی که خود را بدان بپوشاند،آن هم از خشن ترین لباسها؛در نیازمندی ها به کسی تکیه نکند و امید روا مدارد،تا تکیه و امیدش بر آفرینندۀ هستی قرار گیرد؛تلاش و کوشش کند و بدن خود را به زحمت اندازد،تا آنجا که دنده هایش پیدا شود و چشمانش فرو رود.[هرکه چنین باشد]،خداوند،نیرویی در بدن و قوّتی در خردش جایگزین کند و آنچه در آخرت برایش اندوخته کند،بیش از این است.

##### ط:یاد خدا

234.امام علی علیه السلام: یاد خداوند،روشنایی خرد و زندگی جانها و صیقل دلهاست.

235.امام علی علیه السلام: هر آن کس زیاد به یاد خدا باشد،عقلش روشنایی یابد.

236.امام علی علیه السلام: هر که خداوندِ سبحان را یاد کند،خداوند،دلش را زنده بدارد و عقل و خردش را نورانی گرداند.

237.امام علی علیه السلام: یاد خدا خرد را مأنوس گرداند،دل را روشنی بخشد و رحمت الهی را فرود آورد.

238.امام علی علیه السلام: یاد خدا خردها را راهنمایی کند و جانها را بینا سازد.

##### ی:زهد در دنیا

239.امام علی علیه السلام: آنکه خود را از موهبتهای دنیا بی نیاز سازد،خرد را کامل کرده است.

##### ک:پیروی از حق

240.پیامبر صلی الله علیه و آله: از پیروی خیرخواهان،فزونی عقل و کمالِ خرد سرچشمه می گیرد.

241.اعلام الدین: هنگامی که نزد معاویه از خرد سخن به میان آمد امام حسین علیه السلام فرمود:«خرد،جز با پیروی از حق،کمال نیابد.»،آن گاه معاویه گفت:«در دل شما جز یک چیز نیست».

ص:111

242-الإمام الکاظم علیه السلام: إنَّ لُقمانَ قالَ لِابنِهِ:تَواضَع لِلحَقِّ تَکُن أعقَلَ النّاسِ [(1)](#content_note_112_1).

ل:مُجالَسَهُ الحُکَماءِ

243-الإمام علیّ علیه السلام: جالِسِ الحُکَماءَ یَکمُل عَقلُکَ،وتَشرُف نَفسُکَ،ویَنتَفِ عَنکَ جَهلُکَ [(2)](#content_note_112_2).

244-عنه علیه السلام: مُجالَسَهُ الحُکَماءِ حَیاهُ العُقولِ وشِفاءُ النُّفوسِ [(3)](#content_note_112_3).

م:رَحمَهُ الجُهّال

245-الإمام علیّ علیه السلام: مِن أوکَدِ أسبابِ العَقلِ رَحمَهُ الجُهّالِ [(4)](#content_note_112_4).

ن:الاِستِعانَهُ بِاللّهِ

246-الإمام زین العابدین علیه السلام: اللّهُمَّ ارزُقنی عَقلًا کامِلًا وعَزمًا ثاقِبًا ولُبًّا راجِحًا وقَلبًا ذَکِیًّا وعِلمًا کَثیرًا وأدَبًا بارِعًا،وَاجعَل ذلِکَ کُلَّهُ لی ولا تَجعَلهُ عَلَیَّ بِرَحمَتِکَ یا أرحَمَ الرّاحِمینَ [(5)](#content_note_112_5).

247-فِی المُناجاهِ الَّتی جاءَ بِها جَبرَئیلُ علیه السلام إلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله:وَامحُ اللّهُمَّ رَبِّ بِالتَّوبَهِ ما ثَبَتَ مِن ذُنوبی،وَاغسِل بِقَبولِها جَمیعَ عُیوبی،وَاجعَلها جالِیَهً لِرَینِ [(6)](#content_note_112_6)قَلبی،شاحِذَهً [(7)](#content_note_112_7)لِبَصیرهِ لُبّی [(8)](#content_note_112_8).

248-الإمام المهدیّ علیه السلام -فی دُعاءٍ عَلَّمَهُ لِمُحَمَّدِ بنِ عَلِیٍّ العَلَوِیِّ المِصرِیِّ-:إلهی وأسأَلُکَ...أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ،وأن تَهدِیَ لی قَلبی وتَجمَعَ لی لُبّی [(9)](#content_note_112_9).

ص:112

1- (1) الکافی:12/16/1 [1] عن هشام بن الحکم،تحف العقول:386،مشکاه الأنوار:226 [2]عن الإمام الصادق علیه السلام،تنبیه الخواطر:34/2 [3] من دون إسناد إلی المعصوم علیه السلام.

2- (2) غرر الحکم:4787،9875،9295. [4]

3- (3) غرر الحکم:4787،9875،9295. [5]

4- (4) غرر الحکم:4787،9875،9295. [6]

5- (5) مصباح الکفعمی:93، [7]مستدرک الوسائل:1/223/10 [8] نقلًا عن المزار القدیم.

6- (6) الرَّین:کالصّدأ یغشی القلب (لسان العرب:192/13). [9]

7- (7) شَحذت السیف والسکّین:إذا حدَدته بالمِسَنّ وغیره (النهایه:449/2). [10]

8- (8) بحارالأنوار:17/117/94. [11]

9- (9) مهج الدعوات:342. [12]

242.امام کاظم علیه السلام: لقمان به فرزندش فرمود:«در برابر حقّ،فروتن باش تا خردمندترین مردمان باشی».

##### ل:همنشینی حکیمان

243.امام علی علیه السلام: با حکیمان همنشینی کن تا خردت کمال یابد،جانت گرامی گردد و نادانی ات زدوده شود.

244.امام علی علیه السلام: همنشینی حکیمان،حیاتْ بخش عقلها و درمان جانهاست.

##### م:ترحّم بر نادانان

245.امام علی علیه السلام: از پایدارترین اسباب خرد،ترحّم بر نادانهاست.

##### ن:کمک خواستن از خداوند

246.امام سجاد علیه السلام: بار خدایا! به من عقلی کامل،تصمیمی استوار،تدبیری ممتاز،دلی پرورش یافته،دانشی بسیار و ادبی برجسته روزی کن و اینها را به سود و نفعم قرار داده،نه به زیان؛به مهربانی ات،ای مهربانترین مهربانان.

247.در مناجاتی که جبرئیل علیه السلام برای رسول خدا به ارمغان آورد،چنین آمده:بار خدایا! گناهان مرا با توبه پاک کن و با پذیرش توبه عیب هایم را شستشو ده و آن را صیقل دهندۀ زنگارهای دل و تیزبینی خرد قرار ده.

248.امام مهدی علیه السلام -از دعایی که به محمّد بن علی علوی مصری آموخت-:خدایا! از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی،و دلم را راهنمایی کنی،و خردم را پیوسته گردانی.

ص:113

2/4 ما یُقَوِّی الدِّماغَ

أ:الدُّهن

249-الإمام علیّ علیه السلام: الدُّهنُ یُلَیِّنُ البَشَرَهَ،ویَزیدُ فِی الدِّماغِ [(1)](#content_note_114_1).

250-الإمام الصادق علیه السلام: دُهنُ البَنَفسَجِ یُرزِنُ الدِّماغَ [(2)](#content_note_114_2).

ب:الدُّبّاء

251-رسول اللّه صلی الله علیه و آله -فیما أوصی بِهِ عَلِیًّا علیه السلام-:یا عَلِیُّ،عَلَیکَ بِالدُّبّاءِ فَکُلهُ،فَإِنَّهُ یَزیدُ فِی الدِّماغِ وَالعَقلِ [(3)](#content_note_114_3).

252-أنَسٌ: کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله یُکثِرُ مِن أکلِ الدُّبّاءِ،فَقُلتُ:یا رَسولَ اللّهِ،إنَّکَ لَتُحِبُّ الدُّبّاءَ ! فَقالَ:الدُّبّاءُ یُکثِرُ الدِّماغَ ویَزیدُ فِی العَقلِ [(4)](#content_note_114_4).

253-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: عَلَیکُم بِالقَرعِ،فَإِنَّهُ یَزیدُ فِی العَقلِ ویُکَبِّرُ الدِّماغَ [(5)](#content_note_114_5).

254-عنه صلی الله علیه و آله: کُلُوا الیَقطینَ فَلَو عَلِمَ اللّهُ أنَّ شَجَرَهً أخَفُّ مِن هذِهِ لَأَنبَتَها عَلی أخی یونُسَ علیه السلام.إذَا اتَّخَذَ أحَدُکُم مَرَقًا فَلیُکثِر فیهِ مِنَ الدُّبّاءِ،فَإِنَّهُ یَزیدُ فِی الدِّماغِ وفِی العَقلِ [(6)](#content_note_114_6).

ج:السَّفَرجَل

255-الإمام الرّضا علیه السلام: عَلَیکُم بِالسَّفَرجَلِ،فَإِنَّهُ یَزیدُ فِی العَقلِ [(7)](#content_note_114_7).

د:الکَرَفس

256-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: عَلَیکُم بِالکَرَفسِ،فَإِنَّهُ إن کانَ شَیءٌ یَزیدُ فِی العَقلِ فَهُوَ هُوَ [(8)](#content_note_114_8).

ص:114

1- (1) الکافی:1/519/6 [1] عن أبی بصیر عن الإمام الصادق علیه السلام،الخصال:10/611 عن أبی بصیر ومحمّد ابن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه علیهم السلام،تحف العقول:100،بحار الأنوار:1/90/10. [2]

2- (2) الکافی:8/522/6 [3] عن محمّد بن سوقه،بحار الأنوار:8/223/62. [4]

3- (3) الکافی:7/371/6 [5] عن أحمد بن أبی عبداللّه عن أبیه عن بعض أصحابنا عن الإمام الکاظم علیه السلام.

4- (4) کنزالعمّال:41808/455/15 نقلًا عن الدیلمی.

5- (5) شعب الإیمان:5947/102/5 [6] عن عطاء،وراجع:المعجم الکبیر:152/63/22.

6- (6) مکارم الأخلاق:1283/383/1 [7] عن الإمام الحسین علیه السلام؛الفردوس:4719/244/3 عن الإمام الحسین علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله.

7- (7) مکارم الأخلاق:1236/373/1، [8]المحاسن:2282/367/2 [9] عن السیاری رفعه،وفیه«علیکم بالسفرجل فکلوه؛فإنّه یزید فی العقل والمروءه».

8- (8) طبّ النبیّ صلی الله علیه و آله:11. [10]

#### 2/4 آنچه مغز را قوی می سازد

##### الف:روغن (چرب کردن پوست)

249.امام علی علیه السلام: روغن،پوست را نرم می سازد و مغز را رُشد می دهد.

250.امام صادق علیه السلام: روغن بنفشه،مغز را تقویت می کند.

##### ب:کدو

251.پیامبر صلی الله علیه و آله -در سفارش به علی علیه السلام-:ای علی! بر تو باد [خوردن] کدو.آن را بخور که مغز و عقل را زیاد می کند.

252.انس: رسول خدا بسیار کدو می خورد.گفتم:«ای رسول خدا! شما کدو را دوست می دارید!».فرمود:«کدو،مغز را بسیار می کند و بر خرد،می افزاید».

253.پیامبر صلی الله علیه و آله: بر شما باد [خوردن] کدو؛زیرا بر عقل می افزاید و مغز را بزرگ می کند.

254.پیامبر صلی الله علیه و آله: کدو حلوایی بخورید.پس اگر خداوند می دانست که درختی سبک تر از آن هست،آن را بر برادرم یونس می رویاند.هر کس از شما آبگوشت درست کرد،در آن کدو بسیار کند؛زیرا بر مغز و خرد می افزاید.

##### ج:گلابی

255.امام رضا علیه السلام: بر شما باد [خوردن] گلابی که بر عقل می افزاید.

##### د:کرفس

256.پیامبر صلی الله علیه و آله: بر شما باد [خوردن] کرفس؛زیرا اگر چیزی بر عقل بیفزاید،کرفس است.

ص:115

ه:اللَّحم

257-الإمام الصادق علیه السلام: اللَّحمُ یُنبِتُ اللَّحمَ ویَزیدُ فِی العَقلِ،ومَن تَرَکَ أکلَهُ أیّامًا فَسَدَ عَقلُهُ [(1)](#content_note_116_1).

258-عنه علیه السلام: مَن تَرَکَ أکلَ اللَّحمِ أربَعینَ صَباحًا ساءَ خُلُقُهُ وفَسَدَ عَقلُهُ،ومَن ساءَ خُلُقُهُ فَأَذِّنوا فی اذُنِهِ بِالتَّثویبِ [(2)](#content_note_116_2)[(3)](#content_note_116_3).

و:اللُّبان

259-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: عَلَیکُم بِاللُّبانِ،فَإِنَّهُ یَمسَحُ الحَرَّ مِنَ القَلبِ کَما یَمسَحُ الإِصبَعُ العَرَقَ عَنِ الجَبینِ،ویَشُدُّ الظَّهرَ،ویَزیدُ فِی العَقلِ،ویُذَکِّی الذِّهنَ،ویَجلُو البَصَرَ،ویُذهِبُ النِّسیانَ [(4)](#content_note_116_4).

260-عنه صلی الله علیه و آله: أطعِموا حَبالاکُمُ اللُّبانَ،فَإِنَّ الصَّبِیَّ إذا غُذِّیَ فی بَطنِ امِّهِ بِاللُّبانِ اشتَدَّ قَلبُهُ وزیدَ فی عَقلِهِ [(5)](#content_note_116_5).

ز:الخَلّ

261-الإمام الصادق علیه السلام: الخَلُّ یَشُدُّ العَقلَ [(6)](#content_note_116_6).

262-مُحَمَّدُ بنُ عَلِیٍّ الهَمدانِیُّ: إنَّ رَجُلًا کانَ عِندَ الرِّضا علیه السلام بِخُراسانَ فَقُدِّمَت إلَیهِ مائِدَهٌ عَلَیها خَلٌّ ومِلحٌ فَافتَتَحَ علیه السلام بِالخَلِّ،فَقالَ الرَّجُلُ:جُعِلتُ فِداکَ،أمَرتَنا أن نَفتَتِحَ بِالمِلحِ؟! فَقالَ:هذا مِثلُ هذا-یَعنِی الخَلَّ-وإنَّ الخَلَّ یَشُدُّ الذِّهنَ ویَزیدُ فِی العَقلِ [(7)](#content_note_116_7).

ح:السَّداب [(8)](#content_note_116_8)

263-الإمام الکاظم علیه السلام: السَّدابُ یَزیدُ فِی العَقلِ [(9)](#content_note_116_9).

ص:116

1- (1) طبّ الأئمّه علیهم السلام:139. [1]

2- (2) ثوّب الداعی تثویبًا:ردّد صوته،ومنه التثویب فی الأذان (المصباح المنیر:87). [2]

3- (3) طبّ الأئمّه علیهم السلام:139. [3]

4- (4) بحارالأنوار:294/62، [4]مستدرک الوسائل:20228/374/16. [5]

5- (5) الکافی:6/23/6 [6] عن أبی زیاد عن الإمام الحسن علیه السلام،وراجع بحارالأنوار:8/444/66. [7]

6- (6) الکافی:2/329/6 [8] عن سلیمان بن خالد وح 5 عن إسماعیل بن جابر،المحاسن:1913/282/2 و ح 1914 [9] کلاهما عن سلیمان بن خالد.

7- (7) الکافی:4/329/6، [10]المحاسن:1931/286/2. [11]

8- (8) هو بقل،وله خواص وطبائع معروفه فی کتب الطبّ،ومعرّبه سذاب بالذال المعجمه (تاج العروس:69/2). [12]

9- (9) الکافی:1/367/6، [13]المحاسن:2088/322/2 عن یعقوب بن عامر عن رجل.

##### ه:گوشت

257.امام صادق علیه السلام: گوشت،گوشت می آورد و بر عقل می افزاید.هر آن کس چند روز گوشت را کنار نهد،خردش تباه گردد.

258.امام صادق علیه السلام: هر کس چهل روز خوردن گوشت را ترک کند،بد اخلاق شود، عقلش تباه گردد،و هر آن کس که بد اخلاق شد،در گوشش به آواز،اذان گویید.

##### و:شیر

259.پیامبر صلی الله علیه و آله: بر شما باد خوردن شیر؛زیرا حرارت قلب را از میان می برد؛همان گونه که انگشت،عرق پیشانی را پاک می کند.[شیر،] کمر را محکم می کند، عقل را افزایش می دهد و ذهن را تیز می گرداند.

260.پیامبر صلی الله علیه و آله: به زنان باردار شیر بخورانید؛زیرا هنگامی که کودک در رحِم مادر از شیر تغذیه کند،دلش قوی گردد و مغزش فزونی گیرد.

##### ز:سرکه

261.امام صادق علیه السلام: سرکه،مغز را محکم می سازد.

262.محمّد بن علی همدانی: مردی نزد امام رضا علیه السلام در خراسان بود.نزد حضرت خوانی گستردند که بر آن سرکه و نمک بود.حضرت،غذا را با خوردن سرکه آغاز کرد.

آن مرد گفت:«فدایت شوم! به ما فرمان دادی که با نمک آغاز کنیم؟».فرمود:

«این (سرکه) مانند آن است.سرکه ذهن را استوار می کند و بر خرد می افزاید».

##### ح:سداب

263.امام کاظم علیه السلام: سُداب [(1)](#content_note_117_1)بر عقل می افزاید.

ص:117

1- (1) .سُداب،گیاهی است از ردۀ دو لپه ای های جدا گلبرگ که سر دستۀ تیرۀ سدابیان می باشد.فرهنگ معین،لغت نامۀ دهخدا،«سداب».

ط:العَسَل

264-الإمام الکاظم علیه السلام: فِی العَسَلِ شِفاءٌ مِن کُلِّ داءٍ،مَن لَعِقَ لَعقَهَ عَسَلٍ عَلَی الرّیقِ یَقطَعُ البَلغَمَ،ویَحسِمُ الصَّفرَهَ،ویَمنَعُ المِرَّهَ السَّوداءَ،ویُصَفِّی الذِّهنَ، ویُجَوِّدُ الحِفظَ إذا کانَ مَعَ اللُّبانِ الذَّکَرِ [(1)](#content_note_118_1).

ی:الرُّمّانُ مَعَ شَحمِهِ

265-الإمام الصادق علیه السلام: کُلُوا الرُّمّانَ بِشَحمِهِ،فَإِنَّهُ یَدبِغُ المِعدَهَ ویَزیدُ فِی الذِّهنِ [(2)](#content_note_118_2).

ک:الماء

266-أبو طَیفورَ المُتَطَبِّبُ: دَخَلتُ عَلی أبِی الحَسَنِ الماضی علیه السلام فَنَهَیتُهُ عَن شُربِ الماءِ،فَقالَ علیه السلام:وما بَأسٌ بِالماءِ وهُوَ یُدیرُ الطَّعامَ فِی المِعدَهِ،ویُسَکِّنُ الغَضَبَ ویَزیدُ فِی اللُّبِّ،ویُطفِی المِرارَ [(3)](#content_note_118_3).

ل:الحِجامَه

267-رسول اللّه علیه السلام: الحِجامَهُ تَزیدُ العَقلَ وتَزیدُ الحافِظَ حِفظًا [(4)](#content_note_118_4).

268-عنه صلی الله علیه و آله: الحِجامَهُ عَلَی الرّیقِ أمثَلُ،وهِیَ تَزیدُ فِی العَقلِ،وتَزیدُ فِی الحِفظِ، وتَزیدُ الحافِظَ حِفظًا [(5)](#content_note_118_5).

م:الفَرفَخ

269-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: عَلَیکُم بِالفَرفَخِ،فَهِیَ المُکَیِّسَهُ،فَإِنَّهُ إن کانَ شَیءٌ یَزیدُ فِی العَقلِ فَهِیَ [(6)](#content_note_118_6).

ن:الاُترُجّ

270-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: عَلَیکُم بِالاُترُجِّ،فَإِنَّهُ یُنیرُ الفُؤادَ ویَزیدُ فِی الدِّماغِ [(7)](#content_note_118_7).

ص:118

1- (1) فقه الرضا علیه السلام:346. [1]

2- (2) الکافی:12/354/6 [2] عن صالح بن عقبه،المحاسن:2232/356/2 [3] عن النوفلی.

3- (3) الکافی:2/381/6، [4]المحاسن:2391/398/2. [5]

4- (4) مکارم الأخلاق:518/174/1؛ [6]الفردوس:2781/154/2 عن ابن عمر.

5- (5) سنن ابن ماجه:3488/1154/2 عن ابن عمر.

6- (6) المحاسن:2094/323/2 [7] عن حمّاد بن زکریّا النخعیّ،مکارم الأخلاق:1314/390/1 [8] کلاهما عن الإمام الصادق علیه السلام ولیس فیه«فهی المکیسه».

7- (7) طبّ النبیّ صلی الله علیه و آله:8، [9]بحارالأنوار:297/62، [10]مستدرک الوسائل:20357/407/16. [11]

##### ط:عسل

264.امام کاظم علیه السلام: عسل،درمان هر دردی است.هر کس انگشتی عسل همراه با کُندر،ناشتا بخورد،بلغَم او را از میان ببرد،صفرای او را ریشه کن کند و از تلخی سودا پیشگیری نماید.[عسل،] ذهن را پیراسته و حافظه را قوی سازد.

##### ی:انار با لایۀ نازک آن

265.امام صادق علیه السلام: انار را با لایۀ نازکش بخورید؛زیرا معده را پاکسازی می کند و بر ذهن می افزاید.

##### ک:آب

266.ابوطیفور متطبّب (مدّعی پزشکی):بر امام کاظم علیه السلام وارد شدم و ایشان را از نوشیدن آب برحذر داشتم.حضرت فرمود:«نوشیدن آبْ بی زیان است؛بلکه غذا را در معده می چرخاند،خشم را فرو می برد،بر مغز می افزاید و تلخی را از میان می برد».

##### ل:حَجامت کردن

267.پیامبر صلی الله علیه و آله: حجامت [خون گرفتن] بر عقل می افزاید و حافظه را زیاد می کند.

268.پیامبر صلی الله علیه و آله: حجامت ناشتا سودمندتر است.حجامت،عقل را افزایش می دهد، حافظه را زیاد می کند و بر حافظۀ حافظان می افزاید.

##### م:خُرفه

269.پیامبر صلی الله علیه و آله: بر شما باد [خوردن] خُرفه؛زیرا زیرکی می بخشد.به راستی اگر چیزی بر خرد بیفزاید،همان خرفه است.

##### ن:تُرنج

270.پیامبر صلی الله علیه و آله: تُرنج بخورید؛زیرا دل را روشنی می بخشد و بر مغز می افزاید.

ص:119

س:الباقِلّی

271-الإمام الصادق علیه السلام: أکلُ الباقِلّی یُمَخِّخُ السّاقَینِ ویَزیدُ فِی الدِّماغِ [(1)](#content_note_120_1).

ص:120

1- (1) الکافی:1/344/6، [1]المحاسن:2028/309/2 کلاهما عن محمّد بن عبداللّه.

##### س:باقلا

271.امام صادق علیه السلام: خوردن باقلا،ساقها را مغزدار می کند و بر مغز می افزاید.

ر.ک:ص 45«فزونی و کاستی خرد در دوران زندگی».

ص:121

الفصل الخامس:عَلاماتُ العَقلِ

1/5 جُنودُ العَقلِ وَالجَهلِ

272-سَماعَهُ بنُ مِهرانَ: کُنتُ عِندَ أبی عَبدِاللّهِ علیه السلام وعِندَهُ جَماعَهٌ مِن مَوالیهِ،فَجَری ذِکرُ العَقلِ وَالجَهلِ،فَقالَ أبو عَبدِاللّهِ علیه السلام:اِعرِفُوا العَقلَ وجُندَهُ وَالجَهلَ وجُندَهُ تَهتَدوا.

فَقُلتُ:جُعِلتُ فِداکَ،لا نَعرِفُ إلّاما عَرَّفتَنا،فَقالَ أبو عَبدِاللّهِ علیه السلام:إنَّ اللّهَ عز و جل خَلَقَ العَقلَ وهُوَ أوَّلُ خَلقٍ مِنَ الرّوحانِیّینَ عَن یَمینِ العَرشِ مِن نورِهِ،فَقالَ لَهُ:أدبِر فَأَدبَرَ؛ثُمَّ قالَ لَهُ:أقبِل فَأَقبَلَ [(1)](#content_note_122_1)؛فَقالَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالی:خَلَقتُکَ خَلقًا عَظیمًا وکَرَّمتُکَ عَلی جَمیعِ خَلقی.

ثُمَّ خَلَقَ الجَهلَ مِنَ البَحرِ الاُجاجِ ظُلمانِیًّا فَقالَ لَهُ:أدبِر فَأَدبَرَ؛ثُمَّ

ص:122

1- (1) شرح هذا الحدیث المولی محمد صالح المازندرانی بما یلی:(فقال له:أدبر فأدبر):أمره بالهبوط من عالم الملکوت والنور إلی عالم الظلمات والشرور والتوجّه إلی ما یلایمه من المشتهیات والنظر إلی ما فیه هواه من المستلذّات،فهبط لما فی ذلک من مصلحه وهی ابتلاء العباد ونظام البلاد وعماره الأرض،إذ لو لا ذلک لکان النّاس بمنزله الملائکه [1]عارین عن حلیه التناکح والتناسل والزراعه وتعمیر الأرض،وبطل الغرض المطلوب من هذا النوع من الخلق،وبطل خلافه الأرض،ولزم من ذلک بطلان الثواب والعقاب وعدم انکشاف صفات الباری وانجلاء حقایقها وآثارها،مثل العداله والانتقام والجبّاریّه والقهاریّه والعفو والغفران وغیرها.(ثمّ قال له:أقبل فلم یقبل):أمره بعد الإدبار بالإقبال إلیه تعالی والرجوع إلی ما لدیه من المقامات العلیّه والکرامات الرفیعه التی لا یتیسّر الوصول إلیها إلّابالانتقال من طور أخسّ إلی طور أشرف،ومن حاله أدنی إلی حاله أعلی،ومن نشأه فانیه إلی نشأه باقیه،وهکذا من حال إلی حال ومن کمال إلی کمال حتّی یبلغ إلی غایه مشاهده جلال اللّه ونهایه ملاحظه أنوار اللّه ویرتع فی جنّه عالیه قطوفها دانیه،فأبی السلوک فی سبیل الرشاد والتقیّد بربقه الانقیاد والتمسّک بلوازم الوعظ والنصیحه والانقلاع عن الأفعال القبیحه،کلّ ذلک لشدّه احتجابه بحجاب الظلمات وانغماسه فی بحار [2]ذمائم الصفات؛لتوهّمه أنّ تلک الذمائم الخاسره والصفات الظاهره والمشتهیات الحاضره کمال له،فاغترَّ بها أو افتخر وأخذها بضاعه له واستکبر.(شرح اصول الکافی،کتاب العقل والجهل:268). [3] وصدر أخیرًا عن مؤسسه التنظیم والنشر لآثار الإمام الخمینی قدس سره فی هذا المجال کتاب«شرح حدیث جنود العقل والجهل»للسید الإمام قدس سره فراجع.

### فصل پنجم:نشانه های خرد

#### 1/5 لشکریان خرد و نادانی

272.سماعه بن مهران: نزد امام صادق علیه السلام بودم و گروهی از دوستداران حضرت در آنجا حضور داشتند.سخن از خرد و نادانی به میان آمد.امام صادق علیه السلام فرمود:«خرد و لشکریانش و نادانی و لشکریانش را بشناسید تا هدایت یابید [(1)](#content_note_123_1)».سماعه گوید که عرض کردم:«جانم به فدایت! نمی دانیم جز آنچه شما ما را بر آن آگاه ساختید».

آن گاه امام صادق علیه السلام فرمود:«خداوند،خرد را که نخستین آفریدۀ روحانی است،از سمتِ راست عرش از نور خود بیافرید».آن گاه بدو فرمود:«باز گرد».

ص:123

1- (1) .امام خمینی (ره)،کتابی با عنوان«شرح حدیث جنود عقل و جهل»نگاشته که از سوی مؤسسۀ تنظیم و نشرآثار امام خمینی (ره) به چاپ رسیده است.

قالَ لَهُ:أقبِل فَلَم یُقبِل،فَقالَ لَهُ:اِستَکبَرتَ،فَلَعَنَهُ.

ثُمَّ جَعَلَ لِلعَقلِ خَمسَهً وسَبعینَ جُندًا،فَلَمّا رَأَی الجَهلُ ما أکرَمَ اللّهُ بِهِ العَقلَ وما أعطاهُ،أضمَرَ لَهُ العَداوَهَ.

فَقالَ الجَهلُ:یا رَبِّ،هذا خَلقٌ مِثلی خَلَقتَهُ وکَرَّمتَهُ وقَوَّیتَهُ وأنَا ضِدُّهُ ولا قُوَّهَ لی بِهِ فَأَعطِنی مِنَ الجُندِ مِثلَ ما أعطَیتَهُ،فَقالَ:نَعَم،فَإِن عَصَیتَ بَعدَ ذلِکَ أخرَجتُکَ وجُندَکَ مِن رَحمَتی،قالَ:قَد رَضیتُ،فَأَعطاهُ خَمسَهً وسَبعینَ جُندًا.فَکانَ مِمّا أعطَی العَقلَ مِنَ الخَمسَهِ وَالسَّبعینَ الجُندَ:

الخَیرُ وهُوَ وَزیرُ العَقلِ وجَعَلَ ضِدَّهُ الشَّرَّ وهُوَ وَزیرُ الجَهلِ،وَالإِیمانُ وضِدَّهُ الکُفرَ،وَالتَّصدیقُ وضِدَّهُ الجُحودَ،وَالرَّجاءُ وضِدَّهُ القُنوطَ،وَالعَدلُ وضِدَّهُ الجَورَ،وَالرِّضا وضِدَّهُ السَّخَطَ،وَالشُّکرُ وضِدَّهُ الکُفرانَ،وَالطَّمَعُ وضِدَّهُ الیَأسَ،وَالتَّوَکُّلُ وضِدَّهُ الحِرصَ،وَالرَّأفَهُ وضِدَّهَا القَسوَهَ،وَالرَّحمَهُ وضِدَّهَا الغَضَبَ،وَالعِلمُ وضِدَّهُ الجَهلَ،وَالفَهمُ وضِدَّهُ الحُمقَ،وَالعِفَّهُ وضِدَّهَا التَّهَتُّکَ،وَالزُّهدُ وضِدَّهُ الرَّغبَهَ،وَالرِّفقُ وضِدَّهُ الخُرقَ،وَالرَّهبَهُ وضِدَّهُ الجُرأَهَ،وَالتَّواضُعُ وضِدَّهُ الکِبرَ،وَالتُّؤَدَهُ وضِدَّهَا التَّسَرُّعَ،وَالحِلمُ وضِدَّهَا السَّفَهَ،وَالصَّمتُ وضِدَّهُ الهَذَرَ،وَالاِستِسلامُ وضِدَّهُ الاِستِکبارَ، وَالتَّسلیمُ وضِدَّهُ الشَّکَّ،وَالصَّبرُ وضِدَّهُ الجَزَعَ،وَالصَّفحُ وضِدَّهُ الاِنتِقامَ، وَالغِنی وضِدَّهُ الفَقرَ،وَالتَّذَکُّرُ وضِدَّهُ السَّهوَ،وَالحِفظُ وضِدَّهُ النِّسیانَ، وَالتَّعَطُّفُ وضِدَّهُ القَطیعَهَ،وَالقُنوعُ وضِدَّهُ الحِرصَ،وَالمُؤاساهُ وضِدَّهَا المَنعَ،وَالمَوَدَّهُ وضِدَّهَا العَداوَهَ،وَالوَفاءُ وضِدَّهُ الغَدرَ،وَالطّاعَهُ وضِدَّهَا المَعصِیَهَ،وَالخُضوعُ وضِدَّهُ التَّطاوُلَ،وَالسَّلامَهُ وضِدَّهَا البَلاءَ،وَالحُبُّ

ص:124

پس برگشت.سپس به او گفت:«روی آور».پس روی آورد [(1)](#content_note_125_1).سپس خداوند تبارک و تعالی فرمود:«آفریدم تو را آفریدنی بزرگ و بر همۀ مخلوقاتم،تو را گرامی داشتم».

سپس [خداوند] نادانی را از دریای شور و ظلمانی بیافرید و به او گفت:«باز گرد».پس برگشت.سپس بدان فرمود:«روی آور».پس رو نیاورد.خداوند به او فرمود:«بزرگی فروختی»،پس بر او لعنت فرستاد.آن گاه برای خرد،هفتادوپنج سرباز قرار داد.وقتی نادانی،کرامتی را که خداوند به عقل داد،مشاهده کرد، کینۀ او را به دل گرفت و گفت:«ای پروردگار ! این آفریده ای است مانند من.او را آفریدی،کرامت بخشیدی،نیرومند ساختی و من برخلاف اویم و نیرویی ندارم.به من هم سربازانی مانند عقل ببخشای».خداوند پذیرفت و فرمود:«اگر پس از آن نافرمانی کردی،تو و سربازانت را از رحمت خویش بیرون سازم».جهل،رضایت داد.آنگاه خداوند به وی هفتادوپنج سرباز بخشید.سربازانی که خداوند به خرد بخشید،عبارت اند از:خیر که او یاور عقل است و ضدّ آن شرّ است که وزیر جهل

ص:125

1- (1) .ملّا صالح مازندرانی در شرح این حدیث نوشته است:خداوند خرد را فرمان داد از عالَم ملکوت و نورانی به دنیای تاریکی ها و شرور فرود آید و به خواستنی هایی که سازگار با او است،توجه کند و در لذتهای مطابق میلش،درنگ نماید سپس عقل،از آن رو که مصلحتش در آن بود،فرود آمد آن مصلحت عبارت است از آزمودن بندگان،سامان بخشی به شهرها و آبادانی زمین. اگر چنین نبود مردم بسان فرشتگان از ازدواج و تکثیر نسل،کشاورزی و آبادی زمین،دست می شُستند.و انگیزۀ آفرینش این دسته از موجودات از میان می رفت،چنانکه جانشینی زمین زائل می شد.و نظام پاداش و کیفر نیز به هم می ریخت و صفات خداوندی و حقیقت و آغازش چون عدالت،انتقام،جباریّت،قهاریّت،عفو و بخشش و مانند آن آشکار نمی گشت. [وی در تفسیر«پس بدو گفت رو آور پس رو نیاورد»،فرموده است:] خداوند او را پس از ادبار به روآوران و بازگشت به مقامات برتر و کرامت های بلند که دست یابی بدان جز با تحول و دگرگونی از صورت پست به صورت برتر و حالت پست به حالت برتر و دنیای فانی به دنیای پایدار ممکن نیست،فرمان داد. چنانکه او را به سیر و سلوک و پیمودن راه کمال تا مشاهدۀ جلال خداوندی و دیدن انوار الهی و گشت و گذار در بهشت برین فرمان داد. لیک او از پیمودن راه توشه و گردن نهادن به بندگی و استفادۀ از پند و نصیحت و دوری جُستن از رفتار زشت،سر باز زد.زیر که در حجابهای ظلمانی پنهان بود و در دریای بدیها فرو رفته بود با این گمان که این لذت های ظاهری و خصلت های زشت کمال اوست. از اینرو بدان مغرور شد و فخر فروشی کرد و آن را دستمایه بزرگی طلبی قرار داد. شرح اصول کافی،کتاب العقل و الجهل،ص 268.

وضِدَّهُ البُغضَ،وَالصِّدقُ وضِدَّهُ الکَذِبَ،وَالحَقُّ وضِدَّهُ الباطِلَ،وَالأَمانَهُ وضِدَّهَا الخِیانَهَ،وَالإِخلاصُ وضِدَّهُ الشَّوبَ،وَالشَّهامَهُ وضِدَّهَا البَلادَهَ، وَالفَهمُ وضِدَّهُ الغَباوَهَ،وَالمَعرِفَهُ وضِدَّهَا الإِنکارَ،وَالمُداراهُ وضِدَّهَا المُکاشَفَهَ،وسَلامَهُ الغَیبِ وضِدَّهَا المُماکَرَهَ،وَالکِتمانُ وضِدَّهُ الإِفشاءَ، وَالصَّلاهُ وضِدَّهَا الإِضاعَهَ،وَالصَّومُ وضِدَّهُ الإِفطارَ،وَالجِهادُ وضِدَّهُ النُّکولَ،وَالحَجُّ وضِدَّهُ نَبذَ المیثاقِ،وصَونُ الحَدیثِ وضِدَّهُ النَّمیمَهَ،وبِرُّ الوالِدَینِ وضِدَّهُ العُقوقَ،وَالحَقیقَهُ وضِدَّهَا الرِّیاءَ،وَالمَعروفُ وضِدَّهُ المُنکَرَ،وَالسَّترُ وضِدَّهُ التَّبَرُّجَ،وَالتَّقِیَّهُ وضِدَّهَا الإِذاعَهَ،وَالإِنصافُ وضِدَّهُ الحَمِیَّهَ،وَالتَّهیِئَهُ وضِدَّهَا البَغیَ،وَالنَّظافَهُ وضِدَّهَا القَذَرَ،وَالحَیاءُ وضِدَّهَا الجَلَعَ،وَالقَصدُ وضِدَّهُ العُدوانَ،وَالرّاحَهُ وضِدَّهَا التَّعَبَ،وَالسُّهولَهُ وضِدَّهَا الصُّعوبَهَ،وَالبَرَکَهُ وضِدَّهَا المَحقَ،وَالعافِیَهُ وضِدَّهَا البَلاءَ،وَالقَوامُ وضِدَّهُ المُکاثَرَهَ،وَالحِکمَهُ وضِدَّهَا الهَوی،وَالوَقارُ وضِدَّهُ الخِفَّهَ،وَالسَّعادَهُ وضِدَّهَا الشَّقاوَهَ،وَالتَّوبَهُ وضِدَّهَا الإِصرارَ،وَالاِستِغفارُ وضِدَّهُ الاِغتِرارَ، وَالمُحافَظَهُ وضِدَّهَا التَّهاوُنَ،وَالدُّعاءُ وضِدَّهُ الاِستِنکافَ،وَالنَّشاطُ وضِدَّهُ الکَسَلَ،وَالفَرَحُ وضِدَّهُ الحُزنَ،وَالاُلفَهُ وضِدَّهَا الفُرقَهَ،وَالسَّخاءُ وضِدَّهُ البُخلَ.

فَلا تَجتَمِعُ هذِهِ الخِصالُ کُلُّها مِن أجنادِ العَقلِ إلّافی نَبِیٍّ أو وَصِیِّ نَبِیٍّ، أو مُؤمِنٍ قَدِ امتَحَنَ اللّهُ قَلبَهُ لِلإِیمانِ،وأمّا سائِرُ ذلِکَ مِن مَوالینا فَإِنَّ أحَدَهُم لا یَخلو مِن أن یَکونَ فیهِ بَعضُ هذِهِ الجُنودِ حَتّی یَستَکمِلَ ویَنقی مِن جُنودِ الجَهلِ،فَعِندَ ذلِکَ یَکونُ فِی الدَّرَجَهِ العُلیا مَعَ الأَنبِیاءِ وَالأَوصِیاءِ،وإنَّما

ص:126

است؛ایمان که ضدّش کفر است؛تصدیق و گواهی دادن که ضدّ آن انکار و پنهان سازی است؛امید که ضدّ آن یأس و ناامیدی است؛عدالت که ضدّ آن ستم است؛ خوشنودی که ضدّ آن خشم است؛سپاسگزاری که ضدّ آن ناسپاسی است؛طمع که ضدّ آن ناامیدی [از دیگران] است؛توکّل که ضدّ آن آز است؛رأفت و مهربانی که ضدّ آن قساوت و سنگدلی است؛رحمت که ضدّ آن غضب است؛دانش که ضدّ آن نادانی است؛فهم که ضدّ آن حماقت است؛عفّت که ضدّ آن پرده دری است؛زهد و بی میلی که ضدّ آن رغبت و میل است؛رفق و مدارا که ضدّ آن برهم زنی و بد رفتاری است؛هراس که ضدّ آن جرأت داشتن و بی باکی است؛فروتنی که ضدّ آن تکبّر است؛و آرامی که ضدّ آن شتابزدگی است؛شکیبایی که ضدّ آن نابردباری است؛ خاموشی که ضدّ آن پُرگویی است؛رام بودن که ضدّ آن گردنکشی است؛تسلیم شدن که ضدّ آن تردید است؛صبر که ضدّ آن بی تابی است؛چشم پوشی که ضدّ آن کینه توزی است؛بی نیازی که ضدّ آن تنگدستی است؛بیاد آوردن که ضدّ آن بی خبری است؛در خاطر نگه داشتن که ضدّ آن فراموشی است؛مهرورزی که ضدّ آن بریدن و جدایی است؛قناعت که ضدّ آن حرص و آز است؛همدردی که ضدّ آن دریغ داشتن است؛دوستی که ضدّ آن دشمنی است؛پیمان داری که ضدّ آن خیانت است؛فرمانبرداری که ضدّ آن نافرمانی است؛فروتنی که ضدّ آن گردنکشی است؛سلامت که ضدّ آن مبتلا بودن است؛دوستی که ضدّ آن کینه ورزی است.

راستگویی که ضدّ آن دروغگویی است؛درستی که ضدّ آن باطل است؛امانت که ضدّ آن خیانت است؛پاکدلی که ضدّ آن ناپاکدلی است؛دلاوری که ضدّ آن درجا زدن است؛فهم که ضدّ آن کودنی است؛معرفت که ضدّ آن انکار است؛مدارا و رازداری که ضدّ آن فاش کردن راز است؛یکرویی که ضدّ آن دغلی است؛ پرده پوشی که ضدّ آن فاش کردن است؛نماز گزاردن که ضدّ آن تباه کردن است؛ روزه گرفتن که ضدّ آن روزه خوردن است؛جهاد که ضدّ آن باز ایستادن از جنگ است؛حج گزاردن که ضدّ آن پیمان شکستن است؛سخن نگه داشتن که ضدّ آن سخن چینی است؛نیکی به پدر و مادر که ضدّ آن آزردن آنان است؛حقیقت که ضدّ آن ریاکاری است؛نیکی که ضدّ آن بدی است؛پوشیدگی که ضدّ آن خودنمایی است؛تقیّه که ضدّ آن بی پروایی است؛انصاف که ضدّ آن جانبداری باطل است؛ پایداری در امور که ضدّ آن تجاوز است؛پاکیزگی که ضدّ آن پلیدی است؛حیا و آزرم که ضدّ آن بی حیایی است؛میانه روی که ضدّ آن تجاوز از حدّ است؛آسودگی که ضدّ آن خود را به رنج انداختن است؛آسان گیری که ضدّ آن سختگیری است؛ برکت داشتن که ضدّ آن بی برکتی است؛تندرستی که ضدّ آن بلا و گرفتاری است؛

ص:127

یُدرَکُ ذلِکَ بِمَعرِفَهِ العَقلِ وجُنودِهِ،وبِمُجانَبَهِ الجَهلِ وجُنودِهِ،وَفَّقَنَا اللّهُ وإیّاکُم لِطاعَتِهِ ومَرضاتِهِ [(1)](#content_note_128_1).

2/5 آثارُ العَقلِ

أ:العِلمُ والحِکمَهُ

الکتاب

یُؤْتِی الْحِکْمَهَ مَنْ یَشاءُ وَ مَنْ یُؤْتَ الْحِکْمَهَ فَقَدْ أُوتِیَ خَیْراً کَثِیراً وَ ما یَذَّکَّرُ إِلاّ أُولُوا الْأَلْبابِ [(2)](#content_note_128_2).

إِنَّ فِی ذلِکَ لَذِکْری لِمَنْ کانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَی السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِیدٌ [(3)](#content_note_128_3).

\* الحدیث

273-سُلَیمانُ بنُ خالِدٍ: سَأَلتُ أبا عَبدِاللّهِ علیه السلام عَن قَولِ اللّهِ: وَ مَنْ یُؤْتَ الْحِکْمَهَ فَقَدْ أُوتِیَ خَیْراً کَثِیراً فَقالَ:إنَّ الحِکمَهَ المَعرِفَهُ وَالتَّفَقُّهُ فِی الدّینِ،فَمَن فَقِهَ مِنکُم فَهُوَ حَکیمٌ [(4)](#content_note_128_4).

274-الإمام الکاظم علیه السلام -فی وَصِیَّتِهِ لِهِشامِ بنِ الحَکَمِ-:یا هِشامُ،إنَّ اللّهَ تَعالی یَقولُ فی کِتابِهِ: إِنَّ فِی ذلِکَ لَذِکْری لِمَنْ کانَ لَهُ قَلْبٌ [(5)](#content_note_128_5)یَعنی:عَقلٌ:وقالَ: وَ لَقَدْ آتَیْنا لُقْمانَ الْحِکْمَهَ [(6)](#content_note_128_6).قالَ:الفَهمَ وَالعَقلَ...

یا هِشامُ،ما بَعَثَ اللّهُ أنبِیاءَهُ ورُسُلَهُ إلی عِبادِهِ إلّالِیَعقِلوا عَنِ اللّهِ،

ص:128

1- (1) الکافی:14/21/1، [1]علل الشرایع:10/113، [2]تحف العقول:400 [3] کلاهما نحوه.

2- (2) البقره:269. [4]

3- (3) ق:37.

4- (4) تفسیر العیّاشی:498/151/1. [5]

5- (5) ق:37.

6- (6) لقمان:12. [6]

اعتدال که ضدّ آن افزون طلبی است؛حکمت که ضدّ آن پیروی از هواست؛ سنگینی و متانت که ضدّ آن سَبُکی است؛خوشبختی که ضدّ آن نگونبختی است؛ توبه که ضدّ آن پافشاری بر گناه است؛آمرزش خواستن که ضدّ آن طمع بیهوده بستن است؛مراقبت که ضدّ آن سهل انگاری است؛دعا که ضدّ آن خودداری از دعاست؛شادابی که ضدّ آن کسالت است؛خوشدلی که ضدّ آن اندوهگینی است؛ انس گرفتن که ضدّ آن جدایی است؛سخاوت که ضدّ آن بخیل بودن است.

همۀ این سربازان عقل،جز در پیامبر یا جانشین وی یا مؤمنی که خداوند دلش را به ایمان آزموده جمع نخواهد شد؛امّا در دیگر دوستداران ما برخی از سربازان عقل جای دارد،تا آنکه به کمال رسیده،از جنود جهلْ پاک گردند.در این هنگام، رتبه ای عالی نزد پیامبران و جانشینانشان خواهند یافت.دستیابی به این مقام بلند،به کمک عقل و سربازانش و دوری از جهل و سربازانش حاصل خواهد شد.

خداوند ما و شما را برای پیروی و خوشنودی خویش،موفّق بدارد !

#### 2/5 نشانه های خرد

##### الف:دانش و حکمت

قرآن

[ خدا] به هر کس که بخواهد،حکمت می بخشد،و به هر کس حکمت داده شود،به یقین،خیری فراوان داده شده است،و جز خردمندان،کسی پند نمی گیرد.

قطعاً در این [عقوبتها] برای هر صاحبدل و حق نیوشی که خود به گواهی ایستد، عبرتی است.

ر.ک:آل عمران:7،رعد:19،ابراهیم:52،ص:29 و 43،زمر:9 و 21،غافر:54.

حدیث

273.سلیمان بن خالد: از امام صادق علیه السلام دربارۀ آیۀ«هر که به او حکمت عطا شود،خیر فراوان نصیبش شده است»،سؤال کردم.فرمود:«حکمت،همان شناخت و فقیه شدن در دین است.هر کس از شما که فقیه گردد،او حکیم است».

274.امام کاظم علیه السلام -در سفارش به هشام بن حکم-:ای هشام ! خداوند متعال در کتابش فرموده است:«قطعاً در این [عقوبتها] برای هر صاحبدل و حق نیوشی که خود به

ص:129

فَأَحسَنُهُمُ استِجابَهً أحسَنُهُم مَعرِفَهً،وأعلَمُهُم بِأَمرِ اللّهِ أحسَنُهُم عَقلًا، وأکمَلُهُم عَقلًا أرفَعُهُم دَرَجَهً فِی الدُّنیا وَالآخِرَهِ...

یا هِشامُ،کَیفَ یَزکو [(1)](#content_note_130_1)عِندَ اللّهِ عَمَلُکَ،وأنتَ قَد شَغَلتَ قَلبَکَ عَن أمرِ رَبِّکَ وأطَعتَ هَواکَ عَلی غَلَبَهِ عَقلِکَ؟!...

یا هِشامُ،نُصِبَ الحَقُّ لِطاعَهِ اللّهِ،ولا نَجاهَ إلّابِالطّاعَهِ،وَالطّاعَهُ بِالعِلمِ، وَالعِلمُ بِالتَّعَلُّمِ،وَالتَّعَلُّمُ بِالعَقلِ یُعتَقَدُ،ولا عِلمَ إلّامِن عالِمٍ رَبّانِیٍّ،ومَعرِفَهُ العِلمِ بِالعَقلِ...

إنَّهُ لَم یَخَفِ اللّهَ مَن لَم یَعقِل عَنِ اللّهِ،ومَن لَم یَعقِل عَنِ اللّهِ [(2)](#content_note_130_2)لَم یَعقِد قَلبَهُ عَلی مَعرِفَهٍ ثابِتَهٍ یُبصِرُها ویَجِدُ حَقیقَتَها فی قَلبِهِ،ولا یَکونُ أحَدٌ کَذلِکَ إلّا مَن کانَ قَولُهُ لِفِعلِهِ مُصَدِّقًا،وسِرُّهُ لِعَلانِیَتِهِ مُوافِقًا،لِأَنَّ اللّهَ تَبارَکَ اسمُهُ لَم یَدُلَّ عَلَی الباطِنِ الخَفِیِّ مِنَ العَقلِ إلّابِظاهِرٍ مِنهُ،وناطِقٍ عَنهُ [(3)](#content_note_130_3).

275-عنه علیه السلام -أیضًا-:یا هِشامُ،إنَّ العَقلَ مَعَ العِلمِ،فَقالَ: وَ تِلْکَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنّاسِ وَ ما یَعْقِلُها إِلاَّ الْعالِمُونَ [(4)](#content_note_130_4).

276-الإمام علیّ علیه السلام: العَقلُ وَالعِلمُ مَقرونانِ فی قَرَنٍ لا یَفتَرِقانِ ولا یَتَبایَنانِ [(5)](#content_note_130_5).

277-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: إنَّ العَقلَ عِقالٌ مِنَ الجَهلِ،وَالنَّفسَ مِثلُ أخبَثِ الدَّوابِّ،فَإِن لَم تُعقَل حارَت،فَالعَقلُ عِقالٌ مِنَ الجَهلِ [(6)](#content_note_130_6).

278-الإمام علیّ علیه السلام: مَن عَقَلَ فَهِمَ [(7)](#content_note_130_7).

279-عنه علیه السلام: العَقلُ أصلُ العِلمِ وداعِیَهُ الفَهمِ [(8)](#content_note_130_8).

280-عنه علیه السلام: بِالعُقولِ تُنالُ ذُروَهُ العُلومِ [(9)](#content_note_130_9).

ص:130

1- (1) الزکاه تکون بمعنی النموّ وبمعنی الطهاره،وهنا یحتملهما (هامش المصدر).

2- (2) قال العلّامه المجلسی:عقل عن اللّه،أی حصل له معرفه ذاته وصفاته وأحکامه وشرایعه،أو أعطاه اللّه العقل،أو علم الاُمور بعلم ینتهی إلی اللّه بأن أخذه عن أنبیائه وحججه علیهم السلام،إمّا بلا واسطه أو بواسطه،أو بلغ عقله إلی درجه یفیض اللّه علومه علیه بغیر تعلیم بشر (مرآه العقول:58/1 ). [1]وقال الطریحی:عقل عن اللّه:أی عرف عنه،کأن أخذ العلم من کتاب اللّه وسنّه نبیّه صلی الله علیه و آله،ومنه:«من عقل عن اللّه اعتزل عن أهل الدنیا»الکافی:12/17/1 ( [2]مجمع البحرین:1250/2). [3]

3- (3) الکافی:12/16/1، [4]تحف العقول:388.

4- (4) الکافی:12/14/1 [5] عن هشام بن الحکم،تحف العقول:384،بحارالأنوار:30/134/1. [6]

5- (5) غرر الحکم:1783. [7]

6- (6) تحف العقول:15،بحارالأنوار:11/117/1. [8]

7- (7) غررالحکم:7644.

8- (8) غرر الحکم:1959 و473 وفیه«العقل داعی الفهم».

9- (9) غرر الحکم:4275،(816 و 817)، [9]828،1735.

گواهی ایستد،عبرتی است»؛یعنی [برای] کسی که خرد دارد؛و فرموده است:«و به راستی،لقمان را حکمت دادیم».فرمود:«یعنی فهم و خرد [دادیم]».

ای هشام ! خداوند،پیامبران و رسولانش را مبعوث نکرد؛مگر بدان جهت که از خداوند درکی پیدا کنند.بهترین کسانی که دعوتِ پیامبران را پاسخ گفتند،آنانی هستند که از معرفت و شناختِ نیکویی برخوردارند؛و کسانی داناتر به دستوراها و شئون الهی اند که از خردی نیکوتر بهره مندند؛و آنانی که از خردی کاملتر برخوردار باشند،به جایگاهی برجسته تر در دنیا و آخرت دست خواهند یافت.

ای هشام ! چگونه کارهایت نزد خداوند پاکیزه باشد و رشد کند،با آنکه دلت از شئون الهی،دوری جُسته و با پیروی از هواها او را بر عقلت پیروز کرده ای...

ای هشام! حق برای فرمانبری از خداوند است و رستگاری،تنها در گرو پیروی است،و پیروی،جز با دانش حاصل نگردد،و دانش با آموختن به دست آید،و آموختن،به عقل گره می خورد.دانش را باید از عالم ربّانی آموخت و شناخت آن با عقل است.کسی که از خداوند درکی ندارد،از او نخواهد ترسید؛و آنکه از خداوند، معرفت و شناختی به دست نیاورد،دلش در گرو معرفتی استوار که حقیقتِ آن را بیابد،نخواهد شد و از چنین معرفتی بهره مند نخواهد گشت؛مگر آنکه سخنش کارش را تصدیق کند و درونش با آشکارش موافق باشد؛چرا که خداوند مبارک نام، ظاهر را نشانۀ باطن پنهان و سخنگوی آن قرار داد.

275.امام کاظم علیه السلام -در سفارشی به هشام-:ای هشام! به درستی که خرد،همراه دانش است؛[چنانکه] خداوند فرمود:«این مَثَلها را برای مردم می زنیم و جز دانشوران، آن را در نیابند».

276.امام علی علیه السلام: خرد و دانش،همپای یکدیگرند و به یک رَسَن بسته اند؛از هم جدا نشوند و ستیز نکنند.

277.پیامبر صلی الله علیه و آله: خرد،بازدارندۀ از نادانی است و نفس به سان پلیدترین چهارپاست که اگر مهار نگردد،سرگردان شود.پس خرد،مهار نادانی است.

278.امام علی علیه السلام: آنکه خردمند شود،آگاه گردد.

279.امام علی علیه السلام: خرد،پایۀ دانش و دعوت کنندۀ به فهم است.

280.امام علی علیه السلام: با عقلها قلۀ دانشها به دست آید.

ص:131

281-عنه علیه السلام: العَقلُ مَرکَبُ العِلمِ،العِلمُ مَرکَبُ الحِلمِ [(1)](#content_note_132_1).

282-عنه علیه السلام: العِلمُ عُنوانُ العَقلِ [(2)](#content_note_132_2).

283-عنه علیه السلام: العِلمُ یَدُلُّ عَلَی العَقلِ،فَمَن عَلِمَ عَقَلَ [(3)](#content_note_132_3).

284-عنه علیه السلام: بِالعَقلِ استُخرِجَ غَورُ الحِکمَهِ،وبِالحِکمَهِ استُخرِجَ غَورُ العَقلِ [(4)](#content_note_132_4).

285-عنه علیه السلام: الحِکمَهُ رَوضَهُ العُقَلاءِ ونُزهَهُ النُّبَلاءِ [(5)](#content_note_132_5).

286-عنه علیه السلام: مَن مَلَکَ عَقلَهُ کانَ حَکیمًا [(6)](#content_note_132_6).

287-الإمام الصادق علیه السلام: دِعامَهُ الإِنسانِ العَقلُ،وَالعَقلُ مِنهُ الفِطنَهُ وَالفَهمُ وَالحِفظُ وَالعِلمُ،وبِالعَقلِ یَکمُلُ،وهُوَ دَلیلُهُ ومُبصِرُهُ ومِفتاحُ أمرِهِ، فَإِذا کانَ تَأییدُ عَقلِهِ مِنَ النّورِ کانَ عالِمًا حافِظًا ذاکِرًا فَطِنًا فَهِمًا،فَعَلِمَ بِذلِکَ کَیفَ ولِمَ وحَیثُ،وعَرَفَ مَن نَصَحَهُ ومَن غَشَّهُ،فَإِذا عَرَفَ ذلِکَ عَرَفَ مَجراهُ ومَوصولَهُ ومَفصولَهُ،وأخلَصَ الوَحدانِیَّهَ للّهِ ِ وَالإِقرارَ بِالطّاعَهِ،فَإِذا فَعَلَ ذلِکَ کانَ مُستَدرِکًا لِما فاتَ،ووارِدًا عَلی ما هُوَ آتٍ، یَعرِفُ ما هُوَ فیهِ ولِأَیِّ شَیءٍ هُوَ هاهُنا،ومِن أینَ یَأتیهِ،وإلی ما هُوَ صائِرٌ، وذلِکَ کُلُّهُ مِن تَأییدِ العَقلِ [(7)](#content_note_132_7).

288-عنه علیه السلام -فی بَیانِ جُنودِ العَقلِ وَالجَهلِ-:الحِکمَهُ وضِدُّهَا الهَوی [(8)](#content_note_132_8).

ب:مَعرِفَهُ اللّهِ

289-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: قَسَّمَ اللّهُ تَعالَی العَقلَ عَلی ثَلاثَهِ أجزاءٍ،فَمَن کُنَّ فیهِ کَمُلَ عَقلُهُ،

ص:132

1- (1) غرر الحکم:4275،(816 و 817)، [1]828،1735.

2- (2) غرر الحکم:4275،(816 و 817)، [2]828،1735.

3- (3) غرر الحکم:4275،(816 و 817)، [3]828،1735.

4- (4) الکافی:34/28/1 [4] عن الإمام الصادق علیه السلام،غرر الحکم:4208 وفیه صدر الحدیث.

5- (5) غررالحکم:1715 و8282. [5]

6- (6) غررالحکم:1715 و8282. [6]

7- (7) الکافی:23/25/1 [7] عن أحمد بن محمّد مرسلًا،علل الشرایع:2/103 [8] عن الحسن بن محبوب عن بعض أصحابه.

8- (8) الکافی:14/22/1،الخصال:13/591 کلاهما عن سماعه بن مهران،تحف العقول:402 عن الإمام الکاظم علیه السلام.

281.امام علی علیه السلام: خرد،وسیلۀ حرکت دانش و دانش،وسیلۀ حرکت بردباری است.

282.امام علی علیه السلام: دانش،نشانۀ خرد است.

283.امام علی علیه السلام: دانش بر خرد دلالت دارد.هر آن کس که دانست،خردمند است.

284.امام علی علیه السلام: با خرد،کُنه حکمت بدست آید و با حکمت،کُنه خرد.

285.امام علی علیه السلام: حکمت،بُستان خردمندان و تفریحگاه فاضلان است.

286.امام علی علیه السلام: آنکه مالک خردِ خویش شود،حکیم است.

287.امام صادق علیه السلام: از خردْ زیرکی،فهم،حفظ و دانشْ سرچشمه گیرد.با خردْ آدمی به کمال رسد.خرد،راهنمای انسان،بینا کننده و گشاینده کارهای اوست.

اگر بنیان خرد از روشنی باشد،آدمی دانشمند،حافظ،اهل ذکر،زیرک و فهیم خواهد بود و پاسخ چگونه،چرا و کجا را بداند و خیرخواهان را از دغل کاران،بازشناسد.اگر اینها را دانست،مسیر حرکت و وصل و فصلش را نیز خواهد شناخت و به توحید خالص رسد،و به طاعت خداوندی اقرار کند.

اگر چنین شد،از دستْ رفته ها را جبران کند و بر آینده سوار باشد؛موقعیت خویش را درک کند و بداند چرا در دنیا زندگی می کند و از کجا آمده و به کجا خواهد رفت و این همه در پرتو خرد است.

288.امام صادق علیه السلام -در توصیف سربازان عقل و جهل-:[یکی از سربازان خرد]، حکمت است و ضدّ آن،هوا و میل نفسانی است.

ر.ک:ص 67«نیاز دانش به خرد»/ص 103«دانش»/ص 289«دشمنی با دانش و دانشمند».

##### ب:شناخت خدا

289.پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند،خرد را بر سه پاره قسمت کرد.هرکه این سه پاره را دارا باشد،عقلش کامل است و آنکه از آن بی بهره باشد،از خرد؛بی بهره است:

ص:133

ومَن لَم یَکُنَّ فیهِ فَلا عَقلَ لَهُ:حُسنُ المَعرِفَهِ بِاللّهِ،وحُسنُ الطّاعَهِ لَهُ، وحُسنُ الصَّبرِ عَلی أمرِهِ عَزَّوجَلَّ [(1)](#content_note_134_1).

290-تُحَفُ العُقولِ: قَدِمَ المَدینَهَ رَجُلٌ نَصرانِیٌّ مِن أهلِ نَجرانَ،وکانَ فیهِ بَیانٌ ولَهُ وَقارٌ وهَیبَهٌ،فَقیلَ:یا رَسولَ اللّهِ،ما أعقَلَ هذَا النَّصرانِیَّ؟! فَزَجَرَ القائِلَ وقالَ:مَه ! إنَّ العاقِلَ مَن وَحَّدَ اللّهَ وعَمِلَ بِطاعَتِهِ [(2)](#content_note_134_2).

291-الإمام علیّ علیه السلام: بِصُنعِ اللّهِ یُستَدَلُّ عَلَیهِ،وبِالعُقولِ تُعتَقَدُ مَعرِفَتُهُ،وبِالفِکرَهِ تَثبُتُ حُجَّتُهُ [(3)](#content_note_134_3).

292-عنه علیه السلام: الحَمدُ للّهِ ِ...الَّذی بَطَنَ مِن خَفِیّاتِ الاُمورِ،وظَهَرَ فِی العُقولِ بِما یُری فی خَلقِهِ مِن عَلاماتِ التَّدبیرِ،الَّذی سُئِلَتِ الأَنبِیاءُ عَنهُ فَلَم تَصِفهُ بِحَدٍّ ولا بِبَعضٍ،بَل وَصَفَتهُ بِفِعالِهِ ودَلَّت عَلَیهِ بِآیاتِهِ،لا تَستَطیعُ عُقولُ المُتَفَکِّرینَ جَحدَهُ؛لِأَنَّ مَن کانَتِ السَّماواتُ والأَرضُ فِطرَتَهُ وما فیهِنَّ وما بَینَهُنَّ وهُوَ الصّانِعُ لَهُنَّ،فَلا مَدفَعَ لِقُدرَتِهِ [(4)](#content_note_134_4).

293-الإمام الصادق علیه السلام: إنَّ أوَّلَ الاُمورِ ومَبدَأَها وقُوَّتَها وعِمارَتَها-الَّتی لا یَنتَفِعُ شَیءٌ إلّابِهِ-العَقلُ الَّذی جَعَلَهُ اللّهُ زینَهً لِخَلقِهِ ونورًا لَهُم،فَبِالعَقلِ عَرَفَ العِبادُ خالِقَهُم وأنَّهُم مَخلوقونَ،وأنَّهُ المُدَبِّرُ لَهُم وأنَّهُمُ المُدَبَّرونَ،وأنَّهُ الباقی وهُمُ الفانونَ،وَاستَدَلّوا بِعُقولِهِم عَلی ما رَأَوا مِن خَلقِهِ؛مِن سَمائِهِ وأرضِهِ،وشَمسِهِ وقَمَرِهِ،ولَیلِهِ ونَهارِهِ،وبِأَنَّ لَهُ ولَهُم خالِقًا ومُدَبِّرًا لَم یَزَل ولا یَزولُ،وعَرَفوا بِهِ الحَسَنَ مِنَ القَبیحِ،وأنَّ الظُّلمَهَ فِی الجَهلِ،وأنَّ النّورَ فِی العِلمِ،فَهذا ما دَلَّهُم عَلَیهِ العَقلُ.

قیلَ لَهُ:فَهَل یَکتَفِی العِبادُ بِالعَقلِ دونَ غَیرِهِ؟قالَ:إنَّ العاقِلَ لِدَلالَهِ

ص:134

1- (1) تیسیر المطالب:148. [1]

2- (2) تحف العقول:54.

3- (3) تحف العقول:62،الأمالی للمفید:254 عن محمّد بن زید الطبریّ،التوحید:2/35 عن محمّد بن یحیی بن عمر بن علیّ بن أبی طالب علیه السلام،الاحتجاج:283/360/2 [2] والثلاثه الأخیره عن الإمام الرضا علیه السلام وفیها«بالفطره»بدل«بالفکره»،بحارالأنوار:28/55/3 [3] نقلًا عن جامع الأخبار.

4- (4) الکافی:7/141/1، [4]التوحید:1/31 وفیه«بنقص»بدل«ببعض»و«بأفعاله»بدل«بفعاله»وکلاهما عن الحارث الأعور.

شناختِ نیکو از خداوند،نیکْ فرمانبرداری و پایداری شایسته [در پیروی] از دستورهای خداوندِ عزّوجل.

290.تحف العقول: مردی مسیحی از اهل نجران،وارد مدینه شد.وی مردی سخنور و با وقار و هیبت بود.گفته شد:«ای رسول خدا ! چه چیزی این مسیحی را خردمند کرده است؟».رسول خدا،گوینده را از سخن بازداشت و فرمود:

«ساکت ! خردمند کسی است که خدا را به یگانگی باور کند و به پیروی از او پایبند باشد».

291.امام علی علیه السلام: با خردْ شناخت خداوند،پایدار شود و با اندیشه،حجّتهایش به اثبات رسد.

292.امام علی علیه السلام: ستایشْ خدای را سزاست...آن خدایی که از امور نهانی،پنهان است و در خردها آشکار است،بدانچه در آفرینش،از نشانه های تدبیر،عیان کرده است.آن خدایی که از پیغمبرانش پرسیدند و او را به حدّ و جزو داشتن نستودند؛بلکه به افعالش وی را ستودند و به آیاتش بدو رهنمایی نمودند.

خردِ اندیشمندان،انکارش نکند؛زیرا کسی که آسمان و زمین و آنچه را در آن است،آفریدۀ اوست و او سازندۀ همۀ آنهاست.قدرتش انکار ناپذیر است.

293.امام صادق علیه السلام: آغاز و شروع هر کار و نیرو و آبادانی آن-که هر سودی بدان بسته است-خرد است؛آنچه که خدا زیور خلق خود و روشنی بخش آنان ساخت و به وسیلۀ خردْ بندگان،آفرینندۀ خود را بشناسند و دانند که مخلوق اند و او مدبّر آنهاست؛و آنها در زیر تدبیر اویند؛هم او پاینده است و آنها راه فنا روند؛از پرتو خردشان دلیل جویند؛بر هر آفریده ای که بینند از آسمان و زمین،خورشید و ماه،و شب و روز،دریابند که برای آن آفریدگان و خردشان،آفریننده و سرپرستی است که همیشه بوده و خواهد بود،و به وسیلۀ خرد،زیبا را از زشت بشناسند و بدانند که تاریکی در نادانی است و روشنی در دانش.این است آنچه که خرد بدان رهنمایی کرده است.

گفته شد:«آیا بندگان به همان عقل می توانند اکتفا کنند؟».فرمود:

ص:135

عَقلِهِ الَّذی جَعَلَهُ اللّهُ قِوامَهُ وزینَتَهُ وهِدایَتَهُ عَلِمَ أنَّ اللّهَ هُوَ الحَقُّ،وأنَّهُ هُوَ رَبُّهُ،وعَلِمَ أنَّ لِخالِقِهِ مَحَبَّهً،وأنَّ لَهُ کَراهِیَهً،وأنَّ لَهُ طاعَهً،وأنَّ لَهُ مَعصِیَهً، فَلَم یَجِد عَقلَهُ یَدُلُّهُ عَلی ذلِکَ،وعَلِمَ أنَّهُ لا یوصَلُ إلَیهِ إلّابِالعِلمِ وطَلَبِهِ، وأنَّهُ لا یَنتَفِعُ بِعَقلِهِ إن لَم یُصِب ذلِکَ بِعِلمِهِ،فَوَجَبَ عَلَی العاقِلِ طَلَبُ العِلمِ والأَدَبِ الَّذی لا قِوامَ لَهُ إلّابِهِ [(1)](#content_note_136_1).

294-الإمام الکاظم علیه السلام -فی وَصِیَّتِهِ لِهِشامٍ-:یا هِشامُ،إنَّ ضَوءَ الجَسَدِ فی عَینِهِ،فَإِن کانَ البَصَرُ مُضیئًا استَضاءَ الجَسَدُ کُلُّهُ.وإنَّ ضَوءَ الرّوحِ العَقلُ،فَإِذا کانَ العَبدُ عاقِلًا کانَ عالِمًا بِرَبِّهِ،وإذا کانَ عالِمًا بِرَبِّهِ أبصَرَ دینَهُ.وإن کانَ جاهِلًا بِرَبِّهِ لَم یَقُم لَهُ دینٌ.وکَما لا یَقومُ الجَسَدُ إلّابِالنَّفسِ الحَیِّهِ فَکَذلِکَ لا یَقومُ الدّینُ إلّابِالنِّیَّهِ الصّادِقَهِ؛ولا تَثبُتُ النِّیَّهُ الصّادِقَهُ إلّابِالعَقلِ [(2)](#content_note_136_2).

295-الإمام الرضا علیه السلام: بِالعُقولِ یُعتَقَدُ التَّصدیقُ بِاللّهِ [(3)](#content_note_136_3).

ج:الدّین

296-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: لا دینَ لِمَن لا عَقلَ لَهُ [(4)](#content_note_136_4).

297-الإمام علیّ علیه السلام: هَبَطَ جَبرَئیلُ عَلی آدَمَ علیه السلام فَقالَ:یا آدَمُ،إنّی امِرتُ أن اخَیِّرَکَ واحِدَهً مِن ثَلاثٍ،فَاختَرها ودَعِ اثنَتَینِ،فَقالَ لَهُ آدَمُ:یا جَبرَئیلُ،ومَا الثَّلاثُ؟فَقالَ:العَقلُ وَالحَیاءُ وَالدّینُ،فَقالَ آدَمُ:إنّی قَدِ اختَرتُ العَقلَ، فَقالَ جَبرَئیلُ لِلحَیاءِ وَالدّینِ:اِنصَرِفا ودَعاهُ،فَقالا:یا جَبرَئیلُ،إنّا امِرنا أن نَکونَ مَعَ العَقلِ حَیثُ کانَ،قالَ:فَشَأنُکُما،وعَرَجَ [(5)](#content_note_136_5).

298-عنه علیه السلام: ما آمَنَ المُؤمِنُ حَتّی عَقَلَ [(6)](#content_note_136_6).

299-عنه علیه السلام: الدّینُ والأَدَبُ نَتیجَهُ العَقلِ [(7)](#content_note_136_7).

ص:136

1- (1) الکافی:34/29/1 [1] عن الحسن بن عمّار.

2- (2) تحف العقول:396.

3- (3) التوحید:2/40 عن محمّد بن یحیی،الاحتجاج:364/2، [2]وراجع ص /123صفات العاقل.

4- (4) تحف العقول:54،روضه الواعظین:9، [3]غرر الحکم:10768 عن الإمام علیّ علیه السلام؛بحارالأنوار:19/94/1؛ [4]شعب الإیمان:4644/157/4 [5] عن جابر،کنزالعمّال:7034/379/3.

5- (5) الکافی:2/10/1، [6]الفقیه:5906/416/4،الخصال:59/102،الأمالی للصدوق:1043/770 [7] کلّها عن الأصبغ بن نباته،روضه الواعظین:7، [8]کنزالفوائد:56/1، [9]وراجع:الاختصاص:245.

6- (6) غرر الحکم:9553،1693. [10]

7- (7) غرر الحکم:9553،1693. [11]

«خردمندْ به دلیلِ عقلی که خداوند پایۀ زندگی و زیور برازندگی و رهیابی وی ساخته،بداند که خدا حقّ است و اوست پرورندۀ وی،و بداند که آفریدگار وی را خوشامد و بدآمدی است؛طاعتی دارد و معصیتی،و تنها خردش نتواند آنها را دریابد و بداند که بدان نرسد،جز به علم و طلب آن،و از عقل خود بهره نبرد،اگر به علم خداپرستی نرسد.پس بر خردمند است که طلب علم کند وادبی آموزد که بی آن،پایدار نتواند بود».

294.امام کاظم علیه السلام -در سفارش به هشام-:ای هشام ! روشنایی بدن در چشم است.

اگر چشم نورانی باشد،بدنْ روشنایی خواهد داشت و روشنی روح به عقل است.اگر بنده ای خردمند باشد،آگاه به پروردگار خواهد بود،و آنکه به پروردگار،عالم باشد،در دینش بینا شود؛و هر کس به خداوند جاهل باشد، دینش استوار نخواهد بود.همان گونه که قوام بدن،به جانِ زنده است،قوام دین نیز به نیّتهای پاک است و نیّت پاک هم،جز با خرد حاصل نخواهد شد.

295.امام رضا علیه السلام: به وسیلۀ خرد،تصدیق خداوند،حاصل می شود.

##### ج:دین

296.پیامبر صلی الله علیه و آله: آنکه عقل ندارد،دین ندارد.

297.امام علی علیه السلام: جبرئیل بر آدم علیه السلام فرود آمد و گفت:«ای آدم ! من مأمور شده ام که تو را میان سه چیز مخیّر سازم،یکی را برگزین و دو تا را رها کن».آدم گفت:

«ای جبرئیل! آن سه چیست؟».گفت:«خرد،آزرم و دین».آدم گفت:«خرد را برگزیدم».آن گاه جبرئیل به آزرم و دین رو کرد و گفت:«بروید و او را رها کنید».[ولی] آن دو گفتند:«ای جبرئیل ! ما مأموریم همیشه با خرد باشیم».

گفت:«خود دانید»،و بالا رفت.

298.امام علی علیه السلام: مؤمن ایمان نیاورد،پیش از آنکه خردمند باشد.

299.امام علی علیه السلام: دینداری و ادب،نتیجۀ خردورزی است.

ص:137

300-الإمام الصادق علیه السلام: مَن کانَ عاقِلًا کانَ لَهُ دینٌ،ومَن کانَ لَهُ دینٌ دَخَلَ الجَنَّهَ [(1)](#content_note_138_1).

301-إرشادُ القُلوبِ: فی تَوراهِ موسی علیه السلام:لا عَقلَ کَالدّینِ [(2)](#content_note_138_2).

د:کَمالُ الدّینِ

302-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: ما تَمَّ دینُ إنسانٍ قَطُّ حَتّی یَتِمَّ عَقلُهُ [(3)](#content_note_138_3).

303-عنه صلی الله علیه و آله: لا یُعجِبَنَّکَ إسلامُ امرِیً حَتّی تَنظُرَ ما مَعقولُ عَقلِهِ [(4)](#content_note_138_4).

304-عنه صلی الله علیه و آله: لا یُعجِبکُم إسلامُ رَجُلٍ حَتّی تَعلَموا کُنهَ عَقلِهِ [(5)](#content_note_138_5).

305-الإمام علیّ علیه السلام: ثَلاثٌ مَن کُنَّ فیهِ کَمُلَ إیمانُهُ:العَقلُ،والحِلمُ،والعِلمُ [(6)](#content_note_138_6).

306-عنه علیه السلام: عَلی قَدرِ العَقلِ یَکونُ الدّینُ،عَلی قَدرِ الدّینِ تَکونُ قُوَّهُ الیَقینِ [(7)](#content_note_138_7).

307-الإمام الکاظم علیه السلام: کَما لا یَقومُ الجَسَدُ إلّابِالنَّفسِ الحَیَّهِ فَکَذلِکَ لا یَقومُ الدّینُ إلّا بِالنِّیَّهِ الصّادِقَهِ،ولا تَثبُتُ النِّیَّهُ الصّادِقَهُ إلّابِالعَقلِ [(8)](#content_note_138_8).

ه:مَکارِمُ الأَخلاقِ

308-رسول اللّه صلی الله علیه و آله -لِمَن قالَ لَهُ:أخبِرنی عَنِ العَقلِ ما هُوَ؟وکَیفَ هُوَ؟وما یَتَشَعَّبُ مِنهُ وما لا یَتَشَعَّبُ؟وصِف لی طَوائِفَهُ کُلَّها-:إنَّ العَقلَ عِقالٌ مِنَ الجَهلِ، وَالنَّفسُ مِثلُ أخبَثِ الدَّوابِّ،فَإِن لَم تُعقَل حارَت،فَالعَقلُ عِقالٌ مِنَ الجَهلِ،وإنَّ اللّهَ خَلَقَ العَقلَ فَقالَ لَهُ:أقبِل فَأَقبَلَ،وقالَ لَهُ:أدبِر فَأَدبَرَ، فَقالَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالی:وعِزَّتی وجَلالی،ما خَلَقتُ خَلقًا أعظَمَ مِنکَ ولا أطوَعَ مِنکَ،بِکَ ابدِئُ وبِکَ اعیدُ،لَکَ الثَّوابُ وعَلَیکَ العِقابُ.فَتَشَعَّبَ مِنَ العَقلِ الحِلمُ،ومِنَ الحِلمِ العِلمُ،ومِنَ العِلمِ الرُّشدُ.ومِنَ الرُّشدِ العَفافُ،

ص:138

1- (1) الکافی:6/11/1، [1]ثواب الأعمال:2/29 کلاهما عن إسحاق بن عمّار.

2- (2) إرشاد القلوب:74. [2]

3- (3) تیسیر المطالب:164. [3]

4- (4) جامع الأحادیث للقمّی:136.

5- (5) مسند الشهاب:942/88/2.

6- (6) غرر الحکم:4658،(6183 و 6184). [4]

7- (7) غرر الحکم:4658،(6183 و 6184). [5]

8- (8) تحف العقول:396 عن هشام بن الحکم.

300.امام صادق علیه السلام: هر که خردمند باشد،دیندار است و آنکه دیندار است،وارد بهشت شود.

301.ارشاد القلوب: در تورات موسی علیه السلام چنین نقل شده که هیچ خردی مانند دینداری نیست.

ر.ک:ص 85«زنهار از کنار نهادن خردورزی».

##### د:کمال دین

302.پیامبر صلی الله علیه و آله: دینداری آدمی به کمال نرسد؛مگر آنکه عقلش کامل شود.

303.پیامبر صلی الله علیه و آله: شیفتۀ مسلمانی کسی مشو،تا آنکه ببینی خردورزی او چگونه است.

304.پیامبر صلی الله علیه و آله: شیفتۀ مسلمانی کسی نشوید،مگر آنکه میزان خردش را بدانید.

305.امام علی علیه السلام: هر که سه خصلت در او باشد،ایمانش کامل است:خرد،بردباری و دانش.

306.امام علی علیه السلام: دینداری به اندازۀ خرد است و میزان یقین،به دینداری بسته است.

307.امام کاظم علیه السلام: همان گونه که قوام تن به جانِ زنده است،قوام دینداری هم به نیّت پاک است،و نیّت پاک،جز با خرد،حاصل نشود.

##### ه:مکارم اخلاق

308.پیامبر صلی الله علیه و آله -در پاسخ کسی که پرسید:عقل چیست و چگونه است؟چه چیزهایی از خرد پیدا شود و انواع عقل کدام اند؟-:خرد،بازدارنده از نادانی است.نفْس،به سان پلیدترین چارپایان است و اگر مهار نشود،حیران گردد.

پس عقل،بازدارنده از نادانی است.همانا خداوند،عقل را بیافرید و بدو فرمود:«روی آور».پس روی آورد،و بدو گفت:«باز گرد».پس بازگشت.آن گاه خداوند به عزّت و جلال خویش سوگند یاد کرد که:آفریده ای بزرگتر از تو و فرمانبرتر از تو نیافریدم.با تو شروع می کنم و با تو باز می گردانم؛پاداش و کیفر،از آنِ توست.

پسْ از خرد،بردباری سرچشمه می گیرد و از بردباریْ دانش؛از دانش،

ص:139

ومِنَ العَفافِ الصِّیانَهُ،ومِنَ الصِّیانَهِ الحَیاءُ،ومِنَ الحَیاءِ الرَّزانَهُ،ومِنَ الرَّزانَهِ المُداوَمَهُ عَلَی الخَیرِ،ومِنَ المُداوَمَهِ عَلَی الخَیرِ کَراهِیَهُ الشَّرِّ،ومِن کَراهِیَهِ الشَّرِّ طاعَهُ النّاصِحِ [(1)](#content_note_140_1).

309-عنه صلی الله علیه و آله: التَّوَدُّدُ إلَی النّاسِ نِصفُ العَقلِ [(2)](#content_note_140_2).

310-عنه صلی الله علیه و آله: حُسنُ الأَدَبِ دَلیلٌ عَلی صِحَّهِ العَقلِ [(3)](#content_note_140_3).

311-الإمام علیّ علیه السلام: فَسادُ الأَخلاقِ مُعاشَرَهُ السُّفَهاءِ،وصَلاحُ الأَخلاقِ مُعاشَرَهُ العُقَلاءِ [(4)](#content_note_140_4).

312-عنه علیه السلام: الأَدَبُ فِی الإِنسانِ کَشَجَرَهٍ أصلُهَا العَقلُ [(5)](#content_note_140_5).

313-عنه علیه السلام: إنَّ الأَدَبَ حُجَّهُ العَقلِ،وَالعِلمَ حُجَّهُ القَلبِ [(6)](#content_note_140_6).

314-عنه علیه السلام: أفضَلُ العَقلِ الأَدَبُ [(7)](#content_note_140_7).

315-عنه علیه السلام: حَدُّ العَقلِ النَّظَرُ فِی العَواقِبِ،وَالرِّضا بِما یَجری بِهِ القَضاءُ [(8)](#content_note_140_8).

316-عنه علیه السلام: لِلحازِمِ مِن عَقلِهِ عَن کُلِّ دَنِیَّهٍ زاجِرٌ [(9)](#content_note_140_9).

317-عنه علیه السلام: ما ذَلَّ مَن أحسَنَ الفِکرَ [(10)](#content_note_140_10).

318-عنه علیه السلام: بِالعَقلِ کَمالُ النَّفسِ [(11)](#content_note_140_11).

319-عنه علیه السلام: الخُلُقُ المَحمودُ مِن ثِمارِ العَقلِ [(12)](#content_note_140_12).

320-عنه علیه السلام: ما جَمَّلَ الفَضائِلَ کَاللُّبِّ [(13)](#content_note_140_13).

321-عنه علیه السلام: مَنِ اتَّقَی اللّهَ عَقَلَ [(14)](#content_note_140_14).

322-عنه علیه السلام: العَقلُ شَجَرَهٌ ثَمَرُهَا السَّخاءُ والحَیاءُ [(15)](#content_note_140_15).

ص:140

1- (1) تحف العقول:15.

2- (2) الکافی:4/643/2 [1] عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام،الفقیه:5904/416/4 عن زراره عن الإمام الصادق علیه السلام،نهج البلاغه:الحکمه 142،تحف العقول:443 عن الإمام الرضا علیه السلام؛حلیه الأولیاء:195/3 عن الأصمعی عن الإمام الصادق علیه السلام،الفردوس:2421/75/2 عن الإمام علیّ علیه السلام،مسند الشهاب:33/55/1 عن ابن عمر.

3- (3) إرشاد القلوب:199. [2]

4- (4) کنزالفوائد:199/1، [3]کشف الغمّه:139/3 وفیه«بمعاشره السفهاء...بمنافسه العقلاء»،بحار الأنوار:45/160/1. [4]

5- (5) غرر الحکم:2004. [5]

6- (6) أعلام الدین:96. [6]

7- (7) غرر الحکم:2947،4901،7350،9458،4318،1280،9473. [7]

8- (8) غرر الحکم:2947،4901،7350،9458،4318،1280،9473. [8]

9- (9) غرر الحکم:2947،4901،7350،9458،4318،1280،9473. [9]

10- (10) غرر الحکم:2947،4901،7350،9458،4318،1280،9473. [10]

11- (11) غرر الحکم:2947،4901،7350،9458،4318،1280،9473. [11]

12- (12) غرر الحکم:2947،4901،7350،9458،4318،1280،9473. [12]

13- (13) غرر الحکم:2947،4901،7350،9458،4318،1280،9473. [13]

14- (14) الکافی:331/241/8، [14]تنبیه الخواطر:152/2 [15] کلاهما عن جویریه بن مسهر.

15- (15) غرر الحکم:1254.

رُشد،و از رشد،پاکدامنی،و از پاکدامنیْ امنیّت،و از امنیّت،آزرم،و از آزرم،متانت و سنگینی،و از متانت،تداوم بر خوبی ها و از تداوم بر خوبی ها پرهیز از بدی،و از پرهیز از بدی،پیروی از خیرخواه حاصل گردد.

309.پیامبر صلی الله علیه و آله: مهربانی به مردم،نیمی از خردمندی است.

310.پیامبر صلی الله علیه و آله: ادب نیکو،نشانۀ سلامت عقل است.

311.امام علی علیه السلام: همنشینی با ابلهان،اخلاق را فاسد کند و همنشینی با خردمندان، به نیکو شدن اخلاق انجامد.

312.امام علی علیه السلام: ادب در آدمی،درختی است که ریشۀ آنْ خرد است.

313.امام علی علیه السلام: ادب،دلیلِ عقل و دانش،دلیلِ دل است.

314.امام علی علیه السلام: برترین خرد،ادب است.

315.امام علی علیه السلام: مرز خردمندی،عاقبت اندیشی و خشنودی به قضای الهی است.

316.امام علی علیه السلام: دور اندیش،برپایۀ خردمندی اش از هر پستی یی،بازدارنده ای دارد.

317.امام علی علیه السلام: خوار نگردد،آنکه نیک بیندیشد.

318.امام علی علیه السلام: کمالِ نفس به خردورزی است.

319.امام علی علیه السلام: اخلاق نیکو،از میوه های خردورزی است.

320.امام علی علیه السلام: هیچ چیز به سان خرد،فضیلتها را زیبا نگرداند.

321.امام علی علیه السلام: آنکه پروای الهی پیشه سازد،خردمند است.

322.امام علی علیه السلام: خرد،درختی است که میوه اش سخاوت و آزرم است.

ص:141

323-عنه علیه السلام: العَقلُ شَجَرَهٌ أصلُهَا التُّقی،وفَرعُهَا الحَیاءُ،وثَمَرَتُهَا الوَرَعُ.فَالتَّقوی تَدعو إلی خِصالٍ ثَلاثٍ:إلَی الفِقهِ فِی الدّینِ،وَالزُّهدِ فِی الدُّنیا،وَالاِنقِطاعِ إلَی اللّهِ تَعالی.وَالحَیاءُ یَدعو إلی ثَلاثِ خِصالٍ:إلَی الیَقینِ،وحُسنِ الخُلُقِ،وَالتَّواضُعِ.وَالوَرَعُ یَدعو إلی خِصالٍ ثَلاثٍ:إلی صِدقِ اللِّسانِ، وَالمُسارَعَهِ إلَی البِرِّ،وتَرکِ الشُّبُهاتِ [(1)](#content_note_142_1).

324-عنه علیه السلام: کَسبُ العَقلِ الاِعتِبارُ وَالاِستِظهارُ،وکَسبُ الجَهلِ الغَفلَهُ والاِغتِرارُ [(2)](#content_note_142_2).

325-عنه علیه السلام: یُستَدَلُّ عَلی عَقلِ الرَّجُلِ بِالتَّحَلّی بِالعِفَّهِ والقَناعَهِ [(3)](#content_note_142_3).

326-عنه علیه السلام: عَلَیکَ بِالسَّخاءِ فَإِنَّهُ ثَمَرَهُ العَقلِ [(4)](#content_note_142_4).

327-عنه علیه السلام: کَفی بِالمَرءِ عَقلًا أن یُجمِلَ فی مَطالِبِهِ [(5)](#content_note_142_5).

328-عنه علیه السلام: ثَمَرَهُ العَقلِ مُداراهُ النّاسِ [(6)](#content_note_142_6).

329-عنه علیه السلام: عُنوانُ العَقلِ مُداراهُ النّاسِ [(7)](#content_note_142_7).

330-عنه علیه السلام: لا عَقلَ کَالتَّجاهُلِ [(8)](#content_note_142_8).

331-عنه علیه السلام: العَقلُ حَیثُ کانَ آلِفٌ مَألوفٌ [(9)](#content_note_142_9).

332-عنه علیه السلام: الاِحتِمالُ بُرهانُ العَقلِ وعُنوانُ الفَضلِ [(10)](#content_note_142_10).

333-عنه علیه السلام: ذُو العَقلِ لا یَنکَشِفُ إلّاعَنِ احتِمالٍ وإجمالٍ وإفضالٍ [(11)](#content_note_142_11).

334-عنه علیه السلام: لِکُلِّ شَیءٍ زَکاهٌ،وزَکاهُ العَقلِ احتِمالُ الجُهّالِ [(12)](#content_note_142_12).

335-عنه علیه السلام: مُرُوَّهُ الرَّجُلِ عَلی قَدرِ عَقلِهِ [(13)](#content_note_142_13).

336-عنه علیه السلام: جِهادُ النَّفسِ بِالعِلمِ عُنوانُ العَقلِ [(14)](#content_note_142_14).

ص:142

1- (1) المواعظ العددیه:160.

2- (2) غرر الحکم:7227،10956،6083،7041،4629،6321،10503،1251،1602،5179،7301،9777،4772،3887،( [1]814 و 1028).

3- (3) غرر الحکم:7227،10956،6083،7041،4629،6321،10503،1251،1602،5179،7301،9777،4772،3887،( [2]814 و 1028).

4- (4) غرر الحکم:7227،10956،6083،7041،4629،6321،10503،1251،1602،5179،7301،9777،4772،3887،( [3]814 و 1028).

5- (5) غرر الحکم:7227،10956،6083،7041،4629،6321،10503،1251،1602،5179،7301،9777،4772،3887،( [4]814 و 1028).

6- (6) غرر الحکم:7227،10956،6083،7041،4629،6321،10503،1251،1602،5179،7301،9777،4772،3887،( [5]814 و 1028).

7- (7) غرر الحکم:7227،10956،6083،7041،4629،6321،10503،1251،1602،5179،7301،9777،4772،3887،( [6]814 و 1028).

8- (8) غرر الحکم:7227،10956،6083،7041،4629،6321،10503،1251،1602،5179،7301،9777،4772،3887،( [7]814 و 1028).

9- (9) غرر الحکم:7227،10956،6083،7041،4629،6321،10503،1251،1602،5179،7301،9777،4772،3887،( [8]814 و 1028).

10- (10) غرر الحکم:7227،10956،6083،7041،4629،6321،10503،1251،1602،5179،7301،9777،4772،3887،(814 و 1028).

11- (11) غرر الحکم:7227،10956،6083،7041،4629،6321،10503،1251،1602،5179،7301،9777،4772،3887،(814 و 1028).

12- (12) غرر الحکم:7227،10956،6083،7041،4629،6321،10503،1251،1602،5179،7301،9777،4772،3887،( [9]814 و 1028).

13- (13) غرر الحکم:7227،10956،6083،7041،4629،6321،10503،1251،1602،5179،7301،9777،4772،3887،( [10]814 و 1028).

14- (14) غرر الحکم:7227،10956،6083،7041،4629،6321،10503،1251،1602،5179،7301،9777،4772،3887،( [11]814 و 1028).

323.امام علی علیه السلام: خرد،درختی است که ریشۀ آن پارسایی،شاخه هایشْ آزرم و میوۀ آن،ورع است.بر این پایه،تقوا به سه خصلت فرا می خواند:فهم دین، بی رغبتی به دنیا و دلبستگی به خداوند؛و آزرم به سه خصلت دعوت می کند:

یقین،خوش خُلقی و فروتنی؛و ورع به سه خصلت فرا خواند:راستگویی، پیشی گرفتن در نیکی و کنار نهادن امر شبهه ناک.

324.امام علی علیه السلام: دستاورد خرد،کسب آبرو و پشتگرمی است و دستاورد نادانی، غفلت و خودبینی است.

325.امام علی علیه السلام: خرد آدمی از آراستگی اش به پاکدامنی و قناعت شناخته گردد.

326.امام علی علیه السلام: بر تو باد بخشندگی،که نتیجۀ خرد است.

327.امام علی علیه السلام: برای خردورزی کافی است کوتاه کردن خواسته ها.

328.امام علی علیه السلام: خوش رفتاری با مردم،نتیجۀ خردمندی است.

329.امام علی علیه السلام: نشانۀ خردمندی،مدارا کردن با مردم است.

330.امام علی علیه السلام: هیچ خردمندی یی،به سان خود را به نادانی زدنْ نیست.

331.امام علی علیه السلام: خردمندی هرجا باشد،انس و الفت به همراه دارد.

332.امام علی علیه السلام: بردباری،دلیل خردمندی و نشانۀ فضیلت است.

333.امام علی علیه السلام: خردمند شناخته نشود،جز با بردباری،کوتاه کردن خواسته و نیکی کردن.

334.امام علی علیه السلام: هر چیزی زکاتی دارد و زکات خردمندی،تحمّل نادانهاست.

335.امام علی علیه السلام: جوانمردی آدمی به اندازۀ خردمندی اوست.

336.امام علی علیه السلام: جهاد نفس با دانش،نشانِ خرد است.

ص:143

337-عنه علیه السلام: إنَّمَا العَقلُ التَّجَنُّبُ مِنَ الإِثمِ،وَالنَّظَرُ فِی العَواقِبِ،وَالأَخذُ بِالحَزمِ [(1)](#content_note_144_1).

338-عنه علیه السلام: العَقلُ یوجِبُ الحَذَرَ [(2)](#content_note_144_2).

339-عنه علیه السلام: ...ومِن عَقلِهِ [أیِ المُؤمِنِ] إنصافُهُ مِن نَفسِهِ،وتَرکُهُ الغَضَبَ عِندَ مُخالَفَتِهِ،وقَبولُهُ الحَقَّ إذا بانَ لَهُ [(3)](#content_note_144_3).

340-عنه علیه السلام: الحِلمُ نورٌ جَوهَرُهُ العَقلُ [(4)](#content_note_144_4).

341-عنه علیه السلام: مَعَ العَقلِ یَتَوَفَّرُ الحِلمُ [(5)](#content_note_144_5).

342-عنه علیه السلام: بِوُفورِ العَقلِ یَتَوَفَّرُ الحِلمُ [(6)](#content_note_144_6).

343-عنه علیه السلام: العَقلُ أنَّکَ تَقتَصِدُ فَلا تُسرِفُ،وتَعِدُ فَلا تُخلِفُ،وإذا غَضِبتَ حَلُمتَ [(7)](#content_note_144_7).

344-عنه علیه السلام: السَّکینَهُ عُنوانُ العَقلِ [(8)](#content_note_144_8).

345-عنه علیه السلام: ثَمَرَهُ العَقلِ لُزومُ الحَقِّ [(9)](#content_note_144_9).

346-عنه علیه السلام: ثَمَرَهُ العَقلِ الصِّدقُ [(10)](#content_note_144_10).

347-عنه علیه السلام: ثَمَرَهُ العَقلِ مَقتُ الدُّنیا وقَمعُ الهَوی [(11)](#content_note_144_11).

348-عنه علیه السلام: ثَمَرَهُ العَقلِ الاِستِقامَهُ [(12)](#content_note_144_12).

349-عنه علیه السلام: مَن عَقَلَ سَمَحَ [(13)](#content_note_144_13).

350-عنه علیه السلام: إنَّ أصلَ العَقلِ العَفافُ،وثَمَرَتَهُ البَراءَهُ مِنَ الآثامِ [(14)](#content_note_144_14).

351-عنه علیه السلام: مَن عَقَلَ فَهِمَ،مَن عَقَلَ عَفَّ [(15)](#content_note_144_15).

ص:144

1- (1) غرر الحکم:7227،10956،6083،7041،4629،6321،10503،1251،1602،5179،7301،9777،4772،3887،( [1]814 و 1028).

2- (2) غرر الحکم:7227،10956،6083،7041،4629،6321،10503،1251،1602،5179،7301،9777،4772،3887،( [2]814 و 1028).

3- (3) أعلام الدین:127. [3]

4- (4) غرر الحکم:1185،9741،4274،2130،785،4602،4643،4654،4589،7695. [4]

5- (5) غرر الحکم:1185،9741،4274،2130،785،4602،4643،4654،4589،7695. [5]

6- (6) غرر الحکم:1185،9741،4274،2130،785،4602،4643،4654،4589،7695. [6]

7- (7) غرر الحکم:1185،9741،4274،2130،785،4602،4643،4654،4589،7695. [7]

8- (8) غرر الحکم:1185،9741،4274،2130،785،4602،4643،4654،4589،7695. [8]

9- (9) غرر الحکم:1185،9741،4274،2130،785،4602،4643،4654،4589،7695. [9]

10- (10) غرر الحکم:1185،9741،4274،2130،785،4602،4643،4654،4589،7695. [10]

11- (11) غرر الحکم:1185،9741،4274،2130،785،4602،4643،4654،4589،7695. [11]

12- (12) غرر الحکم:1185،9741،4274،2130،785،4602،4643،4654،4589،7695. [12]

13- (13) غرر الحکم:1185،9741،4274،2130،785،4602،4643،4654،4589،7695. [13]

14- (14) مطالب السؤول:50. [14]

15- (15) غرر الحکم:7644 و 7646. [15]

337.امام علی علیه السلام: خردمندی،دوری جستن از گناه،عاقبت اندیشی و احتیاط است.

338.امام علی علیه السلام: خردمندی،موجب هشیاری است.

339.امام علی علیه السلام: از نشانه های خردمندی مؤمن،انصاف با خود،کنار نهادن خشم، هنگام مخالفت با او،و پذیرش حقیقت است،آن گاه که بر او آشکار شود.

340.امام علی علیه السلام: بردباری،نوری است که اساس آن،خردمندی است.

341.امام علی علیه السلام: با خردمندی،بردباری افزایش یابد.

342.امام علی علیه السلام: با افزایش خردمندی،بردباری افزایش می یابد.

343.امام علی علیه السلام: خردمندی یعنی میانه روی؛پس اسراف مکن،یعنی به وعده هایت وفا کن.پس خلف وعده منما و چون خشمگین شدی،بردبار باش.

344.امام علی علیه السلام: آرامش،نشانۀ خردمندی است.

345.امام علی علیه السلام: میوۀ خردمندی،همراهی با حقّ است.

346.امام علی علیه السلام: میوۀ خردمندی،راستگویی است.

347.امام علی علیه السلام: میوۀ خردمندی،بیزاری از دنیا و سرکوب هواهاست.

348.امام علی علیه السلام: میوۀ خردمندی،پایداری است.

349.امام علی علیه السلام: آنکه خردمند باشد،بخشنده شود.

350.امام علی علیه السلام: ریشۀ خردمندی پاکدامنی است و میوۀ آن،دوری جستن از گناهان.

351.امام علی علیه السلام: آنکه خردمند شود،بفهمد و آنکه خردمند شود،پاکدامن گردد.

ص:145

352-عنه علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:لا تَرضَیَنَّ قَولَ أحَدٍ حَتّی تَرضی فِعلَهُ،ولا تَرضَ فِعلَهُ حَتّی تَرضی عَقلَهُ،ولا تَرضَ عَقلَهُ حَتّی تَرضی حَیاءَهُ،فَإِنَّ الإِنسانَ مَطبوعٌ عَلی کَرَمٍ ولُؤمٍ،فَإِن قَوِیَ الحَیاءُ عِندَهُ قَوِیَ الکَرَمُ،وإن ضَعُفَ الحَیاءُ قَوِیَ اللُّؤمُ [(1)](#content_note_146_1).

353-عنه علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:إنَّ مِلاکَ العَقلِ ومَکارِمِ الأَخلاقِ:

صَونُ العِرضِ،وَالجَزاءُ بِالفَرضِ،وَالأَخذُ بِالفَضلِ،وَالوَفاءُ بِالعَهدِ، وَالإِنجازُ لِلوَعدِ [(2)](#content_note_146_2).

354-الإمام الحسن علیه السلام: لا أدَبَ لِمَن لا عَقلَ لَهُ [(3)](#content_note_146_3).

355-عنه علیه السلام -لَمّا سُئِلَ عَنِ العَقلِ-:التَّجَرُّعُ لِلغُصَّهِ حَتّی تُنالُ الفُرصَهُ [(4)](#content_note_146_4).

356-الإمام الحسین علیه السلام -لَمّا سُئِلَ عَنِ العَقلِ-:التَّجَرُّعُ لِلغُصَّهِ ومُداهَنَهُ الأَعداءِ [(5)](#content_note_146_5).

357-الإمام الصادق علیه السلام: مُجامَلَهُ النّاسِ ثُلُثُ العَقلِ [(6)](#content_note_146_6).

358-عنه علیه السلام: لا یُعَدُّ العاقِلُ عاقِلًا حَتّی یَستَکمِلَ ثَلاثًا:إعطاءَ الحَقِّ مِن نَفسِهِ عَلی حالِ الرِّضا وَالغَضَبِ،وأن یَرضی لِلنّاسِ ما یَرضی لِنَفسِهِ،وَاستِعمالَ الحِلمِ عِندَ العَثرَهِ [(7)](#content_note_146_7).

359-عنه علیه السلام: لَم یُقَسَّم بَینَ العِبادِ أقَلُّ مِن خَمسٍ:الیَقینِ،وَالقُنوعِ،وَالصَّبرِ، وَالشُّکرِ،وَالَّذی یُکَمِّلُ لَهُ هذا کُلَّهُ العَقلُ [(8)](#content_note_146_8).

ص:146

1- (1) شرح نهج البلاغه:554/310/20 و ص 99/267.

2- (2) شرح نهج البلاغه:554/310/20 و ص 99/267.

3- (3) کشف الغمّه:197/2.

4- (4) معانی الأخبار:1/240 عن محمّد بن عبدالجبّار عن بعض أصحابنا رفعه.

5- (5) معانی الأخبار:7/380،الأمالی للصدوق:1042/770 [1] عن أبی سعید عقیصا،وذکره أیضًا فی:441/358 عن الحسین بن خالد عن الإمام الرضا علیه السلام وزاد فیه«ومداراه الأصدقاء»،المحاسن:616/310/1 [2] عن الإمام الحسن علیه السلام،روضهالواعظین:8 [3] عن الإمام الرضا علیه السلام وأیضًا عن الإمام الحسن علیه السلام.

6- (6) الکافی:2/643/2 [4] عن سماعه.

7- (7) تحف العقول:318.

8- (8) الخصال:36/285،المحاسن:601/306/1 [5] وفیه«لم یقسّم اللّه بین الناس شیئًا»بدل«لم یقسّم بین العباد»وکلاهما عن عبداللّه بن مسکان،روضه الواعظین:7. [6]

352.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:از سخن کسی خشنود مباش، مگر آنکه از کارش خشنود گردی،و از کار کسی خشنود مباش،مگر آنکه از خرد او راضی شوی،و از خرد کسی راضی مباش مگر آنکه آزرم او را بپسندی؛چرا که آدمی از بزرگواری و پستی ترکیب شده است.هرگاه آزرم قوی شود،بزرگواری تقویت شود و اگر حیا ضعیف شود،پستی قوی گردد.

353.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:میزان خردمندی و مکارم اخلاقی،عبارت است از:آبروداری،پاداش در برابر انجام واجبات،انجام مستحبّات،پایبندی به تعهّدات،و وفای به عهد.

354.امام حسن علیه السلام: آنکه خردمند نیست،با ادب نخواهد بود.

355.امام حسن علیه السلام -هنگامی که دربارۀ خردمندی از ایشان پرسیده شد-:[یعنی] غمها را جرعه جرعه نوشیدن تا به فرصتها دست یافتن.

356.امام حسین علیه السلام -هنگامی که از ایشان دربارۀ خردمندی پرسیده شد-:غمها را جرعه جرعه نوشیدن و با دشمنانْ مدارا کردن.

357.امام صادق علیه السلام: نیکْ مردم داری،دو سوم خردمندی است.

358.امام صادق علیه السلام: خردمند،خردمند نیست تا آنکه سه خصلت را در حد کمال،دارا شود:داد از خود ستاندن به گاه خشنودی و خشم،خواستنِ برای دیگران، آنچه برای خود می خواهد،و بردباری به خرج دادن،هنگام لغزش دیگران.

359.امام صادق علیه السلام: کمترین خصلتهایی که میان بندگان تقسیم شده،عبارت است از:یقین،قناعت،شکیبایی و سپاسگزاری،و آنچه همۀ اینها را برای آدمی کامل کند،عقل است.

ر.ک:ص 241«آنچه سزاوارست برای خردمند»/ص 179«ویژگی های خردمندان»

ص /195ویژگی های خردمندان؛ص /197ویژگی های خردمندان؛

ص /291اخلاق زشت.

ص:147

و:مَحاسِنُ الأَعمالِ

الکتاب

أَ فَمَنْ یَعْلَمُ أَنَّما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ الْحَقُّ کَمَنْ هُوَ أَعْمی إِنَّما یَتَذَکَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ [(1)](#content_note_148_1).

اَلَّذِینَ یُوفُونَ بِعَهْدِ اللّهِ وَ لا یَنْقُضُونَ الْمِیثاقَ [(2)](#content_note_148_2).

وَ الَّذِینَ یَصِلُونَ ما أَمَرَ اللّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ وَ یَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَ یَخافُونَ سُوءَ الْحِسابِ [(3)](#content_note_148_3).

\* الحدیث

360-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: جَدَّ المَلائِکَهُ وَاجتَهَدوا فی طاعَهِ اللّهِ بِالعَقلِ،وجَدَّ المُؤمِنونَ مِن بَنی آدَمَ وَاجتَهَدوا فِی طاعَهِ اللّهِ عَلی قَدرِ عُقولِهِم،فَأَعمَلُهُم بِطاعَهِ اللّهِ أوفَرُهُم عَقلًا [(4)](#content_note_148_4).

361-عنه صلی الله علیه و آله -لَمّا سُئِلَ عَنِ العَقلِ-:العَمَلُ بِطاعَهِ اللّهِ،وإنَّ العُمّالَ بِطاعَهِ اللّهِ هُمُ العُقَلاءُ [(5)](#content_note_148_5).

362-جابِرُ بنُ عَبدِاللّهِ: إنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله تَلا هذِهِ الآیَهَ: وَ تِلْکَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنّاسِ وَ ما یَعْقِلُها إِلاَّ الْعالِمُونَ قالَ:العالِمُ الَّذی عَقَلَ عَنِ اللّهِ عز و جل فَعَمِلَ بِطاعَتِهِ وَاجتَنَبَ سَخَطَهُ [(6)](#content_note_148_6).

363-سُوَیدُ بنُ غَفَلَهَ: إنَّ أبا بَکرٍ خَرَجَ ذاتَ یَومٍ فَاستَقبَلَهُ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله فَقالَ لَهُ:بِمَ بُعِثتَ یا رَسولَ اللّهِ؟قالَ:بِالعَقلِ،قالَ:فَکَیفَ لَنا بِالعَقلِ؟فَقالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله:إنَّ العَقلَ لا غایَهَ لَهُ،ولکِن مَن أحَلَّ حَلالَ اللّهِ وحَرَّمَ حَرامَهُ سُمِّیَ عاقِلًا،فَإِنِ اجتَهَدَ بَعدَ ذلِکَ سُمِّیَ عابِدًا،فَإِنِ اجتَهَدَ بَعدَ ذلِکَ سُمِّیَ جَوادًا.فَمَنِ اجتَهَدَ

ص:148

1- (1) الرعد:19،20،21. [1]

2- (2) الرعد:19،20،21. [2]

3- (3) الرعد:19،20،21. [3]

4- (4) تیسیر المطالب:313. [4]

5- (5) روضه الواعظین:8. [5]

6- (6) تیسیر المطالب:146. [6]

##### و:کارهای نیک

قرآن

پس،آیا کسی که می داند آنچه از جانب پروردگارت به تو نازل شده،حقّ است، مانند کسی است که کوردل است؟تنها خردمندان اند که عبرت می گیرند.همانان که به پیمان خدا وفادارند و عهد [او] را نمی شکنند.

و آنان که به آنچه خدا به پیوستنش فرمان داده،می پیوندند و از پروردگارشان می ترسند و از سختی حساب،بیم دارند.

حدیث

360.پیامبر صلی الله علیه و آله: فرشتگان باخرد،در پیروی از خداوند،تلاش و کوشش کردند و مؤمنان به اندازۀ عقلشان در پیروی از خداوند،تلاش و کوشش کردند.همانا آنان که از خردی بیشتر برخوردارند،بیشتر از خداوند پیروی کنند.

361.پیامبر صلی الله علیه و آله -هنگامی که از خردمندی از ایشان سؤال شد-:[خردمندی] انجام دادن دستورهای خداوندی است.همانا خردمندان کسانی اند که به دستورهای الهی پایبندند.

362.جابر بن عبداللّه: پیامبر اسلام،این آیه را تلاوت کرد:«و این مَثَلها را برای مردم می زنیم.و جز دانشوران،آن را در نیابند».آن گاه فرمود:«دانشور،کسی است که از خداوند،دریافتی دارد و از او پیروی کند و از خشمش بپرهیزد».

363.سوید پسر غفله: روزی ابوبکر خارج می شد.رسول خدا به استقبال وی رفت.ابوبکر عرض کرد:«ای رسول خدا! با چه چیزی برانگیخته شدی؟».

فرمود:«با عقل».ابوبکر گفت:«چگونه می توانیم به عقل دست یابیم؟».

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:«خرد را نهایتی نیست؛لیک آنکه حلال خدا را حلال داند و حرام او را حرام بشمارد،خردمند نامیده شود؛اگر پس از این نیز تلاش کرد، عابد نامیده شود،و اگر بیش از این کوشش کرد،جواد نامیده شود.همانا آن

ص:149

فِی العِبادَهِ وسَمَحَ فی نَوائِبِ المَعروفِ بِلا حَظٍّ مِن عَقلٍ یَدُلُّهُ عَلَی اتِّباعِ أمرِ اللّهِ عز و جل وَاجتِنابِ ما نَهَی اللّهُ عَنهُ،فَاُولئِکَ هُمُ الأَخسَرونَ أعمالًا،الَّذینَ ضَلَّ سَعیُهُم فِی الحَیاهِ الدُّنیا وهُم یَحسَبونَ أنَّهُم یُحسِنونَ صُنعًا [(1)](#content_note_150_1).

364-الإمام علیّ علیه السلام: العُقولُ أئِمَّهُ الأَفکارِ،وَالأَفکارُ أئِمَّهُ القُلوبِ،وَالقُلوبُ أئِمَّهُ الحَواسِّ،وَالحَواسُّ أئِمَّهُ الأَعضاءِ [(2)](#content_note_150_2).

365-عنه علیه السلام: عَلی قَدرِ العَقلِ تَکونُ الطّاعَهُ [(3)](#content_note_150_3).

366-عنه علیه السلام: مَن کَمُلَ عَقلُهُ حَسُنَ عَمَلُهُ [(4)](#content_note_150_4).

367-عنه علیه السلام: مَن قَدَّمَ عَقلَهُ عَلی هَواهُ حَسُنَت مَساعیهِ [(5)](#content_note_150_5).

368-عنه علیه السلام: مِن عَلاماتِ العَقلِ العَمَلُ بِسُنَّهِ العَدلِ [(6)](#content_note_150_6).

369-عنه علیه السلام: غَریزَهُ العَقلِ تَحدو عَلَی استِعمالِ العَدلِ [(7)](#content_note_150_7).

370-عنه علیه السلام: العَقلُ أن تَقولَ ما تَعرِفُ وتَعمَلَ بِما تَنطِقُ بِهِ [(8)](#content_note_150_8).

371-عنه علیه السلام: مَن قَوَّمَ لِسانَهُ زانَ عَقلَهُ [(9)](#content_note_150_9).

372-عنه علیه السلام: المَعذِرَهُ بُرهانُ العَقلِ [(10)](#content_note_150_10).

373-عنه علیه السلام: ثَمَرَهُ العَقلِ صُحبَهُ الأَخیارِ [(11)](#content_note_150_11).

374-الإمام الصادق علیه السلام: أفضَلُ طَبائِعِ العَقلِ العِبادَهُ،وأوثَقُ الحَدیثِ لَهُ العِلمُ، وأجزَلُ حُظوظِهِ الحِکمَهُ،وأفضَلُ ذَخائِرِهِ الحَسَناتُ [(12)](#content_note_150_12).

ص:150

1- (1) حلیه الأولیاء:21/1. [1]

2- (2) کنزالفوائد:200/1، [2]بحارالأنوار:40/96/1. [3]

3- (3) غرر الحکم:6178.

4- (4) الخصال:10/633 عن أبی بصیر ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام.

5- (5) غرر الحکم:8270،9430،6392،2141،8381،497،4616. [4]

6- (6) غرر الحکم:8270،9430،6392،2141،8381،497،4616. [5]

7- (7) غرر الحکم:8270،9430،6392،2141،8381،497،4616. [6]

8- (8) غرر الحکم:8270،9430،6392،2141،8381،497،4616.

9- (9) غرر الحکم:8270،9430،6392،2141،8381،497،4616. [7]

10- (10) غرر الحکم:8270،9430،6392،2141،8381،497،4616. [8]

11- (11) غرر الحکم:8270،9430،6392،2141،8381،497،4616. [9]

12- (12) الاختصاص:244.

کس که در عبادت بکوشد و سختی های نیکی را پذیرا شود،بدون بهره مندی از خردی که او را بر پیروی از فرمان خداوند و پرهیز از نواهی او رهنما باشد، اینان کسانی اند که کارهایشان زیانبار است و تلاش آنها در زندگی دنیایی تباه است،با آنکه گمان می کنند که کار نیکو انجام می دهند».

364.امام علی علیه السلام: عقلها پیشوایان اندیشه اند،و اندیشه ها پیشوایان دلها،و دلها پیشوایان حواس اند،و حواسها پیشوایان اعضا.

365.امام علی علیه السلام: اطاعت،به اندازۀ خردمندی است.

366.امام علی علیه السلام: آنکه عقلش کمال یابد،رفتارش نیکو گردد.

367.امام علی علیه السلام: آن کس که عقلش را بر میلهایش مقدّم بدارد،تلاشهایش پسندیده شود.

368.امام علی علیه السلام: از نشانه های خردمندی،به روش عادلانه رفتار کردن است.

369.امام علی علیه السلام: نیروی خرد،[آدمی را] بر به کارگیری عدالت وا دارد.

370.امام علی علیه السلام: خردمندی آن است که بر زبان آری آنچه می دانی و به آنچه می گویی،عمل کنی.

371.امام علی علیه السلام: کسی که زبانش را استوار کند،عقلش آراسته گردد.

372.امام علی علیه السلام: عذرخواهی،دلیل خردمندی است.

373.امام علی علیه السلام: میوۀ خردمندی،همنشینی با خوبان است.

374.امام صادق علیه السلام: بهترین سرشتِ خردمندی،عبادت است؛محکم ترین سخن برایش دانش است؛بزرگترین بهره مندی اشْ حکمت،و برترین ذخیره هایش خوبی هاست.

ر.ک:ص 169«عمل»/ص 179«ویژگی های خردمندان»/ص 195«ویژگی های خردمندان»

/ص 197«ویژگی های خردمندان».

ص:151

ز:وَضعُ الأَشیاءِ مَواضِعَها

375-الإمام علیّ علیه السلام: العاقِلُ مَن وَضَعَ الأَشیاءَ مَواضِعَها،والجاهِلُ ضِدُّ ذلِکَ [(1)](#content_note_152_1).

376-نهج البلاغه: أنَّهُ قیلَ لَهُ:صِف لَنَا العاقِلَ،فَقالَ علیه السلام:هُوَ الَّذی یَضَعُ الشَّیءَ مَواضِعَهُ،فَقیلَ:فَصِف لَنَا الجاهِلَ،فَقالَ:قَد فَعَلتُ [(2)](#content_note_152_2).

377-الإمام علیٌّ علیه السلام: العاقِلُ مَن أحسَنَ صَنائِعَهُ،ووَضَعَ سَعیَهُ فی مَواضِعِهِ [(3)](#content_note_152_3).

378-عنه علیه السلام: لَیسَ عَلَی العاقِلِ اعتِراضُ المَقادیرِ،إنَّما عَلَیهِ وَضعُ الشَّیءِ فی حَقِّهِ [(4)](#content_note_152_4).

ص:152

1- (1) غرر الحکم:1911. [1]

2- (2) نهج البلاغه:الحکمه 235. [2]

3- (3) غرر الحکم:1798. [3]

4- (4) کنزالفوائد:200/1. [4]

##### ز:گذاشتن هر چیزی بر جای خود

375.امام علی علیه السلام: خردمند آن است که هر چیز را بر جای خود نهد و نادان،برخلاف این است.

376.نهج البلاغه: به امیرمؤمنان گفته شد که خردمند را برای ما وصف کن،حضرت فرمود:«خردمند،کسی است که هر چیز را بر جای خود نهد».گفته شد:

«نادان را برای ما وصف کن».فرمود:«وصف کردم».

377.امام علی علیه السلام: خردمند،آن است که کارهایش را نیکو به انجام رساند و هر کاری را بر جای خود قرار دهد.

378.امام علی علیه السلام: بر خردمند روا نیست از حدود بگذرد؛بلکه بر اوست تا هر چیز را در جای خود نهد.

فایده:

چنانکه می بینیم،یکی از آثار عقل،«هرچیزی را بر جای خود نهادن»است.از سوی دیگر،همین مطلب در تعریف عدل نیز بیان شده است. [(1)](#content_note_153_1)نتیجه ای که از مقایسه این دو دسته احادیث می توان گرفت،این است که از آثار عقل،رعایت عدل است و عاقل،بر طبق عدل عمل می کند.این نتیجه،در برخی احادیث،مورد تصریح قرار گرفته است. [(2)](#content_note_153_2)

ص:153

1- (1) .نهج البلاغه،حکمت 437:« [1]العدل یضع الاُمور مواضعها؛عدالت،هر چیز را بر جای خود می نهد».

2- (2) .محاسن الأعمال،ح 368 و 369؛غرر الحکم،ح 9430 و 6392.

ح:اِختِیارُ الأَصلَحِ

379-الإمام علیّ علیه السلام: العَقلُ یَأمُرُکَ بِالأَنفَعِ،وَالمُروءَهُ تَأمُرُکَ بِالأَجمَلِ [(1)](#content_note_154_1).

380-عنه علیه السلام: مَن لَم یَعرِفِ الخَیرَ مِنَ الشَّرِّ فَهُوَ بِمَنزِلَهِ البَهیمَهِ [(2)](#content_note_154_2).

381-عنه علیه السلام: لَیسَ العاقِلُ مَن یَعرِفُ الخَیرَ مِنَ الشَّرِّ،ولکِنَّ العاقِلَ مَن یَعرِفُ خَیرَ الشَّرَّینِ [(3)](#content_note_154_3).

ط:اِغتِنامُ العُمُرِ

382-الإمام علیّ علیه السلام: العاقِلُ مَن لا یُضیعُ لَهُ نَفَسًا فیما لا یَنفَعُهُ،ولا یَقتَنی ما لا یَصحَبُهُ [(4)](#content_note_154_4).

383-عنه علیه السلام: لَو صَحَّ العَقلُ لَاغتَنَمَ کُلُّ امرِیً مَهَلَهُ [(5)](#content_note_154_5).

ی:صَوابُ القَولِ

384-الإمام علیّ علیه السلام: مِن دَلائِلِ العَقلِ النُّطقُ بِالصَّوابِ [(6)](#content_note_154_6).

385-عنه علیه السلام: جَمیلُ القَولِ دَلیلُ وُفورِ العَقلِ [(7)](#content_note_154_7).

386-عنه علیه السلام: یُستَدَلُّ عَلی عَقلِ الرَّجُلِ بِحُسنِ مَقالِهِ،وعَلی طَهارَهِ أصلِهِ بِجَمیلِ أفعالِهِ [(8)](#content_note_154_8).

387-الإمام الصادق علیه السلام: الرِّجالُ ثَلاثَهٌ:عاقِلٌ وأحمَقُ وفاجِرٌ.فَالعاقِلُ إن کُلِّمَ أجابَ،وإن نَطَقَ أصابَ،وإن سَمِعَ وَعی.وَالأَحمَقُ إن تَکَلَّمَ عَجَّلَ،وإن حَدَّثَ ذَهَلَ،وإن حُمِلَ عَلَی القَبیحِ فَعَلَ.وَالفاجِرُ إنِ ائتَمَنتَهُ خانَکَ،وإن

ص:154

1- (1) نثر الدرّ:285/1. [1]

2- (2) الکافی:4/24/8 [2] عن جابربن یزید عن الإمام الباقر علیه السلام،تحف العقول:99،الفقیه:5880/407/4،التوحید:27/74 کلاهما عن جابر بن یزید الجعفی عن الإمام الباقر عن آبائه علیهم السلام عنه علیه السلام وفیهما«البهم»بدل«البهیمه».

3- (3) مطالب السؤول:49. [3]

4- (4) غرر الحکم:2163،7579،9416،4776،10961. [4]

5- (5) غرر الحکم:2163،7579،9416،4776،10961.

6- (6) غرر الحکم:2163،7579،9416،4776،10961. [5]

7- (7) غرر الحکم:2163،7579،9416،4776،10961. [6]

8- (8) غرر الحکم:2163،7579،9416،4776،10961. [7]

##### ح:گزینش بهتر

379.امام علی علیه السلام: خرد،تو را به سودمندتر فرمان دهد و جوانمردیْ به زیباتر.

380.امام علی علیه السلام: آنکه خوبی را از بدی باز نشناسد،به سان چارپایان است.

381.امام علی علیه السلام: خردمند،آن نیست که خوبی را از بدی بازشناسد؛بلکه آن است که از میان بدی ها مناسب تر را تشخیص دهد.

##### ط:بهره وری از عمر

382.امام علی علیه السلام: خردمند آن است که دمی را در کارهای بی سود صرف نکند و آنچه برای همیشه همراه او نماند،ذخیره نسازد.

383.امام علی علیه السلام: اگر عقل سالم باشد،هر انسانی از فرصتهایش بهره مند گردد.

ر.ک:ص 159«ترک بیهودگی ها».

##### ی:گفتار درست

384.امام علی علیه السلام: از نشانه های خردمندیْ به درستی سخن گفتن است.

385.امام علی علیه السلام: سخن زیبا،نشانۀ زیادتی عقل است.

386.امام علی علیه السلام: عقل آدمی از گفتار نیکویش استنباط شود و پاکی ریشه اش از کارهای زیبایش شناخته گردد.

387.امام صادق علیه السلام: انسانها بر سه گروه اند:خردمند،احمق و بدکار.خردمند،کسی است که اگر از او بپرسند،پاسخ دهد،و اگر سخن گوید،به درستی سخن گوید،و اگر گوش کند،استفاده برد.احمق آن است که اگر تکلّم کند،شتاب کند؛اگر سخن گوید،سراسیمه شود،و اگر بر کار زشت وا داشته شود،آن را انجام دهد.بدکار،کسی است که اگر او را امین شماری،خیانت ورزد،و اگر با

ص:155

حَدَّثتَهُ شانَکَ [(1)](#content_note_156_1).

ک:حِفظُ التَّجارِبِ

388-الإمام علیّ علیه السلام: العَقلُ حِفظُ التَّجارِبِ،وخَیرُ ما جَرَّبتَ ما وَعَظَکَ [(2)](#content_note_156_2).

389-عنه علیه السلام: حِفظُ التَّجارِبِ رَأسُ العَقلِ [(3)](#content_note_156_3).

390-الإمام الحسن علیه السلام -لَمّا سَأَلَهُ أبوهُ علیه السلام عَنِ العَقلِ-:حِفظُ قَلبِکَ مَا استَودَعتَهُ [(4)](#content_note_156_4).

391-الإمام علیّ علیه السلام: العاقِلُ مَن وَعَظَتهُ التَّجارِبُ [(5)](#content_note_156_5).

ل:حُسنُ التَّدبیرِ

392-رسول اللّه صلی الله علیه و آله -فی وَصِیَّتِهِ لِعَلِیٍّ علیه السلام-:لا عَقلَ کَالتَّدبیرِ [(6)](#content_note_156_6).

393-الإمام علیّ علیه السلام: أدَلُّ شَیءٍ عَلی غَزارَهِ [(7)](#content_note_156_7)العَقلِ حُسنُ التَّدبیرِ [(8)](#content_note_156_8).

394-عنه علیه السلام: مِنَ العَقلِ مُجانَبَهُ التَّبذیرِ وحُسنُ التَّدبیرِ [(9)](#content_note_156_9).

م:إصابَهُ الظَّنِّ

395-الإمام علیّ علیه السلام: ظَنُّ العاقِلِ کَهانَهٌ [(10)](#content_note_156_10).

396-عنه علیه السلام: الظَّنُّ الصَّوابُ مِن شِیَمِ اولِی الأَلبابِ [(11)](#content_note_156_11).

397-عنه علیه السلام: ظَنُّ العاقِلِ أصَحُّ مِن یَقینِ الجاهِلِ [(12)](#content_note_156_12).

398-عنه علیه السلام: ظَنُّ ذَوِی النُّهی والأَلبابِ أقرَبُ شَیءٍ مِنَ الصَّوابِ [(13)](#content_note_156_13).

ص:156

1- (1) تحف العقول:323. [1]

2- (2) نهج البلاغه:الکتاب 31،تحف العقول:80،غرر الحکم:673 [2] إلی قوله:«التجارب»؛کنزالعمّال:44215/177/16 نقلًا عن وکیع والعسکریّ فی المواعظ.

3- (3) غرر الحکم:4916. [3]

4- (4) معانی الأخبار:62/401 عن شریح بن هانی،بحارالأنوار:10/116/1.

5- (5) الفقیه:5834/388/4،تحف العقول:85،کنزالفوائد:199/1، [4]تنبیه الخواطر:63/1، [5]غرر الحکم:1189 و 3863. [6]

6- (6) الفقیه:5762/372/4 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبیه جمیعًا عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام،التوحید:20/376 عن وهب بن وهب بن هشام،المحاسن:47/80/1 عن السریّ بن خالد وکلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله،معانی الأخبار:1/335 عن أبی ذرّ فی وصیّه رسول اللّه صلی الله علیه و آله له،الکافی:4/20/8 [7] عن جابربن یزید عن الإمام الباقر عن الإمام علی علیهما السلام،نهج البلاغه:الحکمه 113؛المعجم الکبیر:1651/157/2 عن أبی ذرّ عنه صلی الله علیه و آله.

7- (7) الغَزارَه:الکثره (الصحاح:770/2).

8- (8) غرر الحکم:3151،9320. [8]

9- (9) غرر الحکم:3151،9320. [9]

10- (10) مائه کلمه للجاحظ:54/70،سجع الحمام:865/232 نقلًا عن الإعجاز والإیجاز.

11- (11) غرر الحکم:1386،6040،6074. [10]

12- (12) غرر الحکم:1386،6040،6074. [11]

13- (13) غرر الحکم:1386،6040،6074. [12]

او سخن گویی،تو را بیالاید.

ر.ک:ص 169 و 171«سخن،سکوت»/ص 179«ویژگی های خردمندان».

##### ک:تجربه اندوزی

388.امام علی علیه السلام: خردمندی،تجربه اندوزی است و بهترین تجربه آن است که تو را پند دهد.

389.امام علی علیه السلام: تجربه اندوزی،قلّۀ خردمندی است.

390.امام حسن علیه السلام -هنگامی که پدرش از او دربارۀ خردمندی پرسید-:[خردمندی] آن است که آنچه را به دل سپاری،نگه دارد.

391.امام علی علیه السلام: خردمند،کسی است که تجربه ها او را پند دهد.

ر.ک:ص 107«تجربه».

##### ل:تدبیر نیکو

392.پیامبر صلی الله علیه و آله -در سفارش به امیرمؤمنان-:هیچ خردورزی یی مانند دوراندیشی نیست.

393.امام علی علیه السلام: بهترین دلیل بر زیادتیِ خرد،نیکْ دوراندیشی است.

394.امام علی علیه السلام: نشانۀ خردمندی،دوری جستن از بیهودگی و نیکْ دور اندیشی است.

##### م:گمانه زنی درست

395.امام علی علیه السلام: گمانه زنی خردمندان،پیشگویی است.

396.امام علی علیه السلام: گمانه زنی درست،روشِ خردمندان است.

397.امام علی علیه السلام: گمانِ خردمند،درست تر است از یقین نادان.

398.امام علی علیه السلام: گمانِ صاحبان عقل و خرد،نزدیک ترین چیز به واقع و حقیقت است.

ص:157

399-عنه علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:العَقلُ الإِصابَهُ بِالظَّنِّ ومَعرِفَهُ ما لَم یَکُن بِما کانَ [(1)](#content_note_158_1).

ن:الزُّهدُ فِی الدُّنیا

400-الإمام علیّ علیه السلام: حَدُّ العَقلِ الاِنفِصالُ عَنِ الفانی وَالاِتِّصالُ بِالباقی [(2)](#content_note_158_2).

401-عنه علیه السلام: فَضیلَهُ العَقلِ الزَّهادَهُ [(3)](#content_note_158_3).

402-عنه علیه السلام: رَدعُ النَّفسِ عَن زَخارِفِ الدُّنیا ثَمَرَهُ العَقلِ [(4)](#content_note_158_4).

403-عنه علیه السلام: مَن عَقَلَ قَنِعَ [(5)](#content_note_158_5).

404-عنه علیه السلام: العاقِلُ مَن زَهِدَ فی دُنیا فانِیَهٍ دَنِیَّهٍ،ورَغِبَ فی جَنَّهٍ سَنِیَّهٍ خالِدَهٍ عالِیَهٍ [(6)](#content_note_158_6).

س:تَرکُ الفُضولِ

405-الإمام الکاظم علیه السلام: إنَّ العُقَلاءَ تَرَکوا فُضولَ الدُّنیا فَکَیفَ الذُّنوبُ ! وتَرکُ الدُّنیا مِنَ الفَضلِ،وتَرکُ الذُّنوبِ مِنَ الفَرضِ [(7)](#content_note_158_7).

406-الإمام علیّ علیه السلام: إذا قَلَّتِ العُقولُ کَثُرَ الفُضولُ [(8)](#content_note_158_8).

407-عنه علیه السلام: مَن أمسَکَ عَنِ الفُضولِ عَدَّلَت رَأیَهُ العُقولُ [(9)](#content_note_158_9).

408-عنه علیه السلام: العاقِلُ مَن رَفَضَ الباطِلَ [(10)](#content_note_158_10).

ص:158

1- (1) شرح نهج البلاغه:803/331/20.

2- (2) غرر الحکم:4905،6560،5399،7724،1868. [1]

3- (3) غرر الحکم:4905،6560،5399،7724،1868. [2]

4- (4) غرر الحکم:4905،6560،5399،7724،1868. [3]

5- (5) غرر الحکم:4905،6560،5399،7724،1868. [4]

6- (6) غرر الحکم:4905،6560،5399،7724،1868. [5]

7- (7) الکافی:12/17/1 [6] عن هشام بن الحکم،تحف العقول:387.

8- (8) غرر الحکم:4043. [7]

9- (9) الکافی:4/22/8 [8] عن جابر بن یزید عن الإمام الباقر علیه السلام،تحف العقول:97،غرر الحکم:8513. [9]

10- (10) الدرّه الباهره:21،بحارالأنوار:31/159/1. [10]

399.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:خردمندی،گمانه زنی درست و شناخت آینده بر اساس گذشته است.

ر.ک:حدیث 466 و 467«رأی و نظر».

##### ن:بی رغبتی به دنیا

400.امام علی علیه السلام: مرز خردمندی،جدایی از ناپایدار و پیوستن به پایدار است.

401.امام علی علیه السلام: برجستگی خرد،در بی رغبتی به دنیاست.

402.امام علی علیه السلام: میوۀ خردمندی،جان را از زرق و برق دنیا رهانیدن است.

403.امام علی علیه السلام: آنکه خردمند شود،قناعت پیشه کند.

404.امام علی علیه السلام: خردمند،آن است که دل از دنیای ناپایدارِ پست،بکَنَد و به بهشتِ زیبایِ جاودان و بلند مرتبه رغبت کند.

ر.ک:ص 225«دنیا دوستی».

##### س:ترک بیهودگی ها

405.امام کاظم علیه السلام: خردمندان از زیادی دنیا گذشتند،چه رسد به گناهان.از دنیا گذشتن،مستحب است و از گناه گذشتن،واجب و فریضه.

406.امام علی علیه السلام: هنگامی که از عقل کاسته شود،بیهودگی ها بسیار شود.

407.امام علی علیه السلام: آنکه خود را از زیادتی های [بیجا] باز دارد،خردها رأیش را درست گرداند.

408.امام علی علیه السلام: خردمند،کسی است که باطل را کنار نهد.

ر.ک:ص 155«بهره وری از عمر».

ص:159

ع:التَّزَوُّدُ لِلآخِرَهِ

409-رسول اللّه صلی الله علیه و آله -فی خُطبَهٍ لَهُ یَومَ الجُمُعَهِ-:ألا وإنَّ مِن عَلاماتِ العَقلِ:

التَّجافِیَ عَن دارِ الغُرورِ،وَالإِنابَهَ إلی دارِ الخُلودِ،وَالتَّزَوُّدَ لِسُکنَی القُبورِ، وَالتَّأَهُّبَ لِیَومِ النُّشورِ [(1)](#content_note_160_1).

410-الإمام علیّ علیه السلام: مِنَ العَقلِ التَّزَوُّدُ لِیَومِ المَعادِ [(2)](#content_note_160_2).

411-عنه علیه السلام: مَن عَمَّرَ دارَ إقامَتِهِ فَهُوَ العاقِلُ [(3)](#content_note_160_3).

412-عنه علیه السلام: العاقِلُ مَن هَجَرَ شَهوَتَهُ وباعَ دُنیاهُ بِآخِرَتِهِ [(4)](#content_note_160_4).

413-عنه علیه السلام: مَا العاقِلُ إلّامَن عَقَلَ عَنِ اللّهِ وعَمِلَ لِلدّارِ الآخِرَهِ [(5)](#content_note_160_5).

414-عنه علیه السلام: العاقِلُ مَن غَلَبَ هَواهُ ولَم یَبِع آخِرَتَهُ بِدُنیاهُ [(6)](#content_note_160_6).

415-عنه علیه السلام: مَن عَقَلَ تَیَقَّظَ مِن غَفلَتِهِ،وتَأَهَّبَ لِرِحلَتِهِ،وعَمَرَ دارَ إقامَتِهِ [(7)](#content_note_160_7).

416-الإمام الکاظم علیه السلام: إنَّ العُقَلاءَ زَهَدوا فِی الدُّنیا ورَغِبوا فِی الآخِرَهِ،لِأَنَّهُم عَلِموا أنَّ الدُّنیا طالِبَهٌ مَطلوبَهٌ،وَالآخِرَهَ طالِبَهٌ ومَطلوبَهٌ،فَمَن طَلَبَ الآخِرَهَ طَلَبَتهُ الدُّنیا حَتّی یَستَوفِیَ مِنها رِزقَهُ،ومَن طَلَبَ الدُّنیا طَلَبَتهُ الآخِرَهُ،فَیَأتیهِ المَوتُ فَیُفسِدُ عَلَیهِ دُنیاهُ وآخِرَتَهُ [(8)](#content_note_160_8).

417-عنه علیه السلام: إنَّ العاقِلَ نَظَرَ إلَی الدُّنیا وإلی أهلِها فَعَلِمَ أنَّها لا تُنالُ إلّابِالمَشَقَّهِ، ونَظَرَ إلَی الآخِرَهِ فَعَلِمَ أنَّها لا تُنالُ إلّابِالمَشَقَّهِ،فَطَلَبَ بَالمَشَقَّهِ أبقاهُما [(9)](#content_note_160_9).

418-سُوَیدُ بنُ غَفَلَهَ: دَخَلتُ عَلی أمیرِ المُؤمِنینَ علیه السلام بَعدَما بویِعَ بِالخِلافَهِ وهُوَ جالِسٌ عَلی حَصیرٍ صَغیرٍ لَیسَ فِی البَیتِ غَیرُهُ،فَقُلتُ:یا أمیرَ المُؤمِنینَ،بِیَدِکَ

ص:160

1- (1) أعلام الدین:333 [1] عن أبی الدرداء،إرشاد القلوب:45. [2]

2- (2) غرر الحکم:9371،8298،1727. [3]

3- (3) غرر الحکم:9371،8298،1727. [4]

4- (4) غرر الحکم:9371،8298،1727. [5]

5- (5) تحف العقول:100.

6- (6) غرر الحکم:1983،8918. [6]

7- (7) غرر الحکم:1983،8918. [7]

8- (8) الکافی:12/18/1 [8] عن هشام بن الحکم،تحف العقول:387.

9- (9) الکافی:12/18/1 [9] عن هشام بن الحکم.

##### ع:توشه گیری برای آخرت

409.پیامبر صلی الله علیه و آله -در یکی از خطبه های روز جمعه-:بدانید که یکی از نشانه های عقل،کندن از خانۀ فریبنده و رو کردن به سرای جاودانه،توشه گیری برای خانۀ قبر و آمادگی برای روز رستاخیز است.

410.امام علی علیه السلام: از نشانه های خردمندی،توشه برداشتن برای روز قیامت است.

411.امام علی علیه السلام: آنکه سرای جاودانه اش را آباد کند،خردمند است.

412.امام علی علیه السلام: خردمند آن است که با شهوتها قهر کند و دنیا را به آخرت بفروشد.

413.امام علی علیه السلام: خردمند نیست،مگر آنکه از خداوند درکی داشته باشد و برای سرای باقیْ کار کند.

414.امام علی علیه السلام: خردمند آن است که بر میلهایش پیروز باشد و آخرتش را به دنیا نفروشد.

415.امام علی علیه السلام: آنکه خردمند است،از غفلتها بیدار شود و برای سفر مهیّا گردد.

416.امام کاظم علیه السلام: خردمندان،در دنیا زهد پیشه اند و به آخرت میل دارند [و سرای جاودانه شان را آباد سازند]؛زیرا می دانند که دنیا خود،جوینده ای است که او را جویند و آخرت،هم خواهان است و هم خواهان دارد.پس هر که خواهان آخرت شود،دنیا خود به دنبال او رود تا روزی اش را از آن ستاند،و هرکه دنیا را طلب کند،آخرت،حقِّ خود را از او مطالبه کند و ناگهان مرگش فرا رسد و دنیا و آخرتش را تباه سازد.

417.امام کاظم علیه السلام: خردمند به دنیا و آنچه در آن است نظر افکند.پس دانست که جز با مشقّت و سختی بدان نرسد؛و به آخرت نظر افکند،پس دانست که جز با سختی و مشقّت به دست نیاید.از این رو،با سختی و مشقّت،پایدارتر را جستجو کرد و برگزید.

418.سوید بن غفله: بر امیرمؤمنان وارد شدم پس از آنکه به خلافت رسیده بود.

بر حصیری کوچک نشسته بود و در خانه،جز آن،چیزی نبود.عرض کردم:

«ای امیرمؤمنان! بیت المال در دست توست و خانه ات را از نیازمندی ها تهی

ص:161

بَیتُ المالِ ولَستُ أری فی بَیتِکَ شَیئًا مِمّا یَحتاجُ إلَیهِ البَیتُ ! فَقالَ علیه السلام:یَابنَ غَفَلَهَ،إنَّ اللَّبیبَ [(1)](#content_note_162_1)،لا یَتَأَثَّثُ فی دارِ النُّقلَهِ،ولَنا دارُ أمنٍ قَد نَقَلنا إلَیها خَیرَ مَتاعِنا،وإنّا عَن قَلیلٍ إلَیها صائِرونَ [(2)](#content_note_162_2).

ف:النَّجاه

419-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: مَا استَودَعَ اللّهُ امرَأً عَقلًا إلَّااستَنقَذَهُ بِهِ یَومًا [(3)](#content_note_162_3).

420-التّاریخ الکبیر: أتی قُرَّهُ بنُ هُبَیرَهَ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله فَقالَ لَهُ:إنَّهُ کانَت لَنا أربابٌ تُعبَدُ مِن دونِ اللّهِ،فَبَعَثَکَ اللّهُ،فَدَعَوناهُنَّ فَلَم یُجِبنَ وسَأَلناهُنَّ فَلَم یُعطینَ، وجِئناکَ فَهَدانَا اللّهُ،وقالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله:قَد أفلَحَ مَن رُزِقَ لُبًّا،قالَ:یا رَسولَ اللّهِ،اُکسُنی ثَوبَینِ مِن ثِیابِکَ قَد لَبِستَهُما،فَکَساهُ.فَلَمّا کانَ بِالمَوقِفِ فی عَرَفاتٍ قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله:أعِد عَلَیَّ مَقالَتَکَ،فَأَعادَ عَلَیهِ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله:أفلَحَ مَن رُزِقَ لُبًّا [(4)](#content_note_162_4).

421-الإمام علیّ علیه السلام: العَقلُ یَهدی ویُنجی،وَالجَهلُ یُغوی ویُردی [(5)](#content_note_162_5).

422-عنه علیه السلام: زِیادَهُ العَقلِ تُنجی [(6)](#content_note_162_6).

423-عنه علیه السلام: ثَمَرَهُ العَقلِ العَمَلُ لِلنَّجاهِ [(7)](#content_note_162_7).

424-عنه علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:إذا خُلِّیَ عِنانُ العَقلِ ولَم یُحبَس عَلی هَوی نَفسٍ أو عادَهِ دینٍ أو عَصَبِیَّهٍ لِسَلَفٍ،وَرَدَ بِصاحِبِهِ عَلَی النَّجاهِ [(8)](#content_note_162_8).

425-عنه علیه السلام: رَأیُ العاقِلِ یُنجی [(9)](#content_note_162_9).

ص:162

1- (1) فی المصدر:البیت [العاقل] والصحیح ما فی بحارالأنوار:38/321/70 [1] کما أثبتناه.

2- (2) عدّه الداعی:109. [2]

3- (3) نهج البلاغه:الحکمه 407، [3]أمالی الطوسی:79/56 [4] عن داود بن سلیمان الغازی عن الإمام الرضا علیه السلام؛نثرالدرّ:168/1،الفردوس:6279/90/4 عن أنس بن مالک،ربیع الأبرار:137/3.

4- (4) التاریخ الکبیر:810/181/7.

5- (5) غرر الحکم:2151،5484،4626.

6- (6) غرر الحکم:2151،5484،4626. [5]

7- (7) غرر الحکم:2151،5484،4626. [6]

8- (8) شرح نهج البلاغه:950/343/20.

9- (9) غرر الحکم:5424،3093. [7]

می بینم».فرمود:«ای پسرِ غفله ! خردمند برای خانۀ گذری،اثاث جمع نکند.

ما را خانۀ امنی است که بهترین وسیله ها را بدان جا منتقل کرده ایم و خود نیز به زودی به سوی آن سفر خواهیم کرد».

ر.ک:ص 159«بی رغبتی به دنیا».

##### ف:رستگاری

419.پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند به کسی خرد را به امانت نسپرد،مگر آنکه روزیِ او را بدان رهایی بخشد.

420.تاریخ کبیر: قره بن هبیره نزد پیامبراکرم آمد و گفت:«ما را خدایانی بود که به جای خداوند،پرستیده می شدند.خداوند،تو را برانگیخت.از آن پس،هرچه آنها را خواندیم،اجابت نکردند و هرچه از آنان خواستیم،چیزی نبخشیدند.

به سوی تو آمدیم و خداوند ما را هدایت کرد.رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:«آن کس که از خردْ برخوردار باشد،رستگار شده است».قرّه گفت:«ای رسول خدا ! دو قطعه از لباسهایی که خود پیشتر پوشیده ای به من بپوشان».پیامبر صلی الله علیه و آله چنین کرد.پس هنگامی که در عرفات بود،رسول خدا صلی الله علیه و آله به وی فرمود:«سخنت را تکرار کن»او تکرار کرد.آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:«آن کس که از خرد برخوردار باشد،رستگار شده است».

421.امام علی علیه السلام: خرد،هدایت کند و رهایی بخشد،و نادانی،گمراه سازد و پست گرداند.

422.امام علی علیه السلام: زیادتی خرد،رهایی بخشد.

423.امام علی علیه السلام: میوۀ خردمندی،عمل برای رستگاری است.

424.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:اگر زمام خرد،رها شود و در حبسِ هواهای نفس یا عادتهای دینی و یا تعصّب گذشتگان نباشد،صاحبش را به رستگاری رساند.

425.امام علی علیه السلام: رأی خردمند،نجاتْ بخش است.

ص:163

426-عنه علیه السلام: أصلُ العَقلِ الفِکرُ،وثَمَرَتُهُ السَّلامَهُ [(1)](#content_note_164_1).

ص:الخَتمُ بِالجَنَّهِ

427-رسول اللّه صلی الله علیه و آله -فی وَصِیَّتِهِ لِعَلِیٍّ علیه السلام-:العَقلُ مَا اکتُسِبَت بِهِ الجَنَّهُ وطُلِبَ بِهِ رِضَا الرَّحمنِ [(2)](#content_note_164_2).

428-عنه صلی الله علیه و آله: کَم مِن عاقِلٍ عَقَلَ عَنِ اللّهِ أمرَهُ وهُوَ حَقیرٌ عِندَ النّاسِ ذَمیمُ المَنظَرِ یَنجو غَدًا ! وکَم مِن ظَریفِ اللِّسانِ جَمیلِ المَنظَرِ عِندَ النّاسِ یَهلِکُ غَدًا فِی القِیامَهِ ! [(3)](#content_note_164_3)

429-أنَسٌ: قیلَ:یا رَسولَ اللّهِ،الرَّجُلُ یَکونُ حَسَنَ العَقلِ کَثیرَ الذُّنوبِ؟قالَ:ما مِن آدَمِیٍّ إلّاولَهُ ذُنوبٌ وخَطایا یَقتَرِفُها،فَمَن کانَت سَجِیَّتُهُ العَقلَ وغَریزَتُهُ الیَقینَ لَم تَضُرُّهُ ذُنوبُهُ.قیلَ:کَیفَ ذلِکَ یا رَسولَ اللّهِ؟قالَ:لِأَنَّهُ کُلَّما أخطَأَ لَم یَلبَث أن تَدارَکَ ذلِکَ بِتَوبَهٍ ونَدامَهٍ عَلی ما کانَ مِنهُ،فَیَمحو ذُنوبَهُ،ویَبقی لَهُ فَضلٌ یَدخُلُ بِهِ الجَنَّهَ [(4)](#content_note_164_4).

430-الإمام علیّ علیه السلام: لَقَد سَبَقَ إلی جَنّاتِ عَدنٍ أقوامٌ ما کانوا أکثَرَ النّاسِ لا صَومًا ولا صَلاهً ولا حَجًّا ولَا اعتِمارًا،ولکِنَّهُم عَقَلوا عَنِ اللّهِ مَواعِظَهُ [(5)](#content_note_164_5).

431-الإمام الصادق علیه السلام: مَن کانَ عاقِلًا خُتِمَ لَهُ بِالجَنَّهِ إن شاءَ اللّهُ [(6)](#content_note_164_6).

432-مُحَمَّدُ بنُ عَبدِ الجَبّارِ عَن بَعضِ أصحابِنا رَفَعَهُ إلَی الإِمامِ الصّادِقِ علیه السلام قالَ:قُلتُ لَهُ:مَا العَقلُ؟قالَ:ما عُبِدَ بِهِ الرَّحمنُ وَاکتُسِبَ بِهِ الجِنانُ.قالَ:قُلتُ:

فَالَّذی کانَ فی مُعاوِیَهَ؟فَقالَ:تِلکَ النَّکراءُ،تِلکَ الشَّیطَنَهُ،وهِیَ شَبیهَهٌ بِالعَقلِ ولَیسَت بِالعَقلِ [(7)](#content_note_164_7).

ص:164

1- (1) غرر الحکم:5424،3093.

2- (2) الفقیه:5762/369/4 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبیه جمیعًا عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام.

3- (3) تیسیر المطالب:156. [1]

4- (4) ربیع الأبرار:137/3؛ [2]تنبیه الخواطر:62/1 [3] ولیس فیه«ویبقی له فضل...»،تیسیر المطالب:147 [4] نحوه.

5- (5) تنبیه الخواطر:213/2؛ [5]الفردوس:7035/360/4.

6- (6) ثواب الأعمال:1/29 عن الفضل بن عثمان.

7- (7) الکافی:3/11/1، [6]معانی الأخبار:1/239،المحاسن:613/310/1. [7]

426.امام علی علیه السلام: ریشۀ خردمندی،اندیشه است و میوۀ آنْ سلامتی.

##### ص:فرجام بهشتی

427.پیامبر صلی الله علیه و آله -در سفارش به حضرت علی علیه السلام-:عقل،آن است که بهشت با آن به دست آید و خشنودی خداوند با آن طلب گردد.

428.پیامبر صلی الله علیه و آله: چه بسیار خردمندانی که درکی از خداوند دارند؛گرچه نزد مردم، خوار و بد چهره اند؛ولی در آینده رستگارند.چه بسیار خوشْ سخنورانی که نزد مردم،خوش چهره اند؛ولی در قیامت،هلاک می شوند.

429.انس: سؤال شد:«ای رسول خدا ممکن است مردی از خردی نیکو برخوردار باشد و گناهان بسیار داشته باشد؟».پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:«هیچ انسانی نیست، مگر اینکه گناهان و لغزشهایی را مرتکب شده است.پس هر کس سرشتش خردمندی و نهادش یقین باشد،گناهانْ بدو آسیبی نرساند».گفته شد:«ای رسول خدا! چگونه است این؟».فرمود:«زیرا [خردمند] هرگاه مرتکب لغزشی گردد،آن را با توبه و پشیمانی جبران کند و از این رو،گناهانش پاک گردد و تنها خوبی ها باقی می ماند که با آن وارد بهشت گردد».

430.امام علی علیه السلام: گروههایی به سوی بهشت برین [از دیگران] پیشی گرفتند که بیش از دیگران اهل روزه،نماز،حج و عمره نبودند؛بلکه آنان پندهای الهی را دریافتند.

431.امام صادق علیه السلام: آنکه خردمند باشد-اگر خدا خواهد-پایانش به بهشت ختم گردد.

432.محمّد بن عبدالجبّار از یکی از یاران امام صادق علیه السلام نقل می کند که عرض کردم:«خرد چیست؟»فرمود:«آن چیزی که با آن خداوند پرستش شود و بهشت با آن به دست آید».گفتم:«آنچه در معاویه بود،[چه بود]؟»فرمود:

آن تیزهوشی و شیطنت است.آن شبیه عقل است؛ولی عقل نیست.

ص:165

ق:صَلاحُ کُلِّ أمرٍ

433-الإمام علیّ علیه السلام: بِالعَقلِ صَلاحُ کُلِّ أمرٍ [(1)](#content_note_166_1).

434-عنه علیه السلام: العَقلُ مُصلِحُ کُلِّ أمرٍ [(2)](#content_note_166_2).

ر:خَیرُ الدُّنیا وَالآخِرَهِ

435-الإمام علیّ علیه السلام: العَقلُ یَنبوعُ الخَیرِ [(3)](#content_note_166_3).

436-عنه علیه السلام: بِالعَقلِ تُنالُ الخَیراتُ [(4)](#content_note_166_4).

437-عنه علیه السلام: کُلُّ نَجدَهٍ تَحتاجُ إلَی العَقلِ [(5)](#content_note_166_5).

438-عنه علیه السلام: العَقلُ مَنفَعَهٌ،وَالعِلمُ مَرفَعَهٌ،وَالصَّبرُ مَدفَعَهٌ [(6)](#content_note_166_6).

439-عنه علیه السلام: اعقِل تُدرِک [(7)](#content_note_166_7).

440-الإمام الحسن علیه السلام: بِالعَقلِ تُدرَکُ الدّارانِ جَمیعًا،ومَن حُرِمَ مِنَ العَقلِ حُرِمَهُما جَمیعًا [(8)](#content_note_166_8).

441-الإمام زین العابدین علیه السلام: العَقلُ قائِدُ الخَیرِ [(9)](#content_note_166_9).

442-عَبدُ اللّهِ بنُ عَجلانَ السَّکونِیُّ: قُلتُ لِأَبی جَعفَرٍ علیه السلام:إنّی رُبَّما قَسَمتُ الشَّیءَ بَینَ أصحابی أصِلُهُم بِهِ،فَکَیفَ اعطیهِم؟فَقالَ:أعطِهِم عَلَی الهِجرَهِ فِی الدّینِ وَالعَقلِ وَالفِقهِ [(10)](#content_note_166_10).

443-الإمام الصادق علیه السلام: إنَّ أوَّلَ الاُمورِ ومَبدَأَها وقُوَّتَها وعِمارَتَهَا الَّتی لا یُنتَفَعُ شَیءٌ إلّا بِهِ:العَقلُ الَّذی جَعَلَهُ اللّهُ زینَهً لِخَلقِهِ ونورًا لَهُم [(11)](#content_note_166_11).

444-الإمام الکاظم علیه السلام: یا هِشامُ،مَن أرادَ الغِنی بِلا مالٍ،وراحَهَ القَلبِ مِنَ الحَسَدِ،

ص:166

1- (1) غرر الحکم:4320،404،657،4212. [1]

2- (2) غرر الحکم:4320،404،657،4212. [2]

3- (3) غرر الحکم:4320،404،657،4212. [3]

4- (4) غرر الحکم:4320،404،657،4212. [4]

5- (5) مطالب السؤول:50. [5]

6- (6) غرر الحکم:2041،2254. [6]

7- (7) غرر الحکم:2041،2254. [7]

8- (8) کشف الغمّه:197/2. [8]

9- (9) أعلام الدین:96. [9]

10- (10) الکافی:1/549/3، [10]الفقیه:1631/35/2.

11- (11) الکافی:34/29/1 [11] عن الحسن بن عمّار.

##### ق:درستی هر کار

433.امام علی علیه السلام: با خرد،هر کاری درست گردد.

434.امام علی علیه السلام: خرد،اصلاح کنندۀ هر کار است.

##### ر:خوبی دنیا و آخرت

435.امام علی علیه السلام: خرد،سرچشمۀ خوبی هاست.

436.امام علی علیه السلام: با خردْ خوبی ها به دست آید.

437.امام علی علیه السلام: هر دلیری،به خرد نیازمند است.

438.امام علی علیه السلام: خرد،سود رساند،دانش،بالا برد و شکیبایی،دفاع کننده است.

439.امام علی علیه السلام: خردورزی کن تا [به مقصود] رسی.

440.امام حسن علیه السلام: با خردْ دنیا و آخرت به دست آید و آنکه از خرد محروم باشد،از دنیا و آخرت محروم گردد.

441.امام سجاد علیه السلام: خرد،رهبر خوبی هاست.

442.عبداللّه بن عجلان سکّونی: به امام باقر علیه السلام عرض کردم:«گاه می خواهم مالی به عنوان صلۀ رحم میان دوستان و یارانم قسمت کنم،[بر چه معیاری] به آنان ببخشم».فرمود:«برپایۀ هجرت در راهِ دین،خرد و دانایی».

443.امام صادق علیه السلام: آغاز و شروع کارها و استحکام و آبادانی آن-که جز آن سود نبخشد-به عقل است؛عقلی که خداوند،آن را آرایش بندگان و مایۀ روشنایی آنان قرار داد.

444.امام کاظم علیه السلام: ای هشام ! آنکه بی نیازی بدون ثروت،آسایش قلب از حسادت،و سلامتی در دینداری خواهد،باید به درگاه الهی زاری کند و از او کمال عقل

ص:167

وَالسَّلامَهَ فِی الدّینِ،فَلیَتَضَرَّع إلَی اللّهِ عز و جل فی مَسأَلَتِهِ بِأَن یُکَمِّلَ عَقلَهُ،فَمَن عَقَلَ قَنِعَ بِما یَکفیهِ،ومَن قَنِعَ بِما یَکفیهِ استَغنی [(1)](#content_note_168_1).

3/5 ما یُختَبَرُ بِهِ العَقلُ

أ:الفِعل

445-الإمام علیّ علیه السلام: کَیفِیَّهُ الفَعلِ تَدُلُّ عَلی کَمِّیَّهِ العَقلِ،فَأَحسِن لَهُ الاِختِیارَ وأکثِر عَلَیهِ الاِستِظهارَ [(2)](#content_note_168_2).

446-عنه علیه السلام: کُن حَسَنَ المَقالِ،جَمیلَ الأَفعالِ؛فَإِنَّ مَقالَ الرَّجُلِ بُرهانُ فَضلِهِ، وفِعالَهُ عُنوانُ عَقلِهِ [(3)](#content_note_168_3).

447-عنه علیه السلام: مَن أحسَنَ أفعالَهُ أعرَبَ عَن وُفورِ عَقلِهِ [(4)](#content_note_168_4).

448-عنه علیه السلام: العاقِلُ مَن صَدَّقَ أقوالَهُ أفعالُهُ [(5)](#content_note_168_5).

ب:الکَلام

449-الإمام علیّ علیه السلام: کَلامُ الرَّجُلِ میزانُ عَقلِهِ [(6)](#content_note_168_6).

450-عنه علیه السلام: عِندَ بَدیهَهِ المَقالِ تُختَبَرُ عُقولُ الرِّجالِ [(7)](#content_note_168_7).

451-عنه علیه السلام: یُنبِئُ عَن عَقلِ کُلِّ امرِیً ما یَنطِقُ بِهِ لِسانُهُ [(8)](#content_note_168_8).

452-عنه علیه السلام: یُنبِئُ عَن عَقلِ کُلِّ امرِیً لِسانُهُ،ویَدُلُّ عَلی فَضلِهِ بَیانُهُ [(9)](#content_note_168_9).

ص:168

1- (1) الکافی:12/18/1، [1]تحف العقول:388 کلاهما عن هشام بن الحکم.

2- (2) غررالحکم:7226،7176،8418،1390،7234،6221،11008،11046،1970،2735،10957،( [2]5101 و 5102).

3- (3) غررالحکم:7226،7176،8418،1390،7234،6221،11008،11046،1970،2735،10957،( [3]5101 و 5102).

4- (4) غررالحکم:7226،7176،8418،1390،7234،6221،11008،11046،1970،2735،10957،( [4]5101 و 5102).

5- (5) غررالحکم:7226،7176،8418،1390،7234،6221،11008،11046،1970،2735،10957،( [5]5101 و 5102).

6- (6) غررالحکم:7226،7176،8418،1390،7234،6221،11008،11046،1970،2735،10957،( [6]5101 و 5102).

7- (7) غررالحکم:7226،7176،8418،1390،7234،6221،11008،11046،1970،2735،10957،( [7]5101 و 5102).

8- (8) غررالحکم:7226،7176،8418،1390،7234،6221،11008،11046،1970،2735،10957،(5101 و 5102).

9- (9) غررالحکم:7226،7176،8418،1390،7234،6221،11008،11046،1970،2735،10957،( [8]5101 و 5102).

بخواهد.آنکه خردمند باشد،به آنچه او را بس است،قناعت کند و آن کس که به آنچه او را بس است،قناعت کند،بی نیاز گردد.

#### 3/5 آنچه خرد با آن آزموده شود

##### الف:عمل

445.امام علی علیه السلام: چگونگی عمل،بر میزان خرد دلالت دارد.پس فعل نیکو انتخاب کن و آن را قوی و محکم ساز.

446.امام علی علیه السلام: نیکو گفتار و زیبا رفتار باش؛زیرا گفتار آدمی،نشانِ فضل اوست و رفتار او،دلیل خردمندی اش.

447.امام علی علیه السلام: آنکه کارهایش را نیکو به انجام رساند،از زیادی عقل خود خبر دهد.

448.امام علی علیه السلام: خردمند،کسی است که رفتار او،گفتارش را تصدیق نماید.

ر.ک:ص 149«کارهای نیک»/ص 175«بنیادهای سنجش خرد».

##### ب:سخن

449.امام علی علیه السلام: سخن گفتنِ آدمی،میزان خردمندی است.

450.امام علی علیه السلام: به هنگام بدیهه گویی،خردمندی آدمیان آزموده گردد.

451.امام علی علیه السلام: آنچه آدمی بر زبان آورد،از خردمندی وی خبر دهد.

452.امام علی علیه السلام: از خردمندی هر کس،زبانش خبر دهد و سخن او بر فضل و دانشوریْ دلالت کند.

ص:169

453-عنه علیه السلام: اللِّسانُ مِعیارٌ أرجَحَهُ العَقلُ وأطاشَهُ الجَهلُ [(1)](#content_note_170_1).

454-عنه علیه السلام: إیّاکَ وَالکَلامَ فیما لا تَعرِفُ طَریقَتَهُ ولا تَعلَمُ حَقیقَتَهُ؛فَإِنَّ قَولَکَ یَدُلُّ عَلی عَقلِکَ،وعِبارَتَکَ تُنبِئُ عَن مَعرِفَتِکَ [(2)](#content_note_170_2).

455-عنه علیه السلام: یُستَدَلُّ عَلی عَقلِ کُلِّ امرِیً بِما یَجری عَلی لِسانِهِ [(3)](#content_note_170_3).

456-عنه علیه السلام: دَلیلُ عَقلِ الرَّجُلِ قَولُهُ،دَلیلُ أصلِ المَرءِ فِعلُهُ [(4)](#content_note_170_4).

457-عنه علیه السلام: مَن أطلَقَ لِسانَهُ أبانَ عَن سُخفِهِ [(5)](#content_note_170_5)[(6)](#content_note_170_6).

458-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: أوحَی اللّهُ لِموسی علیه السلام:لا تَکونَنَّ مِکثارًا بِالمَنطِقِ مِهذارًا [(7)](#content_note_170_7)؛إنَّ کَثرَهَ المَنطِقِ تَشینُ العُلَماءَ،وتُبدی مَساوِئَ السُّخَفاءِ،ولکِن عَلَیکَ بِذِی اقتِصادٍ،فَإِنَّ ذلِکَ مِنَ التَّوفیقِ وَالسَّدادِ [(8)](#content_note_170_8).

ج:السُّکوت

459-الإمام علیّ علیه السلام: الصَّمتُ آیَهُ النُّبلِ وثَمَرَهُ العَقلِ [(9)](#content_note_170_9).

460-عنه علیه السلام: مَن عَقَلَ صَمَتَ [(10)](#content_note_170_10).

461-عنه علیه السلام: مَن أمسَکَ عَن فُضولِ المَقالِ شَهِدَت بِعَقلِهِ الرِّجالُ [(11)](#content_note_170_11).

462-عنه علیه السلام: مِن عَقلِ الرَّجُلِ أن لا یَتَکَلَّمَ بِجَمیعِ ما أحاطَ بِهِ عِلمُهُ [(12)](#content_note_170_12).

463-عنه علیه السلام: العاقِلُ مَن عَقَلَ لِسانَهُ إلّاعَن ذِکرِ اللّهِ [(13)](#content_note_170_13).

ص:170

1- (1) غررالحکم:7226،7176،8418،1390،7234،6221،11008،11046،1970،2735،10957،( [1]5101 و 5102).

2- (2) غررالحکم:7226،7176،8418،1390،7234،6221،11008،11046،1970،2735،10957،( [2]5101 و 5102).

3- (3) غررالحکم:7226،7176،8418،1390،7234،6221،11008،11046،1970،2735،10957،( [3]5101 و 5102).

4- (4) غررالحکم:7226،7176،8418،1390،7234،6221،11008،11046،1970،2735،10957،( [4]5101 و 5102).

5- (5) السُّخْفُ:رقّه العقل...وثوب سخیف:رقیق النسج بَیِّنُ السَّخافه،ولا یکادون یقولون:السُّخْف إلّافی العقل خاصّهً،والسَّخافه عامّ فی کلّ شیء (العین للخلیل:366). [5]

6- (6) غرر الحکم:9175. [6]

7- (7) فی المصدر«مهدارًا»وما أثبتناه هو الصحیح.

8- (8) المعجم الأوسط:6908/79/7،البدایه والنهایه:329/1 [7] وفیه«لا تکن مکثارًا للعلم»وکلاهما عن عمر بن الخطّاب؛منیه المرید:140. [8]

9- (9) غرر الحکم:1343،7745،8504،9327. [9]

10- (10) غرر الحکم:1343،7745،8504،9327. [10]

11- (11) غرر الحکم:1343،7745،8504،9327. [11]

12- (12) غرر الحکم:1343،7745،8504،9327. [12]

13- (13) غرر الحکم:1741،وأیضًا:1591 و 502 ولیس فیهما«إلّا عن ذکر اللّه».

453.امام علی علیه السلام: زبان،ترازویی است که خرد،آن را سنگین کند و نادانی،آن را سبک گرداند.

454.امام علی علیه السلام: بپرهیز از سخنی که روش آن را نمی شناسی و از حقیقتش آگاه نیستی؛زیرا سخن تو بر عقل تو دلالت دارد و گفتارت از میزان معرفت تو خبر می دهد.

455.امام علی علیه السلام: بر خرد آدمی از آنچه بر زبان آورد،استدلال شود.

456.امام علی علیه السلام: نشانۀ خرد آدمی،سخن اوست و دلیلِ ریشۀ آدمیْ رفتار او.

457.امام علی علیه السلام: آنکه زبانش را رها سازد،سَبُک عقلی خود را آشکار کند.

458.پیامبر صلی الله علیه و آله: خدا به موسی علیه السلام وحی کرد:بسیار سخن مگو و آن را هدر مده؛ زیرا سخن گفتن بسیار،چهرۀ عالمان را زشت گرداند و بدی های سبکْ عقلان را آشکار سازد.لیک بر تو باد میانه روی؛زیرا از توفیق و محکمی سرچشمه می گیرد.

ر.ک:ص 155 حدیث 484«گفتار درست»،«بنیادهای سنجش خرد»/حدیث 601«نشانه های کمال عقل»

##### ج:سکوت

459.پیامبر صلی الله علیه و آله: سکوت،نشانۀ بزرگواری و میوۀ خردمندی است.

460.پیامبر صلی الله علیه و آله: آنکه خردمند گردد،ساکت شود.

461.امام علی علیه السلام: آنکه از سخن زیادی خودداری ورزد،بزرگان به خردمندی وی گواهی دهند.

462.امام علی علیه السلام: نشانۀ خردمندی آدمی،آن است که تمام آنچه را که می داند،بر زبان نیاورد.

463.امام علی علیه السلام: خردمند،کسی است که زبانش را جز از یاد خدا باز دارد.

ص:171

464-عنه علیه السلام: العاقِلُ لا یَتَکَلَّمُ إلّابِحاجَتِهِ أو حُجَّتِهِ [(1)](#content_note_172_1).

د:الرَّأی

465-الإمام علیّ علیه السلام: رَأیُ الرَّجُلِ میزانُ عَقلِهِ [(2)](#content_note_172_2).

466-عنه علیه السلام: ظَنُّ الإِنسانِ میزانُ عَقلِهِ،وفِعلُهُ أصدَقُ شاهِدٍ عَلی أصلِهِ [(3)](#content_note_172_3).

467-عنه علیه السلام: ظَنُّ الرَّجُلِ عَلی قَدرِ عَقلِهِ [(4)](#content_note_172_4).

468-عنه علیه السلام: إنَّ العاقِلَ مِن عَقلِهِ فی إرشادٍ،ومِن رَأیِهِ فِی ازدِیادٍ،فَلِذلِکَ رَأیُهُ سَدیدٌ وفِعلُهُ حَمیدٌ [(5)](#content_note_172_5).

ه:الرَّسول

469-الإمام علیّ علیه السلام: رَسولُکَ تَرجُمانُ عَقلِکَ،وکِتابُکَ أبلَغُ ما یَنطِقُ عَنکَ [(6)](#content_note_172_6).

470-عنه علیه السلام: رَسولُکَ تَرجُمانُ عَقلِکَ،وَاحتِمالُکَ دَلیلُ حِلمِکَ [(7)](#content_note_172_7).

471-عنه علیه السلام: بِعَقلِ الرَّسولِ وأدَبِهِ یُستَدَلُّ عَلی عَقلِ المُرسِلِ [(8)](#content_note_172_8).

و:الکِتاب

472-الإمام علیّ علیه السلام: کِتابُ الرَّجُلِ عُنوانُ عَقلِهِ وبُرهانُ فَضلِهِ [(9)](#content_note_172_9).

473-عنه علیه السلام: إذا کَتَبتَ کِتابًا فَأَعِد فیهِ النَّظَرَ قَبلَ خَتمِهِ،فَإِنَّما تَختِمُ عَلی

ص:172

1- (1) غرر الحکم:1732،5422،6039،6038،3547. [1]

2- (2) غرر الحکم:1732،5422،6039،6038،3547. [2]

3- (3) غرر الحکم:1732،5422،6039،6038،3547. [3]

4- (4) غرر الحکم:1732،5422،6039،6038،3547. [4]

5- (5) غرر الحکم:1732،5422،6039،6038،3547. [5]

6- (6) نهج البلاغه:الحکمه 301، [6]کنزالفوائد:199/1 [7] وفیه صدره،غررالحکم:5431 [8] نحوه،مطالب السؤول:57. [9]

7- (7) غرر الحکم:5436،4312،7260،4167. [10]

8- (8) غرر الحکم:5436،4312،7260،4167. [11]

9- (9) غرر الحکم:5436،4312،7260،4167.

464.امام علی علیه السلام: خردمند سخن نگوید،مگر از روی نیاز یا بر اساس دلیل و برهان.

ر.ک:ص 155«گفتار درست»/حدیث 505«ویژگی های خردمندان».

نشانه های کمال عقل حدیث 601.

##### د:رأی و نظر

465.امام علی علیه السلام: رأی آدمی،میزان خردمندی اوست.

466.امام علی علیه السلام: گمانه زنی انسان،میزان خردمندی اوست و رفتار او،بهترین گواه بر ریشۀ اوست.

467.امام علی علیه السلام: گمانه زنی آدمی،به اندازۀ خرد اوست.

468.امام علی علیه السلام: به راستی که خردمند،برپایۀ خردش در رشد و صواب است، و برپایۀ رأی و نظرش در افزایش است.از این رو،رأی او محکم و رفتارش پسندیده است.

ر.ک:ص 157«گمانه زنی درست»/حدیث 484«بنیادهای سنجش خرد».

##### ه:پیام رسان

469.امام علی علیه السلام: فرستادۀ تو،ترجمۀ کنندۀ خرد توست،و نوشته ات رساترین سخنگویت.

470.امام علی علیه السلام: فرستادۀ تو،ترجمه کنندۀ خرد توست و تحمّل تو،نشانۀ بردباری ات.

471.امام علی علیه السلام: از خرد و ادبِ فرستاده بر خرد فرستنده استدلال شود.

ر.ک:حدیث 477 و 483«بنیادهای سنجش خرد».

##### و:نوشتن

472.امام علی علیه السلام: نوشتۀ آدمی،نشانۀ خردمندی و دلیل فضل اوست.

473.امام علی علیه السلام: هنگامی که چیزی نوشتی،پیش از مُهر زدنْ آن را مرور کن؛زیرا بر

ص:173

عَقلِکَ [(1)](#content_note_174_1).

474-الإمام الصادق علیه السلام: یُستَدَلُّ بِکِتابِ الرَّجُلِ عَلی عَقلِهِ ومَوضِعِ بَصیرَتِهِ، وبِرَسولِهِ عَلی فَهمِهِ وفِطنَتِهِ [(2)](#content_note_174_2).

ز:التَّصدیقُ وَالإِنکار

475-الإمام الصادق علیه السلام: إذا أرَدتَ أن تَختَبِرَ عَقلَ الرَّجُلِ فی مَجلِسٍ واحِدٍ فَحَدِّثهُ فی خِلالِ حَدیثِکَ بِما لا یَکونُ،فَإِن أنکَرَهُ فَهُوَ عاقِلٌ،وإن صَدَّقَهُ فَهُوَ أحمَقُ [(3)](#content_note_174_3).

ح:الخَلیل

476-الإمام علیّ علیه السلام: خَلیلُ المَرءِ دَلیلٌ عَلی عَقلِهِ،وکَلامُهُ بُرهانُ فَضلِهِ [(4)](#content_note_174_4).

4/5 جَوامِعُ ما یُختَبَرُ بِهِ العَقلُ

477-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: سَبعَهُ أشیاءَ تَدُلُّ عَلی عُقولِ أصحابِها:المالُ یَکشِفُ عَن مِقدارِ عَقلِ صاحِبِهِ،وَالحاجَهُ تَدُلُّ عَلی عَقلِ صاحِبِها،وَالمُصیبَهُ تَدُلُّ عَلی عَقلِ صاحِبِها إذا نَزَلَت بِهِ،وَالغَضَبُ یَدُلُّ عَلی عَقلِ صاحِبِهِ،وَالکِتابُ یَدُلُّ عَلی عَقلِ صاحِبِهِ،وَالرَّسولُ یَدُلُّ عَلی عَقلِ مَن أرسَلَهُ،وَالهَدِیَّهُ تَدُلُّ عَلی مِقدارِ عَقلِ مُهدیها [(5)](#content_note_174_5).

478-عنه صلی الله علیه و آله: اعتَبِروا عَقلَ الرَّجُلِ فی ثَلاثٍ:فی طولِ لِحیَتِهِ،وکُنیَتِهِ،ونَقشِ فَصِّ

ص:174

1- (1) غرر الحکم:5436،4312،7260،4167. [1]

2- (2) المحاسن:618/311/1، [2]بحارالأنوار:15/130/1. [3]

3- (3) الاختصاص:245.

4- (4) غرر الحکم:5088. [4]

5- (5) معدن الجواهر:60، [5]تنبیه الخواطر:111/2 [6] عن الإمام الکاظم علیه السلام نحوه،وراجع تحف العقول:323.

خرد خویش مُهر می زنی.

474.امام صادق علیه السلام: از نوشتۀ آدمی بر خرد و بینش او استدلال می شود،و از فرستاده اش بر فهم و زیرکی او.

ر.ک:حدیث 477 و 483«بنیادهای سنجش خرد».

##### ز:تصدیق و انکار

475.امام صادق علیه السلام: هرگاه خواستی عقل انسانی را در یک نشست بیازمایی،در لابه لای سخنت به امری محال اشاره کن.اگر انکار کرد،خردمند است و اگر تصدیق کرد،احمق است.

##### ح:دوست

476.امام علی علیه السلام: دوست آدمی،نشانۀ خردمندی اوست و سخن او،دلیل فضلش.

ر.ک:حدیث 479«بنیادهای سنجش خرد».

#### 4/5 بنیادهای سنجش خرد

477.امام علی علیه السلام: هفت چیز بر خردمندی صاحبان خرد،دلالت دارد:ثروت از میزان خردمندی صاحب مال پرده برمی دارد؛نیازمندیْ بر خردِ نیازمند دلالت دارد؛بلا و مصیبت بر خرد بلا دیده،دلالت دارد؛خشم بر خردِ خشمگین دلالت دارد؛نوشته بر خرد نویسنده راهنمایی می کند؛فرستاده بر خرد فرستنده دلالت دارد؛و هدیه و چشمْ روشنی بر اندازۀ عقل هدیه دهنده دلالت دارد.

478.پیامبر صلی الله علیه و آله: عقل مرد را با سه چیز بیازمایید:بلندی ریش،کنیه و نوشتۀ نگین

ص:175

خاتَمِهِ [(1)](#content_note_176_1).

479-الإمام علیّ علیه السلام: سِتَّهٌ تُختَبَرُ بِها عُقولُ الرِّجالِ:المُصاحَبَهُ،وَالمُعامَلَهُ،وَالوَلایَهُ، وَالعَزلُ،وَالغِنی،وَالفَقرُ [(2)](#content_note_176_2).

480-عنه علیه السلام: سِتَّهٌ تُختَبَرُ بِها عُقولُ النّاسِ:الحِلمُ عِندَ الغَضَبِ،وَالصَّبرُ عِندَ الرَّهَبِ، وَالقَصدُ عِندَ الرَّغبِ،وتَقوَی اللّهِ فی کُلِّ حالٍ،وحُسنُ المُداراهِ،وقِلَّهُ المُماراهِ [(3)](#content_note_176_3).

481-عنه علیه السلام: ثَلاثٌ یُمتَحَنُ بِها عُقولُ الرِّجالِ،هُنَّ:المالُ،وَالوَلایَهُ،وَالمُصیبَهُ [(4)](#content_note_176_4).

482-عنه علیه السلام: المَرءُ یَتَغَیَّرُ فی ثَلاثٍ:القُربِ مِنَ المُلوکِ،وَالوَلایاتِ،وَالغَناءِ مِنَ الفَقرِ.فَمَن لَم یَتَغَیَّر فی هذِهِ فَهُوَ ذو عَقلٍ قَویمٍ وخُلُقٍ مُستَقیمٍ [(5)](#content_note_176_5).

483-عنه علیه السلام: ثَلاثَهٌ تَدُلُّ عَلی عُقولِ أربابِها:الرَّسولُ،وَالکِتابُ،وَالهَدِیَّهُ [(6)](#content_note_176_6).

484-عنه علیه السلام: إنَّ مِن عَلامَهِ العاقِلِ أن یَکونَ فیهِ ثَلاثُ خِصالٍ:یُجیبُ إذا سُئِلَ، ویَنطِقُ إذا عَجَزَ القَومُ عَنِ الکَلامِ،ویُشیرُ بِالرَّأیِ الَّذی یَکونُ فیهِ صَلاحُ أهلِهِ،فَمَن لَم یَکُن فیهِ مِن هذِهِ الخِصالِ الثَّلاثِ شَیءٌ فَهُوَ أحمَقُ [(7)](#content_note_176_7).

485-عنه علیه السلام: یُستَدَلُّ عَلی عَقلِ الرَّجُلِ بِکَثرَهِ وَقارِهِ وحُسنِ احتِمالِهِ،وعَلی کَرَمِ أصلِهِ بِحُسنِ أفعالِهِ [(8)](#content_note_176_8).

486-عنه علیه السلام: عِندَ غُرورِ الأَطماعِ وَالآمالِ تَنخَدِعُ عُقولُ الجُهّالِ،وتُختَبَرُ ألبابُ الرِّجالِ [(9)](#content_note_176_9).

ص:176

1- (1) الفردوس:287/89/1 عن عمرو بن العاص؛الخصال:60/103 عن عبدالأعلی مولی آل سام،مکارم الأخلاق:435/159/1 کلاهما عن الإمام الصادق علیه السلام.

2- (2) غرر الحکم:5600،5608،4664،2133. [1]

3- (3) غرر الحکم:5600،5608،4664،2133. [2]

4- (4) غرر الحکم:5600،5608،4664،2133. [3]

5- (5) غرر الحکم:5600،5608،4664،2133. [4]

6- (6) غرر الحکم:4681؛ [5]شرح نهج البلاغه:887/340/20 وفیه«ثلاثه أشیاء»مع تقدیم وتأخیر.

7- (7) الکافی:12/19/1 [6] عن هشام بن الحکم،تحف العقول:389 کلاهما عن الإمام الکاظم علیه السلام،بحارالأنوار:298/71. [7]

8- (8) غرر الحکم:10975،6222،5439. [8]

9- (9) غرر الحکم:10975،6222،5439. [9]

انگشتری اش.

479.امام علی علیه السلام: با شش چیز خرد مردان آزموده شود:همنشینی،رفتار،منصب، کناره گیری از مقام،ثروت و تنگدستی.

480.امام علی علیه السلام: با شش چیز،عقل آدمیان سنجیده شود:بردباری به هنگام خشم، شکیبایی به هنگام ترس،میانه روی به هنگام میل و رغبت،تقوای خداوند در همۀ حالات،نرمخویی با مردم و کم جدال کردن.

481.امام علی علیه السلام: با سه چیز،عقل مردان سنجیده شود:ثروت،مقام و حوادث ناگوار.

482.امام علی علیه السلام: آدمی در سه جا دگرگون شود:نزدیکی به پادشاهان،رسیدن به مقام و منصب و رهیدن از تنگدستی.هرکه در این سه حالت دگرگون نشود، دارای خردی استوار و خُلق و خویی درست است.

483.امام علی علیه السلام: سه چیز بر خرد صاحبانش دلالت دارد:فرستاده،نوشته و هدیه.

484.امام علی علیه السلام: از نشانه های خردمند آن است که در او سه فضیلت باشد:چون از او بپرسند،پاسخ دهد؛هنگامی که دیگری از سخن گفتن بازماند،سخن گوید؛و رأیی را ابراز دارد که صلاحِ اهلش در آن باشد.پس هر کس که این برتری های سه گانه در او نباشد،نادان است.

485.امام علی علیه السلام: از متانت بسیار و پایداری نیکو،بر خرد آدمی استدلال شود و از رفتارِ زیبایش بر بزرگواری اصل و نسبش.

486.امام علی علیه السلام: هنگام فریب آزمندی و آرزوها،عقل نادانْ فریب خورد و خرد مردانْ سنجیده شود.

ص:177

487-عنه علیه السلام: رَزانَهُ العَقلِ تُختَبَرُ فِی الرِّضا والحُزنِ [(1)](#content_note_178_1).

488-عنه علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:العَقلُ یَظهَرُ بِالمُعامَلَهِ،وشِیَمُ الرِّجالِ تُعرَفُ بِالوَلایَهِ [(2)](#content_note_178_2).

5/5 صِفاتُ العُقَلاءِ

489-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: صِفَهُ العاقِلِ أن یَحلُمَ عَمَّن جَهِلَ عَلَیهِ،ویَتَجاوَزَ عَمَّن ظَلَمَهُ، ویَتَواضَعَ لِمَن هُوَ دونَهُ،ویُسابِقَ مَن فَوقَهُ فی طَلَبِ البِرِّ،وإذا أرادَ أن یَتَکَلَّمَ تَدَبَّرَ فَإِن کانَ خَیرًا تَکَلَّمَ فَغَنِمَ،وإن کانَ شَرًّا سَکَتَ فَسَلِمَ،وإذا عَرَضَت لَهُ فِتنَهٌ استَعصَمَ بِاللّهِ وأمسَکَ یَدَهُ ولِسانَهُ،وإذا رَأی فَضیلَهً انتَهَزَ بِها،لا یُفارِقُهُ الحَیاءُ،ولا یَبدو مِنهُ الحِرصُ،فَتِلکَ عَشرُ خِصالٍ یُعرَفُ بِهَا العاقِلُ [(3)](#content_note_178_3).

490-عنه صلی الله علیه و آله -فی بَیانِ ما یَتَشَعَّبُ مِنَ العَقلِ-:أمَّا الرَّزانَهُ فَیَتَشَعَّبُ مِنهَا:اللُّطفُ وَالحَزمُ،وأداءُ الأَمانَهِ وتَرکُ الخِیانَهِ،وصِدقُ اللِّسانِ،وتَحصینُ الفَرجِ، وَاستِصلاحُ المالِ،وَالاِستِعدادُ لِلعَدُوِّ،وَالنَّهیُ عَنِ المُنکَرِ،وتَرکُ السَّفَهِ، فَهذا ما أصابَ العاقِلُ بِالرَّزانَهِ.فَطوبی لِمَن تَوَقَّرَ،ولِمَن لَم تَکُن لَهُ خِفَّهٌ ولا جاهِلِیَّهٌ،وعَفا وصَفَحَ [(4)](#content_note_178_4).

491-عنه صلی الله علیه و آله: إنَّمَا العاقِلُ مَن عَقَلَ عَنِ اللّهِ أمرَهُ ونَهیَهُ [(5)](#content_note_178_5).

492-عنه صلی الله علیه و آله: العاقِلُ یَستَریحُ فی وَحدَتِهِ إلی عَقلِهِ،وَالجاهِلُ یَتَوَحَّشُ مِن نَفسِهِ؛ لِأَنَّ صَدیقَ کُلِّ إنسانٍ عَقلُهُ،وعَدُوَّهُ جَهلُهُ [(6)](#content_note_178_6).

ص:178

1- (1) غرر الحکم:10975،6222،5439. [1]

2- (2) شرح نهج البلاغه:401/297/20.

3- (3) تحف العقول:28،معدن الجواهر:70 [2] نحوه،وراجع تنبیه الخواطر:246/2. [3]

4- (4) تحف العقول:17.

5- (5) حلیه الأولیاء:387/9 عن ذی النون المصری،الفردوس:4242/86/3 عن ابن عمر،ولیس فیه«ونهیه».

6- (6) کنزالفوائد:32/2. [4]

487.امام علی علیه السلام: متانت عقل،در خوشی و غم سنجیده شود.

488.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:خرد،با رفتار آشکار شود و خلق و خوی مردان،با مقامشان شناخته گردد.

#### 5/5 ویژگی های خردمندان

ویژگی های خردمندان[(1)](#content_note_179_1)

489.پیامبر صلی الله علیه و آله: ویژگی خردمند،آن است که در برابر حماقت نادان بردباری کند؛از آنکه بر او ستم کرده بگذرد؛نسبت به زیردستان فروتنی کند؛با بالادستان در جستجوی خوبی،رقابت ورزد،هر گاه خواست سخن گوید،بیندیشد؛اگر خوبی بود،بر زبان آورد و بهره جوید،و اگر بدی بود،سکوت کند و سالم بماند؛و اگر لغزشگاهی برایش پیش آمد،از خداوند سلامت جوید و دست و زبان خود را نگه دارد؛و اگر فضیلتی دید،به سرعت از آن بهره گیرد؛حیا و آزرم را هیچ گاه از خود جدا نکند،و آزمندی از او سر نزند؛اینها خصلتهای دهگانه ای است که خردمند با آنها شناخته می شود.

490.پیامبر صلی الله علیه و آله -در توضیح آنچه از عقل سرچشمه گیرد-:امّا متانت و سنگینی، پس از آن سرچشمه گیرد:مهربانی،دور اندیشی،بازگرداندن امانت،ترک خیانت،راستگویی،پاکدامنی،ثروت،آمادگی در برابر دشمن،بازداشتن از زشتی و کنار نهادن ابلهی.اینها خصلتهایی است که از متانت و سنگینی نصیب خردمند شود.پس خوشا به حال کسی که وقار و سنگینی جوید و سَبُکسَر و نادان نباشد،ببخشاید و بگذرد.

491.پیامبر صلی الله علیه و آله: همانا خردمند،کسی است که امر و نهی الهی را درک کند.

492.پیامبر صلی الله علیه و آله: خردمند،در تنهایی با عقل خویش راضی است و نادانْ از خویشتن وحشت دارد؛چرا که دوست هر انسانی،خرد اوست و دشمنشْ نادانی او.

ص:179

1- (1)واژه های«عقل»،«نُهی»و«لُبّ»در فارسی نزدیک به هم معنا می شوند.از این رو در ترجمۀ عنوانها،به یکسان به فارسی برگردانده شده اند.

493-عنه صلی الله علیه و آله: العاقِلُ لا یَکشِفُ إلّاعَن فَضلٍ وإن کانَ عَیِیًّا مَهینًا عِندَ النّاسِ [(1)](#content_note_180_1).

494-عنه صلی الله علیه و آله: العاقِلُ کَثیرُ الوَجَلِ،قَلیلُ الأَمانی وَالأَمَلِ [(2)](#content_note_180_2).

495-الإمام علیّ علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:العاقِلُ إذا تَکَلَّمَ بِکَلِمَهٍ أتبَعَها حِکمَهً ومَثَلًا،وَالأَحمَقُ إذا تَکَلَّمَ بِکَلِمَهٍ أتبَعَها حَلِفًا [(3)](#content_note_180_3).

496-عنه علیه السلام -أیضًا-:العاقِلُ یُنافِسُ الصّالِحینَ لِیَلحَقَ بِهِم،ویُحِبُّهُم لِیُشارِکَهُم بِمَحَبَّتِهِ وإن قَصَّرَ عَن مِثلِ عَمَلِهِم [(4)](#content_note_180_4).

497-عنه علیه السلام -أیضًا-:العاقِلُ بِخُشونَهِ العَیشِ مَعَ العُقَلاءِ آنَسُ مِنهُ بِلینِ العَیشِ مَعَ السُّفَهاءِ [(5)](#content_note_180_5).

498-عنه علیه السلام: العاقِلُ مَنِ اتَّعَظَ بِغَیرِهِ [(6)](#content_note_180_6).

499-عنه علیه السلام: العاقِلُ یَطلُبُ الکَمالَ،الجاهِلُ یَطلُبُ المالَ [(7)](#content_note_180_7).

500-عنه علیه السلام: العاقِلُ مَن وَقَفَ حَیثُ عَرَفَ [(8)](#content_note_180_8).

501-عنه علیه السلام: العاقِلُ إذا عَلِمَ عَمِلَ،وإذا عَمِلَ أخلَصَ،وإذا أخلَصَ اعتَزَلَ [(9)](#content_note_180_9).

502-عنه علیه السلام: العاقِلُ مَنِ اتَّهَمَ رَأیَهُ ولَم یَثِق بِکُلِّ ما تُسَوِّلُ لَهُ نَفسُهُ [(10)](#content_note_180_10).

503-عنه علیه السلام: العاقِلُ مَن یَملِکُ نَفسَهُ إذا غَضِبَ وإذا رَغِبَ وإذا رَهِبَ [(11)](#content_note_180_11).

504-عنه علیه السلام: العاقِلُ مَن صانَ لِسانَهُ عَنِ الغیبَهِ [(12)](#content_note_180_12).

505-عنه علیه السلام: العاقِلُ إذا سَکَتَ فَکَرَ،وإذا نَطَقَ ذَکَرَ،وإذا نَظَرَ اعتَبَرَ [(13)](#content_note_180_13).

506-عنه علیه السلام: العاقِلُ عَدُوُّ لَذَّتِهِ،الجاهِلُ عَبدُ شَهوَتِهِ [(14)](#content_note_180_14).

507-عنه علیه السلام: العاقِلُ مَن أماتَ شَهوَتَهُ [(15)](#content_note_180_15).

ص:180

1- (1) تاریخ بغداد:223/13، [1]المطالب العالیه:3300/216/3 نقلًا عن مسند الحارث وکلاهما عن أبی الدرداء.

2- (2) تنبیه الخواطر:118/2. [2]

3- (3) شرح نهج البلاغه:306/289/20،و ص 670/320 وص895/340.

4- (4) شرح نهج البلاغه:306/289/20،و ص 670/320 وص895/340.

5- (5) شرح نهج البلاغه:306/289/20،و ص 670/320 وص895/340.

6- (6) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [3]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

7- (7) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [4]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

8- (8) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [5]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

9- (9) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [6]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

10- (10) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [7]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

11- (11) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [8]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

12- (12) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [9]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

13- (13) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [10]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

14- (14) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [11]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

15- (15) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [12]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

493.پیامبر صلی الله علیه و آله: خردمند،همیشه از خوبی ها پرده برمی دارد،گرچه عیبهایی بزرگتر در میان مردم باشد.

494.پیامبر صلی الله علیه و آله: خردمند،بسیار در هراس است و آمال و آرزوهایش کم است.

495.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:خردمند،هرگاه سخنی گوید، آن را با سخنی حکیمانه و ضرب المثلی همراه سازد،و نادان هرگاه سخن گوید،آن را با سوگند همراه کند.

496.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:خردمند،به نیکان غبطه می خورد تا به آنان ملحق شود و آنان را دوست می دارد تا با دوستی اش با آنان شریک شود،گرچه در عمل،مانند آنان نباشد.

497.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:خردمند،با زندگی سخت، همراه خردمندان،مأنوس تر است تا زندگی خوش،همراه ابلهان.

498.امام علی علیه السلام: خردمند آن است که از دیگران عبرت گیرد.

499.امام علی علیه السلام: خردمند،در جستجوی کمال است و نادانْ در جستجوی ثروت.

500.امام علی علیه السلام: خردمند،آن است که در آن جا که فهمید،می ایستد.

501.امام علی علیه السلام: خردمند،هرگاه بداند،عمل کند و هرگاه عمل کند،آن را خالص سازد،و هرگاه [عمل خود را] خالص کند،کناره گیرد.

502.امام علی علیه السلام: خردمند،کسی است که رأی خویش را متّهم سازد و به آنچه نفس او برایش بیاراید،اعتماد نکند.

503.امام علی علیه السلام: خردمند،کسی است که نفْس خویش را در خشم،رغبت و ترسْ در اختیار خود بگیرد.

504.امام علی علیه السلام: خردمند،کسی است که زبانش را از بدگویی پشت سر دیگران،نگه دارد.

505.امام علی علیه السلام: خردمند،کسی است که هرگاه سکوت کند،بیندیشد و هرگاه سخن گوید،[خدا را] به یاد داشته باشد،و هرگاه بنگرد،عبرت گیرد.

506.امام علی علیه السلام: خردمند،دشمن خوشی های خویش است و نادان،بندۀ شهوت خویش.

507.امام علی علیه السلام: خردمند،آن است که شهوتش را بمیراند.

ص:181

508-عنه علیه السلام: العاقِلُ مَن غَلَبَ نَوازِعَ أهوِیَتِهِ [(1)](#content_note_182_1).

509-عنه علیه السلام: العاقِلُ مَن قَمَعَ هَواهُ بِعَقلِهِ [(2)](#content_note_182_2).

510-عنه علیه السلام: العاقِلُ یَعتَمِدُ عَلی عَمَلِهِ،الجاهِلُ یَعتَمِدُ عَلی أمَلِهِ [(3)](#content_note_182_3).

511-عنه علیه السلام: العاقِلُ یَألَفُ مِثلَهُ،الجاهِلُ یَمیلُ إلی شِکلِهِ [(4)](#content_note_182_4).

512-عنه علیه السلام: العاقِلُ مَن یَزهَدُ فیما یَرغَبُ فیهِ الجاهِلُ [(5)](#content_note_182_5).

513-عنه علیه السلام: العاقِلُ لا یَفرُطُ بِهِ عُنفٌ،ولا یَقعُدُ بِهِ ضَعفٌ [(6)](#content_note_182_6).

514-عنه علیه السلام: العاقِلُ مَن أحرَزَ أمرَهُ [(7)](#content_note_182_7).

515-عنه علیه السلام: العاقِلُ یَجتَهِدُ فی عَمَلِهِ ویُقَصِّرُ مِن أمَلِهِ [(8)](#content_note_182_8).

516-عنه علیه السلام: العاقِلُ یَتَقاضی نَفسَهُ بِما یَجِبُ عَلَیهِ،ولا یَتَقاضی لِنَفسِهِ بِما یَجِبُ لَهُ [(9)](#content_note_182_9).

517-عنه علیه السلام: العاقِلُ مَن تَغَمَّدَ الذُّنوبَ بِالغُفرانِ [(10)](#content_note_182_10).

518-عنه علیه السلام: العاقِلُ مَن سَلَّمَ إلَی القَضاءِ وعَمِلَ بِالحَزمِ [(11)](#content_note_182_11).

519-عنه علیه السلام: العاقِلُ مَن بَذَلَ نَداهُ [(12)](#content_note_182_12).

520-عنه علیه السلام: العاقِلُ یَضَعُ نَفسَهُ فَیَرتَفِعُ [(13)](#content_note_182_13).

521-عنه علیه السلام: إنَّ العاقِلَ یَتَّعِظُ بِالآدابِ،وَالبَهائِمَ لا تَتَّعِظُ إلّابِالضَّربِ [(14)](#content_note_182_14).

522-عنه علیه السلام: إنَّ العاقِلَ مَن نَظَرَ فی یَومِهِ لِغَدِهِ،وسَعی فی فَکاکِ نَفسِهِ،وعَمِلَ لِما لابُدَّ لَهُ مِنهُ ولا مَحیصَ لَهُ عَنهُ [(15)](#content_note_182_15).

523-عنه علیه السلام: إنَّ العاقِلَ لا یَنخَدِعُ لِلطَّمَعِ [(16)](#content_note_182_16).

ص:182

1- (1) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [1]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

2- (2) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [2]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

3- (3) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [3]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

4- (4) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [4]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

5- (5) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [5]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

6- (6) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [6]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

7- (7) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [7]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

8- (8) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [8]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

9- (9) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [9]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

10- (10) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [10]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

11- (11) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [11]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

12- (12) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [12]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

13- (13) غرر الحکم:1284،579،1391،1936،1851،2015،1955،1813،(448 و 449)، [13]1194،2181،2198،1240،(326 و 327)،1523،1995،1113،1966،2066،1697،2195،1262،677.

14- (14) نهج البلاغه:الکتاب 31،غرر الحکم:3560. [14]

15- (15) غرر الحکم:3570،3424،6846،959،6826،(7328 و 7329)، [15]5402،5776،(4708 و 4709)،5896،5420،6422،6381.

16- (16) غرر الحکم:3570،3424،6846،959،6826،(7328 و 7329)، [16]5402،5776،(4708 و 4709)،5896،5420،6422،6381.

508.امام علی علیه السلام: خردمند،کسی است که بر اسباب هواهای نفسانی پیروز گردد.

509.امام علی علیه السلام: خردمند،کسی است که با خرد،هوای نفس خود را ریشه کن سازد.

510.امام علی علیه السلام: خردمند،بر تلاش خود تکیه می کند و نادانْ بر آرزوهایش.

511.امام علی علیه السلام: خردمند،با خردمندْ الفت گیرد و نادانْ با نادان.

512.امام علی علیه السلام: خردمند،کسی است که در آنچه نادان بدان میل کند،بی رغبت است.

513.امام علی علیه السلام: خردمند را زور به زیاده روی وا ندارد و ناتوانی،او را از کار نیندازد.

514.امام علی علیه السلام: خردمند،کسی است که کارش را محکم سازد.

515.امام علی علیه السلام: خردمند،در کار تلاش می کند و از آرزوهایش می کاهد.

516.امام علی علیه السلام: خردمند،از خودْ بازخواست کند دربارۀ آنچه بر او واجب است،و از خود،در آنچه به سود اوست،بازخواست نکند.

517.امام علی علیه السلام: خردمند،کسی است که گناهان را به آمرزش بپوشاند.

518.امام علی علیه السلام: خردمند،کسی است که تسلیم قضای [الهی] شود و با دوراندیشی رفتار کند.

519.امام علی علیه السلام: خردمند،کسی است که جود و بخشش کند.

520.امام علی علیه السلام: خردمند،خود را کوچک شمارد؛پس بزرگ شود.

521.امام علی علیه السلام: خردمند،از آداب و رسوم،پند گیرد و چارپایان،جز با کتک پند نگیرند.

522.امام علی علیه السلام: خردمند،کسی است که در امروزش برای فردای خود بنگرد و در رهایی خویش،تلاش کند و برای آنچه از آن بی نیاز نیست و راه فرار ندارد، عمل کند.

523.امام علی علیه السلام: خردمند،فریفتۀ آزمندی نشود.

ص:183

524-عنه علیه السلام: کُلُّ عاقِلٍ مَحزونٌ [(1)](#content_note_184_1).

525-عنه علیه السلام: العاقِلُ مَهمومٌ مَغمومٌ [(2)](#content_note_184_2).

526-عنه علیه السلام: کُلُّ عاقِلٍ مَغمومٌ [(3)](#content_note_184_3).

527-عنه علیه السلام: لِلعاقِلِ فی کُلِّ عَمَلٍ إحسانٌ،لِلجاهِلِ فی کُلِّ حالَهٍ خُسرانٌ [(4)](#content_note_184_4).

528-عنه علیه السلام: رَدعُ الهَوی شیمَهُ العُقَلاءِ [(5)](#content_note_184_5).

529-عنه علیه السلام: شیمَهُ العُقَلاءِ قِلَّهُ الشَّهوَهِ وقِلَّهُ الغَفلَهِ [(6)](#content_note_184_6).

530-عنه علیه السلام: ثَروَهُ العاقِلِ فی عِلمِهِ وعَمَلِهِ،ثَروَهُ الجاهِلِ فی مالِهِ وأمَلِهِ [(7)](#content_note_184_7).

531-عنه علیه السلام: ضالَّهُ العاقِلِ الحِکمَهُ،فَهُوَ أحَقُّ بِها حَیثُ کانَت [(8)](#content_note_184_8).

532-عنه علیه السلام: رَغبَهُ العاقِلِ فِی الحِکمَهِ،وهِمَّهُ الجاهِلِ فِی الحَماقَهِ [(9)](#content_note_184_9).

533-عنه علیه السلام: غِنَی العاقِلِ بِحِکمَتِهِ،وعِزُّهُ بِقَناعَتِهِ [(10)](#content_note_184_10).

534-عنه علیه السلام: غِنَی العاقِلِ بِعِلمِهِ [(11)](#content_note_184_11).

535-عنه علیه السلام: صَدرُ العاقِلِ صُندوقُ سِرِّهِ [(12)](#content_note_184_12).

536-عنه علیه السلام: لِسانُ العاقِلِ وَراءَ قَلبِهِ،وقَلبُ الأَحمَقِ وَراءَ لِسانِهِ [(13)](#content_note_184_13).

537-عنه علیه السلام: قَلبُ الأَحمَقِ فی فیهِ،ولِسانُ العاقِلِ فی قَلبِهِ [(14)](#content_note_184_14).

538-عنه علیه السلام: کَلامُ العاقِلِ قوتٌ،وجَوابُ الجاهِلِ سُکوتٌ [(15)](#content_note_184_15).

539-عنه علیه السلام: غَضَبُ الجاهِلِ فی قَولِهِ،وغَضَبُ العاقِلِ فی فِعلِهِ [(16)](#content_note_184_16).

540-عنه علیه السلام: قَطیعَهُ العاقِلِ لَکَ بَعدَ نَفاذِ الحیلَهِ فیکَ [(17)](#content_note_184_17).

541-عنه علیه السلام: مُرُوَّهُ العاقِلِ دینُهُ،وحَسَبُهُ أدَبُهُ [(18)](#content_note_184_18).

ص:184

1- (1) غرر الحکم:3570،3424،6846،959،6826،(7328 و 7329)، [1]5402،5776،(4708 و 4709)،5896،5420،6422،6381.

2- (2) غرر الحکم:3570،3424،6846،959،6826،(7328 و 7329)، [2]5402،5776،(4708 و 4709)،5896،5420،6422،6381.

3- (3) غرر الحکم:3570،3424،6846،959،6826،(7328 و 7329)، [3]5402،5776،(4708 و 4709)،5896،5420،6422،6381.

4- (4) غرر الحکم:3570،3424،6846،959،6826،(7328 و 7329)، [4]5402،5776،(4708 و 4709)،5896،5420،6422،6381.

5- (5) غرر الحکم:3570،3424،6846،959،6826،(7328 و 7329)، [5]5402،5776،(4708 و 4709)،5896،5420،6422،6381.

6- (6) غرر الحکم:3570،3424،6846،959،6826،(7328 و 7329)، [6]5402،5776،(4708 و 4709)،5896،5420،6422،6381.

7- (7) غرر الحکم:3570،3424،6846،959،6826،(7328 و 7329)، [7]5402،5776،(4708 و 4709)،5896،5420،6422،6381.

8- (8) غرر الحکم:3570،3424،6846،959،6826،(7328 و 7329)، [8]5402،5776،(4708 و 4709)،5896،5420،6422،6381.

9- (9) غرر الحکم:3570،3424،6846،959،6826،(7328 و 7329)، [9]5402،5776،(4708 و 4709)،5896،5420،6422،6381.

10- (10) غرر الحکم:3570،3424،6846،959،6826،(7328 و 7329)، [10]5402،5776،(4708 و 4709)،5896،5420،6422،6381.

11- (11) غرر الحکم:3570،3424،6846،959،6826،(7328 و 7329)، [11]5402،5776،(4708 و 4709)،5896،5420،6422،6381.

12- (12) نهج البلاغه:الحکمه 6، [12]غرر الحکم:5875، [13]روضه الواعظین:8. [14]

13- (13) نهج البلاغه:الحکمه 40، [15]غرر الحکم:7610؛ [16]المناقب للخوارزمی:395/377 نقلًا عن الجاحظ عن الإمام علیّ علیه السلام.

14- (14) نهج البلاغه:الحکمه 41، [17]غرر الحکم:6774؛ [18]المناقب للخوارزمی:395/376 نقلًا عن الجاحظ عن الإمام علیّ علیه السلام.

15- (15) غرر الحکم:7224. [19]

16- (16) کنزالفوائد:199/1. [20]

17- (17) غرر الحکم:6788،9779،5577،10734،9968،2378،( [21]9469 و 9470 و 9471)،10215،7178،6295،3325،6138،4497،4103،6328،1161.

18- (18) غرر الحکم:6788،9779،5577،10734،9968،2378،(9469 و 9470 و 9471)،10215،7178،6295،3325،6138،4497،4103،6328،1161.

524.امام علی علیه السلام: هر خردمندی غمگین است.

525.امام علی علیه السلام: خردمند،غمین و حزین است.

526.امام علی علیه السلام: هر خردمندی،غمگین است.

527.امام علی علیه السلام: خردمند،در هر کاری نیکی کند و نادان،همیشه در زیان است.

528.امام علی علیه السلام: طرد هوای نفس،روش خردمندان است.

529.امام علی علیه السلام: خصلتِ خردمندان،کمیِ شهوت و غفلت است.

530.امام علی علیه السلام: سرمایۀ خردمند،در دانش و رفتار اوست و سرمایۀ نادانْ در ثروت و آرزوی او.

531.امام علی علیه السلام: حکمت،گمشده خردمند است؛پس بدان سزاوارتر است،هرجا که باشد.

532.امام علی علیه السلام: میلِ خردمند؛در حکمت است و قصدِ نادانْ در حماقت.

533.امام علی علیه السلام: بی نیازی خردمند به حکمت اوست و عزّتش به قناعت.

534.امام علی علیه السلام: بی نیازی خردمند،به دانش اوست.

535.امام علی علیه السلام: سینۀ خردمند،صندوق اسرار اوست.

536.امام علی علیه السلام: زبان خردمند در پسِ قلب اوست و قلب نادانْ در پسِ زبانش.

537.امام علی علیه السلام: قلب نادانْ در دهان اوست و زبان خردمند،در قلب او.

538.امام علی علیه السلام: سخن خردمند،خوراک است و پاسخ نادان،سکوت.

539.امام علی علیه السلام: خشم نادانْ در سخن او آشکار شود و خشم خردمند در کارهایش.

540.امام علی علیه السلام: بریدن خردمند از تو،پس از تأثیر چاره ها در توست.

541.امام علی علیه السلام: جوانمردی خردمند،دینداری اوست و تبار او،ادب اوست.

ص:185

542-عنه علیه السلام: سُلطانُ العاقِلِ یَنشُرُ مَناقِبَهُ [(1)](#content_note_186_1).

543-عنه علیه السلام: لا یَحلُمُ عَنِ السَّفیهِ إلَّاالعاقِلُ [(2)](#content_note_186_2).

544-عنه علیه السلام: نِصفُ العاقِلِ احتِمالٌ،ونِصفُهُ تَغافُلٌ [(3)](#content_note_186_3).

545-عنه علیه السلام: احتَمِل ما یَمُرُّ عَلَیکَ،فَإِنَّ الاِحتِمالَ سِترُ العُیوبِ،وإنَّ العاقِلَ نِصفُهُ احتِمالٌ ونِصفُهُ تَغافُلٌ [(4)](#content_note_186_4).

546-عنه علیه السلام: ما حَقَّرَ نَفسَهُ إلّاعاقِلٌ،ما نَقَّصَ نَفسَهُ إلّاکامِلٌ،ما اعجِبَ بِرَأیِهِ إلّا جاهِلٌ [(5)](#content_note_186_5).

547-عنه علیه السلام: لا تُعاتِبِ الجاهِلَ فَیَمقُتَکَ،وعاتِبِ العاقِلَ یُحبِبکَ [(6)](#content_note_186_6).

548-عنه علیه السلام: کُن بِعَدُوِّکَ العاقِلِ أوثَقَ مِنکَ بِصَدیقِکَ الجاهِلِ [(7)](#content_note_186_7).

549-عنه علیه السلام: عَداوَهُ العاقِلِ خَیرٌ مِن صَداقَهِ الجاهِلِ [(8)](#content_note_186_8).

550-عنه علیه السلام: أدرَکُ النّاسِ لِحاجَتِهِ ذُو العَقلِ المُتَرَفِّقُ [(9)](#content_note_186_9).

551-عنه علیه السلام: عَلَیکَ بِالصَّبرِ،فَبِهِ یَأخُذُ العاقِلُ وإلَیهِ یَرجِعُ الجاهِلُ [(10)](#content_note_186_10).

552-عنه علیه السلام: تَلویحُ زَلَّهِ العاقِلِ لَهُ مِن أمَضِّ عِتابِهِ [(11)](#content_note_186_11).

553-عنه علیه السلام: إذا لَوَّحتَ لِلعاقِلِ فَقَد أوجَعتَهُ عِتابًا [(12)](#content_note_186_12).

554-عنه علیه السلام: عُقوبَهُ العُقَلاءِ التَّلویحُ [(13)](#content_note_186_13).

555-عنه علیه السلام: التَّعریضُ لِلعاقِلِ أشَدُّ عِتابِهِ [(14)](#content_note_186_14).

556-عنه علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:مِن صِفَهِ العاقِلِ أن لا یَتَحَدَّثَ بِما یُستَطاعُ تَکذیبُهُ فیهِ [(15)](#content_note_186_15).

ص:186

1- (1) غرر الحکم:6788،9779،5577،10734،9968،2378،( [1]9469 و 9470 و 9471)،10215،7178،6295،3325،6138،4497،4103،6328،1161.

2- (2) غرر الحکم:6788،9779،5577،10734،9968،2378،( [2]9469 و 9470 و 9471)،10215،7178،6295،3325،6138،4497،4103،6328،1161.

3- (3) غرر الحکم:6788،9779،5577،10734،9968،2378،( [3]9469 و 9470 و 9471)،10215،7178،6295،3325،6138،4497،4103،6328،1161.

4- (4) غرر الحکم:6788،9779،5577،10734،9968،2378،( [4]9469 و 9470 و 9471)،10215،7178،6295،3325،6138،4497،4103،6328،1161.

5- (5) غرر الحکم:6788،9779،5577،10734،9968،2378،( [5]9469 و 9470 و 9471)،10215،7178،6295،3325،6138،4497،4103،6328،1161.

6- (6) غرر الحکم:6788،9779،5577،10734،9968،2378،( [6]9469 و 9470 و 9471)،10215،7178،6295،3325،6138،4497،4103،6328،1161.

7- (7) غرر الحکم:6788،9779،5577،10734،9968،2378،( [7]9469 و 9470 و 9471)،10215،7178،6295،3325،6138،4497،4103،6328،1161.

8- (8) غرر الحکم:6788،9779،5577،10734،9968،2378،( [8]9469 و 9470 و 9471)،10215،7178،6295،3325،6138،4497،4103،6328،1161.

9- (9) غرر الحکم:6788،9779،5577،10734،9968،2378،( [9]9469 و 9470 و 9471)،10215،7178،6295،3325،6138،4497،4103،6328،1161.

10- (10) غرر الحکم:6788،9779،5577،10734،9968،2378،( [10]9469 و 9470 و 9471)،10215،7178،6295،3325،6138،4497،4103،6328،1161.

11- (11) غرر الحکم:6788،9779،5577،10734،9968،2378،( [11]9469 و 9470 و 9471)،10215،7178،6295،3325،6138،4497،4103،6328،1161.

12- (12) غرر الحکم:6788،9779،5577،10734،9968،2378،( [12]9469 و 9470 و 9471)،10215،7178،6295،3325،6138،4497،4103،6328،1161.

13- (13) غرر الحکم:6788،9779،5577،10734،9968،2378،( [13]9469 و 9470 و 9471)،10215،7178،6295،3325،6138،4497،4103،6328،1161.

14- (14) غرر الحکم:6788،9779،5577،10734،9968،2378،( [14]9469 و 9470 و 9471)،10215،7178،6295،3325،6138،4497،4103،6328،1161.

15- (15) شرح نهج البلاغه:302/289/20.

542.امام علی علیه السلام: سلطنت خردمند،خوبی هایش را پراکنده سازد.

543.امام علی علیه السلام: جز خردمند،کسی در برابر ابلهانْ بردباری نکند.

544.امام علی علیه السلام: نیمی از خردمندی،بردباری است و نیمۀ دیگرشْ خود را به غفلت زدن.

545.امام علی علیه السلام: در برابر آنچه بر تو می گذرد،بردبار باش؛زیرا بردباری،عیبها را می پوشاند.به راستی که نیمی از خردمندی بردباری است و نیمۀ دیگرشْ خود را به غفلت زدن.

546.امام علی علیه السلام: جز خردمند،کسی خود را کوچک نشمارد؛جز کمال یافتگان،کسی خود را ناقص نبیند،و جز نادان،کسی شیفتۀ رأی خود نشود.

547.امام علی علیه السلام: نادان را سرزنش منما که تو را دشمن دارد،و خردمند را سرزنش کن،تا تو را دوست بدارد.

548.امام علی علیه السلام: بر دشمن خردمندت بیشتر اعتماد کن تا دوستِ نادان.

549.امام علی علیه السلام: دشمنی خردمند،بهتر است از دوستی نادان.

550.امام علی علیه السلام: خردمندِ خوشرفتار،بهتر از دیگران به خواسته هایش رسد.

551.امام علی علیه السلام: بر تو باد شکیبایی؛چرا که خردمند،بدان چنگ می زند و نادانْ بدان بازمی گردد.

552.امام علی علیه السلام: دردناک ترین سرزنش برای خردمند،اشاره کردن به لغزشهای اوست.

553.امام علی علیه السلام: اگر به خردمند،کنایه زنی،او را به صورتی دردناک،سرزنش کرده ای.

554.امام علی علیه السلام: کیفر خردمندان،کنایه زدن است.

555.امام علی علیه السلام: کنایه زدن به خردمند،بدترین سرزنش برای اوست.

556.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:از نشانه های خردمند آن است، سخنی که ممکن است در آن تکذیب شود،بر زبان نیاورد.

ص:187

557-عنه علیه السلام: کَلُّ الدُّنیا عَلَی العاقِلِ،وَالأَحمَقُ خَفیفُ الظَّهرِ [(1)](#content_note_188_1).

558-عنه علیه السلام: الرِّجالُ ثَلاثَهٌ:عاقِلٌ وأحمَقُ وفاجِرٌ.فَالعاقِلُ الدّینُ شَریعَتُهُ،وَالحِلمُ طَبیعَتُهُ،وَالرَّأیُ سَجِیَّتُهُ،إن سُئِلَ أجابَ،وإن تَکَلَّمَ أصابَ،وإن سَمِعَ وَعی،وإن حَدَّثَ صَدَقَ،وإنِ اطمَأَنَّ إلَیهِ أحَدٌ وَفی.وَالأَحمَقُ إنِ استُنبِهَ بِجَمیلٍ غَفَلَ،وإنِ استُنزِلَ عَن حَسَنٍ نَزَلَ،وإن حُمِلَ عَلی جَهلٍ جَهِلَ،وإن حَدَّثَ کَذَبَ،لا یَفقَهُ،وإن فُقِّهَ لا یَتَفَقَّهُ.وَالفاجِرُ إنِ ائتَمَنتَهُ خانَکَ،وإن صاحَبتَهُ شانَکَ وإن وَثِقتَ بِهِ لَم یَنصَحکَ [(2)](#content_note_188_2).

559-الإمام الحسن علیه السلام: لا یَغُشُّ العاقِلُ مَنِ استَنصَحَهُ [(3)](#content_note_188_3).

560-عنه علیه السلام: أیُّهَا النّاسُ،أنَا اخبِرُکُم عَن أخٍ لی کانَ مِن أعظَمِ النّاسِ فی عَینی، وکانَ رَأسُ ما عَظُمَ بِهِ فی عَینی صِغَرَ الدُّنیا فی عَینِهِ...کانَ خارِجًا مِن سُلطانِ الجَهالَهِ،فَلا یَمُدُّ یَدَهُ إلّاعَلی ثِقَهٍ لِمَنفَعَهٍ [(4)](#content_note_188_4).

561-الإمام الحسین علیه السلام: إذا وَرَدَت عَلَی العاقِلِ مُلِمَّهٌ قَمَعَ الحُزنَ بِالحَزمِ،وقَرَعَ العَقلَ لِلاِحتِیالِ [(5)](#content_note_188_5).

562-الإمام الصادق علیه السلام: العاقِلُ غَفورٌ،وَالجاهِلُ خَتورٌ [(6)](#content_note_188_6).

563-عنه علیه السلام: صاحِبُ الفِقهِ وَالعَقلِ ذو کَآبَهٍ وحُزنٍ وسَهَرٍ [(7)](#content_note_188_7).

564-عنه علیه السلام: لا یُلسَعُ العاقِلُ مِن جُحرٍ مَرَّتَینِ [(8)](#content_note_188_8).

565-عنه علیه السلام -فیما نُسِبَ إلَیهِ فی مِصباحِ الشَّریعَهِ-:العاقِلُ مَن کانَ ذَلولًا عِندَ إجابَهِ الحَقِّ،مُنصِفًا بِقَولِهِ،جَموحًا عِندَ الباطِلِ،خَصیمًا بِقَولِهِ،یَترُکُ دُنیاهُ ولا یَترُکُ دینَهُ [(9)](#content_note_188_9).

ص:188

1- (1) نثر الدرّ:280/1.

2- (2) الخصال:96/116 عن ثعلبه بن میمون عن الإمام الصادق علیه السلام.

3- (3) تحف العقول:236.

4- (4) الکافی:26/237/2، [1]تحف العقول:235،مشکاه الأنوار:240 [2] وفیه«من کلام أمیرالمؤمنین خطب به الحسن علیهما السلام»،بحارالأنوار:24/294/69. [3]

5- (5) إحقاق الحقّ:422/19 نقلًا عن التذکره الحمدونیّه. [4]

6- (6) الکافی:29/27/1 [5] عن مفضّل بن عمر،تحف العقول:356.

7- (7) الکافی:5/49/1 [6] عن علیّ بن إبراهیم رفعه،الخصال:269/194 عن سعید بن علاقه،روضه الواعظین:14 کلاهما عن الإمام علیّ علیه السلام وفیهما«...تراه ذا کآبه وحزن»بدل«ذو کآبه وحزن وسهر».

8- (8) الاختصاص:245،راجع ص 207 ح 1021.

9- (9) مصباح الشریعه:222. [7]

557.امام علی علیه السلام: خستگی دنیا بر خردمند است و نادان،سبکبار است.

558.امام علی علیه السلام: مردمان سه گروه اند،خردمند،نادان و بدکار.آیین خردمند، دینداری است،و سرشت او بردباری،و اندیشه کردن،طبیعت اوست؛اگر مورد پرسش واقع شود،پاسخ دهد؛اگر تکلّم کند،به درستی سخن گوید؛اگر گوش کند،هشیار باشد؛اگر سخن گوید،راست گوید؛اگر کسی به وی اعتماد کند،خواسته اش را روا سازد.

نادان اگر به امر نیکویی آگاه شود،غفلت ورزد،و اگر از جایگاه نیکویی فرو آورده شود،فرود آید،و اگر او را به نادانی وا دارند،نادان شود،و اگر سخن گویند،دروغ گوید.وی،آگاه نیست و اگر او را آگاه سازند،آگاه نشود.

بدکار را اگر امین شمری،خیانت ورزد،و اگر او را همراهی کنی،رسوایت سازد،و اگر بدو اعتماد ورزی،خیرخواهی ات نکند.

559.امام حسن علیه السلام: خردمند،کسی را که از او خیرخواهی کند،فریب ندهد.

560.امام حسن علیه السلام: به شما خبر دهم از برادری که بزرگترین مردمان در چشم من بود.

اساس آنچه او را در چشم من بزرگ کرده بود،کوچکی دنیا در چشم او بود.

او از سیطرۀ نادانی رهیده بود؛پس دستش را دراز نمی کرد،مگر به سوی منفعت مطمئن.

561.امام حسین علیه السلام: اگر بر خردمند مصیبتی وارد شود،اندوه را با دوراندیشی از میان بردارد و خرد را به چاره اندیشی وا دارد.

562.امام صادق علیه السلام: خردمند،بخشاینده است و نادان،فریبکار.

563.امام صادق علیه السلام: انسان فهمیده و خردمند،دردمند و غمین و شب زنده دار است.

564.امام صادق علیه السلام: خردمند،از یک سوراخ،دو بار گزیده نشود.

565.امام صادق علیه السلام -در سخنی منسوب به ایشان در مصباح الشریعه-:خردمند در برابر حق،فروتن است و در سخن،انصاف را رعایت کند و بر باطل،سرکش است و با سخن خود،حجّت می آورد؛دنیا را رها می کند،ولی از دینش دست برنمی دارد.

ص:189

566-عنه علیه السلام: العاقِلُ لا یَستَخِفُّ بِأَحَدٍ [(1)](#content_note_190_1).

567-عنه علیه السلام -فیما نُسِبَ إلَیهِ فی مِصباحِ الشَّریعَهِ-:العاقِلُ لا یُحَدِّثُ بِما یُنکِرُهُ العُقولُ،ولا یَتَعَرَّضُ لِلتُّهمَهِ،ولا یَدَعُ مُداراهَ مَنِ ابتُلِیَ بِهِ [(2)](#content_note_190_2).

568-الإمام الکاظم علیه السلام -لِهِشامِ بنِ الحَکَمِ-:یا هِشامُ،إنَّ العاقِلَ رَضِیَ بِالدّونِ مِنَ الدُّنیا مَعَ الحِکمَهِ ولَم یَرضَ بِالدّونِ مِنَ الحِکمَهِ مَعَ الدُّنیا،فَلِذلِکَ رَبِحَت تِجارَتُهُم.

یا هِشامُ،إنَّ العُقَلاءَ تَرَکوا فُضولَ الدُّنیا فَکَیفَ الذُّنوبُ ! وتَرکُ الدُّنیا مِنَ الفَضلِ،وتَرکُ الذُّنوبِ مِنَ الفَرضِ...

یا هِشامُ،إنَّ العاقِلَ لا یَکذِبُ وإن کانَ فیهِ هَواهُ...

یا هِشامُ،إنَّ العاقِلَ لا یُحَدِّثُ مَن یَخافُ تَکذیبَهُ ولا یَسأَلُ مَن یَخافُ مَنعَهُ،ولا یَعِدُ ما لا یَقدِرُ عَلَیهِ،ولا یَرجو ما یُعَنَّفُ بِرَجائِهِ،ولا یُقدِمُ عَلی ما یَخافُ فَوتَهُ بِالعَجزِ عَنهُ [(3)](#content_note_190_3).

569-عنه علیه السلام -أیضًا-:یا هِشامُ،لِکُلِّ شَیءٍ دَلیلٌ،ودَلیلُ العاقِلِ التَّفَکُّرُ،ودَلیلُ التَّفَکُّرِ الصَّمتُ.ولِکُلِّ شَیءٍ مَطِیَّهٌ،ومَطِیَّهُ العاقِلِ التَّواضُعُ،وکَفی بِکَ جَهلًا أن تَرکَبَ ما نُهیتَ عَنهُ.

یا هِشامُ،لَو کانَ فی یَدِکَ جَوزَهٌ وقالَ النّاسُ (فی یَدِکَ) لُؤلُؤَهٌ ما کانَ یَنفَعُکَ وأنتَ تَعلَمُ أنَّها جَوزَهٌ،ولَو کانَ فی یَدِکَ لُؤلُؤَهٌ وقالَ النّاسُ:إنَّها جَوزَهٌ ما ضَرَّکَ وأنتَ تَعلَمُ أنَّها لُؤلُؤَهٌ.

یا هِشامُ،ما بَعَثَ اللّهُ أنبِیاءَهُ ورُسُلَهُ إلی عِبادِهِ إلّالِیَعقِلوا عَنِ اللّهِ،

ص:190

1- (1) تحف العقول:320.

2- (2) مصباح الشریعه:223. [1]

3- (3) الکافی:12/17/1، [2]تحف العقول:383 [3] کلاهما عن هشام بن الحکم.

566.امام صادق علیه السلام: خردمند،کسی را سبک مشمارد.

567.امام صادق علیه السلام -در سخنی منسوب به ایشان در مصباح الشریعه-:خردمند، آنچه را عقلها نپذیرند،بر زبان جاری نکند و خود را در معرض اتّهام قرار ندهد و از مدارا با آنکه گرفتارش شده،فروگذاری نکند.

568.امام کاظم علیه السلام -به هشام بن حکم-:ای هشام ! خردمند،حکمت را با کمیِ دنیا پذیر است؛امّا دنیا را با کمیِ حکمت نمی خواهد.از این رو،تجارتش سودمند است.

ای هشام ! خردمندان،زیادتی دنیا را رها کردند،چه رسد به گناهان،با اینکه ترک دنیا مستحب است و ترک گناهان،واجب.ای هشام ! خردمند، دروغ نگوید،گرچه میلش در آن باشد.

ای هشام ! خردمند با کسی که می ترسد او را تکذیب کند،سخن نمی گوید،و از کسی که می ترسد منعش کند،چیزی خواهش ننماید و آنچه را در توانش نیست،وعده ندهد و چیزی را که به سبب آرزو کردنش توبیخ شود،آرزو نکند،و بر کاری که می ترسد به جهت ناتوانی از دست برود،اقدام نکند.

569.امام کاظم علیه السلام -به هشام بن حکم-:ای هشام ! هر چیزی را نشانه ای است و نشانۀ خردمند،اندیشه کردن است.برای نادانی تو همین بس که کاری را که از آن نهی شدی،انجام دهی.

ای هشام ! اگر در دست تو گردویی بود و مردم گفتند که در دست تو درّی است و تو می دانی گردوست،تو را سودی نبخشد،و اگر در دست تو درّی بود و مردم گفتند گردوست،آسیبی به تو نرسد تا زمانی که تو می دانی که درّ است.

ای هشام ! خداوند،پیامبران و رسولان را به سوی مردم مبعوث نکرد، مگر بدان جهت که از خداوند،درکی پیدا کنند.پس بهترین کسانی که

ص:191

فَأَحسَنُهُمُ استِجابَهً أحسَنُهُم مَعرِفَهً للّهِ ِ،وأعلَمُهُم بِأَمرِ اللّهِ أحسَنُهُم عَقلًا، وأعقَلُهُم أرفَعُهُم دَرَجَهً فِی الدُّنیا وَالآخِرَهِ.

یا هِشامُ،ما مِن عَبدٍ إلّاومَلَکٌ آخِذٌ بِناصِیَتِهِ،فَلا یَتَواضَعُ إلّارَفَعَهُ اللّهُ ولا یَتَعاظَمُ إلّاوَضَعَهُ اللّهُ.

یا هِشامُ،إنَّ للّهِ ِ عَلَی النّاسِ حُجَّتَینِ حُجَّهً ظاهِرَهً وحُجَّهً باطِنَهً،فَأَمَّا الظّاهِرَهُ فَالرُّسُلُ وَالأَنبِیاءُ وَالأَئِمَّهُ،وأمَّا الباطِنَهُ فَالعُقولُ.

یا هِشامُ،إنَّ العاقِلَ الَّذی لا یَشغَلُ الحَلالُ شُکرَهُ ولا یَغلِبُ الحَرامُ صَبرَهُ.

یا هِشامُ،مَن سَلَّطَ ثَلاثًا عَلی ثَلاثٍ فَکَأَنَّما أعانَ هَواهُ عَلی هَدمِ عَقلِهِ:

مَن أظلَمَ نورَ فِکرِهِ بِطولِ أمَلِهِ،ومَحا طَرائِفَ حِکمَتِهِ بِفُضولِ کَلامِهِ، وأطفَأَ نورَ عِبرَتِهِ بِشَهَواتِ نَفسِهِ،فَکَأَنَّما أعانَ هَواهُ عَلی هَدمِ عَقلِهِ،ومَن هَدَمَ عَقلَهُ أفسَدَ عَلَیهِ دینَهُ ودُنیاهُ.

یا هِشامُ،کَیفَ یَزکو عِندَ اللّهِ عَمَلُکَ وأنتَ قَد شَغَلتَ عَقلَکَ عَن أمرِ رَبِّکَ وأطَعتَ هَواکَ عَلی غَلَبَهِ عَقلِکَ؟!

یا هِشامُ،الصَّبرُ عَلَی الوَحدَهِ عَلامَهُ قُوَّهِ العَقلِ،فَمَن عَقَلَ عَنِ اللّهِ تَبارَکَ وتَعالَی اعتَزَلَ أهلَ الدُّنیا وَالرّاغِبینَ فیها،ورَغِبَ فیما عِندَ رَبِّهِ [وکانَ اللّهُ] آنِسَهُ فِی الوَحشَهِ،وصاحِبَهُ فِی الوَحدَهِ،وغِناهُ فِی العَیلَهِ،ومُعِزَّهُ فی غَیرِ عَشیرَهٍ.

یا هِشامُ،نُصِبَ الخَلقُ لِطاعَهِ اللّهِ،ولا نَجاهَ إلّابِالطّاعَهِ،وَالطّاعَهُ بِالعِلمِ،وَالعِلمُ بِالتَّعَلُّمِ،وَالتَّعَلُّمُ بِالعَقلِ یُعتَقَدُ،ولا عِلمَ إلّامِن عالِمٍ رَبّانِیٍّ،

ص:192

پیامبران را اجابت می کنند،کسانی اند که بهتر خدا را بشناسند و عالم ترین کسان به دستورهای الهی،آنانی هستند که از خردی نیکوتر برخوردار باشند و برترین جایگاه در دنیا و آخرت،ویژۀ چنین کسانی است.

ای هشام ! بنده ای نیست،جز آنکه فرشته ای موی جلو سرش را گرفته است؛فروتنی نکند،مگر آنکه خداوند او را بزرگی بخشد و بزرگی نکند،جز آنکه خداوند او را پست گرداند.

ای هشام ! خداوند دو حجّت بر مردم دارد:حجّتی آشکار و حجّتی پنهان.

حجّت ظاهر،رسولان،انبیا و امامان اند و حجّت پنهان،عقلهاست.

ای هشام ! خردمند کسی است که انجام کارهای حلال،او را از شکرگذاری باز ندارد و حرام بر صبر و شکیبایی اش غالب نشود.

ای هشام ! هر کس سه چیز را بر سه چیز مسلّط گرداند،گویا هوای نفسش را بر نابودی عقلش یاری داده است:آنکه روشنی اندیشه را با آروزهای دراز،تاریک سازد؛با سخن گفتن بسیار،حکمتهای نغز خود را محو سازد،و چراغ عبرتش را با شهوات نفسانی اش خاموش کند.چنین کسی، گویی هوای نفس را بر نابودی عقلش یاری داده است و آنکه عقل خویش را تباه کند،دین و دنیایش تباه گردد.

ای هشام ! چگونه کردارت نزد خدا شایسته باشد،با آنکه عقلت را از دستورهای پروردگار،بازداشتی و هوای نفست را در پیروزی بر خرد،اطاعت کردی.

ای هشام ! بر تنهایی شکیبا بودن،نشانۀ توانمندی خرد است.پس هر کس نسبت به خداوند شناختی داشته باشد،از دنیاطلبان و اهل دنیا کناره گیرد و به آنچه نزد پروردگار است،رغبت کند؛و خداوند،مونس او در وحشت،و یار او در تنهایی،و سرمایۀ او در تنگدستی،و عزیز کنندۀ او با نبودِ ایل و تبار،خواهد بود.

ای هشام ! خلق برای اطاعت خدا آفریده شده اند و هیچ نجاتی جز در طاعت نیست.طاعتْ به دانش،و دانش به آموزش،و آموزش به عقل،گره

ص:193

ومَعرِفَهُ العالِمِ بِالعَقلِ.

یا هِشامُ،قَلیلُ العَمَلِ مِنَ العاقِلِ مَقبولٌ مُضاعَفٌ،وکَثیرُ العَمَلِ مِن أهلِ الهَوی وَالجَهلِ مَردودٌ [(1)](#content_note_194_1).

6/5 صِفاتُ اولِی النُّهی [(2)](#content_note_194_2)

الکتاب

الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ مَهْداً وَ سَلَکَ لَکُمْ فِیها سُبُلاً وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ أَزْواجاً مِنْ نَباتٍ شَتّی \* کُلُوا وَ ارْعَوْا أَنْعامَکُمْ إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِأُولِی النُّهی [(3)](#content_note_194_3).

أَ فَلَمْ یَهْدِ لَهُمْ کَمْ أَهْلَکْنا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ یَمْشُونَ فِی مَساکِنِهِمْ إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِأُولِی النُّهی [(4)](#content_note_194_4).

\* الحدیث

570-الإمام الباقر علیه السلام: قالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله:إنَّ خِیارَکُم اولُو النُّهی،قیلَ:یا رَسولَ اللّهِ،ومَن اولُو النُّهی؟قالَ:هُم اولُو الأَخلاقِ الحَسَنَه وَالأَحلامِ الرَّزینَهِ وصِلَهِ الأَرحامِ،وَالبَرَرَهُ بِالاُمَّهاتِ وَالآباءِ،وَالمُتَعاهِدینَ لِلفُقَراءِ وَالجیرانِ وَالیَتامی،ویُطعِمونَ الطَّعامَ،ویُفشونَ السَّلامَ فِی العالَمِ،ویُصَلّونَ وَالنّاسُ نِیامٌ غافِلونَ [(5)](#content_note_194_5).

571-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: خِیارُکُم اولُو النُّهی،قیلَ:یا رَسولَ اللّهِ،ومَن اولُو النُّهی؟فَقالَ:

اولُو النُّهی،اُولُو الأَحلامِ الصّادِقَهِ وَالأَخلاقِ الطّاهِرَهِ،المُطعِمونَ الطَّعامَ، وَالمُفشونَ السَّلامَ،وَالمُتَهَجِّدونَ بِاللَّیلِ وَالنّاسُ نِیامٌ [(6)](#content_note_194_6).

ص:194

1- (1) تحف العقول:386، [1]الکافی 12/16/1 [2] نحوه وفیه«دلیل العقل»بدل«دلیل العاقل»و«قلیل العمل من العالم»بدل«قلیل العمل من العاقل»وکلاهما عن هشام بن الحکم.

2- (2) النهی:هی العقول والألباب،واحدتُها نُهْیَه،بالضمّ؛سُمّیت بذلک لأنّها تنهی صاحبها عن القبیح (النهایه:139/5). [3]

3- (3) طه:53 و 54. [4]

4- (4) طه:128. [5]

5- (5) الکافی:32/240/2 [6] عن سلیمان عمّن ذکره.

6- (6) جامع الأحادیث للقمّی:215،بحارالأنوار:57/190/61.

خورده است و دانش،جز از عالم ربّانی [به دست نیاید] و شناخت عالم [ربّانی] با خرد به دست آید.

ای هشام ! کار کَم از خردمند پذیرفته است و چند برابر شود و کار بسیار، از جاهلان و هواپرستانْ پذیرفته نیست.

#### 6/5 ویژگی های خردمندان

قرآن

همان کسی که زمین را برایتان آرامگاه ساخت،و برای شما در آن راهها پدید آورد، و از آسمانْ آبی فرود آورد.پس به وسیلۀ آن،رُستنی های گوناگون،جفت،جفتْ بیرون آوردیم؛بخورید و دامهایتان را بچرانید که قطعاً در اینها برای خردمندان نشانه هایی است.

آیا برای هدایتشان کافی نبود که [ببینند] چه نسلها را پیش از آنان نابود کردیم که [اینک آنها] در سراهایشان راه می روند؟به راستی برای خردمندان در این [امر]، نشانه هایی [عبرت انگیز] است.

حدیث

570.امام باقر علیه السلام: رسول خدا فرمود:«بهترین شما خردمندان هستند».گفته شد:

«ای رسول خدا! خردمندان کیستند؟».فرمود:«آنان،کسانی اند که از خردهای سنگین برخوردارند؛بردبار و باوقارند؛به خویشان رسیدگی کنند و به پدران و مادران،نیکی روا دارند؛از تهیدستان و همسایگان و یتیمان سرکشی کنند؛اطعام می کنند؛سلامتی را در جهان می افشانند و هنگامی که خوابْ مردمان را ربوده و در غفلت اند،آنان نماز می گذارند».

571.پیامبر صلی الله علیه و آله: بهترین شما،خردمندان هستند.گفته شد:«ای رسول خدا ! خردمندان کیستند؟».فرمود:«خردمندان کسانی اند که خردهای درست و اخلاقیْ خوش دارند؛اطعام می کنند؛سلامتی می افشانند و هنگامی که مردمان خوابند،به شب زنده داری مشغول اند».

ص:195

572-الإمام علیّ علیه السلام: فی تَصاریفِ القَضاءِ عِبرَهٌ لِاُولِی الأَلبابِ وَالنُّهی [(1)](#content_note_196_1).

573-عنه علیه السلام: شیمَهُ ذَوِی الأَلبابِ وَالنُّهی الإِقبالُ عَلی دارِ البَقاءِ وَالإِعراضُ عَن دارِ الفَناءِ،وَالتَّوَلُّهُ بِجَنَّهِ المَأوی [(2)](#content_note_196_2).

574-عنه علیه السلام: حُبُّ العِلمِ وحُسنُ الحِلمِ ولُزومُ الثَّوابِ مِن فَضائِلِ اولِی النُّهی وَالأَلبابِ [(3)](#content_note_196_3).

575-عنه علیه السلام: فی إخلاصِ الأَعمالِ تَنافُسُ اولِی النُّهی وَالأَلبابِ [(4)](#content_note_196_4).

576-عنه علیه السلام: ضُروبُ الأَمثالِ تُضرَبُ لِاُولِی النُّهی وَالأَلبابِ [(5)](#content_note_196_5).

577-عنه علیه السلام: مَنِ استَشارَ ذَوِی النُّهی وَالأَلبابِ فازَ بِالحَزمِ وَالسَّدادِ [(6)](#content_note_196_6).

578-عنه علیه السلام: مَن شاوَرَ ذَوِی النُّهی وَالأَلبابِ فازَ بِالنُّجحِ وَالصَّوابِ [(7)](#content_note_196_7).

7/5 صِفاتُ اولِی الأَلبابِ [(8)](#content_note_196_8)

الکتاب

إِنَّ فِی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ لَآیاتٍ لِأُولِی الْأَلْبابِ \* اَلَّذِینَ یَذْکُرُونَ اللّهَ قِیاماً وَ قُعُوداً وَ عَلی جُنُوبِهِمْ وَ یَتَفَکَّرُونَ فِی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنا ما خَلَقْتَ هذا باطِلاً سُبْحانَکَ فَقِنا عَذابَ النّارِ [(9)](#content_note_196_9).

اَلَّذِینَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولئِکَ الَّذِینَ هَداهُمُ اللّهُ وَ أُولئِکَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبابِ [(10)](#content_note_196_10).

لَقَدْ کانَ فِی قَصَصِهِمْ عِبْرَهٌ لِأُولِی الْأَلْبابِ [(11)](#content_note_196_11).

ص:196

1- (1) غرر الحکم:6467،5791،4879،6494،5908،8913،8641. [1]

2- (2) غرر الحکم:6467،5791،4879،6494،5908،8913،8641. [2]

3- (3) غرر الحکم:6467،5791،4879،6494،5908،8913،8641. [3]

4- (4) غرر الحکم:6467،5791،4879،6494،5908،8913،8641. [4]

5- (5) غرر الحکم:6467،5791،4879،6494،5908،8913،8641. [5]

6- (6) غرر الحکم:6467،5791،4879،6494،5908،8913،8641. [6]

7- (7) غرر الحکم:6467،5791،4879،6494،5908،8913،8641. [7]

8- (8) اللُّب من کلّ شیء خالصه،ولذلک سمّی العقل لبًّا.ورجل لبیب،أی عاقل (معجم مقاییس اللغه:200/5). [8]

9- (9) آل عمران:190 و 191. [9]

10- (10) الزمر:18. [10]

11- (11) یوسف:111. [11]

572.امام علی علیه السلام: در دگرگونی حوادث،پندهایی است برای خردمندان.

573.امام علی علیه السلام: صفت خردمندان،رو آوردن به زندگی پایدار و دوری جُستن از زندگی فانی و دلدادگی به اقامتگاه بهشتی است.

574.امام علی علیه السلام: دانش دوستی،بردباری و در پی ثواب بودن،از فضیلتهای خردمندان است.

575.امام علی علیه السلام: خردمندان،برای خالص کردن کارها رقابت می کنند.

576.امام علی علیه السلام: ضرب المثل ها برای خردمندان آورده می شود.

577.امام علی علیه السلام: آنکه با خردمندان مشورت کند،به دوراندیشی و محکم کاری دست یابد.

578.امام علی علیه السلام: آن کس که با خردمندان مشورت کند،به پیروزی و درستی دست یابد.

#### 7/5 ویژگی های خردمندان

قرآن

مسلّماً در آفرینش آسمانها و زمین،و در پی یکدیگر آمدن شب و روز،برای خردمندان،نشانه هایی [قانع کننده] است.

همانان که خدا را [در همۀ احوال] ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می کنند،و در آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند [که:] پروردگارا ! اینها را بیهود نیافریده ای؛ منزّهی تو! پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار.

به سخن گوش فرا می دهند و بهترین آن را پیروی می کنند.اینان اند که خدایشان راه نموده و اینان اند همان خردمندان.

به راستی در سرگذشت آنان،برای خردمندانْ عبرتی است.

ص:197

\* الحدیث

579-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: اللَّبیبُ مَنِ اشتَغَلَ بِدینِهِ عَن کُلِّ أحَدٍ [(1)](#content_note_198_1).

580-الإمام علیّ علیه السلام: الرِّفقُ مِفتاحُ الصَّوابِ وشیمَهُ ذَوِی الأَلبابِ [(2)](#content_note_198_2).

581-عنه علیه السلام: لا أشجَعَ مِن لَبیبٍ [(3)](#content_note_198_3).

582-عنه علیه السلام: لا تَکمُلُ المُرُوَّهُ إلّالِلَبیبٍ [(4)](#content_note_198_4).

583-عنه علیه السلام: ناظِرُ قَلبِ اللَّبیبِ بِهِ یُبصِرُ أمَدَهُ،ویَعرِفُ غَورَهُ ونَجدَهُ [(5)](#content_note_198_5).

584-عنه علیه السلام: مَنِ استَعانَ بِذَوِی الأَلبابِ سَلَکَ سَبیلَ الرَّشادِ [(6)](#content_note_198_6).

585-عنه علیه السلام: ألا وإنَّ اللَّبیبَ مَنِ استَقبَلَ وُجوهَ الآراءِ بِفِکرٍ صائِبٍ ونَظَرٍ فِی العَواقِبِ [(7)](#content_note_198_7).

586-عنه علیه السلام: إنَّمَا اللَّبیبُ مَنِ استَسَلَّ الأَحقادَ [(8)](#content_note_198_8).

587-عنه علیه السلام: عَجِبتُ لِمَن یَرغَبُ فِی التَّکَثُّرِ مِنَ الأَصحابِ کَیفَ لا یَصحَبُ العُلَماءَ الأَلِبّاءَ الأَتقِیاءَ،الَّذینَ یَغنَمُ فَضائِلَهُم،وتَهدیهِ عُلومُهُم،وتُزَیِّنُهُ صُحبَتُهُم ! [(9)](#content_note_198_9)

588-عنه علیه السلام: صُحبَهُ الوَلِیِّ اللَّبیبِ حَیاهُ الرّوحِ [(10)](#content_note_198_10).

589-الإمام الباقر علیه السلام: یا جابِرُ...اِنزِلِ الدُّنیا کَمَنزِلٍ نَزَلتَهُ ثُمَّ ارتَحَلتَ عَنهُ...لِأَنَّها عِندَ أهلِ اللُّبِّ وَالعِلمِ بِاللّهِ کَفَیءِ الظِّلالِ [(11)](#content_note_198_11).

590-الإمام الصادق علیه السلام: إنَّما اولُو الأَلبابِ الَّذینَ عَمِلوا بِالفِکرَهِ حَتّی وَرِثوا مِنهُ حُبَّ اللّهِ [(12)](#content_note_198_12).

ص:198

1- (1) تنبیه الخواطر:118/2. [1]

2- (2) غرر الحکم:1746،10591،10609. [2]

3- (3) غرر الحکم:1746،10591،10609.

4- (4) غرر الحکم:1746،10591،10609. [3]

5- (5) نهج البلاغه:الخطبه 154، [4]غرر الحکم:9986 [5] وفیه«رشده»بدل«أمده».

6- (6) غرر الحکم:8912،2778،3868،6277،5842. [6]

7- (7) غرر الحکم:8912،2778،3868،6277،5842. [7]

8- (8) غرر الحکم:8912،2778،3868،6277،5842. [8]

9- (9) غرر الحکم:8912،2778،3868،6277،5842. [9]

10- (10) غرر الحکم:8912،2778،3868،6277،5842. [10]

11- (11) الکافی:16/133/2، [11]الأمالی للطوسی:582/296 [12] نحوه وکلاهما عن جابر.

12- (12) مختصر بصائر الدرجات:122،کفایه الأثر:253 [13] کلاهما عن یونس بن ظبیان.

حدیث

579.پیامبر صلی الله علیه و آله: خردمند آن است که به دین خود چندان بپردازد که از دیگران فارغ باشد.

580.امام علی علیه السلام: نرمی،کلید دستیابی به درستی و خوی خردمندان است.

581.امام علی علیه السلام: از خردمندْ شجاع تر وجود ندارد.

582.امام علی علیه السلام: جوانمردی،جز برای خردمندانْ به کمال نرسد.

583.امام علی علیه السلام: چشم دل خردمند،پایان خویش را می بیند و فراز و نشیب آن را می شناسد.

584.امام علی علیه السلام: آنکه از خردمندان کمک جوید،راه رشد را پیماید.

585.امام علی علیه السلام: آگاه باشیدْ خردمند،کسی است که با اندیشۀ درست،به استقبال آرای گوناگون رود و در عواقب بنگرد.

586.امام علی علیه السلام: همانا خردمند کسی است که کینه ها را به نرمی،بَر کَند.

587.امام علی علیه السلام: عجب دارم از کسی که دنبال یاران بسیار است؛امّا با دانشمندانِ صاحبْ خرد و پارسا مصاحبت نمی کند؛کسانی که از خصلتهایشان سود می برد،دانش آنها هدایتش می کند و همنشینی با آنان،او را می آراید.

588.امام علی علیه السلام: همنشینی با دوستِ خردمند،حیات جان است.

589.امام باقر علیه السلام: ای جابر! دنیا را به سان منزلگاهی بدان که در آن فرود می آیی و از آن کوچ می کنی؛زیرا دنیا نزدِ خردمندان،مانند جابه جایی سایه است.

590.امام صادق علیه السلام: همانا خردمندان،کسانی اند که به اندیشه پرداختند تا آنکه از آن،دوستی خدا را به دست آوردند.

ص:199

591-الإمام الکاظم علیه السلام -لِهِشامِ بنِ الحَکَمِ-:یا هِشامُ،إنَّ العاقِلَ اللَّبیبَ مَن تَرَکَ ما لا طاقَهَ لَهُ بِهِ [(1)](#content_note_200_1).

8/5 عَلاماتُ کَمالِ العَقلِ

592-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: قَسَّمَ اللّهُ العَقلَ ثَلاثَهَ أجزاءٍ،فَمَن کُنَّ فیهِ کَمُلَ عَقلُهُ،ومَن لَم یَکُنَّ فَلا عَقلَ لَهُ:حُسنُ المَعرِفَهِ بِاللّهِ،وحُسنُ الطّاعَهِ للّهِ ِ،وحُسنُ الصَّبرِ عَلی أمرِ اللّهِ [(2)](#content_note_200_2).

593-عنه صلی الله علیه و آله: لَم یُعبَدِ اللّهُ عز و جل بِشَیءٍ أفضَلَ مِنَ العَقلِ،ولا یَکونُ المُؤمِنُ عاقِلًا حَتّی یَجتَمِعَ فیهِ عَشرُ خِصالٍ:الخَیرُ مِنهُ مَأمولٌ،وَالشَّرُّ مِنهُ مَأمونٌ،یَستَکثِرُ قَلیلَ الخَیرِ مِن غَیرِهِ،ویَستَقِلُّ کَثیرَ الخَیرِ مِن نَفسِهِ،ولا یَسأَمُ مِن طَلَبِ العِلمِ طولَ عُمرِهِ،ولا یَتَبَرَّمُ بِطُلّابِ الحَوائِجِ قِبَلَهُ،الذُّلُّ أحَبُّ إلَیهِ مِنَ العِزِّ، وَالفَقرُ أحَبُّ إلَیهِ مِنَ الغِنی،نَصیبُهُ مِنَ الدُّنیَا القوتُ،وَالعاشِرهُ ومَا العاشِرَهُ:

لا یَری أحَدًا إلّاقالَ:هُوَ خَیرٌ مِنّی وأتقی.إنَّمَا النّاسُ رَجُلانِ فَرَجُلٌ هُوَ خَیرٌ مِنهُ وأتقی وآخَرُ هُوَ شَرٌّ مِنهُ وأدنی،فَإِذا رَأی مَن هُوَ خَیرٌ مِنهُ وأتقی تَواضَعَ لَهُ لِیَلحَقَ بِهِ،وإذا لَقِیَ الَّذی هُوَ شَرٌّ مِنهُ وأدنی قالَ:عَسی خَیرُ هذا باطِنٌ،وشَرُّهُ ظاهِرٌ،وعَسی أن یُختَمَ لَهُ بِخَیرٍ،فَإِذا فَعَلَ ذلِکَ فَقَد عَلا مَجدُهُ وسادَ أهلَ زَمانِهِ [(3)](#content_note_200_3).

594-الإمام علیّ علیه السلام: ما عُبِدَ اللّهُ بِشَیءٍ أفضَلَ مِنَ العَقلِ،وما تَمَّ عَقلُ امرِیً حَتّی یَکونَ فیهِ خِصالٌ شَتّی:الکُفرُ وَالشَّرُّ مِنهُ مَأمونانِ،وَالرُّشدُ وَالخَیرُ مِنهُ

ص:200

1- (1) تحف العقول:399.

2- (2) تحف العقول:54،کنزالفوائد:56/1، [1]تنبیه الخواطر:26/2، [2]روضه الواعظین:7، [3]جامع الأخبار:1480/520 [4] نحوه؛حلیه الأولیاء:21/1، [5]الفردوس:4592/209/3 کلاهما عن أبی سعید.

3- (3) الخصال:17/433 عن سلیمان بن خالد عن الإمام الباقر علیه السلام،علل الشرایع:11/115 [6] عن علیّ الأشعری رفعه،تحف العقول:443 عن الإمام الرضا [7]علیه السلام من دون إسناد وکلاهما نحوه،روضه الواعظین:12 [8] عن الإمام الباقر علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله،بحارالأنوار:4/108/1. [9]

591.امام کاظم علیه السلام: ای هشام! خردمندِ آگاه،کسی است که کاری را که یارای آن را ندارد،رها سازد.

#### 8/5 نشانه های کمال عقل

592.پیامبر صلی الله علیه و آله: خرد،سه قسمت شده است.هر کس که این سه جزء در او باشد، عقلش کامل است و هر که در او هیچ نباشد،خردمند نیست:شناختی نیکو از خداوند عزّوجلّ،پیروی نیکو از او،و پایداری شایسته بر فرمانش.

593.پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند با چیزی شایسته تر از عقل،عبادت نشد و مؤمن خردمند نیست،مگر آنکه ده فضیلت در او جمع شود:خوبی از او امید رود و بدی از او انتظار نرود؛خوبی کم دیگران را زیاد شمرد و خوبی های بسیار خود را کم شمرد؛در سراسر زندگی اش از دانش طلبی خسته نگردد؛از رفت و آمد نیازمندان نزد خود،دلتنگ نشود؛خواری نزد او دوست داشتنی تر از عزّت است و فقر را بهتر از ثروتمندی دوست می دارد؛بهرۀ او از دنیا تنها اندکی غذاست؛و امّا دهم و چیست دهم؟کسی را نبیند،جز آنکه گوید:او از من بهتر و پارساتر است.

همانا مردمان دو دسته اند:دسته ای که از او بهتر و پارساترند و دسته ای دیگر،بدتر از او و پایین تر از وی اند.پس هنگامی که بهتر و پارساتر از خود را دیده باشد،در برابر او فروتنی کند تا به او برسد و هنگامی که بدتر و پایین تر از خود را دیده باشد،گوید:شاید خوبی اش پنهان است و بدی اش آشکار،و شاید پایان کارش به خیر و خوبی ختم شود.هرگاه چنین کند،عظمتش افزایش یابد و سرور مردمان زمانش شود.

594.امام علی علیه السلام: خداوند با چیزی برتر از خرد عبادت نشد،و عقل کسی کامل نشود، مگر در او خصلتهایی باشد:گمراهی و بدی از او انتظار نمی رود،و

ص:201

مَأمولانِ،وفَضلُ مالِهِ مَبذولٌ،وفَضلُ قَولِهِ مَکفوفٌ،ونَصیبُهُ مِنَ الدُّنیَا القوتُ،لا یَشبَعُ مِنَ العِلمِ دَهرَهُ،الذُّلُّ أحَبُّ إلَیهِ مَعَ اللّهِ مِنَ العِزِّ مَعَ غَیرِهِ، وَالتَّواضُعُ أحَبُّ إلَیهِ مِنَ الشَّرَفِ،یَستَکثِرُ قَلیلَ المَعروفِ مِن غَیرِهِ، ویَستَقِلُّ کَثیرَ المَعروفِ مِن نَفسِهِ،ویَرَی النّاسَ کُلَّهُم خَیرًا مِنهُ،وإنَّهُ شَرُّهُم فی نَفسِهِ،وهُوَ تَمامُ الأَمرِ [(1)](#content_note_202_1).

595-عنه علیه السلام: مِن کَمالِ عَقلِکَ استِظهارُکَ عَلی عَقلِکَ [(2)](#content_note_202_2).

596-عنه علیه السلام: مَن قَوِیَ عَقلُهُ أکثَرَ الاِعتِبارَ [(3)](#content_note_202_3).

597-عنه علیه السلام: مَن کَمُلَ عَقلُهُ حَسُنَ عَمَلُهُ ونَظَرُهُ إلی دینِهِ [(4)](#content_note_202_4).

598-عنه علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:مَثَلُ الإِنسانِ الحَصیفِ [(5)](#content_note_202_5)مَثَلُ الجِسمِ الصُّلبِ الکَثیفِ،یَسخُنُ بَطیئًا،وتَبرُدُ تِلکَ السُّخونَهُ بِأَطوَلَ مِن ذلِکَ الزَّمانِ [(6)](#content_note_202_6).

599-عنه علیه السلام: مَن کَمُلَ عَقلُهُ استَهانَ بِالشَّهَواتِ [(7)](#content_note_202_7).

600-عنه علیه السلام: إذا کَمُلَ العَقلُ نَقَصَتِ الشَّهوَهُ [(8)](#content_note_202_8).

601-عنه علیه السلام: إذا تَمَّ العَقلُ نَقَصَ الکَلامُ [(9)](#content_note_202_9).

602-عنه علیه السلام: العَقلُ الکامِلُ قاهِرٌ لِلطَّبعِ السّوءِ [(10)](#content_note_202_10).

603-عنه علیه السلام: کُلَّمَا ازدادَ عَقلُ الرَّجُلِ قَوِیَ إیمانُهُ بِالقَدَرِ وَاستَخَفَّ بِالغِیَرِ [(11)](#content_note_202_11).

604-عنه علیه السلام: إزراءُ الرَّجُلِ عَلی نَفسِهِ بُرهانُ رَزانَهِ عَقلِهِ وعُنوانُ وُفورِ فَضلِهِ [(12)](#content_note_202_12).

605-عنه علیه السلام: غایَهُ العَقلِ الاِعتِرافُ بِالجَهلِ [(13)](#content_note_202_13).

606-عنه علیه السلام: تَمامُ العَقلِ استِکمالُهُ [(14)](#content_note_202_14).

ص:202

1- (1) الکافی:12/18/1، [1]تحف العقول:388 کلاهما عن هشام بن الحکم عن الإمام الکاظم علیه السلام. [2]

2- (2) غرر الحکم:9421،8303. [3]

3- (3) غرر الحکم:9421،8303. [4]

4- (4) الخصال:10/633 عن أبی بصیر ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام.

5- (5) الحصیف:الرجل المُحکَمُ العقل (لسان العرب:48/9). [5]

6- (6) شرح نهج البلاغه:181/275/20.

7- (7) غرر الحکم:8226،4054. [6]

8- (8) غرر الحکم:8226،4054. [7]

9- (9) نهج البلاغه:الحکمه 71؛ [8]مطالب السؤول:57، [9]مائه کلمه للجاحظ:38/54.

10- (10) مطالب السؤول:49. [10]

11- (11) غرر الحکم:7202،2006،6375،4464،4291. [11]

12- (12) غرر الحکم:7202،2006،6375،4464،4291. [12]

13- (13) غرر الحکم:7202،2006،6375،4464،4291.

14- (14) غرر الحکم:7202،2006،6375،4464،4291. [13]

رشد و خوبی در او امید می رود؛زیادی ثروتش را می بخشد و زیادی سخن خود را نگه می دارد؛بهرۀ او از دنیا تنها اندکی غذاست؛در طول زندگی از دانش سیر نشود؛خواری با خداوند بودن را از عزّت با دیگران بودن،بیشتر دوست می دارد؛فروتنی نزد او دوست داشتنی تر از شرف و بزرگی است؛ خوبیِ کم دیگران را بسیار شمرد و خوبی بسیار خود را کم می شمرد؛همۀ مردم را از خودش بهتر داند و خود را بدتر از همه می داند،و این،مهمترین خصلت است.

595.امام علی علیه السلام: از کمال خردمندی ات آن است که با خردتْ خود را استوار داری.

596.امام علی علیه السلام: آنکه عقلش نیرومند باشد،بسیار عبرت آموزد.

597.امام علی علیه السلام: آنکه عقلش کامل باشد،رفتار و نگاهش به دین،نیکو شود.

598.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:انسان خردمند،مانند جسم سخت و پُر است،به کُندی داغ شود و حرارتش در زمانی طولانی تر از میان رود.

599.امام علی علیه السلام: آنکه عقلش کامل باشد،شهوتها را سبک شمارد.

600.امام علی علیه السلام: هنگامی که عقل کامل شود،شهوت کم گردد.

601.امام علی علیه السلام: هنگامی که عقل کامل شود،سخن کم شود.

602.امام علی علیه السلام: خردِ کامل،بر سرشت بد پیروز گردد.

603.امام علی علیه السلام: هرچه خرد آدمی نیرومند شود،ایمان وی به قضا و قدر افزایش یابد و حوادث روزگار را سبک شمرد.

604.امام علی علیه السلام: خود را کم شمردن،نشانۀ متانت و سنگینی خرد است و علامتِ فراوانی فضیلت.

605.امام علی علیه السلام: نهایتِ خردمندی،اعتراف به نادانی است.

606.امام علی علیه السلام: کمالِ عقل،در تلاشْ برای کامل کردن آنْ حاصل آید.

ص:203

607-عنه علیه السلام: بِتَرکِ ما لا یَعنیکَ یَتِمُّ لَکَ العَقلُ [(1)](#content_note_204_1).

608-عنه علیه السلام -فی وَصفِ السّالِکِ الطَّریقَ إلَی اللّهِ سُبحانَهُ-:قَد أحیا عَقلَهُ،وأماتَ نَفسَهُ،حَتّی دَقَّ جَلیلُهُ،ولَطُفَ غَلیظُهُ وبَرَقَ لَهُ لامِعٌ کَثیرُ البَرقِ،فَأَبانَ لَهُ الطَّریقَ،وسَلَکَ بِهِ السَّبیلَ،وتَدافَعَتهُ الأَبوابُ إلی بابِ السَّلامَهِ،ودارِ الإِقامَهِ،وثَبَتَت رِجلاهُ بِطُمَأنینَهِ بَدَنِهِ فی قَرارِ الأَمنِ وَالرّاحَهِ،بِمَا استَعمَلَ قَلبَهُ،وأرضی رَبَّهُ [(2)](#content_note_204_2).

609-الإمام زین العابدین علیه السلام: کَفُّ الأَذی مِن کَمالِ العَقلِ [(3)](#content_note_204_3).

610-الإمام الصادق علیه السلام: کَمالُ العَقلِ فی ثَلاثَهٍ:التَّواضُعِ للّهِ ِ،وحُسنِ الیَقینِ، وَالصَّمتِ إلّامِن خَیرٍ [(4)](#content_note_204_4).

611-الإمام الکاظم علیه السلام -لِهِشامِ بنِ الحَکَمِ-:یا هِشامُ،الصَّبرُ عَلَی الوَحدَهِ عَلامَهُ قُوَّهِ العَقلِ،فَمَن عَقَلَ عَنِ اللّهِ اعتَزَلَ أهلَ الدُّنیا وَالرّاغِبینَ فیها،ورَغِبَ فیما عِندَ اللّهِ،وکانَ اللّهُ آنِسَهُ فِی الوَحشَهِ،وصاحِبَهُ فِی الوَحدَهِ،وغِناهُ فِی العَیلَهِ، ومُعِزَّهُ مِن غَیرِ عَشیرَهٍ [(5)](#content_note_204_5).

9/5 أعقَلُ النّاسِ

612-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: أکمَلُ النّاسِ عَقلًا أطوَعُهُم للّهِ ِ وأعمَلُهُم بِطاعَتِهِ [(6)](#content_note_204_6).

613-عنه صلی الله علیه و آله: أکمَلُ النّاسِ عَقلًا أخوَفُهُم للّهِ ِ وأطوَعُهُم لَهُ [(7)](#content_note_204_7).

614-عنه صلی الله علیه و آله: أحسَنُکُم عَقلًا أورَعُکُم عَن مَحارِمِ اللّهِ وأعلَمُکُم بِطاعَهِ اللّهِ [(8)](#content_note_204_8).

615-عنه صلی الله علیه و آله: إنَّ للّهِ ِ تَعالی خَواصًّا مِن خَلقِهِ یُسکِنُهُمُ الرَّفیعَ الأَعلی مِنَ الجِنانِ

ص:204

1- (1) غرر الحکم:7202،2006،6375،4464،4291. [1]

2- (2) نهج البلاغه:الخطبه 220. [2]

3- (3) الکافی:12/20/1 [3] عن هشام بن الحکم،تحف العقول:390 کلاهما عن الإمام الکاظم علیه السلام.

4- (4) الاختصاص:244.

5- (5) الکافی:12/17/1 [4] عن هشام بن الحکم،تحف العقول:387.

6- (6) تاریخ بغداد:6997/40/13 [5] عن زید بن علیّ عن آبائه علیهم السلام.

7- (7) تحف العقول:50.

8- (8) تفسیر الدرّ المنثور:404/4 [6] نقلًا عن الحاکم فی التاریخ عن ابن عمر.

607.امام علی علیه السلام: با کنار نهادن کارهای بی سود،خردت کمال یابد.

608.امام علی علیه السلام -در وصف سالک به سوی خدای سبحان-:[سالک] عقلش را زنده داشته و نفسش را کشته است؛تا آنجا که درشتی هایش خُرد،و خشونتهایش نرم شده است و نوری پر فروغ،برایش درخشیدن گرفته است که شاهراه توحید را روشن سازد و در پرتو اشْ راه پیموده شود.بدین سان،درها یکی پس از دیگری او را به آستان سلامت مطلق و برای اقامت جاوید،می راند و ثابتْ قدم و استوار در جایگاه امنیت و آسایشْ ثُبات می یابد؛زیرا او قلب خود را به کار گرفته،و پروردگارش را خشنود کرده است.

609.امام سجاد علیه السلام: از نشانه های خردمندی،آزار نرساندن است.

610.امام صادق علیه السلام: کمال عقل به سه چیز است:فروتنی برای خدا،یقین خوب و خاموشی گزیدن،جز برای کارهای نیک.

611.امام کاظم علیه السلام: ای هشام! بر تنهایی شکیبا بودن،نشانۀ نیرومندی خرد است.

آنکه از خداوند شناخت پیدا کند،از دنیا طلبان و دنیا دوستانْ کناره گیرد و به آنچه نزد خداوند است،میل نماید،و خداوند،مونس او باشد در وحشت، و همراهش در تنهایی،و سرمایه اش در تنگدستی،و عزیز کنندۀ او در نبودِ تبار و قبیله.

#### 9/5 خردمندترین انسان

612.پیامبر صلی الله علیه و آله: کامل ترین مردم در خرد،مطیع ترین آنان در برابر خداوند و عامل ترین آنان به دستورهای اوست.

613.پیامبر صلی الله علیه و آله: کامل ترین مردم در خرد،کسانی اند که بیشتر از خداوند هراس دارند و از او بیشتر اطاعت می کنند.

614.پیامبر صلی الله علیه و آله: نیکوترین شما در خردمندی،کسانی اند که بیشتر از محرّمات الهی اجتناب کنند و به دستورهای الهی داناتر باشند.

615.پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند،بندگان برگزیده ای دارد که آنان را در برترین جای بهشت

ص:205

لِأَنَّهُم کانوا أعقَلَهُم فِی الدُّنیا.قیلَ:وکَیفَ کانوا؟قالَ صلی الله علیه و آله:کانَت هِمَّتُهُمُ المُسارَعَهَ إلی رَبِّهِم فیما یُرضیهِ،فَهانَتِ الدُّنیا عَلَیهِم ولَم یَرغَبوا فی فُضولِها،فَصَبَروا قَلیلًا وَاستَراحوا طَویلًا [(1)](#content_note_206_1).

616-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: ألا وإنَّ أعقَلَ النّاسِ عَبدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَأَطاعَهُ،وعَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصاهُ،وعَرَفَ دارَ إقامَتِهِ فَأَصلَحَها،وعَرَفَ سُرعَهَ رَحیلِهِ فَتَزَوَّدَ لَها [(2)](#content_note_206_2).

617-عنه صلی الله علیه و آله: أعقَلُ النّاسِ مُحسِنٌ خائِفٌ،وأجهَلُهُم مُسیءٌ آمِنٌ [(3)](#content_note_206_3).

618-عنه صلی الله علیه و آله: أعقَلُ النّاسِ أشَدُّهُم مُداراهً لِلنّاسِ [(4)](#content_note_206_4).

619-الإمام علیّ علیه السلام: أعقَلُ النّاسِ أحیاهُم [(5)](#content_note_206_5).

620-عنه علیه السلام: أعقَلُ النّاسِ أطوَعُهُم للّهِ ِ سُبحانَهُ [(6)](#content_note_206_6).

621-عنه علیه السلام: أعقَلُکُم أطوَعُکُم [(7)](#content_note_206_7).

622-عنه علیه السلام: أعقَلُ النّاسِ مَن أطاعَ العُقَلاءَ [(8)](#content_note_206_8).

623-عنه علیه السلام: أعقَلُ النّاسِ أقرَبُهُم مِنَ اللّهِ [(9)](#content_note_206_9).

624-عنه علیه السلام: أعقَلُ النّاسِ مَن ذَلَّ لِلحَقِّ فَأَعطاهُ مِن نَفسِهِ،وعَزَّ بِالحَقِّ فَلَم یُهِن إقامَتَهُ وحُسنَ العَمَلِ بِهِ [(10)](#content_note_206_10).

625-عنه علیه السلام: أعقَلُ النّاسِ أبعَدُهُم عَن کُلِّ دَنِیَّهٍ [(11)](#content_note_206_11).

626-عنه علیه السلام: أعقَلُ النّاسِ مَن غَلَبَ جِدُّهُ هَزلَهُ،وَاستَظهَرَ عَلی هَواهُ بِعَقلِهِ [(12)](#content_note_206_12).

627-عنه علیه السلام: أعقَلُ النّاسِ مَن لا یَتَجاوَزُ الصَّمتَ فی عُقوبَهِ الجُهّالِ [(13)](#content_note_206_13).

628-عنه علیه السلام: أعقَلُ النّاسِ أنظَرُهُم فِی العَواقِبِ [(14)](#content_note_206_14).

ص:206

1- (1) تنبیه الخواطر:214/2، [1]إرشاد القلوب:15، [2]تیسیر المطالب:366 [3] نحوه؛حلیه الأولیاء:17/1 [4] عن البرّاء بن عازب نحوه.

2- (2) أعلام الدین:15/337 [5]عن ابن عمر،بحارالأنوار:15/179/77. [6]

3- (3) عوالی اللآلی:171/292/1، [7]غرر الحکم:2937 و 2938 [8] عن الإمام علیّ علیه السلام وفیه«الإنسان»بدل«الناس»و«أجهل الناس»بدل«أجهلهم»و«مستأنف»بدل«آمن».

4- (4) الفقیه:5840/395/4 عن یونس بن ظبیان عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام،معانی الأخبار:1/196 عن أبی حمزه الثمالی عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام.

5- (5) غرر الحکم:2900،3147،2830،2861.3228،3356،3073،3355،3313،3367،3233،2988. [9]

6- (6) غرر الحکم:2900،3147،2830،2861.3228،3356،3073،3355،3313،3367،3233،2988. [10]

7- (7) غرر الحکم:2900،3147،2830،2861.3228،3356،3073،3355،3313،3367،3233،2988. [11]

8- (8) غرر الحکم:2900،3147،2830،2861.3228،3356،3073،3355،3313،3367،3233،2988. [12]

9- (9) غرر الحکم:2900،3147،2830،2861.3228،3356،3073،3355،3313،3367،3233،2988. [13]

10- (10) غرر الحکم:2900،3147،2830،2861.3228،3356،3073،3355،3313،3367،3233،2988. [14]

11- (11) غرر الحکم:2900،3147،2830،2861.3228،3356،3073،3355،3313،3367،3233،2988. [15]

12- (12) غرر الحکم:2900،3147،2830،2861.3228،3356،3073،3355،3313،3367،3233،2988. [16]

13- (13) غرر الحکم:2900،3147،2830،2861.3228،3356،3073،3355،3313،3367،3233،2988. [17]

14- (14) غرر الحکم:2900،3147،2830،2861.3228،3356،3073،3355،3313،3367،3233،2988. [18]

اسکان می دهد؛زیرا آنان در دنیا خردمندتر از دیگران بودند.گفته شد:«آنان چگونه بودند؟».فرمود:همّت آنان،سبقت جستن به سوی چیزهایی بود که خدا را خشنود می کرد،از این رو،دنیا نزد آنان سبک بود و به زیادتی دنیا رغبتی نداشتند.آنان مدتی اندک،شکیبایی ورزیدند و زمانی دراز در راحتی به سر می برند.

616.پیامبر صلی الله علیه و آله: آگاه باشید که خردمندترین انسان،کسی است که خداوند را بشناسد و از او پیروی کند؛دشمنانِ خدا را بشناسد و آنان را نافرمانی کند؛جایگاه اقامت خود را بشناسد و آن را آباد سازد؛و بداند که به زودی سفر خواهد کرد،پس توشه بردارد.

617.پیامبر صلی الله علیه و آله: خردمندترینِ مردم،نیکوکارِ ترسان است و نادان ترینِ مردم،بدکارِ ایمن.

618.پیامبر صلی الله علیه و آله: خردمندترین مردم،کسی است که بیشتر با مردم مدارا کند.

619.امام علی علیه السلام: خردمندترین مردم،باحیاترین آنهاست.

620.امام علی علیه السلام: خردمندترین مردم،مطیع ترین آنان در برابر خداوند است.

621.امام علی علیه السلام: خردمندترین شما،مطیع ترین شماست.

622.امام علی علیه السلام: خردمندترین مردم،کسی است که از خردمندان پیروی کند.

623.امام علی علیه السلام: خردمندترین مردم،نزدیک ترین آنها به خداوند است.

624.امام علی علیه السلام: خردمندترین مردم،کسی است که در برابر حق فروتن باشد؛پس حق آن را ادا کند [گرچه به زیانش باشد] و با حقیقت به عزّت رسد و از این رو،اقامه حق و عمل به آن را سبک نشمارد.

625.امام علی علیه السلام: خردمندترین مردم،کسانی اند که از پستی ها بیشتر دوری گزینند.

626.امام علی علیه السلام: خردمندترین مردم،کسی است که جدّی اش بر شوخی اش غالب شود و به کمک خرد،بر هوای نفسانی پیروز گردد.

627.امام علی علیه السلام: خردمندترین مردم،کسی است که در عقوبت نادانانْ از سکوت فراتر نرود.

628.امام علی علیه السلام: خردمندترین مردم،دوراندیش ترین آنها در عواقب کارهاست.

ص:207

629-عنه علیه السلام: أعقَلُ النّاسِ مَن کانَ بِعَیبِهِ بَصیرًا،وعَن عَیبِ غَیرِهِ ضَریرًا [(1)](#content_note_208_1).

630-عنه علیه السلام: أعقَلُ النّاسِ أعذَرُهُم لِلنّاسِ [(2)](#content_note_208_2).

631-عنه علیه السلام: أفضَلُ العَقلِ مَعرِفَهُ الحَقِّ بِنَفسِهِ [(3)](#content_note_208_3).

632-عنه علیه السلام: أفضَلُ العَقلِ مُجانَبَهُ اللَّهوِ [(4)](#content_note_208_4).

633-عنه علیه السلام: أفضَلُ النّاسِ عَقلًا أحسَنُهُم تَقدیرًا لِمَعاشِهِ،وأشَدُّهُمُ اهتِمامًا بِإِصلاحِ مَعادِهِ [(5)](#content_note_208_5).

634-عنه علیه السلام: أفضَلُ العَقلِ الرَّشادُ [(6)](#content_note_208_6).

635-عنه علیه السلام: أفضَلُ العَقلِ مَعرِفَهُ الإِنسانِ نَفسَهُ،فَمَن عَرَفَ نَفسَهُ عَقَلَ،ومَن جَهِلَها ضَلَّ [(7)](#content_note_208_7).

636-عنه علیه السلام: أفضَلُ العَقلِ الاِعتِبارُ،وأفضَلُ الحَزمِ الاِستِظهارُ،وأکبَرُ الحُمقِ الاِغتِرارُ [(8)](#content_note_208_8).

637-عنه علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:أرجَحُ النّاسِ عَقلًا وأکمَلُهُم فَضلًا:مَن صَحِبَ أیّامَهُ بِالمُوادَعَهِ،وإخوانَهُ بِالمُسالَمَهِ،وقَبِلَ مِنَ الزَّمانِ عَفوَهُ [(9)](#content_note_208_9).

638-الإمام الصادق علیه السلام: أکمَلُ النّاسِ عَقلًا أحسَنُهُم خُلُقًا [(10)](#content_note_208_10).

639-عنه علیه السلام: أفضَلُ طَبائِعِ العَقلِ العِبادَهُ،وأوثَقُ الحَدیثِ لَهُ العِلمُ،وأجزَلُ حُظوظِهِ الحِکمَهُ،وأفضَلُ ذَخائِرِهِ الحَسَناتُ [(11)](#content_note_208_11).

640-وَهبُ بنُ مُنَبِّهٍ: قالَ لُقمانُ لِابنِهِ:یا بُنَیَّ،اِعقِل عَنِ اللّهِ،فَإِنَّ أعقَلَ النّاسِ عَنِ اللّهِ أحسَنُهُم عَقلًا،وإنَّ الشَّیطانَ لَیَفِرُّ مِنَ العاقِلِ وما یَستَطیعُ أن یُکایِدَهُ [(12)](#content_note_208_12).

ص:208

1- (1) غرر الحکم:2900،3147،2830،2861.3228،3356،3073،3355،3313،3367،3233،2988. [1]

2- (2) غرر الحکم:2900،3147،2830،2861.3228،3356،3073،3355،3313،3367،3233،2988. [2]

3- (3) مطالب السؤول:50.

4- (4) غرر الحکم:3001،3340،2864،3220. [3]

5- (5) غرر الحکم:3001،3340،2864،3220. [4]

6- (6) غرر الحکم:3001،3340،2864،3220. [5]

7- (7) غرر الحکم:3001،3340،2864،3220. [6]

8- (8) غرر الحکم:3273. [7]

9- (9) شرح نهج البلاغه:648/317/20.

10- (10) الکافی:17/23/1 [8] عن إبراهیم بن عبدالحمید.

11- (11) الاختصاص:244.

12- (12) حلیه الأولیاء:35/4.

629.امام علی علیه السلام: خردمندترین مردم،کسی است که به عیبهای خویش،بینا و از عیوب دیگران،نابینا باشد.

630.امام علی علیه السلام: خردمندترین مردم،کسی است که عذر مردم را بیشتر بپذیرد.

631.امام علی علیه السلام: برترین خردمندی،شناخت حق با حق است.

632.امام علی علیه السلام: برترین خردمندی،دوری جستن از بیهودگی است.

633.امام علی علیه السلام: برترین مردم در خردمندی،کسی است که برای معاش خود برنامه ریزی کند و اهتمام بسیار به اصلاح آخرت داشته باشد.

634.امام علی علیه السلام: برترین خردمندی،هدایت یافتن است.

635.امام علی علیه السلام: برترین خرد،خودشناسی است.آنکه خویشتن را بشناسد، خردمند گردد و هر که خود را نشناسد،گمراه شود.

636.امام علی علیه السلام: برترین خردمندی،پندآموزی است،برترین دوراندیشی،یاری جُستن است،و بزرگ ترین حماقت،غرور است.

637.امام علی علیه السلام- در حکمتهای منسوب به ایشان-:شایسته ترین مردم در خردمندی و کامل ترین آنان در فضائل،کسی است که روزگار را به آشتی و مسالمت همراهی کند و با دوستانْ در صلح و صفا زندگی کند و بخشش زمان را بپذیرد.

638.امام صادق علیه السلام: کامل ترین مردم در خردمندی،خوش خُلق ترین آنهاست.

639.امام صادق علیه السلام: برترین سرشت خرد،بندگی است،و محکم ترین سخن برایشْ دانش و برترین بهره اشْ حکمت و بیشترین ذخیره اش خوبی هاست.

640.وهب بن منبه: لقمان به فرزندش فرمود:«پسرم ! از خداوند،شناخت کسب کن،زیرا کسی که بیشتر از خداوند،شناخت کسب کند،خردمندترین مردم است و شیطان،از خردمند فرار می کند و توان فریب وی را ندارد».

ر.ک:ص 201«نشانه های کمال عقل».

ص:209

الفصل السّادس:آفاتُ العَقلِ

1/6 الهَوی

الکتاب

أَ فَرَأَیْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ وَ أَضَلَّهُ اللّهُ عَلی عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلی سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلی بَصَرِهِ غِشاوَهً فَمَنْ یَهْدِیهِ مِنْ بَعْدِ اللّهِ أَ فَلا تَذَکَّرُونَ [(1)](#content_note_210_1).

\* الحدیث

641-الإمام علیّ علیه السلام: آفَهُ العَقلِ الهَوی [(2)](#content_note_210_2).

642-عنه علیه السلام: الهَوی آفَهُ الأَلبابِ [(3)](#content_note_210_3).

643-عنه علیه السلام: یَسیرُ الهَوی یُفسِدُ العَقلَ [(4)](#content_note_210_4).

644-عنه علیه السلام: طاعَهُ الهَوی تُفسِدُ العَقلَ [(5)](#content_note_210_5).

ص:210

1- (1) الجاثیه:23. [1]

2- (2) غرر الحکم:3925،314،10985،5983،6414،266،9475،10541،4921،7953،8358،8698،6790. [2]

3- (3) غرر الحکم:3925،314،10985،5983،6414،266،9475،10541،4921،7953،8358،8698،6790.

4- (4) غرر الحکم:3925،314،10985،5983،6414،266،9475،10541،4921،7953،8358،8698،6790. [3]

5- (5) غرر الحکم:3925،314،10985،5983،6414،266،9475،10541،4921،7953،8358،8698،6790. [4]

### فصل ششم:آسیبهای خرد

#### 1/6 هوای نفس

قرآن

پس آیا دیدی کسی را که هوای نفس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته،گمراه گردانیده و بر گوش و دلش مُهر زده و بر دیده اش پرده نهاده است؟آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟آیا پند نمی گیرید.

حدیث

641.امام علی علیه السلام: آفتِ خرد،هوای نفس است.

642.امام علی علیه السلام: هوای نفس،آفتِ عقل است.

643.امام علی علیه السلام: اندکی هوایِ نفس،خرد را تباه سازد.

644.امام علی علیه السلام: پیروی از هوای نفس،خرد را تباه می کند.

ص:211

645-عنه علیه السلام: غَلَبَهُ الهَوی تُفسِدُ الدّینَ وَالعَقلَ [(1)](#content_note_212_1).

646-عنه علیه السلام: الهَوی عَدُوُّ العَقلِ [(2)](#content_note_212_2).

647-عنه علیه السلام: ما ضادَّ العَقلَ کَالهَوی [(3)](#content_note_212_3).

648-عنه علیه السلام: لا عَقلَ مَعَ هَوًی [(4)](#content_note_212_4).

649-عنه علیه السلام: حِفظُ العَقلِ بِمُخالَفَهِ الهَوی وَالعُزوفِ عَنِ الدُّنیا [(5)](#content_note_212_5).

650-عنه علیه السلام: مَن غَلَبَ شَهوَتَهُ ظَهَرَ عَقلُهُ [(6)](#content_note_212_6).

651-عنه علیه السلام: مَن غَلَبَ هَواهُ عَقلَهُ افتَضَحَ [(7)](#content_note_212_7).

652-عنه علیه السلام: مَن غَلَبَ هَواهُ عَلی عَقلِهِ ظَهَرَت عَلَیهِ الفَضائِحُ [(8)](#content_note_212_8).

653-عنه علیه السلام: قَرینُ الشَّهوَهِ مَریضُ النَّفسِ مَعلولُ العَقلِ [(9)](#content_note_212_9).

654-عنه علیه السلام: کَم مِن عَقلٍ أسیرٍ تَحتَ هَوًی أمیرٍ [(10)](#content_note_212_10).

655-عنه علیه السلام: صِل عَجَلَتَکَ بِتَأَنّیکَ،وسَطوَتَکَ بِرِفقِکَ،وشَرَّکَ بِخَیرِکَ،وَانصُرِ العَقلَ عَلَی الهَوی،تَملِکِ النُّهی [(11)](#content_note_212_11).

656-عنه علیه السلام: العَقلُ صاحِبُ جَیشِ الرَّحمنِ،وَالهَوی قائِدُ جَیشِ الشَّیطانِ، وَالنَّفسُ مُتَجاذَبَهٌ بَینَهُما،فَأَیُّهُما غَلَبَ کانَت فی حَیِّزِهِ [(12)](#content_note_212_12).

657-عنه علیه السلام: العَقلُ وَالشَّهوَهُ ضِدّانِ،ومُؤَیِّدُ العَقلِ العِلمُ،ومُزَیِّنُ الشَّهوَهِ الهَوی، وَالنَّفسُ مُتَنازَعَهٌ بَینَهُما،فَأَیُّهُما قَهَرَ کانَت فی جانِبِهِ [(13)](#content_note_212_13).

658-عنه علیه السلام: حَرامٌ عَلی کُلِّ عَقلٍ مَغلولٍ بِالشَّهوَهِ أن یَنتَفِعَ بِالحِکمَهِ [(14)](#content_note_212_14).

659-عنه علیه السلام: مَن جانَبَ هَواهُ صَحَّ عَقلُهُ [(15)](#content_note_212_15).

ص:212

1- (1) غرر الحکم:3925،314،10985،5983،6414،266،9475،10541،4921،7953،8358،8698،6790.

2- (2) غرر الحکم:3925،314،10985،5983،6414،266،9475،10541،4921،7953،8358،8698،6790. [1]

3- (3) غرر الحکم:3925،314،10985،5983،6414،266،9475،10541،4921،7953،8358،8698،6790. [2]

4- (4) غرر الحکم:3925،314،10985،5983،6414،266،9475،10541،4921،7953،8358،8698،6790. [3]

5- (5) غرر الحکم:3925،314،10985،5983،6414،266،9475،10541،4921،7953،8358،8698،6790. [4]

6- (6) غرر الحکم:3925،314،10985،5983،6414،266،9475،10541،4921،7953،8358،8698،6790. [5]

7- (7) غرر الحکم:3925،314،10985،5983،6414،266،9475،10541،4921،7953،8358،8698،6790. [6]

8- (8) غرر الحکم:3925،314،10985،5983،6414،266،9475،10541،4921،7953،8358،8698،6790. [7]

9- (9) غرر الحکم:3925،314،10985،5983،6414،266،9475،10541،4921،7953،8358،8698،6790. [8]

10- (10) نهج البلاغه:الحکمه 211، [9]غرر الحکم:6923 [10] وفیه«عند»بدل«تحت».

11- (11) غرر الحکم:5849،2099،2100،4902. [11]

12- (12) غرر الحکم:5849،2099،2100،4902. [12]

13- (13) غرر الحکم:5849،2099،2100،4902. [13]

14- (14) غرر الحکم:5849،2099،2100،4902. [14]

15- (15) کنزالفوائد:199/1.

645.امام علی علیه السلام: پیروزی هوای نفس،دین و خرد را تباه می سازد.

646.امام علی علیه السلام: هوای نفس،دشمن خرد است.

647.امام علی علیه السلام: هیچ چیز به اندازۀ هوای نفس،با خردْ دشمنی ندارد.

648.امام علی علیه السلام: خردمندیْ با هوای نفس جمع نشود.

649.امام علی علیه السلام: نگهداری خرد،در گرو مخالفت با هوای نفس و دوری از دنیاست.

650.امام علی علیه السلام: آنکه بر شهوتش غالب شود،خردش آشکار گردد.

651.امام علی علیه السلام: آنکه هوای نفسش را بر خرد غالب سازد،رسوا گردد.

652.امام علی علیه السلام: آنکه هوای نفسش را بر خرد غالب سازد،زشتی هایش آشکار شود.

653.امام علی علیه السلام: همنشین شهوت،جانی بیمار و خردی معیوب دارد.

654.امام علی علیه السلام: چه بسیار عقلهایی که در اسارت هوای نفس فرمانده،قرار گرفته است.

655.امام علی علیه السلام: شتابت را به سنجیدگی،توانایی ات را به نرمی و بدی ات را به خوبیْ پیوند ده.

656.امام علی علیه السلام: خرد،فرمانده لشکر الهی است و هوای نفس،فرمانده لشکر شیطان است.نفْس در میان جذب به این و آن سرگردان است.پس هر کدام پیروز گردد،در اختیارش خواهد گرفت.

657.امام علی علیه السلام: خرد و شهوت،ضدّ یکدیگرند و تأیید کننده خرد،دانش است.

آرایندۀ شهوت،هوای نفس است و نفْس در میان این نزاع است؛هر کدام پیروز گردد،جانب او را گیرد.

658.امام علی علیه السلام: محال است عقل در بندِ شهوت،از حکمت سود برد.

659.امام علی علیه السلام: آنکه از هوای نفسْ دوری گزیند،خردش سالم است.

ص:213

660-عنه علیه السلام -مِن کِتابِهِ لِشُرَیحِ بنِ الحارِثِ قاضیهِ لَمّا بَلَغَهُ أنَّهُ ابتاعَ دارًا بِثَمانینَ دینارًا وکَتَبَ لَها کِتابًا وأشهَدَ فیهِ شُهودًا،بَعدَ تَقریعِهِ وتَوبیخِهِ-:شَهِدَ عَلی ذلِکَ العَقلُ إذا خَرَجَ مِن أسرِ الهَوی وسَلِمَ مِن عَلائِقِ الدُّنیا [(1)](#content_note_214_1).

661-عنه علیه السلام: مَن عَشِقَ شَیئًا أعشی (أعمی) بَصَرَهُ وأمرَضَ قَلبَهُ،فَهُوَ یَنظُرُ بِعَینٍ غَیرِ صَحیحَهٍ،ویَسمَعُ بِاُذُنٍ غَیرِ سَمیعَهٍ،قَد خَرَقَتِ الشَّهَواتُ عَقلَهُ، وأماتَتِ الدُّنیا قَلبَهُ [(2)](#content_note_214_2).

662-عنه علیه السلام: العَقلُ غِطاءٌ سَتیرٌ،وَالفَضلُ جَمالٌ ظاهِرٌ،فَاستُر خَلَلَ خُلُقِکَ بِفَضلِکَ، وقاتِل هَواکَ بِعَقلِکَ،تَسلَم لَکَ المَوَدَّهُ،وتَظهَر لَکَ المَحَبَّهُ [(3)](#content_note_214_3).

663-عنه علیه السلام: ذَهابُ العَقلِ بَینَ الهَوی وَالشَّهوَهِ [(4)](#content_note_214_4).

664-عنه علیه السلام: لا یَجتَمِعُ العَقلُ وَالهَوی [(5)](#content_note_214_5).

665-عنه علیه السلام: لا عَقلَ مَعَ شَهوَهٍ [(6)](#content_note_214_6).

666-عنه علیه السلام: مَن لَم یَملِک شَهوَتَهُ لَم یَملِک عَقلَهُ [(7)](#content_note_214_7).

667-الإمام الباقر علیه السلام: لا عَقلَ کَمُخالَفَهِ الهَوی [(8)](#content_note_214_8).

668-الإمام الصادق علیه السلام: الهَوی یَقظانُ وَالعَقلُ نائِمٌ [(9)](#content_note_214_9).

2/6 الذَّنب

669-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: مَن قارَفَ ذَنبًا فارَقَهُ عَقلٌ لا یَرجِعُ إلَیهِ أبَدًا [(10)](#content_note_214_10).

ص:214

1- (1) نهج البلاغه: [1]الکتاب 3،الأمالی للصدوق:501/389، [2]روضه الواعظین:489 [3] کلاهما عن شریح القاضی إلی قوله«الهوی».

2- (2) نهج البلاغه:الخطبه 109. [4]

3- (3) الکافی:13/20/1 [5] عن سهل بن زیاد رفعه.

4- (4) غرر الحکم:5180،10574،10526،8995.

5- (5) غرر الحکم:5180،10574،10526،8995.

6- (6) غرر الحکم:5180،10574،10526،8995. [6]

7- (7) غرر الحکم:5180،10574،10526،8995. [7]

8- (8) تحف العقول:286.

9- (9) الدرّه الباهره:31،نزهه الناظر:48/113،بحارالأنوار:105/228/78.

10- (10) المحجّه البیضاء:160/8.

660.امام علی علیه السلام -به شریح قاضی،هنگامی که به ایشان خبر رسید خانه ای را به هشتاد دینار خریده و برای آن سند نوشته و بر آن گواه گرفته،در نامه ای پس از توبیخ و سرزنش او نوشت-:بر این گفته من،عقلی که از اسارت هوای نفس خارج شده و بندهای دنیایی را گسسته،گواهی می دهد.

661.امام علی علیه السلام: آنکه عاشق چیزی شود،چشمش شب کور (نابینا) و دلش بیمار گردد.پس با چشم بیمار نگاه می کند و با گوش کر می شنود؛شهوتها عقلش را پاره کرده و دنیا،دلش را میرانده است.

662.امام علی علیه السلام: خرد،پرده ای پوشان است و فضیلت،زیباییِ آشکار.پس کاستی های خویت را با فضیلتْ بپوشان و هوای نفست را با خردْ بکُش،تا دوستی برایت سالم شود و محبّت،آشکار گردد.

663.امام علی علیه السلام: از دست دادن خرد،بر اثر هوای نفس و شهوت است.

664.امام علی علیه السلام: خردمندی با هوای نفسْ جمع نمی شود.

665.امام علی علیه السلام: با بودن شهوت،خردی نیست.

666.امام علی علیه السلام: آنکه مالک شهوت خود نباشد،مالک خرد خویش نیست.

667.امام علی علیه السلام: هیچ خردمندی یی،به اندازۀ دشمنی با هوای نفس نیست.

668.امام علی علیه السلام: هوای نفس،بیدار است و خردْ در خواب.

#### 2/6 گناه

669.پیامبر صلی الله علیه و آله: آنکه مرتکب گناه شود،عقل از او دوری گزیند و هرگز به سویش باز نگردد.

ر.ک:ص 237«آنچه بر خردمند حرام است».

ص:215

3/6 طَبعُ القَلبِ

الکتاب

اَلَّذِینَ یُجادِلُونَ فِی آیاتِ اللّهِ بِغَیْرِ سُلْطانٍ أَتاهُمْ کَبُرَ مَقْتاً عِنْدَ اللّهِ وَ عِنْدَ الَّذِینَ آمَنُوا کَذلِکَ یَطْبَعُ اللّهُ عَلی کُلِّ قَلْبِ مُتَکَبِّرٍ جَبّارٍ [(1)](#content_note_216_1).

ثُمَّ بَعَثْنا مِنْ بَعْدِهِ رُسُلاً إِلی قَوْمِهِمْ فَجاؤُهُمْ بِالْبَیِّناتِ فَما کانُوا لِیُؤْمِنُوا بِما کَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ کَذلِکَ نَطْبَعُ عَلی قُلُوبِ الْمُعْتَدِینَ [(2)](#content_note_216_2).

کَذلِکَ یَطْبَعُ اللّهُ عَلی قُلُوبِ الَّذِینَ لا یَعْلَمُونَ [(3)](#content_note_216_3).

تِلْکَ الْقُری نَقُصُّ عَلَیْکَ مِنْ أَنْبائِها وَ لَقَدْ جاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَیِّناتِ فَما کانُوا لِیُؤْمِنُوا بِما کَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ کَذلِکَ یَطْبَعُ اللّهُ عَلی قُلُوبِ الْکافِرِینَ [(4)](#content_note_216_4).

\* الحدیث

670-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: الطّابَعُ مُعَلَّقٌ بِقائِمَهِ العَرشِ،فَإِذَا انتُهِکَتِ الحُرمَهُ وعُمِلَ بِالمَعاصی وَاجتُرِئَ عَلَی اللّهِ بَعَثَ اللّهُ الطّابَعَ فَیَطبَعُ اللّهُ عَلی قَلبِهِ فَلا یَعقِلُ بَعدَ ذلِکَ شَیئًا [(5)](#content_note_216_5).

671-عنه صلی الله علیه و آله: إیّاکُم وَاستِشعارَ الطَّمَعِ؛فَإِنَّهُ یَشوبُ القَلبَ شِدَّهَ الحِرصِ،ویَختِمُ عَلَی القُلوبِ بِطَبائِعِ حُبِّ الدُّنیا [(6)](#content_note_216_6).

672-الإمام الحسین علیه السلام -لَمّا عَبَّأَ عُمَرُ بنُ سَعدٍ أصحابَهُ لِمُحارَبَتِهِ علیه السلام وأحاطوا بِهِ مِن کُلِّ جانِبٍ حَتّی جَعَلوهُ فی مِثلِ الحَلقَهِ فَخَرَجَ علیه السلام حَتّی أتَی النّاسَ

ص:216

1- (1) غافر:35. [1]

2- (2) یونس:74. [2]

3- (3) الروم:59. [3]

4- (4) الأعراف:101. [4]

5- (5) کنزالعمّال:10213/214/4 نقلًا عن شُعب الإیمان [5]عن ابن عمر.

6- (6) أعلام الدین:24/340 [6] عن أبی هریره،بحارالأنوار:24/182/77. [7]

#### 3/6 مُهر زدن بر قلب

قرآن

کسانی که دربارۀ آیات خدا-بدون حجّتی که برای آنان آمده باشد-مجادله می کنند،[این ستیزه] در نزد خداوند و نزد کسانی که ایمان آورده اند،[مایۀ] عداوت بزرگی است.این گونه،خدا بر دل هر متکبّر زورگویی،مُهر می نهد.

آن گاه پس از وی،رسولانی را به سوی قومشان برانگیختیم،و آنان،دلائل آشکار برایشان آوردند؛ولی ایشان بر آن نبودند که به چیزی که قبلاً آن را دروغ شمرده بودند،ایمان بیاورند.ما این گونه بر دلهای تجاوزکاران،مُهر می زنیم.

این گونه،خدا بر دلهای کسانی که نمی دانند،مُهر می نهد.

این شهرهاست که برخی از خبرهای آن را بر تو حکایت می کنیم.در حقیقت، پیامبرانشان دلائل روشن برایشان آوردند؛امّا آنان به آنچه قبلاً تکذیب کرده بودند، [باز] ایمان نمی آوردند.این گونه،خدا بر دلهای کافران مُهر می نهد.

ر.ک:نساء:155،نحل:108.

حدیث

670.پیامبر صلی الله علیه و آله: مُهر بر ستون عرش آویزان است.پس هنگامی که حریمها شکسته شود و گناهان،ارتکاب گردد و بی پروایی نسبت به خداوند صورت پذیرد،خدا مُهر را برانگیزد و بر قلبش زند.پس از آن دیگر چیزی را درک نمی کند.

671.پیامبر صلی الله علیه و آله: بپرهیزید از آنکه آز و طمع را شعار خود سازید؛زیرا آزمندی بسیار، دل را تباه کند و مُهر دنیا دوستی را بر دلها زند.

672.امام حسین علیه السلام -هنگامی که عمر بن سعد لشکریانش را برای جنگیدن با امام حسین علیه السلام آماده کرد و حضرت را از هر سو محاصره کردند،چنانکه گویی حلقه ای بر دورش کشیدند،امام حسین علیه السلام از [خیمه] بیرون آمد تا به

ص:217

فَاستَنصَتَهُم فَأَبَوا أن یُنصِتوا حَتّی قالَ لَهُم-:وَیلَکُم ما عَلَیکُم أن تُنصِتوا إلَیَّ فَتَسمَعوا قَولی،وإنَّما أدعوکُم إلی سَبیلِ الرَّشادِ...وکُلُّکُم عاصٍ لِأَمری غَیرُ مُستَمِعٍ قَولی؛فَقَد مُلِئَت بُطونُکُم مِنَ الحَرامِ وطُبِعَ عَلی قُلوبِکُم [(1)](#content_note_218_1).

673-الإمام الباقر علیه السلام -فی قَولِهِ تَعالی: لَهُمْ قُلُوبٌ لا یَفْقَهُونَ بِها -:طَبَعَ اللّهُ عَلَیها فَلا تَعقِلُ [(2)](#content_note_218_2).

4/6 الأَمَل

674-الإمام علیّ علیه السلام: اعلَموا أنَّ الأَمَلَ یُسهِی العَقلَ،ویُنسِی الذِّکرَ [(3)](#content_note_218_3).

675-عنه علیه السلام: إنَّ الأَمَلَ یُذهِبُ العَقلَ،ویُکذِبُ الوَعدَ،ویَحُثُّ عَلَی الغَفلَهِ،ویورِثُ الحَسرَهَ [(4)](#content_note_218_4).

676-عنه علیه السلام: ما عَقَلَ مَن أطالَ أمَلَهُ [(5)](#content_note_218_5).

5/6 الکِبر

677-الإمام علیّ علیه السلام: شَرُّ آفاتِ العَقلِ الکِبرُ [(6)](#content_note_218_6).

678-الإمام الباقر علیه السلام: ما دَخَلَ قَلبَ امرِیً شَیءٌ مِنَ الکِبرِ إلّانَقَصَ مِن عَقلِهِ مِثلُ ما دَخَلَهُ مِن ذلِکَ؛قَلَّ ذلِکَ أو کَثُرَ [(7)](#content_note_218_7).

ص:218

1- (1) بحار الأنوار:8/45 [1] نقلًا عن المناقب.

2- (2) تفسیر القمّی:249/1 [2] عن أبی الجارود،بحارالأنوار:13/197/5. [3]

3- (3) نهج البلاغه:الخطبه 86. [4]

4- (4) تحف العقول:152.

5- (5) غرر الحکم:9513،5752. [5]

6- (6) غرر الحکم:9513،5752. [6]

7- (7) حلیه الأولیاء:180/3 عن عمر مولی عفره؛کشف الغمّه:359/2. [7]

نزدیکی مردم رسید.آنان را دعوت به سکوت کرد؛ولی توجّه نکردند.آن گاه فرمود-:وای بر شما ! چه می شود ساکت شوید و سخن مرا بشنوید؟همانا من شما را به راه هدایت دعوت می کنم...شما همه مرا نافرمانی می کنید و به سخنم گوش نمی دهید.به راستی که شکم شما از حرام پُر شده و دلهایتان مُهر شده است.

673.امام باقر علیه السلام -در تفسیر سخن خداوند که:«آنان دلهایی دارند که با آن درک نمی کنند»-:خداوند بر دلهایشان مُهر نهاده،پس درک نمی کنند.

#### 4/6 آرزو

674.امام علی علیه السلام: بدانید که آرزو،خرد را دچار غفلت کند و یاد خدا را به فراموشی سپارد.

675.امام علی علیه السلام: آرزو،خرد را تباه می کند،وعده ها را دروغ گرداند؛بر غفلت وا دارد و پشیمانی به جای گذارد.

676.امام علی علیه السلام: آنکه آرزویش دراز است،خردمند نیست.

ر.ک:حدیث 958 و 959 و 980 و 984.

#### 5/6 نخوت

677.امام علی علیه السلام: بدترین آفت خرد،نخوت است.

678.امام باقر علیه السلام: نخوت،در دل کسی جای نگیرد،مگر آنکه به اندازۀ آن از خردش کاسته شود،کم یا زیاد.

ص:219

6/6 الغُرور

679-الإمام علیّ علیه السلام: فَسادُ العَقلِ الاِغتِرارُ بِالخُدَعِ [(1)](#content_note_220_1).

680-عنه علیه السلام: لا یُلفَی [(2)](#content_note_220_2)العاقِلُ مَغرورًا [(3)](#content_note_220_3).

681-عنه علیه السلام: اتَّقُوا اللّهَ عِبادَ اللّهِ تَقِیَّهَ ذی لُبٍّ شَغَلَ التَّفَکُّرُ قَلبَهُ...ولَم تَفتِلهُ فاتِلاتُ الغُرورِ [(4)](#content_note_220_4).

7/6 الغَضَب

682-الإمام علیّ علیه السلام: الغَضَبُ یُفسِدُ الأَلبابَ ویُبعِدُ مِنَ الصَّوابِ [(5)](#content_note_220_5).

683-عنه علیه السلام: لا یَنبَغی أن یُعَدَّ عاقِلًا مَن یَغلِبُهُ الغَضَبُ وَالشَّهوَهُ [(6)](#content_note_220_6).

684-عنه علیه السلام: املِک حَمِیَّهَ نَفسِکَ وسَورَهَ غَضَبِکَ وسَطوَهَ یَدِکَ وغَربَ لِسانِکَ، وَاحتَرِس فی ذلِکَ کُلِّهِ بِتَأخیرِ البادِرَهِ،وکُفَّ السَّطوَهَ حَتّی یَسکُنَ غَضَبُکَ ویَثوبَ إلَیکَ عَقلُکَ [(7)](#content_note_220_7).

685-عنه علیه السلام: غَیرُ مُنتَفِعٍ بِالحِکمَهِ عَقلٌ مَعلولٌ بِالغَضَبِ وَالشَّهوَهِ [(8)](#content_note_220_8).

686-الإمام الصادق علیه السلام: مَن لَم یَملِک غَضَبَهُ لَم یَملِک عَقلَهُ [(9)](#content_note_220_9).

8/6 الطَّمَع

687-الإمام علیّ علیه السلام: أکثَرُ مَصارِعِ العُقولِ تَحتَ بُروقِ المَطامِعِ [(10)](#content_note_220_10).

ص:220

1- (1) غرر الحکم:6552. [1]

2- (2) فی طبعه بیروت وطهران:«لا یُلقی».

3- (3) غرر الحکم:10563. [2]

4- (4) نهج البلاغه:الخطبه 83، [3]بحارالأنوار:44/426/77 [4] نقلًا عن کتاب عیون الحکم والمواعظ،ولیس فیه«عباد اللّه».

5- (5) غرر الحکم:1356،10898،2414،6397. [5]

6- (6) غرر الحکم:1356،10898،2414،6397. [6]

7- (7) غرر الحکم:1356،10898،2414،6397. [7]

8- (8) غرر الحکم:1356،10898،2414،6397. [8]

9- (9) الکافی:13/305/2 [9] عن أحمد بن أبی عبداللّه عن بعض أصحابه رفعه،تحف العقول:371.

10- (10) نهج البلاغه:الحکمه 219، [10]نزهه الناظر:47/63،تنبیه الخواطر:49/1 [11] وفیهما«الأطماع»بدل«المطامع»،غرر الحکم:3175، [12]بحارالأنوار:7/170/73. [13]

#### 6/6 فریب

679.امام علی علیه السلام: تباهی خرد،در فریفته شدن به نیرنگهاست.

680.امام علی علیه السلام: خردمند،فریفته نمی شود.

681.امام علی علیه السلام: بندگان خدا ! تقوای الهی پیشه کنید؛تقوای خردمندی که اندیشیدن،دلش را مشغول کرده است...و طناب فریب،او را نپیچانده است.

#### 7/6 خشم

682.امام علی علیه السلام: خشم،خردها را تباه کند و از حقیقت دور سازد.

683.امام علی علیه السلام: آنکه مغلوب خشم و شهوت است،سزاوار نیست که خردمند شمرده شود.

684.امام علی علیه السلام: تعصّب نفس،تندی خشم،حمله کردن با دست و تیزی زبان خود را در اختیار گیر؛و نگه دار خرد را در همۀ اینها با تأخیر انداختن تندی و خودداری از حمله،تا اینکه خشم تو آرام گیرد و عقلت به سوی تو بازگردد.

685.امام علی علیه السلام: عقل بیمار،بر اثر خشم و شهوتْ از حکمت بهره نمی برد.

686.امام صادق علیه السلام: آنکه مالک خشم خود نباشد،مالک عقل خود نیست.

#### 8/6 آز

687.امام علی علیه السلام: بیشترین جایگاه سقوط عقلها،زیر پرچم آزها و طمعهاست.

ص:221

688-الإمام الکاظم علیه السلام -لِهِشامِ بنِ الحَکَمِ-:یا هِشامُ،إیّاکَ وَالطَّمَعَ،وعَلَیکَ بِالیَأسِ مِمّا فی أیدِی النّاسِ،وأمِتِ الطَّمَعَ مِنَ المَخلوقینَ،فَإِنَّ الطَّمَعَ مِفتاحٌ لِلذُّلِّ، وَاختِلاسُ العَقلِ،وَاختِلاقُ المُرُوّاتِ،وتَدنیسُ العِرضِ،وَالذَّهابُ بِالعِلمِ [(1)](#content_note_222_1).

9/6 العُجب

689-الإمام علیّ علیه السلام: عُجبُ المَرءِ بِنَفسِهِ أحَدُ حُسّادِ عَقلِهِ [(2)](#content_note_222_2).

690-عنه علیه السلام: إعجابُ المَرءِ بِنَفسِهِ دَلیلٌ عَلی ضَعفِ عَقلِهِ [(3)](#content_note_222_3).

691-عنه علیه السلام: إعجابُ المَرءِ بِنَفسِهِ بُرهانُ نَقصِهِ وعُنوانُ ضَعفِ عَقلِهِ [(4)](#content_note_222_4).

692-عنه علیه السلام: العُجبُ یُفسِدُ العَقلَ [(5)](#content_note_222_5).

693-عنه علیه السلام: آفَهُ اللُّبِّ العُجبُ [(6)](#content_note_222_6).

694-عنه علیه السلام: إنَّ الإِعجابَ ضِدُّ الصَّوابِ وآفَهُ الأَلبابِ [(7)](#content_note_222_7).

695-عنه علیه السلام: المُعجَبُ لا عَقلَ لَهُ [(8)](#content_note_222_8).

696-عنه علیه السلام: رِضَا المَرءِ عَن نَفسِهِ بُرهانُ سَخافَهِ عَقلِهِ [(9)](#content_note_222_9).

697-عنه علیه السلام: مَن اعجِبَ بِفِعلِهِ اصیبَ بِعَقلِهِ [(10)](#content_note_222_10).

698-عنه علیه السلام: مَن أعجَبَهُ قَولُهُ فَقَد غَرَبَ عَقلُهُ [(11)](#content_note_222_11).

699-عنه علیه السلام: رِضاکَ عَن نَفسِکَ مِن فَسادِ عَقلِکَ [(12)](#content_note_222_12).

ص:222

1- (1) تحف العقول:399.

2- (2) نهج البلاغه:الحکمه 212، [1]مطالب السؤول:55. [2]

3- (3) الکافی:31/27/1 [3]عن میمون بن علیّ عن الإمام الصادق علیه السلام،تحف العقول:90،کنزالفوائد:200/1. [4]

4- (4) غرر الحکم:2007،726،3956. [5]

5- (5) غرر الحکم:2007،726،3956. [6]

6- (6) غرر الحکم:2007،726،3956. [7]

7- (7) نهج البلاغه:الکتاب 31،تحف العقول:74،کشف المحجّه:227 [8] نقلًا عن محمّد بن یعقوب الکلینی فی کتاب الرسائل بإسناده عن عمر بن أبی المقدام عن الإمام الباقر علیه السلام،غرر الحکم:1357. [9]

8- (8) غرر الحکم:1008،5441،8380،8382،5412. [10]

9- (9) غرر الحکم:1008،5441،8380،8382،5412. [11]

10- (10) غرر الحکم:1008،5441،8380،8382،5412. [12]

11- (11) غرر الحکم:1008،5441،8380،8382،5412. [13]

12- (12) غرر الحکم:1008،5441،8380،8382،5412. [14]

688.امام کاظم علیه السلام -به هشام بن حکم-:ای هشام ! بپرهیز از آز و طمع،و بر تو باد ناامیدی از آنچه در دست مردم است.آزمندی به بندگان را در خود بمیران؛ زیرا آز و طمع،کلید خواری،غارت عقل،وارونگی جوانمردی ها،آلوده شدن آبرو و از میان رفتن دانش است.

#### 9/6 خودپسندی

689.امام علی علیه السلام: خودپسندی آدمی،یکی از حسد ورزان به خرد اوست.

690.امام علی علیه السلام: خودپسندی انسان،نشانۀ کم خردی اوست.

691.امام علی علیه السلام: خودپسندی آدمی دلیل بر کمبود و نشانۀ کم خردی اوست.

692.امام علی علیه السلام: خودبینی،عقل را تباه می سازد.

693.امام علی علیه السلام: آفتِ خرد،خودپسندی است.

694.امام علی علیه السلام: خودپسندی،دشمن درستی و آفت خردهاست.

695.امام علی علیه السلام: خودپسند،از خرد برخوردار نیست.

696.امام علی علیه السلام: خشنودی آدمی از خود،نشانِ سَبُک عقلی اوست.

697.امام علی علیه السلام: آنکه از کارِ خویش خشنود باشد،از عقل بیماری برخوردار است.

698.امام علی علیه السلام: آنکه از سخنِ خویش خشنود باشد،خردش از او دور شده است.

699.امام علی علیه السلام: از خود راضی بودن،نشانۀ تباهی عقل توست.

ص:223

10/6 الاِستِغناءُ بِالعَقلِ

700-الإمام علیّ علیه السلام -فی وَصِیَّتِهِ لِابنِهِ الحُسَینِ علیه السلام-:مَنِ استَغنی بِعَقلِهِ ضَلَّ [(1)](#content_note_224_1).

701-عنه علیه السلام: اتَّهِموا عُقولَکُم،فَإِنَّهُ مِنَ الثِّقَهِ بِها یَکونُ الخَطاءُ [(2)](#content_note_224_2).

11/6 حُبُّ الدُّنیا

702-الإمام علیّ علیه السلام: سَبَبُ فَسادِ العَقلِ حُبُّ الدُّنیا [(3)](#content_note_224_3).

703-عنه علیه السلام: حُبُّ الدُّنیا یُفسِدُ العَقلَ،ویُهِمُّ القَلبَ عَن سَماعِ الحِکمَهِ،ویوجِبُ ألیمَ العِقابِ [(4)](#content_note_224_4).

704-عنه علیه السلام: زَخارِفُ الدُّنیا تُفسِدُ العُقولَ الضَّعیفَهَ [(5)](#content_note_224_5).

705-عنه علیه السلام: الدُّنیا مَصرَعُ العُقولِ [(6)](#content_note_224_6).

706-عنه علیه السلام: اهرُبوا مِنَ الدُّنیا،وَاصرِفوا قُلوبَکُم عَنها،فَإِنَّها سِجنُ المُؤمِنِ،حَظُّهُ مِنها قَلیلٌ،وعَقلُهُ بِها عَلیلٌ،وناظِرُهُ فیها کَلیلٌ [(7)](#content_note_224_7).

707-عنه علیه السلام -فی صِفَهِ أهلِ الدُّنیا-:نَعَمٌ مُعَقَّلَهٌ (مُغَفَّلَهٌ)،واُخری مُهمَلَهٌ،قَد أضَلَّت عُقولَها،ورَکِبَت مَجهولَها [(8)](#content_note_224_8).

708-عنه علیه السلام -لِأَصحابِهِ-:اُفٍّ لَکُم ! لَقَد سَئِمتُ عِتابَکُم ! أرَضیتُم بِالحَیاهِ الدُّنیا مِنَ

ص:224

1- (1) تحف العقول:88،کنزالفوائد:200/1،العدد القویّه:22/359.

2- (2) غرر الحکم:2570،5543،4878،5494،921،2551. [1]

3- (3) غرر الحکم:2570،5543،4878،5494،921،2551. [2]

4- (4) غرر الحکم:2570،5543،4878،5494،921،2551. [3]

5- (5) غرر الحکم:2570،5543،4878،5494،921،2551. [4]

6- (6) غرر الحکم:2570،5543،4878،5494،921،2551. [5]

7- (7) غرر الحکم:2570،5543،4878،5494،921،2551. [6]

8- (8) نهج البلاغه: [7]الکتاب 31،تحف العقول:76، [8]کشف المحجّه:229 [9] نقلًا عن محمّد بن یعقوب الکلینی فی کتاب الرسائل بإسناده عن عمر بن أبی المقدام عن الإمام الباقر علیه السلام،تنبیه الخواطر:77/1. [10]

#### 10/6 بی نیازی جُستن به عقل

700.امام علی علیه السلام -در سفارش به فرزندش حسین علیه السلام-:آنکه با خرد خویش [احساس] بی نیازی کند،گمراه شده است.

701.امام علی علیه السلام: عقل خویش را متّهم سازید؛زیرا از تکیه بدان،لغزشها سرچشمه می گیرد.

ر.ک:حدیث 502«ویژگی های خردمندان».

#### 11/6 دنیا دوستی

702.امام علی علیه السلام: عامل تباهی عقل،دوستی دنیاست.

703.امام علی علیه السلام: دوستی دنیا،خرد را تباه کند،دل را از شنیدن حکمت،دلسرد سازد و سبب عذابی دردناک شود.

704.امام علی علیه السلام: زیبایی های دنیا،عقلهای ناتوان را تباه می کند.

705.امام علی علیه السلام: دنیا،مکان سقوط عقلهاست.

706.امام علی علیه السلام: از دنیا بگریزید و دلهایتان را از آن باز دارید؛زیرا دنیا،زندان مؤمن است؛بهره او از آن کم است،عقلش به واسطه آن،معیوب گردد و نگاه او در آن،ناتوان است.

707.امام علی علیه السلام -در وصف اهل دنیا-:چارپایانی اند به آخور بسته شده [ناهوشیار]، و دیگرانی که خرد خود را گُم کرده اند و در ناشناخته ها گام نهاده اند.

708.امام علی علیه السلام -خطاب به یارانش-:اف بر شما که از نکوهشتان به ستوه آمده ام!

ص:225

الآخِرَهِ عِوَضًا؟! وبِالذُّلِّ مِنَ العِزِّ خَلَفًا؟! إذا دَعَوتُکُم إلی جِهادِ عَدُوِّکُم دارَت أعیُنُکُم،کَأَنَّکُم مِنَ المَوتِ فی غَمرَهٍ،ومِنَ الذُّهولِ فی سَکرَهٍ،یُرتَجُ عَلَیکُم حَواری فَتَعمَهونَ،وکَأَنَّ قُلوبَکُم مَألوسَهٌ فَأَنتُم لا تَعقِلونَ ! [(1)](#content_note_226_1)

709-عَبدُ اللّهِ بنُ سَلامٍ: یَقولُ اللّهُ فِی التَّوراهِ:إنَّ القُلوبَ المُتَعَلِّقَهَ بِحُبِّ الدُّنیا مَحجوبَهُ العُقولِ عَنّی [(2)](#content_note_226_2).

710-الاختصاص: قالَ اللّهُ لِداودَ:یا داودُ،اِحذَرِ القُلوبَ المُعَلَّقَهَ بِشَهَواتِ الدُّنیا، عُقولُها مَحجوبَهٌ عَنّی [(3)](#content_note_226_3).

12/6 شُربُ الخَمرِ

711-الإمام علیّ علیه السلام: فَرَضَ اللّهُ...تَرکَ شُربِ الخَمرِ تَحصینًا لِلعَقلِ [(4)](#content_note_226_4).

712-الإمام الرضا علیه السلام: حَرَّمَ اللّهُ الخَمرَ لِما فیها مِنَ الفَسادِ،ومِن تَغییرِها عُقولَ شارِبیها،وحَملِها إیّاهُم عَلی إنکارِ اللّهِ عز و جل وَالفِریَهِ عَلَیهِ وعَلی رُسُلِهِ، وسائِرِ ما یَکونُ مِنهُم مِنَ الفَسادِ وَالقَتلِ [(5)](#content_note_226_5).

13/6 السَّکَراتُ الخَمس

713-الإمام علیّ علیه السلام: یَنبَغی لِلعاقِلِ أن یَحتَرِسَ مِن سُکرِ المالِ وسُکرِ القُدرَهِ وسُکرِ العِلمِ وسُکرِ المَدحِ وسُکرِ الشَّبابِ؛فَإِنَّ لِکُلِّ ذلِکَ رِیاحًا خَبیثَهً تَسلُبُ

ص:226

1- (1) نهج البلاغه:الخطبه 34، [1]مطالب السؤول:59 [2] نحوه وفیه«ویرخ علیکم جواری»بدل«یرتج علیکم حواری».

2- (2) تنبیه الخواطر:229/2. [3]

3- (3) الاختصاص:335.

4- (4) نهج البلاغه:الحکمه 252، [4]المناقب لابن شهرآشوب:377/2، [5]غرر الحکم:6608. [6]

5- (5) عیون أخبار الرضا علیه السلام:2/98/2، [7]علل الشرایع:1/475 [8] کلاهما عن محمّد بن سنان،وراجع فقه الرضا علیه السلام:282. [9]

این رواست که شما به زندگی دنیا به جای آخرت،خشنود باشید و به زبونی به جای عزّت تَن دهید؟چون شما را به جهاد با دشمنتان فرا می خوانم، چنان چشمانتان گِرد می شود که گویا دچار سَکَرات مرگ شده اید و از خود بیهوش شده اید.باب فهم سخنانم بر شما بسته شده است؛از این رو،به سرگردانی دچارید.گویی قلبهایتان چنان آفت زده است که توان اندیشیدن ندارید.

709.عبداللّه بن سلام: خداوند در تورات فرمود:«دلهایی که بستۀ دنیا دوستی است،از [شناخت] من ناتوان است».

710.الاختصاص: خداوند به داوود علیه السلام فرمود:«ای داوود ! از دلهای وابسته به شهوات دنیایی برحذر باش که عقل آنان از من در حجاب است».

ر.ک:ص 159«بی رغبتی به دنیا».

#### 12/6 باده نوشی

711.امام علی علیه السلام: خداوند،ترک باده نوشی را به جهت ایمن سازی خرد واجب کرده است.

712.امام رضا علیه السلام: خداوند،شراب را حرام کرد؛زیرا در آنْ تباهی است و خردِ نوشندگانش را دگرگون سازد،سبب انکار خداوند و افترا بستن به او و پیامبرانش گردد،و موجب سایر تباهی ها و کشتار باشد.

#### 13/6 مست کننده های پنجگانه

713.امام علی علیه السلام: سزاوار است که خردمند،خود را از مستی مال،مستی قدرت، مستی دانش،مستی مدح و ستایش و مستی جوانی،نگه دارد؛زیرا هر یک از

ص:227

العَقلَ وتَستَخِفُّ الوَقارَ [(1)](#content_note_228_1).

14/6 کَثرَهُ اللَّهوِ

714-الإمام علیّ علیه السلام: مَن کَثُرَ لَهوُهُ قَلَّ عَقلُهُ [(2)](#content_note_228_2).

715-عنه علیه السلام: لَم یَعقِل مَن وَلِهَ بِاللَّعِبِ وَاستُهتِرَ بِاللَّهوِ وَالطَّرَبِ [(3)](#content_note_228_3).

716-عنه علیه السلام: لا یَثوبُ العَقلُ مَعَ اللَّعِبِ [(4)](#content_note_228_4).

717-عنه علیه السلام: مَن غَلَبَ عَلَیهِ الهَزلُ [(5)](#content_note_228_5)فَسَدَ عَقلُهُ [(6)](#content_note_228_6).

718-عنه علیه السلام: مَن کَثُرَ هَزلُهُ کَثُرَ سُخفُهُ [(7)](#content_note_228_7).

15/6 البَطالَه

719-الإمام الصادق علیه السلام: تَرکُ التِّجارَهِ یَنقُصُ العَقلَ [(8)](#content_note_228_8).

720-عنه علیه السلام: تَرکُ التِّجارَهِ مَذهَبَهٌ لِلعَقلِ [(9)](#content_note_228_9).

721-فُضَیلٌ الأَعوَرُ: شَهِدتُ مُعاذَ بنَ کَثیرٍ قالَ لِأَبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام:إنّی قَد أیسَرتُ فَأَدَعُ التِّجارَهَ؟فَقالَ:إنَّکَ إن فَعَلتَ قَلَّ عَقلُکَ-أو نَحوَهُ- [(10)](#content_note_228_10).

722-مُعاذٌ بَیّاعُ الأَکسِیَهِ: قالَ لی أبو عَبدِ اللّهِ علیه السلام:یا مُعاذُ،أضَعُفتَ عَنِ التِّجارَهِ أم زَهِدتَ فیها؟قُلتُ:ما ضَعُفتُ عَنها ولا زَهِدتُ فیها،قالَ:فَما لَکَ؟قُلتُ:

کُنتُ أنتَظِرُ أمرَکَ وذلِکَ حینَ قُتِلَ الوَلیدُ وعِندی مالٌ کَثیرٌ وهُوَ فی یَدی

ص:228

1- (1) غرر الحکم:10948،8426،7568،10544. [1]

2- (2) غرر الحکم:10948،8426،7568،10544. [2]

3- (3) غرر الحکم:10948،8426،7568،10544. [3]

4- (4) غرر الحکم:10948،8426،7568،10544. [4]

5- (5) الهزل:ضدّ الجدّ (الصحاح:1850/5)،وهزل فی کلامه هزلًا من باب ضرب ومزح (المصباح المنیر:638).

6- (6) غرر الحکم:8429،8964. [5]

7- (7) غرر الحکم:8429،8964. [6]

8- (8) الکافی:1/148/5 [7] عن حمّاد بن عثمان،تهذیب الأحکام:1/2/7 عن الحلبیّ.

9- (9) الفقیه:3718/192/3،تهذیب الأحکام:3/3/7 عن معاذ بیّاع الأکسیه.

10- (10) الکافی:4/148/5، [8]تهذیب الأحکام:2/2/7.

اینها را بادهای پلیدی است که خرد را بزداید و وقار را سَبُک سازد.

#### 14/6 خوشگذرانی زیاد

714.امام علی علیه السلام: آنکه خوشگذرانی اش زیاد باشد،عقلش کم گردد.

715.امام علی علیه السلام: آنکه شیفتۀ بازی و دلباختۀ سرگرمی و خوشی است،خردمند نیست.

716.امام علی علیه السلام: خرد،با بازی و سرگرمیْ پاداش نمی برد.

717.امام علی علیه السلام: آنکه شوخی بر او غالب گردد،عقلش تباه شود.

718.امام علی علیه السلام: آنکه شوخی اش زیاد شود،بیهودگی اش بسیار گردد.

#### 15/6 تنبلی

719.امام صادق علیه السلام: کنار نهادن داد و ستد،از خرد بکاهد.

720.امام صادق علیه السلام: کنار نهادن داد و ستد،خرد را تباه می کند.

721.فضیل اعور: شاهد بودم که معاذ بن کثیر به امام صادق علیه السلام عرض کرد:«من توانگر شده ام و می خواهم تجارت را رها کنم».امام صادق علیه السلام فرمود:«اگر چنین کنی،عقلت کم گردد»(یا جمله ای به این مضمون).

722.معاذ لباس فروش: امام صادق به من فرمود:«ای معاذ ! آیا از تجارت کردن ناتوان شده ای یا بدان بی میلی؟».گفتم:«نه ناتوانم و نه بی میل».فرمود:

«پس چرا [تجارت را کنار نهاده ای]؟».گفتم:«منتظر دستور شما بودم.

هنگامی که ولید به قتل رسید،اموال بسیاری در دستم بود و هیچ کس از من

ص:229

ولَیسَ لِأَحَدٍ عِندی شَیءٌ ولا أرانی آکُلُهُ حَتّی أموتَ،فَقالَ:لا تَترُکها؛ فَإِنَّ تَرکَها مَذهَبَهٌ لِلعَقلِ،اِسعَ عَلی عِیالِکَ،وإیّاکَ أن یَکونوا هُمُ السُّعاهَ عَلَیکَ [(1)](#content_note_230_1).

723-أسباطُ بنُ سالِمٍ بَیّاعُ الزُّطِّیِّ: سَأَلَ أبو عَبدِ اللّهِ علیه السلام یَومًا وأنَا عِندَهُ عَن مُعاذٍ بَیّاعِ الکَرابیسِ،فَقیلَ:تَرَکَ التِّجارَهَ،فَقالَ:عَمَلُ الشَّیطانِ عَمَلُ الشَّیطانِ،إنَّ مَن تَرَکَ التِّجارَهَ ذَهَبَ ثُلُثا عَقلِهِ،أما عَلِمَ أنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله قَدِمَت عیرٌ مِنَ الشّامِ فَاشتَری مِنها واتَّجَرَ فَرَبِحَ فیها ما قَضی دَینَهُ [(2)](#content_note_230_2).

16/6 طَلَبُ الفُضولِ

724-الإمام علیّ علیه السلام: ضَیاعُ العُقولِ فی طَلَبِ الفُضولِ [(3)](#content_note_230_3).

17/6 صُحبَهُ الجاهِلِ

725-الإمام علیّ علیه السلام: مَن صَحِبَ جاهِلًا نَقَصَ مِن عَقلِهِ [(4)](#content_note_230_4).

726-عنه علیه السلام: مِن عَدَمِ العَقلِ مُصاحَبَهُ ذَوِی الجَهلِ [(5)](#content_note_230_5).

18/6 التَّجاوُزُ عَنِ الحَدِّ

727-الإمام علیّ علیه السلام: لا عَقلَ لِمَن یَتَجاوَزُ حَدَّهُ وقَدرَهُ [(6)](#content_note_230_6).

ص:230

1- (1) تهذیب الأحکام:3/2/7،الکافی:6/148/5 [1] نحوه.

2- (2) تهذیب الأحکام:11/4/7.

3- (3) غرر الحکم:5901. [2]

4- (4) کنزالفوائد:199/1. [3]

5- (5) غرر الحکم:9299،10677،9516،9072. [4]

6- (6) غرر الحکم:9299،10677،9516،9072.

طلبی نداشت،و گمان نکنم تا زنده ام،بتوانم آن را تمام کنم».فرمود:

«تجارت را کنار مَنِه؛زیرا ترک داد و ستد،خرد را تباه می کند،برای خانواده ات تلاش کن.مگذار آنان از تو بدگویی کنند».

723.اسباط بن سالم -فروشندۀ پارچۀ هندی-:روزی امام صادق علیه السلام دربارۀ معاذ کرباس فروش سؤال کرد و من نیز آنجا بودم.گفته شد که معاذ،تجارت را کنار نهاده است.فرمود:«کار شیطان است؛کار شیطان است.به راستی آنکه تجارت را کنار نهاد،دو سوم عقلش از دست رود.آیا نمی داند پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که قافله ای از شام رسید،از آنها خرید کرد و با آنان تجارت نمود و سود بُرد و بدهکاری اش را ادا کرد».

#### 16/6 زیاده طلبی

724.امام علی علیه السلام: از دست رفتن خرد،در زیاده طلبی است.

#### 17/6 همنشینی نادان

725.امام علی علیه السلام: آنکه با نادان همنشین گردد،عقلش کم شود.

726.امام علی علیه السلام: از نشانۀ نابودی خرد،همنشینی با نادانهاست.

#### 18/6 مرزشکنی

727.امام علی علیه السلام: آنکه از مرز و اندازۀ خویش بگذرد،خردمند نیست.

ص:231

728-عنه علیه السلام: ما عَقَلَ مَن عَدا طَورَهُ [(1)](#content_note_232_1).

19/6 مُماراهُ السَّفیهِ

729-الإمام علیّ علیه السلام: مَن مارَی السَّفیهَ فَلا عَقلَ لَهُ [(2)](#content_note_232_2).

20/6 تَرکُ الاِستِماعِ مِنَ العاقِلِ

730-الإمام علیّ علیه السلام: مَن تَرَکَ الاِستِماعَ مِن ذَوِی العُقولِ ماتَ عَقلُهُ [(3)](#content_note_232_3).

731-الإمام الکاظم علیه السلام -لِهِشامِ بنِ الحَکَمِ-:یا هِشامُ،مَن سَلَّطَ ثَلاثًا عَلی ثَلاثٍ فَکَأَنَّما أعانَ عَلی هَدمِ عَقلِهِ:مَن أظلَمَ نورَ تَفَکُّرِهِ بِطولِ أمَلِهِ،ومَحا طرائِفَ حِکمَتِهِ بِفُضولِ کَلامِهِ،وأطفَأَ نورَ عِبرَتِهِ بِشَهَواتِ نَفسِهِ،فَکَأَنَّما أعانَ هَواهُ عَلی هَدمِ عَقلِهِ،ومَن هَدَمَ عَقلَهُ أفسَدَ عَلَیهِ دینَهُ ودُنیاهُ [(4)](#content_note_232_4).

21/6 کَثرَهُ أکلِ لَحمِ الوَحشِ وَالبَقَرِ

732-الإمام الرضا علیه السلام: الإِکثارُ مِن أکلِ لُحومِ الوَحشِ وَالبَقَرِ یورِثُ تَغَیُّرَ العَقلِ وتَ حَیُّرَ الفَهمِ وتَبَلُّدَ الذِّهنِ وکَثرَهَ النِّسیانِ [(5)](#content_note_232_5).

ص:232

1- (1) غرر الحکم:9299،10677،9516،9072. [1]

2- (2) غرر الحکم:9299،10677،9516،9072. [2]

3- (3) کنزالفوائد:199/1. [3]

4- (4) الکافی:12/17/1، [4]تحف العقول:386،تنبیه الخواطر:34/2 [5] کلّها عن هشام بن الحکم.

5- (5) بحارالأنوار:322/62 [6]نقلًا عن الرساله الذهبیّه. [7]

728.امام علی علیه السلام: آنکه از اندازۀ خود بگذرد،خردمند نیست.

#### 19/6 جدال با ابله

729.امام علی علیه السلام: آنکه با ابلهان جدال کند،خردمند نیست.

#### 20/6 نشنیدن سخن خردمند

730.امام علی علیه السلام: آنکه شنیدن از خردمندان را کنار نهد،عقلش خواهد مُرد.

731.امام کاظم علیه السلام: ای هشام ! آنکه سه چیز را بر سه چیز مسلّط کند،بر نابودی عقلش کمک کرده است:روشنی اندیشه را با آرزوی دراز تاریک کند؛ حکمتهای نغز را با سخن گفتن بسیار از بین برد،و روشنایی پندآموزی را با شهوات نفسانی خاموش گرداند.[چنین کسی،] گویا هوای نفس را بر نابودی خرد،یاری داده است،و آنکه عقلش نابود شود،دین و دنیایش تباه گردد.

#### 21/6 زیاده روی در خوردن گوشت گاو و حیوانات وحشی

732.امام رضا علیه السلام: زیاده روی در خوردن گوشت حیوانات وحشی و گاو،سبب سرگشتگی خرد،حیرانی فهم،کودنی ذهن و فراموشی بسیار شود.

ر.ک:ص 237«آنچه بر خردمند حرام است»/ص 249«آنچه سزاوار خردمند نیست».

ص:233

الفصل السّابع:أحکامُ العاقِلِ

1/7 ما یَجِبُ عَلَی العاقِلِ

الکتاب

فَاتَّقُوا اللّهَ یا أُولِی الْأَلْبابِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ [(1)](#content_note_234_1).

فَاتَّقُوا اللّهَ یا أُولِی الْأَلْبابِ الَّذِینَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللّهُ إِلَیْکُمْ ذِکْراً [(2)](#content_note_234_2).

\* الحدیث

733-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: أربَعَهٌ تَلزَمُ کُلَّ ذی حِجًی وعَقلٍ مِن امَّتی،قیلَ:یا رَسولَ اللّهِ، ما هُنَّ؟قالَ:اِستِماعُ العِلمِ،وحِفظُهُ،ونَشرُهُ،وَالعَمَلُ بِهِ [(3)](#content_note_234_3).

734-عنه صلی الله علیه و آله: إنَّ العاقِلَ مَن أطاعَ اللّهَ وإن کانَ ذَمیمَ المَنظَرِ حَقیرَ الخَطَرِ [(4)](#content_note_234_4).

735-عنه صلی الله علیه و آله -لَمّا سُئِلَ عَنِ العَقلِ-:العَمَلُ بِطاعَهِ اللّهِ،وإنَّ العُمّالَ بِطاعَهِ اللّهِ هُمُ العُقَلاءُ [(5)](#content_note_234_5).

ص:234

1- (1) المائده:100. [1]

2- (2) الطلاق:10. [2]

3- (3) تحف العقول:57،نوادر الراوندی:18 [3] عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله وفیه«حجر»بدل«حجی»،دعائم الإسلام:79/1.

4- (4) کنزالفوائد:56/1. [4]

5- (5) روضه الواعظین:8. [5]

### فصل هفتم:وظایف خردمند

#### 1/7 واجبات خردمند

قرآن

پس ای خردمندان ! از خدا پروا کنید،باشد که رستگار شوید.

پس ای خرمندانی که ایمان آورده اید،از خدا بترسید ! راستی که خدا سوی شما تذکاری فرو فرستاده است.

حدیث

733.پیامبر صلی الله علیه و آله: چهار چیز بر هر عاقل و خردمندی از امّت من،واجب است.گفته شد:«ای پیامبر خدا ! آن چهار چیز کدام اند؟».فرمود:«شنیدن دانش، نگهداری آن،نشر آن و عمل بدان».

734.پیامبر صلی الله علیه و آله: خردمند،آن است که خداوند را اطاعت کند،گرچه زشتْ چهره و دارای موقعیتی پایین باشد.

735.پیامبر صلی الله علیه و آله -هنگامی که از ایشان در مورد عقل سؤال شد-:[عقل] عمل به طاعت خداست.به راستی که عمل کنندگان به دستورهای خداوند،همان خردمندان اند.

ص:235

736-عنه صلی الله علیه و آله: أطِع رَبَّکَ تُسَمّی عاقِلًا،ولا تَعصِهِ تُسَمّی جاهِلًا [(1)](#content_note_236_1).

737-الإمام علیّ علیه السلام: العاقِلُ مَن عَصی هَواهُ فی طاعَهِ رَبِّهِ [(2)](#content_note_236_2).

738-عنه علیه السلام: لَو لَم یُرَغِّبِ اللّهُ سُبحانَهُ فی طاعَتِهِ لَوَجَبَ أن یُطاعَ رَجاءَ رَحمَتِهِ [(3)](#content_note_236_3).

739-عنه علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:یَجِبُ عَلَی العاقِلِ أن یَکونَ بِما أحیا عَقلَهُ مِنَ الحِکمَهِ أکلَفَ مِنهُ بِما أحیا جِسمَهُ مِنَ الغِذاءِ [(4)](#content_note_236_4).

740-عنه علیه السلام: اتَّقُوا اللّهَ عِبادَ اللّهِ تَقِیَّهَ ذی لُبٍّ شَغَلَ التَّفَکُّرُ قَلبَهُ،وأنصَبَ الخَوفُ بَدَنَهُ،وأسهَرَ التَّهَجُّدُ غِرارَ نَومِهِ،وأظمَأَ الرَّجاءُ هَواجِرَ یَومِهِ،وظَلَفَ الزُّهدُ شَهَواتِهِ،وأوجَفَ الذِّکرُ بِلِسانِهِ،وقَدَّمَ الخَوفَ لِأَمانِهِ،وتَنَکَّبَ المَخالِجَ عَن وَضَحِ السَّبیلِ،وسَلَکَ أقصَدَ المَسالِکِ إلَی النَّهجِ المَطلوبِ،ولَم تَفتِلهُ فاتِلاتُ الغُرورِ،ولَم تَعمَ عَلَیهِ مُشتَبِهاتُ الاُمورِ،ظافِرًا بِفَرحَهِ البُشری وراحَهِ النُّعمی،فی أنعَمِ نَومِهِ وآمَنِ یَومِهِ.

وقَد عَبَرَ مَعبَرَ العاجِلَهِ حَمیدًا،وقَدَّمَ زادَ الآجِلَهِ سَعیدًا،وبادَرَ مِن وَجَلٍ،وأکمَشَ فی مَهَلٍ،ورَغِبَ فی طَلَبٍ،وذَهَبَ عَن هَرَبٍ،وراقَبَ فی یَومِهِ غَدَهُ،ونَظَرَ قُدُمًا أمامَهُ.

فَکَفی بِالجَنَّهِ ثَوابًا ونَوالًا ! وکَفی بِالنّارِ عِقابًا ووَبالًا ! وکَفی بِاللّهِ مُنتَقِمًا ونَصیرًا ! وکَفی بِالکِتابِ حَجیجًا وخَصیمًا ! [(5)](#content_note_236_5)

2/7 ما یَحرُمُ عَلَی العاقِلِ

الکتاب

قُلْ تَعالَوْا أَتْلُ ما حَرَّمَ رَبُّکُمْ عَلَیْکُمْ أَلاّ تُشْرِکُوا بِهِ شَیْئاً وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً وَ لا تَقْتُلُوا

ص:236

1- (1) حلیه الأولیاء:345/6 عن أبی سعید،الفردوس:8190/282/5 کلاهما عن أبی هریره.

2- (2) غررالحکم:1747،7594. [1]

3- (3) غررالحکم:1747،7594. [2]

4- (4) شرح نهج البلاغه:690/322/20.

5- (5) نهج البلاغه:الخطبه 83. [3]

736.امام علی علیه السلام: از خداوند پیروی کن تا خردمند نامیده شوی،و نافرمانی مکن که نادانْ نامیده می شوی.

737.امام علی علیه السلام: خردمند آن است که در مسیر اطاعت پروردگار،هوای نفس را نافرمانی کند.

738.امام علی علیه السلام: اگر خداوندِ سبحان،ترغیب به طاعت خود نمی کرد،سزاوار بود به امید دستیابی به رحمت او اطاعت شود.

739.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:بر خردمند است به حکمت،که عقلش را زنده می دارد،بیشتر دلبسته باشد تا غذایی که جسمش را زنده می دارد.

740.امام علی علیه السلام: بندگان خدا ! تقوا پیشه کنید؛تقوای خردمندی که اندیشه،دلش را مشغول داشته،و ترس،بدنش را سست کرده،و شب زنده داریْ خوابش را کم کرده، و امید،عطش روزانه اش را سیراب ساخته،و زهد،شهوتهایش را بُرده،و یاد خدا زبانش را بی تاب کرده است،و ترس را برای امان یافتن خود،پیش فرستاده است، و از اوهام و خیالات،در راه روشنْ دوری گزیده و نزدیک ترین راه رسیدن به مقصد را انتخاب کرده است؛پیچاننده های فریب،او را نپیچند و امور مشتبه بر او پنهان نگردد،در حالی که بر خوشی بشارت و آسایش نعمتْ در خوش ترین خواب و آسوده ترین روز دست یافته است؛از گذرگاه دنیا به شایستگی گذر کرده و توشۀ آخرت را با خوشبختیْ پیش فرستاده است؛از روی ترس،سبقت گرفته و بر فرصتها چنگ انداخته است؛به جستجو رغبت نشان داده و به حالت گریز پیش رفته است؛در امروز،فردایش را بپاید و بسیار باشد که چند قدم جلوتر را ببیند.

[برای او] بهشت به عنوان پاداش و بخششْ کافی است،و آتش،برای کیفر بس است،و خداوند،به عنوان انتقام گیرنده و یاری رساننده،[او را] کفایت کند و قرآن به عنوان حجّت و مدّعی،بس باشد.

#### 2/7 آنچه بر خردمند حرام است

قرآن

بگو:بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده،برای شما بخوانم:چیزی را با او

ص:237

أَوْلادَکُمْ مِنْ إِمْلاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُکُمْ وَ إِیّاهُمْ وَ لا تَقْرَبُوا الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ وَ لا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اللّهُ إِلاّ بِالْحَقِّ ذلِکُمْ وَصّاکُمْ بِهِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ [(1)](#content_note_238_1).

\* الحدیث

741-الإمام علیّ علیه السلام: لَو لَم یَنهَ اللّهُ سُبحانَهُ عَن مَحارِمِهِ لَوَجَبَ أن یَجتَنِبَهَا العاقِلُ [(2)](#content_note_238_2).

742-عنه علیه السلام: لَو لَم یَتَوَعَّدِ اللّهُ عَلی مَعصِیَتِهِ لَکانَ یَجِبُ أن لا یُعصی شُکرًا لِنِعَمِهِ [(3)](#content_note_238_3).

743-عنه علیه السلام: أقَلُّ ما یَجِبُ لِلمُنعِمِ أن لا یُعصی بِنِعمَتِهِ [(4)](#content_note_238_4).

744-عنه علیه السلام: الاِنقِباضُ عَنِ المَحارِمِ مِن شِیَمِ العُقَلاءِ وسَجِیَّهِ الأَکارِمِ [(5)](#content_note_238_5).

745-عنه علیه السلام: العاقِلُ مَن تَوَرَّعَ عَنِ الذُّنوبِ،وتَنَزَّهَ عَنِ العُیوبِ [(6)](#content_note_238_6).

746-عنه علیه السلام: هِمَّهُ العاقِلِ تَرکُ الذُّنوبِ وإصلاحُ العُیوبِ [(7)](#content_note_238_7).

747-عنه علیه السلام: العَقلُ مُنَزِّهٌ عَنِ المُنکَرِ،آمِرٌ بِالمَعروفِ [(8)](#content_note_238_8).

748-عنه علیه السلام: ما کَذَبَ عاقِلٌ،ولا زَنی مُؤمِنٌ [(9)](#content_note_238_9).

749-عنه علیه السلام: غَریزَهُ العَقلِ تَأبی ذَمیمَ الفِعلِ [(10)](#content_note_238_10).

750-عنه علیه السلام: مِنَ العَقلِ مُجانَبَهُ التَّبذیرِ وحُسنُ التَّدبیرِ [(11)](#content_note_238_11).

751-عنه علیه السلام: لِلحازِمِ مِن عَقلِهِ عَن کُلِّ دَنِیَّهٍ زاجِرٌ [(12)](#content_note_238_12).

752-عنه علیه السلام: أصلُ العَقلِ العَفافُ،وثَمَرَتُهُ البَراءَهُ مِنَ الآثامِ [(13)](#content_note_238_13).

753-عنه علیه السلام: لِلقُلوبِ خَواطِرُ سَوءٍ،وَالعُقولُ تَزجُرُ عَنها [(14)](#content_note_238_14).

754-عنه علیه السلام: النُّفوسُ طَلِقَهٌ،لکِنَّ أیدِیَ العُقولِ تُمسِک أعِنَّتَها عَنِ النُّحوسِ [(15)](#content_note_238_15).

755-الإمام الکاظم علیه السلام: إنَّ العاقِلَ لا یَکذِبُ وإن کانَ فیهِ هَواهُ [(16)](#content_note_238_16).

ص:238

1- (1) الأنعام:151. [1]

2- (2) غرر الحکم:7595. [2]

3- (3) نهج البلاغه:الحکمه 290، [3]بحارالأنوار:96/364/73. [4]

4- (4) غرر الحکم:3268،2001،1737. [5]

5- (5) غرر الحکم:3268،2001،1737. [6]

6- (6) غرر الحکم:3268،2001،1737. [7]

7- (7) کنزالفوائد:200/1. [8]

8- (8) غرر الحکم:1250،9531،6393،9320،7350. [9]

9- (9) غرر الحکم:1250،9531،6393،9320،7350. [10]

10- (10) غرر الحکم:1250،9531،6393،9320،7350. [11]

11- (11) غرر الحکم:1250،9531،6393،9320،7350. [12]

12- (12) غرر الحکم:1250،9531،6393،9320،7350. [13]

13- (13) مطالب السؤول:50، [14]بحارالأنوار:59/7/78. [15]

14- (14) غرر الحکم:7340 و 3433 [16] وفیه«تزجر منها»بدل«تزجر عنها».

15- (15) غرر الحکم:2048. [17]

16- (16) الکافی:12/19/1 [18] عن هشام بن الحکم.

شریک قرار مدهید،و به پدر و مادر احسان کنید،و فرزندان خود را از بیم تنگدستی مکُشید،ما شما و آنان را روزی می رسانیم؛و به کارهای زشت-چه علنی آن و چه پوشیده[اش]-نزدیک مشوید؛و نفسی را که خدا حرام گردانیده،جز به حق مکشید.

اینهاست که [خدا] شما را به [انجام دادن] آن سفارش کرده است؛باشد که بیندیشید.

حدیث

741.امام علی علیه السلام: اگر خداوند از محرّمات نهی نمی کرد،سزاوار بود که خردمندْ از آن اجتناب ورزد.

742.امام علی علیه السلام: اگر خداوند بر نافرمانی اش وعدۀ عقاب نمی داد،سزاوار بود به عنوان سپاسگزاری از نعمتهایش،نافرمانی نشود.

743.امام علی علیه السلام: کمترین چیزی که نعمت دهنده استحقاق دارد،آن است که با نعمتهایش مورد نافرمانی قرار نگیرد.

744.امام علی علیه السلام: خودداری از گناهان،خوی خردمندان و از اخلاق بزرگواران است.

745.امام علی علیه السلام: خردمند،کسی است که از گناهان دوری کند و از لغزشها پاک باشد.

746.امام علی علیه السلام: همّت خردمند،معطوف به ترک گناهان و اصلاح عیوب است.

747.امام علی علیه السلام: خرد،از زشتی ها بازدارد و به خوبی ها فرمان دهد.

748.امام علی علیه السلام: هیچ خردمندیْ دروغ نگوید و هیچ مؤمنیْ مرتکب زنا نشود.

749.امام علی علیه السلام: سرشت خردمندیْ از رفتار زشت دوری می جوید.

750.امام علی علیه السلام: از نشانه های خردمندی،دوری جستن از اسراف و تدبیر نیک است.

751.امام علی علیه السلام: دور اندیش از عقلش بازدارنده ای از پستی ها دارد.

752.امام علی علیه السلام: ریشۀ خردمندی،پاکدامنی و میوه اش پاکی از گناهان است.

753.امام علی علیه السلام: دلها را خیالاتی زشت است که عقلها [آدمی را] از آن بازمی دارد.

754.امام علی علیه السلام: جانها رهایند؛امّا دستهای خرد،عنان آن را از پلیدی ها بازدارد.

755.امام کاظم علیه السلام: خردمند،دروغ نگوید،گرچه مطلوبش در آن باشد.

ر.ک:ص 311«انجام گناهان».

ص:239

3/7 ما یَنبَغی لِلعاقِلِ

756-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: یَنبَغی لِلعاقِلِ إذا کانَ عاقِلًا أن یَکونَ لَهُ أربَعُ ساعاتٍ مِنَ النَّهارِ:ساعَهٌ یُناجی فیها رَبَّهُ،وساعَهٌ یُحاسِبُ فیها نَفسَهُ،وساعَهٌ یَأتی أهلَ العِلمِ الَّذینَ یُبَصِّرونَهُ أمرَ دینِهِ ویَنصَحونَهُ،وساعَهٌ یُخَلّی بَینَ نَفسِهِ ولَذَّتِها مِن أمرِ الدُّنیا فیما یَحِلُّ ویَجمُلُ [(1)](#content_note_240_1).

757-أبو ذَرٍّ الغِفارِیُّ: قُلتُ:یا رَسولَ اللّهِ،ما کانَ فی صُحُفِ إبراهیمَ؟قالَ:کانَ فیها أمثالٌ وعِبَرٌ:یَنبَغی لِلعاقِلِ ما لَم یَکُن مَغلوبًا فی عَقلِهِ أن یَکونَ حافِظًا لِلِسانِهِ،عارِفًا بِزَمانِهِ،مُقبِلًا عَلی شَأنِهِ،فَإِنَّهُ مَن حَسَبَ کَلامَهُ مِن عَمَلِهِ قَلَّ کَلامُهُ إلّافیما یَعنیهِ [(2)](#content_note_240_2).

758-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: یَنبَغی لِلعاقِلِ أن لا یَکونَ شاخِصًا إلّافی ثَلاثٍ:طَلَبٍ لِمَعاشٍ، أو خُطوَهٍ لِمَعادٍ،أو لَذَّهٍ فی غَیرِ مُحَرَّمٍ [(3)](#content_note_240_3).

759-عنه صلی الله علیه و آله -فی وَصِیَّتِهِ لِعَلِیٍّ علیه السلام-:یا عَلِیُّ،لا یَنبَغی لِلعاقِلِ أن یَکونَ ظاعِنًا إلّافی ثَلاثٍ:مَرَمَّهٍ لِمَعاشٍ،أو تَزَوُّدٍ لِمَعادٍ،أو لَذَّهٍ فی غَیرِ مُحَرَّمٍ [(4)](#content_note_240_4).

760-عنه صلی الله علیه و آله: عَلَی العاقِلِ أن یَکونَ بَصیرًا بِزَمانِهِ [(5)](#content_note_240_5).

761-الإمام علیّ علیه السلام -فی وَصِیَّتِهِ لِابنِهِ الحَسَنِ علیه السلام-:یا بُنَیَّ،إنَّهُ لابُدَّ لِلعاقِلِ مِن أن یَنظُرَ فی شَأنِهِ،فَلیَحفَظ لِسانَهُ وَلیَعرِف أهلَ زَمانِهِ [(6)](#content_note_240_6).

762-الإمام الصادق علیه السلام: فی حِکمَهِ آلِ داودَ:عَلَی العاقِلِ أن یَکونَ عارِفًا بِزَمانِهِ،

ص:240

1- (1) روضه الواعظین:8 [1] عن الإمام علیّ علیه السلام؛الزهد لابن المبارک:313/105 نحوه.

2- (2) تنبیه الغافلین:275/216، [2]الصمت لابن أبی الدنیا:31/45 وفیه«حقّ علی العاقل أن یکون عارفًا بزمانه حافظًا للسانه،مقبلًا علی شأنه»فقط.

3- (3) تاریخ بغداد:250/338/1 [3] عن الحارث الأعور،الفردوس:8888/501/5 کلاهما عن الإمام علیّ علیه السلام،کنزالعمّال:43408/856/15؛تحف العقول:203 عن الإمام علیّ علیه السلام وفیه«مرمّه»بدل«طلب»،وراجع تنبیه الغافلین:276/216. [4]

4- (4) الفقیه:5762/356/4 عن الإمام الباقر عن جدّه عن الإمام علیّ علیهم السلام،الکافی:1/87/5 [5] عن محمّد بن مروان عن الإمام الصادق علیه السلام،نهج البلاغه:الحکمه 390، [6]المحاسن:1205/80/2 [7] عن الأصبغ بن نباته عن الإمام علیّ علیه السلام وکلاهما نحوه.

5- (5) الخصال:13/525،معانی الأخبار:1/334،عوالی اللآلی:26/93/1 [8] کلّها عن أبی ذرّ؛الترغیب والترهیب:24/189/3 و ص 28/531 عن أبی ذرّ.

6- (6) الأمالی للطوسی:240/146 [9] عن أبی وجزه السعدی عن أبیه،تحف العقول:203 وفیه«...للعاقل من ثلاث:أن...».

#### 3/7 آنچه سزاوارست برای خردمند

756.پیامبر صلی الله علیه و آله: سزاوار است که خردمند،اوقاتش چهار بخش باشد:در وقتی با خداوند مناجات کند؛در ساعتی به حسابرسی خویش پردازد؛اوقاتی نزد دانشمندان رود،آنهایی که او را با دین آشنا و برایش خیرخواهی کنند؛و وقتی را به خوشی های دنیایی که حلال و زیباست،اختصاص دهد.

757.ابوذر غفاری: از رسول خدا پرسیدم:«ای رسول خدا ! در صحیفه های ابراهیم چه بود؟».فرمود:«در آن،مَثَل ها و پندهایی بود:سزاوار است که خردمند، اگر عقلش مغلوب نشده،زبانش را نگه دارد،زمانش را بشناسد و بر کار خویش روی آورد.به راستی،هر کس سخن گفتن را از کارهایش به حساب آورد،سخن گفتنش کم شود،مگر در آنچه به او مربوط باشد».

758.پیامبر صلی الله علیه و آله: سزاوار است که خردمند به راه نیفتد،مگر برای سه چیز:به دست آوردن خرج زندگی،برداشتن گامی به سوی رستاخیز و کسب خوشی غیر حرام.

759.پیامبر صلی الله علیه و آله -در سفارش به علی علیه السلام-:سزاوار نیست که خردمند،جز در طلب سه چیز گام بردارد:به دست آوردن خرج زندگی،برداشتن گامی به سوی رستاخیز و کسب غیر حرام.

760.امام علی علیه السلام: بر خردمند است که به زمانش بینا باشد.

761.امام علی علیه السلام -در سفارش به فرزندش حسن علیه السلام-:فرزندم ! سزاوار است که خردمند به موقعیت خویش بنگرد،زبانش را نگه دارد و اهل زمانش را بشناسد.

762.امام صادق علیه السلام: در حکمتهای آل داوود آمده است:بر خردمند است که زمانش را

ص:241

مُقبِلًا عَلی شَأنِهِ،حافِظًا لِلِسانِهِ [(1)](#content_note_242_1).

763-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: رَأسُ العَقلِ بَعدَ الإِیمانِ بِاللّهِ عز و جل الحَیاءُ وحُسنُ الخُلُقِ [(2)](#content_note_242_2).

764-عنه صلی الله علیه و آله: رَأسُ العَقلِ بَعدَ الإِیمانِ بِاللّهِ عز و جل التَّحَبُّبُ إلَی النّاسِ [(3)](#content_note_242_3).

765-عنه صلی الله علیه و آله: رَأسُ العَقلِ بَعدَ الدّینِ التَّوَدُّدُ إلَی النّاسِ،وَاصطِناعُ الخَیرِ إلی کُلِّ بَرٍّ وفاجِرٍ [(4)](#content_note_242_4).

766-عنه صلی الله علیه و آله: رَأسُ العَقلِ المُداراهُ [(5)](#content_note_242_5).

767-عنه صلی الله علیه و آله: رَأسُ العَقلِ بَعدَ الإِیمانِ بِاللّهِ مُداراهُ النّاسِ فی غَیرِ تَرکِ حَقٍّ [(6)](#content_note_242_6).

768-الإمام علیّ علیه السلام: التَّثَبُّتُ رَأسُ العَقلِ،وَالحِدَّهُ رَأسُ الحُمقِ [(7)](#content_note_242_7).

769-الإمام الحسن علیه السلام: رَأسُ العَقلِ مُعاشَرَهُ النّاسِ بِالجَمیلِ [(8)](#content_note_242_8).

770-الإمام علیّ علیه السلام: رَأسُ العَقلِ مُجاهَدَهُ الهَوی [(9)](#content_note_242_9).

771-عنه علیه السلام: ضادُّوا الهَوی بِالعَقلِ [(10)](#content_note_242_10).

772-عنه علیه السلام: مَن غَلَبَ عَقلُهُ هَواهُ أفلَحَ [(11)](#content_note_242_11).

773-عنه علیه السلام: مَن غَلَبَ عَقلُهُ شَهوَتَهُ وحِلمُهُ غَضَبَهُ کانَ جَدیرًا بِحُسنِ السّیرَهِ [(12)](#content_note_242_12).

774-عنه علیه السلام: داوُوا الغَضَبَ بِالصَّمتِ،وَالشَّهوَهَ بِالعَقلِ [(13)](#content_note_242_13).

775-عنه علیه السلام: قاتِل هَواکَ بِعَقلِکَ تَملِک رُشدَکَ [(14)](#content_note_242_14).

776-عنه علیه السلام: الحِلمُ غِطاءٌ ساتِرٌ،وَالعَقلُ حُسامٌ قاطِعٌ،فَاستُر خَلَلَ خُلُقِکَ بِحِلمِکَ، وقاتِل هَواکَ بِعَقلِکَ [(15)](#content_note_242_15).

777-عنه علیه السلام: الحَذَرَ الحَذَرَ أیُّهَا المُستَمِعُ ! وَالجِدَّ الجِدَّ أیُّهَا العاقِلُ ! ولا یُنَبِّئُکَ مِثلُ

ص:242

1- (1) الکافی:20/116/2 [1] عن منصور بن یونس،الفقیه:5903/416/4 عن حمّاد بن عثمان مع تقدیم وتأخیر،معانی الأخبار:1/334 عن أبی ذرّ عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله وفیه أنّه من صحف إبراهیم علیه السلام؛الصمت لابن أبی الدنیا:31/45،عیون الأخبار لابن قتیبه:280/1 کلاهما عن وهب بن منبّه،تفسیر الدرّ المنثور:489/8 نقلًا عن عبد بن حمید وابن مردویه وابن عساکر عن أبی ذرّ عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله وفیه أنّه من صحف إبراهیم علیه السلام وفیه«بصیرًا»بدل«عارفًا».

2- (2) الفردوس:3257/270/2 عن أنس،کنزالعمّال:5775/121/3.

3- (3) الخصال:55/15 عن الحسین بن زید عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام،روضه الواعظین:7؛ [2]المعجم الأوسط:4847/120/5 عن الحسین بن زید عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله و ج 6070/156/6 عن أبی هریره،السنن الکبری:20306/187/10 عن سعید بن المسیّب وفیهما«التودّد»بدل«التحبّب».

4- (4) شعب الإیمان:8062/256/6 [3] عن عبداللّه بن أحمد بن عامر عن الإمام الرضا [4]عن آبائه علیهم السلام؛صحیفه الرضا علیه السلام:54/105 عن الإمام الرضا [5]عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله،جامع الأحادیث للقمّی:80 عن علیّ بن صدقه الرقی عن الإمام الرضا [6]عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله،بحارالأنوار:13/409/74. [7]

5- (5) شعب الإیمان:8446/344/6 [8] عن أبی هریره.

6- (6) تحف العقول:42،الفقیه:5834/387/4 عن الإمام علیّ علیه السلام فی وصیّته لابنه محمّد بن الحنفیه ولیس فیه ذیله؛قضاءالحوائج:17/32 عن سعید بن المسیّب ولیس فیه ذیله.

7- (7) کنزالفوائد:199/1. [9]

8- (8) کشف الغمّه:197/2. [10]

9- (9) غرر الحکم:5263،5922،8357،8887،5155،6737. [11]

10- (10) غرر الحکم:5263،5922،8357،8887،5155،6737. [12]

11- (11) غرر الحکم:5263،5922،8357،8887،5155،6737. [13]

12- (12) غرر الحکم:5263،5922،8357،8887،5155،6737. [14]

13- (13) غرر الحکم:5263،5922،8357،8887،5155،6737. [15]

14- (14) غرر الحکم:5263،5922،8357،8887،5155،6737. [16]

15- (15) نهج البلاغه:الحکمه 424، [17]روضهالواعظین:460 [18] وفیه«العقل حسام قاطع،قاتل هواک بعقلک»فقط.

بشناسد،به موقعیت خویش رو کند و نگهدار زبانش باشد.

763.پیامبر صلی الله علیه و آله: اوج خردمندیْ پس از ایمان به خداوند،آزرم و خوش خُلقی است.

764.پیامبر صلی الله علیه و آله: اوج خردمندیْ پس از ایمان به خداوند،اظهار دوستی به مردم است.

765.پیامبر صلی الله علیه و آله: اوج خردمندیْ پس از دینداری،اظهار دوستی به مردم و نیکی کردن به هر خوب و بد است.

766.پیامبر صلی الله علیه و آله: بنیاد خردمندی،مدارا کردن است.

767.پیامبر صلی الله علیه و آله: اوج خردمندی،پس از ایمان به خدا،مدارا کردن با مردم،جز به هنگام ترک حقیقت است.

768.امام علی علیه السلام: درنگ در کارها،اوج خردمندی است و تندی،اوج حماقت است.

769.امام حسین علیه السلام: اوج خردمندی،معاشرت نیکو با مردم است.

770.امام علی علیه السلام: اوج خردمندی،مبارزه با هوای نفس است.

771.امام علی علیه السلام: با نیروی خرد،با هوای نفس بجنگید.

772.امام علی علیه السلام: آنکه عقلش بر هوای نفس پیروز گردد،رستگار شده است.

773.امام علی علیه السلام: آنکه خردش بر شهوت و بردباری اش بر خشمْ غالب آید،شایستۀ خوشْ سیرتی است.

774.امام علی علیه السلام: خشم را با سکوتْ و شهوت را با خردمندی درمان کنید.

775.امام علی علیه السلام: هوای نفس را با خردمندی بکُش،تا هدایت خود را دریابی.

776.امام علی علیه السلام: بردباری،پرده ای پوشان است و خرد،شمشیری بُرنده.پس کاستی های اخلاق خویش را با بردباری بپوشان و با خرد خود با هوای نفست بجنگ.

777.امام علی علیه السلام: بهوش،بهوش،ای شنونده! تلاش،تلاش،ای خردمند! هیچ کس

ص:243

خَبیرٍ [(1)](#content_note_244_1).

778-عنه علیه السلام: لَقَد أخطَأَ العاقِلُ اللّاهِی الرُّشدَ،وأصابَهُ ذُو الاِجتِهادِ وَالجِدِّ [(2)](#content_note_244_2).

779-عنه علیه السلام: حَقٌّ عَلَی العاقِلِ العَمَلُ لِلمَعادِ وَالاِستِکثارُ مِنَ الزّادِ [(3)](#content_note_244_3).

780-عنه علیه السلام: حَقٌّ عَلَی العاقِلِ أن یَستَدیمَ الاِستِرشادَ ویَترُکَ الاِستِبدادَ [(4)](#content_note_244_4).

781-عنه علیه السلام: یَنبَغی لِلعاقِلِ أن لا یَخلُوَ فی کُلِّ حالَهٍ عَن طاعَهِ رَبِّهِ ومُجاهَدَهِ نَفسِهِ [(5)](#content_note_244_5).

782-عنه علیه السلام: یَنبَغی لِلعاقِلِ أن یَکتَسِبَ بِمالِهِ المَحمَدَهَ،ویَصونَ نَفسَهُ عَنِ المَسأَلَهِ [(6)](#content_note_244_6).

783-عنه علیه السلام: یَنبَغی لِلعاقِلِ أن یُکثِرَ مِن صُحبَهِ العُلَماءِ وَالأَبرارِ،ویَجتَنِبَ مُقارَنَهَ الأَشرارِ وَالفُجّارِ [(7)](#content_note_244_7).

784-عنه علیه السلام: یَنبَغی لِلعاقِلِ إذا عَلَّمَ أن لا یَعنُفَ،وإذا عُلِّمَ أن لا یَأنَفَ [(8)](#content_note_244_8).

785-عنه علیه السلام: یَنبَغی لِلعاقِلِ أن یُخاطِبَ الجاهِلَ مُخاطَبَهَ الطَّبیبِ المَریضَ [(9)](#content_note_244_9).

786-عنه علیه السلام: یَنبَغی لِلعاقِلِ أن یَلمَحَ وَجهَهُ فِی المِرآهِ،فَإِن کانَ حَسَنًا فَلا یَخلِطهُ بِعَمَلِ القَبیحِ فَیَجمَعَ بَینَ الحَسَنِ وَالقَبیحِ [(10)](#content_note_244_10)،وإن کانَ قَبیحًا فَلا یَعمَل قَبیحًا فَیَکونَ قَد جَمَعَ بَینَ القَبیحَینِ [(11)](#content_note_244_11).

787-عنه علیه السلام: یَنبَغی لِلعاقِلِ إذا أصابَتهُ نَکبَهٌ أن یَنامَ لَها حَتّی تَنقَضِیَ مُدَّتُها،فَإِنَّ فی رَفعِها قَبلَ انقِضاءِ مُدَّتِها زِیادَهً فی مَکروهِها [(12)](#content_note_244_12).

788-عنه علیه السلام: یَنبَغی أن یَکونَ عِلمُ الرَّجُلِ زائِدًا عَلی نُطقِهِ،وعَقلُهُ غالِبًا عَلی لِسانِهِ [(13)](#content_note_244_13).

ص:244

1- (1) غرر الحکم:2610،7401،4924،4923،10922،10942،10949،10954،10944. [1]

2- (2) غرر الحکم:2610،7401،4924،4923،10922،10942،10949،10954،10944. [2]

3- (3) غرر الحکم:2610،7401،4924،4923،10922،10942،10949،10954،10944. [3]

4- (4) غرر الحکم:2610،7401،4924،4923،10922،10942،10949،10954،10944. [4]

5- (5) غرر الحکم:2610،7401،4924،4923،10922،10942،10949،10954،10944. [5]

6- (6) غرر الحکم:2610،7401،4924،4923،10922،10942،10949،10954،10944. [6]

7- (7) غرر الحکم:2610،7401،4924،4923،10922،10942،10949،10954،10944. [7]

8- (8) غرر الحکم:2610،7401،4924،4923،10922،10942،10949،10954،10944. [8]

9- (9) غرر الحکم:2610،7401،4924،4923،10922،10942،10949،10954،10944. [9]

10- (10) فی المصدر«القبح»والصحیح ما أثبتناه عن مستدرک الوسائل:22/443/1. [10]

11- (11) عوالی اللآلی:204/57/4. [11]

12- (12) الصواعق المحرقه:131، [12]ینابیع المودّه:155/417/2 [13] وفیه زیاده«اشتغل»بعد«فإن»،کنزالعمّال:8657/752/3 نقلًا عن ابن عساکر عن الأحنف بن قیس.

13- (13) غرر الحکم:10946. [14]

مانند خُبره به تو خبر ندهد.

778.امام علی علیه السلام: خردمندِ خوشگذران،از رُشدْ بازمانَد و اهل اجتهاد و تلاشْ به رشد رسد.

779.امام علی علیه السلام: سزاوار است که خردمند،برای قیامتْ تلاش کند و بسیار توشه برگیرد.

780.امام علی علیه السلام: سزاوار است که خردمند،همیشه راهنمایی بخواهد و استبداد [در رأی] را رها سازد.

781.امام علی علیه السلام: سزاوار است که خردمند،در هیچ حالتی از اطاعت پروردگار و جهاد با نفس،فرو گذار نکند.

782.امام علی علیه السلام: سزاوار است که خردمند،با ثروتش حمد و ستایشْ به دست آورد و خویش را از سؤال،مصون دارد.

783.امام علی علیه السلام: سزاوار است که خردمند،با دانشمندان و نیکانْ بسیار همنشینی کند و از همراهی بدکاران و تبهکاران بپرهیزد.

784.امام علی علیه السلام: سزاوار است خردمند،هنگامی که تعلیم می دهد،خشونت نورزد و هنگامی که می آموزد،سرپیچی نکند.

785.امام علی علیه السلام: سزاوار است که خردمند با نادان،مانند طبیب با بیمار،برخورد نماید.

786.امام علی علیه السلام: سزاوار است که خردمند،صورت خود را در آینه بنگرد؛اگر زیبا بود،آن را با رفتار زشتْ همراه نکند،تا زشت و زیبا را جمع کرده باشد و اگر زشت بود،[باز هم] رفتار زشت از او سرنزند،تا میان دو زشتْ جمع کرده باشد.

787.امام علی علیه السلام: سزاوار است خردمند،هنگامی که در بدبختی افتاد،صبر پیشه سازد تا زمانش سپری گردد؛چرا که تلاش برای برداشتن آن،پیش از موعد، به تلخی آن می افزاید.

788.امام علی علیه السلام: سزاوار است که دانش آدمی،بیش از سخن گفتن او باشد و خردش بر زبانش غالب آید.

ص:245

789-عنه علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:یَنبَغی لِلعاقِلِ أن یَستَعمِلَ فیما یَلتَمِسُهُ الرِّفقَ ومُجانَبَهَ الهَذَرِ [(1)](#content_note_246_1).

790-عنه علیه السلام -أیضًا-:یَنبَغی لِلعاقِلِ أن یَتَذَکَّرَ عِندَ حَلاوَهِ الغِذاءِ مَرارَهَ الدَّواءِ [(2)](#content_note_246_2).

791-عنه علیه السلام -أیضًا-:یَنبَغی لِلعاقِلِ أن یَمنَعَ مَعروفَهُ الجاهِلَ وَاللَّئیمَ وَالسَّفیهَ.أمَّا الجاهِلُ فَلا یَعرِفُ المَعروفَ ولا یَشکُرُ عَلَیهِ،وأمَّا اللَّئیمُ فَأَرضٌ سَبخَهٌ لا تُنبِتُ،وأمَّا السَّفیهُ فَیَقولُ:إنَّما أعطانی فَرَقًا مِن لِسانی [(3)](#content_note_246_3).

792-الإمام الصادق علیه السلام: یَنبَغی لِلعاقِلِ أن یَکونَ صَدوقًا لِیُؤمَنَ عَلی حَدیثِهِ، وشَکورًا لِیَستَوجِبَ الزِّیادَهَ [(4)](#content_note_246_4).

793-الإمام علیّ علیه السلام: لِلعاقِلِ فی کُلِّ عَمَلٍ إحسانٌ،لِلجاهِلِ فی کُلِّ حالَهٍ خُسرانٌ [(5)](#content_note_246_5).

794-عنه علیه السلام: لِلعاقِلِ فی کُلِّ عَمَلٍ ارتِیاضٌ [(6)](#content_note_246_6).

795-عنه علیه السلام: لِلعاقِلِ فی کُلِّ کَلِمَهٍ نُبلٌ [(7)](#content_note_246_7).

796-عنه علیه السلام: عَلَی العاقِلِ أن یُحصِیَ عَلی نَفسِهِ مَساوِیَها فِی الدّینِ وَالرَّأیِ وَالأَخلاقِ وَالأَدَبِ،فَیَجمَعَ ذلِکَ فی صَدرِهِ أو فی کِتابٍ ویَعمَلَ فی إزالَتِها [(8)](#content_note_246_8).

797-الإمام الصادق علیه السلام: عَلَی العاقِلِ طَلَبُ العِلمِ وَالأَدَبِ الَّذی لا قِوامَ لَهُ إلّابِهِ [(9)](#content_note_246_9).

798-عنه علیه السلام -فی زِیارَهِ الإمامِ الحُسَینِ علیه السلام-:اللّهُمَّ إنّی أشَهَدُ أنَّ هذا قَبرُ ابنِ حَبیبِکَ وصَفوَتِکَ مِن خَلقِکَ،وأنَّهُ الفائِزُ بِکَرامَتِکَ،أکرَمتَهُ بِکِتابِکَ،وخَصَصتَهُ وَائتَمَنتَهُ عَلی وَحیِکَ،وأعطَیتَهُ مَواریثَ الأَنبِیاءِ،وجَعَلتَهُ حُجَّهً عَلی خَلقِکَ،فَأَعذَرَ فِی الدُّعاءِ،وبَذَلَ مُهجَتَهُ فیکَ؛لِیَستَنقِذَ عِبادَکَ مِنَ الضَّلالَهِ

ص:246

1- (1) شرح نهج البلاغه:868/337/20 و ص 149/272 و ص 442/301.

2- (2) شرح نهج البلاغه:868/337/20 و ص 149/272 و ص 442/301.

3- (3) شرح نهج البلاغه:868/337/20 و ص 149/272 و ص 442/301.

4- (4) تحف العقول:364.

5- (5) غرر الحکم:(7328 و 7329)، [1]7339،7334.

6- (6) غرر الحکم:(7328 و 7329)، [2]7339،7334.

7- (7) غرر الحکم:(7328 و 7329)، [3]7339،7334.

8- (8) مطالب السؤول:49. [4]

9- (9) الکافی:29/1 ذیل الحدیث 34 [5] عن الحسن بن عمّار.

789.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:سزاوار است که خردمند،در مورد نیاز،نرمی جوید و از هرزه گویی بپرهیزد.

790.امام علی علیه السلام: سزاوار است که خردمند،هنگام [چشیدن] لذت غذا،به یاد تلخی دارو باشد.

791.امام علی علیه السلام: سزاوار است که خردمند،خوبی را از نادان،فرومایه و ابله دریغ دارد؛چرا که نادان،خوبی را نشناسد و آن را سپاس نگوید و فرومایه، [همچون] شوره زاری است که قابلِ کشتْ نیست و ابله،خواهد گفت:از ترس زبانم به من بخشید.

792.امام صادق علیه السلام: سزاوار است که خردمند،راستگو باشد تا به سخنش اعتماد شود و سپاسگزار باشد،تا بیشتر به دست آورد.

793.امام علی علیه السلام: برای خردمندْ در هر کاری،نیکی است و نادانْ همیشه در زیان است.

794.امام علی علیه السلام: برای خردمند،در هر کاری ریاضتی است.

795.امام علی علیه السلام: خردمند را در هر سخن،دستاوردی است.

796.امام علی علیه السلام: بر خردمند است که بدی های خود را در دینداری،رأی و نظر،و اخلاق و ادب،بر رسد و آن را در سینۀ خویش یا نوشته ای ثبت کند و در از میان برداشتن آنْ بکوشد.

797.امام صادق علیه السلام: بر خردمند است که در جستجوی دانش و ادبی باشد که پایداری او جز بدان نیست.

798.امام صادق علیه السلام -در زیارت امام حسین علیه السلام-:بار خدایا ! به راستی گواهی می دهم که این،قبر فرزند دوست و برگزیدۀ تو از میان خلق است و اوست که به کرامتها دست یافت.او را به کتابت،کرامت بخشیدی.او را بر وحی خود، امین شمردی و او را بدان اختصاص دادی.میراث پیامبران را در اختیارش نهادی و او را حجّت و راهنمای خلق قرار دادی.پس او در دعوت [به سوی تو] از چیزی فروگذار نکرد و خونش را در راه تو هدیه کرد،تا بندگانت را از

ص:247

وَالجَهالَهِ وَالعَمی وَالشَّکِّ وَالاِرتِیابِ إلی بابِ الهُدی مِنَ الرَّدی [(1)](#content_note_248_1).

799-عنه علیه السلام -فی زِیارَهِ الإِمامِ الحُسَینِ علیه السلام یَومَ الأَربَعینَ-:اَللّهُمَّ إنّی أشهَدُ أنَّهُ وَلِیُّکَ وَابنُ وَلِیِّکَ،وصَفِیُّکَ وَابنُ صَفِیِّکَ،الفائِزُ بِکَرامَتِکَ،أکرَمتَهُ بِالشَّهادَهِ، وحَبَوتَهُ بِالسَّعادَهِ،وَاجتَبَیتَهُ بِطیبِ الوِلادَهِ،وجَعَلتَهُ سَیَّدًا مِنَ السّادَهِ وقائِدًا مِنَ القادَهِ وذائِدًا مِنَ الذّادَهِ،وأعطَیتَهُ مَواریثَ الأَنبِیاءِ،وجَعَلتَهُ حُجَّهً عَلی خَلقِکَ مِنَ الأَوصِیاءِ،فَأَعذَرَ فِی الدُّعاءِ،ومَنَحَ النُّصحَ،وبَذَلَ مُهجَتَهُ فیکَ؛لِیَستَنقِذَ عِبادَکَ مِنَ الجَهالَهِ وحَیرَهِ الضَّلالَهِ [(2)](#content_note_248_2).

800-الإمام الکاظم علیه السلام: یَنبَغی لِلعاقِلِ إذا عَمِلَ عَمَلًا أن یَستَحیِیَ مِنَ اللّهِ،وإذا تَفَرَّدَ لَهُ بِالنِّعَمِ أن یُشارِکَ فی عَمَلِهِ أحَدًا غَیرَهُ [(3)](#content_note_248_3).

801-الإمام الرضا علیه السلام: یَنبَغی لِمَن عَقَلَ عَنِ اللّهِ أن لا یَتَّهِمَ اللّهَ فی قَضائِهِ ولا یَستَبطِئَهُ فی رِزقِهِ [(4)](#content_note_248_4).

4/7 ما لا یَنبَغی لِلعاقِلِ

802-الإمام علیّ علیه السلام: لا یَنبَغی لِلعاقِلِ أن یُظهِرَ سُرورًا بِرَجاءٍ؛لِأَنَّ الرَّجاءَ غُرورٌ [(5)](#content_note_248_5).

803-عنه علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:لَیسَ یَنبَغی لِلعاقِلِ أن یَطلُبَ طاعَهَ غَیرِهِ وطاعَهُ نَفسِهِ عَلَیهِ مُمتَنِعَهٌ [(6)](#content_note_248_6).

804-عنه علیه السلام: لا یَنبَغی لِلعاقِلِ أن یُقیمَ عَلَی الخَوفِ إذا وَجَدَ إلَی الأَمنِ سَبیلًا [(7)](#content_note_248_7).

805-عنه علیه السلام: عَجَبًا لِلعاقِلِ کَیفَ یَنظُرُ إلی شَهوَهٍ یُعقِبهُ النَّظَرُ إلَیها حَسرَهً ! [(8)](#content_note_248_8)

ص:248

1- (1) کامل الزیارات:639/400 [1] عن أبی حمزه الثمالی،بحارالأنوار:177/101. [2]

2- (2) مصباح المتهجّد:788 [3] عن صفوان بن مهران.

3- (3) تحف العقول:398.

4- (4) الکافی:9/59/2 [4] عن علیّ بن أسباط و ص 5/61 عن صفوان الجمّال عن الإمام الکاظم علیه السلام،تهذیب الأحکام:1001/277/9 عن علیّ بن أسباط عنه علیه السلام،قرب الإسناد:1330/375 [5] عن البزنطی عنه علیه السلام.

5- (5) نثر الدرّ:322/1. [6]

6- (6) شرح نهج البلاغه:929/342/20.

7- (7) غرر الحکم:10832. [7]

8- (8) کنز الفوائد:200/1. [8]

گمراهی و نادانی،کوری و شک و تردید،نجات دهد و آنان را از تباهی به سوی هدایت و روشنی،رهنمون گردد.

799.امام صادق علیه السلام -در زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین-:بار خدایا! گواهی می دهم که او،دوست تو و فرزندِ دوست توست،و برگزیدۀ تو و فرزندِ برگزیدۀ توست که به کرامت تو دست یافت.او را با شهادت،گرامی داشتی و خوشبختی را به او هدیه کردی.او را به ولادتی پاک برگزیدی و او را بزرگی از بزرگان،رهبری از رهبران و پشتیبانی از پشتیبانان،قرار دادی.بدو میراث پیامبران را بخشیدی و او را در شمار اوصیا،پیشوای خلق کردی.پس او در دعوت [به سوی تو] از چیزی فروگذار نکرد؛خیرخواهی کرد و خون خویش را برای نجات بندگانت از نادانی و حیرتِ گمراهی،هدیه کرد.

800.امام کاظم علیه السلام: سزاوار است خردمند،هنگامی که دست به کاری می زند،از خداوند شرم کند و اگر نعمتی به او ارزانی شد،دیگران را نیز در آن شریک گرداند.

801.امام رضا علیه السلام: سزاوار است کسی که از خداوند،درکی دارد،او را در قضا و قدر، متّهم نسازد و او را در روزی دادنش،کُند نشمارد.

#### 4/7 آنچه سزاوار خردمند نیست

802.پیامبر صلی الله علیه و آله: ای علی ! سزاوار نیست که خردمند سفر کند،جز برای سه چیز:

گذران زندگی،زاد و توشۀ آخرت و خوشی های غیر حرام.

803.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:سزاوار نیست که خردمند، دیگران را به پیروی از خود بخواند،حال آنکه نفسش از او پیروی نمی کند.

804.امام علی علیه السلام: سزاوار نیست خردمندی که راهی به سوی آسایش می یابد،در ترس اقامت گزیند.

805.امام علی علیه السلام: شگفت است که چگونه خردمند،به شهوتی بنگرد که برایش حسرت به دنبال دارد.

ص:249

806-عنه علیه السلام -مِن کِتابِهِ لِشُرَیحِ بنِ الحارِثِ-:بَلَغَنی أنَّکَ ابتَعتَ دارًا بِثَمانینَ دینارًا،وکَتَبتَ لَها کِتابًا،وأشهَدتَ فیهِ شُهودًا.

یا شُرَیحُ،أما إنَّهُ سَیَأتیکَ مَن لا یَنظُرُ فی کِتابِکَ ولا یَسأَلُکَ عَن بَیِّنَتِکَ،حَتّی یُخرِجَکَ مِنها شاخِصًا ویُسلِمَکَ إلی قَبرِکَ خالِصًا.

فَانظُر یا شُرَیحُ لا تَکونُ ابتَعتَ هذِهِ الدّارَ مِن غَیرِ مالِکَ،أو نَقَدتَ الثَّمَنَ مِن غَیرِ حَلالِکَ،فَإِذا أنتَ قَد خَسِرتَ دارَ الدُّنیا ودارَ الآخِرَهِ ! أما إنَّکَ لَو کُنتَ أتَیتَنی عِندَ شِرائِکَ مَا اشتَرَیتَ لَکَتَبتُ لَکَ کِتابًا عَلی هذِهِ النُّسخَهِ فَلَم تَرغَب فی شِراءِ هذِهِ الدّارِ بِدِرهَمٍ فَما فَوقُ ! وَالنُّسخَهُ هذِهِ:«هذا مَا اشتَری عَبدٌ ذَلیلٌ مِن مَیِّتٍ قَد ازعِجَ لِلرَّحیلِ،اشتَری مِنهُ دارًا مِن دارِ الغُرورِ،مِن جانِبِ الفانینَ وخِطَّهِ الهالِکینَ.وتَجمَعُ هذِهِ الدّارَ حُدودٌ أربَعَهٌ:الحَدُّ الأَوَّلُ یَنتَهی إلی دَواعِی الآفاتِ،وَالحَدُّ الثّانی یَنتَهی إلی دَواعِی المُصیباتِ،وَالحَدُّ الثّالِثُ یَنتَهی إلَی الهَوَی المُردی،وَالحَدُّ الرّابِعُ یَنتَهی إلَی الشَّیطانِ المُغوی،وفیهِ یُشرَعُ بابُ هذِهِ الدّارِ.اِشتَری هذَا المُغتَرُّ بِالأَمَلِ مِن هذَا المُزعَجِ بِالأَجَلِ هذِهِ الدّارَ بِالخُروجِ مِن عِزِّ القَناعَهِ وَالدُّخولِ فی ذُلِّ الطَّلَبِ وَالضَّراعَهِ،فَما أدرَکَ هذَا المُشتَری فیمَا اشتَری مِنهُ مِن دَرَکٍ فَعَلی مُبَلبِلِ أجسامِ المُلوکِ،وسالِبِ نُفوسِ الجَبابِرَهِ،ومُزیلِ مُلکِ الفَراعِنَهِ،مِثلِ کِسری وقَیصَرَ،وتُبَّعٍ وحِمیَرَ، ومَن جَمَعَ المالَ عَلَی المالِ فَأَکثَرَ،ومَن بَنی وشَیَّدَ،وزَخرَفَ ونَجَّدَ، وَادَّخَرَ وَاعتَقَدَ،ونَظَرَ بِزَعمِهِ لِلوَلَدِ،إشخاصُهُم جَمیعًا إلی مَوقِفِ العَرضِ وَالحِسابِ ومَوضِعِ الثَّوابِ وَالعِقابِ:إذا وَقَعَ الأَمرُ بِفَصلِ القَضاءِ وَ خَسِرَ

ص:250

806.امام علی علیه السلام -در نامه ای به شریح بن حارث-:به من خبر رسیده که خانه ای را به هشتاد دینار خریدی و بر آن،نامه نوشتی و برایش گواه گرفتی.ای شریح ! بدانکه به زودی کسی نزد تو می آید که نامه ات رای نگاه نکند و از گواهت نپرسد تا اینکه تو رای از آن خانه یکسره بیرون برد و از همه چیز جدا کرده،به گورت سپارد.

پس ای شریح ! بنگر،مبادا این خانه رای از مال غیر خریده باشی،یا بهای آن رای از غیر حلال داده باشی که در این صورت،سرای دنیا و سرای آخرت را از دست داده ای.آگاه باش که اگر هنگام خرید خانه نزد من آمده بودی،برای تو قباله ای می نوشتم که به خرید این خانه به یک درهم و بیشتر،رغبت نمی کردی و [آن ] قباله این است:

این خانه ای است که بنده ای خوار و پست،از مرده ای که برای سفر بیرون برده شده،خریده است؛از او خانه ای در سرای فریب که جیء نابود شوندگان و محل تباه گشتگان است،خریده و این خانه،دارای چهار حد و گوشه است:

حد اول به پیشامدهای ناگوار منتهی می شود و حد دوم،به اسباب اندوهها و حد سوم،به خواهش و آرزوی تباه کننده و حد چهارم،به شیطان گمراه کننده.در این خانه از حد چهارم،باز می شود.

این شخص فریفته خواهش و آرزو،چنین خانه ای رای از این شخص بیرون برده شده برای مرگ،به بهای خارج شدن از ارجمندی قناعت و داخل شدن در پستی و خواری خرید؛زیانی رای که خریدار از آنچه خریده،متحمل گردد، بر تباه کننده جسم پادشاهان،و گیرنده جانهای گردنکشان،و از بین برنده پادشاهی فرعونیان،مانند کسری [پادشاهان ایران ]،قیصر [پادشاهان روم ]، تبع [پادشاهان یمن ] و حمیر [دولتی در سرزمین یمن ] و ثروت اندوزان و آنان که ساختمان ها ساختند و برافراشتند و آن رای زینت داده،بیاراستند و به گمان خود،اموالی برای فرزندان خود،ذخیره ساختند.

[خداوند] اینان،همگی رای به محل بازپرسی و حسابرسی و پاداش و کیفر فرستد؛هنگامی که فرمان قطعی صادر شود،«و در آنجا تباهکاران،زیان

ص:251

هُنالِکَ الْمُبْطِلُونَ [(1)](#content_note_252_1)،شَهِدَ عَلی ذلِکَ العَقلُ إذا خَرَجَ مِن أسرِ الهَوی،وسَلِمَ مِن عَلائِقِ الدُّنیا» [(2)](#content_note_252_2).

807-الإمام الصادق علیه السلام: ثَلاثَهُ أشیاءَ لا یَنبَغی لِلعاقِلِ أن یَنساهُنَّ عَلی کُلِّ حالٍ:فَناءُ الدُّنیا،وتَصَرُّفُ الأَحوالِ،وَالآفاتُ الَّتی لا أمانَ لَها [(3)](#content_note_252_3).

ص:252

1- (1) غافر:78. [1]

2- (2) نهج البلاغه: [2]الکتاب 3.

3- (3) تحف العقول:324.

بَرَند».عقلی که از اسارت هوا رها باشد و از وابستگی های دنیا سالم بماند،بر این نوشته گواهی می دهد.

807.امام صادق علیه السلام: سه چیز است که خردمند نباید آن را هیچ گاه از یاد ببَرَد:

ناپایداری دنیا،دگرگونی اوضاع و احوال،و آسیبهایی که از آنها چاره ای نیست.

ص:253

ص:254

## بخش دو:نادانی

### اشاره

ص:255

الفصل الأوّل:مَعنَی الجَهلِ

808-الإمام الحسن علیه السلام -فی جَوابِ أبیهِ لَمّا سَأَلَهُ عَن تَفسیرِ الجَهلِ-:سُرعَهُ الوُثوبِ عَلَی الفُرصَهِ قَبلَ الاِستِمکانِ مِنها،وَالاِمتِناعُ عَنِ الجَوابِ [(1)](#content_note_256_1).

809-الإمام علیّ علیه السلام: رَغبَتُکَ فِی المُستَحیلِ جَهلٌ [(2)](#content_note_256_2).

810-عنه علیه السلام: الرُّکونُ إلَی الدُّنیا مَعَ ما تُعایِنُ مِنها جَهلٌ [(3)](#content_note_256_3).

811-عنه علیه السلام: طَلَبُ المَراتِبِ وَالدَّرَجاتِ بِغَیرِ عَمَلٍ جَهلٌ [(4)](#content_note_256_4).

812-عیسی علیه السلام -لِلحَوارِیّینَ-:اِعلَموا أنَّ فیکُم خَصلَتَینِ مِنَ الجَهلِ:الضِّحکَ مِن غَیرِ عَجَبٍ،وَالصُّبحَهَ [(5)](#content_note_256_5)مِن غَیرِ سَهَرٍ [(6)](#content_note_256_6).

813-الإمام علیّ علیه السلام: إنَّ مِنَ الجَهلِ النَّومَ مِن غَیرِ سَهَرٍ [(7)](#content_note_256_7).

814-الإمام الصادق علیه السلام: إنَّ مِنَ الجَهلِ الضِّحکَ مِن غَیرِ عَجَبٍ [(8)](#content_note_256_8).

815-عنه علیه السلام: الجَهلُ فی ثَلاثٍ:فی تَبَدُّلِ الإِخوانِ،وَالمُنابَذَهِ بِغَیرِ بَیانٍ،وَالتَّجَسُّسِ

ص:256

1- (1) معانی الأخبار:62/401 عن شریح بن هانئ.

2- (2) غرر الحکم:5384. [1]

3- (3) نهج البلاغه:الحکمه 384؛ [2]مطالب السؤول:57.

4- (4) غرر الحکم:5997.

5- (5) الصُّبْحَه:النوم أوّل النهار،لأنّه وقت الذِّکر ثمّ وقت طلب الکسب (النهایه:7/3). [3]

6- (6) الزهد لابن المبارک:283/96 عن عمران الکوفی،البدایه والنهایه:91/2 [4] عن عکرمه،وراجع حلیه الأولیاء:73/5.

7- (7) الجعفریّات:237 [5] عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام.

8- (8) الکافی:7/664/2 [6] عن السکونی،تحف العقول:487 عن الإمام العسکریّ علیه السلام،وراجع ص /207ح 814.

### فصل یکم:معنای نادانی

#### اشاره

808.امام حسن علیه السلام -در پاسخ پدرش که از معنای جهل از او پرسید-:[نادانی] شتاب به سوی فرصتها پیش از قدرتِ استفاده از آنها و درماندن از پاسخگویی است.

809.امام علی علیه السلام: رغبت تو به امور محال،نادانی است.

810.امام علی علیه السلام: روی آوردن به دنیا با آنچه از آن می بینی،نادانی است.

811.امام علی علیه السلام: جستجوی رتبه و مقام،بدون کار و تلاش،نادانی است.

812.عیسی علیه السلام -به حواریان-:بدانید در شما دو نشانه از نادانی است:خندیدن بدون شگفت زدگی و خواب صبحگاهان،بدون شب زنده داری.

813.امام علی علیه السلام: از نشانه های نادانی،خواب بدون شب زنده داری است.

814.امام صادق علیه السلام: از نشانه های نادانی،خندۀ بدون شگفتی است.

815.امام صادق علیه السلام: نادانی در سه چیز است:تعویض دوستان،مخالفت و جدایی

ص:257

عَمّا لا یَعنی [(1)](#content_note_258_1).

816-عنه علیه السلام -فیما نُسِبَ إلَیهِ فی مِصباحِ الشَّریعَهِ-:الجَهلُ صورَهٌ رُکِّبَت فی بَنی آدَمَ،إقبالُها ظُلمَهٌ وإدبارُها نورٌ،وَالعَبدُ مُتَقَلِّبٌ مَعَها کَتَقَلُّبِ الظِّلِّ مَعَ الشَّمسِ،ألا تَری إلَی الإِنسانِ تارَهً تَجِدُهُ جاهِلًا بِخِصالِ نَفسِهِ حامِدًا لَها، عارِفًا بِعَیبِها فی غَیرِهِ ساخِطًا لَها ! وتارَهً تَجِدُهُ عالِمًا بِطِباعِهِ ساخِطًا لَها، حامِدًا لَها فی غَیرِهِ ! فَهُوَ مِنهُ مُتَقَلِّبٌ بَینَ العِصمَهِ وَالخِذلانِ،فَإِن قابَلَتهُ العِصمَهُ أصابَ،وإن قابَلَهُ الخِذلانُ أخطَأَ.

ومِفتاحُ الجَهلِ الرِّضا وَالاِعتِقادُ بِهِ،ومِفتاحُ العِلمِ الاِستِبدالُ مَعَ إصابَهِ مُوافَقَهِ التَّوفیقِ.وأدنی صِفَهِ الجاهِلِ دَعواهُ العِلمَ بِلَا استِحقاقٍ،وأوسَطُهُ الجَهلُ بِالجَهلِ،وأقصاهُ جُحودُهُ.ولَیسَ شَیءٌ إثباتُهُ حَقیقَهً نَفیُهُ إلَّاالجَهلُ وَالدُّنیا وَالحِرصُ،فَالکُلُّ مِنهُم کَواحِدٍ،وَالواحِدُ مِنهُم کَالکُلِّ [(2)](#content_note_258_2).

ص:258

1- (1) تحف العقول:317. [1]

2- (2) بحارالأنوار:15/93/1 [2]نقلًا عن مصباح الشریعه:425. [3] قال المجلسی رحمه الله بعد نقله للحدیث: بیان:«کتقلّب الظلّ مع الشمس»أی کما أنّ شعاع الشمس قد یغلب علی الظلّ ویضیءُ مکانه،وقد یکون بالعکس،فکذلک العلم والعقل قد یستولیان علی النفس فیظهر له عیوب نفسه،ویؤوّل بعقله عیوب غیره ما أمکنه،وقد یستولی الجهل فیری محاسن غیره مساوئ،ومساوئ نفسه محاسن. ومفتاح الجهل الرضا بالجهل والاعتقاد به،وبأنّه کمال لا ینبغی مفارقته،ومفتاح العلم طلب تحصیل العلم بدلًا عن الجهل،والکمال بدلًا عن النقص،و ینبغی أن یعلم أنّ سعیه مع عدم مساعده التوفیق لا ینفع فیتوسّل بجنابه تعالی لیوفّقه. قوله علیه السلام:«إثباته»أی عرفانه،قال الفیروزآبادی:أثبته:عرفه حقّ المعرفه.وظاهر أنّ معرفه تلک الاُمور کما هی مستلزمه لترکها ونفیها،أو المعنی أنّ کلّ من أقرّ بثبوت تلک الأشیاء لا محاله ینفیها عن نفسه،فالمراد بالدنیا حبّها.وقوله علیه السلام:«فالکلّ کواحد»لعلّ معناه أنّ هذه الخصال کخصله واحده لتشابه مبادئها وانبعاث بعضها عن بعض،و تقوّی بعضها ببعض،کما لا یخفی.

بدون توضیح و بیان،و تجسّس در چیزی که سود نمی رساند.

816.امام صادق علیه السلام -در آنچه که به ایشان در مصباح الشریعه منسوب است-:

نادانی،صورتی است که در فرزندان آدم نهاده شده است،روی آوردن آن، تاریکی است و بازگشتش روشنی.بنده با آن جابه جا می شود،مانند جا به جایی سایه با خورشید.آیا انسان را نمی بینی که گاه به خصلتهای خود، نادان است و خود را ستایش می کند،با آنکه همان عیب را در دیگران می شناسد و آن را دشمن می دارد؛و گاه او را می بینی که سرشتی را در خود می شناسد و آن را دشمن می دارد و همان را در دیگران می ستاید ! پس این انسان،میان معصومیّت و خذلان در حرکت است،اگر به عصمت روی آورد، به واقع رسد و اگر به خذلان روی آورد،به خطا رود.

کلید نادانی،خشنودی و اعتقاد بدان است و کلید دانش،جایگزینی است با همراهی توفیق.کمترین خصلت نادان،آن است که ادّعای دانش دارد،با آنکه شایسته آن نیست و بدتر از آن،ناآگاهی او به جهل خویش است،و بالاترین خصلت او،انکار آن است.هیچ چیز نیست که اثبات آن در حقیقت، نفی آن باشد،جز نادانی،دنیا و آز.همۀ آنها مانند یکی است و یکی از آنها، مانند همه است.

ص:259

#### پژوهشی در معانی جهل

ملاحظۀ آنچه اسلام در ابواب مختلف معرفت شناسی آورده،نشان می دهد که این آیین الهی،برای ساختنِ جامعۀ ارزشی مورد نظر خود،پیش از هر چیز و بیش از هر چیز دیگر به اندیشه و شناخت و آگاهی اهمّیت داده و انسانها را از خطر جهل و به کار نینداختن اندیشه،برحذر داشته است.

از نظر اسلام،جهل،آفت شکوفایی انسانیت و ریشۀ همۀ مفاسد فردی و اجتماعی است [(1)](#content_note_260_1)و تا این آفت،ریشه کن نشود،ارزشها شکوفا نمی گردد و جامعه انسانی تحقّق نمی یابد.

از نظر اسلام،جهل،ریشۀ همۀ شرور،بزرگ ترین مصیبت،زیانبارترین بیماری و خطرناک ترین دشمن است و شخص جاهل،بدترین جنبده ها،بلکه مرده ای است میان زندگان.

برای فهم درست آیات و احادیثی که دربارۀ مذمّت جهل و جاهل و علائم و احکام آن،و در یک جمله،ضرورتِ جهل زدایی وارد شده.نخستین مسئله این است که:جهل چیست و آیا مطلق جهل از نظر اسلام،مذموم است و خطرناک،یا معنای

ص:260

1- (1) .ر.ک:ص 211.

خاصی از آن؟و در صورت دوم،باید تشخیص داد که کدام جهل؟

کدام جهل،ریشۀ همۀ شرور است؟کدام جهل،بزرگترین مصائب است؟کدام جهل،بدترین و زیانبارترین دردها است؟کدام جهل،شدیدترین فقر است؟کدام جهل،خطرناکترین دشمن است؟وکدام جاهل به فرمودۀ قرآن کریم،«شرّ الدوّاب» است و به گفتۀ امام علی علیه السلام:مرده ای است میان زندگان.

مفاهیم جهل

به طور کلّی،چهار معنا برای جهلِ مذموم،قابل تصوّر است:اوّل،مطلق جهل، دوم،جهل به مطلق علوم و معارف مفید وسازنده،سوم،جهل در خصوص ضروری ترین معارف مورد نیاز انسان،چهارم،نیرویی در مقابل عقل؛و اینک توضیح این معانی:

1.مطلق جهل

هر چند در نگاه ابتدایی به نظر می رسد که مطلقِ جهل،زیانبار و مذموم باشد، ولی با تأمّل معلوم می شود که حقیقت این است که هر ندانستنی،نکوهیده و هر دانستنی،پسندیده نیست،بلکه بر عکس،برخی از دانستن ها زیانبار و برخی از ندانستن ها مفید و سازنده است و درست به همین دلیل،در اسلام،تلاش برای تحقیق و کشف برخی از امور و اسرار،ممنوع شده است.

توضیح بیشتر این موضوع،در متن احادیث باب«احکام الجاهل»از این بخش، ونیز در بند«ج:ما یحرم تعلّمه»از احکام تعلّم، [(1)](#content_note_261_1)و همچنین در باب چهارم از ابواب «آداب السؤال» [(2)](#content_note_261_2)از کتاب العلم والحکمه فی الکتاب والسنّه آمده است.

ص:261

1- (1) .نگاه کنید به:«العلم والحکمه فی الکتاب والسنّه»،ص 294 و 301.

2- (2) .همان،ص 270 و 277 [1] باب«السؤال عمّا قد یضرّ جوابه».

2.جهل به معارف مفید

بی تردید،اسلام برای همۀ علوم و معارفی که در خدمت انسان است،ارزش قائل است وتحصیل آن را لازم،و در صورتی که جامعه نیازمند آن باشد و مَن به الکفایه وجود نداشته باشد،واجب می داند؛ [(1)](#content_note_262_1)لیکن این بدان معنا نیست که جهل به همۀ این علوم،برای همۀ مردم،مذموم است یا خطرناک.

به بیان دیگر،ادبیات،صرف و نحو،منطق،کلام،فلسفه،ریاضی،فیزیک،شیمی و سایر رشته های علوم و فنونْ در خدمت انسان است و از نظر اسلام،ارزشمند؛ولی نمی توان پذیرفت که ندانستن این علوم،ریشۀ همۀ شرور،بزرگترینِ مصائب، زیانبارترینِ دردها،خطرناک ترینِ دشمنان و شدیدترین فقر است و هر کس برخی از این علوم و یا همۀ آنها را نداند،بدترینِ جنبندگان روی زمین است و همانند مرده ای در میان زنده ها.

3.جهل به ضروری ترین معارفِ مورد نیاز انسان

علوم و معارفی که انسان را با مبدأ و مقصد خود آشنا می کند و راه رسیدن به فلسفۀ خود را به او نشان می دهد،ضروری ترین معارفِ مورد نیاز اوست.

انسان باید بداند که چگونه پدید آمده و هدف از آفرینش او چه بوده است؟چه باید بکند تا به فلسفۀ آفرینش خود برسد؟کجا می رود؟چه خطرهایی او را تهدید می کند؟

معارفی که به این مسائل پاسخ می دهند،میراث پیامبران الهی است.این معارف،مبدأ همۀ خیرها و مقدمۀ شکوفایی عقل عملی و جوهر علم است و جهل به این معارف،جامعۀ انسانی را در معرض دشوارترین مصائب و شرور قرار می دهد.

البته تنها شناخت این معارف،کارساز نیست؛بلکه این معارف در صورتی کارآیی

ص:262

1- (1) .همان،ص 299.

دارند که جهل به مفهوم چهارم،توسط عقلْ مهار شود.

4.نیرویی در مقابل عقل

در متون اسلامی،جهل،مفهوم چهارمی دارد که بر خلاف معانی گذشته،امری وجودی است نه عدمی و آن،شعور مرموزی است در مقابل عقل که-مانند عقل- آفریدۀ خداوند متعال است [(1)](#content_note_263_1)و آثار و مقتضیاتی دارد که«جنود جهل»نامیده شده، در برابر«جنود عقل». [(2)](#content_note_263_2)وجه تسمیۀ این نیرو به جهل،دقیقاً همان وجه تسمیۀ نامیدن نیروی مقابل آن به عقل است.این نیرو،نامهای دیگری نیز دارد که شرح آن در مبحث خلقت جهل گفته شد.

چنانکه در باب اوّل از«علامات عقل»آمد،همۀ زیبایی های اعتقادی،اخلاقی و عملی،مانند:خیر،علم،معرفت،حکمت،ایمان،عدل،انصاف،الفت،رحمت، مودّت،رأفت،برکت،قناعت،سخا،امانت،شهامت،حیا،نظافت،رجا،وفا، صدق،حلم،صبر،تواضع،غنا ونشاط،از جنود عقل شمرده شده اند.

و در مقابل آنها همه زشتی های اعتقادی،اخلاقی و عملی،مانند:شرّ،جهل، [(3)](#content_note_263_3)حُمق،کفر،جور،جدایی،قساوت،قطع رحم،عداوت،بغض،غضب،مَحق، حرص،بخل،خیانت،کودنی،جَلع،تهتّک،پلیدی،یأس،خیانت،کذب،سفه، جَزَع،تکبّر،فقر وکسالت،از جنود جهل شمرده شده اند.

انسان در انتخاب و پرورش هر یک از این دو نیرو و تبعیّت از آن آزاد است.او می تواند از نیروی عقل خود تبعیّت کند و با احیای آن،نیروی جهل و یا نفس امّاره

ص:263

1- (1) .ر.ک:ص 33؛« [1]آفرینش خرد و نادانی».

2- (2) .ر.ک:ص 123؛« [2]لشکریان خرد و نادانی».

3- (3) .مقصود از جهلی که از جنود جهل شمرده می شود جهلی است که از نادانی و جهل اصلی سرچشمه می گیرد ودر مقابل علم قرار دارد.جهل اصلی در مقابل عقل.

و شهوت را بمیراند [(1)](#content_note_264_1)و با پرورش جنود و مقتضیات عقل،به مقصد اعلای انسانیت برسد و خلیفۀ خداوند متعال شود،و نیز می تواند با تبعیّت از نیروی جهل و پرورش جنود و مقضیات جهلْ به اسفل سافلین،سقوط کند. 2

با عنایت به این شرح،دو نکتۀ مهم و قابل توجّه روشن می گردد:

خطرناکترین جهل

نکتۀ اوّل اینکه هر چند اسلام با جهلِ مذموم،بویژه با مفهوم سوم آن،به شدّت مبارزه می کند؛لیکن خطرناک ترین جهل از نظر این مکتب،جهل به مفهوم چهارم است؛یعنی انتخاب راهی است که نیروی جهلْ انسان را بدان دعوت می کند و تبعیّت از آن؛زیرا اگر انسان،راهی را که عقل برای او ترسیم کرده،انتخاب کند، بی تردید،علم و حکمت و سایر جنود عقل او را به مبدأ و مقصد انسانیت و راه وصول به آن و همۀ معارف مفید و سازنده،هدایت خواهند کرد و او به میزان استعداد و تلاشِ خود،به فلسفۀ آفرینش خویش خواهد رسید.

امّا اگر انسان راهی را انتخاب کرد که مقتضای جهل است،جنود جهل،راه شناخت معارف سازنده و حقایق والایی که انسان را با مقصد اعلای انسانیت آشنا می کند،مسدود می نماید و در این حال،اگر کسی از بزرگ ترین دانشمندان روی زمین شود،دانش او برای هدایتش سودی ندارد و بیماری جهل،او را از پا در خواهد آورد: «وَ أَضَلَّهُ اللّهُ عَلی عِلْمٍ» . 3

بر این اساس،محور اصلی سخن،در روایات اسلامی-هنگامی که«جهل»مورد بررسی قرار می گیرد-مفهوم چهارم آن است و سایر مفاهیم جهلْ به ترتیب اهمیّت، مورد توجّه است.

ص:264

1- (1) .ر.ک:نشانه های کمال و خرد،حدیث 593.

تقابل عقل و جهل

نکتۀ مهمّ دیگر،روشن شدن سرّ تقابل«عقل»و«جهل»در متون اسلامی است.

سؤال این است که:چرا بر خلاف متعارف که جهل در مقابل علم مطرح می شود،در متون اسلامی و به تبع آن در کتب حدیث،جهل در برابر عقل قرار می گیرد نه در برابر علم؟

وقتی به کتب روایی مراجعه کنیم،عنوان«علم و جهل»را نخواهیم یافت،بر خلاف عنوان«عقل و جهل»که معمولاً در اغلب و یا همۀ نوشتارهای تفصیلی،وجود دارد.رازِ این مسئله،آن است که اسلام،جهل به مفهوم چهارم را که امری است وجودی و در برابر عقل-خطرناک تر از جهل به مفهوم دوم و سوم-که امری است عدمی و در برابر علم-می داند.

به تعبیر دیگر،تقابل میان عقل و جهل در متون اسلامی،نشانۀ آن است که اسلام،جهلِ در مقابل عقل را خطرناک تر از جهلِ در مقابل علم می داند و تا این جهلْ ریشه کن نشود،ریشه کن شدنِ جهلِ در مقابل علم،برای جامعه سودی اساسی در برنخواهد داشت و این،نکته ای است بسیار ظریف و مهم.

ص:265

الفصل الثّانی:التَّحذیرُ مِنَ الجَهلِ

1/2 ذَمُّ الجَهلِ

الکتاب

إِنّا عَرَضْنَا الْأَمانَهَ عَلَی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَیْنَ أَنْ یَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ إِنَّهُ کانَ ظَلُوماً جَهُولاً [(1)](#content_note_266_1).

أ:أعظَمُ المَصائِبِ

\* الحدیث

817-الإمام علیّ علیه السلام: أعظَمُ المَصائِبِ الجَهلُ [(2)](#content_note_266_2).

818-عنه علیه السلام: مِن أشَدِّ المَصائِبِ غَلَبَهُ الجَهلِ [(3)](#content_note_266_3).

819-عنه علیه السلام: شَرُّ المَصائِبِ الجَهلُ [(4)](#content_note_266_4).

ص:266

1- (1) الأحزاب:72. [1]

2- (2) غرر الحکم:2844،9301،5680. [2]

3- (3) غرر الحکم:2844،9301،5680. [3]

4- (4) غرر الحکم:2844،9301،5680. [4]

### فصل دوم:پرهیز دادن از نادانی

#### 1/2 سرزنش نادانی

##### اشاره

قرآن

ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم؛پس از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند؛و[لی] انسان آن را برداشت.راستی او ستمگری نادان بود.

##### الف:بزرگ ترین مصیبت

حدیث

817.امام علی علیه السلام: بزرگ ترین مصیبت،نادانی است.

818.امام علی علیه السلام: از بزرگ ترین مصیبتها،چیرگی نادانی است.

819.امام علی علیه السلام: بدترین مصیبتها،نادانی است.

ص:267

820-الإمام الصادق علیه السلام: لا مُصیبَهَ أعظَمُ مِنَ الجَهلِ [(1)](#content_note_268_1).

ب:أسوَأُ السُّقمِ

821-الإمام علیّ علیه السلام: أسوَأُ السُّقمِ الجَهلُ [(2)](#content_note_268_2).

822-عنه علیه السلام: الجَهلُ أدوَأُ الدّاءِ [(3)](#content_note_268_3).

823-عنه علیه السلام: لا داءَ أعیی مِنَ الجَهلِ [(4)](#content_note_268_4).

824-عنه علیه السلام: الجَهلُ داءٌ وعَیاءٌ [(5)](#content_note_268_5).

825-عنه علیه السلام: الجَهلُ فِی الإِنسانِ أضَرُّ مِنَ الآکِلَهِ فِی البَدَنِ [(6)](#content_note_268_6).

ج:أشَدُّ الفَقرِ

826-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: یا عَلِیُّ،لا فَقرَ أشَدُّ مِنَ الجَهلِ [(7)](#content_note_268_7).

827-الإمام علیّ علیه السلام: لا غِنی کَالعَقلِ،ولا فَقرَ کَالجَهلِ [(8)](#content_note_268_8).

828-عنه علیه السلام: لا غِنی لِجاهِلٍ [(9)](#content_note_268_9).

د:أضَرُّ الأَعداءِ

829-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: صَدیقُ کُلِّ امرِیً عَقلُهُ،وعَدُوُّهُ جَهلُهُ [(10)](#content_note_268_10).

830-عنه صلی الله علیه و آله: مَن لَم یَنفَعهُ فِقهُهُ ضَرَّهُ جَهلُهُ [(11)](#content_note_268_11).

831-الإمام علیّ علیه السلام: لا عَدُوَّ أضَرُّ مِنَ الجَهلِ [(12)](#content_note_268_12).

832-عنه علیه السلام: الجَهلُ أنکی عَدُوٍّ [(13)](#content_note_268_13).

833-الإمام العسکریّ علیه السلام: الجَهلُ خَصمٌ،وَالحِلمُ حُکمٌ [(14)](#content_note_268_14).

ص:268

1- (1) الاختصاص:246،غرر الحکم:10673 وفیه«أشدّ»بدل«أعظم».

2- (2) غرر الحکم:2882،820. [1]

3- (3) غرر الحکم:2882،820. [2]

4- (4) مائه کلمه للجاحظ:29/45.

5- (5) غرر الحکم:689،1830. [3]

6- (6) غرر الحکم:689،1830. [4]

7- (7) الکافی:25/25/1 [5] عن السریّ بن خالد عن الإمام الصادق علیه السلام و ج 4/20/8 عن جابر بن یزید عن الإمام الباقر عن الإمام علیّ علیهما السلام،تحف العقول:6 و ص 10 و ص 94 و ص 201 والأخیران عن الإمام علیّ علیه السلام،الأمالی للطوسی:240/146 [6] عن أبی وجزه السعدی عن أبیه عن الإمام علیّ علیه السلام؛المعجم الکبیر:2688/69/3 عن الحارث،شعب الإیمان:4647/157/4 [7] عن عاصم بن ضمره وکلاهما عن الإمام علیّ علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله.

8- (8) نهج البلاغه:الحکمه 54، [8]غرر الحکم:10472 و 10473. [9]

9- (9) غرر الحکم:10450. [10]

10- (10) المحاسن:610/309/1 عن الحسن بن جهم عن الإمام الرضا علیه السلام،الکافی:4/11/1،عیون أخبارالرضا علیه السلام:1/24/2،علل الشرایع:2/101 [11] کلّها عن الحسن بن الجهم عن الإمام الرضا علیه السلام،تحف العقول:443.

11- (11) الفردوس:4251/269/2 عن عبداللّه بن عمرو،کنزالعمّال:29004/191/10 نقلًا عن المعجم الکبیر عن ابن عمر وفیه«علمه»بدل«فقهه».

12- (12) الإرشاد:304/1، [12]کنزالفوائد:199/1؛ [13]حلیه الأولیاء:196/3 عن عائذ بن حبیب عن الإمام الصادق علیه السلام.

13- (13) غرر الحکم:480. [14]

14- (14) الدرّه الباهره:44،أعلام الدین:313، [15]بحار الأنوار:3/377/78.

820.امام صادق علیه السلام: هیچ بدبختی یی،بزرگ تر از نادانی نیست.

##### ب:ناگوارترین بیماری

821.امام علی علیه السلام: ناگوارترین بیماری،نادانی است.

822.امام علی علیه السلام: نادانی،بدترین بیماری است.

823.امام علی علیه السلام: هیچ بیماری یی،ناتوان کننده تر از نادانی نیست.

824.امام علی علیه السلام: نادانی بیماری و سستی است.

825.امام علی علیه السلام: نادانی در انسان،از خوره برای بدنْ زیانبارتر است.

##### ج:بدترین تنگدستی

826.پیامبر صلی الله علیه و آله: ای علی ! هیچ تنگدستی یی،بدتر از نادانی نیست.

827.امام علی علیه السلام: هیچ سرمایه ای به سان خردمندی نیست و هیچ تنگدستی یی، مانند نادانی.

828.امام علی علیه السلام: هیچ بی نیازی یی،برای نادان نیست.

##### د:زیانبارترین دشمنان

829.پیامبر صلی الله علیه و آله: دوست هر انسانی خِرَد اوست و دشمن او نادانی اش.

830.پیامبر صلی الله علیه و آله: ...آنکه فهمش به او سود نرساند،نادانی اش به او آسیب رساند.

831.امام علی علیه السلام: هیچ دشمنی،زیانبارتر از نادانی نیست.

832.امام علی علیه السلام: نادانی،کشنده ترین دشمن است.

833.امام عسکری علیه السلام: نادانی،دشمن است،و بردباری حکمرانی است.

ص:269

ه:أشیَنُ سَوءَهٍ

834-الإمام علیّ علیه السلام: لا سَوءَهَ أشیَنُ مِنَ الجَهلِ [(1)](#content_note_270_1).

835-عنه علیه السلام: کَفی بِالجَهلِ ذَمًّا أن یَبرَأَ مِنهُ مَن هُوَ فیهِ ! [(2)](#content_note_270_2)

836-عنه علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:ما أقبَحَ بِالصَّبیحِ الوَجهِ أن یَکونَ جاهِلًا ! کَدارٍ حَسَنَهِ البِناءِ وساکِنُها شَرٌّ،وکَجَنَّهٍ یَعمُرُها بومٌ،أو صِرمَهٍ یَحرُسُها ذِئبٌ [(3)](#content_note_270_3).

2/2 ذَمُّ الجاهِلِ

الکتاب

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللّهِ الصُّمُّ الْبُکْمُ الَّذِینَ لا یَعْقِلُونَ [(4)](#content_note_270_4).

\* الحدیث

837-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: مَا استَرذَلَ اللّهُ تَعالی عَبدًا إلّاحَظَرَ عَلَیهِ العِلمَ وَالأَدَبَ [(5)](#content_note_270_5).

838-الإمام علیّ علیه السلام: إذا أرذَلَ اللّهُ عَبدًا حَظَرَ عَلَیهِ العِلمَ [(6)](#content_note_270_6).

839-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: قَلبٌ لَیسَ فیهِ شَیءٌ مِنَ الحِکمَهِ کَبَیتٍ خَرِبٍ،فَتَعَلَّموا وعَلِّموا، وتَفَقَّهوا ولا تَموتوا جُهّالًا،فَإِنَّ اللّهَ لا یَعذِرُ عَلَی الجَهلِ [(7)](#content_note_270_7).

840-عنه صلی الله علیه و آله: الزّاهِدُ الجاهِلُ مَسخَرَهُ الشَّیطانِ [(8)](#content_note_270_8).

841-الإمام علیّ علیه السلام: عِظَمُ الجَسَدِ وطُولُهُ لا یَنفَعُ إذا کانَ القَلبُ خاوِیًا [(9)](#content_note_270_9).

ص:270

1- (1) غرر الحکم:10640. [1]

2- (2) منیه المرید:110؛ [2]وراجع المحاسن والمساوئ:399.

3- (3) شرح نهج البلاغه:507/306/20.

4- (4) الأنفال:22. [3]

5- (5) کنزالعمّال:28806/157/10 نقلًا عن ابن النجّار عن أبی هریره.

6- (6) نهج البلاغه:الحکمه 288. [4]

7- (7) کنزالعمّال:28750/147/10 نقلًا عن ابن السنی عن ابن عمر.

8- (8) عوالی اللآلی:93/272/1. [5]

9- (9) غرر الحکم:6309،3359،6327،2894. [6]

##### ه:رسواترین کار زشت

834.امام علی علیه السلام: هیچ کار زشتی،رسوایی اش بیش از نادانی نیست.

835.امام علی علیه السلام: در زشتی نادانی،همان بس،که نادان از آن بیزاری می جوید.

836.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:چقدر زشت است برای انسانِ خوش چهره که نادان باشد مانند خانۀ زیبایی که ساکنانش پلید باشند و یا باغی که جغد،آن را آباد کند.یا گلۀ شترانی که گرگی از آن پاسداری کند.

#### 2/2سرزنش نادان

قرآن

قطعاً بدترین جنبندگان نزد خدا،کَران و لالانی اند که نمی اندیشند.

حدیث

837.پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوندِ متعال،بنده ای را خوار نکرد،مگر آنکه او را از دانش و ادبْ محروم ساخت.

838.امام علی علیه السلام: هنگامی که خداوند بنده ای را خوار کند،دانش را از او بازدارد.

839.پیامبر صلی الله علیه و آله: دلی که در آن حکمت نیست،مانند خانۀ ویران است؛پس بیاموزید و تعلیم دهید؛بفهمید و نادان نمیرید.به راستی که خداوند،بهانۀ نادانی را نمی پذیرد.

840.پیامبر صلی الله علیه و آله: پارسای نادان،ریشخند شیطان است.

841.امام علی علیه السلام: بلندی و بزرگی جسم،سودی ندارد،هنگامی که دلْ در زیان است.

ص:271

842-عنه علیه السلام: أبغَضُ الخَلائِقِ إلَی اللّهِ تَعالی الجاهِلُ؛لِأَنَّهُ حَرَمَهُ ما مَنَّ بِهِ عَلی خَلقِهِ وهُوَ العَقلُ [(1)](#content_note_272_1).

843-عنه علیه السلام: عَمَلُ الجاهِلِ وَبالٌ،وعِلمُهُ ضَلالٌ [(2)](#content_note_272_2).

844-عنه علیه السلام: أشقَی النّاسِ الجاهِلُ [(3)](#content_note_272_3).

845-عنه علیه السلام: الجاهِلُ مَیِّتٌ بَینَ الأَحیاءِ [(4)](#content_note_272_4).

846-عنه علیه السلام: الجاهِلُ صَغیرٌ وإن کانَ شَیخًا،وَالعالِمُ کَبیرٌ وإن کانَ حَدَثًا [(5)](#content_note_272_5).

847-عنه علیه السلام: الجاهِلُ صَخرَهٌ لا یَنفَجِرُ ماؤُها،وشَجَرَهٌ لا یَخضَرُّ عودُها،وأرضٌ لا یَظهَرُ عُشبُها [(6)](#content_note_272_6).

848-عنه علیه السلام: لِلجاهِلِ فی کُلِّ حالَهٍ خُسرانٌ [(7)](#content_note_272_7).

849-عنه علیه السلام: کُلُّ جاهِلٍ مَفتونٌ [(8)](#content_note_272_8).

850-عنه علیه السلام: الجاهِلُ حَیرانُ [(9)](#content_note_272_9).

851-عنه علیه السلام: سُلطانُ الجاهِلِ یُبدی مَعایِبَهُ [(10)](#content_note_272_10).

852-عنه علیه السلام: نِعمَهُ الجاهِلِ کَرَوضَهٍ عَلی مَزبَلَهٍ [(11)](#content_note_272_11).

853-عنه علیه السلام: کُلَّما حَسُنَت نِعمَهُ الجاهِلِ ازدادَ قُبحًا فیها [(12)](#content_note_272_12).

854-عنه علیه السلام: دولَهُ الجاهِلِ کَالغَریبِ المُتَحَرِّکِ إلَی النُّقلَهِ [(13)](#content_note_272_13).

855-عنه علیه السلام: مَن لا عَقلَ لَهُ لا تَرتَجیهِ [(14)](#content_note_272_14).

856-عنه علیه السلام: لِسانُ البَرِّ یَأبی سَفَهَ الجُهّالِ [(15)](#content_note_272_15).

857-عنه علیه السلام: لا یَردَعُ الجَهولَ إلّاحَدُّ الحُسامِ [(16)](#content_note_272_16).

ص:272

1- (1) غرر الحکم:6309،3359،6327،2894. [1]

2- (2) غرر الحکم:6309،3359،6327،2894. [2]

3- (3) غرر الحکم:6309،3359،6327،2894. [3]

4- (4) غرر الحکم:2118، [4]راجع ص /193د:موت النفس.

5- (5) کنزالفوائد:318/1؛ [5]شرح نهج البلاغه:750/327/20.

6- (6) غرر الحکم:2081،7329،6845،198،5578. [6]

7- (7) غرر الحکم:2081،7329،6845،198،5578. [7]

8- (8) غرر الحکم:2081،7329،6845،198،5578. [8]

9- (9) غرر الحکم:2081،7329،6845،198،5578. [9]

10- (10) غرر الحکم:2081،7329،6845،198،5578. [10]

11- (11) تنبیه الخواطر:17/2، [11]غرر الحکم:9956 [12] وفیه«نِعَم الجهّال»؛ینابیع المودّه:117/414/2، [13]مائه کلمه للجاحظ:41/57.

12- (12) غرر الحکم:7198؛ [14]شرح نهج البلاغه:943/343/20.

13- (13) غرر الحکم:5108،8088،7637،10816. [15]

14- (14) غرر الحکم:5108،8088،7637،10816. [16]

15- (15) غرر الحکم:5108،8088،7637،10816. [17]

16- (16) غرر الحکم:5108،8088،7637،10816. [18]

842.امام علی علیه السلام: مبغوض ترینِ بندگانْ نزد خداوند متعال،نادان است؛چرا که خداوند،او را از نعمت عقل که بر همۀ بندگانش ارزانی داشته،محروم کرده است.

843.امام علی علیه السلام: کار نادان،زیان است و دانش او گمراهی است.

844.امام علی علیه السلام: بدبخت ترین مردمان،نادان است.

845.امام علی علیه السلام: نادان،مرده ای است میان زندگان.

846.امام علی علیه السلام: نادان،کوچک است،گرچه پیر باشد،و دانشمند،بزرگ است،گرچه خردسال باشد.

847.امام علی علیه السلام: نادانی،سنگی است که از آن آب نجوشد و درختی است که چوبش سبز نگردد و زمینی است که سبزه در آن نروید.

848.امام علی علیه السلام: نادان،در هر حالتی در زیان است.

849.امام علی علیه السلام: هر نادانی،فتنه زده است.

850.امام علی علیه السلام: نادان،سرگردان است.

851.امام علی علیه السلام: سیطرۀ نادان،عیبهایش را آشکار کند.

852.امام علی علیه السلام: نعمت در دست نادان،مانند گلزاری است در زباله دان.

853.امام علی علیه السلام: هر چه نعمتهای نیکو در دست نادان باشد،بر زشتی او بیفزاید.

854.امام علی علیه السلام: دولت نادان،مانند غریبی است که برای نقل مکانْ در حرکت است.

855.امام علی علیه السلام: به آنکه از خِرَد بی بهره است،امیدوار مباش.

856.امام علی علیه السلام: زبان نیکوکار،از سبکی نادانْ ابا می کند.

857.امام علی علیه السلام: جز تیزی شمشیر،نادان را باز ندارد.

ص:273

858-عنه علیه السلام -فی ذَمِّ أهلِ البَصرَهِ بَعدَ وَقعَهِ الجَمَلِ-:أرضُکُم قَریبَهٌ مِنَ الماءِ،بَعیدَهٌ مِنَ السَّماءِ،خَفَّت عُقولُکُم،وسَفِهَت حُلومُکُم،فَأَنتُم غَرَضٌ لِنابِلٍ،واُکلَهٌ لِآکِلٍ،وفَریسَهٌ لِصائِلٍ [(1)](#content_note_274_1).

859-عنه علیه السلام:

لا تَصحَب أخَاالجَهلِ

860-الإمام الباقر علیه السلام: إنَّ قَلبًا لَیسَ فیهِ شَیءٌ مِنَ العِلمِ کَالبَیتِ الخَرابِ الَّذی لا عامِرَ لَهُ [(2)](#content_note_274_2).

861-الإمام العسکریّ علیه السلام: رِیاضَهُ الجاهِلِ ورَدُّ المُعتادِ عَن عادَتِهِ کَالمُعجِزِ [(3)](#content_note_274_3).

862-لقمان علیه السلام: لَأَن یَضرِبَکَ الحَکیمُ فَیُؤذِیَکَ خَیرٌ مِن أن یُدهِنَکَ الجاهِلُ بِدُهنٍ طَیِّبٍ [(4)](#content_note_274_4).

3/2 النَّوادِر

863-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: ما أعَزَّ اللّهُ بِجَهلٍ قَطُّ،ولا أذَلَّ بِحِلمٍ قَطُّ [(5)](#content_note_274_5).

864-الإمام علیّ علیه السلام: الجَهلُ بِالفَضائِلِ مِن أقبَحِ الرَّذائِلِ [(6)](#content_note_274_6).

865-عنه علیه السلام: الجَهلُ وَالبُخلُ مَساءَهٌ ومَضَرَّهٌ [(7)](#content_note_274_7).

866-عنه علیه السلام: لا قَرینَ شَرٌّ مِنَ الجَهلِ [(8)](#content_note_274_8).

ص:274

1- (1) نهج البلاغه:الخطبه 14، [1]بحار الأنوار:194/246/32. [2]

2- (3) الأمالی للطوسی:1165/543 [3] عن مسعده بن زیاد الربعی عن الإمام الصادق علیه السلام.

3- (4) تحف العقول:489،بحار الأنوار:30/374/78. [4]

4- (5) تنبیه الخواطر:26/2، [5]بحار الأنوار:21/426/13. [6]

5- (6) الکافی:5/112/2 [7] عن علیّ بن حفص العوسی الکوفی رفعه إلی الإمام الصادق علیه السلام،مشکاهالأنوار:216 [8] عن الإمام الصادق علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله؛کنزالعمّال:5830/132/3 نقلًا عن ابن شاهین عن ابن مسعود.

6- (7) غرر الحکم:2054،1585. [9]

7- (8) غرر الحکم:2054،1585. [10]

8- (9) تحف العقول:93،کنزالفوائد:319/1 [11] وفیه«سوء شرّ»بدل«شرّ».

858.امام علی علیه السلام -در توبیخ مردمان بصره پس از واقعۀ جمل-:زمین شهر شما به آب،نزدیک و از آسمان،دور است.عقلهای شما سَبُک و بردباری شما آشفته گشت.پس برای تیرانداز،نشانه و برای خورنده،لقمه،و برای درنده، شکارید.

859.امام علی علیه السلام: با دوست نادانْ همنشینی مکن و از او بپرهیز.چه بسیار نادانانی که هنگام دوستی،انسانهای بردبار را به نابودی کشاندند.

860.امام باقر علیه السلام: به راستی دلی که در آن دانش نیست؛مانند سرای ویرانی است که آباد کننده ای ندارد.

861.امام عسکری علیه السلام: تربیت نادان و بازگرداندن آنکه به چیزی عادت کرده،از عادتشْ معجزه است.

862.لقمان علیه السلام: اگر حکیمی تو را کتک زند و تو را بیازارد،بهتر از آن است که شخص نادانی تن تو را با روغنی خوشبو روغنْ مالی کند.

ر.ک:ص 85«زنهار از کنار نهادن خردورزی».

#### 3/2 گوناگون

863.پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند به سبب جهلْ هیچ کس را عزیز نکرد و به سبب بردباری، هیچ کس را خوار ننمود.

864.امام علی علیه السلام: ناآگاهی به فضیلتها،از زشت ترین رذیلتهاست.

865.امام علی علیه السلام: نادانی و بخل،بدی و زیان است.

866.امام علی علیه السلام: هیچ دوستی بدتر از نادانی نیست.

ص:275

867-عنه علیه السلام: الجَهلُ وَبالٌ [(1)](#content_note_276_1).

868-عنه علیه السلام: لا یَزکو مَعَ الجَهلِ مَذهَبٌ [(2)](#content_note_276_2).

869-عنه علیه السلام: إنَّکُم لَن تُحَصِّلوا بِالجَهلِ أرَبًا،ولَن تَبلُغوا بِهِ مِنَ الخَیرِ سَبَبًا،ولَن تُدرِکوا بِهِ مِنَ الآخِرَهِ مَطلَبًا [(3)](#content_note_276_3).

870-عنه علیه السلام: إنَّ الزُّهدَ فِی الجَهلِ بِقَدرِ الرَّغبَهِ فِی العَقلِ [(4)](#content_note_276_4).

ص:276

1- (1) غرر الحکم:237،10542،3856،3444. [1]

2- (2) غرر الحکم:237،10542،3856،3444. [2]

3- (3) غرر الحکم:237،10542،3856،3444. [3]

4- (4) غرر الحکم:237،10542،3856،3444. [4]

867.امام علی علیه السلام: نادانی،سربار است.

868.امام علی علیه السلام: هیچ آیینی،با جهل و نادانیْ رُشد نکند.

869.امام علی علیه السلام: به راستی که شما با نادانی به هیچ خواسته ای نرسید و با آن به هیچ سببی از اسباب خوبی دست نیابید،و به هیچ مقصد آخرتی هم نائل نگردید.

870.امام علی علیه السلام: به راستی که بی رغبتی در نادانی،به اندازۀ رغبت در خردمندی است.

ص:277

الفصل الثّالث:أصنافُ الجُهّالِ

871-الإمام علیّ علیه السلام: الرِّجالُ أربَعَهٌ:رَجُلٌ یَدری ویَدری أنَّهُ یَدری فَذاکَ عالِمٌ فَاسأَلوهُ،ورَجُلٌ لا یَدری ویَدری أنَّهُ لا یَدری فَذاکَ مُستَرشِدٌ فَأَرشِدوهُ، ورَجُلٌ لا یَدری ولا یَدری أنَّهُ لا یَدری فَذاکَ جاهِلٌ فَارفُضوهُ،ورَجُلٌ یَدری ولا یَدری أنَّهُ یَدری فَذاکَ نائِمٌ فَأَنبِهوهُ [(1)](#content_note_278_1).

872-الإمام الصادق علیه السلام: الرِّجالُ أربَعَهٌ:رَجُلٌ یَعلَمُ ویَعلَمُ أنَّهُ یَعلَمُ فَذاکَ عالِمٌ فَتَعَلَّموا مِنهُ،ورَجُلٌ یَعلَمُ ولا یَعلَمُ أنَّهُ یَعلَمُ فَذاکَ نائِمٌ فَأَنبِهوهُ،ورَجُلٌ لا یَعلَمُ ویَعلَمُ أنَّهُ لا یَعلَمُ فَذاکَ جاهِلٌ فَعَلِّموهُ،ورَجُلٌ لا یَعلَمُ ولا یَعلَمُ أنَّهُ لا یَعلَمُ فَذاکَ أحمَقٌ فَاجتَنِبوهُ [(2)](#content_note_278_2).

ص:278

1- (1) معدن الجواهر:41. [1]

2- (2) أخبار الحمقی والمغفّلین:46؛عوالی اللآلی:74/79/4 [2] عن بعضهم علیهم السلام نحوه،بحار الأنوار:15/195/1. [3]

### فصل سوم:انواع نادانان

871.امام علی علیه السلام: مردان چهار دسته اند:مردی که می داند و به آگاهی اش علم دارد؛ چنین شخصی حقیقتاً دانشمند است،پس از او بپرسید.مردی که نمی داند و می داند که نمی داند؛او جوینده است،پس راهنمایی اش کنید.مردی که نمی داند و نمی داند که نمی داند؛او نادان است،پس کنارش گذارید.مردی که می داند و نمی داند که می داند؛او خواب است،پس بیدارش کنید.

872.امام صادق علیه السلام: مردان چهار دسته اند:مردی که می داند و می داند؛که می داند پس این مرد،عالِم است،از او بیاموزید؛مردی که می داند و نمی داند که می داند؛این شخص خواب است،پس بیدارش کنید؛مردی که نمی داند و می داند که نمی داند؛او جاهل است،پس تعلیمش دهید؛مردی که نمی داند و نمی داند که نمی داند؛او احمق است،پس از او دوری کنید.

پژوهشی دربارۀ انواع نادانی

همان طور که در این روایات اشاره شده،انسان در معرفت حقایق،چهار حالت دارد که هر یک از این حالات،احکام و تکالیف ویژه ای برای فرد یا جامعه ایجاب

ص:279

می نمایند،این حالات عبارت اند از:

1.علم

حالت اوّل،علم و آگاهی است.کسی که می داند و می داند،که می داند به او عالِم گفته می شود.چنین فردی،شایستگی دارد که معلّم دیگران باشد و از نظر اسلام، وظیفۀ او تعلیم و وظیفۀ مردم،تعلّم و پرسش از اوست: فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ. 1 از اهل ذکر و دانش بپرسید،اگر نمی دانید.

2.غفلت

حالت دوم،غفلت است.غافل،کسی است که می داند و نمی داند که می داند.در اینجا وظیفه کسانی که هشیار هستند،این است که او را از خواب غفلت بیدار کنند:

وذکّر فإن الذکری تنفع المؤمنین. [(1)](#content_note_280_1)

یادآوری کن؛زیرا یادآوری مؤمنان را سود می بخشد.

3.جهل بسیط

حالت سوم،جهل بسیط است.جاهل بسیط،کسی است که چیزی را نمی داند، اعم از اینکه بداند نمی داند و یا نداند که نمی داند.در هر حال،وظیفۀ عالم نسبت به او تعلیم و تکلیف او تعلّم است و مشمول آیۀ شریف: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ».

4.جهل مرکّب

حالت چهارم،جهل مرکّب است.این جهل،ترکیبی است از دو جهل:ندانستن و تصوّر دانستن.جاهل مرکّب،کسی است که نمی داند و تصوّر می کند که می داند.

ظاهراً همین معنا مقصود روایات ذکر شده است که:

«لا یعلم و لا یعلم إنّه لا یعلم؛

ص:280

1- (2) سورۀ ذاریات،آیۀ 55. [1]

نمی داند و نمی داند که نمی داند»و

«لا یدری ولا یدری إنّه لا یدری، نمی داند و نمی داند که نمی داند». [(1)](#content_note_281_1)لذا امام علی علیه السلام تکلیف مردم را در مورد برخورد با چنین جاهلی، کنار نهادن دانسته:

«فذاک جاهل فارفضوه» پس آن نادان است،کنارش نهید.و امام صادق علیه السلام وظیفۀ مردم را اجتناب از چنین کسی می داند:

«فذاک أحمق فاجتنبوه ؛پس آن نادان است و از او کناره گیری کنید».

درد بی درمان !

سؤال اصلی در زمینۀ رهنمودی که در احادیث این باب در مورد برخورد با اصناف جهّال ارائه شده،این است که چرا آگاهان جامعه موظّف اند که غافل و جاهل بسیط را آگاه کنند؛ولی در مورد جاهل مرکّب،نه تنها وظیفه ای ندارند،بلکه وظیفۀ آنها اجتناب و رفض است؟

جواب این است که جهل مرکّب،خطرناک ترین انواع جهل است و در حقیقت، دردی است بی درمان کسی که نمی داند،تصوّر می کند می داند که مبتلا به بیماری خطرناک خودْ دانا بینی است و این بیماری،بخصوص در صورتی که مزمن شده باشد،قابل علاج نیست.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

من أعجب بنفسه هلک،ومن أعجب برأیه هلک،وإنّ عیسی بن مریم علیه السلام قال:

داویت المرضی فشفیتهم بإذن اللّه،وأبرأت الأکمه والأبرص بإذن اللّه،وعالجت

ص:281

1- (1) .در اشعار معروفی که به زبان فارسی در این باره سروده شده نیز مقصود همین است.متن اشعار،این است: آن کس که بداند و بداند که بداند اسب طَرَبِ خویش به افلاک رساند آن کس که نداند و بداند که نداند آن هم خَرَک لنگ به منزل برساند آن کس که نداند و نداند که نداند در جهل مرکّب ابد الدهر بماند (لغتنامۀ دهخدا:جهل بسیط و جهل مرکب.در واقع مقصود از«نداند که نداند»،این است که گمان می کند می داند:«یعتقد أنّه یعلم».

الموتی فأحییتهم بإذن اللّه،وعالجت الأحمق فلم أقدر علی إصلاحه !

فقیل:«یا روح اللّه ! وما الأحمق؟»،قال:«المعجب برأیه ونفسه،الّذی یری الفضل کلّه له لا علیه،و یوجب الحقّ کلّه لنفسه ولا یوجب علیها حقاً،فذاک الأحمق الّذی لا حیله فی مداواته». [(1)](#content_note_282_1)

آنکه به خود خوشبین باشد،تباه گردد و آنکه به رأی و نظر خویش،خوشبین باشد.هلاک گردد بدرستی که عیسی فرزند مریم فرمود:«بیماران را با اجازۀ خداوند،مداوا کردم و نابینا و پیس را به اذن خداوند بهبود بخشیدم؛و مردگان را با اذن الهی زنده کردم؛به مداوای نادان پرداختم؛ولی نتوانستم او را اصلاح کنم».

گفته شد:«ای روح خدا! احمق کیست؟».فرمود:«آنکه به خود و رأی خویش، خوشبین باشد.آنکه فضیلت ها را از آنِ خود می داند.[و کاستی یی برخود نمی پذیرد] و حقّ را به خود می دهد و تکلیف و حقّی بر خویش باور ندارد.

این نادانی است که چاره ای برای درمانش نیست».

بنا بر این تفسیر،احمقِ حقیقی کسی نیست که دچار آفت مغزی است و به دلیل بیماری جسمی،قادر به فهم مسائل نیست.این گونه بیماران،اگر از طُرُق طبیعی قابل درمان نباشند،از طریق اعجاز،معالجۀ آنان امکان پذیر است.احمق حقیقی، کسی است که مغز او سالم است؛ولی بیماری روانیِ عُجب و خود دانابینی،عقل و اندیشۀ او را فاسد کرده و در نتیجۀ پاسخ مثبت ندادن به دعوت عقل عملی،مرگ عقلی او فرا رسیده است.علاج چنین مرده ای ممکن نیست.چنین مرده ای را عیسی علیه السلام هم نمی تواند زنده کند.

عیسی علیه السلام به اذن خدای تعالی،انواع بیماری های جسمی را بدون استفاده از ابزار پزشکی علاج می کرد و حتّی مردگان را زنده می ساخت؛لیکن قادر به زنده کردن

ص:282

1- (1) .الإختصاص،ص 221.

اندیشۀ مرده نبود.هیچ پیامبری چنین قدرتی ندارد.قرآن کریم به خاتم انبیا می فرماید:

فَإِنَّکَ لا تُسْمِعُ الْمَوْتی وَ لا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعاءَ. 1

در حقیقت،تو مردگان را شنوا نمی گردانی و این دعوت را به کَران نمی توانی بشنوانی.

این گونه انسانها تنها ظاهر دنیا را می بیند ولی از حقیقت غافل اند:

یَعْلَمُونَ ظاهِراً مِنَ الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَهِ هُمْ غافِلُونَ. 2

از زندگی دنیا،ظاهری را می شناسند،حال آنکه از آخرت غافل اند.

اینجاست که تعلیم مرده،سودی ندارد.کسی که به مرگِ اندیشه گرفتار شد، تبدیل به خطرناک ترین جنبدگان می گردد و به گفتۀ قرآن کریم، «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللّهِ الصُّمُّ الْبُکْمُ الَّذِینَ لا یَعْقِلُونَ».

و بدین جهت،حتّی نزدیک شدن به چنین کسی خطرناک است؛زیرا بیماری اندیشه،واگیر دارد و ممکن است به دیگران نیز سرایت کند.لذا وظیفۀ مردم در برخورد با بیمارانی این چنین،اجتناب و اعراض است؛همان طور که خداوند سبحان می فرماید:

فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلّی عَنْ ذِکْرِنا وَ لَمْ یُرِدْ إِلاَّ الْحَیاهَ الدُّنْیا. 3

پسْ از هر کس که از یاد ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را خواستار نیست، روی برتاب.

ص:283

الفصل الرّابع:عَلاماتُ الجَهلِ

1/4 آثارُ الجَهلِ

أ:الکُفر

الکتاب

وَ إِذا قِیلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا ما أَنْزَلَ اللّهُ قالُوا بَلْ نَتَّبِعُ ما أَلْفَیْنا عَلَیْهِ آباءَنا أَ وَ لَوْ کانَ آباؤُهُمْ لا یَعْقِلُونَ شَیْئاً وَ لا یَهْتَدُونَ [(1)](#content_note_284_1).

وَ مَثَلُ الَّذِینَ کَفَرُوا کَمَثَلِ الَّذِی یَنْعِقُ بِما لا یَسْمَعُ إِلاّ دُعاءً وَ نِداءً صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لا یَعْقِلُونَ [(2)](#content_note_284_2).

وَ إِذا نادَیْتُمْ إِلَی الصَّلاهِ اتَّخَذُوها هُزُواً وَ لَعِباً ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لا یَعْقِلُونَ [(3)](#content_note_284_3).

\* الحدیث

873-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: إنَّما یُدرَکُ الخَیرُ کُلُّهُ بِالعَقلِ،ولا دینَ لِمَن لا عَقلَ لَهُ [(4)](#content_note_284_4).

ص:284

1- (1) البقره:170،171. [1]

2- (2) البقره:170،171. [2]

3- (3) المائده:58. [3]

4- (4) تحف العقول:54،غررالحکم:10768 وفیه ذیله؛الفردوس:2764/150/2 عن عمر مجمع بن حارثه،حلیه الأولیاء:220/3 عن أبی هریره وفیه ذیله.

### فصل چهارم:نشانه های نادانی

#### 1/4 آثار نادانی

##### الف:کفر

قرآن

وچون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است،پیروی کنید؛می گویند:«نه، بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته ایم،پیروی می کنیم».آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی کرده و به راه صواب نمی رفته اند [باز هم در خور پیروی هستند]؟

و مَثَل [دعوت کنندۀ] کافران،چون مَثَل کسی است که حیوانی را که جز صدا و ندایی [مبهم،چیزی] نمی شنود،بانگ می زند:[آری،] کرند،لال اند،کورند [و] درنمی یابند.

و هنگامی که [با وسیلۀ اذان،مردم را] به نماز می خوانید،آن را به مسخره و بازی می گیرند؛زیرا آنان مردمی اند که نمی اندیشند.

حدیث

873.پیامبر صلی الله علیه و آله: تمامی خوبی ها با خرد به دست آید و کسی که خردمند نیست،دین

ص:285

874-عنه صلی الله علیه و آله: قِوامُ المَرءِ عَقلُهُ،ولا دینَ لِمَن لا عَقلَ لَهُ [(1)](#content_note_286_1).

875-عنه صلی الله علیه و آله: دینُ المَرءِ عَقلُهُ،ومَن لا عَقلَ لَهُ لا دینَ لَهُ [(2)](#content_note_286_2).

876-الإمام علیّ علیه السلام: ما کَفَرَ الکافِرُ حَتّی جَهِلَ [(3)](#content_note_286_3).

877-عنه علیه السلام: الکافِرُ خَبٌّ [(4)](#content_note_286_4)،لَئیمٌ،خَؤونٌ،مَغرورٌ،بِجَهلِهِ مَغبونٌ [(5)](#content_note_286_5).

878-عنه علیه السلام: الکافِرُ فاجِرٌ جاهِلٌ [(6)](#content_note_286_6).

879-عنه علیه السلام: الجاهِلُ إذا جَمَدَ وَجَدَ،وإذا وَجَدَ ألحَدَ [(7)](#content_note_286_7).

880-عَلِیُّ بنُ أسباطٍ عَنهُم علیهم السلام-فیما وَعَظَ اللّهُ عز و جل بِهِ عیسی علیه السلام-:یا عیسی،لا تُشرِک بی شَیئًا...کُن مَعَ الحَقِّ حَیثُما کانَ وإن قُطِّعتَ واُحرِقتَ بِالنّارِ،فَلا تَکفُر بی بَعدَ المَعرِفَهِ،فَلا تَکونَنَّ مِنَ الجاهِلینَ [(8)](#content_note_286_8).

ب:الشُّرور

881-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: الجَهلُ رَأسُ الشَّرِّ کُلِّهِ [(9)](#content_note_286_9).

882-الإمام علیّ علیه السلام: الجَهلُ أصلُ کُلِّ شَرٍّ [(10)](#content_note_286_10).

883-عنه علیه السلام: الجَهلُ فَسادُ کُلِّ أمرٍ [(11)](#content_note_286_11).

884-عنه علیه السلام: بِالجَهلِ یُستَثارُ،کُلُّ شَرٍّ [(12)](#content_note_286_12).

885-عنه علیه السلام: الجَهلُ مَعدِنُ الشَّرِّ [(13)](#content_note_286_13).

ص:286

1- (1) شعب الإیمان:4644/157/4، [1]الفردوس:4629/217/3 کلاهما عن جابر بن عبداللّه؛کنزالفوائد:31/2، [2]روضه الواعظین:9. [3]

2- (2) الجامع الصغیر:4242/652/1 نقلًا عن أبی الشیخ فی الثواب،وابن النجّار عن جابر.

3- (3) غرر الحکم:9554. [4]

4- (4) الخَبّ-بالفتح-:الخدّاع الذی یسعی بین الناس بالفساد (النهایه:4/2). [5]

5- (5) غرر الحکم:1900،715،1534 ( [6]وفی نسخه:الجاهل إذا جحد وحد،وإذا وحد ألحد).

6- (6) غرر الحکم:1900،715،1534 ( [7]وفی نسخه:الجاهل إذا جحد وحد،وإذا وحد ألحد).

7- (7) غرر الحکم:1900،715،1534 ( [8]وفی نسخه:الجاهل إذا جحد وحد،وإذا وحد ألحد).

8- (8) الکافی:103/141/8، [9]تحف العقول:500 نحوه من دون إسناد.

9- (9) جامع الأحادیث للقمّی:102 عن إسماعیل عن أبیه الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام،بحار الأنوار:9/175/77 [10] نقلًا عن الإمامه والتبصره.

10- (10) غرر الحکم:819. [11]

11- (11) غرر الحکم:930،4321،658. [12]

12- (12) غرر الحکم:930،4321،658. [13]

13- (13) غرر الحکم:930،4321،658. [14]

ندارد.

874.پیامبر صلی الله علیه و آله: اصل آدمی خرد است و آنکه خردمند نیست،دیندار نیست.

875.پیامبر صلی الله علیه و آله: دینداری آدمی به خرد اوست و آنکه خردمند نیست،انسان نیست.

876.امام علی علیه السلام: هیچ کس کافر نگشت،مگر آنکه جاهل بود.

877.امام علی علیه السلام: کافر،حیله گری پست و خیانت پیشه ای خودبین است که فریفتۀ نادانی اش شده است.

878.امام علی علیه السلام: کافر،تبهکاری نادان است.

879.امام علی علیه السلام: نادان هرگاه بخل ورزد،صاحب مال شود و زمانی که صاحب ثروت شود،سر از الحاد درآورد.

880.علی بن اسباط از یکی از معصومان علیهم السلام نقل می کند:در پندهای خداوند به عیسی علیه السلام چنین آمده:ای عیسی ! چیزی را شریک من مساز...همیشه با حقّ باش،هرجا که باشد؛گرچه پاره پاره شوی و به آتش سوزانده شوی.پس از شناختْ به من کفر مورز تا در زمره نادانان نباشی.

ر.ک:ص 133«شناخت خدا»/ص 137«دین»/ص 321«توقف به هنگام شبهه».

##### ب:بدی ها

881.پیامبر صلی الله علیه و آله: نادانی،بالاترین همۀ بدیهاست.

882.امام علی علیه السلام: نادانی،ریشۀ هر بدی است.

883.امام علی علیه السلام: نادانی،تباه کنندۀ هر کاری است.

884.امام علی علیه السلام: با نادانی،هر بدی یی برانگیخته شود.

ص:287

ج:عَداوَهُ العِلمِ وَالعالِمِ

886-الإمام علیّ علیه السلام: النّاسُ أعداءُ ما جَهِلوا [(1)](#content_note_288_1).

887-عنه علیه السلام: مَن جَهِلَ شَیئًا عاداهُ [(2)](#content_note_288_2).

888-عنه علیه السلام: مَن جَهِلَ شَیئًا عابَهُ [(3)](#content_note_288_3).

889-عنه علیه السلام: مَن قَصُرَ عَن مَعرِفَهِ شَیءٍ عابَهُ [(4)](#content_note_288_4).

890-عنه علیه السلام: ما ضادَّ العُلَماءَ کَالجُهّالِ [(5)](#content_note_288_5).

891-عنه علیه السلام: لا تُعادوا ما تَجهَلونَ،فَإِنَّ أکثَرَ العِلمِ فیما لا تَعرِفونَ [(6)](#content_note_288_6).

د:مَوتُ النَّفسِ

892-الإمام علیّ علیه السلام: الجَهلُ مُمیتُ الأَحیاءِ ومُخَلِّدُ الشَّقاءِ [(7)](#content_note_288_7).

893-عنه علیه السلام: الجَهلُ مَوتٌ،التَّوانی فَوتٌ [(8)](#content_note_288_8).

894-عنه علیه السلام: الجاهِلُ مَیِّتٌ وإن کانَ حَیًّا [(9)](#content_note_288_9).

895-عنه علیه السلام: العالِمُ حَیٌّ بَینَ المَوتی،الجاهِلُ مَیِّتٌ بَینَ الأَحیاءِ [(10)](#content_note_288_10).

896-عنه علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:الجَهلُ بِالفَضائِلِ عِدلُ المَوتِ [(11)](#content_note_288_11).

897-عنه علیه السلام: مَنِ استَحکَمَت لی فیهِ خَصلَهٌ مِن خِصالِ الخَیرِ احتَمَلتُهُ عَلَیها وَاغتَفَرتُ فَقدَ ما سِواها،ولا أغتَفِرُ فَقدَ عَقلٍ ولا دینٍ؛لِأَنَّ مُفارَقَهَ الدّینِ مُفارَقَهُ الأَمنِ،فَلا یُتَهَنَّأُ بِحَیاهٍ مَعَ مَخافَهٍ،وفَقدُ العَقلِ فَقْدُ الحَیاهِ،ولایُقاسُ

ص:288

1- (1) نهج البلاغه:الحکمه 172 و 438،خصائص الأئمّه علیهم السلام:110، [1]الاختصاص:245،غررالحکم:288؛ [2]المناقب للخوارزمی:395/375 عن الجاحظ وفیه«المرء عدوّ ما جهله»،ینابیع المودّه:113/414/2 [3] وفیه«المرء عدوّ لما جهل».

2- (2) کنزالفوائد:182/2، [4]تحف العقول:406 عن الإمام الکاظم علیه السلام،وفیه«أمرًا»بدل«شیئًا».

3- (3) کشف الغمّه:137/3 [5] عن الإمام الجواد عن آبائه علیهم السلام،بحار الأنوار:61/79/78.

4- (4) الإرشاد:301/1، [6]الدرّه الباهره:33 عن الإمام الصادق علیه السلام،ولیس فیه«معرفه»،بحار الأنوار:106/228/78. [7]

5- (5) غرر الحکم:9612،10246،1464،(47 و 48)، [8]1125،(2117 و 2118).

6- (6) غرر الحکم:9612،10246،1464،(47 و 48)، [9]1125،(2117 و 2118).

7- (7) غرر الحکم:9612،10246،1464،(47 و 48)، [10]1125،(2117 و 2118).

8- (8) غرر الحکم:9612،10246،1464،(47 و 48)، [11]1125،(2117 و 2118).

9- (9) غرر الحکم:9612،10246،1464،(47 و 48)، [12]1125،(2117 و 2118).

10- (10) غرر الحکم:9612،10246،1464،(47 و 48)، [13]1125،(2117 و 2118).

11- (11) شرح نهج البلاغه:23/258/20.

##### ج:دشمنی با دانش و دانشمند

886.امام علی علیه السلام: مردم،دشمن چیزی هستند که نمی دانند.

887.امام علی علیه السلام: آنکه چیزی را نداند،با آن دشمنی ورزد.

888.امام علی علیه السلام: آن کس که چیزی را نداند،از آن عیبجویی کند.

889.امام علی علیه السلام: آنکه از درک چیزی ناتوان شود،از آن عیبجویی کند.

890.امام علی علیه السلام: هیچ کس مانند نادانان،با دانشمندانْ مخالفت نکرد.

891.امام علی علیه السلام: با آنچه نمی دانید،دشمنی مورزید؛چرا که بیشترِ دانش در آن چیزهایی است که شما نمی دانید.

ر.ک:ص 331«انکار آنچه نمی داند»/ص 129«دانش و حکمت».

##### د:مرگ جان

892.امام علی علیه السلام: نادانی،زنده ها را بمیراند و بدبختی را جاودانه سازد.

893.امام علی علیه السلام: نادانی،مرگ است و سستیْ از دست دادن.

894.امام علی علیه السلام: نادان،مرده است،گرچه زنده باشد.

895.امام علی علیه السلام: دانشمند،زنده ای میان مردگان است و نادان،مرده ای میان زندگان.

896.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:ناآگاهی به فضیلتها برابر مرگ است.

897.امام علی علیه السلام: آنکه صفتی از صفات نیک در او پابرجا شود،او را تحمّل کنم و نبودِ سایر خصلتها را بر او ببخشم؛امّا نبودِ خرد و دین را نمی بخشم؛چرا که از دست دادن دین،از میان رفتن امنیت است،و زندگی با ترس،گوارا نیست و از دست دادن خرد،از دست دادن زندگی است و جز با مردگانْ سنجیده نشود.

ص:289

إلّابِالأَمواتِ [(1)](#content_note_290_1).

ه:مَساوِئُ الأَخلاقِ

898-صالِحُ بنُ مِسمارٍ: بَلَغَنی أنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله تَلا هذِهِ الآیَهَ یا أَیُّهَا الْإِنْسانُ ما غَرَّکَ بِرَبِّکَ الْکَرِیمِ [(2)](#content_note_290_2)ثُمَّ قالَ:جَهلُهُ [(3)](#content_note_290_3).

899-الإمام علیّ علیه السلام: الحِرصُ وَالشَّرَهُ وَالبُخلُ نَتیجَهُ الجَهلِ [(4)](#content_note_290_4).

900-عنه علیه السلام: رَأسُ الجَهلِ الخُرقُ [(5)](#content_note_290_5).

901-عنه علیه السلام -فی دُعائِهِ-:أنَا الجاهِلُ،عَصَیتُکَ بِجَهلی،وَارتَکَبتُ الذُّنوبَ بِجَهلی،وألهَتنِی الدُّنیا بِجَهلی،وسَهَوتُ عَن ذِکرِکَ بِجَهلی،ورَکَنتُ (إلَی)الدُّنیا بِجَهلی [(6)](#content_note_290_6).

902-الإمام الصادق علیه السلام: الجَهلُ فی ثَلاثٍ:الکِبرِ،وشِدَّهِ المِراءِ،وَالجَهلِ بِاللّهِ، فَاُولئِکَ هُمُ الخاسِرونَ [(7)](#content_note_290_7).

903-الإمام علیّ علیه السلام: ما عَقَلَ مَن بَخِلَ بِإِحسانِهِ [(8)](#content_note_290_8).

و:الفُرقَه

الکتاب

لا یُقاتِلُونَکُمْ جَمِیعاً إِلاّ فِی قُریً مُحَصَّنَهٍ أَوْ مِنْ وَراءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَیْنَهُمْ شَدِیدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِیعاً وَ قُلُوبُهُمْ شَتّی ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لا یَعْقِلُونَ [(9)](#content_note_290_9).

\* الحدیث

904-الإمام علیّ علیه السلام: لَو سَکَتَ الجاهِلُ مَا اختَلَفَ النّاسُ [(10)](#content_note_290_10).

ص:290

1- (1) الکافی:30/27/1 [1] عن محمّد بن یحیی رفعه،تحف العقول:219، [2]غرر الحکم:3785 [3] کلاهما نحوه.

2- (2) الانفطار:6. [4]

3- (3) تفسیرالدرّ المنثور:439/8؛تفسیر مجمع البیان:682/10 نحوه.

4- (4) غرر الحکم:1694،5225.

5- (5) غرر الحکم:1694،5225. [5]

6- (6) الدروع الواقیه:249. [6]

7- (7) الاختصاص:244.

8- (8) غررالحکم:9588. [7]

9- (9) الحشر:14. [8]

10- (10) کشف الغمّه:139/3 عن الإمام الجواد عن آبائه علیهم السلام،بحار الأنوار:75/81/78. [9]

##### ه:اخلاق زشت

898.صالح بن مسمار: به من خبر رسید که پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت کرد:

«ای انسان ! چه چیز تو را دربارۀ پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته است؟» آن گاه فرمود:«نادانی اش».

899.امام علی علیه السلام: آز و شهوت و بخل،نتیجۀ نادانی است.

900.امام علی علیه السلام: بنیاد نادانی،حماقت است.

901.امام علی علیه السلام -در دعایی-:منِ نادان،با نادانی ام تو را نافرمانی کردم،و با نادانی ام،گناهانی را مرتکب شدم،و دنیا بر اثر نادانیْ مرا منحرف ساخت،و از یاد تو به جهت نادانی غفلت ورزیدم،و بر اثر نادانیْ به دنیا روی آوردم.

902.امام صادق علیه السلام: نادانی در سه چیز است:خودخواهی،جدل بسیار و نادانی به خداوند،و اینان اند زیانکاران.

903.امام علی علیه السلام: آنکه از نیکی کردن بخل ورزد،خردمند نیست.

ر.ک:ص 139«مکارم اخلاق».

##### و:اختلاف و جدایی

قرآن

[آنان،به صورت] دسته جمعی،جز در قریه هایی که دارای استحکامات اند،یا از پشت دیوارها با شما نخواهند جنگید.جنگشان میان خودشان سخت است.آنان را متحد می پنداری،و[لی] دلهایشان پراکنده است؛زیرا آنان مردمانی اند که نمی اندیشند.

حدیث

904.امام علی علیه السلام: اگر نادان سکوت اختیار کند،مردم با یکدیگر اختلاف نکنند.

ص:291

905-عنه علیه السلام -مِن کَلامِهِ لِأَهلِ الکوفَهِ-:أیُّهَا القَومُ،الشّاهِدَهُ أبدانُهُمُ،الغائِبَهُ عَنهُم عُقولُهُمُ،المُختَلِفَهُ أهواؤُهُمُ،المُبتَلی بِهِم امَراؤُهُم،صاحِبُکُم یُطیعُ اللّهَ وأنتُم تَعصونَهُ ! وصاحِبُ أهلِ الشّامِ یَعصِی اللّهَ وهُم یُطیعونَهُ ! [(1)](#content_note_292_1)

906-عنه علیه السلام: أیَّتُهَا النُّفوسُ المُختَلِفَهُ،وَالقُلوبُ المُتَشَتِّتَهُ،الشّاهِدَهُ أبدانُهُم، وَالغائِبَهُ عَنهُم عُقولُهُم،أظأَرُکُم عَلَی الحَقِّ وأنتُم تَنفِرونَ عَنهُ نُفورَ المِعزی مِن وَعوَعَهِ الأَسَدِ ! [(2)](#content_note_292_2)

ز:الزَّلَّه

907-الإمام علیّ علیه السلام: مَن جَهِلَ مَوضِعَ قَدَمِهِ زَلَّ [(3)](#content_note_292_3).

908-عنه علیه السلام: الجَهلُ یُزِلُّ القَدَمَ ویورِثُ النَّدَمَ [(4)](#content_note_292_4).

909-عنه علیه السلام: الجَهلُ مَطِیَّهٌ شَموسٌ [(5)](#content_note_292_5)،مَن رَکِبَها زَلَّ ومَن صَحِبَها ضَلَّ [(6)](#content_note_292_6).

910-عنه علیه السلام: الجاهِلُ کَزَلَّهِ العالِمِ صَوابُهُ [(7)](#content_note_292_7).

911-عنه علیه السلام: صَوابُ الجاهِلِ کَالزَّلَّهِ مِنَ العاقِلِ [(8)](#content_note_292_8).

912-عنه علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:مَوقِعُ الصَّوابِ مِنَ الجُهّالِ مِثلُ مَوقِعِ الخَطَاَ مِنَ العُلَماءِ [(9)](#content_note_292_9).

ح:الذِّلَّه

913-الإمام علیّ علیه السلام: مَن فاتَهُ العَقلُ لَم یَعدُهُ الذُّلُّ [(10)](#content_note_292_10).

914-عنه علیه السلام: کَم مِن عَزیزٍ أذَلَّهُ جَهلُهُ ! [(11)](#content_note_292_11)

915-عنه علیه السلام: ذِلَّهُ الجَهلِ أعظَمُ ذِلَّهٍ [(12)](#content_note_292_12).

ص:292

1- (1) نهج البلاغه:الخطبه 97، [1]الإرشاد:279/1، [2]الاحتجاج:89/411/1 [3] کلاهما إلی قوله:«أهواؤهم».

2- (2) نهج البلاغه:الخطبه 131، [4]بحار الأنوار:3/295/77؛ [5]تذکره الخواصّ:120 [6] عن عبداللّه بن صالح العجلی وفیه«الغائبه عقولهم،کم أدلّکم علی الحقّ»بدل«الغائبه عنهم عُقولهم،أظأرکم علی الحقّ».

3- (3) غرر الحکم:7920. [7]

4- (4) غرر الحکم:1339 و 485 [8] وفیه«الجهل یُزلّ القدم»فقط.

5- (5) شَمَسَ الفرس شُمُوسًا:أی منع ظهره (الصحاح:940/3). [9]

6- (6) غرر الحکم:1969،1162،5821. [10]

7- (7) غرر الحکم:1969،1162،5821. [11]

8- (8) غرر الحکم:1969،1162،5821. [12]

9- (9) شرح نهج البلاغه:130/271/20.

10- (10) غرر الحکم:8700،6922،5935،7012،678،4765. [13]

11- (11) غرر الحکم:8700،6922،5935،7012،678،4765. [14]

12- (12) غرر الحکم:8700،6922،5935،7012،678،4765. [15]

905.امام علی علیه السلام -در سخنی خطاب به اهل کوفه-:ای گروهی که تنهایشان حاضر، ولی عقلهایشان غایب و اندیشه هایشان گوناگون است و فرمانروایانشان بدیشان گرفتار! فرمانده شما خدا را اطاعت می کند،ولی شما او را نافرمانی می کنید و فرمانده شام،خدا را نافرمانی می کند،ولی اهل شام مطیع او هستند.

906.امام علی علیه السلام: ای مردمان گوناگون و ای دلهای پراکنده که بدنهایشان حاضر و عقلهایشان از آنها پنهان است ! با مهربانی تمام،شما را به طرف حق سوق می دهم و شما از آن گریزانید؛مانند رمیدن بُز از غرّش شیر.

##### ز:لغزش

907.امام علی علیه السلام: آنکه جای پایش را نبیند،خواهد لغزید.

908.امام علی علیه السلام: نادانی،پا را بلغزاند و پشیمانی به جای گذارد.

909.امام علی علیه السلام: نادانی،مرکبی چموش است؛آنکه بر آن سوار شود،بلغزد و هرکه با آن همراه شود،گمراه گردد.

910.امام علی علیه السلام: به واقع رسیدن نادان به اندازۀ لغزشهای دانشمند،[اندک] است.

911.امام علی علیه السلام: درستی از نادانْ به اندازه لغزش از خردمند،[اندک] است.

912.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:میزان درستی نادانان،به اندازۀ اشتباه دانشمندان است.

##### ح:خواری

913.امام علی علیه السلام: آنکه خرد را از دست دهد،خواری از او نگذرد.

914.امام علی علیه السلام: چه بسیار عزیزانی را که نادانیْ خوار ساخت.

915.امام علی علیه السلام: خواری نادانی،بزرگ ترین خواری است.

ص:293

916-عنه علیه السلام: کَفی بِالجَهلِ ضَعَهً ! [(1)](#content_note_294_1)

917-عنه علیه السلام: الجاهِلُ یَرفَعُ نَفسَهُ فَیَتَّضِعُ [(2)](#content_note_294_2).

918-عنه علیه السلام: جَهلُ الغَنِیِّ یَضَعُهُ،وعِلمُ الفَقیرِ یَرفَعُهُ [(3)](#content_note_294_3).

919-الإمام الصادق علیه السلام: الجَهلُ ذُلٌّ [(4)](#content_note_294_4).

ط:الإِفراطُ وَالتَّفریطُ

920-الإمام علیّ علیه السلام: لا یُرَی الجاهِلُ إلّامُفَرِّطًا [(5)](#content_note_294_5).

921-عنه علیه السلام: لا تَرَی الجاهِلَ إلّامُفرِطًا أو مُفَرِّطًا [(6)](#content_note_294_6).

ی:شَرُّ الدُّنیا وَالآخِرَهِ

922-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: شَرُّ الدُّنیا وَالآخِرَهِ مَعَ الجَهلِ [(7)](#content_note_294_7).

923-الإمام علیّ علیه السلام: الجَهلُ یُفسِدُ المَعادَ [(8)](#content_note_294_8).

ک:النَّوادِر

924-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: مَن قالَ:«أنَا عالِمٌ»فَهُوَ جاهِلٌ [(9)](#content_note_294_9).

925-عنه صلی الله علیه و آله: الجَهلُ ضَلالَهٌ [(10)](#content_note_294_10).

926-الإمام علیّ علیه السلام: الحُمقُ مِن ثِمارِ الجَهلِ [(11)](#content_note_294_11).

927-عنه علیه السلام: سِلاحُ الجَهلِ السَّفَهُ [(12)](#content_note_294_12).

928-عنه علیه السلام: مَن کَثُرَ نِزاعُهُ بِالجَهلِ دامَ عَماهُ عَنِ الحَقِّ [(13)](#content_note_294_13).

929-عنه علیه السلام: مَن جَهِلَ اهمِلَ [(14)](#content_note_294_14).

ص:294

1- (1) غرر الحکم:8700،6922،5935،7012،678،4765. [1]

2- (2) غرر الحکم:8700،6922،5935،7012،678،4765. [2]

3- (3) غرر الحکم:8700،6922،5935،7012،678،4765. [3]

4- (4) الکافی:29/26/1 عن مفضّل بن عمر.

5- (5) غرر الحکم:10697.

6- (6) نهج البلاغه:الحکمه 70،بحار الأنوار:35/159/1.

7- (7) روضه الواعظین:17.

8- (8) غرر الحکم:848. [4]

9- (9) المعجم الأوسط:6846/59/7 عن ابن عمر،کنزالعمّال:29290/243/10؛منیهالمرید:137. [5]

10- (10) جامع الأحادیث للقمّی:70 عن موسی بن إبراهیم عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام؛الفردوس:4419/155/3 عن عائشه.

11- (11) غرر الحکم:1197،5552.

12- (12) غرر الحکم:1197،5552. [6]

13- (13) نهج البلاغه:الحکمه 31. [7]

14- (14) غررالحکم:7687،815،8240،7985،8556،1980،8229،5996،2151.

916.امام علی علیه السلام: نادانی برای خواری و پستیْ بس است.

917.امام علی علیه السلام: نادان،خود را بلند می گرداند؛امّا پست می شود.

918.امام علی علیه السلام: نادانیِ ثروتمند،او را پست گرداند و دانایی فقیر،او را رفعت بخشد.

919.امام صادق علیه السلام: نادانی،خواری است.

##### ط:افراط و تفریط

920.امام علی علیه السلام: نادان،جز در کوتاهی کردن دیده نمی شود.

921.امام علی علیه السلام: نادان را جز در زیاده روی یا کوتاهی کردن نمی بینی.

##### ی:بدی دنیا و آخرت

922.پیامبر صلی الله علیه و آله: بدی دنیا و آخرت با نادانی است.

923.امام علی علیه السلام: نادانی،آخرت را تباه سازد.

##### ک:گوناگون

924.پیامبر صلی الله علیه و آله: هرکه گوید من دانایم؛پس او نادان است.

925.پیامبر صلی الله علیه و آله: نادانی،گمراهی است.

926.امام علی علیه السلام: حماقت از میوه های نادانی است.

927.امام علی علیه السلام: ابزار نادانی،کودنی است.

928.امام علی علیه السلام: آنکه جاهلانه درگیری اش زیاد شود،کوری اش از حقیقت،طولانی گردد.

929.امام علی علیه السلام: هرکه نادان شود،رها گردد.

ص:295

930-عنه علیه السلام: الجَهلُ یَجلِبُ الغَرَرَ [(1)](#content_note_296_1).

931-عنه علیه السلام: مَن ضَیَّعَ عاقِلًا دَلَّ عَلی ضَعفِ عَقلِهِ [(2)](#content_note_296_2).

932-عنه علیه السلام: مَن قَلَّ عَقلُهُ ساءَ خِطابُهُ [(3)](#content_note_296_3).

933-عنه علیه السلام: مَن قَلَّ عَقلُهُ کَثُرَ هَزلُهُ [(4)](#content_note_296_4).

934-عنه علیه السلام: الطُّمَأنینَهُ إلی کُلِّ أحَدٍ قَبلَ الاِختِبارِ مِن قُصورِ العَقلِ [(5)](#content_note_296_5).

935-عنه علیه السلام: مَن وادَّ السَّخیفَ أعرَبَ عَن سُخفِهِ [(6)](#content_note_296_6).

936-عنه علیه السلام: طالِبُ الخَیرِ بِعَمَلِ الشَّرِّ فاسِدُ العَقلِ وَالحِسِّ [(7)](#content_note_296_7).

937-عنه علیه السلام: العَقلُ یَهدی ویُنجی،وَالجَهلُ یُغوی ویُردی [(8)](#content_note_296_8).

938-الإمام زین العابدین علیه السلام: رَأَیتُ أنَّ طَلَبَ المُحتاجِ إلَی المُحتاجِ سَفَهٌ مِن رَأیِهِ وضَلَّهٌ مِن عَقلِهِ [(9)](#content_note_296_9).

939-الإمام الباقر علیه السلام: المُرُوَّهُ أن لا تَطمَعَ فَتَذِلَّ،وتَسأَلَ فَتُقِلَّ،ولا تَبخَلَ فَتُشتَمَ،ولا تَجهَلَ فَتُخصَمَ [(10)](#content_note_296_10).

940-مُحَمَّدُ بنُ خالِدٍ عَن بَعضِ أصحابِنا عَنِ الإِمامِ الصّادِقِ علیه السلام:لَیسَ بَینَ الإِیمانِ وَالکُفرِ إلّاقِلَّهُ العَقلِ،قیلَ:وکَیفَ ذاکَ یَابنَ رَسولِ اللّهِ؟قالَ:إنَّ العَبدَ یَرفَعُ رَغبَتَهُ إلی مَخلوقٍ،فَلَو أخلَصَ نِیَّتَهُ للّهِ ِ لَأَتاهُ الَّذی یُریدُ فی أسرَعَ مِن ذلِکَ [(11)](#content_note_296_11).

941-الإمام الصادق علیه السلام: یا مُفَضَّلُ،لا یُفلِحُ مَن لا یَعقِلُ،ولا یَعقِلُ مَن لا یَعلَمُ [(12)](#content_note_296_12).

942-الإمام الجواد علیه السلام: مَن لَم یَعرِفِ المَوارِدَ أعیَتهُ المَصادِرُ [(13)](#content_note_296_13).

ص:296

1- (1) غررالحکم:7687،815،8240،7985،8556،1980،8229،5996،2151. [1]

2- (2) غررالحکم:7687،815،8240،7985،8556،1980،8229،5996،2151. [2]

3- (3) غررالحکم:7687،815،8240،7985،8556،1980،8229،5996،2151. [3]

4- (4) غررالحکم:7687،815،8240،7985،8556،1980،8229،5996،2151. [4]

5- (5) غررالحکم:7687،815،8240،7985،8556،1980،8229،5996،2151. [5]

6- (6) غررالحکم:7687،815،8240،7985،8556،1980،8229،5996،2151. [6]

7- (7) غررالحکم:7687،815،8240،7985،8556،1980،8229،5996،2151. [7]

8- (8) غررالحکم:7687،815،8240،7985،8556،1980،8229،5996،2151.

9- (9) الصحیفه السجّادیه:/117الدعاء 28. [8]

10- (10) تحف العقول:293.

11- (11) الکافی:33/28/1 [9] عن محمّد بن خالد عن بعض أصحابنا.

12- (12) الکافی:29/26/1 [10] عن مفضّل بن عمر.

13- (13) الدرّه الباهره:39،أعلام الدین:309، [11]بحارالأنوار:4/364/78. [12]

930.امام علی علیه السلام: نادانی،فریب و زیان را جلب می کند.

931.امام علی علیه السلام: هرکه خردمندی را ضایع سازد،بر کم خردی اش دلالت کند.

932.امام علی علیه السلام: هر که کم خرد باشد،بد سخن گوید.

933.امام علی علیه السلام: هرکه خردش کم شود،شوخی اش بسیار گردد.

934.امام علی علیه السلام: اعتماد به هر کسی پیش از آزمودن،نشانۀ کم خردی است.

935.امام علی علیه السلام: هرکه با نادان و سبکسر،دوستی کند،نشانۀ سبکسری اوست.

936.امام علی علیه السلام: آنکه خوبی را با رفتار بد جستجو کند،عقل وحسّش فاسد است.

937.امام علی علیه السلام: خرد،راهنمایی کند و رها سازد،و نادانیْ گمراه و نابود گرداند.

938.امام سجاد علیه السلام: بر این عقیده ام که به راستی درخواست نیازمند از نیازمند،نشانۀ کوته فکری و گمگشتگی خرد اوست.

939.امام باقر علیه السلام: جوانمردی آن است که طمع نورزی تا خوار شوی،و سؤال نکنی تا سبک شوی،و بخل نورزی تا ناسزایت گویند،و جهالت نکنی که خصمت شوند.

940.محمّد بن خالد از یکی از شیعیان نقل می کند:امام صادق علیه السلام فرمود:«بین ایمان و کفر،جز کم خردی فاصله نیست»،گفته شد:«چگونه است ای فرزند پیامبر!».فرمود:«به راستی،بنده،خواسته اش را نزد بندۀ دیگر می برد،با آنکه اگر خداوند را با نیّتی خالص می خواند،خواسته اش را در زمانی کوتاه تر برآورده می ساخت».

941.امام صادق علیه السلام: ای مفضّل ! آنکه خرد نورزد،رستگار نگردد و خرد نورزد،آنکه چیزی نداند.

942.امام جواد علیه السلام: آنکه جایگاه ورود را نشناسد،خارج شدن او را خسته کند.

ص:297

2/4 صِفاتُ الجُهّالِ

الکتاب

وَ إِذْ قالَ مُوسی لِقَوْمِهِ إِنَّ اللّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَهً قالُوا أَ تَتَّخِذُنا هُزُواً قالَ أَعُوذُ بِاللّهِ أَنْ أَکُونَ مِنَ الْجاهِلِینَ [(1)](#content_note_298_1).

قالَ یا نُوحُ إِنَّهُ لَیْسَ مِنْ أَهْلِکَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَیْرُ صالِحٍ فَلا تَسْئَلْنِ ما لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّی أَعِظُکَ أَنْ تَکُونَ مِنَ الْجاهِلِینَ [(2)](#content_note_298_2).

قالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَیَّ مِمّا یَدْعُونَنِی إِلَیْهِ وَ إِلاّ تَصْرِفْ عَنِّی کَیْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَیْهِنَّ وَ أَکُنْ مِنَ الْجاهِلِینَ [(3)](#content_note_298_3).

\* الحدیث

943-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: أطِع رَبَّکَ تُسَمّی عاقِلًا،ولا تَعصِهِ تُسَمّی جاهِلًا [(4)](#content_note_298_4).

944-عنه صلی الله علیه و آله: إنَّ الجاهِلَ مَن عَصَی اللّهَ وإن کانَ جَمیلَ المَنظَرِ عَظیمَ الخَطَرِ [(5)](#content_note_298_5).

945-عنه صلی الله علیه و آله -لِمَن سَأَلَهُ عَن أعلامِ الجاهِلِ-:إن صَحِبتَهُ عَنّاکَ [(6)](#content_note_298_6)وإنِ اعتَزَلتَهُ شَتَمَکَ،وإن أعطاکَ مَنَّ عَلَیکَ،وإن أعطَیتَهُ کَفَرَکَ،وإن أسرَرتَ إلَیهِ خانَکَ،وإن أسَرَّ إلَیکَ اتَّهَمَکَ،وإنِ استَغنی بَطِرَ وکانَ فَظًّا غَلیظًا،وإنِ افتَقَرَ جَحَدَ نِعمَهَ اللّهِ ولَم یَتَحَرَّج،وإن فَرِحَ أسرَفَ وطَغی،وإن حَزِنَ أیِسَ،وإن ضَحِکَ فَهَقَ [(7)](#content_note_298_7)،وإن بَکی خارَ [(8)](#content_note_298_8)،یَقَعُ فِی الأَبرارِ،ولا یُحِبُّ اللّهَ ولا یُراقِبُهُ،ولا یَستَحیی مِنَ اللّهِ ولا یَذکُرُهُ،وإن أرضَیتَهُ مَدَحَکَ وقالَ فیکَ مِنَ

ص:298

1- (1) البقره:67. [1]

2- (2) هود:46، [2]النهی عن السؤال بغیر علمٍ لا یستلزم تحقّق السؤال...لأنّ النهی عن الشیء لا یستلزم الارتکاب قبلًا...ومن الدلیل علیه قول نوح علیه السلام:«رَبِّ إنّی أعوذُ بِکَ أن أسألَکَ مَا لَیسَ لی بِهِ عِلمٌ»فی الآیه التالیه،ولو کان سأل شیئًا لقال:أعوذ بک من سؤالی ذلک،لیفید المصدر المضاف إلی المفعول التحقّق والارتکاب،راجع تفسیرالمیزان:236/10 و237.

3- (3) یوسف:33. [3]

4- (4) حلیهالأولیاء:345/6 عن أبی هریره وأبی سعید،إتحاف الساده:452/1 [4] نقلًا عن الخطیب.

5- (5) کنزالفوائد:56/1. [5]

6- (6) یقال:لَقِیتُ من فلانٍ عَنْیهً وعَناءً:أی تَعَبًا.(لسان العرب:104/15). [6]

7- (7) الفهق:الامتلاء (الصحاح:1545/4) والمراد به هنا أنّه فتح فاه وامتلأ من الضحک.

8- (8) خار الحَرُّ والرجل یخور خُؤُورهً:ضعف وانکسر،خار الثَور یخُور خُوارًا:صاح (الصحاح:651/2). [7]

#### 2/4 ویژگیهای نادانان

قرآن

و هنگامی که موسی به قوم خود گفت:«خدا به شما فرمان می دهد که ماده گاوی را سر ببرید»،گفتند:«آیا ما را به ریشخند می گیری؟».گفت:«پناه می برم به خدا که [مبادا] از جاهلان باشم».

فرمود:«ای نوح! او در حقیقت از کسان تو نیست؛او [دارای] کرداری ناشایسته است.پس چیزی را که بدان علم نداری،از من مخواه.من به تو اندرز می دهم که مبادا از نادانان باشی».

[یوسف] گفت:«پروردگارا ! زندان برای من دوست داشتنی تر است از آنچه مرا به آن می خوانند،و اگر نیرنگ آنان را از من بازنگردانی،به سوی آنان خواهم گرایید و از [جملۀ] نادانان خواهم شد».

ر.ک:بقره:170 و 171،مائده:58،حشر:14.

حدیث

943.پیامبر صلی الله علیه و آله: پروردگارت را اطاعت کن تا خردمند نامیده شوی،و او را نافرمانی مکن که نادان نامیده شوی.

944.پیامبر صلی الله علیه و آله: نادان کسی است که نافرمانی خدا کند،گرچه زیبا چهره و [دارای] موقعیتی بزرگ باشد.

945.پیامبر صلی الله علیه و آله -در پاسخ کسی که از خُلق و خوی نادان پرسیده بود-:اگر با او همنشین شوی،تو را خسته کند و اگر از او کناره گیری کنی،تو را دشنام دهد، اگر چیزی به تو بخشد،منّت گذارد و اگر چیزی را به او ببخشی،ناسپاسی کند؛اگر رازی در اختیارش گذاری،خیانت کند،و اگر رازی در اختیار تو نهد،تو را [به افشای آن] متّهم سازد؛اگر بی نیاز شود،ناسپاسی کند،و سرسخت و خشن باشد،و اگر تنگدست شود،بی پروا نعمتهای خدا را انکار کند؛اگر شاد باشد،زیاده روی کند و طغیان ورزد،و اگر غمین باشد،ناامید گردد؛اگر بخندد،قهقهه زند واگر گریه کند،درهم شکسته شود؛خود را داخل

ص:299

الحَسَنَهِ ما لَیسَ فیکَ،وإن سَخِطَ عَلَیکَ ذَهَبَت مِدحَتُهُ ووَقَعَ مِنَ السّوءِ ما لَیسَ فیکَ،فَهذا مَجرَی الجاهِلِ [(1)](#content_note_300_1).

946-عنه صلی الله علیه و آله: الدُّنیا دارُ مَن لا دارَ لَهُ،ومالُ مَن لا مالَ لَهُ،ولَها یَجمَعُ مَن لا عَقلَ لَهُ، وشَهَواتِها یَطلُبُ مَن لا فَهمَ لَهُ،وعَلَیها یُعادی مَن لا عِلمَ لَهُ،وعَلَیها یَحسُدُ مَن لا فِقهَ لَهُ،ولَها یَسعی مَن لا یَقینَ لَهُ [(2)](#content_note_300_2).

947-عنه صلی الله علیه و آله: صِفَهُ الجاهِلِ:أن یَظلِمَ مَن خالَطَهُ،ویَتَعَدّی عَلی مَن هُوَ دونَهُ، ویَتَطاوَلَ عَلی مَن هُوَ فَوقَهُ،کَلامُهُ بِغَیرِ تَدَبُّرٍ،إن تَکَلَّمَ أثِمَ،وإن سَکَتَ سَها،وإن عَرَضَت لَهُ فِتنَهٌ سارَعَ إلَیها فَأَردَتهُ،وإن رَأی فَضیلَهً أعرَضَ وأبطَأَ عَنها،لا یَخافُ ذُنوبَهُ القَدیمَهَ ولا یَرتَدِعُ فیما بَقِیَ مِن عُمُرِهِ مِنَ الذُّنوبِ،یَتَوانی عَنِ البِرِّ ویُبطِئُ عَنهُ،غَیرُ مُکتَرِثٍ لِما فاتَهُ مِن ذلِکَ أو ضَیَّعَهُ.فَتِلکَ عَشرُ خِصالٍ مِن صِفَهِ الجاهِلِ الَّذی حُرِمَ العَقلَ [(3)](#content_note_300_3).

948-عنه صلی الله علیه و آله: سِتُّ خِصالٍ یُعرَفُ فِی الجاهِلِ:الغَضَبُ مِن غَیرِ شَرٍّ،وَالکَلامُ مِن غَیرِ نَفعٍ،وَالعَطِیَّهُ فی غَیرِ مَوضِعِها،وإفشاءُ السِّرِّ،وَالثِّقَهُ بِکُلِّ أحَدٍ، لا یَعرِفُ صَدیقَهُ مِن عَدُوِّهِ [(4)](#content_note_300_4).

949-عنه صلی الله علیه و آله: إنَّ الجاهِلَ لا یَکشِفُ إلّاعَن سَوءَهٍ وإن کانَ حَصیفًا [(5)](#content_note_300_5)ظَریفًا عِندَ النّاسِ [(6)](#content_note_300_6).

950-الإمام علیّ علیه السلام: لا یَجتَرِئُ عَلَی اللّهِ إلّاجاهِلٌ شَقِیٌّ [(7)](#content_note_300_7).

951-عنه علیه السلام: الجاهِلُ مَن أطاعَ هَواهُ فی مَعصِیَهِ رَبِّهِ [(8)](#content_note_300_8).

952-عنه علیه السلام: الجاهِلُ لا یَرعَوی [(9)](#content_note_300_9).

ص:300

1- (1) تحف العقول:18. [1]

2- (2) روضه الواعظین:491، [2]بحار الأنوار:122/73. [3]

3- (3) تحف العقول:29.

4- (4) معدن الجواهر:53؛ [4]شرح نهج البلاغه:453/302/20 عن الإمام علیّ علیه السلام وفیه«شیء»بدل«شرّ»و ص 193/277 نحوه.

5- (5) الحصیف:المحکم العقل (الصحاح:1344/4). [5]

6- (6) المطالب العالیه:2758/17/3،تاریخ بغداد:223/13 [6] کلاهما عن أبی الدرداء وفیه«سوء»بدل«سوءه»و«خصیفًا»بدل«حصیفًا»والظاهر أنّ الأخیر تصحیف.

7- (7) نهج البلاغه:الکتاب 53،خصائص الأئمّه علیهم السلام:123. [7]

8- (8) غرر الحکم:1748،640،1285،1190،3864،391،1240،1967،327،579،1772. [8]

9- (9) غرر الحکم:1748،640،1285،1190،3864،391،1240،1967،327،579،1772. [9]

نیکان می کند،با آنکه خدا را دوست نمی دارد و در رفتارش او را نمی یابد؛از خداوند،حیا نکند و به یاد او نباشد؛اگر او را خشنود کنی،تو را بستاید و آنچه از خوبی ها در تو نیست،به تو نسبت دهد،و اگر ناراضی باشد،ستایش نکند و آنچه از بدی در تو نیست،به تو نسبت دهد؛این روش نادان است.

946.پیامبر صلی الله علیه و آله: دنیا سرای کسی است که سرا ندارد،و ثروت کسی است که ثروت ندارد،و برای دنیا گردآوری کند،آنکه خردمند نیست.شهوتهای دنیایی را طلب کند،آنکه فهمیده نیست،و برای دنیا دشمنی کند،آنکه عالِم نیست،و برای دنیا حسادت ورزد،آنکه فهم ندارد،و برای دنیا تلاش کند،آنکه اهل یقین نیست.

947.پیامبر صلی الله علیه و آله: ویژگی نادان آن است که بر کسی که با او رفت وآمد دارد،ستم می کند؛بر زیردستان،تجاوز روا می دارد؛در برابر بالادستان،گردنکشی می کند؛سخن او بدون اندیشه است؛اگر سخن گوید،گناه کند و اگر خاموش باشد،غفلت ورزد؛اگر فتنه و بحرانی برایش پیش آید،به سویش بشتابد و به دست آن هلاک شود؛و اگر فضیلتی را ببیند،از آن رو گرداند و کُند شود؛از گناهان گذشته اش هراس ندارد و در باقی ماندۀ عمر،از گناهان دست نکشد؛ در کار نیک سُستی کند و کناره گیرد؛و بر خوبی هایی که از دستش رفته یا آنها را ضایع گردانده،اندوهگین نباشد.اینها ده خصلت از ویژگی های نادان است که از نعمت خرد،محروم است.

948.پیامبر صلی الله علیه و آله: شش خصلت در نادان یافت شود:خشم بدون [زمینۀ] بدی،سخنِ بیهوده،بخشش در غیر جایگاهش،آشکار ساختن رازها،اعتماد به هر کس، و دوستش را از دشمنش باز نشناسد.

949.پیامبر صلی الله علیه و آله: نادان تنها بدی ها را آشکار کند،گرچه در میان مردمان،دور اندیش و خوش محضر باشد.

950.امام علی علیه السلام: بر خداوند جرأت نکند،مگر نادان بدبخت.

951.امام علی علیه السلام: نادان،کسی است که در معصیت پروردگارش از هوای نفس فرمان برد.

952.امام علی علیه السلام: نادان،پشیمان نشود و از کار زشت،دست نکشد.

ص:301

953-عنه علیه السلام: الجاهِلُ مَنِ انخَدَعَ لِهَواهُ وغُرورِهِ [(1)](#content_note_302_1).

954-عنه علیه السلام: الجاهِلُ مَن خَدَعَتهُ المَطالِبُ [(2)](#content_note_302_2).

955-عنه علیه السلام: إنَّمَا الجاهِلُ مَنِ استَعبَدَتهُ المَطالِبُ [(3)](#content_note_302_3).

956-عنه علیه السلام: غُرورُ الجاهِلِ بِمُحالاتِ الباطِلِ [(4)](#content_note_302_4).

957-عنه علیه السلام: العاقِلُ یَعتَمِدُ عَلی عَمَلِهِ،الجاهِلُ یَعتَمِدُ عَلی أمَلِهِ [(5)](#content_note_302_5).

958-عنه علیه السلام: الجاهِلُ یَعتَمِدُ عَلی أمَلِهِ،ویُقَصِّرُ فی عَمَلِهِ [(6)](#content_note_302_6).

959-عنه علیه السلام: الجاهِلُ یَمیلُ إلی شِکلِهِ [(7)](#content_note_302_7).

960-عنه علیه السلام: العاقِلُ یَطلُبُ الکَمالَ،الجاهِلُ یَطلُبُ المالَ [(8)](#content_note_302_8).

961-عنه علیه السلام: الجاهِلُ یَستَوحِشُ مِمّا یَأنَسُ بِهِ الحَکیمُ [(9)](#content_note_302_9).

962-عنه علیه السلام: اللِّسانُ مِعیارٌ أطاشَهُ [(10)](#content_note_302_10)الجَهلُ وأرجَحَهُ العَقلُ [(11)](#content_note_302_11).

963-عنه علیه السلام: الجاهِلُ مَنِ استَغَشَّ النَّصیحَ [(12)](#content_note_302_12).

964-عنه علیه السلام: قَد جَهِلَ مَنِ استَنصَحَ أعداءَهُ [(13)](#content_note_302_13).

965-عنه علیه السلام: طاعَهُ الجَهولِ تَدُلُّ عَلَی الجَهلِ [(14)](#content_note_302_14).

966-عنه علیه السلام: طاعَهُ الجَهولِ وکَثرَهُ الفُضولِ تَدُلّانِ عَلَی الجَهلِ [(15)](#content_note_302_15).

967-عنه علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:إثباتُ الحُجَّهِ عَلَی الجاهِلِ سَهلٌ،ولکِنَّ إقرارَهُ بِها صَعبٌ [(16)](#content_note_302_16).

968-عنه علیه السلام -أیضًا-:یَمنَعُ الجاهِلَ أن یَجِدَ ألَمَ الحُمقِ المُستَقِرِّ فی قَلبِهِ ما یَمنَعُ السَّکرانَ أن یَجِدَ مَسَّ الشَّوکَهِ فی یَدِهِ [(17)](#content_note_302_17).

ص:302

1- (1) غرر الحکم:1748،640،1285،1190،3864،391،1240،1967،327،579،1772. [1]

2- (2) غرر الحکم:1748،640،1285،1190،3864،391،1240،1967،327،579،1772. [2]

3- (3) غرر الحکم:1748،640،1285،1190،3864،391،1240،1967،327،579،1772. [3]

4- (4) غرر الحکم:1748،640،1285،1190،3864،391،1240،1967،327،579،1772. [4]

5- (5) غرر الحکم:1748،640،1285،1190،3864،391،1240،1967،327،579،1772. [5]

6- (6) غرر الحکم:1748،640،1285،1190،3864،391،1240،1967،327،579،1772.

7- (7) غرر الحکم:1748،640،1285،1190،3864،391،1240،1967،327،579،1772. [6]

8- (8) غرر الحکم:1748،640،1285،1190،3864،391،1240،1967،327،579،1772. [7]

9- (9) غرر الحکم:1748،640،1285،1190،3864،391،1240،1967،327،579،1772. [8]

10- (10) الطیش:الخِفّه (النهایه:153/3).

11- (11) تحف العقول:207؛ربیع الأبرار:253/4. [9]

12- (12) غرر الحکم:1394،6663،5988،5998. [10]

13- (13) غرر الحکم:1394،6663،5988،5998. [11]

14- (14) غرر الحکم:1394،6663،5988،5998. [12]

15- (15) غرر الحکم:1394،6663،5988،5998. [13]

16- (16) شرح نهج البلاغه:362/294/20 و ص 822/333.

17- (17) شرح نهج البلاغه:362/294/20 و ص 822/333.

953.امام علی علیه السلام: نادان،کسی است که فریفتۀ هوای نفس و فریب آن شود.

954.امام علی علیه السلام: نادان،کسی است که خواسته ها او را فریب دهد.

955.امام علی علیه السلام: همانا نادان،کسی است که خواسته ها او را به بردگی گیرد.

956.امام علی علیه السلام: نادان،فریفتۀ کارهای به دست نیامدنی و بیهوده گردد.

957.امام علی علیه السلام: خردمند،بر تلاش خود تکیه می کند و نادانْ بر آرزوهایش.

958.امام علی علیه السلام: نادان،بر آرزو تکیه می کند و در تلاش و کوششْ کوتاهی می کند.

959.امام علی علیه السلام: نادان به همانند خودْ میل و کشش دارد.

960.امام علی علیه السلام: خردمند،در جستجوی کمال است و نادانْ در پی ثروت.

961.امام علی علیه السلام: نادان از آنچه حکیم و خردمند با آن مأنوس است،وحشت دارد.

962.امام علی علیه السلام: زبان،ترازویی است که نادانی آن را سبک گرداند و خردمندی آن را سنگین کند.

963.امام علی علیه السلام: نادان،کسی است که به خیرخواه،نیرنگ زند.

964.امام علی علیه السلام: آنکه از دشمنانش خیرخواهی کند،نادان است.

965.امام علی علیه السلام: پیروی از نادان،نشانۀ نادانی است.

966.امام علی علیه السلام: پیروی از نادان و زیاده روی های بسیار،بر نادانی دلالت دارد.

967.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:بر نادان دلیل اقامه کردن، آسان است؛امّا اعتراف نادان بدان،سخت است.

968.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:بازمی دارد نادان را از اینکه درد حماقت را در جان خود احساس کند،آنچه بازمی دارد مست را از اینکه فرو رفتن خار را در دست خود،احساس کند.

ص:303

969-عنه علیه السلام: مُعاداهُ الرِّجالِ مِن شِیَمِ الجُهّالِ [(1)](#content_note_304_1).

970-عنه علیه السلام: الجاهِلُ لا یَعرِفُ تَقصیرَهُ،ولا یَقبَلُ مِنَ النَّصیحِ لَهُ [(2)](#content_note_304_2).

971-عنه علیه السلام: الجاهِلُ لا یَعرِفُ العالِمَ؛لِأَنَّهُ لَم یَکُن قَبلُ عالِمًا [(3)](#content_note_304_3).

972-عنه علیه السلام: الجاهِلُ لا یَرتَدِعُ،وبِالمَواعِظِ لا یَنتَفِعُ [(4)](#content_note_304_4).

973-عنه علیه السلام: فِکرُ الجاهِلِ غَوایَهٌ [(5)](#content_note_304_5).

974-عنه علیه السلام: العالِمُ یَنظُرُ بِقَلبِهِ وخاطِرِهِ،الجاهِلُ یَنظُرُ بِعَینِهِ وناظِرِهِ [(6)](#content_note_304_6).

975-عنه علیه السلام: غَضَبُ الجاهِلِ فی قَولِهِ،وغَضَبُ العاقِلِ فی فِعلِهِ [(7)](#content_note_304_7).

976-عنه علیه السلام: رَأیُ الجاهِلِ یُردی [(8)](#content_note_304_8).

977-عنه علیه السلام: ضالَّهُ الجاهِلِ غَیرُ مَوجودَهٍ [(9)](#content_note_304_9).

978-عنه علیه السلام: زُهدُکَ فی راغِبٍ فیکَ نُقصانُ عَقلٍ،ورَغبَتُکَ فی زاهِدٍ فیکَ ذُلُّ نَفسٍ [(10)](#content_note_304_10).

979-عنه علیه السلام: مِن عَدَمِ العَقلِ مُصاحَبَهُ ذَوِی الجَهلِ [(11)](#content_note_304_11).

980-عنه علیه السلام: کَثرَهُ الأَمانی مِن فَسادِ العَقلِ [(12)](#content_note_304_12).

981-عنه علیه السلام: غِنَی العاقِلِ بِعِلمِهِ،غِنَی الجاهِلِ بِمالِهِ [(13)](#content_note_304_13).

982-عنه علیه السلام: ثَروَهُ الجاهِلِ فی مالِهِ وأمَلِهِ [(14)](#content_note_304_14).

983-عنه علیه السلام: إنَّ الجاهِلَ مِن جَهلِهِ فی إغواءٍ،ومِن هَواهُ فی إغراءٍ،فَقَولُهُ سَقیمٌ وفِعلُهُ ذَمیمٌ [(15)](#content_note_304_15).

984-عنه علیه السلام: إنَّ قُلوبَ الجُهّالِ تَستَفِزُّهَا الأَطماعُ،وتَرتَهِنُهَا المُنی،وتَستَعلِقُهَا الخَدائِعُ [(16)](#content_note_304_16).

ص:304

1- (1) غررالحکم:9785، [1]وراجع ص 207 ح 1025 و /1026أجهل الناس.

2- (2) غرر الحکم:1809. [2]

3- (3) غرر الحکم:1780؛ [3]شرح نهج البلاغه:813/332/20.

4- (4) غرر الحکم:1729،6531،1241.

5- (5) غرر الحکم:1729،6531،1241. [4]

6- (6) غرر الحکم:1729،6531،1241. [5]

7- (7) کنزالفوائد:199/1. [6]

8- (8) غرر الحکم:5425،5898. [7]

9- (9) غرر الحکم:5425،5898. [8]

10- (10) بحار الأنوار:28/164/74، [9]نهج البلاغه:الحکمه 451 [10] وفیه«نُقصان حظٍّ»بدل«نُقصان عقلٍ».

11- (11) غرر الحکم:9299،7093،(6381 و 6382)، [11]4709،3548.

12- (12) غرر الحکم:9299،7093،(6381 و 6382)، [12]4709،3548.

13- (13) غرر الحکم:9299،7093،(6381 و 6382)، [13]4709،3548.

14- (14) غرر الحکم:9299،7093،(6381 و 6382)، [14]4709،3548.

15- (15) غرر الحکم:9299،7093،(6381 و 6382)، [15]4709،3548.

16- (16) الکافی:16/23/1 [16] عن السکونی عن الإمام الصادق عن أبیه علیهما السلام،تحف العقول:219،الجعفریّات:240 [17] وفیه«تشتغل بالخدایع»عن الإمام الصادق عن آبائه عنه علیهم السلام.

969.امام علی علیه السلام: دشمنی با مردمان،خصلت نادانان است.

970.امام علی علیه السلام: نادان،کوتاهی خود را نمی شناسد و از خیرخواهش نمی پذیرد.

971.امام علی علیه السلام: نادان،دانشمند را نمی شناسد؛زیرا پیش از آن عالم نبوده است.

972.امام علی علیه السلام: نادان،باز نمی ایستد و از پندها بهره نمی گیرد.

973.امام علی علیه السلام: اندیشۀ نادان،گمراهی است.

974.امام علی علیه السلام: عالم،با دل و حافظه اش می نگرد و نادان،با چشم و دیده اش.

975.امام علی علیه السلام: خشم نادانْ در سخن اوست و خشمِ خردمند،در رفتارش.

976.امام علی علیه السلام: اندیشه و رأی نادان،نابود گرداند.

977.امام علی علیه السلام: گمشدۀ نادان،وجود ندارد.

978.امام علی علیه السلام: کناره گیری ات از کسی که به تو میل دارد،کم خردی است و میل تو به کسی که از تو کناره می گیرد،خواری نفْس است.

979.امام علی علیه السلام: همنشینی با نادانان از بی عقلی است.

980.امام علی علیه السلام: آرزوهای بسیار،از تباهی خرد است.

981.امام علی علیه السلام: سرمایۀ خردمند،دانش او است و سرمایه نادان،ثروت او.

982.امام علی علیه السلام: سرمایۀ نادان در ثروت و آرزوهای اوست.

983.امام علی علیه السلام: نادان از روی نادانی در گمراه کردن است و از روی هوا در فریب است.از اینرو،گفتار او بیمار و رفتارش نکوهیده است.

984.امام علی علیه السلام: دلهای نادانان را آزمندی ها برانگیزد و آرزوها،آنان را در گرو گیرد، و نیرنگها آنها را بستۀ خود سازد.

ص:305

985-عنه علیه السلام: أیُّهَا النّاسُ،اِعلَموا أنَّهُ لَیسَ بِعاقِلٍ مَنِ انزَعَجَ مِن قَولِ الزّورِ فیهِ،ولا بِحَکیمٍ مَن رَضِیَ بِثَناءِ الجاهِلِ عَلَیهِ،النّاسُ أبناءُ ما یُحسِنونَ،وقَدرُ کُلِّ امرِیً ما یُحسِنُ،فَتَکَلَّموا فِی العِلمِ تَبَیَّن أقدارُکُم [(1)](#content_note_306_1).

986-عنه علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:الجاهِلُ یَذُمُّ الدُّنیا ولا یَسخو بِإِخراجِ أقَلِّها،یَمدَحُ الجودَ ویَبخَلُ بِالبَذلِ،یَتَمَنَّی التَّوبَهَ بِطولِ الأَمَلِ ولا یُعَجِّلُها لِخَوفِ حُلولِ الأَجَلِ،یَرجو ثَوابَ عَمَلٍ لَم یَعمَل بِهِ،ویَفِرُّ مِنَ النّاسِ لِیُطلَبَ،ویُخفی شَخصَهُ لِیَشتَهِرَ،ویَذُمُّ نَفسَهُ لِیُمدَحَ،ویَنهی عَن مَدحِهِ وهُوَ یُحِبُّ أن لا یُنتَهی مِنَ الثَّناءِ عَلَیهِ [(2)](#content_note_306_2).

987-الإمام الصادق علیه السلام: مِن أخلاقِ الجاهِلِ الإِجابَهُ قَبلَ أن یَسمَعَ،وَالمُعارَضَهُ قَبلَ أن یَفهَمَ،وَالحُکمُ بِما لا یَعلَمُ [(3)](#content_note_306_3).

988-عنه علیه السلام: العاقِلُ غَفورٌ،وَالجاهِلُ خَتورٌ [(4)](#content_note_306_4)[(5)](#content_note_306_5).

989-عنه علیه السلام -فیما نُسِبَ إلَیهِ فی مِصباحِ الشَّریعَهِ-:أدنی صِفَهِ الجاهِلِ دَعواهُ بِالعِلمِ بِلَا استِحقاقٍ،وأوسَطُهُ الجَهلُ بِالجَهلِ،وأقصاهُ جُحودُهُ [(6)](#content_note_306_6).

990-الإمام الکاظم علیه السلام: تَعَجُّبُ الجاهِلِ مِنَ العاقِلِ أکثَرُ مِن تَعَجُّبِ العاقِلِ مِنَ الجاهِلِ [(7)](#content_note_306_7).

991-الإمام الهادی علیه السلام: الجاهِلُ أسیرُ لِسانِهِ [(8)](#content_note_306_8).

992-عنه علیه السلام: الهُزءُ فُکاهَهُ السُّفَهاءِ،وصِناعَهُ الجُهّالِ [(9)](#content_note_306_9).

993-عیسی علیه السلام: بِحَقٍّ أقولُ لَکُم،إنَّ الحَکیمَ یَعتَبِرُ بِالجاهِلِ،وَالجاهِلُ یَعتَبِرُ بِهَواهُ [(10)](#content_note_306_10).

ص:306

1- (1) الکافی:14/50/1، [1]الاختصاص:1 کلاهما عن ابن عائشه البصری رفعه،تحف العقول:208.

2- (2) شرح نهج البلاغه:670/320/20.

3- (3) الدرّه الباهره:31،أعلام الدین:303. [2]

4- (4) الخترُ:شبیه بالغدر والخدیعه؛وقیل:هو الخدیعه بعینها (لسان العرب:229/4). [3]

5- (5) الکافی:29/27/1 [4] عن مفضّل بن عمر.

6- (6) مصباح الشریعه:427. [5]

7- (7) تحف العقول:414،بحار الأنوار:33/326/78. [6]

8- (8) الدرّه الباهره:41،أعلام الدین:311. [7]

9- (9) الدرّه الباهره:42،أعلام الدین:311 [8] وفیه«الهزل»بدل«الهزء».

10- (10) تحف العقول:511،وراجع ص /203ح 983.

985.امام علی علیه السلام: ای مردم ! بدانید که به راستی خردمند نیست،آنکه از سخن ناروا درباره اش ناراحت گردد،و حکیم و آگاه نیست،کسی که از ستایش نادان خشنود گردد.مردم،فرزند چیزی هستند که به نیکی از عهدۀ انجام آن برمی آیند و منزلت هر شخص به اندازۀ کاری است که به نیکی از عهده اش برمی آید.پس در حوزۀ علم و دانش سخن گویید تا منزلَتتان آشکار گردد.

986.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:نادان،دنیا را مذمّت می کند؛ امّا به بخشیدن کمترین مقدارش تن نمی دهد؛جود را می ستاید و از بخشش،بخل می ورزد؛با آرزوهای طولانی در آرزوی توبه است؛توبه را از ترس آمدن مرگ،جلو نمی اندازد؛به امید پاداش کاری است که انجام نداده است؛از مردم فرار می کند تا طلبش کنند و خود را پنهان می دارد تا مشهور گردد؛خود را سرزنش می کند تا مدحش گویند؛دیگران را از ثناگویی نهی می کند،با آنکه دوست می دارد که ستایش کردن از او ادامه پیدا کند.

987.امام صادق علیه السلام: از نشانه های نادان است:پاسخ گفتن پیش از شنیدن [سؤال] و به نزاع برخاستن،پیش از آنکه بفهمد و داوری کردن در آنچه نمی داند.

988.امام صادق علیه السلام: خردمند،گذشت می کند و نادان،نیرنگ می زند.

989.امام صادق علیه السلام -در سخنی منسوب به ایشان در مصباح الشریعه-:کمترین صفت نادانی،ادّعای دانایی است،بدون آنکه مستحق آن باشد،و بالاتر از آن،ناآگاهی از جهل خویش است،و بالاترینش انکار است.

990.امام کاظم علیه السلام: شگفتی نادان از خردمند،بیشتر از شگفتی خردمند از نادان است.

991.امام هادی علیه السلام: نادان،اسیر زبان خویش است.

992.امام هادی علیه السلام: مسخره کردن،شوخی ابلهان و کار نادانان است.

993.عیسی علیه السلام: به درستی برایتان می گویم:حکیم از نادان پند گیرد و نادان از هوای نفس خود.

ص:307

3/4 کَفی بِذلِکَ جَهلًا

أ:الإِعجابُ بِالرَّأیِ

994-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: کَفی بِالمَرءِ فِقهًا إذا عَبَدَ اللّهَ،وکَفی بِالمَرءِ جَهلًا إذا اعجِبَ بِرَأیِهِ [(1)](#content_note_308_1).

995-الإمام علیّ علیه السلام: حَسبُکَ مِنَ العِلمِ أن تَخشَی اللّهَ،وحَسبُکَ مِنَ الجَهلِ أن تُعجَبَ بِعِلمِکَ [(2)](#content_note_308_2).

ب:الرِّضا عَنِ النَّفسِ

996-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: کَفی بِالمَرءِ عِلمًا أن یَخشَی اللّهَ،وکَفی بِالمَرءِ جَهلًا أن یُعجَبَ بِنَفسِهِ [(3)](#content_note_308_3).

997-الإمام علیّ علیه السلام: کَفی بِالمَرءِ جَهلًا أن یَرضی عَن نَفسِهِ [(4)](#content_note_308_4).

ج:الجَهلُ بِعُیوبِ النَّفسِ

998-الإمام علیّ علیه السلام: کَفی بِالمَرءِ جَهلًا أن یَجهَلَ عُیوبَ نَفسِهِ،ویَطعَنَ عَلَی النّاسِ بِما لا یَستَطیعُ التَّحَوُّلَ عَنهُ [(5)](#content_note_308_5).

999-عنه علیه السلام: کَفی بِالمَرءِ جَهلًا أن یَجهَلَ عَیبَهُ [(6)](#content_note_308_6).

د:الجَهلُ بِقَدرِ النَّفسِ

1000-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: العالِمُ مَن عَرَفَ قَدرَهُ،وکَفی بِالمَرءِ جَهلًا أن لا یَعرِفَ قَدرَهُ [(7)](#content_note_308_7).

ص:308

1- (1) المعجم الأوسط:8698/302/8،حلیه الأولیاء:174/5،الفردوس:4855/284/3 کلّها عن عبداللّه بن عمرو؛جامع الأحادیث للقمّی:110 عن موسی بن إسماعیل عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله.

2- (2) الأمالی للطوسی:78/56 [1] عن سلیمان الغازی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام،تنبیه الخواطر:78/2 [2] وفیه«بعقلک،أو قال:بعلمک».

3- (3) کنزالعمّال:5880/142/3 عن مسروق،جامع بیان العلم:21/1 [3] عن عبداللّه بن عمرو نحوه وفیه«إذا اعجب برأیه».

4- (4) غرر الحکم:7049،7071،7061. [4]

5- (5) غرر الحکم:7049،7071،7061. [5]

6- (6) غرر الحکم:7049،7071،7061. [6]

7- (7) نهج البلاغه:الخطبه 103، [7]إرشاد القلوب:35. [8]

#### 3/4 برای نادانی همین بس

##### الف:خودرأیی

994.پیامبر صلی الله علیه و آله: برای دانایی آدمی،کافی است که بندگیِ خدا کند و برای نادانی،بس است که شیفتۀ رأی خود باشد.

995.امام علی علیه السلام: برای آگاهی تو،همین بس که از خدا بترسی و برای نادانی اتْ همین بس که به دانش خود،خوشبین باشی.

##### ب:از خود راضی بودن

996.پیامبر صلی الله علیه و آله: برای آگاهی آدمی،همین بس که از خدا بترسد،و برای نادانی او، همین بس که از خودْ راضی باشد.

997.امام علی علیه السلام: برای نادانی آدمی،همین بس که از خودْ راضی باشد.

##### ج:نادانی به عیبهای خویش

998.امام علی علیه السلام: برای نادانی آدمی،همین بس که از عیبهای خویش بی خبر باشد و بر مردم طعنه زند،در آنچه که نمی تواند خود را از آن جدا سازد.

999.امام علی علیه السلام: برای نادانی آدمی،همین بس که از عیبهای خود بی خبر باشد.

##### د:نادانی به حدّ خویش

1000.پیامبر صلی الله علیه و آله: آگاه،کسی است که حدّ خود را بشناسد و برای نادانی شخص،همین بس که حدّ خود را نداند.

ص:309

1001-الإمام علیّ علیه السلام: العالِمُ مَن عَرَفَ قَدرَهُ،الجاهِلُ مَن جَهِلَ أمرَهُ [(1)](#content_note_310_1).

1002-عنه علیه السلام: العاقِلُ مَن أحرَزَ أمرَهُ،الجاهِلُ مَن جَهِلَ قَدرَهُ [(2)](#content_note_310_2).

1003-عنه علیه السلام: کَفی بِالمَرءِ جَهلًا أن یَجهَلَ قَدرَهُ [(3)](#content_note_310_3).

1004-عنه علیه السلام -فی بَیانِ الصِّفاتِ اللّازِمَهِ لِکاتِبِ الوالی-:لا یَجهَلُ مَبلَغَ قَدرِ نَفسِهِ فِی الاُمورِ،فَإِنَّ الجاهِلَ بِقَدرِ نَفسِهِ یَکونُ بِقَدرِ غَیرِهِ أجهَلَ [(4)](#content_note_310_4).

1005-عنه علیه السلام: مَن جَهِلَ قَدرَهُ عَدا طَورَهُ [(5)](#content_note_310_5).

ه:مُنافاهُ العِلمِ وَالعَمَلِ

1006-الإمام علیّ علیه السلام: کَفی بِالعالِمِ جَهلًا أن یُنافِیَ عِلمَهُ عَمَلُهُ [(6)](#content_note_310_6).

و:إنکارُ ما یَأتی مِثلَهُ

1007-الإمام علیّ علیه السلام: کَفی بِالمَرءِ جَهلًا أن یُنکِرَ عَلَی النّاسِ ما یَأتی مِثلَهُ [(7)](#content_note_310_7).

1008-لقمان علیه السلام: کَفی بِکَ جَهلًا أن تَنهی عَمّا تَرکَبُ،وکَفی بِکَ عَقلًا أن یَسلَمَ النّاسُ مِن شَرِّکَ [(8)](#content_note_310_8).

ز:رُکوبُ المَناهی [(9)](#content_note_310_9)

1009-الإمام علیّ علیه السلام: کَفی بِالمَرءِ جَهلًا أن یَرتَکِبَ ما نُهِیَ عَنهُ [(10)](#content_note_310_10).

1010-الإمام الکاظم علیه السلام: کَفی بِکَ جَهلًا أن تَرکَبَ ما نُهیتَ عَنهُ [(11)](#content_note_310_11).

ح:إظهارُ کُلِّ ما یَعلَمُ

1011-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: حَسبُکَ مِنَ الکَذِبِ أن تُحَدِّثَ بِکُلِّ ما سَمِعتَ،[ و ] مِنَ الجَهلِ

ص:310

1- (1) غرر الحکم:(1238 و 1239)،( [1]1113 و 1114)،7054.

2- (2) غرر الحکم:(1238 و 1239)،( [2]1113 و 1114)،7054.

3- (3) غرر الحکم:(1238 و 1239)،( [3]1113 و 1114)،7054.

4- (4) نهج البلاغه: [4]الکتاب 53،تحف العقول:139.

5- (5) غرر الحکم:7964،7063،7073. [5]

6- (6) غرر الحکم:7964،7063،7073. [6]

7- (7) غرر الحکم:7964،7063،7073. [7]

8- (8) حلیه الأولیاء:6/6 عن کعب.

9- (9) یمکن دمج هذا العنوان تحت العنوان السابق إن لم یقرأ«نهی»مجهولاً.

10- (10) مطالب السؤول:55؛ [8]بحار الأنوار:64/8/78. [9]

11- (11) الکافی:12/16/1 [10] عن هشام بن الحکم،تحف العقول:386.

1001.امام علی علیه السلام: آگاه،کسی است که حدّ خود را بداند و نادان،کسی است که از خویش بی خبر باشد.

1002.امام علی علیه السلام: خردمند،کسی است که جایگاه خود را بشناسد و نادان،کسی است که حدّ خویش را نداند.

1003.امام علی علیه السلام: برای نادانی،همان بس که آدمیْ حدّ خود را نداند.

1004.امام علی علیه السلام -در بیان ویژگی های کاتب فرمانروا-:بی خبر از جایگاه خویش در کارها نباشد؛زیرا کسی که حدّ خود را نمی داند،از منزلت دیگران بی خبرتر است.

1005.امام علی علیه السلام: آنکه حدّ خود را نشناسد،از مرز خود بگذرد.

ر.ک:ص 313«نادان ترین مردم».

##### ه:تنافی دانش و عمل

1006.امام علی علیه السلام: برای ناآگاهی عالم،همین بس که دانش او با عملش تنافی داشته باشد.

##### و:زشت دانستن آنچه خود،مانندش را انجام می دهد

1007.امام علی علیه السلام: برای نادانی آدمی،همین بس که بر دیگران انکار کند،آنچه را که خود،مانندش را انجام می دهد.

1008.لقمان علیه السلام: برای ناآگاهی ات،همین بس که دیگران را از آنچه خود انجام می دهی، نهی کنی و برای خردمندی ات،همین بس که مردم از بدی تو در امان باشند.

##### ز:انجام گناهان

1009.امام علی علیه السلام: برای نادانی آدمی،همین بس که آنچه را از آن نهی می کند،خود انجام دهد.

1010.امام کاظم علیه السلام: ای هشام!...برای نادانی ات همین بس که انجام دهی،آنچه را که از آن نهی می کنی.

##### ح:اظهار هر آنچه می داند

1011.پیامبر صلی الله علیه و آله: برای دروغگویی،همین بس که هر آنچه می شنوی بر زبان آری،و

ص:311

أن تُظهِرَ کُلَّ ما عَلِمتَ [(1)](#content_note_312_1).

1012-الإمام علیّ علیه السلام: لا تَتَکَلَّم بِکُلِّ ما تَعلَمُ،فَکَفی بِذلِکَ جَهلًا [(2)](#content_note_312_2).

ط:رَدُّ کُلِّ ما یَسمَعُ

1013-الإمام علیّ علیه السلام: لا تَرُدَّ عَلَی النّاسِ کُلَّ ما حَدَّثوکَ بِهِ،فَکَفی بِذلِکَ جَهلًا [(3)](#content_note_312_3).

ی:الاِغتِرارُ بِاللّهِ

1014-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: کَفی بِالاِغتِرارِ بِاللّهِ جَهلًا [(4)](#content_note_312_4).

ک:الضِّحکُ مِن غَیرِ عَجَبٍ

1015-الإمام علیّ علیه السلام: کَفی بِالمَرءِ جَهلًا أن یَضحَکَ مِن غَیرِ عَجَبٍ [(5)](#content_note_312_5).

4/4 أجهَلُ النّاسِ

1016-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: أنقَصُ النّاسِ عَقلًا أخوَفُهُم لِلسُّلطانِ وأطوَعُهُم لَهُ [(6)](#content_note_312_6).

1017-عنه صلی الله علیه و آله: أنقَصُ النّاسِ عَقلًا أطوَعُهُم لِلشَّیطانِ وأعمَلُهُم بِطاعَتِهِ [(7)](#content_note_312_7).

1018-الإمام الصادق علیه السلام: أنقَصُ النّاسِ عَقلًا مَن ظَلَمَ دونَهُ ولَم یَصفَح عَمَّنِ اعتَذَرَ إلَیهِ [(8)](#content_note_312_8).

1019-الإمام علیّ علیه السلام: إنَّ أجهَلَ النّاسِ مَن لَم یَعرِف قَدرَهُ،وکَفی بِالمَرءِ جَهلًا أن لا یَعرِفَ قَدرَهُ [(9)](#content_note_312_9).

1020-عنه علیه السلام: أعظَمُ الجَهلِ جَهلُ الإِنسانِ أمرَ نَفسِهِ [(10)](#content_note_312_10).

ص:312

1- (1) تنبیه الخواطر:122/2، [1]مصباح الشریعه:425 عن الإمام الصادق علیه السلام ولیس فیه صدره.

2- (2) غرر الحکم:10187. [2]

3- (3) نهج البلاغه: [3]الکتاب 69،غرر الحکم:10251 [4] وفیه«حمقًا»بدل«جهلًا».

4- (4) شعب الإیمان:746/472/1 [5] عن عبداللّه؛تحف العقول:364،إرشاد القلوب:106 [6] کلاهما عن الإمام الصادق علیه السلام،تفسیر القمّی:146/2 [7] عن حفص بن غیاث.

5- (5) غرر الحکم:7051. [8]

6- (6) تحف العقول:50.

7- (7) تاریخ بغداد:40/13 [9] عن زید بن علی عن أبیه عن جدّه عن الإمام علیّ علیهم السلام.

8- (8) الدرّه الباهره:31،أعلام الدین:303. [10]

9- (9) تاریخ دمشق:505/42 عن طلیق؛نهج البلاغه:الخطبه 16 و 103، [11]الإرشاد:231/1، [12]الأمالی للطوسی:416/235 [13] عن خالد بن طلیق،دعائم الإسلام:97/1، [14]تنبیه الخواطر:115/2 [15] وفیها ذیله.

10- (10) غرر الحکم:2936. [16]

یکی از نشانه های نادانی آن است که هر آنچه می دانی،اظهار کنی.

1012.امام علی علیه السلام: هر آنچه را می دانی،مگو؛زیرا برای نادانی،همین کفایت می کند.

##### ط:انکار هر آنچه می شنود

1013.امام علی علیه السلام: هر آنچه را مردم به تو گفتند،انکار منما که برای نادانی،همین بس است.

##### ی:فریفتگی به خداوند

1014.پیامبر صلی الله علیه و آله: برای نادانی،همین بس که به خداوند،فریفته شوند.

##### ک:خندۀ بدون شگفتی

1015.امام علی علیه السلام: برای نادانی،همین بس که شخص،بدون شگفتی بخندد.

ر.ک:حدیث 814.

#### 4/4 نادان ترین مردم

1016.پیامبر صلی الله علیه و آله: کم خردترین مردم،کسی است که بیشتر از پادشاهان و حکّام بترسد و بیشتر،از آنان پیروی کند.

1017.پیامبر صلی الله علیه و آله: کم خردترین مردمان،رام ترین آنان در برابر شیطان و عامل ترین آنان نسبت به دستورات وی است.

1018.امام صادق علیه السلام: کم خردترین مردم،کسی است که به زیردستان،ستم روا دارد و از کسی که عذر آورده،نگذرد.

1019.امام علی علیه السلام: نادان ترین مردم،کسی است که اندازۀ خود را نداند و برای نادانی همین بس که آدمی،اندازۀ خویش را نداند.

1020.امام علی علیه السلام: بزرگ ترین نادانی،نادانی انسان به خویش است.

ص:313

1021-عنه علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:أجهَلُ الجُهّالِ مَن عَثَرَ بِحَجَرٍ مَرَّتَینِ [(1)](#content_note_314_1).

1022-عنه علیه السلام: أجهَلُ النّاسِ مُسیءٌ مُستَأنِفٌ [(2)](#content_note_314_2).

1023-عنه علیه السلام: أجهَلُ النّاسِ المُغتَرُّ بِقَولِ مادِحٍ مُتَمَلِّقٍ،یُحَسِّنُ لَهُ القَبیحَ ویُبَغِّضُ إلَیهِ النَّصیحَ [(3)](#content_note_314_3).

1024-عنه علیه السلام: غایَهُ الجَهلِ تَبَجُّحُ [(4)](#content_note_314_4)المَرءِ بِجَهلِهِ [(5)](#content_note_314_5).

1025-عنه علیه السلام: أعظَمُ الجَهلِ مُعاداهُ القادِرِ،ومُصادَقَهُ الفاجِرِ،وَالثِّقَهُ بِالغادِرِ [(6)](#content_note_314_6).

1026-عنه علیه السلام: رَأسُ الجَهلِ مُعاداهُ النّاسِ [(7)](#content_note_314_7).

1027-عنه علیه السلام: تَکَثُّرُکَ بِما لا یَبقی لَکَ ولا تَبقی لَهُ مِن أعظَمِ الجَهلِ [(8)](#content_note_314_8).

1028-عنه علیه السلام: مَنِ ادَّعی مِنَ العِلمِ غایَتَهُ فَقَد أظهَرَ مِن جَهلِهِ نِهایَتَهُ [(9)](#content_note_314_9).

1029-عنه علیه السلام: مَنِ اصطَنَعَ [(10)](#content_note_314_10)جاهِلًا بَرهَنَ عَن وُفورِ جَهلِهِ [(11)](#content_note_314_11).

1030-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: مَن لَم یَرَ أنَّ للّهِ ِ عِندَهُ نِعمَهً إلّافی مَطعَمٍ ومَشرَبٍ،قَلَّ عِلمُهُ وکَثُرَ جَهلُهُ [(12)](#content_note_314_12).

1031-الإمام علیّ علیه السلام: کَثرَهُ الخَطَاَ تُنذِرُ بِوُفورِ الجَهلِ [(13)](#content_note_314_13).

1032-عنه علیه السلام: رَأسُ الجَهلِ الجَورُ [(14)](#content_note_314_14).

1033-عنه علیه السلام: رَأسُ السُّخفِ العُنفُ [(15)](#content_note_314_15).

ص:314

1- (1) شرح نهج البلاغه:811/332/20.

2- (2) غررالحکم:2938،3262. [1]

3- (3) غررالحکم:2938،3262. [2]

4- (4) یتبجّح:أی یتعظّم ویفتخر (النهایه:96/1).

5- (5) غرر الحکم:6371،3358،5247،4576،9193. [3]

6- (6) غرر الحکم:6371،3358،5247،4576،9193. [4]

7- (7) غرر الحکم:6371،3358،5247،4576،9193. [5]

8- (8) غرر الحکم:6371،3358،5247،4576،9193. [6]

9- (9) غرر الحکم:6371،3358،5247،4576،9193. [7]

10- (10) اصطنعه:اتّخذه،وقوله تعالی:«واصطنعتُک لنفسی»تأویله:اخترتُک لإقامه حجّتی وجعلتُک بینی وبین خلقی.وقال الأزهری:أی ربّیتُک لخاصّه أمری،اصطنعتُ عند فلان صنیعه،واصطنعتُ فلانًا لنفسی،وهو صنیعتی،إذا اصطنعته وخرّجته (لسان العرب:209/8، [8]الصحاح:1246/3). [9]

11- (11) غرر الحکم:8241. [10]

12- (12) أعلام الدین:294، [11]بحار الأنوار:8/172/77 [12] وفیه«قلّ عمله وکبر»بدل«قلّ علمه وکثر»،وراجع تحف العقول:52،مشکاه الأنوار:268.

13- (13) غررالحکم:7092،5238،5240. [13]

14- (14) غررالحکم:7092،5238،5240. [14]

15- (15) غررالحکم:7092،5238،5240. [15]

1021.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:نادان ترینِ نادانان،کسی است که بر یک سنگ،دو بار بلغزد.

1022.امام علی علیه السلام: نادان ترین مردم،بدکارِ تکرار کننده است.

1023.امام علی علیه السلام: نادان ترین مردم،کسی است که فریب سخن ستایشگران چاپلوس را بخورد؛آنکه زشت را برایش زیبا و خیرخواه را دشمن جلوه دهد.

1024.امام علی علیه السلام: نهایت نادانی،آن است که آدمی به نادانی اش فخر کند.

1025.امام علی علیه السلام: بزرگ ترین نادانی،دشمنی با توانمند،دوستی با تبهکار و اعتماد به نیرنگ باز است.

1026.امام علی علیه السلام: اوج نادانی،دشمنی با مردم است.

1027.امام علی علیه السلام: زیاد شمردن خویش به آنچه برایت نمی ماند و تو برای آن نمی مانی،بزرگ ترین نادانی است.

1028.امام علی علیه السلام: آنکه ادّعای [کسب] بالاترین درجۀ دانش را کند،نهایت نادانیِ خویشْ آشکار کرده است.

1029.امام علی علیه السلام: آنکه نادان را به دوستی برگزیند،بر زیادی نادانی اش دلیل آورده است.

1030.پیامبر صلی الله علیه و آله: آنکه نعمت خداوندی را جز در خوراکی و نوشیدنی نبیند،دانشش اندک و نادانی اش بسیار است.

1031.امام علی علیه السلام: خطای بسیار،گویای فراوانی جهل است.

1032.امام علی علیه السلام: اوج نادانی،ستمگری است.

1033.امام علی علیه السلام: اوج سَبُکْ مغزی،خشونت است.

ر.ک:ص 205«خردمندترین انسان»/ص 309«برای نادانی همین بس».

ص:315

الفصل الخامس:أحکامُ الجاهِلِ

1/5 ما یَجِبُ عَلَی الجاهِلِ

أ:التَّعَلُّم

1034-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: مَن لَم یَصبِر عَلی ذُلِّ التَّعَلُّمِ ساعَهً،بَقِیَ فی ذُلِّ الجَهلِ أبَدًا [(1)](#content_note_316_1).

1035-عنه صلی الله علیه و آله: لا یَنبَغی لِلعالِمِ أن یَسکُتَ عَلی عِلمِهِ،ولا یَنبَغی لِلجاهِلِ أن یَسکُتَ عَلی جَهلِهِ،قالَ اللّهُ جَلَّ ذِکرُهُ: فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ [(2)](#content_note_316_2).

1036-الإمام علیّ علیه السلام: قالَ رَجُلٌ:یا رَسولَ اللّهِ،ما یَنفی عَنّی حُجَّهَ الجَهلِ؟قالَ:

العِلمُ،قالَ:فَما یَنفی عَنّی حُجَّهَ العِلمِ؟قالَ:العَمَلُ [(3)](#content_note_316_3).

1037-عنه علیه السلام: اعلَموا أیُّهَا النّاسُ أنَّهُ مَن لَم یَملِک لِسانَهُ یَندَم،ومَن لا یَتَعَلَّم یَجهَل،

ص:316

1- (1) عوالی اللآلی:135/285/1، [1]غرر الحکم:8971 [2] وفیه«مضض التعلیم»بدل«ذلّ التعلّم ساعه».

2- (2) المعجم الأوسط:5365/298/5،الفردوس:7748/139/5 کلاهما عن جابر بن عبداللّه.

3- (3) کنزالعمّال:29361/254/10 نقلًا عن الخطیب فی الجامع عن عبداللّه بن خراش.

### فصل پنجم:وظایف نادان

#### 1/5 آنچه بر نادان واجب است

##### الف:آموزش

1034.پیامبر صلی الله علیه و آله: آنکه ساعتی خواری آموختن را تحمّل نکند،همیشه در خواریِ نادانیْ خواهد ماند.

1035.پیامبر صلی الله علیه و آله: سزاوار نیست که عالم بر دانش خویش،سکوت کند و نادان بر نادانی اش.خداوند بزرگ یاد می فرماید:«پس از دانایان بپرسید،اگر نمی دانید».

1036.امام علی علیه السلام: مردی گفت:«ای رسول خدا! چه چیزی حجّت نادانی را از من دور می کند؟».فرمود:«دانش».گفت:«چه چیز حجّت دانش را دور می سازد؟».

فرمود:«عمل کردن».

1037.امام علی علیه السلام: ای مردم! بدانید هرکه زبانش را کنترل نکند،پشیمان شود،و هرکه

ص:317

ومَن لا یَتَحَلَّم لا یَحلُم [(1)](#content_note_318_1).

1038-عنه علیه السلام: مَن لَم یَتَعَلَّم لَم یَعلَم [(2)](#content_note_318_2).

1039-عنه علیه السلام: لا یَستَحیِ الجاهِلُ إذا لَم یَعلَم أن یَتَعَلَّمَ [(3)](#content_note_318_3).

1040-عنه علیه السلام: لا یَستَنکِفَنَّ مَن لَم یَکُن یَعلَمُ أن یَتَعَلَّمَ [(4)](#content_note_318_4).

1041-عنه علیه السلام: عِلَّهُ الجَهلِ تُعرَضُ عَلَی العالِمِ [(5)](#content_note_318_5).

1042-عنه علیه السلام: لَولا خَمسُ خِصالٍ لَصارَ النّاسُ کُلُّهُم صالِحینَ:أوَّلُهَا القَناعَهُ بِالجَهلِ،وَالحِرصُ عَلَی الدُّنیا،وَالشُّحُّ بِالفَضلِ،وَالرِّیاءُ فِی العَمَلِ، وَالإِعجابُ بِالرَّأیِ [(6)](#content_note_318_6).

1043-اِبنُ جُرَیْجٍ: کانَ مُحَمَّدُ بنُ الحَنَفِیَّهِ رضی الله عنه یَحمِلُ رایَهَ أبیهِ علیه السلام یَومَ الجَمَلِ،ورَأی مِنهُ بَعضَ النُّکوصِ [(7)](#content_note_318_7)فَأَخَذَ الرّایَهَ مِنهُ،قالَ مُحَمَّدٌ رضی الله عنه:فَأَدرَکتُهُ وعالَجتُهُ عَلی أن یَرُدَّها فَأَبی عَلَیَّ طَویلًا،ثُمَّ رَدَّها وقالَ:خُذها وأحسِن حَملَها وتَوَسَّط أصحابَکَ ولا تَخفِض عالِیَها،وَاجعَلها مُستَشرِفَهً یَراها أصحابُکَ.فَفَعَلتُ ما قالَ لی،فَقالَ عَمّارُ بنُ یاسِرٍ:یا أبَا القاسِمِ،ما أحسَنَ ما حَمَلتَ الرّایَهَ الیَومَ ! فَقالَ لَهُ أمیرُ المُؤمِنینَ علیه السلام:«بَعدَ ماذا !!».

فَقالَ عَمّارٌ:مَا العِلمُ إلّابِالتَّعَلُّمِ [(8)](#content_note_318_8).

1044-الإمام زین العابدین علیه السلام: إنَّ اللّهَ أوحی إلی دانِیالَ:عَبدی دانِیالُ...إنَّ أحَبَّ عَبیدی إلَیَّ التَّقِیُّ الطّالِبُ لِلثَّوابِ الجَزیلِ،اللّازِمُ لِلعُلَماءِ،التّابِعُ لِلحُکَماءِ،القابِلُ عَنِ الحُکَماءِ،وإنّی خَلَقتُ عامَّهَ النّاسِ مِن جَهلٍ [(9)](#content_note_318_9).

1045-الإمام الباقر علیه السلام -فی خُطبَهِ أبی ذَرٍّ-:یا جاهِلُ تَعَلَّم،فَإِنَّ قَلبًا لَیسَ فیهِ شَیءٌ

ص:318

1- (1) تحف العقول:94،الکافی:4/20/8 [1] عن جابر بن یزید عن الإمام الباقر علیه السلام،وفیه«لا یعلم»بدل«لا یتعلّم».

2- (2) غرر الحکم:8184. [2]

3- (3) المحاسن:764/358/1 عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن أبیه علیهما السلام،نهج البلاغه:الحکمه 82 وفیه«لا یستحینّ أحد»بدل«لا یستحی الجاهل»،الخصال:96/315 عن الشعبی وفیه«لا یستحیی العالم»بدل«لا یستحی الجاهل»،صحیفه الرضا علیه السلام:178/254،قرب الإسناد:572/156 [3] کلاهما عن الإمام الباقر عنه علیهما السلام نحوه.

4- (4) غرر الحکم:10242. [4]

5- (5) جامع الأخبار:1072/383. [5]

6- (6) المواعظ العددیّه:263.

7- (7) النُّکُوصُ:الإحجام والانقداعُ عن الشیء (لسان العرب:101/7). [6]

8- (8) الجمل:361. [7]

9- (9) جامع الأحادیث للقمّی:198.

نیاموزد،نادان شود،و هرکه خود را به حلم وا ندارد،بردبار نشود.

1038.امام علی علیه السلام: آنکه نیاموزد،نداند.

1039.امام علی علیه السلام: نادان حیا نمی کند که اگر نمی داند،بیاموزد.

1040.امام علی علیه السلام: آنکه نمی داند،از آموختن سرباز نزد.

1041.امام علی علیه السلام: بیماری نادانی بر دانا عرضه می شود.

1042.امام علی علیه السلام: اگر پنج خصلت نبود،همۀ مردم جزوِ صالحان می شدند:قانع بودن به نادانی،آزمندی به دنیا،بخل ورزی به زیادی،ریاکاری در عمل،و خود رأیی.

1043.ابن جریج: محمّد بن حنفیه در جنگ جمل،پرچم پدر [حضرت علی علیه السلام ] را بر دوش داشت.پدر،چون کمی سستی از او دید،پرچم را گرفت.محمّد می گوید:خود را به پدر رساندم و تقاضا کردم.آن را به من بازگرداند زمانی طولانی از بازگرداندن ابا کرد؛پس بازگرداند و فرمود:«آن را بگیر و خوبْ حمل کن؛در میان یارانت قرار گیر و بالای پرچم را پایین میاور و آن را به گونه ای برافراز که همراهانت آن را ببینند».[محمّد گوید:] آنچه را گفت، انجام دادم.پس عمّار یاسر فرمود:«ای ابوالقاسم ! امروز چه نیکو پرچم را حمل کردی».امیرمؤمنان فرمود:«پس از چه؟».عمّار گفت:«دانش،جز با آموختن به دست نیاید».

1044.امام سجاد علیه السلام: خداوند به دانیال وحی فرستاد:«بندۀ من،دانیال!...به راستی، دوست داشتنی ترین بندگان نزد من،پارسای جویندۀ ثواب بیشتر است؛ آنکه همیشه همراه عالمان باشد و از خردمندان پیروی کند و از آنان بپذیرد.

به درستی که بیشتر مردم را از نادانی و جهل آفریدم».

1045.امام باقر علیه السلام -در خطبۀ ابوذر-:ای نادان،بیاموز ! به درستی جانی که در آن

ص:319

مِنَ العِلمِ کَالبَیتِ الخَرابِ الَّذی لا عامِرَ لَهُ [(1)](#content_note_320_1).

1046-منیه المرید: فِی الإِنجیلِ قالَ اللّهُ تَعالی فِی السّورَهِ السّابِعَهَ عَشرَهَ مِنهُ:وَیلٌ لِمَن سَمِعَ بِالعِلمِ ولَم یَطلُبهُ کَیفَ یُحشَرُ مَعَ الجُهّالِ إلَی النّارِ؟! اطلُبُوا العِلمَ وتَعَلَّموهُ،فَإِنَّ العِلمَ إن لَم یُسعِدکُم لَم یُشقِکُم،وإن لَم یَرفَعکُم لَم یَضَعکُم، وإن لَم یُغنِکُم لَم یُفقِرکُم،وإن لَم یَنفَعکُم لَم یَضُرَّکُم [(2)](#content_note_320_2).

ب:التَّوبَه

1047-الإمام علیّ علیه السلام: مَن لَم یَرتَدِع یَجهَل [(3)](#content_note_320_3).

1048-الإمام زین العابدین علیه السلام -فی دُعائِهِ-:اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجعَلنا مِنَ الَّذینَ اشتَغَلوا بِالذِّکرِ عَنِ الشَّهَواتِ،وخالَفوا دَواعِیَ العِزَّهِ بِواضِحاتِ المَعرِفَهِ،وقَطَعوا أستارَ نارِ الشَّهَواتِ بِنَضحِ ماءِ التَّوبَهِ، وغَسَلوا أوعِیَهَ الجَهلِ بِصَفوِ ماءِ الحَیاهِ [(4)](#content_note_320_4).

ج:التَّقوی

1049-الإمام الباقر علیه السلام: إنَّ اللّهَ عز و جل یَقی بِالتَّقوی عَنِ العَبدِ ما عَزَبَ عَنهُ عَقلُهُ،ویُجلی بِالتَّقوی عَنهُ عَماهُ وجَهلَهُ [(5)](#content_note_320_5).

د:الوُقوفُ عِندَ الشُّبهَهِ

1050-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: یا عَلِیُّ،مِن صِفاتِ المُؤمِنِ أن یَکونَ...بَرِیًّا مِنَ المُحَرَّماتِ، واقِفًا عِندَ الشُّبُهاتِ [(6)](#content_note_320_6).

1051-الإمام علیّ علیه السلام: أصلُ الحَزمِ الوُقوفُ عِندَ الشُّبهَهِ [(7)](#content_note_320_7).

ص:320

1- (1) الأمالی للطوسی:1165/543 [1] عن مسعده بن زیاد الربعی عن الإمام الصادق علیه السلام،المحاسن:759/357/1 عن أبی بصیر،تنبیه الخواطر:69/2. [2]

2- (2) منیه المرید:120. [3]

3- (3) غرر الحکم:8187. [4]

4- (4) بحار الأنوار:19/127/94 [5] نقلًا عن الکتاب العتیق للغروی.

5- (5) الکافی:16/52/8 [6] عن یزید بن عبداللّه عمّن حدّثه.

6- (6) التمحیص:171/74.

7- (7) تحف العقول:214.

دانش نیست،مانند سرای خرابی است که آباد کننده ندارد.

1046.منیه المرید: در انجیل آمده که خداوند متعال در هفدهمین سورۀ آن فرمود:

«وای بر کسی که دانش به گوشش رسد و آن را نجوید! چگونه همراه نادانان به سوی آتش محشور گردد؟دانش بجویید و آن را بیاموزید؛زیرا دانش،اگر شما را خوشبخت نکند،بدبخت نخواهد کرد؛اگر شما را بلند نگرداند،پست نکند؛اگر شما را بی نیاز نکند،تنگدست نخواهد ساخت؛و اگر به شما سود نرساند،زیان نرساند».

##### ب:توبه و بازگشت

1047.امام علی علیه السلام: هرکه [از گناهان] باز نایستد،نادانی می کند.

1048.امام سجاد علیه السلام -در دعایش-:بار خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که به جای شهوات به یاد تو مشغول اند،و با انگیزه های نخوت و تکبر با معرفت روشن به مخالفت برخاستند و پرده های آتش شهوت را با پاشیدن آب توبه،پاره کردند و ظرفهای نادانی را با آب خالص زندگی، شستشو دادند.

##### ج:تقوا

1049.امام باقر علیه السلام: خداوند بزرگ به سببِ تقوا،آنچه را از چشمِ خِرد بنده دور ماند، نگه دارد و با تقوا،کوری و نادانی را از او دور گرداند.

##### د:توقّف به هنگام شبهه

1050.پیامبر صلی الله علیه و آله: ای علی ! از ویژگی های مؤمن،آن است که...از محرّمات به دور باشد و در امور شبهه ناک،درنگ کند.

1051.امام علی علیه السلام: پایۀ دوراندیشی،درنگ در برابر امور شبهه ناک است.

ص:321

1052-عنه علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:أفضَلُ العِبادَهِ الإِمساکُ عَنِ المَعصِیَهِ وَالوُقوفُ عِندَ الشُّبهَهِ [(1)](#content_note_322_1).

1053-عنه علیه السلام: لا وَرَعَ کَالوُقوفِ عِندَ الشُّبهَهِ [(2)](#content_note_322_2).

1054-عنه علیه السلام: أفضَلُ الحَقِّ وُقوفُ الرَّجُلِ عِندَ عِلمِهِ [(3)](#content_note_322_3).

1055-عنه علیه السلام -فی وَصِیَّتِهِ لِابنِهِ الحَسَنِ علیه السلام عِندَ الوَفاهِ-:اُوصیکَ یا بُنَیَّ بِالصَّلاهِ عِندَ وَقتِها،وَالزَّکاهِ فی أهلِها عِندَ مَحَلِّها،وَالصَّمتِ عِندَ الشُّبهَهِ [(4)](#content_note_322_4).

1056-عنه علیه السلام: لَو أنَّ العِبادَ حینَ جَهِلوا وَقَفوا لَم یَکفُروا ولَم یَضِلّوا [(5)](#content_note_322_5).

1057-الإمام الصادق علیه السلام: لَو أنَّ العِبادَ إذا جَهِلوا وَقَفوا ولَم یَجحَدوا لَم یَکفُروا [(6)](#content_note_322_6).

1058-الإمام زین العابدین علیه السلام: إن وَضَح لَکَ أمرٌ فَاقبَلهُ،وإلّا فَاسکُت تَسلَم،ورُدَّ عِلمَهُ إلَی اللّهِ،فَإِنَّکَ فی أوسَعَ مِمّا بَینَ السَّماءِ وَالأَرضِ [(7)](#content_note_322_7).

1059-الإمام الباقر علیه السلام: الوُقوفُ عِندَ الشُّبهَهِ خَیرٌ مِنَ الاِقتِحامِ فِی الهَلَکَهِ،وتَرکُکَ حَدیثًا لَم تَروِهِ خَیرٌ مِن رِوایَتِکَ حَدیثًا لَم تُحصِهِ [(8)](#content_note_322_8).

1060-عنه علیه السلام: إنَّ اللّهَ عز و جل أحَلَّ حَلالًا،وحَرَّمَ حَرامًا،وفَرَضَ فَرائِضَ،وضَرَبَ أمثالًا،وسَنَّ سُنَنًا...فَإِن کُنتَ عَلی بَیِّنَهٍ مِن رَبِّکَ ویَقینٍ مِن أمرِکَ وتِبیانٍ مِن شَأنِکَ،فَشَأنُکَ،وإلّا فَلا تَرومَنَّ [(9)](#content_note_322_9)أمرًا أنتَ مِنهُ فی شَکٍّ وشُبهَهٍ [(10)](#content_note_322_10).

1061-زُرارَهُ بنُ أعیَنَ: سَأَلتُ أبا جَعفَرٍ علیه السلام:ما حَقُّ اللّهِ عَلَی العِبادِ؟قالَ:أن یَقولوا ما یَعلَمونَ،ویَقِفوا عِندَ ما لا یَعلَمونَ [(11)](#content_note_322_11).

1062-هِشامُ بنُ سالِمٍ: قُلتُ لِأَبی عَبدِاللّهِ علیه السلام:ما حَقُّ اللّهِ عَلی خَلقِهِ؟فَقالَ:أن یَقولوا

ص:322

1- (1) شرح نهج البلاغه:849/336/20.

2- (2) نهج البلاغه:الحکمه 113. [1]

3- (3) مطالب السؤول:50.

4- (4) الأمالی للمفید:1/221.

5- (5) غررالحکم:7582. [2]

6- (6) الکافی:19/388/2، [3]المحاسن:700/340/1 [4] عن الإمام الباقر علیه السلام وفیه«...وقفوا،لم یجحدوا ولم یکفروا»وکلاهما عن زراره.

7- (7) کتاب سُلیم بن قیس:561/2 عن أبان بن أبی عیّاش.

8- (8) الکافی:9/50/1، [5]المحاسن:699/340/1 [6] عن أحدهما علیهما السلام وکلاهما عن أبی سعید الزهری،تفسیر العیّاشی:150/115/2 [7] عن عبد الأعلی عن الإمام الصادق [8]علیه السلام وفیه«لم تحفظ»بدل«لم تروه»،الفقیه:3233/11/3،الاحتجاج:232/263/2 [9] کلاهما عن عمر بن حنظله عن الإمام الصادق علیه السلام،الزهد للحسین بن سعید:41/19 [10] عن أبی شیبه عن أحدهما علیهما السلام وفی الثلاثه الأخیره صدره،بحارالأنوار:7/259/2. [11]

9- (9) رام الشیء:طلبه (لسان العرب:258/12).

10- (10) الکافی:16/357/1 [12] عن موسی بن بکر بن داب عمّن حدّثه.

11- (11) الکافی:7/43/1، [13]منیه المرید:215، [14]التوحید:27/459 وفیه«ما حجّه اللّه علی العباد»بدل«ما حقّ اللّه علی العباد».

1052.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:برترین عبادت،خود نگه داری از گناه و ایستادن،هنگام برخورد با امور شبهه ناک است.

1053.امام علی علیه السلام: هیچ تقوایی،مانند درنگ در امور شبهه ناک نیست.

1054.امام علی علیه السلام: بالاترین حقّ،ایستادن آدمی در همان جایی است که بدان علم دارد.

1055.امام علی علیه السلام -در سفارش به فرزندش حسن هنگام مرگ-:پسرم ! تو را به گزاردن نماز در وقتش،دادن زکات به اهلش و در جایش،و به سکوت در امور شبهه ناک،سفارش می کنم.

1056.امام علی علیه السلام: اگر بندگان به هنگام ندانستن،درنگ می کردند،نه کافر می شدند و نه گمراه.

1057.امام صادق علیه السلام: اگر بندگان به هنگام ندانستن،درنگ می کردند و منکر نمی شدند،کفر نمی ورزیدند.

1058.امام سجاد علیه السلام: اگر امری برایت آشکار شد،آن را بپذیر،و گرنه سکوت کن تا سالم بمانی و دانش آن را به خداوند بسپار؛زیرا تو در وسعتی بیش از میان آسمان و زمینی.

1059.امام باقر علیه السلام: درنگ به هنگام شبهه،از فرو غلتیدن در هلاکت بهتر است و رها کردن حدیثی که خودْ آن را روایت نکرده ای،بهتر است از روایت حدیثی که حدود آن را احصا نکرده ای.

1060.امام باقر علیه السلام: به راستی که خداوندِ عزّوجلّ،اموری را حلال و اموری دیگر را حرام کرد؛کارهایی را واجب ساخت و مَثَلهایی را بیان نمود و سنّتهایی را پایه گذاری کرد...اگر بیّنه ای از سوی خداوند داری و به کارت یقین داری،و امورت روشن است،[دنبال کن]،و گرنه دنبال امر شبهه ناک مرو.

1061.زراره بن اعین: از امام باقر علیه السلام پرسیدم:«حقّ خداوند بر بندگان چیست؟».

فرمود:«بر زبان آورند،آنچه می دانند و آنجا که نمی دانند،درنگ کنند».

1062.هشام بن سالم :به امام صادق علیه السلام گفتم:«حقّ خداوند بر بندگان چیست؟».

ص:323

ما یَعلَمونَ،ویَکُفّوا عَمّا لا یَعلَمونَ،فَإِذا فَعَلوا ذلِکَ فَقَد أدَّوا إلَی اللّهِ حَقَّهُ [(1)](#content_note_324_1).

1063-الإمام الصادق علیه السلام: الصَّمتُ کَنزٌ وافِرٌ،وزَینُ الحَلیمِ،وسِترُ الجاهِلِ [(2)](#content_note_324_2).

ه:الاِعتِرافُ بِالجَهلِ

1064-الإمام علیّ علیه السلام: غایَهُ العَقلِ الاِعتِرافُ بِالجَهلِ [(3)](#content_note_324_3).

1065-عنه علیه السلام: إنَّ الدُّنیا لَم تَکُن لِتَستَقِرَّ إلّاعَلی ما جَعَلَهَا اللّهُ عَلَیهِ مِنَ النَّعماءِ وَالاِبتِلاءِ وَالجَزاءِ فِی المَعادِ أو ما شاءَ مِمّا لا تَعلَمُ،فَإِن أشکَلَ عَلَیکَ شَیءٌ مِن ذلِکَ فَاحمِلهُ عَلی جَهالَتِکَ،فَإِنَّکَ أوَّلُ ما خُلِقتَ بِهِ [(4)](#content_note_324_4)جاهِلًا ثُمَّ عُلِّمتَ.وما أکثَرَ ما تَجهَلُ مِنَ الأَمرِ ( الاُمورِ ) ویَتَحَیَّرُ فیهِ رَأیُکَ ویَضِلُّ فیهِ بَصَرُکَ ثُمَّ تُبصِرُهُ بَعدَ ذلِکَ ! [(5)](#content_note_324_5)

1066-عنه علیه السلام: اعلَم أنَّ الرّاسِخینَ فِی العِلمِ هُمُ الَّذینَ أغناهُم عَنِ اقتِحامِ السُّدَدِ المَضروبَهِ دونَ الغُیوبِ الإِقرارُ بِجُملَهِ ما جَهِلوا تَفسیرَهُ مِنَ الغَیبِ المَحجوبِ،فَمَدَحَ اللّهُ تَعالَی اعتِرافَهُم بِالعَجزِ عَن تَناوُلِ ما لَم یُحیطوا بِهِ عِلمًا،وسَمّی تَرکَهُمُ التَّعَمُّقَ فیما لَم یُکَلِّفهُمُ البَحثَ عَن کُنهِهِ رُسوخًا [(6)](#content_note_324_6).

1067-الإمام الباقر علیه السلام: ما عَلِمتُم فَقولوا،وما لَم تَعلَموا فَقولوا:«اللّهُ أعلَمُ» [(7)](#content_note_324_7).

و:الاِعتِذارُ مِنَ الجَهلِ

1068-الإمام زین العابدین علیه السلام: اللّهُمَّ إنّی أعتَذِرُ إلَیکَ مِن جَهلی،وأستَوهِبُکَ سوءَ فِعلی [(8)](#content_note_324_8).

ص:324

1- (1) الکافی:12/50/1، [1]وراجع ص 7/43،التوحید:27/459،منیه المرید:215 و ص 282.

2- (2) الفقیه:5843/396/4،الاختصاص:232 عن داود الرقّی.

3- (3) غرر الحکم:6375.

4- (4) الظاهر زیاده«به»کما فی تحف العقول:72.

5- (5) نهج البلاغه: [2]الکتاب 31.

6- (6) نهج البلاغه:الخطبه 91، [3]تفسیر العیّاشی:5/163/1 [4] عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن أبیه عنه علیهم السلام،التوحید:13/55 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عنه علیهما السلام،وفیهما«من الغیب المحجوب فقالوا:آمنّا به کلّ من عند ربّنا...».

7- (7) الکافی:4/42/1، [5]المحاسن:660/327/1 [6] کلاهما عن زیاد بن أبی رجاء،منیه المرید:215. [7]

8- (8) الصحیفه السجّادیه:/126الدعاء 31. [8]

فرمود:آنچه را که می دانند،بر زبان آورند،و از آنچه نمی دانند باز ایستند.

اگر چنین کنند،حقّ خداوند را ادا کرده اند.

1063.امام صادق علیه السلام: سکوت،گنجی فراوان است و [باعث] آرایش بردبار و پوشش نادان.

##### ه:اعتراف به نادانی

1064.امام علی علیه السلام: نهایت خردمندی،اعتراف به نادانی است.

1065.امام علی علیه السلام: دنیا پابرجا نمانده،مگر بر آنچه خدا مقرّر داشته،از نعمتها و آزمایش و پاداش در روز رستاخیز یا بر آنچه او خواسته از آنچه نمی دانی.

پس اگر فهم چیزی از این امور بر تو مشکل شد،آن را بر نادانی خود به آن پندار؛زیرا تو در نخستین بار که آفریده شدی،نادان بودی و سپس دانا شدی؛وچه بسیار است چیزی که تو بدان نادانی و اندیشه ات در آن سرگردان بوده،و بینایی ات در آن سرگردان است و سپس،در آن بینا می شوی.

1066.امام علی علیه السلام: بدان،استواران در دانش،کسانی اند که اقرار و اعتراف به نادانی از تفسیر آنچه که پوشیده و در پرده است،از داخل شدن به درهایی که جلوی پوشیده ها نصب شده،بی نیازشان کرده است.پس خداوند متعال،اعتراف ایشان را به ناتوانی از رسیدن به آنچه در علم بدان احاطه ندارند،ستوده و اندیشه نکردن آنان را در چیزی که بحث از کُنه آن تکلیفشان نیست،رسوخ و استواری نامیده است.

1067.امام باقر علیه السلام: آنچه می دانید،بگویید و آنچه را نمی دانید،بگویید:«خداوند، داناتر است».

##### و:عذرخواهی از نادانی

1068.امام سجاد علیه السلام: بار خدایا! از تو به سبب نادانی ام،عذر می خواهم و نسبت به کارهای زشتم،طلب بخشش دارم.

ص:325

ز:الاِستِعاذَهُ مِنَ الجَهلِ

1069-اُمُّ سَلَمَهَ: إنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله کانَ إذا خَرَجَ مِن بَیتِهِ قالَ:بِسمِ اللّهِ،رَبِّ أعوذُ بِکَ مِن أن أزِلَّ،أو أضِلَّ،أو أظلِمَ أو اظلَمَ،أو أجهَلَ أو یُجهَلَ عَلَیَّ [(1)](#content_note_326_1).

1070-الإمام علیّ علیه السلام -فی دُعائِهِ یَومَ الهَریرِ بِصِفّینَ-:اللّهُمَّ إنّی...أعوذُ بِکَ مِنَ الجَهلِ وَالهَزلِ،ومِن شَرِّ القَولِ وَالفِعلِ [(2)](#content_note_326_2).

1071-عنه علیه السلام: إلهی...أعوذُ بِکَ مِن قُوَّتی،وألوذُ بِکَ مِن جُرأَتی،وأستَجیرُ بِکَ مِن جَهلی،وأتَعَلَّقُ بِعُری أسبابِکَ مِن ذَنبی [(3)](#content_note_326_3).

1072-عنه علیه السلام: أعوذُ بِکَ رَبّی أن أشتَرِیَ الجَهلَ بِالعِلمِ کَمَا اشتَری غَیری،أو السَّفَهَ بِالحِلمِ [(4)](#content_note_326_4).

1073-الإمام الصادق علیه السلام -فی دُعاءِ الصَّباحِ وَالمَساءِ-:اللّهُمَّ بِکَ نُمسی وبِکَ نُصبِحُ، وبِکَ نَحیا،وبِکَ نَموتُ،وإلَیکَ نَصیرُ،وأعوذُ بِکَ مِن أن أذِلَّ أو اذَلَّ،أو أضِلَّ أو اضَلَّ،أو أظلِمَ أو اظلَمَ،أو أجهَلَ أو یُجهَلَ عَلَیَّ [(5)](#content_note_326_5).

1074-عَبدُالرَّحمنِ بنُ سَیابَهَ: أعطانی أبو عَبدِاللّهِ علیه السلام هذَا الدُّعاءَ:«الحَمدُ للّهِ ِ وَلِیِّ الحَمدِ وأهلِهِ ومُنتَهاهُ ومَحَلِّهِ...وأعوذُ بِکَ مِن أن أشتَرِیَ الجَهلَ بِالعِلمِ، وَالجَفاءَ بِالحِلمِ،وَالجَورَ بِالعَدلِ،وَالقَطیعَهَ بِالبِرِّ،وَالجَزَعَ بِالصَّبرِ [(6)](#content_note_326_6).

ح:الاِستِغفارُ مِنَ الجَهلِ

1075-رسول اللّه صلی الله علیه و آله -أنَّهُ کانَ یَدعو-:اللّهُمَّ اغفِر لی خَطیئَتی وجَهلی،وإسرافی فی أمری،وما أنتَ أعلَمُ بِهِ مِنّی،اللّهُمَّ اغفِر لی هَزلی وجِدّی وخَطایایَ

ص:326

1- (1) سنن النسائی:268/8،سنن ابن ماجه:3884/1278/2،مسند ابن حنبل:26766/220/10. [1]

2- (2) مهج الدعوات:132 [2] عن محمّد بن النعمان الأحول عن الإمام الصادق علیه السلام.

3- (3) بحار الأنوار:56/246/87 [3] نقلًا عن کتاب اختیار ابن الباقی.

4- (4) مهج الدعوات:126، [4]مستدرک الوسائل:12556/111/11. [5]

5- (5) الفقیه:982/337/1 عن عمّار بن موسی.

6- (6) الکافی:590/2 و ص 31/592، [6]وراجع مصباح المتهجّد:277. [7]

##### ز:به خدا پناه بردن از نادانی

1069.ام سلمه: هر گاه رسول خدا از خانه بیرون می رفت،می گفت:«به نام خدا؛ پروردگارا! به تو پناه می برم،از اینکه بلغزم یا گمراه شوم،ستم کنم یا مورد ستم واقع شوم،نادان باشم یا چیزی از من پوشیده شود».

1070.امام علی علیه السلام -در جنگ صفین در دعایی در یوم الهریر [یکی از روزهای جنگ که در آن نبرد سختی درگرفت و به یوم الهریر (روز پاس سگها) نامیده شد]-:

بارخدایا! به درستی که من...پناه می برم به تو از نادانی و یاوگی،و از سخن و رفتار زشت.

1071.امام علی علیه السلام: خدایا!...به تو پناه می برم از توانایی ام،و به تو پناهنده می شوم از جسارتم،و از تو پناه می جویم به سبب نادانی ام،و به ریسمان های سببهایت چنگ می زنم،از گناهم.

1072.امام علی علیه السلام: پروردگارا! به تو پناه می برم از اینکه نادانی را به دانش خریداری کنم،چنانکه دیگران کردند،یا اینکه ابلهی را به بردباری بخرم.

1073.امام صادق علیه السلام -در دعای صبح و شام-:بارخدایا! با کمک تو صبح و شام می کنیم،با کمک تو زنده می شویم و می میریم و به سوی تو بازمی گردیم؛و به تو پناه می برم از اینکه خوار شوم یا خوار گردانم،گمراه شوم یا گمراه سازم،ستم کنم یا مورد ستم واقع شوم،ندانم یا از من پوشیده گردد.

1074.عبدالرحمن بن سیابه: امام صادق علیه السلام این دعا را به من [تعلیم] داد:«ستایش، سزاوار خدایی است که صاحبِ ستایش و اهل آن است و نهایت و جایگاه ستایش...و به تو پناه می برم از آنکه نادانی را به دانش،خشونت را به بردباری،ستم را به عدل و انصاف،قطع دوستی را به نیکی به دوستان و بی صبری را به شکیبایی خریداری کنم».

##### ح:طلب آمرزش از نادانی

1075.پیامبر صلی الله علیه و آله -چنین دعا می کرد-:بارخدایا! خطاها و نادانی و زیاده روی در کارهایم و آنچه را تو بدان از من داناتری،بر من ببخشای.بارخدایا! بر من

ص:327

وعَمدی.وکُلُّ ذلِکَ عِندی [(1)](#content_note_328_1).

2/5 ما یَحرُمُ عَلَی الجاهِلِ

أ:القَولُ بِغَیرِ عِلمٍ

الکتاب

وَ تَقُولُونَ بِأَفْواهِکُمْ ما لَیْسَ لَکُمْ بِهِ عِلْمٌ [(2)](#content_note_328_2).

\* الحدیث

1076-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: مَن أفتَی النّاسَ بِغَیرِ عِلمٍ کانَ ما یُفسِدُهُ مِنَ الدّینِ أکثَرَ مِمّا یُصلِحُهُ [(3)](#content_note_328_3).

1077-عنه صلی الله علیه و آله: مَن أفتَی النّاسَ بِغَیرِ عِلمٍ وهُوَ لا یَعلَمُ النّاسِخَ مِنَ المَنسوخِ وَالمُحکَمَ مِنَ المُتَشابِهِ فَقَد هَلَکَ وأهلَکَ [(4)](#content_note_328_4).

1078-عنه صلی الله علیه و آله: مَن أفتَی النّاسَ بِغَیرِ عِلمٍ لَعَنَتهُ مَلائِکَهُ السَّماواتِ وَالأَرضِ [(5)](#content_note_328_5).

1079-عنه صلی الله علیه و آله: مَن افتِی بِفُتیا غَیرَ ثَبتٍ فَإِنَّما إثمُهُ عَلی مَن أفتاهُ [(6)](#content_note_328_6).

1080-الإمام علیّ علیه السلام: لا تُخبِر بِما لَم تُحِط بِهِ عِلمًا [(7)](#content_note_328_7).

1081-عنه علیه السلام: لا تَقولوا بِما لا تَعرِفونَ،فَإِنَّ أکثَرَ الحَقِّ فیما تُنکِرونَ [(8)](#content_note_328_8).

1082-الإمام زین العابدین علیه السلام: اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن...أن نَعضُدَ ظالِمًا...أو نَقولَ فِی العِلمِ بِغَیرِ عِلمٍ [(9)](#content_note_328_9).

1083-الإمام الباقر علیه السلام: مَن أفتَی النّاسَ بِغَیرِ عِلمٍ ولا هُدًی مِنَ اللّهِ لَعَنَتهُ مَلائِکَهُ

ص:328

1- (1) صحیح البخاری:6036/2350/5 عن أبی موسی الأشعری.

2- (2) النور:15. [1]

3- (3) عوالی اللآلی:22/65/4، [2]بحار الأنوار:35/121/2. [3]

4- (4) الکافی:9/43/1 [4] عن ابن شرمه عن الإمام الصادق علیه السلام عن أبیه عن جدّه علیهم السلام،بحار الأنوار:36/121/2. [5]

5- (5) صحیفه الرضا علیه السلام:7/83 عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام،وسائل الشیعه:37/140/18 [6] نقلًا عن الخصال ولم نعثر علیه؛کنزالعمّال:29018/193/10 نقلًا عن ابن عساکر عن الإمام علیّ علیه السلام.

6- (6) سنن ابن ماجه:53/20/1 عن أبی هریره،کنز العمّال:29019/193/10؛منیه المرید:281 [7] نحوه.

7- (7) غرر الحکم:10179. [8]

8- (8) نهج البلاغه:الخطبه 87. [9]

9- (9) الصحیفه السجّادیه:/45الدعاء 8. [10]

ببخشای،شوخی و جِدّم،خطا و عمدم و تمام اینهایی را که مرتکب شده ام.

#### 2/5 آنچه بر نادان حرام است

##### الف:سخن ندانسته

قرآن

با زبانهایتان می گویید،چیزی را که بدان علم نداشتید.

حدیث

1076.پیامبر صلی الله علیه و آله: آنکه ندانسته به مردم فتوا دهد،آنچه را از دین تباه می کند،بیش از آن است که اصلاح می کند.

1077.پیامبر صلی الله علیه و آله: آنکه ندانسته به مردم فتوا دهد،در حالی که ناسخ و منسوخ،و محکم و متشابه را نمی داند،هلاک شود و هلاک گرداند.

1078.پیامبر صلی الله علیه و آله: آنکه ندانسته به مردم فتوا دهد،فرشتگان آسمانها و زمین او را نفرین کنند.

1079.پیامبر صلی الله علیه و آله: آنکه فتوایی تحقیق نشده به وی داده شود،همانا گناهش بر کسی است که فتوا داده است.

1080.امام علی علیه السلام: از آنچه بر آن آگاه نیستی،خبر مده.

1081.امام علی علیه السلام: آنچه را نمی شناسید،بر زبان مرانید؛زیرا بیشترین حقیقت،در چیزی است که انکار می کنید.

1082.امام سجاد علیه السلام: بارخدایا! به تو پناه می برم از اینکه...به ستمگری یاری رسانم...

یا سخنی ندانسته بر زبان آورم.

1083.امام باقر علیه السلام: آنکه به مردم از روی ناآگاهی و بدون هدایتی الهی،فتوا دهد،

ص:329

الرَّحمَهِ ومَلائِکَهُ العَذابِ،ولَحِقَهُ وِزرُ مَن عَمِلَ بِفُتیاهُ [(1)](#content_note_330_1).

ب:إنکارُ ما یَجهَلُ

الکتاب

بَلْ کَذَّبُوا بِما لَمْ یُحِیطُوا بِعِلْمِهِ [(2)](#content_note_330_2).

\* الحدیث

1084-الإمام علیّ علیه السلام -فی وَصِیَّتِهِ لِابنِهِ الحَسَنِ علیه السلام-:إنَّ الجاهِلَ مَن عَدَّ نَفسَهُ بِما جَهِلَ مِن مَعرِفَهِ العِلمِ عالِمًا وبِرَأیِهِ مُکتَفِیًا،فَما یَزالُ لِلعُلَماءِ مُباعِدًا وعَلَیهِم زارِیًا،ولِمَن خالَفَهُ مُخَطِّئًا،ولِما لَم یَعرِف مِنَ الاُمورِ مُضَلِّلًا،فَإِذا وَرَدَ عَلَیهِ مِنَ الاُمورِ ما لَم یَعرِفهُ أنکَرَهُ وکَذَّبَ بِهِ وقالَ بِجَهالَتِهِ:ما أعرِفُ هذا،وما أراهُ کانَ،وما أظُنُّ أن یَکونَ،وأنّی کانَ؟وذلِکَ لِثِقَتِهِ بِرَأیِهِ وقِلَّهِ مَعرِفَتِهِ بِجَهالَتِهِ.

فَما یَنفَکُّ بِما یَری مِمّا یَلتَبِسُ عَلَیهِ رَأیُهُ مِمّا لا یَعرِفُ لِلجَهلِ مُستَفیدًا، ولِلحَقِّ مُنکِرًا،وفِی الجَهالَهِ مُتَحَیِّرًا،وعَن طَلَبِ العِلمِ مُستَکبِرًا [(3)](#content_note_330_3).

1085-عنه علیه السلام: مَن جَهِلَ شَیئًا عاداهُ [(4)](#content_note_330_4).

1086-عنه علیه السلام: قُلتُ أربَعًا أنزَلَ اللّهُ تَعالی تَصدیقی بِها فی کِتابِهِ:قُلتُ:المَرءُمَخبوءٌ تَحتَ لِسانِهِ فَإِذا تَکَلَّمَ ظَهَرَ،فَأَنزَلَ اللّهُ تَعالی وَ لَتَعْرِفَنَّهُمْ فِی لَحْنِ الْقَوْلِ [(5)](#content_note_330_5)، قُلتُ:مَن جَهِلَ شَیئًا عاداهُ،فَأَنزَلَ اللّهُ بَلْ کَذَّبُوا بِما لَمْ یُحِیطُوا بِعِلْمِهِ وَ لَمّا یَأْتِهِمْ تَأْوِیلُهُ ،قُلتُ:قَدرُ-أو قالَ:-قیمَهُ کُلِّ امرِیً ما یُحسِنُ،فَأَنزَلَ اللّهُ فی قِصَّهِ طالوتَ إِنَّ اللّهَ اصْطَفاهُ عَلَیْکُمْ وَ زادَهُ بَسْطَهً فِی الْعِلْمِ

ص:330

1- (1) الکافی:2/409/7 [1] عن أبی عبیده.

2- (2) یونس:39. [2]

3- (3) تحف العقول:73، [3]بحار الأنوار:1/203/77 [4] نقلًا عن کتاب الرسائل للکلینی،وفیه«وفی اللجاجه متجرّیًا»بدل«وفی الجهاله متحیّرًا».

4- (4) کنز الفوائد:182/2. [5]

5- (5) محمّد:30. [6]

فرشتگان رحمت و فرشتگان عذاب،او را نفرین کنند،و عقوبت کسانی که بدان فتوا عمل کنند،به او رسد.

##### ب:انکار آنچه نمی داند

قرآن

بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علمِ آن احاطه نداشتند.

حدیث

1084.امام علی علیه السلام -در سفارش به فرزندش حسن علیه السلام-:به راستی که نادان،کسی است که خود را در آنچه نمی داند،دانا شمرد و به اندیشه و رأی خویش، اکتفا ورزد؛همیشه از عالمان دوری گزیند و آنان را نکوهش کند؛آنکه را با او مخالفت ورزد،خطاکار قلمداد کند و آنچه را از امور نشناسد،گمراه کند؛ پس هر زمان که بر او کاری عرضه شد که آن را نمی شناسد،انکار کند و دروغ شمرَد و از روی نادانی گوید:این را نمی شناسم و گمان نکنم در گذشته وجود داشته یا اینکه در آینده محقّق گردد؛این همه برپایۀ اعتماد به اندیشه و شناخت اندکش به نادانی خویش است،از آنچه بر آن اعتقاد دارد؛ و بر اثر ندانستن به اشتباه عقیده مند شده،جدا نگردد؛از نادانی اش استفاده کند و منکر حقیقت گردد؛در نادانی خویش سرگردان شود و از طلب دانش،سر باز زند.

1085.امام علی علیه السلام: هر کس چیزی را نداند،با آن دشمنی ورزد.

1086.امام علی علیه السلام: چهار چیز گفتم که خداوند در کتابش مرا تصدیق کرد.گفتم:

«آدمی به زیر زبانش پنهان است و هرگاه سخن گوید،آشکار شود»؛پس خداوند این آیه را نازل کرد«آنان را از چگونگی سخن گفتن بشناسی».گفتم:

«آنکه به چیزی جاهل است،با آن دشمنی کند».خداوند فرمود:«بلکه دروغ شمردند،آنچه را به علم او احاطه پیدا نکردند و هنوز تأویلش به آنان نرسیده است».گفتم:«ارزش هر کسی،به کاری است که به نیکی از عهده اش برمی آید».خداوند در داستان طالوت فرمود:«خداوند او را برگزید و او را

ص:331

وَ الْجِسْمِ [(1)](#content_note_332_1)،قُلتُ:القَتلُ یُقِلُّ القَتلَ،فَأَنزَلَ اللّهُ وَ لَکُمْ فِی الْقِصاصِ حَیاهٌ یا أُولِی الْأَلْبابِ [(2)](#content_note_332_2).

1087-عنه علیه السلام: لَو حَدَّثتُکُم ما سَمِعتُ مِن فَمِ أبِی القاسِمِ صلی الله علیه و آله لَخَرَجتُم مِن عِندی وأنتُم تَقولونَ:إنَّ عَلِیًّا مِن أکذَبِ الکَذّابینَ وأفسَقِ الفاسِقینَ،قالَ تَعالی: بَلْ کَذَّبُوا بِما لَمْ یُحِیطُوا بِعِلْمِهِ [(3)](#content_note_332_3).

1088-الإمام الصادق علیه السلام: إنَّ اللّهَ خَصَّ عِبادَهُ بِآیَتَینِ مِن کِتابِهِ:أن لا یَقولوا حَتّی یَعلَموا،ولا یَرُدّوا ما لَم یَعلَموا،وقالَ عَزَّوجَلَّ: أَ لَمْ یُؤْخَذْ عَلَیْهِمْ مِیثاقُ الْکِتابِ أَنْ لا یَقُولُوا عَلَی اللّهِ إِلاَّ الْحَقَّ [(4)](#content_note_332_4)وقالَ: بَلْ کَذَّبُوا بِما لَمْ یُحِیطُوا بِعِلْمِهِ وَ لَمّا یَأْتِهِمْ تَأْوِیلُهُ [(5)](#content_note_332_5).

3/5 ما مُدِحَ مِنَ الجَهلِ

1089-الإمام علیّ علیه السلام: رُبَّ جاهِلٍ نَجاتُهُ جَهلُهُ [(6)](#content_note_332_6).

1090-عنه علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:اِثنانِ یَهونُ عَلَیهِما کُلُّ شَیءٍ:عالِمٌ عَرَفَ العَواقِبَ،وجاهِلٌ یَجهَلُ ما هُوَ فیهِ [(7)](#content_note_332_7).

1091-عنه علیه السلام -أیضًا-:إذا کانَ العَقلُ تِسعَهَ أجزاءٍ احتاجَ إلی جُزءٍ مِن جَهلٍ لِیُقدِمَ بِهِ صاحِبُهُ عَلَی الاُمورِ،فَإِنَّ العاقِلَ أبَدًا مُتَوانٍ [(8)](#content_note_332_8)مُتَرَقِّبٌ مُتَخَوِّفٌ [(9)](#content_note_332_9).

1092-عنه علیه السلام: رُبَّ جَهلٍ أنفَعُ مِن حِلمٍ [(10)](#content_note_332_10).

1093-إبراهیمُ بنُ مُحَمَّدِ بنِ عَرَفَهَ: أنشَدَنی أحمَدُ بنُ یَحیی ثَعلَبُ،وذَکَرَ أنَّهُ لِعَلِیِّ ابنِ

ص:332

1- (1) البقره:247.

2- (2) الأمالی للطوسی:1082/494 [1] عن عبدالعظیم بن عبداللّه الحسنی الرازی عن الإمام الجواد عن آبائه علیهم السلام.

3- (3) ینابیع المودّه:203/3. [2]

4- (4) الأعراف:169. [3]

5- (5) الکافی:8/43/1، [4]الأمالی للصدوق:702/506 [5] کلاهما عن أبی یعقوب بن إسحاق بن عبداللّه وفیه«عیّر»بدل«خصّ»،تفسیر العیّاشی:22/123/2 [6]عن إسحاق بن عبدالعزیز،منیه المرید:216، [7]بصائر الدرجات:2/537 [8] عن أبی یعقوب بن إسحاق بن عبداللّه وفیه«حصر»بدل«خصّ»،بحار الأنوار:3/113/2. [9]

6- (6) غرر الحکم:5301. [10]

7- (7) شرح نهج البلاغه:333/291/20.

8- (8) مُتَوان:أی غیرُ مُهتمٍّ ولا مُحتفِلٍ (المصباح المنیر:673).

9- (9) شرح نهج البلاغه:375/295/20.

10- (10) غرر الحکم:5319. [11]

زیادتی در دانش و جسم بخشید».گفتم:«کُشتن،کُشتن را کَم می کند».

خداوند فرمود:«برای شما در قصاص کردن،زندگی است ای خردمندان!».

1087.امام علی علیه السلام: اگر آنچه را از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم،برایتان بگویم،از نزد من خارج شوید،در حالی که می گویید:به راستی که علی،دروغگوترین دروغگویان و بدکارترین بدکاران است.خداوند متعال فرمود:«بلکه دروغ شمرند،آنچه را به علمش احاطه نداشتند».

1088.امام صادق علیه السلام: خداوند،بندگانش را به دو آیه از کتابش اختصاص داده است:بر زبان نیاورند،آنچه نمی دانند و انکار نکنند،آنچه را نمی دانند؛و خداوند عزّوجلّ فرمود:«آیا از آنان،پیمان کتاب [آسمانی] گرفته نشده که جز به حقّ،نسبت به خدا سخن نگویند»؛و فرمود:«بلکه دروغ شمردند آنچه را که به علمش احاطه پیدا نکردند و تأویلش به آنان نرسید».

ر.ک:ص 289«دشمنی با دانش و دانشمند».

#### 3/5 نادانیِ پسندیده

1089.امام علی علیه السلام: چه بسا نادانی که نجاتش در نادانی اوست.

1090.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:دو گروه،هر چیزی بر آنان آسان است:دانایی که پایان کارها را بداند و نادانی که موقعیت خویش را درک نکند.

1091.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:اگر خرد،نُه قسمت باشد،به یک قسمت نادانی نیاز دارد تا خردمند به کارها اقدام کند؛زیرا خردمند، همیشه سهل انگار و مراقب و ترسان است.

1092.امام علی علیه السلام: چه بسا نادانی یی که از بردباری سودمندتر است.

1093.ابراهیم بن محمّد بن عرفه: احمد بن یحیی ثعلب این شعر را برایم خواند و

ص:333

أبی طالِبٍ علیه السلام:

لَئِن کُنتُ مُحتاجًا إلَی الحلم [(1)](#content_note_334_1)إنَّنی

1094-الإمام الحسین علیه السلام: لَو عَقَلَ النّاسُ وتَصَوَّرُوا المَوتَ بِصورَتِهِ لَخَرِبَتِ الدُّنیا [(2)](#content_note_334_2).

1095-الإمام العسکریّ علیه السلام: لَو عَقَلَ أهلُ الدُّنیا خَرِبَت [(3)](#content_note_334_3).

1096-الإمام الصادق علیه السلام -لِلمُفَضَّلِ بنِ عُمَرَ-:تَأَمَّلِ الآنَ یا مُفَضَّلُ ما سُتِرَ عَنِ الإِنسانِ عِلمُهُ مِن مُدَّهِ حَیاتِهِ؛فَإِنَّهُ لَو عَرَفَ مِقدارَ عُمُرِهِ وکانَ قَصیرَ العُمُرِ لَم یَتَهَنَّأ بِالعَیشِ مَعَ تَرَقُّبِ المَوتِ وتَوَقُّعِهِ لِوَقتٍ قَد عَرَفَهُ،بَل کانَ یَکونُ بِمَنزِلَهِ مَن قَد فَنی مالُهُ أو قارَبَ الفَناءَ فَقَدِ استَشعَرَ الفَقرَ وَالوَجَلَ مِن فَناءِ مالِهِ وخَوفِ الفَقرِ،عَلی أنَّ الَّذی یَدخُلُ عَلَی الإِنسانِ مِن فَناءِ العُمُرِ أعظَمُ مِمّا یَدخُلُ عَلَیهِ مِن فَناءِ المالِ؛لِأَنَّ مَن یَقِلُّ مالُهُ یَأمُلُ أن یُستَخلَفَ مِنهُ فَیَسکُنَ إلی ذلِکَ،ومَن أیقَنَ بِفَناءِ العُمُرِ استَحکَمَ عَلَیهِ الیَأسُ.وإن کانَ طَویلَ العُمُرِ ثُمَّ عَرَفَ ذلِکَ وَثِقَ بِالبَقاءِ وَانهَمَکَ فِی اللَّذّاتِ وَالمَعاصی، وعَمِلَ عَلی أنَّهُ یَبلُغُ مِن ذلِکَ شَهوَتَهُ ثُمَّ یَتوبُ فی آخِرِ عُمُرِهِ،وهذا مَذهَبٌ لا یَرضاهُ اللّهُ مِن عِبادِهِ ولا یَقبَلُهُ...

فَإِن قُلتَ:أوَلَیسَ قَد یُقیمُ الإِنسانُ عَلَی المَعصِیَهِ حینًا ثُمَّ یَتوبُ فَتُقبَلُ تَوبَتُهُ؟!

ص:334

1- (1) فی المصدر«الحکم»ولکن الصحیح ما أثبتناه فی المتن کما رواه فی روضه الواعظین:378. [1]

2- (3) محاضرات الاُدباء ومحاورات الشعراء والبلغاء:458/2؛ [2]إحقاق الحقّ:592/11.

3- (4) الدرّهالباهره:43،نزههالناظر:6/145،أعلام الدین:313، [3]غررالحکم:7574 عن الإمام علیّ علیه السلام.

یادآور شد که از علی بن ابی طالب علیه السلام است:

اگر به بردباری نیاز داشته باشم،به درستی که در پاره ای وقتها به نادانی نیازمندترم.من نادانی را به عنوان دوست و همنشین نمی پسندم؛لیکن برای هنگام نیازمندی آن را می پسندم.مرا مَرکبی است برای بردباری که با بردباری،افسار شده و مَرکبی است برای نادانی که با نادانی،زین شده است.

1094.امام حسین علیه السلام: اگر مردم تعقّل می کردند و مرگ را تصوّر می کردند،دنیا ویرانه می شد.

1095.امام عسکری علیه السلام: اگر همۀ اهل دنیا خردمند می شدند،دنیا ویران می گشت.

1096.امام صادق علیه السلام: ای مفضّل ! بیندیش در آنچه آگاهی اش از آدمی پوشیده شده،از مدت زندگانی اش؛زیرا اگر انسانی از اندازۀ عمرش باخبر می شد و زندگی کوتاهی داشت،با ترس از مرگ که زمانش را می دانست،زندگی ناگوارا بود؛ بلکه مانند کسی می شد که سرمایه اش از کف رفته یا رو به فناست.چنین شخصی،تنگدستی و ترس از کف دادن سرمایه و هراس از تنگدستی را احساس می کرد،با آنکه ناگواری یی که از پایان یافتن عمر به آدمی رسد، بیش از ناگواری نابودی سرمایه است؛چرا که انسانی که ثروتش کم شود، امید جایگزین شدن آن را دارد و با این آرزو،آرامش یابد؛امّا کسی که به نابودی عمر یقین دارد،یأس و نابودی بر او مستولی شود.امّا اگر عمرش طولانی می بود و بدان آگاه می گشت،اعتماد به بقا پیدا می کرد و غرق در لذّتها و گناهان می شد و بر این دیدگاه عمل می کرد که به لذّتهایش می رسد، آن گاه در پایان عمر توبه می کند؛و این روشی است که خداوند،آن را بر بندگان نمی پسندد و نمی پذیرد.

اگر بگویی:آیا چنین نیست که گاه انسان،مدتی معصیت می کند و سپس توبه می کند و توبه اش مقبول می شود؟گوییم:این،از آن روست که شهوت

ص:335

قُلنا:إنَّ ذلِکَ شَیءٌ یَکونُ مِنَ الإِنسانِ لِغَلَبَهِ الشَّهَواتِ وتَرکِهِ مُخالَفَتَها مِن غَیرِ أن یُقَدِّرَها فی نَفسِهِ ویَبنِیَ عَلَیهِ أمرَهُ فَیَصفَحُ اللّهُ عَنهُ ویَتَفَضَّلُ عَلَیهِ بِالمَغفِرَهِ،فَأَمّا مَن قَدَّرَ أمرَهُ عَلی أن یَعصِیَ ما بَدا لَهُ ثُمَّ یَتوبَ آخِرَ ذلِکَ فَإِنَّما یُحاوِلُ خَدیعَهَ مَن لا یُخادَعُ بِأَن یَتَسَلَّفَ التَّلَذُّذَ فِی العاجِلِ ویَعِدَ ویُمَنِّیَ نَفسَهُ التَّوبَهَ فِی الآجِلِ،ولِأَنَّهُ لا یَفی بِما یَعِدُ مِن ذلِکَ فَإِنَّ النُّزوعَ مِنَ التَّرَفُّهِ وَالتَّلَذُّذِ ومُعاناهِ التَّوبَهِ-ولا سِیَّما عِندَ الکِبَرِ وضَعفِ البَدَنِ-أمرٌ صَعبٌ،ولا یُؤمَنُ عَلَی الإِنسانِ مَعَ مُدافَعَتِهِ بِالتَّوبَهِ أن یُرهِقَهُ المَوتُ فَیَخرُجَ مِنَ الدُّنیا غَیرَ تائِبٍ،کَما قَد یَکونُ عَلَی الواحِدِ دَینٌ إلی أجَلٍ وقَد یَقدِرُ عَلی قَضائِهِ،فَلا یَزالُ یُدافِعُ بِذلِکَ حَتّی یَحِلَّ الأَجَلُ وقَد نَفِدَ المالُ فَیَبقَی الدَّینُ قائِمًا عَلَیهِ.فَکانَ خَیرُ الأَشیاءِ لِلإِنسانِ أن یُستَرَ عَنهُ مَبلَغُ عُمُرِهِ،فَیَکونَ طولَ عُمُرِهِ یَتَرَقَّبُ المَوتَ،فَیَترُکَ المَعاصِیَ ویُؤثِرَ العَمَلَ الصّالِحَ.

فَإِن قُلتَ:وها هُوَ الآنَ قَد سُتِرَ عَنهُ مِقدارُ حَیاتِهِ،وصارَ یَتَرَقَّبُ المَوتَ فی کُلِّ ساعَهٍ،یُقارِفُ الفَواحِشَ ویَنتَهِکُ المَحارِمَ !

قُلنا:إنَّ وَجهَ التَّدبیرِ فی هذَا البابِ هُوَ الَّذی جَری عَلَیهِ الأَمرُ فیهِ،فَإِن کانَ الإِنسانُ مَعَ ذلِکَ لا یَرعَوی ولا یَنصَرِفُ عَنِ المَساوی فَإِنَّما ذلِکَ مِن مَرَحِهِ ومِن قَساوَهِ قَلبِهِ لا مِن خَطَاً فِی التَّدبیرِ؛کَما أنَّ الطَّبیبَ قَد یَصِفُ لِلمَریضِ ما یَنتَفِعُ بِهِ،فَإِن کانَ المَریضُ مُخالِفًا لِقَولِ الطَّبیبِ لا یَعمَلُ بِما یَأمُرُهُ ولا یَنتَهی عَمّا یَنهاهُ عَنهُ لَم یَنتَفِع بِصِفَتِهِ،ولَم یَکُنِ الإِساءَهُ فی ذلِکَ لِلطَّبیبِ بَل لِلمَریضِ حَیثُ لَم یَقبَل مِنهُ.ولَئِن کانَ الإِنسانُ مَعَ تَرَقُّبِهِ

ص:336

بر انسان غالب شده است،بدون آنکه با برنامه ریزی انجام دهد و کارش را بر آن بنا کند.از این رو،خداوند گذشت می کند و با آمرزش بر او تفضّل می کند.

امّا کسی که زندگی را بر این بنا نهاده که معصیت کند و در پایان عمر توبه کند؛در پی فریفتنِ کسی است که فریفته نمی شود و تلاش می کند از لذّتهای نقد بهره برد و به خود وعده می دهد که در آینده،توبه خواهد کرد؛ علاوه بر آنکه به وعده وفا نخواهد کرد.زیرا رها شدن از رفاه و لذت و انجام توبه،بویژه در پیری و ناتوانی بدن،امری بس دشوار است.انسان در امان نیست که با پس انداختن توبه،مرگش فرا رسد و بدون توبه از دنیا خارج شود.[این شخص] مانند کسی است که بدهکاری مدت دار بر عهده اوست و قدرت بر ادای دین دارد؛امّا همیشه آن را به تأخیر می اندازد تا زمان پرداخت فرا رسد؛اما سرمایه،از دست رفته و قرض بر گردنش باقی است.

پس برای انسان،بهتر آن است که اندازۀ عمر خود را نداند و در تمام مدت،از مرگ هراس داشته باشد تا از گناهان بپرهیزد و عمل صالح را برگزیند.

اگر گویی:اینک نیز که از مقدار عمر باخبر نیست و از مرگ می هراسد، هر ساعت مرتکب فحشا می شود و دست به گناه می زند؛گوییم:تدبیر درست،همان است که الان جریان دارد.اگر انسان با این تدبیر از گناهان و بدی ها سر باز نمی زند،این از خوشگذرانی و قساوت قلب اوست،نه از خطای در تدبیر؛همان گونه که گاه پزشک،دوایی را برای بیمار تجویز می کند که سودمند است؛اگر بیمار برخلاف دستور پزشک رفتار کند و به امر و نهی او اعتنایی نداشته باشد،از تجویز پزشک،سود نخواهد برد و زیان آن به پزشک برنمی گردد؛بلکه متوجّه بیماری است که سخن او را نپذیرفته است.

ص:337

لِلمَوتِ کُلَّ ساعَهٍ لا یَمتَنِعُ عَنِ المَعاصی فَإِنَّهُ لَو وَثِقَ بِطولِ البَقاءِ کانَ أحری بِأَن یَخرُجَ إلَی الکَبائِرِ الفَظیعَهِ،فَتَرَقُّبُ المَوتِ عَلی کُلِّ حالٍ خَیرٌ لَهُ مِنَ الثِّقَهِ بِالبَقاءِ.ثُمَّ إنَّ تَرَقُّبَ المَوتِ وإن کانَ صِنفٌ مِنَ النّاسِ یَلهَونَ عَنهُ ولا یَتَّعِظونَ بِهِ فَقَد یَتَّعِظُ بِهِ صِنفٌ آخَرُ مِنهُم،ویَنزَعونَ عَنِ المَعاصی، ویُؤثِرونَ العَمَلَ الصّالِحَ،ویَجودونَ بِالأَموالِ وَالعَقائِلِ النَّفیسَهِ فِی الصَّدَقَهِ عَلَی الفُقَراءِ وَالمَساکینِ،فَلَم یَکُن مِنَ العَدلِ أن یُحرَمَ هؤُلاءِ الاِنتِفاعَ بِهذِهِ الخَصلَهِ لِتَضییعِ اولئِکَ حَظَّهُم مِنها [(1)](#content_note_338_1).

4/5 ما یَنبَغی فی مُعاشَرَهِ الجاهِلِ

أ:السَّلامُ عِندَ المُخاطَبَهِ

الکتاب

وَ عِبادُ الرَّحْمنِ الَّذِینَ یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ هَوْناً وَ إِذا خاطَبَهُمُ الْجاهِلُونَ قالُوا سَلاماً [(2)](#content_note_338_2).

وَ إِذا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قالُوا لَنا أَعْمالُنا وَ لَکُمْ أَعْمالُکُمْ سَلامٌ عَلَیْکُمْ لا نَبْتَغِی الْجاهِلِینَ [(3)](#content_note_338_3).

\* الحدیث

1097-النُّعمانُ بنُ مُقَرِّنٍ: سَبَّ رَجُلٌ رَجُلًا عِندَهُ [ صلی الله علیه و آله ] فَجَعَلَ الرَّجُلُ المَسبوبُ یَقولُ:

عَلَیکَ السَّلامُ،قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله:أما إنَّ مَلَکًا بَینَکُما یَذُبُّ عَنکَ کُلَّما

ص:338

1- (1) بحار الأنوار:83/3 [1] فی نقل الخبر المشتهر بتوحید المفضّل بن عمر.

2- (2) الفرقان:63. [2]

3- (3) القصص:55. [3]

اگر آدمی که هر ساعت در انتظار مرگ به سر می برد،از گناهان دست برندارد،در صورتی که به طول زندگانی اطمینان داشته باشد،سزاوارتر است که مرتکب گناهان بزرگ شود.[به هر حال] در انتظار مرگ بودن، برایش بهتر است از اطمینان به بقا در دنیا.از آن گذشته،اگر انتظار مرگ برای دسته ای از مردم،سودمند نباشد و به لهو و لعب مشغول شوند و از آن پند نگیرند،گروهی دیگر پند گیرند و از معاصی،کناره گیری کنند و رفتار صالح را ترجیح دهند و از اموال و اجناس گرانبهای خود،در صدقه بر فقرا و مساکین مصرف کنند.از این رو،عادلانه نیست که این گروه از این فضیلت بهره مند نشوند چون گروهی دیگر بهره مند نمی شوند.

#### 4/5 آنچه در رفتار با نادان شایسته است

##### الف:سلام گفتن به هنگام گفتگو

قرآن

و بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به نرمی گام برمی دارند،و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند،به ملایمت پاسخ می دهند.

و چون لغوی بشنوند،از آن روی برنمی تابند و می گویند:کردارهای ما از آنِ ما و کردارهای شما از آنِ شماست.سلام بر شما ! جویای [مصاحبت] نادانان نیستیم.

حدیث

1097.نعمان بن مقرِّن: مردی،شخصی را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله دشنام می داد و او در جواب می گفت:«بر تو سلام!».پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:«آگاه باشید! فرشته ای در میان شما دو نفر است که از تو دفاع می کند.هرگاه او تو را دشنام می دهد و می گوید:«تو چنینی،بلکه تو سزاوارتری»،و وقتی تو در پاسخ می گویی:«بر

ص:339

یَشتِمُکَ هذا،قالَ لَهُ:بَل أنتَ،وأنتَ أحَقُّ بِهِ،وإذا قالَ لَهُ:عَلَیکَ السَّلامُ قالَ:لا،بَل لَکَ،أنتَ أحَقُّ بِهِ [(1)](#content_note_340_1).

1098-الإمام علیّ علیه السلام -فی وَصفِ أصحابِهِ-:لَو رَأَیتَهُم فی نَهارِهِم إذًا لَرَأَیتَ قَومًا یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ هَوْناً ویَقولونَ لِلنّاسِ حُسنًا، وَ إِذا خاطَبَهُمُ الْجاهِلُونَ قالُوا سَلاماً ، وَ إِذا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا کِراماً [(2)](#content_note_340_2).

1099-الإمام الصادق علیه السلام -فی وَصفِ الشّیعَهِ-:إن خاطَبَهُم جاهِلٌ سَلَّموا،وإن لَجَأَ إلَیهِم ذُو الحاجَهِ مِنهُم رَحِموا،وعِندَ المَوتِ هُم لا یَحزَنونَ [(3)](#content_note_340_3).

1100-الأغانی: کانَ إبراهیمُ [(4)](#content_note_340_4)شَدیدَ الاِنحِرافِ عَن عَلِیِّ بنِ أبی طالِبٍ علیه السلام،فَحَدَّثَ المَأمونَ یَومًا أنَّهُ رَأی عَلِیًّا فِی النَّومِ،فَقالَ لَهُ:مَن أنتَ؟فَأَخبَرَهُ أنَّهُ عَلِیُّ ابنُ أبی طالِبٍ.فَمَشَینا حَتّی جِئنا قَنطَرَهً،فَذَهَبَ یَتَقَدَّمُنی لِعُبورِها فَأَمسَکتُهُ وقُلتُ لَهُ:إنَّما أنتَ رَجُلٌ تَدَّعی هذَا الأَمرَ بِإِمرَهٍ ونَحنُ أحَقُّ بِهِ مِنکَ ! فَما رَأَیتُ لَهُ فِی الجَوابِ بَلاغَهً کَما یوصَفُ عَنهُ.فَقالَ:وأیُّ شَیءٍ قالَ لَکَ؟فَقالَ:ما زادَنی عَلی أن قالَ:سَلامًا سَلامًا.

فَقالَ لَهُ المَأمونُ:قَد وَاللّهِ أجابَکَ أبلَغَ جَوابٍ.قالَ:وکَیفَ؟! قالَ:عَرَّفَکَ أنَّکَ جاهِلٌ لا یُجاوَبُ مِثلُکَ،قالَ اللّهُ عز و جل: وَ إِذا خاطَبَهُمُ الْجاهِلُونَ قالُوا سَلاماً .فَخَجِلَ إبراهیمُ وقالَ:لَیتَنی لَم احَدِّثکَ بِهذَا الحَدیثِ [(5)](#content_note_340_5).

ب:السُّکوتُ عِندَ المُنازَعَهِ

1101-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: إنَّ موسی علیه السلام لَقِیَ الخِضرَ علیه السلام فَقالَ:أوصِنی،فَقالَ الخِضرُ:

یا طالِبَ العِلمِ...یا موسی،تَفَرَّغ لِلعِلمِ إن کُنتَ تُریدُهُ،فَإِنَّمَا العِلمُ لِمَن

ص:340

1- (1) مسند ابن حنبل:23806/191/9. [1]

2- (2) صفات الشیعه:63/120 عن محمّد بن الحنفیّه،بحار الأنوار:132/220/7. [2]

3- (3) تحف العقول:378،مشکاه الأنوار:62 [3] وفیه«لا یجزعون»بدل«یحزنون»مع تقدیم وتأخیر.

4- (4) هو إبراهیم بن المهدی الخلیفه العبّاسی.المکنّی بأبی إسحاق (الأغانی:119/10). [4]

5- (5) الأغانی:157/10؛ [5]المناقب لابن شهرآشوب:270/3. [6]

تو سلام !»،[آن فرشته] می گوید:«نه،بلکه تو سزاوار [سلام و درود] هستی».

1098.امام علی علیه السلام -در وصف یارانش-:اگر در روز،آنان را ببینی،آنها را گروهی خواهی یافت که«به نرمی بر زمین راه می روند»و به نیکی با مردم سخن می گویند«و اگر نادانان با آنان در گفتگو شوند،به ملایمت پاسخ دهند»و«اگر به کاری لغو و بیهوده برخورد کنند به بزرگواری از آن بگذرند».

1099.امام صادق علیه السلام -در وصف شیعیان-:اگر فرد نادانی،آنان را طرف خطاب قرار دهد،به نرمی پاسخ دهند،و اگر نیازمندی به آنان پناه برد،بر او ترحّم کنند، و در هنگام مرگ،غمگین نباشند.

1100.الاغانی: ابراهیم،فرزند خلیفه عباسی،بسیار با امیرمؤمنان دشمن بود.روزی به مأمون گفت که علی علیه السلام را در خواب دیده است و از او پرسیده:«کیستی؟».

جواب داده است که علی بن ابی طالب است.

[ابراهیم گفت:] مقداری راه رفتیم تا به پلی رسیدیم.خواست زودتر از من عبور کند،او را گرفتم و گفتم:«تو ادّعای فرمانروایی داری با آنکه ما شایسته تر بدان هستیم.او در جواب،پاسخی بلیغانه،آن گونه که او را وصف می کنند،نداد».مأمون گفت:«مگر چه پاسخ داد؟».ابراهیم گفت:«چیزی جز سلاماً سلاماً [درود،درود] نگفت».

مأمون گفت:«به خدا سوگند،بلیغ ترین پاسخ را داده است».ابراهیم گفت:

«چطور؟».مأمون گفت:«به تو فهمانده که نادانی و درخور گفتگو نیستی.

خداوند عزّوجلّ فرموده است:«هنگامی که نادانی با آنان گفتگو کند،گویند:

سلام».ابراهیم،شرمنده گشت و گفت:«کاش این قصه را برایت نمی گفتم».

##### ب:سکوت هنگام نزاع و درگیری

1101.پیامبر صلی الله علیه و آله: موسی علیه السلام،خضر علیه السلام را ملاقات کرد و گفت:«مرا پند ده».خضر فرمود:

«ای جویندۀ دانش...ای موسی ! اگر دانش می خواهی خودت را وقف آن ساز؛زیرا دانش،از آنِ کسی است که خود را وقف آن سازد؛از

ص:341

تَفَرَّغَ لَهُ...وأعرِض عَنِ الجُهّالِ،وَاحلُم عَنِ السُّفَهاءِ،فَإِنَّ ذلِکَ فَضلُ الحُلَماءِ وزَینُ العُلَماءِ،إذا شَتَمَکَ الجاهِلُ فَاسکُت عَنهُ سَلَمًا وجانِبهُ حَزمًا،فَإِنَّ ما بَقِیَ مِن جَهلِهِ عَلَیکَ وشَتمِهِ إیّاکَ أکثَرُ [(1)](#content_note_342_1).

1102-الإمام علیّ علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:لا تُنازِع جاهِلًا [(2)](#content_note_342_2).

1103-عنه علیه السلام: لا تُنازِعِ السُّفَهاءَ ولا تَستَهتِر بِالنِّساءِ،فَإِنَّ ذلِکَ یُزری بِالعُقَلاءِ [(3)](#content_note_342_3).

1104-الإمام الباقر علیه السلام: النّاسُ رَجُلانِ:مُؤمِنٌ وجاهِلٌ،فَلا تُؤذِ المُؤمِنَ،ولا تُجَهِّلِ الجاهِلَ فَتَکونَ مِثلَهُ [(4)](#content_note_342_4).

ج:الحِلم

1105-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: ثَلاثٌ مَن لَم یَکُنَّ فیهِ لَم یَتِمَّ لَهُ عَمَلٌ:وَرَعٌ یَحجِزُهُ عَن مَعاصِی اللّهِ،وخُلُقٌ یُداری بِهِ النّاسَ،وحِلمٌ یَرُدُّ بِهِ جَهلَ الجاهِلِ [(5)](#content_note_342_5).

1106-الإمام علیّ علیه السلام: لا تَفضَحوا أنفُسَکُم لِتَشفوا غَیظَکُم،و إن جَهِلَ عَلَیکُم جاهِلٌ فَلیَسَعهُ حِلمُکُم [(6)](#content_note_342_6).

1107-عنه علیه السلام -مِن وَصِیَّتِهِ لِلحَسَنِ علیه السلام-:اُوصیکَ بِمَغفِرَهِ الذَّنبِ،وکَظمِ الغَیظِ،وصِلَهِ الرَّحِمِ،وَالحِلمِ عِندَ الجاهِلِ [(7)](#content_note_342_7).

1108-عنه علیه السلام: احتِمالُ الجاهِلِ صَدَقَهٌ [(8)](#content_note_342_8).

1109-عنه علیه السلام: المُؤمِنُ حَلیمٌ لا یَجهَلُ،وإن جُهِلَ عَلَیهِ یَحلُمُ [(9)](#content_note_342_9).

1110-موسَی بنُ مُحَمَّدٍ المُحارِبیُّ عَن رَجُلٍ:إنَّ المَأمونَ قالَ لَهُ [أیِ الإِمامِ الرِّضا علیه السلام ]:

هَل رُوِّیتَ مِنَ الشِّعرِ شَیئًا؟فَقالَ:قَد رُوِّیتُ مِنهُ الکَثیرَ.فَقالَ:أنشِدنی أحسَنَ ما رُوِّیتَهُ فِی الحِلمِ.فَقالَ علیه السلام:

ص:342

1- (1) منیه المرید:140، [1]بحار الأنوار:18/226/1؛ [2]المعجم الأوسط:6908/78/7 وفیه«فضل الحکماء»بدل«فضل الحلماء»،تاریخ دمشق:414/16،البدایه والنهایه:329/1 [3] کلاهما نحوه وکلّها عن عمر بن الخطّاب،وراجع کنزالعمّال:44176/143/16.

2- (2) شرح نهج البلاغه:39/259/20.

3- (3) غررالحکم:10422. [4]

4- (4) الخصال:57/49 عن أبی حمزه الثمالی.

5- (5) الکافی:1/116/2، [5]المحاسن:13/66/1 [6] کلاهما عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام وفیه«لم یقم»بدل«لم یتمّ»،الفقیه:5762/360/4 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبیه جمیعًا عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله،بحار الأنوار:59/422/71؛ [7]وراجع شعب الإیمان:8423/339/6. [8]

6- (6) غرر الحکم:10240. [9]

7- (7) تحف العقول:222،شرح الأخبار:794/443/2 عن محمّد بن حنیف؛البدایه والنهایه:328/7 ولیس فیه صدره،المناقب للخوارزمی:384 عن محمّد بن الحنفیّه.

8- (8) بحار الأنوار:36/345/57، [10]مدینه المعاجز:350/547/1 [11] نقلًا عن کتاب عیون المعجزات للسیّد المرتضی رحمه الله وکلاهما عن میثم.

9- (9) الکافی:17/235/2 [12] عن إبراهیم الأعجمی عن بعض أصحابنا و ص 1/229 عن عبداللّه بن یونس عن الإمام الصادق عن الإمام علیّ علیهما السلام،تنبیه الخواطر:202/2، [13]أعلام الدین:110 [14] عن إبراهیم العجمی عن بعض أصحابنا عنه علیه السلام.

نادانان کناره گیری کن و در برابر ابلهان،بردبار باش؛زیرا این برای بردباران، فضیلت و برای آگاهان،زینت است؛اگر نادانی تو را دشنام داد،به ملایمت سکوت کن و با دوراندیشی از او دوری کن،زیرا آنچه از نادانی و دشنام برایت باقی مانده،بیشتر است.

1102.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:با نادان،نزاع مکن.

1103.امام علی علیه السلام: با ابلهان،نزاع مکن و دلباختۀ زنان مشو؛زیرا این خصلتها، خردمندان را خوار گرداند.

1104.امام باقر علیه السلام: مردمان دو گروه اند:مؤمن و نادان؛به مؤمن،آزار مرسان و نادان را جاهل مشمار،که مانند او باشی.

##### ج:بردباری

1105.پیامبر صلی الله علیه و آله: سه خصلت است که اگر در کسی نباشد،کاری [درست] از او به انجام نرسد:پرهیزکاری که او را از نافرمانی خداوند،بازدارد؛اخلاق که با مردم، مدارا کند؛و بردباری که با آن،نادانیِ جاهل را پاسخ دهد.

1106.امام علی علیه السلام: خود را رسوا مسازید،بدان جهت که خشم خود را فرو نشانید.اگر نادانی با شما نادانی کرد،بردباری شما باید آن را درپوشاند.

1107.امام علی علیه السلام -در سفارش به امام حسن علیه السلام-:سفارش می کنم تو را به بخشیدن گناهِ [دیگران]،فرو خوردن خشم،ارتباط با خویشاوندان،و بردباری،هنگام برخورد با نادان.

1108.امام علی علیه السلام: تحمّل نادان،صدقه است.

1109.امام علی علیه السلام: مؤمن،بردبار است و نادانی نکند،و اگر با نادانی با او رفتار شود، بردباری به خرج دهد.

1110.موسی بن محمّد محاربی از مردی نقل می کند:مأمون به امام رضا علیه السلام گفت:«آیا شعر نقل می کنی؟».فرمود:«بسیار در خاطر دارم».گفت:«بهترین شعری که در بارۀ بردباری،در خاطر داری،بیان کن».امام رضا علیه السلام فرمود:«اگر به

ص:343

إذا کانَ دونی مَن بُلیتُ بِجَهلِهِ

فَقالَ لَهُ المَأمونُ:ما أحسَنَ هذا،مَن قالَهُ؟! فَقالَ:بَعضُ فِتیانِنا [(1)](#content_note_344_1).

د:التَّعلیم

1111-الإمام الکاظم علیه السلام -لِهِشامِ بنِ الحَکَمِ-:یا هِشامُ،تَعَلَّم مِنَ العِلمِ ما جَهِلتَ، وعَلِّمِ الجاهِلَ مِمّا عُلِّمتَ.عَظِّمِ العالِمَ لِعِلمِهِ ودَع مُنازَعَتَهُ،وصَغِّرِ الجاهِلَ لِجَهلِهِ ولا تَطرُدهُ ولکِن قَرِّبهُ وعَلِّمهُ [(2)](#content_note_344_2).

1112-الإمام الصادق علیه السلام: قَرَأتُ فی کِتابِ عَلِیٍّ علیه السلام:إنَّ اللّهَ لَم یَأخُذ عَلَی الجُهّالِ عَهدًا بِطَلَبِ العِلمِ حَتّی أخَذَ عَلَی العُلَماءِ عَهدًا بِبَذلِ العِلمِ لِلجُهّالِ؛لِأَنَّ العِلمَ کانَ قَبلَ الجَهلِ [(3)](#content_note_344_3).

ه:عَدَمُ الوُثوقِ

1113-الإمام علیّ علیه السلام: کُن بِعَدُوِّکَ العاقِلِ أوثَقَ مِنکَ بِصَدیقِکَ الجاهِلِ [(4)](#content_note_344_4).

1114-عنه علیه السلام: لا یوثَقُ بِعَهدِ مَن لا عَقلَ لَهُ [(5)](#content_note_344_5).

و:العِصیان

1115-الإمام علیّ علیه السلام: اعصِ الجاهِلَ تَسلَم [(6)](#content_note_344_6).

ص:344

1- (1) عیون أخبارالرضا علیه السلام:1/174/2 [1] عن موسی بن محمّد المحاربی عن رجل،العدد القویّه:21/293. [2]

2- (2) تحف العقول:394 و ص 502 عن عیسی علیه السلام نحوه.

3- (3) الکافی:1/41/1 [3] عن طلحه بن زید،الأمالی للمفید:12/66 عن محمّد بن أبی عمیر العبدی عن الإمام علیّ علیه السلام نحوه،منیه المرید:185. [4]

4- (4) غرر الحکم:7178،10804،2264. [5]

5- (5) غرر الحکم:7178،10804،2264. [6]

6- (6) غرر الحکم:7178،10804،2264. [7]

نادانیِ انسانی پایین تر از خود،گرفتار گردم،مانع از آن می شوم که نفسم با نادانی پاسخ دهد؛و اگر با همتای خود در خردمندی من برخورد کنم،بردباری پیشه سازم،تا از همانندم برتر باشم؛واگر با بالاتر از خویش، در دانش و خرد،مواجه گردم،برای او حقّ پیشتازی و فضیلت قائل ام».

مأمون گفت:«چه زیباست این شعر؛چه کسی آن را سروده است؟».امام علیه السلام فرمود:«برخی جوانان ما».

##### د:تعلیم

1111.امام کاظم علیه السلام -به هشام بن حکم فرمود-:ای هشام ! آنچه را نمی دانی،بیاموز؛ از آنچه آموختی،به نادان بیاموز؛عالم را برای علمش بزرگْ شمار و با او درگیر مشو،و نادان را برای نادانی اش کوچک شمار و او را طرد مکن،بلکه به خود،نزدیک ساز و تعلیم ده.

1112.امام صادق علیه السلام: در کتاب علی علیه السلام خواندم که خداوند،بر نادانان پیمان نگرفته که دانش بیاموزند،تا آنکه از عالمان پیمان گرفته که به نادانان بیاموزند؛زیرا دانش،پیش از نادانی بود.

##### ه:عدم اطمینان

1113.امام علی علیه السلام: به دشمنِ خردمند،بیش از دوست نادان اعتماد کن.

1114.امام علی علیه السلام: به پیمان کسی که خردمند نباشد،اعتماد نشود.

##### و:نافرمانی

1115.امام علی علیه السلام: نافرمانیِ نادان کن،تا سالم بمانی.

ص:345

ز:الإِعراض

الکتاب

خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجاهِلِینَ [(1)](#content_note_346_1).

\* الحدیث

1116-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: أحکَمُ النّاسِ مَن فَرَّ مِن جُهّالِ النّاسِ [(2)](#content_note_346_2).

1117-عنه صلی الله علیه و آله: إنَّمَا النّاسُ رَجُلانِ:مُؤمِنٌ وجاهِلٌ،فَلا تُؤذِ المُؤمِنَ،ولا تُجاوِرِ الجاهِلَ [(3)](#content_note_346_3).

1118-الإمام علیّ علیه السلام -مِن وَصِیَّتِهِ لِلحَسَنِ علیه السلام-:کُفرُ النِّعمَهِ لُؤمٌ،وصُحبَهُ الجاهِلِ شُؤمٌ [(4)](#content_note_346_4).

1119-عنه علیه السلام -فِی الحِکَمِ المَنسوبَهِ إلَیهِ-:لا یُؤمِنَنَّکَ مِن شَرِّ جاهِلٍ قَرابَهٌ ولا جِوارٌ،فَإِنَّ أخوَفَ ما تَکونُ لِحَریقِ النّارِ أقرَبُ ما تَکونُ إلَیها [(5)](#content_note_346_5).

1120-عنه علیه السلام: لا تَصحَب مَن فاتَهُ العَقلُ،ولا تَصطَنِع مَن خانَهُ الأَصلُ،فَإِنَّ مَن لا عَقلَ لَهُ یَضُرُّکَ مِن حَیثُ یَری أنَّهُ یَنفَعُکَ،ومَن لا أصلَ لَهُ یُسیءُ إلی مَن یُحسِنُ إلَیهِ [(6)](#content_note_346_6).

1121-عنه علیه السلام: لا تَنتَصِح بِمَن فاتَهُ العَقلُ،ولا تَثِق بِمَن خانَهُ الأَصلُ،فَإِنَّ مَن فاتَهُ العَقلُ یَغُشُّ مِن حَیثُ یَنصَحُ،ومَن خانَهُ الأَصلُ یُفسِدُ مِن حَیثُ یُصلِحُ [(7)](#content_note_346_7).

1122-عنه علیه السلام: شَرُّ مَن صاحَبتَ الجاهِلُ [(8)](#content_note_346_8).

1123-عنه علیه السلام: شَرُّ الأَصحابِ الجاهِلُ [(9)](#content_note_346_9).

ص:346

1- (1) الأعراف:199. [1]

2- (2) الفقیه:5840/395/4،الأمالی للصدوق:41/73 کلاهما عن یونس بن ظبیان عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام وفیه«أحلم»بدل«أحکم»،معانی الأخبار:1/196 عن أبی حمزه الثمالی عن الإمام الصادق عن أبیه عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله،مشکاه الأنوار:137. [2]

3- (3) المعجم الأوسط:8698/302/8،حلیه الأولیاء:174/5 کلاهما عن عبداللّه بن عمرو.

4- (4) تحف العقول:80.

5- (5) شرح نهج البلاغه:498/305/20.

6- (6) غرر الحکم:10383. [3]

7- (7) غرر الحکم:10399، [4]وفی طبعه النجف:ص 341«لا تنصح».

8- (8) غرر الحکم:5691،5709. [5]

9- (9) غرر الحکم:5691،5709. [6]

##### ز:روگردانی

قرآن

گذشتْ پیشه کن،و به [کار] پسندیده،فرمان ده،و از نادان،رُخ برتاب.

حدیث

1116.پیامبر صلی الله علیه و آله: حکیم ترین انسان،کسی است که از مردم نادان بگریزد.

1117.پیامبر صلی الله علیه و آله: مردمان دو گروه اند،مؤمن و نادان؛مؤمن را میازار و با نادان، همنشینی مکن.

1118.امام علی علیه السلام -در وصیّتش به امام حسن علیه السلام-:ناسپاسی نعمت،پستی است و همنشینی با نادان،بد یُمن است.

1119.امام علی علیه السلام -در حکمتهای منسوب به ایشان-:نزدیکی به نادان و همسایگی با او،تو را از شرّش ایمن ندارد؛زیرا هرچه به آتش نزدیک تر باشی،خطر سوختن برایت بیشتر است.

1120.امام علی علیه السلام: با آنکه از خرد بی بهره است،مصاحبت مکن،و کسی را که بی ریشه است،ویژۀ خود مگردان؛زیرا آنکه خردمند نیست،به تو آسیب رساند از جایی که گمان می کند که سود می رساند،و آنکه بی ریشه است،بد می کند به هرکه به او خوبی کند.

1121.امام علی علیه السلام: از کسی که از خرد بی بهره است،خیرخواهی مکن و به کسی که بی ریشه است،اعتماد منما؛زیرا آنکه خرد ندارد،ضرر می زند از جایی که گمان می کند که خیرخواهی می کند و کسی که بی ریشه است،به جای درست کردن،ویران می سازد.

1122.امام علی علیه السلام: بدترین کسی که با او همنشین شوی،نادان است.

1123.امام علی علیه السلام: بدترین یاران،نادان است.

ص:347

1124-عنه علیه السلام: قَطیعَهُ الجاهِلِ تَعدِلُ صِلَهَ العاقِلِ [(1)](#content_note_348_1).

1125-عنه علیه السلام: احذَرِ العاقِلَ إذا أغضَبتَهُ،وَالکَریمَ إذا أهَنتَهُ،وَالنَّذلَ إذا أکرَمتَهُ، وَالجاهِلَ إذا صاحَبتَهُ [(2)](#content_note_348_2).

1126-عنه علیه السلام: صَدیقُ الجاهِلِ مَعرِضٌ لِلعَطَبِ [(3)](#content_note_348_3).

1127-عنه علیه السلام: صَدیقُ الجاهِلِ مَتعوبٌ مَنکوبٌ [(4)](#content_note_348_4).

1128-الإمام العسکریّ علیه السلام: صَدیقُ الجاهِلِ تَعِبٌ [(5)](#content_note_348_5).

1129-الإمام الکاظم علیه السلام: مُحادَثَهُ العالِمِ عَلَی المَزابِلِ خَیرٌ مِن مُحادَثَهِ الجاهِلِ عَلَی الزَّرابِیِّ [(6)](#content_note_348_6).

1130-الإمام الرضا علیه السلام -فی کِتابِهِ إلی مُحَمَّدِ بنِ سِنانٍ-:حَرَّمَ اللّهُ عز و جل التَّعَرُّبَ بَعدَ الهِجرَهِ لِلرُّجوعِ عَنِ الدّینِ وتَرکِ المُؤازَرَهِ لِلأَنبِیاءِ وَالحُجَجِ علیهم السلام،وما فی ذلِکَ مِنَ الفَسادِ وإبطالِ حَقِّ کُلِّ ذی حَقٍّ،[ لا ] لِعِلَّهِ سُکنَی البَدوِ،ولِذلِکَ لَو عَرَفَ الرَّجُلُ الدّینَ کامِلًا لَم یَجُز لَهُ مُساکَنَهُ أهلِ الجَهلِ،وَالخَوفُ عَلَیهِ لِأَنَّهُ لا یُؤمَنُ أن یَقَعَ مِنهُ تَرکُ العِلمِ وَالدُّخولُ مَعَ أهلِ الجَهلِ وَالتَّمادی فی ذلِکَ [(7)](#content_note_348_7).

ص:348

1- (1) نهج البلاغه:الکتاب 31،خصائص الأئمّه علیهم السلام:117، [1]الدرّه الباهره:20،غرر الحکم:6786. [2]

2- (2) کنزالفوائد:368/1. [3]

3- (3) غرر الحکم:5856،5829. [4]

4- (4) غرر الحکم:5856،5829. [5]

5- (5) تحف العقول:489،العدد القویّه:300 عن الإمام الرضا علیه السلام وفیه«فی تعب»،بحارالأنوار:355/78 [6] نقلًا عن کتاب الدرّ.

6- (6) الکافی:2/39/1 [7] عن إبراهیم بن عبدالحمید.

7- (7) الفقیه:4934/566/3،عیون أخبار الرضا علیه السلام:1/92/2، [8]علل الشرایع:1/481. [9]

1124.امام علی علیه السلام: بریدن از نادان،برابرِ با پیوستن به خردمند است.

1125.امام علی علیه السلام: برحذر باش از خردمند،هنگامی که او را به خشم آوردی،و از فرد بزرگوار،هنگامی که به او اهانت کردی،و از فرومایه،هنگامی که او را گرامی داشتی،و از نادان،هنگامی که با او همنشین شدی.

1126.امام علی علیه السلام: دوستِ نادان،در رنج و سرکوبی است.

1127.امام علی علیه السلام: دوستِ نادان،در معرض نابودی است.

1128.امام عسکری علیه السلام: دوستِ نادان،رنجه است.

1129.امام کاظم علیه السلام: گفتگو با عالم در مزبله ها،بهتر از گفتگو با نادان بر فرشهای گرانبهاست.

1130.امام رضا علیه السلام -در نامه ای به محمّد بن سنان-:خداوند متعال،تعرّب پس از هجرت را حرام کرد،تا کسی از دین برنگردد و کمک به پیامبران و پیشوایان،رها نشود؛و برای آنکه این،سبب تباهی و فساد و از میان رفتن حقوق صاحبان حقّ است،نه از آن رو که بادیه نشینی نارواست.بدین جهت، اگر مردی دین را به کمال بشناسد،روا نیست که در میان نادانان،سکنا گزیند و ترس از آن است که دانش را رها کند و در جرگۀ نادانان قرار گیرد و در این راه،پیش رود.

ر.ک:حدیث 1101«سکوت هنگام نزاع و درگیری».

ص:349

الفصل السّادس:الجاهِلِیَّهُ الاُولی

1/6 مَعنَی الجاهِلِیَّهِ

الکتاب

وَ لا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِیَّهِ الْأُولی [(1)](#content_note_350_1).

وَ ما آتَیْناهُمْ مِنْ کُتُبٍ یَدْرُسُونَها وَ ما أَرْسَلْنا إِلَیْهِمْ قَبْلَکَ مِنْ نَذِیرٍ [(2)](#content_note_350_2).

وَ ما کُنْتَ بِجانِبِ الطُّورِ إِذْ نادَیْنا وَ لکِنْ رَحْمَهً مِنْ رَبِّکَ لِتُنْذِرَ قَوْماً ما أَتاهُمْ مِنْ نَذِیرٍ مِنْ قَبْلِکَ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ [(3)](#content_note_350_3).

\* الحدیث

1131-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: إنَّما سُمِّیَتِ الجاهِلِیَّهُ لِضَعفِ أعمالِها،وجَهالَهِ أهلِها...،إنَّ أهلَ الجاهِلِیَّهِ عَبَدوا غَیرَ اللّهِ،ولَهُم أجَلٌ یَنتَهونَ إلی مُدَّتِهِ ویَصیرونَ إلی

ص:350

1- (1) الأحزاب:33. [1]

2- (2) سبأ:44. [2]

3- (3) القصص:46. [3]

### فصل ششم:جاهلیت نخست

#### 1/6 معنای جاهلیت

##### اشاره

قرآن

و مانند روزگار جاهلیت کهنْ زینتهای خود را آشکار مکنید.

و ما کتابهایی به آنان نداده بودیم که آن را بخوانند،و پیش از تو،هشدار دهنده ای به سویشان نفرستاده بودیم.

و آن دم که [موسی را] ندا در دادیم،تو در جانب طور نبودی؛ولی [این اطّلاع تو] رحمتی است از پروردگار تو،تا قومی را که هیچ هشدار دهنده ای پیش از تو بر ایشان نیامده است،بیم دهی،باشد که آنان پند پذیرند.

ر.ک:مائده:19،سجده:3.

حدیث

1131.پیامبر صلی الله علیه و آله: [آن دوران،] به جهت سستی کارها و نادانی مردمان،جاهلیت نامیده شد...به درستی که اهل جاهلیت،غیرِ خدا را پرستش کردند و برای آنان که برای پایانش سرآمدی تعیین شده بود که به سویش پیش می رفتند و بدان

ص:351

نِهایَتِهِ،مُؤَخَّرٌ عَنهُمُ العِقابُ إلی یَومِ الحِسابِ،أمهَلَهُمُ اللّهُ بِقُدرَتِهِ وجَلالِهِ وعِزَّتِهِ،فَغَلَبَ الأَعَزُّ الأَذَلَّ،وأکَلَ الکَبیرُ فیهَا الأَقَلَّ [(1)](#content_note_352_1).

1132-جَعفَرُ بنُ أبی طالِبٍ -فیما وَصَفَ بِهِ قَومَهُ لِلنَّجاشِیِّ مَلِکِ الحَبَشَهِ-:أیُّهَا المَلِکُ،کُنّا قَومًا أهلَ جاهِلِیَّهٍ؛نَعبُدُ الأَصنامَ،ونَأکُلُ المَیتَهَ،ونَأتِی الفَواحِشَ،ونَقطَعُ الأَرحامَ،ونُسیءُ الجِوارَ،یَأکُلُ القَوِیُّ مِنَّا الضَّعیفَ، فَکُنّا عَلی ذلِکَ حَتّی بَعَثَ اللّهُ إلَینا رَسولًا مِنّا،نَعرِفُ نَسَبَهُ وصِدقَهُ، وأمانَتَهُ وعَفافَهُ،فَدَعانا إلَی اللّهِ لِنُوَحِّدَهُ ونَعبُدَهُ ونَخلَعَ ما کُنّا (نَعبُدُ) [(2)](#content_note_352_2)نَحنُ وآباؤُنا مِن دونِهِ مِنَ الحِجارَهِ وَالأَوثانِ،وأمَرَنا بِصِدقِ الحَدیثِ، وأداءِ الأَمانَهِ،وصِلَهِ الرَّحِمِ،وحُسنِ الجِوارِ،وَالکَفِّ عَنِ المَحارِمِ وَالدِّماءِ،ونَهانا عَنِ الفَواحِشِ،وقَولِ الزّورِ،وأکلِ مالِ الیَتیمِ،وقَذفِ المُحصِنَهِ،وأمَرَنا أن نَعبُدَ اللّهَ وَحدَهُ لا نُشرِکُ بِهِ شَیئًا،وأمَرَنا بِالصَّلاهِ وَالزَّکاهِ وَالصِّیامِ...فَصَدَّقناهُ،وآمَنّا بِهِ،وَاتَّبَعناهُ عَلی ما جاءَ بِهِ،فَعَبَدنَا اللّهَ وَحدَهُ فَلَم نُشرِک بِهِ شَیئًا،وحَرَّمنا ما حَرَّمَ عَلَینا،وأحلَلنا ما أحَلَّ لَنا، فَعَدا عَلَینا قَومُنا فَعَذَّبونا وفَتَنونا عَن دینِنا،لِیَرُدّونا إلی عِبادَهِ الأَوثانِ مِن عِبادَهِ اللّهِ،وأن نَستَحِلَّ ما کُنّا نَستَحِلُّ مِنَ الخَبائِثِ [(3)](#content_note_352_3).

1133-الإمام علیّ علیه السلام: أمّا بَعدُ،فَإِنَّ اللّهَ سُبحانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله ولَیسَ أحَدٌ مِنَ العَرَبِ یَقرَأُ کِتابًا،ولا یَدَّعی نُبُوَّهً ولا وَحیًا [(4)](#content_note_352_4).

1134-عنه علیه السلام: أرسَلَهُ عَلی حینِ فَترَهٍ مِنَ الرُّسُلِ،وهَفوَهٍ عَنِ العَمَلِ،وغَباوَهٍ مِنَ الاُمَمِ [(5)](#content_note_352_5).

1135-عنه علیه السلام: أشهَدُ أنَّ مُحَمَّدًا عَبدُهُ ورَسولُهُ،أرسَلَهُ وأعلامُ الهُدی دارِسَهٌ،

ص:352

1- (1) تاریخ المدینه:558/2 عن الشعبی،وراجع المفصّل فی تاریخ العرب:37/1،بلوغ الإرب:15/1.

2- (2) سقط ما بین القوسین من الطبع وأثبتناه من طبعه اخری.

3- (3) مسند ابن حنبل:1740/432/1، [1]السیره النبویّه لابن هشام:359/1، [2]وراجع دلائل النبوّه للبیهقی:302/2؛ [3]تاریخ الیعقوبی:29/2، [4]تفسیر القمّی:177/1. [5]

4- (4) نهج البلاغه:الخطبه 104 و 33، [6]الإرشاد:248/1 [7] عن ابن عبّاس ولیس فیهما«ولا وحیًا». وفی بحار الأنوار:52/220/18، [8]فی صدد بیان قوله علیه السلام:«ولیس أحد من العرب یقرأ کتابًا»أی فی زمانه صلی الله علیه و آله وما قاربه،فلا ینافی بعثه هود وصالح وشعیب علیهم السلام فی العرب،وأمّا خالد بن سنان فلو ثبت بعثته فلم یکن یقرأ کتابًا ویدّعی شریعه،وإنّما نبوّته کانت مشابهه لنبوّه جماعه من أنبیاء بنی إسرائیل لم یکن لهم کتب ولا شرائع،مع أنّه یمکن أن یکون المراد الزمان الذی بعده.

5- (5) نهج البلاغه:الخطبه 94 و 195 و [9] 196.

می رسیدند،کیفر آنان تا روز رستاخیز به تأخیر افتاده بود.خداوند،آنان را از روی توان،بزرگی و عزّتش مهلت داد.پس نیرومندان،بر ضعیفان پیروز شدند و بزرگان،کوچکها را در این دوران خوردند.

1132.جعفر بن ابی طالب -هنگامی که قومش را برای نجاشی،پادشاه حبشه،وصف کرد-:ای پادشاه ! ما مردمانی نادان بودیم که بُتان را پرستش می کردیم، مُردار می خوردیم،مرتکب زشتی ها می شدیم،از خویشاوندان می بریدیم و به همسایگان بدی روا می داشتیم.زورمندان ما،ضعیفان را می خوردند.ما این چنین بودیم تا اینکه خداوند پیامبری از میان ما به سوی ما برانگیخت که نَسَب او،راستگویی اش،امانتداری و پاکدامنی اش را می شناختیم.ما را به سوی خدا فراخواند تا او را یگانه بدانیم و او را بپرستیم،و آنچه ما و پدرانمان از سنگها و بُتان می پرستیدیم،کنار بگذاریم.ما را به راستیِ در سخن،ادای امانت،ارتباط با خویشاوندان،به نیکیْ همسایه داری کردن، خودداری از گناه و خونریزی فرمان داد،و ما را از زشتی ها و سخن باطل، خوردن مال یتیم و اتّهام زدن به پاکدامنان نهی کرد،و ما را فرمان داد تا خدا را به یگانگی بپرستیم و برایش شریک مسازیم،و ما را فرمان داد به نماز،زکات و روزه...

پس ما او را تصدیق کردیم و به او ایمان آوردیم،و در آنچه آورده بود، پیروی اش کردیم؛خدا را به یگانگی پرستش کردیم و چیزی را با او شریک نساختیم؛آنچه او بر ما حرام کرد،حرام کردیم و آنچه را حلال کرد،حلال دانستیم.پس قوم ما بر ما ستم کردند،ما را عذاب دادند و برای بازگرداندنمان از دین خود،شکنجه مان دادند تا از عبادت خدا به بت پرستی برگردیم و آنچه از بدی ها حلال می دانستیم،[باز] حلال بدانیم.

1133.امام علی علیه السلام -پس از [حمد و ستایش خداوند]-:به راستی که خداوند سبحان، محمد صلی الله علیه و آله را برانگیخت،در شرایطی که کسی از عرب،کتاب نمی خواند و مدّعی وحی و پیامبری نبود.

1134.امام علی علیه السلام: او را هنگامی به رسالت مبعوث کرد که مدّتها بود کسی به رسالت برانگیخته نشده بود و مردم در انجام وظیفه از راه حق منحرف بودند و امّتهای پیامبران پیشین،در غفلت و نادانیْ سرگردان بودند.

1135.امام علی علیه السلام: گواهی می دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست؛او را هنگامی

ص:353

ومَناهِجُ الدّینِ طامِسَهٌ،فَصَدَعَ بِالحَقِّ،ونَصَحَ لِلخَلقِ [(1)](#content_note_354_1).

1136-عنه علیه السلام: بَعَثَهُ حینَ لا عَلَمٌ قائِمٌ،ولا مَنارٌ ساطِعٌ،ولا مَنهَجٌ واضِحٌ [(2)](#content_note_354_2).

1137-عنه علیه السلام: إنَّ اللّهَ سُبحانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله بِالحَقِّ حینَ دَنا مِنَ الدُّنیا الاِنقِطاعُ، وأقبَلَ مِنَ الآخِرَهِ الاِطِّلاعُ،وأظلَمَت بَهجَتُها بَعدَ إشراقٍ،وقامَت بِأَهلِها عَلی ساقٍ،وخَشُنَ مِنها مِهادٌ،وأزِفَ [(3)](#content_note_354_3)مِنها قِیادٌ،فِی انقِطاعٍ مِن مُدَّتِها، وَاقتِرابٍ مِن أشراطِها،وتَصَرُّمٍ [(4)](#content_note_354_4)مِن أهلِها،وَانفِصامٍ مِن حَلقَتِها، وَانتِشارٍ مِن سَبَبِها،وعَفاءٍ [(5)](#content_note_354_5)مِن أعلامِها،وتَکَشُّفٍ مِن عَوراتِها،وقِصَرٍ مِن طولِها [(6)](#content_note_354_6).

1138-عنه علیه السلام: بَعَثَهُ وَالنّاسُ ضُلّالٌ فی حَیرَهٍ،وحاطِبونَ فی فِتنَهٍ،قَدِ استَهوَتهُمُ الأَهواءُ،وَاستَزَلَّتهُمُ الکِبرِیاءُ،وَاستَخَفَّتهُمُ الجاهِلِیَّهُ الجَهلاءُ،حَیاری فی زَلزالٍ مِنَ الأَمرِ وبَلاءٍ مِنَ الجَهلِ،فَبالَغَ صلی الله علیه و آله فِی النَّصیحَهِ،ومَضی عَلَی الطَّریقَهِ،ودَعا إلَی الحِکمَهِ وَالمَوعِظَهِ الحَسَنَهِ [(7)](#content_note_354_7).

1139-عنه علیه السلام: أیُّهَا النّاسُ،إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالی أرسَلَ إلَیکُمُ الرَّسولَ صلی الله علیه و آله وأنزَلَ إلَیهِ الکِتابَ بِالحَقِّ وأنتُم امِّیّونَ عَنِ الکِتابِ ومَن أنزَلَهُ،وعَنِ الرَّسولِ ومَن أرسَلَهُ،عَلی حینِ فَترَهٍ مِنَ الرُّسُلِ،وطولِ هَجعَهٍ [(8)](#content_note_354_8)مِنَ الاُمَمِ،وَانبِساطٍ مِنَ الجَهلِ،وَاعتِراضٍ مِنَ الفِتنَهِ،وَانتِقاضٍ مِنَ المُبرَمِ [(9)](#content_note_354_9)،وعَمًی عَنِ الحَقِّ،وَاعتِسافٍ [(10)](#content_note_354_10)مِنَ الجَورِ،وَامتِحاقٍ مِنَ الدّینِ،وتَلَظ ٍّ (ی) مِنَ الحُروبِ،عَلی حینِ اصفِرارٍ مِن رِیاضِ جَنّاتِ الدُّنیا،ویُبسٍ مِن أغصانِها،وَانتِثارٍ مِن وَرَقِها،ویَأسٍ مِن ثَمَرِها،وَاغوِرارٍ مِن مائِها،قَد دَرَسَت أعلامُ الهُدی،فَظَهَرت أعلامُ الرَّدی.

ص:354

1- (1) نهج البلاغه:الخطبه 94 و 195 و [1] 196.

2- (2) نهج البلاغه:الخطبه 94 و 195 و [2] 196.

3- (3) أی دنا وقَرُب (النهایه:45/1).

4- (4) الانصرام:الانقطاع (مجمع البحرین:1028/2).

5- (5) العفاء:الدروس والهلاک (مجمع البحرین:1239/2).

6- (6) نهج البلاغه:الخطبه 198 و 95. [3]

7- (7) نهج البلاغه:الخطبه 198 و 95. [4]

8- (8) أی علی طول مُدّهمن بعد الاُمم السالفه،والهجعهقد یراد بها:الغفله والجهل والموت (مجمع البحرین:1862/3).

9- (9) أبرم الأمر:أی أحکمه،ومنه القضاء المبرم (مجمع البحرین:145/1).

10- (10) العَسْف:الأخذ علی غیر الطریق،والظلم (مجمع البحرین:1215/2).

فرستاد که نشانه های هدایت از میان رفته بود و روشهای دینداری،محو شده بود.او آشکارا به سوی حق خواند و برای بندگان،خیرخواهی نمود.

1136.امام علی علیه السلام: هنگامی او را برانگیخت که هیچ نشانه ای برپا نبود و هیچ نوری نمی درخشید و هیچ راهِ روشنی وجود نداشت.

1137.امام علی علیه السلام: خداوند سبحان،محمد صلی الله علیه و آله را به راستی و درستی برانگیخت؛ هنگامی که سپری شدن دنیا نزدیک شده بود و آگاهی به امر آخرت رو آورده،خوشی آن بعد از درخشندگی تاریک شده بود و بستر آن،ناهموار گردیده،مهارش را به دست کَشنده ای سپرده بود؛و این،در هنگام به سر رسیدن مدّت و نزدیک شدن علامات و از بین رفتن اهل آن و شکسته شدن حلقه و گسیخته شدن ریسمان،و ناپدید شدن نشانه ها،و آشکار شدن عیبها،و کوتاه شدن مدّت دراز آن بود.

1138.امام علی علیه السلام: خداوند،او را به پیامبری برگزید؛هنگامی که مردم،گمراه شده، سرگردان بودند و در راه فتنه و فساد،از روی نادانی قدم می نهادند؛هواها و آرزوها،ایشان را به سقوط کشانیده بود و کبر و نخوت،آنان را به لغزش واداشته،جهل و نادانی آنها را سبکسر و نفهم نموده بود؛در حالتی که پریشان حال و در کار خویش،مضطرب و نگران و مبتلا به نادانی بودند.پس پیامبر صلی الله علیه و آله در خیرخواهی [آنان] کوشش کرد و بر راه راست حرکت نمود و به سوی حکمت و دانش و پندِ نیکو،دعوت نمود.

1139.امام علی علیه السلام: ای مردم ! خداوند تبارک و تعالی،پیامبر صلی الله علیه و آله را به سوی شما فرستاد و به راستی و درستی،کتاب را بر او فرو فرستاده؛در حالی که شما از خواندن کتاب و آنچه فرو فرستاده،و از رسول و فرستنده اش بیگانه و ناآگاه بودید؛به هنگام توقّف آمدن رسولان،خواب طولانی و عمیق ملّتها، فراگیری نادانی و بروز فتنه ها و آشوبها،شکسته شدن پیمانهای محکم و نابینایی از حقیقت،و انحراف بر اثر جور و ستم و زیر پرده شدن دینداری و شعله ور شدن آتش جنگ؛همزمان با پژمردگی و زردی گلستان های باغهای جهان و خشکیدن شاخۀ درختان آن،خزان شدن و ریختن برگها،و نومیدی از میوه دادن و فرو کشیدن آبها و چشمه سارها،در حالی که پرچمهای هدایت،سرنگون شده بود و به جای آن،پرچمهای هلاکت برافراشته بود.

ص:355

فَالدُّنیا مُتَهَجِّمَهٌ فی وُجوهِ أهلِها مُکفَهِرَّهٌ [(1)](#content_note_356_1)،مُدبِرَهٌ غَیرُ مُقبِلَهٍ،ثَمَرَتُهَا الفِتنَهُ،وطَعامُهَا الجیفَهُ،وشِعارُهَا الخَوفُ،ودِثارُهَا السَّیفُ،مُزِّقتُم کُلَّ مُمَزَّقٍ وقَد أعمَت عُیونَ أهلِها،وأظلَمَت عَلَیها أیّامُها،قَد قَطَعوا أرحامَهُم،وسَفَکوا دِماءَهُم،ودَفَنوا فِی التُّرابِ المَوؤودَهَ بَینَهُم مِن أولادِهِم،یَجتازُ دونَهُم طیبُ العَیشِ ورَفاهِیَهُ خُفوضِ الدُّنیا.لا یَرجونَ مِنَ اللّهِ ثَوابًا،ولا یَخافونَ وَاللّهِ مِنهُ عِقابًا.حَیُّهُم أعمی نَجِسٌ،ومَیِّتُهُم فِی النّارِ مُبلِسٌ [(2)](#content_note_356_2)،فَجاءَهُم بِنُسخَهِ ما فِی الصُّحُفِ الاُولی،وتَصدیقِ الَّذی بَینَ یَدَیهِ،وتَفصیلِ الحَلالِ مِن رَیبِ الحَرامِ [(3)](#content_note_356_3).

1140-عنه علیه السلام: أشهَدُ أنَّ مُحَمَّدًا عَبدُهُ ورَسولُهُ،أرسَلَهُ بِالدّینِ المَشهورِ...وَالنّاسُ فی فِتَنٍ انجَذَمَ فیها حَبلُ الدّینِ،وتَزَعزَعَت سَوارِی [(4)](#content_note_356_4)الیَقینِ،وَاختَلَفَ النَّجرُ [(5)](#content_note_356_5)،وتَشَتَّتَ الأَمرُ،وضاقَ المَخرَجُ،وعَمِیَ المَصدَرُ،فَالهُدی خامِلٌ،وَالعَمی شامِلٌ.عُصِیَ الرَّحمنُ،ونُصِرَ الشَّیطانُ،وخُذِلَ الإِیمانُ، فَانهارَت دَعائِمُهُ،وتَنَکَّرَت مَعالِمُهُ،ودَرَسَت سُبُلُهُ،وعَفَت شُرُکُهُ.

أطاعُوا الشَّیطانَ فَسَلَکوا مَسالِکَهُ،ووَرَدوا مَناهِلَهُ،بِهِم سارَت أعلامُهُ، وقامَ لِواؤُهُ،فی فِتَنٍ داسَتهُم بِأَخفافِها،ووَطِئَتهُم بِأَظلافِها،وقامَت عَلی سَنابِکِها [(6)](#content_note_356_6).فَهُم فیها تائِهونَ حائِرونَ جاهِلونَ مَفتونونَ،فی خَیرِ دارٍ وشَرِّ جیرانٍ.نَومُهُم سُهودٌ وکُحلُهُم دُموعٌ،بِأَرضٍ عالِمُها مُلجَمٌ وجاهِلُها مُکرَمٌ [(7)](#content_note_356_7).

1141-عنه علیه السلام: أشهَدُ أن لا إلهَ إلَّااللّهَ،وأشهَدُ أنَّ مُحَمَّدًا عَبدُهُ ورَسولُهُ ونَجیبُهُ وصَفوَتُهُ.لا یُؤازی فَضلُهُ،ولا یُجبَرُ فَقدُهُ.أضاءَت بِهِ البِلادُ بَعدَ الضَّلالَهِ

ص:356

1- (1) مکفهرّ:أی عابس قطوب (النهایه:193/4). [1]

2- (2) المُبْلِس:الساکت من الحزن أو الخوف (النهایه:152/1). [2]

3- (3) الکافی:7/60/1 [3] عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق علیه السلام،تفسیر القمّی:2/1، [4]وراجع نهج البلاغه:الخطبه 89. [5]

4- (4) الساریه:الاُسطوانه والجمع سوارٍ (مجمع البحرین:843/2).

5- (5) النجر:الطبع والأصل (النهایه:21/5).

6- (6) السُنْبک:طرف مقدّم الحافر،الجمع سنابک (مجمع البحرین:889/2).

7- (7) نهج البلاغه:الخطبه 2 و 151. [6]

دنیا چهرۀ عبوس به مردم نشان می داد و روی دَرهم،به آنان پشت کرده بود و روی خوش نشان نمی داد؛میوه اش آشوب بود،و خوراکش مردارِ گندیده،و لباس زیرینش بیم و هراس.و لباسِ رویین او،همه تیغ.شما مردم،قطعه قطعه شده بودید؛دیده های مردم جهان،همه نابینا و روزگار همه سیاه؛از خویشاوندان بریده،خون یکدیگر را می ریختند و نوزادان دختر را زنده به گور می کردند؛زندگی خوش و آسایش و آرامش از میان آنان رخت بربسته بود؛نه از درگاه حق،امید ثوابی داشتند و نه از قهر او می ترسیدند؛زندۀ آنان،کوری پلید بود و مرده شان در لابه لای آتش می غلتید.پس از این،پیامبر صلی الله علیه و آله نسخه ای از کتابهای پیشین را برایشان آورد و آنچه از حقّ و درستی در دست داشتند،تأیید کرد و حلال و حرام را به خوبی از هم جدا نمود.

1140.امام علی علیه السلام: گواهی می دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستادۀ خداست.او را با دینی که شهرت عالمگیر دارد،فرستاد...فرستاد او را در وقتی که مردم مبتلا به فتنه های بسیار بودند که در آن،ریسمان دینْ پاره شده،ستونهای ایمان و یقین متزلزل گردیده،اصل دین،مختلف و کارِ آن درهم و برهم بود.راه خارج شدن،تنگ شده،وسیله ای برای هدایت نبود.پس رهنمایی و هدایت از بین رفته بود و کوری و گمراهی شیوع داشت؛خداوند رحمان،نافرمانی شد و شیطان یاری شد؛ایمان ذیل و ستونهای آن،ویران گشته بود؛آثار و نشانه هایش تغییر کرده،راههای آن خراب و نابود شده بود؛مردم،پیرو شیطان بودند و در راههای او قدم نهاده،به سرچشمه هایش وارد می شدند.

به کمک ایشان،حیله های او به کار افتاد و بیرق کفر و ضلالتش افراشته گردید؛در فتنه هایی که مردم را پایمال کرد و همگی در آن سرگردان و حیران و نادان و گرفتار بودند،در بهترین محل دنیا و میان بدترین همسایه ها.خواب آنان،بی خوابی و سرمۀ چشمانشان،گریه بود؛در سرزمینی که دهان دانای آن بسته و نادانش ارجمند بود.

1141.امام علی علیه السلام: گواهی می دهم که جز خدای یگانه،خدایی نیست و گواهی می دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده و پسندیده و برگزیدۀ اوست؛چیزی به پایۀ فضلش نمی رسد و فقدانش جبران پذیر نیست.شهرها پس از گمراهی

ص:357

المُظلِمَهِ،وَالجَهالَهِ الغالِبَهِ،وَالجَفوَهِ الجافِیَهِ،وَالنّاسُ یَستَحِلّونَ الحَریمَ ویَستَذِلّونَ الحَکیمَ،یَحیَونَ عَلی فَترَهٍ ویَموتونَ عَلی کَفرَهٍ [(1)](#content_note_358_1).

1142-عنه علیه السلام: [إنَّ اللّهَ تَعالی] بَعَثَ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله وأنتُم مَعاشِرَ العَرَبِ عَلی شَرِّ حالٍ، یَغذو أحَدُکُم کَلبَهُ،ویَقتُلُ وِلدَهُ،ویُغیرُ عَلی غَیرِهِ فَیَرجِعُ وقَد اغیرَ عَلَیهِ، تَأکُلونَ العِلهِزَ [(2)](#content_note_358_2)وَالهَبیدَ [(3)](#content_note_358_3)وَالمَیتَهَ وَالدَّمَ،تُنیخونَ عَلی أحجارٍ خُشنٍ وأوثانٍ مُضِلَّهٍ،وتَأکُلونَ الطَّعامَ الجَشِبَ،وتَشرَبونَ الماءَ الآجِنَ، تَسافَکونَ دِماءَکُم ویَسبی بَعضُکُم بَعضًا [(4)](#content_note_358_4).

1143-عنه علیه السلام -مِن رِسالَتِهِ إلی أصحابِهِ بَعدَ مَقتَلِ مُحَمَّدِ بنِ أبی بَکرٍ-:إنَّ اللّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله نَذیرًا لِلعالَمینَ،وأمینًا عَلَی التَّنزیلِ،وشَهیدًا عَلی هذِهِ الاُمَّهِ، وأنتُم یا مَعشَرَ العَرَبِ یَومَئِذٍ عَلی شَرِّ دینٍ وفی شَرِّ دارٍ،مُنیخونَ عَلی حِجارَهٍ خُشنٍ وحَیّاتٍ صُمٍّ وشَوکٍ مَبثوثٍ فِی البِلادِ،تَشرَبونَ الماءَ الخَبیثَ،وتَأکُلونَ الطَّعامَ الجَشیبَ،وتَسفِکونَ دِماءَکُم،وتَقتُلونَ أولادَکُم،وتَقطَعونَ أرحامَکُم،وتَأکُلونَ أموالَکُم (بَینَکُم) بِالباطِلِ، سُبُلُکُم خائِفَهٌ،وَالأَصنامُ فیکُم مَنصوبَهٌ،(وَالآثامُ بِکُم مَعصوبَهٌ)،ولا یُؤمِنُ أکثَرُهُم بِاللّهِ إلّاوهُم مُشرِکونَ [(5)](#content_note_358_5).

1144-عنه علیه السلام -فِی الاِعتِبارِ بِالاُمَمِ السّابِقَهِ وتَحذیرِ العُصاهِ المُتَکَبِّرینَ-:اِعتَبِروا بِحالِ وُلدِ إسماعیلَ وبَنی إسحاقَ وبَنی إسرائیلَ عَلَیهِمُ السَّلامُ.فَما أشَدَّ اعتِدالَ الأَحوالِ،وأقرَبَ اشتِباهَ الأَمثالِ ! تَأَمَّلوا أمرَهُم فی حالِ تَشَتُّتِهِم وتَفَرُّقِهِم،لَیالِیَ کانَتِ الأَکاسِرَهُ وَالقَیاصِرَهُ أربابًا لَهُم،یَحتازونَهُم [(6)](#content_note_358_6)عَن ریفِ الآفاقِ،وبَحرِ العِراقِ،وخُضرَهِ الدُّنیا،إلی مَنابِتِ الشّیحِ [(7)](#content_note_358_7)،

ص:358

1- (1) نهج البلاغه:الخطبه 2 و 151. [1]

2- (2) العلهز:یتّخذونه فی سنی المجاعه،یخلطون الدم بأوبار الإبل ثمّ یشوونه بالنار ویأکلونه (النهایه:293/3). [2]

3- (3) الهبید:الحنظل یُکسر ویستخرج حبّه ویُنقع لتذهب مرارته ویتّخذ منه طبیخ یؤکل عند الضروره (النهایه:239/5). [3]

4- (4) کشف المحجّه:236 [4] نقلًا عن الکلینی فی الرسائل عن علیّ بن إبراهیم بإسناده.

5- (5) الغارات:303/1 [5] عن جندب،نهج البلاغه:الخطبه 26 [6] نحوه.

6- (6) الحَوز:السیر الشدید والرّوید،وقیل:الحوز والحیز:السوق اللیّن (لسان العرب:339/5). [7]

7- (7) نبات سهلی یتّخذ من بعضه المکانس،وهو من الأمرار،له رائحه طیّبه وطعم مر (لسان العرب:502/2). [8]

تاریک و نادانی بسیار و بدخویی در معاشرت،به نور او روشن شد،و حال آنکه مردم،حرام را حلال می شمردند و خردمند را خوار می کردند؛در زمان نبود پیامبری زندگی می کردند و بر کفر می مردند.

1142.امام علی علیه السلام: [خداوند متعال] محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برانگیخت،در حالی که شما عربها در بدترین حالت زندگی می کردید؛کسانی از شما سگان را غذا می ساختند و کودکان را می کُشتند؛دیگران را غارت می کردند و برمی گشتند،در حالی که دیگران آنان را غارت کرده بودند.شما دانۀ حنظل و خون و کُرک شتران و مردار و خوک می خوردید؛اقامتگاهتان،سنگهای خشن و بتهای گمراه کننده بود؛غذاهای زمخت می خوردید و آبهای متعفن می آشامیدید؛خون یکدیگر را می ریختید ویکدیگر را به اسارت می گرفتید.

1143.امام علی علیه السلام -بخشی از نامه او به یارانش پس از کشته شدن محمّد بن ابی بکر-:

خداوند محمد صلی الله علیه و آله را هشدار دهندۀ جهانیان برانگیخت و امینِ بر کتاب و گواهِ بر این امّت،قرار داد.شما ای جماعت عرب! در آن روز،بدترین آیین را داشتید و در بدترین منزل،اقامت داشتید.اقامتگاه شما سرزمین های سنگلاخ و میان مارهای کَر و خارهای مغیلان بود؛آب کثیف می آشامیدید و غذای خشن می خوردید؛خون یکدیگر را می ریختید و فرزندانتان را می کشتید؛از خویشاوندان می بریدید و اموالتان را به ستم و غصب می خوردید؛راههایتان ترسناک بود؛بُتان در میان شما برپا بود و از گناهان اجتناب نمی کردید و ایمان بیشترتان به خدا،شرک آلود بود.

1144.امام علی علیه السلام -در خصوص عبرت گیری از امّتهای پیشین و هشدار به عصیانگران گردنکش-:پس،از پیش آمدهای اسماعیل و فرزندان اسحاق و اولاد اسرائیل،عبرت گیرید که چه بسیار متناسب است سرگذشت ها،و چه مانند و نزدیک است داستانها.در سرگذشت ایشان و چگونگی پراکندگی و جدایی شان از یکدیگر،تأمّل و اندیشه نمایید در شبهایی که کسراها [ پادشان عجم] و قیصرها [ پادشاهان روم] سرور آنان بودند،آنها را از کشتزارها و دریای عراق و سبزه زار جهان به جاهایی راندند که دَرْمَنه می رویید و بادهای تُند می وزید و زندگانی سخت بود.پس آنان را درویش و مستمند و یاور و همراه زخم و موی شتر رها کردند.زبده ترین امّتها بودند،

ص:359

ومَهافِی الرّیحِ،ونَکَدِ [(1)](#content_note_360_1)المَعاشِ،فَتَرَکوهُم عالَهً مَساکینَ إخوانَ دَبَرٍ ووَبَرٍ [(2)](#content_note_360_2)،أذَلَّ الاُمَمِ دارًا،وأجدَبَهُم قَرارًا،لا یَأوونَ إلی جَناحِ دَعوَهٍ یَعتَصِمونَ بِها،ولا إلی ظِلِّ الفَهٍ یَعتَمِدونَ عَلی عِزِّها،فَالأَحوالُ مُضطَرِبَهٌ، وَالأَیدی مُختَلِفَهٌ،وَالکَثرَهُ مُتَفَرِّقَهٌ،فی بَلاءِ أزلٍ وأطباقِ جَهلٍ ! مِن بَناتٍ مَوؤودَهٍ،وأصنامٍ مَعبودَهٍ،وأرحامٍ مَقطوعَهٍ،وغاراتٍ مَشنونَهٍ.

فَانظُروا إلی مَواقِعِ نِعَمِ اللّهِ عَلَیهِم حینَ بَعَثَ إلَیهِم رَسولًا-فَعَقَدَ بِمِلَّتِهِ طاعَتَهُم،وجَمَعَ عَلی دَعوَتِهِ الفَتَهُم-کَیفَ نَشَرَتِ النِّعمَهُ عَلَیهِم جَناحَ کَرامَتِها،وأسالَت لَهُم جَداوِلَ نَعیمِها،وَالتَفَّتِ المِلَّهُ بِهِم فی عَوائِدِ بَرَکَتِها، فَأَصبَحوا فی نِعمَتِها غَرِقینَ،وفی خُضرَهِ عَیشِها فَکِهینَ.

قَد تَرَبَّعَتِ الاُمورُ بِهِم فی ظِلِّ سُلطانٍ قاهِرٍ،وآوَتهُمُ الحالُ إلی کَنَفِ عِزٍّ غالِبٍ،وتَعَطَّفَتِ الاُمورُ عَلَیهِم فی ذُری [(3)](#content_note_360_3)مُلکٍ ثابِتٍ.فَهُم حُکّامٌ عَلَی العالَمینَ،ومُلوکٌ فی أطرافِ الأَرَضینَ.یَملِکونَ الاُمورَ عَلی مَن کانَ یَملِکُها عَلَیهِم،ویُمضونَ الأَحکامَ فیمَن کانَ یُمضیها فیهِم ! لا تُغمَزُ [(4)](#content_note_360_4)لَهُم قَناهٌ [(5)](#content_note_360_5)،ولا تُقرَعُ لَهُم صَفاهٌ [(6)](#content_note_360_6)ألا وإنَّکُم قَد نَفَضتُم أیدِیَکُم مِن حَبلِ الطّاعَهِ،وثَلَمتُم حِصنَ اللّهِ المَضروبَ عَلَیکُم،بِأَحکامِ الجاهِلِیَّهِ [(7)](#content_note_360_7).

1145-فاطمه علیها السلام -فی خِطابِها لِلمُسلِمینَ بَعدَ أبیها-:کُنتُم عَلی شَفا حُفرَهٍ مِنَ النّارِ مَذقَهَ الشّارِبِ،ونُهزَهَ [(8)](#content_note_360_8)الطّامِعِ،وقَبسَهَ العَجلانِ،ومَوطِئَ الأَقدامِ، تَشرَبونَ الطَّرقَ [(9)](#content_note_360_9)،وتَقتاتونَ القَدَّ [(10)](#content_note_360_10)،أذِلَّهً خاسِئینَ (صاغِرینَ)، تَخافونَ أن یَتَخَطَّفَکُمُ النّاسُ مِن حَولِکُم،فَأَنقَذَکُمُ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالی بِأَبی مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله [(11)](#content_note_360_11).

ص:360

1- (1) عیش نکِدٌ:أی قلیل عَسِرٌ (مجمع البحرین:1831/3).

2- (2) وبر الرجل:تشرّد فصار مع الوبر [حیوان] فی التوحّش (لسان العرب:272/5). [1]

3- (3) الذُّری:جمع ذروه:وهی أعلی سنام البعیر (لسان العرب:284/14). [2]

4- (4) أغمز فی الرجل:استضعفه وعابه وصغر شأنه،والمغامز:المعایب (لسان العرب:389/5 و 390). [3]

5- (5) القناه:الرمح (لسان العرب:203/15).

6- (6) لا تقرع لهم صفاه:أی لا ینالهم أحد بسوء (النهایه:41/3). [4]

7- (7) نهج البلاغه:الخطبه 192. [5]

8- (8) النُّهزه:الفرصه،وانتهزتها:اغتنمتها (النهایه:135/5).

9- (9) الطَّرق:الماء الذی خاضته الإبل وبالت فیه وبعرت (النهایه:123/3). [6]

10- (10) هو جلد السخله فی الجدب (النهایه:21/4). [7]

11- (11) الاحتجاج:49/260/1 [8] عن عبداللّه بن الحسن عن آبائه علیهم السلام،شرح الأخبار:974/35/3 عن محمّد بن سلام بإسناده،الشافی:72/4 عن ابن عائشه،دلائل الإمامه:36/114 عن زید بن علیّ عن آبائه علیهم السلام نحوه؛بلاغات النساء:24 [9] عن زید بن علیّ عن آبائه علیهم السلام نحوه.

از جهت جایگاه،و بدبخت ترین آنان از جهت آسایشگاه؛به زیر بار مهتری گرد نمی آمدند که به آن پناه برند،و به زیر سایۀ الفت و مهربانی یی که بر عزّت و بزرگواری آن،تکیه کنند.پس با حالات نگران و دستهای مختلف و بسیاری پراکنده،در رنج سخت و جهل و نادانی،از قبیل زنده به گور کردن دختران و پرستیدن بتها و دوری جستن از خویشان و غارتگری از هر راهی بودند.پس بنگرید به فرود آمدن نعمتهای خداوند بر ایشان،هنگامی که بر ایشان پیامبری فرستاد،و آنها را فرمانبر شریعت او گردانید،و بر دعوت او ایشان را گرد آورده،با هم مهربانشان ساخت که چگونه نعمت و آسایش،بال بزرگواری خود را به روی آنها گسترده،نهرهای نعمت را برای آنان روان کرد و شریعت [او] آنها را در سودهای پر برکت خود گرد آورد.پس غرق نعمت او شدند و از خرّمی زندگانی آن،خشنود گردیدند؛زندگانی شان در سایۀ پادشاه غالب،برقرار شد و آنها را نیکویی حالشان در کنار بزرگواری و غلبه جا داد.

کارها برای ایشان در سایۀ پادشاهی استوار آسان گردید.پس ایشان، فرمان دهندۀ جهانیان و پادشاهان اطراف زمین بودند؛مسلّط شدند بر کسانی که بر آنها تسلّط داشتند،و فرمانها می دادند بر آنها که فرمانده بودند.

برای ایشان،نیزه ای انداخته و سنگی پرتاب نمی شد.آگاه باشید! شما دستهایتان را از ریسمان طاعت و پیروی رهانیدید و در حصار خدا که به اطراف شما کشیده شده بود،به وسیلۀ حکم های جاهلیت رخنه کردید.

1145.فاطمه علیها السلام -در سخنرانی برای مسلمانها پس از رحلت پدر-:شما بر لب پرتگاه آتش بودید و جرعۀ شیر به آب آمیخته،برای نوشندگان،و فرصتی برای فرصت جویان و شتابزدگان،و لگدمال دیگران بودید؛آبهای آمیخته به سرگین و ادرار شتران می آشامیدید و پوست برّه غذایتان بود؛خوار و پست بودید و هراس داشتید که شما را از اطراف بربایند.پس خداوند تبارک و تعالی،شما را به واسطه پدرم محمد صلی الله علیه و آله نجات داد.

ص:361

1146-الإمام الهادی علیه السلام -فی خُطبَتِهِ-:الحَمدُ للّهِ ِ العالِمِ بِما هُوَ کائِنٌ مِن قَبلِ أن یَدینَ لَهُ مِن خَلقِهِ دائِنٌ...وأنَّ مُحَمَّدًا عَبدُهُ ورَسولُهُ المُصطَفی ووَلِیُّهُ المُرتَضی وبَعیثُهُ بِالهُدی،أرسَلَهُ عَلی حینِ فَترَهٍ مِنَ الرُّسُلِ،وَاختِلافٍ مِنَ المِلَلِ، وَانقِطاعٍ مِنَ السُّبُلِ،ودُروسٍ مِنَ الحِکمَهِ،وطُموسٍ مِن أعلامِ الهُدی وَالبَیِّناتِ،فَبَلَّغَ رِسالَهَ رَبِّهِ،وصَدَعَ بِأَمرِهِ،وأدَّی الحَقَّ الَّذی عَلَیهِ،وتُوُفِّیَ فَقیدًا مَحمودًا صلی الله علیه و آله [(1)](#content_note_362_1).

ص:362

1- (1) الکافی:6/372/5 [1] عن عبدالعظیم بن عبداللّه [الحسنی].

1146.امام هادی علیه السلام -در خطبه اش-:حمد از آنِ خداوندی است که به آنچه هست، آگاه است،پیش از آنکه کسی به دینش گردن نهد؛و به راستی که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستادۀ برگزیدۀ او،و دوست پسندیده،و مبعوث شدۀ به هدایت است.او را در زمان نیامدن پیامبران و اختلاف ملّتها و بریدگی راهها و کهنه شدن حکمت،و محو شدن نشانه های هدایت و شواهد فرستاد.او رسالت پروردگار را ابلاغ کرد و فرمانش را آشکار ساخت،و وظیفه ای که بر او بود،به انجام رسانید،و دنیا را ترک کرد،در حالی که محمود و پسندیده بود.

ر.ک:إسراء:31-35،انعام:152،ممتحنه:12.

ص:363

##### سخنی دربارۀ جاهلیّت

قرآن،روزگار قبل از اسلامِ عرب را دورۀ جاهلیّت نامیده است و این،از آن جهت است که در آن روزگار،به جای علم،جهل و به جای حق،یک سلسله آرای سفیهانه و باطلی بر آنان،حکومت می کرده است.قرآن،خصوصیات آنان را چنین بیان می کند:

یَظُنُّونَ بِاللّهِ غَیْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجاهِلِیَّهِ.

دربارۀ خدا،گمانهای ناروا،همچون گمانهای [دوران] جاهلیت می بردند.

أَ فَحُکْمَ الْجاهِلِیَّهِ یَبْغُونَ.

آیا خواستار حکم جاهلیت اند؟

إِذْ جَعَلَ الَّذِینَ کَفَرُوا فِی قُلُوبِهِمُ الْحَمِیَّهَ حَمِیَّهَ الْجاهِلِیَّهِ.

آن گاه که کافران در دلها خود،تعصّب [آن هم] تعصّب جاهلیت ورزیدند.

وَ لا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِیَّهِ الْأُولی.

و مانند روزگار جاهلیت قدیم،زینتهای خود را آشکار مکنید.

جامعۀ عرب،در آن روزگار از طرف جنوب،همجوار حبشه بود و مردم حبشه، نصرانی بودند؛از طرف مغرب به امپراتوری روم-که آنان نیز نصرانی بودند-منتهی می شد و از طرف شمال به ایران-که مجوسی بودند-محدود می گشت و در نواحی

ص:364

دیگر،هند و مصر-که بت پرست بودند-قرار داشت.

در میان خود عربها نیز طوائفی از یهود زندگی می کردند.خود عربها دارای آیین بت پرستی بودند و اغلب با زندگی قبیلگی سیر می کردند.این اوضاع و شرایط،برای آنان یک جامعۀ بدوی و بی اساس که مخلوطی از آداب و رسوم یهود و نصاری و مجوس بود،به وجود آورده بود و مردم نیز در نادانی و بی خبری کامل به سر می بردند.خداوند [دربارۀ آنها] چنین فرموده است:

وَ إِنْ تُطِعْ أَکْثَرَ مَنْ فِی الْأَرْضِ یُضِلُّوکَ عَنْ سَبِیلِ اللّهِ إِنْ یَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَ إِنْ هُمْ إِلاّ یَخْرُصُونَ.

و اگر از بیشتر کسانی که در [این سر]زمین می باشند،پیروی کنی،تو را از راه خدا گمراه می کنند.آنان جز از گمانِ [خود] پیروی نمی کنند و جز به حدس و تخمین نمی پردازند.

این قبایل بیابانگرد،زندگی پستی داشتند؛پیوسته گرفتار جنگ و غارت و چپاول اموال و تجاوز به نوامیس یکدیگر بودند و هیچ گونه امنیت و امانتداری و یا صلح و صفایی در بین آنان نبود؛آن کس پیش می افتاد که چنگالی تیزتر می داشت و ریاست،از آن کسی بود که می توانست با زور ناحیه ای را تسخیر کند.

در بین مردان،فضیلت این بود که خونریزی کنند و تعصّب جاهلی داشته،متکبّر و مغرور باشند؛از ستمکاران پیروی نموده،حقوق ستمدیدگان را پایمال نمایند؛ ظلم و تجاوز کنند؛قمار ببازند،و شرابخواری کرده،زنا کنند و مردار و خون و هستۀ خرما بخورند.

امّا زنان آنان هم از مزایای انسانی محروم بودند و به هیچ وجه مالک اراده و اعمال خود نبودند و به آنها ارث نمی رسید،مردان بی حساب زن می گرفتند؛همان طور که یهود و بعضی از بت پرستها عادت داشتند.در عین حال،زنها خود را می آراستند و هر که را دوست می داشتند به خود می خواندند؛زنا و بی ناموسی در

ص:365

بین آنان رایج بود،و حتّی زنهای شوهر دار هم آلوده بودند و بسا که در مراسم حج هم با بدن برهنه شرکت می کردند.

امّا فرزندان آنها به پدران منتسب می شدند؛ولی هنگام کودکی،از ارث محروم بودند و تنها فرزندان بزرگ،میراث را تصرّف می کردند و از جمله چیزهایی که،آنان به ارث می بردند،زن شخص متوفّا بود و به طور کلّی،دختران،چه صغیر و چه کبیر، و همچنین پسران صغیر،از ارث حقّی نداشتند؛مگر اینکه اگر کسی می مرد و فرزند صغیری از خود باقی می گذارد،اشخاص زورمند سرپرستی اموال یتیم را به عهده گرفته،اموال وی را می خوردند،و اگر این فرزند یتیم،دختر می بود،با او ازدواج کرده،اموالش را تصرّف می کردند؛سپس او را طلاق می دادند و رهایش می نمودند.

در این موقع،آن دختر،نه ثروتی می داشت که گذران زندگی کند،و نه کسی رغبت به ازدواج با او می کرد تا مخارجش را هم متحمّل شود.

مسئله غصب حقوق ایتام،از بزرگ ترین حوادث شایع بین آنان بود؛چه آنکه دائماً دست به گریبان جنگها و غارتها و چپاول بودند،و طبعاً قتل و کشتار زیاد و ماجرای یتیمان بی سرپرست،تکرار می شد.

از بدبختی های بزرگ فرزندان،یکی هم این بود که سرزمین های خراب و اراضی قفر و بی آب و علف،به سرعت گرفتار قحطی می شد و کار به جایی می رسید که مردم از ترس فقر و تنگدستی،فرزندان خود را می کشتند.و دختران را زنده به گور می کردند.بزرگ ترین خبر ناگوار،این بود که به کسی خبر دهند که زنش دختر زاییده است.

امّا از نظر حکومت اگر چه در اطراف شبه جزیره عربستان،شاهانی حکومت می کردند که تحت الحمایۀ همسایگان زورمند و نزدیک خود بودند؛مثل ایران برای نواحی شمال و روم برای نواحی مغرب و حبشه برای نواحی مشرق؛بجز قسمتهای مرکزی،مانند مکّه و یثرب و طائف و غیره،که در وضعیتی به سر می بردند که شبیه

ص:366

جمهوری بوده؛ولی جمهوری هم نبوده است و قبایل در بیابانها و حتّی گاهی هم در شهرها توسط رؤسا و بزرگان قبیله اداره می شدند و گاهی هم این وضع،تبدیل به حکومت پادشاهی می شده است.

این هرج و مرج عجیبی بوده است که در بین هر جمعی از آنان،به صورتی جلوه می کرده و در هر ناحیه ای از سرزمین شبه جزیره عربستان،با آداب و مراسم عجیب و عقائد خرافی آنان،به وضعی در می آمده است گذشته از این،همۀ آنها گرفتار بلای بزرگ بی سوادی بودند و تعلیم و تعلّم،حتّی در شهرهای آنان وجود نداشته است تا چه رسد به عشایر و قبائل.

تمام این احوال و اعمال و عادات و رسومی که برای آنان ذکر کردیم،از اموری هستند که از آیات قرآن و خطاباتی که متوجّه آنها شده است،به خوبی استفاده می شود.

تدبّر در آیات و خطاباتی که نخست در مکّه و سپس بعد از قدرت یافتن اسلام در مدینه نازل شد و اوصاف آنها را مورد بررسی قرار داده است؛همچنین دقّت در مذمّت و سرزنش هایی که نسبت به آنان شده و مطالعه در نهی های شدید و ضعیفی که متوجّه آنان گشته است.بزرگ ترین سند صحّت مطالبی است که به آنان نسبت دادیم.گذشته از آنکه تاریخ نیز تمام این مطالب را ذکر کرده است و آنچه را هم که ما به موجب اجمال و اختصار آیات بیان نکردیم،به طور مفصّل تذکّر می دهد.

مختصرترین کلمه ای که به خوبی همۀ این امور را می رساند،همان است که قرآن این دوره را به نام دورۀ جاهلیت نامگذاری کرده است و تنها همین تعبیر مختصر، تمام آن معانی دامنه دار را در بردارد.این وضع عرب در آن روزگار بود.

ص:367

2/6 دینُ الجاهِلِیَّهِ

أ:عِبادَهُ غَیرِ اللّهِ

الکتاب

وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَهً لا یَخْلُقُونَ شَیْئاً وَ هُمْ یُخْلَقُونَ وَ لا یَمْلِکُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَ لا نَفْعاً وَ لا یَمْلِکُونَ مَوْتاً وَ لا حَیاهً وَ لا نُشُوراً [(1)](#content_note_368_1).

ب:جَعلُ الوَلَدِ للّهِ ِ

وَ یُنْذِرَ الَّذِینَ قالُوا اتَّخَذَ اللّهُ وَلَداً \* ما لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَ لا لِآبائِهِمْ کَبُرَتْ کَلِمَهً تَخْرُجُ مِنْ أَفْواهِهِمْ إِنْ یَقُولُونَ إِلاّ کَذِباً [(2)](#content_note_368_2) [(3)](#content_note_368_3).

وَ یَجْعَلُونَ لِلّهِ الْبَناتِ سُبْحانَهُ وَ لَهُمْ ما یَشْتَهُونَ [(4)](#content_note_368_4).

أَ فَأَصْفاکُمْ رَبُّکُمْ بِالْبَنِینَ وَ اتَّخَذَ مِنَ الْمَلائِکَهِ إِناثاً إِنَّکُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلاً عَظِیماً [(5)](#content_note_368_5).

أَمْ لَهُ الْبَناتُ وَ لَکُمُ الْبَنُونَ [(6)](#content_note_368_6).

أَ فَرَأَیْتُمُ اللاّتَ وَ الْعُزّی \* وَ مَناهَ الثّالِثَهَ الْأُخْری \* أَ لَکُمُ الذَّکَرُ وَ لَهُ الْأُنْثی \* تِلْکَ إِذاً قِسْمَهٌ ضِیزی [(7)](#content_note_368_7) [(8)](#content_note_368_8).

\* الحدیث

1147-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: قالَ اللّهُ:کَذَّبَنِی ابنُ آدَمَ ولَم یَکُن لَهُ ذلِکَ،وشَتَمَنی ولَم یَکُن لَه ُ ذلِکَ.فَأَمّا تَکذیبُهُ إیّایَ فَزَعَمَ أنّی لا أقدِرُ أن اعیدَهُ کَما کانَ،وأمّا شَتمُهُ

ص:368

1- (1) الفرقان:3. [1]

2- (2) الکهف:4 و 5. [2]

3- (3) قوله تعالی: «وَ یُنْذِرَ الَّذِینَ قالُوا اتَّخَذَ اللّهُ وَلَداً» وهم عامّه الوثنیّین القائلین بأنّ الملائکه أبناء أو بنات له،وربّما قالوا بذلک فی الجنّ والمصلحین من البشر،والنصاری القائلین بأنّ المسیح ابن اللّه،وقد نسب القرآن إلی الیهود أنّهم قالوا:عزیر ابن اللّه.تفسیر المیزان:238/13، [3]وراجع:تفسیر القمّی:30/2؛ [4]تفسیر الطبریّ:/9الجزء 193/15، [5]تفسیر الدرّ المنثور:334/3. [6]

4- (4) النحل:57. [7]

5- (5) الإسراء:40. [8]

6- (6) الطور:39. [9]

7- (7) النجم:19-22. [10]

8- (8) قال الکلبی فی کتاب الأصنام: [11]کانت قریش تطوف بالکعبه وتقول: واللاتِ والعُزّی ومناه الثالثه الاُخری! فإنّهنّ الغرانیق العُلی وإنّ شفاعتهنّ لترتجی ! کانوا یقولون:بنات اللّه (عزّوجلّ عن ذلک !) وهنّ یشفعن إلیه.فلمّا بعث اللّه رسوله أنزل علیه:«أَفَرَأیْتُمُ...إِنْ هیَ إِلَّا أَسْماءٌ سَمَّیْتُمُوها أَنْتُمْ وَآباؤُکُمْ مَا أَنْزَلَ اللّهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ».(الأصنام:34، [12]وراجع:تفسیر القمّی:338/2). [13]والغرانیق:الأصنام، [14]وهی فی الأصل الذکور من طیر الماء (النهایه:364/3). [15]

#### 2/6 دین جاهلیت

##### الف:عبادت غیر خدا

قرآن

و به جای او،خدایانی برای خود گرفته اند که چیزی را خلق نمی کنند و خود،خلق شده اند و برای خود؛نه زیانی در اختیار دارند و نه سودی را،و نه مرگی را در اختیار دارند و نه حیاتی و نه رستاخیزی را.

ر.ک:اعراف:191-195،سبأ:22.

##### ب:فرزند قرار دادن برای خداوند

و تا کسانی را که گفته اند:خداوند فرزندی گرفته است،هشدار دهد.نه آنان و نه پدرانشان به این [ادّعا]،دانشی ندارند.بزرگ سخنی است که از دهانشان برمی آید؛ [آنان] جز دروغ نمی گویند.

و برای خدا دخترانی می پندارند؛منزّه است او؛و برای خودشان آنچه را میل دارند [قرار می دهند].آیا [پنداشتید که] پروردگارتان شما را به [داشتن] پسران اختصاص داده و خود از فرشتگان،دخترانی برگرفته است؟حقّا که شما سخنی بس بزرگ می گویید.

آیا خدا را دختران است و شما را پسران؟

به من خبر دهید از لات و عزّی،و منات،آن سومین دیگر.آیا [به خیالتان] برای شما پسران است و برای او دختر؟در این صورت،این تقسیم نادرستی است.

ر.ک:انعام:100 و 101،صافّات:149-154،زخرف:16.

حدیث

1147.پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند فرمود:فرزند آدم،مرا تکذیب کرد،با اینکه این حقّ را نداشت؛مرا دشنام داد،با آنکه چنین حقّی نداشت؛امّا تکذیب من آن بود که گمان می کرد که نمی توانم او را آن گونه [که در دنیا بود]،بازگردانم؛و امّا

ص:369

إیّایَ فَقَولُهُ:«لی وَلَدٌ»،فَسُبحانی أن أتَّخِذَ صاحِبَهً أو وَلَدًا [(1)](#content_note_370_1).

1148-مُجاهِدٌ: قالَ کُفّارُ قُرَیشٍ:المَلائِکَهُ بَناتُ اللّهِ،واُمَّهاتُهُم بَناتُ سَرَواتِ [(2)](#content_note_370_2)الجِنِّ [(3)](#content_note_370_3).

1149-ابنُ عَبّاسٍ -فی تَفسیرِ قَولِهِ تَعالی: وَ یَجْعَلُونَ لِلّهِ الْبَناتِ... الآیه-:یَجعَلونَ للّهِ ِ البَناتِ،تَرضَونَهُنَّ لی ولا تَرضَونَهُنَّ لِأَنفُسِکُم.وذلِکَ أنَّهُم کانوا فِی الجاهِلِیَّهِ إذا وُلِدَ لِلرَّجُلِ مِنهُم جارِیَهٌ أمسَکَها عَلی هونٍ أو دَسَّها فِی التُّرابِ وهِیَ حَیَّهٌ [(4)](#content_note_370_4).

ج:جَعلُ الجِنِّ شُرَکاءَ للّهِ ِ

الکتاب

وَ جَعَلُوا لِلّهِ شُرَکاءَ الْجِنَّ وَ خَلَقَهُمْ وَ خَرَقُوا لَهُ بَنِینَ وَ بَناتٍ بِغَیْرِ عِلْمٍ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمّا یَصِفُونَ [(5)](#content_note_370_5).

وَ یَوْمَ یَحْشُرُهُمْ جَمِیعاً ثُمَّ یَقُولُ لِلْمَلائِکَهِ أَ هؤُلاءِ إِیّاکُمْ کانُوا یَعْبُدُونَ \* قالُوا سُبْحانَکَ أَنْتَ وَلِیُّنا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ کانُوا یَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَکْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ [(6)](#content_note_370_6).

د:جَعلُ النَّسَبِ بَینَ اللّهِ وَالجِنِّ

وَ جَعَلُوا بَیْنَهُ وَ بَیْنَ الْجِنَّهِ نَسَباً وَ لَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّهُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ [(7)](#content_note_370_7) [(8)](#content_note_370_8).

ه:تَحریمُ بَعضِ الأَنعامِ

قُلْ أَ رَأَیْتُمْ ما أَنْزَلَ اللّهُ لَکُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَراماً وَ حَلالاً قُلْ آللّهُ أَذِنَ لَکُمْ أَمْ عَلَی اللّهِ تَفْتَرُونَ [(9)](#content_note_370_9).

فَکُلُوا مِمّا رَزَقَکُمُ اللّهُ حَلالاً طَیِّباً وَ اشْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ إِنْ کُنْتُمْ إِیّاهُ تَعْبُدُونَ إِنَّما حَرَّمَ

ص:370

1- (1) صحیح البخاری:4212/1629/4 عن ابن عبّاس وص 4690/1903،سنن النسائی:112/4،مسند ابن حنبل:8227/199/3 و ص 8618/264 کلّها عن أبی هریره نحوه.

2- (2) سروات الجنّ:أی أشرافهم (النهایه:363/2).

3- (3) صحیح البخاری:1200/3،وراجع تفسیر الطبریّ:/12الجزء 108/23. [1]

4- (4) تفسیر الطبریّ:/8الجزء 123/14، [2]تفسیر الدرّ المنثور:138/5 [3] وفیه«یرضونهنّ له ولا یرضونهنّ لأنفسهم».

5- (5) الأنعام:100. [4]

6- (6) سبأ:40 و 41. [5]

7- (7) الصافّات:158. [6]

8- (8) اختلفت أقوال المفسّرین فی تعیین هذا النسب؛فابن عبّاس یذهب إلی أنّها تختصّ بثلاثه أحیاء من قریش وهم:سلیم،وخزاعه،وجهینه،حیث یقولون:صاهر إلی کرام الجنّ.ونُقل عن ابن عبّاس أیضًا:زعم أعداء اللّه أنّه تبارک وتعالی وإبلیس أخوان.وطبقًا لنقل بعض المفسّرین أنّ جماعه من العرب یعتبرون الجنّ ملائکه،وأنّ الملائکه هم بنات اللّه ! لکن الذی یقوی فی النظر هو أنّ الآیه عامّه وهی تشمل کلّ العلاقات حتّی العلاقه النسبیّه،راجع:تفسیرالدرّ المنثور:133/7،تفسیر الطبریّ:/12الجزء 108/23؛ [7]تفسیر المیزان:173/17، [8]تفسیر نمونه:174/19 [9] وص 222 ح 1129.

9- (9) یونس:59. [10]

دشنامش این بود که برای من،فرزند قرار داد.منزّه ام از اینکه همسر یا فرزندی داشته باشم.

1148.مجاهد: کافران قریش می گفتند:فرشتگان،دختران خدایند و مادرانشان، دختران بزرگان پریان اند.

1149.ابن عباس -در تفسیر آیۀ«و برای خدا دخترانی قرا می دهند»-:«برای خدا دخترانی را قرار می دهند»،[یعنی] آنان را برای من [خداوند] می پسندید و برای خود نمی پسندید؛زیرا در جاهلیت هنگامی که دختری برای کسی به دنیا می آمد،او را با سَبُکی و خواری نگاه می داشتند یا زنده به گورش می کردند.

##### ج:جن را شریک خداوند قرار دادن

و برای خدا شریکانی از جن قرار دادند،با اینکه خدا آنها را خلق کرده است؛و برای او،بی هیچ دانشی،پسران و دخترانی تراشیدند.او پاک و برتر است،از آنچه وصف می کنند.

و [یاد کن] روزی را که همه آنان را محشور می کند.آن گاه به فرشتگان می فرماید:

«آیا اینها بودند که شما را می پرستیدند؟».می گویند:«منزّهی تو.سرپرست ما تویی نه آنها؛بلکه جنّیان را می پرستیدند؛بیشترشان به آنها اعتقاد داشتند».

د:اعتقاد به خویشاوندی خدا با جن

و میان خدا و جنها پیوندی انگاشتند،و حال آنکه جنّیان نیک دانسته اند که [برای حساب پس دادن] خودشان احضار خواهند شد.

##### ه:برخی چارپایان را حرام کردن

بگو:به من خبر دهید،آنچه از روزی که خدا برای شما فرود آورده.[چرا] بخشی از آن را حرام و [بخشی] را حلال گردانیده اید؟بگو:آیا خدا به شما اجازه داده یا بر خدا دروغ می بندید؟

پس از آنچه خدا شما را روزی کرده است،حلال [و] پاکیزه بخورید،و نعمت خدا را -اگر تنها او را می پرستید-شکر گزارید.جز این نیست که [خدا]،مردار و خون و گوشت خوک و

ص:371

عَلَیْکُمُ الْمَیْتَهَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِیرِ وَ ما أُهِلَّ لِغَیْرِ اللّهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَیْرَ باغٍ وَ لا عادٍ فَإِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ وَ لا تَقُولُوا لِما تَصِفُ أَلْسِنَتُکُمُ الْکَذِبَ هذا حَلالٌ وَ هذا حَرامٌ لِتَفْتَرُوا عَلَی اللّهِ الْکَذِبَ إِنَّ الَّذِینَ یَفْتَرُونَ عَلَی اللّهِ الْکَذِبَ لا یُفْلِحُونَ [(1)](#content_note_372_1).

وَ قالُوا هذِهِ أَنْعامٌ وَ حَرْثٌ حِجْرٌ لا یَطْعَمُها إِلاّ مَنْ نَشاءُ بِزَعْمِهِمْ وَ أَنْعامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُها وَ أَنْعامٌ لا یَذْکُرُونَ اسْمَ اللّهِ عَلَیْهَا افْتِراءً عَلَیْهِ سَیَجْزِیهِمْ بِما کانُوا یَفْتَرُونَ وَ قالُوا ما فِی بُطُونِ هذِهِ الْأَنْعامِ خالِصَهٌ لِذُکُورِنا وَ مُحَرَّمٌ عَلی أَزْواجِنا وَ إِنْ یَکُنْ مَیْتَهً فَهُمْ فِیهِ شُرَکاءُ سَیَجْزِیهِمْ وَصْفَهُمْ إِنَّهُ حَکِیمٌ عَلِیمٌ [(2)](#content_note_372_2).

ما جَعَلَ اللّهُ مِنْ بَحِیرَهٍ وَ لا سائِبَهٍ وَ لا وَصِیلَهٍ وَ لا حامٍ وَ لکِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا یَفْتَرُونَ عَلَی اللّهِ الْکَذِبَ وَ أَکْثَرُهُمْ لا یَعْقِلُونَ [(3)](#content_note_372_3).

\* الحدیث

1150-الإمام الصادق علیه السلام: البَحیرَهُ إذا وَلَدَت ووَلَدَ وَلَدُها بُحِرَت [(4)](#content_note_372_4).

1151-عنه علیه السلام -فی قَولِ اللّهِ تَعالی: ما جَعَلَ اللّهُ مِنْ بَحِیرَهٍ وَ لا سائِبَهٍ وَ لا وَصِیلَهٍ وَ لا حامٍ -:إنَّ أهلَ الجاهِلِیَّهِ کانوا إذا وَلَدَتِ النّاقَهُ وَلَدَینِ فی بَطنٍ واحِدٍ قالوا:

وَصَلَت،فَلا یَستَحِلّونَ ذَبحَها ولا أکلَها،وإذا وَلَدَت عَشرًا جَعَلوها سائِبَهً،ولا یَستَحِلّونَ ظَهرَها ولا أکلَها،وَالحامُ:فَحلُ الإِبِلِ لَم یَکونوا یَستَحِلّونَهُ،فَأَنزَلَ اللّهُ عز و جل:أنَّهُ لَم یُحَرِّم شَیئًا مِن ذلِکَ [(5)](#content_note_372_5)[(6)](#content_note_372_6).

ص:372

1- (1) النحل:114-116. [1]

2- (2) الأنعام:138 و 139. [2]

3- (3) المائده:103. [3]

4- (4) تفسیر العیّاشی:215/348/1 [4] عن عمّار بن أبی الأحوص.

5- (5) معانی الأخبار:1/148،تفسیر العیّاشی:213/347/1 [5] کلاهما عن محمّد بن مسلم،وراجع تفسیر مجمع البیان:390/3،تفسیر التبیان:41/4،تفسیر القمّی:188/1. [6]

6- (6) قال الشیخ الصدوق فی معانی الأخبار بعد ذکره للحدیث الشریف:«وقد روی أنّ البحیره الناقه إذا أنتجت خمسه أبطن،فإن کان الخامس ذکرًا نحروه فأکله الرجال والنساء،وإن کان الخامس انثی بحروا اذنها أی شقّوه،وکانت حرامًا علی النساء والرجال لحمها ولبنها،وإذا مات حلّت للنساء.والسائبه البعیر یسیب بنذر یکون علی الرجل إن سلّمه اللّه عزّوجلّ من مرض أو بلّغه منزله أن یفعل ذلک.والوصیله من الغنم کانوا إذا ولدت الشاه سبعه أبطن،فإن کان السابع ذکرًا ذبح فأکل منه الرجال والنساء،وإن کانت انثی ترکت فی الغنم،وإن کان ذکرًا واُنثی قالوا:وصلت أخاها فلم تذبح،وکان لحومها حرامًا علی النساء إلّاأن یکون یموت منها شیء فیحلّ أکلها للرجال والنساء.والحام الفحل إذا رکب ولد ولده قالوا:قد حمی ظهره.وقد یروی أنّ الحام هو من الإبل إذا أنتج عشره أبطن،قالوا:قد حمی ظهره فلا یرکب ولا یمنع من کلاء ولا ماء (معانی الأخبار:1/148).

آنچه را که نام غیر خدا بر آن برده شده،حرام گردانیده است.[با این همه،] هر کس که [به خوردن آنها] ناگزیر شود و سرکش و زیاده خواه نباشد،قطعاً خدا آمرزندۀ مهربان است؛و برای آنچه زبان شما به دروغ می پردازد،مگویید:این حلال است و آن حرام،تا بر خدا دروغ بندید؛زیرا کسانی که بر خدا دروغ می بندند،رستگار نمی شوند.

و به زعم خودشان گفتند:«اینها دامها و کشتزار[های] ممنوع است که جز کسی که ما بخواهیم،نباید از آن بخورد؛و دامهایی است که [سوار شدن بر] پشت آنها حرام شده است؛و دامهایی [داشتند] که [هنگام ذبح،] نام خدا را بر آن [ها] نمی بردند،به صرف افترا بر [خدا].بزودی [خدا] آنان را به خاطر آنچه افترا می بستند،جزا می دهد.

و گفتند:آنچه در شکم این دامهاست،اختصاص به مردان ما دارد و بر همسران ما حرام شده است،و اگر [آن جنین] مرده باشد،همۀ آنان [از زن و مرد] در آن شریک اند.

بزودی [خدا] توصیف آنان را سزا خواهد داد؛زیر او حکیم داناست.

خدا [چیزهایی ممنوعی از قبیل:] بحیره [ماده شتری که پنج بار زاییده] و سائبه [ماده شتری که دوازده بار زاییده] و وصیله [ماده گوسفندی که هفت بار بچّه آورده] و حام [حیوان نری که برای آبستن کردن حیوانات ماده از آن استفاده می شد] قرار نداده است؛ولی کسانی که کفر ورزیدند،بر خدا دروغ می بندند،و بیشترشان تعقّل نمی کنند.

حدیث

1150.امام صادق علیه السلام: هنگامی که شتر ماده بزاید و فرزند او هم بزاید،بحیره نامیده می شود.

1151.امام صادق علیه السلام -در تفسیر سخن خداوند که؛«خدا [چیزهایی ممنوع از قبیل:] بحیره و سائبه و وصیله و حام قرار نداده»-:مردمان جاهلی،شتر ماده ای را که دو قلو بزاید،«وصیله»می دانستند؛از این رو،کُشتن و خوردن آن را جایز نمی شمردند؛واگر ده بچه می زایید،آن را«سائبه»می نامیدند وسواری گرفتن از آن و خوردن آن را حلال نمی داستند؛و«حام»،حیوان نری بود [که برای آبستن کردن حیوانات ماده از آن استفاده می شد] که آن را نیز حلال نمی دانستند.سپس خداوند،آیه نازل کرد که هیچ یک از اینها را حرام نکرده است.

ص:373

توضیحی دربارۀ تحریم برخی چارپایان در جاهلیت

جهالت عمیق اعراب پیش از اسلام،زمینۀ سودجویی سران و شیوخ آنان را فراهم آورده بود.طاغوتهای جاهلی،در دوران فترت رسولان الهی،با نام سنّتهای دینی و رسوم اجتماعی،از احساسات پاک مردم،سوء استفاده می کردند و در جهت تأمین منافع خود،بدعتهایی را بنا نهادند.یکی از آنان که تاریخ،او را به نام عمرو بن لحی می شناسد،بر یکی از مهمترین دارایی های عرب،یعنی شتر دست نهاد و احکامی را برای آن وضع کرد و به صورت سنّتی مقدّس درآورد.

در نتیجۀ این بدعت،استفاده از چهار دسته شتر محدود گشت.این چهار دسته که به نام«بحیره»،«سائبه»،«وصیله»و«حام»خوانده می شدند،به معانی متفاوت،ولی متقارب،تفسیر شده اند؛ [(1)](#content_note_374_1)امّا همۀ آنها در این نکته مشترک اند که برای این شتران، حرمتی خودْ ساخته قائل شده و استفاده از شیر و گوشت و پشم و قدرت حمل این چهار دسته،برای بسیاری حرام و برای بعضی و از جمله متولّیان و خدمتگزار بتها

ص:374

1- (1) .برخی معانی این الفاظ در متن و پاورقی آمد و برای اطلاع از معانی دیگر به کتب تفسیری مراجعه کنید.ر.ک:از جمله تفسیر مجمع البیان،ج 3،ص 390؛ [1]تفسیر التبیان،ج 4،ص 41؛تفسیر القمّی،ج 1،ص 188؛تفسیر المیزان،ج 6،ص 156؛تفسیر الطبری،ج 5،جزء 7،ص 86؛تفسیر الدرّ المنثور،ج 3،ص 211 و نیز سیرۀ ابن هشام،ج 1،ص 91.

حلال خوانده می شد.

پیوند این بدعت و دیدگاه تحقیرآمیز اعراب جاهلی به زن،موجب تشدید و غلظت این حکم بر زنان شد و آنان،فقط در صورت مردار شدن شتر،حق خوردن گوشت آن را پیدا می کردند.این حرمت تخیّلی،دست متولّیان و خدمتگزاران بتها را در استفادۀ بی محابا از مرتعها و آب چشمه ها و چاههای کمیاب عربستان باز می گذاشت؛همچنین موجب می گشت که شتران را برای شکرگزاری و یا برآورده شدن حاجات،نذر بتهای سنگی و متولّیان آن کنند.

قرآن مجید با چهار آیۀ کریمِ فوق به پیکار با این بدعت جاهلی برخاست و در جهت مبارزه با بت و بت پرستی و انهدام سنّتهای پوشالیِ گره خورده به آن،ادّعای آنان را افترایی بیش ندانسته،چهرۀ متولّیان و بت پرستان و بت سازان را افشا کرده و اعلان نموده است که تحلیل و تحریم چارپایان منحصراً در اختیار خدای سبحان است و او این چهار دسته را-درست بر خلاف عقیدۀ جاهلانۀ اعراب-حرام ندانسته و مردار و هر آنچه را برای بتها و غیر خدا سر می برند،حرام کرده است.

ص:375

و:تَقسیمُ الحَرثِ وَالأَنعامِ بَینَ اللّهِ وَالأَصنامِ

الکتاب

وَ جَعَلُوا لِلّهِ مِمّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَ الْأَنْعامِ نَصِیباً فَقالُوا هذا لِلّهِ بِزَعْمِهِمْ وَ هذا لِشُرَکائِنا فَما کانَ لِشُرَکائِهِمْ فَلا یَصِلُ إِلَی اللّهِ وَ ما کانَ لِلّهِ فَهُوَ یَصِلُ إِلی شُرَکائِهِمْ ساءَ ما یَحْکُمُونَ [(1)](#content_note_376_1).

وَ قالُوا هذِهِ أَنْعامٌ وَ حَرْثٌ حِجْرٌ لا یَطْعَمُها إِلاّ مَنْ نَشاءُ بِزَعْمِهِمْ وَ أَنْعامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُها وَ أَنْعامٌ لا یَذْکُرُونَ اسْمَ اللّهِ عَلَیْهَا افْتِراءً عَلَیْهِ سَیَجْزِیهِمْ بِما کانُوا یَفْتَرُونَ [(2)](#content_note_376_2).

وَ یَجْعَلُونَ لِما لا یَعْلَمُونَ نَصِیباً مِمّا رَزَقْناهُمْ تَاللّهِ لَتُسْئَلُنَّ عَمّا کُنْتُمْ تَفْتَرُونَ [(3)](#content_note_376_3).

ص:376

1- (1) الأنعام:136،138. [1]

2- (2) الأنعام:136،138. [2]

3- (3) النحل:56. [3]

##### و:کشتزارها و دامها را بین خدا و بُتان تقسیم کردن

قرآن

و [مشرکان] برای خدا از آنچه کِشت و دامها که آفریده است،سهمی گذاشتند،و به پندار خودشان گفتند:این،ویژۀ خداست و این،ویژۀ بُتان ما.پس آنچه خاصّ بتانشان بود به خدا نمی رسید،و[لی] آنچه خاصّ خدا بود،به بتانشان می رسید؛چه بد داوری می کنند.

و به زعم خودشان گفتند:اینها دامها و کشتزار[های] ممنوع است که جز کسی که ما بخواهیم،نباید از آن بخورد،و دامهایی است که [سوار شدن بر] پشت آنها حرام شده است؛و دامهایی [داشتند] که [هنگام ذبح،] نام خدا را بر آن[ها] نمی بردند،به صرف افترا بر [خدا] به زودی [خدا] آنان را به خاطر آنچه افترا می بستند،جزا می دهد.

و از آنچه به ایشان روزی دادیم،نصیبی برای آن [خدایانی] که نمی دانند [چیست]،می نهند.به خدا سوگند که از آنچه دروغ بر می بافتید،حتماً سؤال خواهید شد.

بیان:

عقیدۀ جاهلانه به شریکان متعدد (اصنام) برای خداوند،اعراب را بر آن می داشت تا به بنای بتکده و تأمین معاش خدمتگزاران آنها روی آورده،آنان را شریک زندگی خود قرار دهند و در دارایی عمدۀ خود،«دام و زراعت»را با آنان تقسیم کنند و نصیبی را برای آنان در کنار سهم خداوند،معیّن کنند؛سهم خداوند را به مصارف عمومی،همچون اطعام مهمانان و در راه ماندگان می رساندند و نصیب اصنام را در اختیار خدمتگزاران بتها می گذاردند.

افزون بر این،خدمتگزاران پر طمع و حریص بتکده ها،هر گاه آفتی به زراعت می رسید و یا رشد کمتری می کرد و یا با نصیب خداوند مخلوط می گشت،با ترفند مکّارانۀ«خدا غنی است»،سهم خود را به تمام و کمال،استیفا می کردند و کسری آن را از سهم خداوند،جبران می کردند و هیچ گاه در جهت جبران سهم خداوند از سهم اصنام برنمی آمدند.این کاهش و افزونی در محصول،گاه نتیجۀ ترفندهای پیشین بود؛بدین گونه که هنگام آبیاری،اگر آب زمینی که نصیب خداوند در آن کِشت شده بود،به زمین اصنام می رفت،جلوی آن را نمی گرفتند؛امّا در حالت عکس آن،آب را می بستند.

سنّت پوشالی تقسیم و تشریک،در دام نیز جریان داشت که در بیان فصل پیشین به آن اشاره شد.

ص:377

ز:الطَّوافُ عُریًا

1152-الإمام الصادق علیه السلام: کانَتِ العَرَبُ فِی الجاهِلِیَّهِ عَلی فِرقَتَینِ:الحِلِّ وَالحُمسِ،فَکانَتِ الحُمسُ قُرَیشًا،وکانَتِ الحِلُّ سائِرَ العَرَبِ،فَلَم یَکُن أحَدٌ مِنَ الحِلِّ إلّاولَهُ حِرمِیٌّ مِنَ الحُمسِ،ومَن لَم یَکُن لَهُ حِرمِیٌّ مِنَ الحُمسِ لَم یُترَک أن یَطوفَ بِالبَیتِ إلّاعُریانًا.

وکانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله حِرمِیًّا لِعِیاضِ بنِ حِمارٍ المُجاشِعِیِّ،وکانَ عِیاضٌ رَجُلًا عَظیمَ الخَطَرِ،وکانَ قاضِیًا لِأَهلِ عُکاظٍ فِی الجاهِلِیَّهِ،فَکانَ عِیاضٌ إذا دَخَلَ مَکَّهَ ألقی عَنهُ ثِیابَ الذُّنوبِ وَالرَّجاسَهِ وأخَذَ ثِیابَ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله لِطُهرِها فَلَبِسَها وطافَ بِالبَیتِ،ثُمَّ یَرُدُّها عَلَیهِ إذا فَرَغَ مِن طَوافِهِ.

فَلَمّا أن ظَهَرَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله أتاهُ عِیاضٌ بِهَدِیَّهٍ فَأَبی رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله أن یَقبَلَها وقالَ:یا عِیاضُ،لَو أسلَمتَ لَقَبِلتُ هَدِیَّتَکَ،إنَّ اللّهَ عز و جل أبی لی زَبدَ [(1)](#content_note_378_1)المُشرِکینَ.ثُمَّ إنَّ عِیاضًا بَعدَ ذلِکَ أسلَمَ وحَسُنَ إسلامُهُ فَأَهدی إلی رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله هَدِیَّهً فَقَبِلَها مِنهُ [(2)](#content_note_378_2).

1153-عنه علیه السلام: کانَ سُنَّهً فِی العَرَبِ فِی الحَجِّ أنَّهُ مَن دَخَلَ مَکَّهَ وطافَ بِالبَیتِ فی ثِیابِهِ لَم یَحِلَّ لَهُ إمساکُها،وکانوا یَتَصَدَّقونَ بِها ولا یَلبَسونَها بَعدَ الطَّوافِ، وکانَ مَن وافی مَکَّهَ یَستَعیرُ ثَوبًا ویَطوفُ فیهِ ثُمَّ یَرُدُّهُ،ومَن لَم یَجِد عارِیَهً اکتَری ثِیابًا،ومَن لَم یَجِد عارِیَهً ولا کِراءً ولَم یَکُن لَهُ إلّاثَوبٌ واحِدٌ طافَ بِالبَیتِ عُریانًا.فَجاءَتِ امرَأَهٌ مِنَ العَرَبِ وَسیمَهٌ جَمیلَهٌ فَطَلَبَت ثَوبًا عارِیَهً أو کِراءً فَلَم تَجِدهُ،فَقالوا لَها:إن طُفتِ فی ثِیابِکِ احتَجتِ أن تَتَصَدَّقی بِها، فَقالَت:وکَیفَ أتَصَدَّقُ بِها ولَیسَ لی غَیرُها؟! فَطافَت بِالبَیتِ عُریانَهً،

ص:378

1- (1) الزَبْد:الرفد والعطاء (النهایه:293/2).

2- (2) الکافی:3/142/5 [1] عن أبی بکر الحضرمی،وراجع تفسیر الدرّ المنثور:440/3.

##### ز:طواف برهنه

1152.امام صادق علیه السلام: مردم در جاهلیت دو گروه بودند:حِل و حُمْس.حُمْس،همان قریش بودند و حِل،سایر طوایف عرب.هر یک از حِل،باید پناهی از حُمْسیان می داشت [تا لباسش را به عاریت گیرد]؛و گرنه می بایست برهنه بر گِرد خانه طواف کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله پناه دهندۀ عیاض بن حمار مجاشعی بود.عیاض،مردی دارای منزلت بزرگ بود و در جاهلیت،قاضی اهل عکاظ بود.او هرگاه که وارد مکّه می شد،لباسهای گناه آلود خود را کنار می گذاشت و لباس پیامبر صلی الله علیه و آله را چون پاک بود،می گرفت و می پوشید و طواف می کرد و پس از طواف،آن را برمی گرداند.وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله به رسالت مبعوث شد،عیاض هدیه ای برای پیامبر صلی الله علیه و آله آورد؛ولی ایشان نپذیرفت و گفت:ای عیاض! اگر مسلمان شوی، هدیه ات را قبول می کنم؛به راستی که خداوند،بخشش مشرکان را بر من نمی پسندد.پس از آن،عیاض اسلام آورد و مسلمانی اش نیکو شد و هدیه ای برای پیامبر صلی الله علیه و آله آورد و ایشان نیز پذیرفت.

1153.امام صادق علیه السلام: در میان عرب،سنّتی بود که هرکس وارد مکّه می شد و با لباسش طواف می کرد،جایز نبود آن لباسها را نگه دارد؛بلکه آن را دیگر نمی پوشید و صدقه می داد.کسانی که وارد مکّه می شدند لباسی عاریه می گرفتند و پس از طواف بازمی گرداندند؛و اگر لباس عاریه پیدا نمی شد، اجاره می کردند و اگر هم این میسّر نمی شد و جز یک لباس نداشتند،برهنه طواف می کردند.

زنی عرب که زیبا و خوبرو بود،وارد مکّه شد و لباس عاریه ای و اجاره پیدا نکرد.بدو گفتند:«اگر در لباست طواف کنی،باید آن را صدقه دهی».

زن گفت:«چگونه صدقه دهم با اینکه لباسی دیگر ندارم؟».پس برهنه طواف کرد و مردم به تماشا پرداختند.پس او با یک دست جلو و با دستی

ص:379

وأشرَفَ عَلَیهَا النّاسُ فَوَضَعَت إحدی یَدَیها عَلی قُبُلِها وَالاُخری عَلی دُبُرِها،فَقالَت مُرتَجِزَهً:

الیَومَ یَبدو بَعضُهُ أو کُلُّهُ فَما بَدا مِنهُ فَلا احِلُّهُ

فَلَمّا فَرَغَت مِنَ الطَّوافِ خَطَبَها جَماعَهٌ فَقالَت:إنَّ لی زَوجًا [(1)](#content_note_380_1).

ح:إنکارُ المَعادِ

الکتاب

وَ أَمَّا الَّذِینَ کَفَرُوا أَ فَلَمْ تَکُنْ آیاتِی تُتْلی عَلَیْکُمْ فَاسْتَکْبَرْتُمْ وَ کُنْتُمْ قَوْماً مُجْرِمِینَ وَ إِذا قِیلَ إِنَّ وَعْدَ اللّهِ حَقٌّ وَ السّاعَهُ لا رَیْبَ فِیها قُلْتُمْ ما نَدْرِی مَا السّاعَهُ إِنْ نَظُنُّ إِلاّ ظَنًّا وَ ما نَحْنُ بِمُسْتَیْقِنِینَ وَ بَدا لَهُمْ سَیِّئاتُ ما عَمِلُوا وَ حاقَ بِهِمْ ما کانُوا بِهِ یَسْتَهْزِؤُنَ وَ قِیلَ الْیَوْمَ نَنْساکُمْ کَما نَسِیتُمْ لِقاءَ یَوْمِکُمْ هذا وَ مَأْواکُمُ النّارُ وَ ما لَکُمْ مِنْ ناصِرِینَ ذلِکُمْ بِأَنَّکُمُ اتَّخَذْتُمْ آیاتِ اللّهِ هُزُواً وَ غَرَّتْکُمُ الْحَیاهُ الدُّنْیا فَالْیَوْمَ لا یُخْرَجُونَ مِنْها وَ لا هُمْ یُسْتَعْتَبُونَ [(2)](#content_note_380_2).

ص:380

1- (1) تفسیر القمّی:281/1 [1] عن أبی الصباح الکنانی؛وراجع أخبار مکّه للأزرقی:181/1 و 182.

2- (2) الجاثیه:31-35. [2]

پشت خود را پوشاند و چنین رجز خواند:امروز بعضی از عورت یا تمامش آشکار می شود و آنچه آشکار شد،آن را حلال نمی دانم.

پس از آنکه طواف را تمام کرد،گروهی از او خواستگاری کردند،ولی زن گفت همسر دارم.

##### ح:انکار رستاخیز

قرآن

و امّا کسانی که کافر شدند،[بدانها می گویند:] پس مگر آیات من بر شما خوانده نمی شد و[لی] تکبّر نمودید و مردمی بدکار بودید؟و چون گفته شد:وعدۀ خدا راست است و شکی در رستاخیز نیست؛گفتید:ما نمی دانیم رستاخیز چیست؛جز گمان نمی ورزیم و ما یقین نداریم؛و [حقیقت] بدیهایی که کرده اند،بر آنان پدیدار می شود و آنچه را که بدان ریشخند می کردند،آنان را فرو می گیرد و گفته می شود:همان گونه که دیدار امروزتان را فراموش کردید،امروز شما را فراموش خواهیم کرد،و جایگاهتان در آتش است و برای شما یاورانی نخواهد بود.

#### پژوهشی در عقاید جاهلیت

اعراب زمان جاهلیت،در زمانی که آمدن رسول و وحی به تأخیر افتاده بود،به وادی ضلالت فرو رفته،حیران و سرگردان و دچار تشتّت مذهبی و فکری بودند.

متن ذیل به نحله های عمدۀ آنان اشاره ای کوتاه دارد:

1-به خدا و معاد معتقد نبودند و هستی را محدود به همین دنیا می پنداشتند و می گفتند: وَ قالُوا ما هِیَ إِلاّ حَیاتُنَا الدُّنْیا نَمُوتُ وَ نَحْیا وَ ما یُهْلِکُنا إِلاَّ الدَّهْرُ. 1 غیر از زندگانی دنیای ما [چیزی دیگری] نیست.می میریم و زنده می شویم و ما را جز طبیعت،هلاک نمی کند.

ص:381

2-معاد را باور نداشتند؛ولی از احتجاج خداوند در آیۀ «وَ إِذا قِیلَ إِنَّ وَعْدَ اللّهِ حَقٌّ وَ السّاعَهُ لا رَیْبَ فِیها قُلْتُمْ ما نَدْرِی مَا السّاعَهُ» 1 «و چون گفته شد:وعدۀ خدا راست است و شکّی در رستاخیز نیست،گفتید:ما نمی دانیم رستاخیز چیست».و نیز آیۀ « وَ ضَرَبَ لَنا مَثَلاً وَ نَسِیَ خَلْقَهُ قالَ مَنْ یُحْیِ الْعِظامَ وَ هِیَ رَمِیمٌ \* قُلْ یُحْیِیهَا الَّذِی أَنْشَأَها أَوَّلَ مَرَّهٍ» ، [(1)](#content_note_382_1)«و برای ما مَثَلی آورد و آفرینش خود را فراموش کرد.گفت:

چه کسی این استخوآنهارا که چنین پوسیده است،زندگی می بخشد؟بگو:همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد،و اوست که به هر [گونه] آفرینشی داناست».

می توان استفاده کرد که به منشیء نخستینِ عالم معتقد بودند و به تعبیر حدیث، خدا را می پذیرفتند؛ولی

«لا یرجون من اللّه ثواباً ولا یخافون اللّه منه عقاباً». [(2)](#content_note_382_2)به پاداش خداوند امید نداشتند و از کیفر او نمی هراسیدند.

3-خداوند را همراه با شریکانی برای او می پذیرفتند،شریکانی که گاه از ملائکه و جنّیان بود و گاه از بتها و شیاطین.این شریک،گاه در اصل خلقت دخالت داده می شد و گاه در تدبیر امور؛و یا او را به موجودات مادّی تشبیه می کردند و یا یکی از همان موجودات مادّی را به عنوان خدای جهان می پرستیدند؛موجوداتی همچون کرات آسمانی،حیوانات و درختان.این عقیده که با دستۀ قبل اشتراک هم داشته اند،بیشترین تعداد را در عربستان جاهلی داشته اند:

ولا یؤمن أکثرهم باللّه إلّا وهم مشرکون. [(3)](#content_note_382_3)بیشتر آنان ایمانشان به شرک آلوده بود.

4-اهل کتاب،شامل یهودیّت و نصرانیّت نیز در بعضی مناطق جزیره العرب

ص:382

1- (2) .سورۀ یس،آیۀ 78-79. [1]

2- (3) .الکافی،ج 1،ص 61 (ح57). [2]

3- (4) .الغارات،ج 1،ص 303. [3]

وجود داشتند که از جمله دلائل تاریخی آن،آیۀ مباهله [(1)](#content_note_383_1)است که بر وجود علما و مردم مسیحی که در نجران (در سمت جنوب مدینه) می زیسته اند،دلالت می کند؛ و نیز جنگهای بزرگ صدر اسلام که در آن،یهودیان نقش اساسی داشتند؛مثل غزوه احزاب (خندق) و کشمکشهای بعد از آن (بنی قینقاع و بنی قریظه) تا خیبر.

5-افرادی نیز مجوسی و صابی بوده اند که قابل توجّه نبوده اند.

6-دسته آخر،همان معتقدان راستین دین حنیف ابراهیم بوده اند که قابل شمارش اند و اسامی آنها را می آوریم.

1-ابو طالب (عموی حضرت محمّد صلی الله علیه و آله ) 12-عامر بن ضرب عدوانی

2-ابو قیس صرمه بن ابی انس 13-عبدالطانجه بن ثعلب بن وبره بن قضاعه

3-ارباب بن رئاب 14-عبداللّه قضاعی

4-اسعد ابو کرب حمیری 15-عبداللّه (پدر حضرت محمّد صلی الله علیه و آله )

5-اُمیه بن ابی صلت 16-عبدالمطلب (جدّ حضرت محمّد صلی الله علیه و آله )

6-بحیرای راهب 17-عبید بن ابرص اسدی

7-خالد بن سنان عبسی 18-علاف بن شهاب تمیمی

8-زهیر بن ابی سلمی 19-عمیر بن جندب جهنی

9-زید بن عمرو بن نفیل بن عبدالعزی 20-کعب بن لؤی بن غالب

10-سوید بن عامر مصطلقی 21-ملتمس بن امیه کنانی

11-سیف بن ذی یزن 22-وکیع بن زهیر ایادی

ص:383

1- (1) ) سورۀ آل عمران،آیۀ 61.

3/6 أخلاقُ الجاهِلِیَّهِ

الکتاب

إِذْ جَعَلَ الَّذِینَ کَفَرُوا فِی قُلُوبِهِمُ الْحَمِیَّهَ حَمِیَّهَ الْجاهِلِیَّهِ [(1)](#content_note_384_1).

أَ رَأَیْتَ الَّذِی یُکَذِّبُ بِالدِّینِ \* فَذلِکَ الَّذِی یَدُعُّ الْیَتِیمَ \* وَ لا یَحُضُّ عَلی طَعامِ الْمِسْکِینِ [(2)](#content_note_384_2).

\* الحدیث

1154-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: مَن کانَ فی قَلبِهِ حَبَّهٌ مِن خَردَلٍ مِن عَصَبِیَّهٍ بَعَثَهُ اللّهُ یَومَ القِیامَهِ مَعَ أعرابِ الجاهِلِیَّهِ [(3)](#content_note_384_3).

1155-عنه صلی الله علیه و آله: مَن قاتَلَ تَحتَ رایَهٍ عُمِّیَّهٍ [(4)](#content_note_384_4)یَغضَبُ لِعَصَبَهٍ،أو یَدعو إلی عَصَبَهٍ،أو یَنصُرُ عَصَبَهً،فَقُتِلَ،فَقِتلَهٌ جاهِلِیَّهٌ [(5)](#content_note_384_5).

1156-عنه صلی الله علیه و آله: إنَّ اللّهَ أذهَبَ نَخوَهَ الجاهِلِیَّهِ وتَکَبُّرَها بِآبائِها،کُلُّکُم لِآدَمَ وحَوّاءَ کَطَفِّ [(6)](#content_note_384_6)الصّاعِ بِالصّاعِ،وإنَّ أکرَمَکُم عِندَ اللّهِ أتقاکُم،فَمَن أتاکُم تَرضَونَ دینَهُ وأمانَتَهُ فَزَوِّجوهُ [(7)](#content_note_384_7).

1157-الإمام الباقر علیه السلام: صَعِدَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله المِنبَرَ یَومَ فَتحِ مَکَّهَ فَقالَ:أیُّهَا النّاسُ،إنَّ اللّهَ قَد أذهَبَ عَنکُم نَخوَهَ الجاهِلِیَّهِ وتَفاخُرَها بِآبائِها.ألا إنَّکُم مِن آدَمَ علیه السلام وآدَمُ مِن طینٍ،ألا إنَّ خَیرَ عِبادِ اللّهِ عَبدٌ اتَّقاهُ،إنَّ العَرَبِیَّهَ لَیسَت بِأَبٍ والِدٍ ولکِنَّها لِسانٌ ناطِقٌ،فَمَن قَصُرَ بِهِ عَمَلُهُ لَم یُبلِغهُ حَسَبُهُ [(8)](#content_note_384_8).

1158-الإمام علیّ علیه السلام: أطفِئوا ما کَمَنَ فی قُلوبِکُم مِن نیرانِ العَصَبِیَّهِ وأحقادِ

ص:384

1- (1) الفتح:26. [1]

2- (2) الماعون:1-3، [2]وقال علیّ بن إبراهیم فی تفسیره:نزلت فی أبی جهل وکفّار قریش (تفسیر القمّی:444/2). [3]

3- (3) الکافی:3/308/2، [4]ثواب الأعمال:5/264،الأمالی للصدوق:966/704 [5] کلّها عن إسماعیل ابن أبی زیاد«السکونی»عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام،الجعفریّات:163 [6] عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله.

4- (4) العمّیّه:قیل:هو فِعِّیله،من العماء:الضلاله،وحکی بعضهم فیها ضمّ العین (النهایه:304/3). [7]

5- (5) صحیح مسلم:53/1476/3،سنن ابن ماجه:3948/1302/2،مسند ابن حنبل:8067/174/3، [8]سنن النسائی:123/7 کلّها عن أبی هریره نحوه؛المجازات النبویّه:257/333.

6- (6) طفّ الصاع:أی قریب بعضکم من بعض،والمعنی:کلّکم فی الانتساب إلی أب واحد بمنزله واحده (النهایه:129/3). [9]

7- (7) تفسیر الدرّ المنثور:579/7 [10] نقلًا عن البیهقی عن أبی امامه.

8- (8) الکافی:342/246/8، [11]معانی الأخبار:1/207 کلاهما عن حنّان عن أبیه،الفقیه:5762/363/4 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبیه عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله،الزهد للحسین ابن سعید:150/56 [12] عن أبی عبیده الحذّاء عن الإمام الباقر علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله،تفسیر القمّی:322/2 [13] والثلاثه الأخیره نحوه؛کنزالعمّال:257/1 و 402.

#### 3/6 خُلق و خوی جاهلی

قرآن

آن گاه که کافران در دلهای خود،تعصّب،[آن هم] تعصّب جاهلیت ورزیدند.

آیا کسی را که [روزِ] جزا را دروغ می خواند،دیدی؟این همان کس است که یتیم را به سختی می راند و به خوراک دادن بینوا ترغیب نمی کند.

حدیث

1154.پیامبر صلی الله علیه و آله: هر که در دل او به اندازۀ دانۀ خَردَلی تعصّب باشد،خداوند او را در روز رستاخیز با اعراب جاهلی محشور گرداند.

1155.پیامبر صلی الله علیه و آله: آنکه زیر پرچم گمراهی پیکار کند و برای تعصّبی خشمگین شود یا به تعصّبی فرا خواند و یا عصبیّتی را یاری کند،و کشته شود،به کشتن جاهلی از دنیا رفته است.

1156.پیامبر صلی الله علیه و آله: به درستی که خداوند،غرور جاهلی و تکبّر به پدران را از میان برد.

همۀ شما فرزندان آدم و حوّا هستید و نزدیک به یکدیگر،به راستی که بهترینِ شما نزد خداوند،پارساترین شماست.پس اگر کسی برای [خواستگاری آمد] که دینداری و امانتداری اش را می پسندید،به او زن دهید.

1157.امام باقر علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله در روز فتح مکّه بر منبر رفت و فرمود:«ای مردم! خداوند،غرور جاهلی و فخر به پدران را از میان برد.بدانید که همۀ شما از آدم،و آدم از گل است.بدانید که بهترین بندۀ خدا،بنده ای است که پروای الهی داشته باشد.عربیّت به [داشتن] پدری [عرب] نیست؛بلکه زبانی است گویا.آنکه در کارش کاستی باشد،تبارش جبران نکند».

1158.امام علی علیه السلام: آنچه در دلهایتان از شعله های تعصّب و کینه های جاهلی،پنهان

ص:385

الجاهِلِیَّهِ،فَإِنَّما تِلکَ الحَمِیَّهُ تَکونُ فِی المُسلِمِ مِن خَطَراتِ الشَّیطانِ ونَخَواتِهِ ونَزَغاتِهِ ونَفَثاتِهِ [(1)](#content_note_386_1)[(2)](#content_note_386_2).

1159-عنه علیه السلام: إیّاکُم وَالتَّحاسُدَ وَالأَحقادَ،فَإِنَّهُما مِن فِعلِ الجاهِلِیَّهِ وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٌ ما قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللّهَ إِنَّ اللّهَ خَبِیرٌ بِما تَعْمَلُونَ [(3)](#content_note_386_3)[(4)](#content_note_386_4).

1160-عنه علیه السلام: اللّهَ اللّهَ فی کِبرِ الحَمِیَّهِ وفَخرِ الجاهِلِیَّهِ ! فَإِنَّهُ مَلاقِحُ الشَّنَآنِ ومَنافِخُ الشَّیطانِ الَّتی خَدَعَ بِهَا الاُمَمَ الماضِیَهَ وَالقُرونَ الخالِیَهَ.حَتّی أعنَقوا فی حَنادِسِ [(5)](#content_note_386_5)جَهالَتِهِ ومَهاوی ضَلالَتِهِ،ذُلُلًا عَن سِیاقِهِ،سُلُسًا فی قِیادِهِ.

أمرًا تَشابَهَتِ القُلوبُ فیهِ،وتَتابَعَتِ القُرونُ عَلَیهِ،وکِبرًا تَضایَقَتِ الصُّدورُ بِهِ.

ألا فَالحَذَرَ الحَذَرَ مِن طاعَهِ ساداتِکُم وکُبَرائِکُمُ الَّذینَ تَکَبَّروا عَن حَسَبِهِم،وتَرَفَّعوا فَوقَ نَسَبِهِم،وألقَوُا الهَجینَهَ [(6)](#content_note_386_6)عَلی رَبِّهِم،وجاحَدُوا اللّهَ عَلی ما صَنَعَ بِهِم،مُکابَرَهً لِقَضائِهِ،ومُغالَبَهً لِآلائِهِ ! فَإِنَّهُم قَواعِدُ أساسِ العَصَبِیَّهِ،ودَعائِمُ أرکانِ الفِتنَهِ،وسُیوفُ اعتِزاءِ [(7)](#content_note_386_7)الجاهِلِیَّهِ [(8)](#content_note_386_8).

1161-عنه علیه السلام: لِیَتَأَسَّ صَغیرُکُم بِکَبیرِکُم،وَلیَرأَف کَبیرُکُم بِصَغیرِکُم،ولا تَکونوا کَجُفاهِ الجاهِلِیَّهِ:لا فِی الدّینِ یَتَفَقَّهونَ،ولا عَنِ اللّهِ یَعقِلونَ،کَقَیضِ [(9)](#content_note_386_9)بَیضٍ فی أداحٍ [(10)](#content_note_386_10)یَکونُ کَسرُها وِزرًا،ویُخرِجُ حِضانُها شَرًّا [(11)](#content_note_386_11).

1162-مُحَمَّدٌ القَصرِیُّ عَنِ الإِمامِ الصّادِقِ علیه السلام:سَأَلتُهُ عَنِ الصَّدَقَهِ،فَقالَ:اِقسِمها فیمَن قالَ اللّهُ،ولا یُعطی مِن سَهمِ الغارِمینَ الَّذینَ یَغرَمونَ فی مُهورِ النِّساءِ،ولَا الَّذینَ یُنادونَ بِنِداءِ الجاهِلِیَّهِ.قُلتُ:وما نِداءُ الجاهِلِیَّهِ؟قالَ:الرَّجُلُ یَقولُ:یا آلَ بَنی فُلانٍ،فَیَقَعُ بَینَهُمُ القَتلُ ! ولا یُؤَدّی ذلِکَ مِن سَهمِ

ص:386

1- (1) نفث الشیطان:هو ما یُلقیه فی قلب الإنسان ویُوقعه فی باله ممّا یصطاده به (مجمع البحرین:1808/3). [1]

2- (2) نهج البلاغه:الخطبه 192. [2]

3- (3) الحشر:18. [3]

4- (4) تحف العقول:155.

5- (5) لیله ظلماء حِندس:أی شدیده الظلمه والجمع حنادس (مجمع البحرین:465/1).

6- (6) الهجین:مأخوذ من الهجنه وهی الغِلظ،وتهجین الأمر:تقبیحه (لسان العرب:433/13 و 434). [4]

7- (7) التعزّی:الانتماء والانتساب إلی القوم (النهایه:233/3). [5]

8- (8) نهج البلاغه:الخطبه 192. [6]

9- (9) القیض:قشر البیض (النهایه:132/4). [7]

10- (10) الأداحیّ جمع الاُدحیّ:وهو الموضع الذی تبیض فیه النعامه وتُفرّخ (النهایه:106/2). [8]

11- (11) نهج البلاغه:الخطبه 166. [9]

شده،خاموش کنید.چنین تعصّبی در مسلمان از آسیبهای شیطانی،تکبّر و دورویی،و الغای شیطان خواهد بود.

1159.امام علی علیه السلام: بپرهیزید از حسادت و کینه ! زیرا آنها از خصلتهای جاهلی است.

[خداوند فرمود:] و هرکسی باید بنگرد که برای فردا[ی خود] از پیش چه فرستاده است؛و [باز] از خدا بترسید.در حقیقت،خدا به آنچه می کنید، آگاه است.

1160.امام علی علیه السلام: خدا را،خدا را [در نظر بگیرید] در گردنکشی ناشی از تعصّب و خودپسندی جاهلیت؛زیرا آبستن گاه دشمنی و جایگاه دمیدن شیطان است که بدان امّتهای پیشین و گذشتگان را فریب داده است.تا آنکه در تاریکی های شدید نادانی و دامهای گمراهی،در حالی که در برابر راندن او رام و نسبت به رهبری اش تسلیم بودند،کاری را جستجو کردند که دلها در آن یکسان بود و قرنها بر آن گذشت و نیز جستجو کردند خودپسندی را که سینه ها بدان تنگ شد.

هان،حذر کنید ! حذر کنید،از فرمانبری مِهتران و بزرگانتان که بر اثر شرف و جایگاه خوش،کبر ورزیدند و بالاتر از تبار خویش،سرافرازی نمودند و چیزی که زشت و ناپسند بود،به پروردگار نسبت دادند،و انکار کردند آنچه خداوند با آنان انجام داد،از روی ستیز با قضا و قدر و پیروزی جویی بر نعمتهایش.به راستی که اینان پایه های اساسی عصبیّت و ستونهای اساسی آشوب و شمشیرهای وابستگی به جاهلیت هستند.

1161.امام علی علیه السلام: کوچک شما باید به بزرگانتان تأسّی کند و بزرگتان،باید با کوچکتان مهربان باشد؛و مانند ستمکاران زمان جاهلیت نباشید؛آنان که نه در دین فهمی داشته و نه از خداوند درکی؛مانند پوست تخمی که در لانۀ مرغان پیدا شود و شکستن آن،وزر و وبال است و نگه داشتن آن شرّ.

1162.محمّد قصری: از امام صادق علیه السلام دربارۀ زکات سؤال کردم.فرمود:«آن را در میان کسانی که خداوند دستور داده،قسمت کن؛لیکن از سهم بدهکاران،به کسانی که به سبب مهریۀ زنان بدهکار شده اند و آنان که به دعوت جاهلی می خوانند،داده نمی شود».گفتم:«دعوت جاهلی چیست؟».فرمود:«کسی که می گوید:ای فرزندان فلان قبیله،و کشتار میانشان درمی گیرد! به

ص:387

الغارِمینَ،وَالَّذینَ لا یُبالونَ ما صَنَعوا بِأَموالِ النّاسِ [(1)](#content_note_388_1).

1163-جابِرٌ: اقتَتَلَ غُلامانِ؛غُلامٌ مِنَ المُهاجِرینَ وغُلامٌ مِنَ الأَنصارِ،فَنادَی المُهاجِرُ أوِ المُهاجِرونَ:یالَلمُهاجِرینَ ! ونادَی الأَنصارِیُّ:یالَلأَنصارِ ! فَخَرَجَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله فَقالَ:ما هذا دَعوی أهلِ الجاهِلِیَّهِ؟قالوا:لا یا رَسولَ اللّهِ،إلّاأنَّ غُلامَینِ اقتَتَلا فَکَسَعَ أحَدُهُمَا الآخَرَ،قالَ:فَلا بَأسَ، وَلیَنصُرِ الرَّجُلُ أخاهُ ظالِمًا أو مَظلومًا،إن کانَ ظالِمًا فَلیَنهَهُ،فَإِنَّهُ لَهُ نَصرٌ، وإن کانَ مَظلومًا فَلیَنصُرهُ [(2)](#content_note_388_2).

1164-عَلِیُّ بنُ إبراهیمَ: کانَ أصحابُ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَأتونَ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله فَیَسأَلونَهُ أن یَسأَلَ اللّهَ لَهُم،وکانوا یَسأَلونَ ما لا یَحِلُّ لَهُم،فَأَنزَلَ اللّهُ وَ یَتَناجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ وَ مَعْصِیَهِ الرَّسُولِ وقَولُهُم لَهُ إذا أتَوهُ:أنعِم صَباحًا،وأنعِم مَساءً،وهِیَ تَحِیَّهُ أهلِ الجاهِلِیَّهِ،فَأَنزَلَ اللّهُ وَ إِذا جاؤُکَ حَیَّوْکَ بِما لَمْ یُحَیِّکَ بِهِ اللّهُ فَقالَ لَهُم رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله:وقَد أبدَلَنَا اللّهُ بِخَیرٍ مِن ذلِکَ تَحِیَّهِ أهلِ الجَنَّهِ«السَّلامُ عَلَیکُم» [(3)](#content_note_388_3).

4/6 أعمالُ الجاهِلِیَّهِ

أ:وَادُ البَناتِ

الکتاب

وَ إِذا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثی ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ کَظِیمٌ \* یَتَواری مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ ما بُشِّرَ بِهِ أَ یُمْسِکُهُ عَلی هُونٍ أَمْ یَدُسُّهُ فِی التُّرابِ أَلا ساءَ ما یَحْکُمُونَ [(4)](#content_note_388_4).

ص:388

1- (1) تفسیر العیّاشی:80/94/2. [1]

2- (2) صحیح مسلم:62/1998/4.

3- (3) تفسیر القمّی:354/2. [2]

4- (4) النحل:58 و 59. [3]

اینان نباید از سهم بدهکاران پرداخت؛همچنین نباید از این سهم به کسانی که در اموال مردم بی مبالات اند،پرداخت شود».

1163.جابر: دو جوان از طایفۀ مهاجران و انصار با یکدیگر پیکار می کردند.جوان مهاجر فریاد برآورد«ای مهاجران [کمک!]»،و جوان انصاری فریاد زد:«ای انصار [کمک!]».رسول خدا بیرون آمد و فرمود:«این دعوای جاهلیت چیست؟».گفتند:«نه [دعوای جاهلی نیست]،جز اینکه دو جوان،پیکار می کردند و یکی از آنان،دیگری را بر زمین زد».رسول خدا فرمود:«باکی نیست.هر مردی باید برادرش را یاری کند؛چه ستمگر باشد و چه ستمدیده.اگر ستمگر است،او را از ستم باز دارد و این کمک است برای او،و اگر ستمدیده است،یاری اش رساند».

1164.علی بن ابراهیم: یاران پیامبر صلی الله علیه و آله می آمدند و از ایشان می خواستند که از خدا بخواهد که خواسته شان را برآورد؛آنان تقاضای آنچه برایشان روا نبود،می داشتند.از این رو خداوند این آیه را نازل کرد:«با یکدیگر نجوا می کنند،در زمینۀ گناهان،سرکشی و نافرمانی پیامبر»؛و نیز این سخن آنان،هنگامی که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می آمدند که:«أنعم صباحاً وأنعم مساءً»؛در حالی که این،سلام و تحیّت جاهلیت بود و خداوند چنین نازل کرد:«و آن گاه که نزد تو می آیند،تحیّتی غیر از تحیّتِ خداوند بر زبان آورند».پس رسول خدا فرمود:«خدا جایگزین بهتری قرار داد و آن،تحیّت بهشتیان بود:

سلامٌ علیکم».

#### 4/6 کارهای جاهلی

##### الف:زنده به گور کردن دختران

قرآن

و هرگاه یکی از آنان را به دختر مژده آورند،از تلخی مژده ای که به او داده اند، چهره اش سیاه می گردد؛در حالی که خشم [و اندوه] خود را فرو می خورد [و با خود می اندیشد که:] آیا او را با خواری نگه دارد یا آنکه در خاک پنهانش کند؛هان ! چون بد داوری می کنند.

ص:389

وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ \* بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ [(1)](#content_note_390_1).

\* الحدیث

1165-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: إنَّ اللّهَ حَرَّمَ عَلَیکُم:عُقوقَ الاُمَّهاتِ،ووَأدَ البَناتِ، ومَنعَ وَهاتِ [(2)](#content_note_390_2)،وکَرِهَ لَکُم:قیلَ وقالَ:وکَثرَهَ السُّؤالِ،وإضاعَهَ المالِ [(3)](#content_note_390_3).

1166-الإمام الصادق علیه السلام: جاءَ رَجُلٌ إلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَقالَ:إنّی قَد وَلَدتُ بِنتًا ورَبَّیتُها حَتّی إذا بَلَغَت فَأَلبَستُها وحَلَّیتُها،ثُمَّ جِئتُ بِها إلی قَلیبٍ [(4)](#content_note_390_4)فَدَفَعتُها فی جَوفِهِ،وکانَ آخِرُ ما سَمِعتُ مِنها وهِیَ تَقولُ:یا أبَتاه،فَما کَفّارَهُ ذلِکَ؟ قالَ:ألَکَ امٌّ حَیَّهٌ؟قالَ:لا،قالَ:فَلَکَ خالَهٌ حَیَّهٌ؟قالَ:نَعَم،قالَ:

فَابرَرها فَإِنَّها بِمَنزِلَهِ الاُمِّ یُکَفَّرُ عَنکَ ما صَنَعتَ.

قالَ أبو خَدیجَهَ:فَقُلتُ لِأَبی عَبدِاللّهِ علیه السلام:مَتی کانَ هذا؟فَقالَ:کانَ فِی الجاهِلِیَّهِ،وکانوا یَقتُلونَ البَناتِ مَخافَهَ أن یُسبَینَ فَیَلِدنَ فی قَومٍ آخَرینَ [(5)](#content_note_390_5).

ب:قَتلُ الأَولادِ

الکتاب

وَ کَذلِکَ زَیَّنَ لِکَثِیرٍ مِنَ الْمُشْرِکِینَ قَتْلَ أَوْلادِهِمْ شُرَکاؤُهُمْ لِیُرْدُوهُمْ وَ لِیَلْبِسُوا عَلَیْهِمْ دِینَهُمْ وَ لَوْ شاءَ اللّهُ ما فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَ ما یَفْتَرُونَ [(6)](#content_note_390_6).

قَدْ خَسِرَ الَّذِینَ قَتَلُوا أَوْلادَهُمْ سَفَهاً بِغَیْرِ عِلْمٍ وَ حَرَّمُوا ما رَزَقَهُمُ اللّهُ افْتِراءً عَلَی اللّهِ قَدْ ضَلُّوا وَ ما کانُوا مُهْتَدِینَ [(7)](#content_note_390_7).

ص:390

1- (1) التکویر:8 و 9. [1] قال ابن شهرآشوب نقلًا عن ابن الحریری البصری فی درّه الغوّاص وابن فیّاض فی شرح الأخبار:إنّ الصحابه قد اختلفوا فی«الموؤوده»فقال لهم علیّ علیه السلام:إنّها لا تکون موؤوده حتّی یأتی علیها الثارات السبع،فقال له عمر:صدقت أطال اللّه بقاک،أراد بذلک المبیّنه فی قوله:«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الإِنْسَانَ مِنْ سُلالَهٍ...»الآیه،المؤمنون:12-14، [2]فأشار أنّه إذا استهلّ بعد الولاده ثمّ دفن فقد وئد،المناقب لابن شهرآشوب:49/2، [3]بحار الأنوار:164/40 [4] وفیه«التارات»بدل«الثارات».

2- (2) أی:منع الواجبات من الحقوق وأخذ ما لا یحلّ لکم من الأموال أو طلب ما لیس لکم فیه حقّ (هامش المصدر).

3- (3) صحیح البخاری:2277/848/2 و ج 5630/2229/5،صحیح مسلم:12/1341/3،السنن الکبری:11340/103/6 [5] کلّها عن المغیره؛وراجع معانی الأخبار:279 و 280.

4- (4) القلیب:البئر التی لم تُطْوَ (النهایه:98/4). [6]

5- (5) الکافی:18/162/2 [7] عن أبی خدیجه.

6- (6) الأنعام:137،140. [8]

7- (7) الأنعام:137،140. [9]

چون از آن دخترک زنده به گور شده پرسند:به کدامین گناه،کشته شده است.

حدیث

1165.پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند بر شما نافرمانی مادران،زنده به گور کردن دختران و ادا نکردن حقوق و واجبات را حرام ساخت و برای شما نمی پسندد قیل و قال، گدایی و ضایع ساختن مال و ثروت را.

1166.امام صادق علیه السلام: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت:«دختری برایم زاده شده و او را تا سنّ بلوغ تربیت کردم.پس بر او لباس پوشاندم و زینتش کردم؛او را به نزد چاهی بردم و در چاه انداختم.آخرین سخنی که از او شنیدم،این بود:

پدرم ! کفّارۀ این رفتار چیست؟».پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:«آیا مادرت زنده است؟».

گفت:«نه».فرمود:«آیا خاله ات زنده است؟».گفت:«بلی».فرمود:«به وی نیکی کن که خاله به سان مادر است و کفّارۀ گناهت خواهد بود».

ابوخدیجه گوید که از امام صادق علیه السلام:پرسیدم:«این در چه زمانی رُخ داد؟».فرمود:«در جاهلیت؛آنان دختران را می کُشتند از ترس آنکه به اسارت گرفته شوند و در طوایف دیگر زاد و ولد کنند».

ر.ک:حدیث 1139 و 1142 و 1143.

##### ب:فرزند کُشی

قرآن

و این گونه برای بسیاری از مشرکان،بتانشان،کشتن فرزندان را آراستند،تا هلاکشان کنند و دینشان را بر آنان مشتبه سازند؛و اگر خدا می خواست،چنین نمی کردند.پس ایشان را با آنچه به دروغ می سازند،رها کن.

کسانی که از روی بیخردی و نادانی،فرزندان خود را کشته اند،و آنچه را خدا روزیشان کرده بود-از راه افترا به خدا-حرام شمرده اند،سخت زیان کرده اند؛آنان به راستی گمراه شده و هدایت نیافته اند.

ص:391

یا أَیُّهَا النَّبِیُّ إِذا جاءَکَ الْمُؤْمِناتُ یُبایِعْنَکَ عَلی أَنْ لا یُشْرِکْنَ بِاللّهِ شَیْئاً وَ لا یَسْرِقْنَ وَ لا یَزْنِینَ وَ لا یَقْتُلْنَ أَوْلادَهُنَّ وَ لا یَأْتِینَ بِبُهْتانٍ یَفْتَرِینَهُ بَیْنَ أَیْدِیهِنَّ وَ أَرْجُلِهِنَّ وَ لا یَعْصِینَکَ فِی مَعْرُوفٍ فَبایِعْهُنَّ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللّهَ إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ [(1)](#content_note_392_1).

وَ لا تَقْتُلُوا أَوْلادَکُمْ خَشْیَهَ إِمْلاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَ إِیّاکُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ کانَ خِطْأً کَبِیراً [(2)](#content_note_392_2) [(3)](#content_note_392_3).

ج:الفَحشاء

الکتاب

وَ إِذا فَعَلُوا فاحِشَهً قالُوا وَجَدْنا عَلَیْها آباءَنا وَ اللّهُ أَمَرَنا بِها قُلْ إِنَّ اللّهَ لا یَأْمُرُ بِالْفَحْشاءِ أَ تَقُولُونَ عَلَی اللّهِ ما لا تَعْلَمُونَ [(4)](#content_note_392_4).

قُلْ إِنَّما حَرَّمَ رَبِّیَ الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْیَ بِغَیْرِ الْحَقِّ وَ أَنْ تُشْرِکُوا بِاللّهِ ما لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطاناً وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَی اللّهِ ما لا تَعْلَمُونَ [(5)](#content_note_392_5).

\* الحدیث

1167-الإمام زین العابدین علیه السلام -لَمّا سُئِلَ عَنِ الفَواحِشِ ما ظَهَرَ مِنها وما بَطَنَ-:ما ظَهَرَ:نِکاحُ امرَأَهِ الأَبِ،وما بَطَنَ:الزِّنا [(6)](#content_note_392_6).

1168-الإمام الکاظم علیه السلام -فی قَولِ اللّهِ عز و جل: قُلْ إِنَّما حَرَّمَ رَبِّیَ الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْیَ بِغَیْرِ الْحَقِّ -:فَأَمّا قَولُهُ ما ظَهَرَ مِنْها یَعنِی الزِّنَا المُعلَنَ، ونَصبَ الرّایاتِ الَّتی کانَت تَرفَعُهَا الفَواجِرُ لِلفَواحِشِ فِی الجاهِلِیَّهِ،وأمّا قَولُهُ عَزَّوجَلَّ: وَ ما بَطَنَ یَعنی ما نُکِحَ مِنَ الآباءِ؛لِأَنَّ النّاسَ کانوا قَبلَ أن یُبعَثَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله إذا کانَ لِلرَّجُلِ زَوجَهٌ وماتَ عَنها تَزَوَّجَهَا ابنُهُ مِن بَعدِهِ إذا لَم تَکُن امَّهُ،فَحَرَّمَ اللّهُ عز و جل ذلِکَ [(7)](#content_note_392_7).

ص:392

1- (1) الممتحنه:12. [1]

2- (2) الإسراء:31، [2]وراجع:الأنعام:151. [3]

3- (3) روی الطبریّ فی تفسیره:/9الجزء 78/15 [4] عن ابن عبّاس أنّ الإملاق الفقر،وروی:قتلوا أولادهم خشیه الفقر،ونحوه عن قتاده والسدی وابن جریج والضحّاک.وفی تفسیر الدرّ المنثور:278/5 [5] روی ذلک عن قتاده وقال:کان أهل الجاهلیّه یقتلون البنات خشیه الفاقه.وقال فی تفسیر مجمع البیان:637/6:أی بناتکم،خوف فقر وعجز عن النفقه علیهنّ،وراجع ص 235 ح 1143.

4- (4) الأعراف:28. [6]

5- (5) الأعراف:33، [7]وراجع:الأنعام:151. [8]

6- (6) الکافی:47/567/5، [9]تهذیب الأحکام:1894/472/7،تفسیر العیّاشی:124/383/1 [10] کلّها عن عمرو بن أبی المقدام عن أبیه.

7- (7) الکافی:1/406/6، [11]تفسیر العیّاشی:38/17/2 [12] کلاهما عن علیّ بن یقطین.

ای پیامبر ! چون زنان با ایمان نزد تو آیند که [با این شرط] با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند،و دزدی نکنند،و زنا نکنند،و فرزندان خود را نکشند،و بچه های حرامزادۀ پیش دست و پای خود را با بُهتان [و حیله] به شوهر نبندند،و در [کار] نیک از تو نافرمانی نکنند،با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه؛ زیرا خداوند،آمرزندۀ مهربان است.

و از بیم تنگدستی،فرزندان خود را مکشید؛ماییم که به آنها و شما روزی می بخشیم؛آری ! کشتن آنان،همواره خطایی بزرگ است.

##### ج:زشتی ها

قرآن

و چون کار زشتی کنند،می گویند:پدرانِ خود را بر آن یافتیم و خدا ما را بدان فرمان داده است.بگو:قطعاً خدا به کار زشت فرمان نمی دهد.آیا چیزی را که نمی دانید به خدا نسبت می دهید.

بگو:پروردگار من فقط زشتکاری ها را-چه آشکارش [باشد] و چه پنهان-و گناه و ستم ناحقّ را حرام گردانیده است؛و [نیز] اینکه چیزی را شریک خدا مسازید که دلیلی بر [حقّانیت] آن نازل نکرده،و اینکه چیزی را که نمی دانید،به خدا نسبت دهید.

حدیث

1167.امام سجاد علیه السلام -چون درباره زشتی های آشکار و پنهان از او سؤال شد-:زشتی آشکار،ازدواج با زن پدر و زشتی پنهان،زناست.

1168.امام کاظم علیه السلام -در تفسیر این سخن خداوندِ عزّوجلّ:بگو پروردگار من زشتی های آشکار و پنهان و ستم ناحق را حرام کرده-:امّا زشتی آشکار، یعنی زنای آشکار و پرچم نصب کردن که بدکاران برای روسپیان در جاهلیت برمی افراشتند؛و امّا فرمودۀ خدا:«و آنچه پنهان است»،یعنی ازدواج با زن پدر؛چرا که پیش از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله اگر مردِ همسرداری از دنیا می رفت، پسرش با او ازدواج می کرد،[البته] اگر مادرش نبود؛پس خداوند،این کار را حرام کرد. ر.ک:حدیث 1132.

ص:393

د:إکراهُ الفَتَیاتِ عَلَی البِغاءِ

الکتاب

وَ لا تُکْرِهُوا فَتَیاتِکُمْ عَلَی الْبِغاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّناً لِتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ مَنْ یُکْرِهْهُنَّ فَإِنَّ اللّهَ مِنْ بَعْدِ إِکْراهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِیمٌ [(1)](#content_note_394_1).

\* الحدیث

1169-الإمام الباقر علیه السلام: کانَتِ العَرَبُ وقُرَیشٌ یَشتَرونَ الإِماءَ،ویَجعَلونَ عَلَیهِنَّ الضَّریبَهَ الثَّقیلَهَ،ویَقولونَ:اِذهَبنَ وَازنینَ وَاکتَسِبنَ،فَنَهاهُمُ اللّهُ عز و جل عَن ذلِکَ [(2)](#content_note_394_2).

ه:الخَمرُ وَالمَیسِرُ وَالأَنصابُ وَالأَزلامُ

الکتاب

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَیْسِرُ وَ الْأَنْصابُ وَ الْأَزْلامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّیْطانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ [(3)](#content_note_394_3).

\* الحدیث

1170-الإمام الباقر علیه السلام: لَمّا أنزَلَ اللّهُ عز و جل عَلی رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَیْسِرُ وَ الْأَنْصابُ وَ الْأَزْلامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّیْطانِ فَاجْتَنِبُوهُ قیلَ:یا رَسولَ اللّهِ،مَا المَیسِرُ؟فَقالَ:کُلُّ ما تُقومِرَ بِهِ حَتَّی الکِعابُ وَالجَوزُ.قیلَ:فَمَا الأَنصابُ؟قالَ:ما ذَبَحوهُ لِآلِهَتِهِم.قیلَ:فَمَا الأَزلامُ؟قالَ:قِداحُهُمُ الَّتی یَستَقسِمونَ بِها [(4)](#content_note_394_4).

1171-عنه علیه السلام -فی قَولِهِ تَعالی: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَیْسِرُ وَ الْأَنْصابُ

ص:394

1- (1) النور:33. [1]

2- (2) تفسیر القمّی:102/2 [2] عن أبی الجارود.

3- (3) المائده:90، [3]وراجع:الآیه 3.

4- (4) الکافی:2/122/5، [4]الفقیه:3587/160/3،تهذیب الأحکام:1075/371/6 وفیه«یقتمر»بدل«تقومر»وکلّها عن جابر.

##### د:واداشتن دختران به فاحشگی

قرآن

و دختران خود را-در صورتی که تمایل به پاکدامنی دارند-برای اینکه متاع زندگی دنیا را بجویید،به زنا وادار مکنید،و هر کس آنان را به زور وادار کند،در حقیقت،خدا پس از اجبار نمودن ایشان،[نسبت به آنها] آمرزندۀ مهربان است.

حدیث

1169.امام باقر علیه السلام: عرب و قریش،کنیزان را خریداری می کردند و برای آنان مالیاتهای سنگین قرار می دادند،آن گاه به آنان می گفتند:«بروید فاحشه گری کنید و درآمد کسب کنید».پس خداوند،آنان را از این کار بازداشت.

##### ه:شراب و قمار،بتها و تیرهای قرعه

قرآن

ای کسانی که ایمان آورده اید،شراب و قمار و بتها و تیرهای قرعه پلیدند [و] از عمل شیطان اند.پس،از آنها دوری گزینید،باشد که رستگار شوید.

حدیث

1170.امام باقر علیه السلام: آن زمان که خداوند این آیه را بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل کرد:«ای کسانی که ایمان آورده اید،شراب و میسر [قمار]،انصاب [ وازلام و تیرهای قرعه] پلیدند [و] از عمل شیطان اند،پس از آنها دوری گزینید؛گفته شد:«ای رسول خدا ! میسر چیست؟».فرمود:«هر چیزی که با آن قمار کنند،حتّی قاپ و گردو».گفته شد:«انصاب چیست؟».فرمود:«آنچه برای بُتان قربانی می کنند.گفته شد:«ازلام چیست؟».فرمود:«تیرهایی که با آنها قسمت می کردند».

1171.امام باقر علیه السلام: در تفسیر آیۀ:«ای کسانی که ایمان آورده اید،شراب و قمار، بتها و تیرهای قرعه پلیدند [و] از عمل شیطان اند،پس از آن دوری

ص:395

وَ الْأَزْلامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّیْطانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ -:...أمَّا الأَنصابُ فَالأَوثانُ الَّتی کانوا یَعبُدونَها المُشرِکونَ،وأمَّا الأَزلامُ فَالأَقداحُ الَّتی کانَت تَستَقسِمُ بِها مُشرِکُو العَرَبِ فِی الجاهِلِیَّهِ [(1)](#content_note_396_1).

و:لَطخُ المَولودِ بِالدَّمِ

1172-أسماءُ بِنتُ عُمَیسٍ -فی بَیانِ وِلادَهِ الإِمامِ الحَسَنِ علیه السلام-:لَمّا کانَ یَومُ سابِعِهِ عَقَّ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله عَنهُ بِکَبشَینِ أملَحَینِ،وأعطَی القابِلَهَ فَخِذًا ودینارًا،ثُمَّ حَلَقَ رَأسَهُ وتَصَدَّقَ بِوَزنِ الشَّعرِ وَرِقًا،وطَلی رَأسَهُ بِالخَلوقِ ثُمَّ قالَ:یا أسماءُ،الدَّمُ فِعلُ الجاهِلِیَّهِ [(2)](#content_note_396_2).

1173-عاصِمٌ الکوزِیُّ: سَمِعتُ أبا عَبدِاللّهِ علیه السلام یَذکُرُ عَن أبیهِ أنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله عَقَّ عَنِ الحَسَنِ علیه السلام بِکَبشٍ وعَنِ الحُسَینِ علیه السلام بِکَبشٍ،وأعطَی القابِلَهَ شَیئًا،وحَلَقَ رُؤوسَهُما یَومَ سابِعِهِما،ووَزَنَ شَعرَهُما فَتَصَدَّقَ بِوَزنِهِ فِضَّهً.

فَقُلتُ لَهُ:یُؤخَذُ الدَّمُ فَیُلَطَّخُ بِهِ رَأسُ الصَّبِیِّ؟فَقالَ:ذاکَ شِرکٌ،فَقُلتُ:

سُبحانَ اللّهِ ! شِرکٌ؟فَقالَ:لَو لَم یَکُن ذاکَ شِرکًا فَإِنَّهُ کانَ یُعمَلُ فِی الجاهِلِیَّهِ ونُهِیَ عَنهُ فِی الإِسلامِ [(3)](#content_note_396_3).

ز:الطِّیَرَه

1174-أبو حَسّانٍ: إنَّ رَجُلًا قالَ لِعائِشهَ:إنَّ أبا هُرَیرَهَ یُحَدِّثُ أنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله قالَ:إنَّ الطِّیَرَهَ فِی المَرأَهِ وَالدّارِ وَالدّابَّهِ،فَغَضِبَت غَضَبًا شَدیدًا فَطارَت شِقَّهٌ مِنها فِی السَّماءِ وشِقَّهٌ فِی الأَرضِ،فَقالَت:إنَّما کانَ أهلُ الجاهِلِیَّهِ یَتَطَیَّرونَ مِن ذلِکَ [(4)](#content_note_396_4).

1175-عائِشَهُ: کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَقولُ:کانَ أهلُ الجاهِلِیَّهِ یَقولونَ:إنَّمَا الطِّیَرَهُ فِی

ص:396

1- (1) تفسیر القمّی:181/1 [1] عن أبی الجارود.

2- (2) عیون أخبار الرضا علیه السلام:5/25/2 [2] عن عبداللّه بن أحمد بن عامر وأحمد بن عبداللّه الهروی وداود بن سلیمان الفرّا،صحیفه الرضا علیه السلام:146/241 کلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام زین العابدین علیهم السلام،روضه الواعظین:170، [3]المناقب لابن شهرآشوب:26/4؛ [4]ذخائر العقبی:207. [5]

3- (3) الکافی:3/33/6. [6]

4- (4) مسند ابن حنبل:25223/487/9 و ج 26093/83/10، [7]مسند إسحاق بن راهویه:1365/751/3 کلاهما نحوه.

گزینید،باشد که رستگار شوید»،فرمود:«انصاب،بُتانی بود که مشرکان می پرستیدند و ازلام،تیرهایی است که مشرکان عرب در جاهلیت با آن قرعه می زدند».

##### و:خون آلود کردن کودک

1172.اسماء بنت عُمیس -در چگونگی ولادت امام حسن علیه السلام-:وقتی روز هفتمش شد، پیامبر صلی الله علیه و آله برای او دو قوچ سیاه عقیقه کرد و یک ران و یک دینار به قابله داد؛ آن گاه سر او را تراشید و به اندازه وزنش سکه صدقه داد؛سرش را با خَلُوق [گیاهی خوشبو کننده] شستشو داد و فرمود:«ای اسما ! خون آلود کردن، کاری جاهلی است».

1173.عاصم کوزی: از امام صادق علیه السلام شنیدم که از پدرش نقل می نمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای امام حسن و امام حسین علیهما السلام دو قوچ عقیقه کرد و به قابله هدیه ای داد و روز هفتم تولدشان،سرِ آن دو را تراشید و به اندازه وزن موهایشان نقره صدقه داد.

به امام صادق علیه السلام عرض کردم:«[برخی] خون می گیرند و سر کودک را بدان آغشته می کنند».امام علیه السلام فرمود:«این شرک است».گفتم:«سبحان اللّه! شرک است؟».فرمود:«اگر شرک هم نباشد،به درستی که رفتاری جاهلی بود و در اسلام از آن نهی شده است».

##### ز:فال بد زدن

1174.ابوحسان: مردی به عایشه گفت که ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:«بد یُمنی در زن است و خانه و چار پا».عایشه به شدت خشمگین شد،گویی که نیمه اش به آسمان رفت و نیمۀ دیگرش در زمین ماند.سپس گفت:به درستی که مردمان جاهلی به این امور،فال بد می زدند.

1175.عایشه: پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود:«مردمان جاهلی می گفتند که شومی در سه

ص:397

المَرأَهِ وَالدّابَّهِ وَالدّارِ،ثُمَّ قَرَأَت: ما أَصابَ مِنْ مُصِیبَهٍ فِی الْأَرْضِ وَ لا فِی أَنْفُسِکُمْ إِلاّ فِی کِتابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَها إِنَّ ذلِکَ عَلَی اللّهِ یَسِیرٌ [(1)](#content_note_398_1)[(2)](#content_note_398_2).

ح:الاِستِعاذَهُ بِالجِنِّ

الکتاب

وَ أَنَّهُ کانَ رِجالٌ مِنَ الْإِنْسِ یَعُوذُونَ بِرِجالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزادُوهُمْ رَهَقاً [(3)](#content_note_398_3).

\* الحدیث

1176-زُرارَهُ: سَأَلتُ أبا جَعفَرٍ علیه السلام عَن قَولِ اللّهِ: أَنَّهُ کانَ رِجالٌ مِنَ الْإِنْسِ یَعُوذُونَ بِرِجالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزادُوهُمْ رَهَقاً قالَ:الرَّجُلُ یَنطَلِقُ إلَی الکاهِنِ الَّذی کانَ یوحی إلَیهِ الشَّیطانُ فَیَقولُ:قُل لِشَیطانِکَ:إنَّ فُلانًا فَقَد عاذَ بِکَ [(4)](#content_note_398_4).

ط:الذَّبحُ لِلجِنِّ

1177-الإمام علیّ علیه السلام: إنَّ رَسولَ اللّهِ نَهی عَن ذَبائِحِ الجِنِّ،قیلَ:یا رَسولَ اللّهِ،وما ذَبائِحُ الجِنِّ؟قالَ صلی الله علیه و آله:یَتَخَوَّفُ القَومُ مِن سُکّانِ الدّارِ فَیَذبَحونَ لَهُمُ الذَّبیحَهَ [(5)](#content_note_398_5).

ی:التِّوَل

1178-القاضِی النُّعمانُ: إنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله نَهی عَنِ التَّمائِمِ وَالتِّوَلِ [(6)](#content_note_398_6)،فَالتَّمائِمُ ما یُعَلَّقُ مِنَ الکُتُبِ وَالخَرَزِ وغَیرِ ذلِکَ،وَالتِّوَلُ ما تَتَحَبَّبُ بِهِ النِّساءُ إلی أزواجِهِنَّ کَالکَهانَهِ وأشباهِها،ونَهی عَنِ السِّحرِ [(7)](#content_note_398_7).

ک:النِّیاحَه

1179-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: النِّیاحَهُ مِن عَمَلِ الجاهِلِیَّهِ [(8)](#content_note_398_8).

ص:398

1- (1) الحدید:22. [1]

2- (2) المستدرک علی الصحیحین:3788/521/2،مسند ابن حنبل:26147/93/10، [2]السنن الکبری:16525/241/8.

3- (3) الجنّ:6. [3]

4- (4) تفسیر القمّی:389/2. [4]

5- (5) الجعفریّات:72 [5] عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام،وراجع معانی الأخبار:282؛السنن الکبری:19352/527/9.

6- (6) التمائم:جمع تمیمه،وهی خرزات کانت العرب تعلّقها علی أولادهم یتّقون بها العین فی زعمهم،فأبطلها الإسلام...وإنّما جعلها شرکًالأنّهم أرادوا بها دفع المقادیر المکتوبه علیهم،فطلبوا دفع الأذی من غیر اللّه الذی هو دافعه.وفی حدیث عبد اللّه«التِوَلَه من الشرک»التِوَلَه-بکسر التاء وفتح الواو-:ما یحبّب المرأه إلی زوجها من السحر وغیره،جعله من الشرک لاعتقادهم أنّ ذلک یؤثّر ویفعل خلاف ما قدّره اللّه تعالی (النهایه:197/1 و 198 و 200). [6] وقال الفیروزآبادی:التُوَلَه-کهُمزه-:السحر أو شبهه،وخرز تتحبّب معها المرأه إلی زوجها (القاموس المحیط:341/3). [7]

7- (7) دعائم الإسلام:497/142/2. [8]

8- (8) الفقیه:5769/376/4،تفسیرالقمّی:291/1، [9]الاختصاص:343؛سنن ابن ماجه:1581/504/1 عن أبی مالک الأشعری و ح 1582 عن ابن عبّاس وفیهما«أمر»بدل«عمل»،التاریخ الکبیر:2298/233/2 عن جناده الأزدی عن أبیه عن جدّه نحوه،وراجع امور من الجاهلیّه لن یدعها المسلمون.

چیز است:زن،مَرکب و خانه».سپس عایشه این آیه را خواند:هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفْسهای شما [به شما] نرسد،مگر آنکه پیش از آنکه آن را پدید آوریم،در کتابی است.این [کار] بر خدا آسان است.

##### ح:به جن پناه بردن

قرآن

و مردانی از آدمیانْ به مردانی از جنّ پناه می بردند و بر سرکشی آنها می افزودند.

حدیث

1176.زراره: از امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه پرسیدم:«و مردانی از آدمیان به مردانی از جنّ پناه می بردند و بر سرکشی آنها می افزودند».فرمود:«مردی نزد فالگیران و طالع بینان که شیطان با آنها نجوا می کرد،می رفت و می گفت:

به شیطانت بگو فلانی به تو پناه آورده است».

##### ط:قربانی برای جنّ

1177.امام علی علیه السلام: به راستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی کرد از قربانی جن.گفته شد:«ای رسول خدا! قربانی جن چیست؟».فرمود:«مردمانی از جنّیانی که در خانه ها سکنا می گزینند،هراس داشتند؛از این رو،برایشان قربانی می کردند.

##### ی:مُهره بستن

1178.قاضی نعمان: پیامبر صلی الله علیه و آله از تَمائم و تُوَل منع کرد.«تمام»،مهره ها یا نوشته هایی است که به خود آویزان کنند،و تُوَل،کاری است که زنان،برای محبوب بودن نزد شوهران انجام می دهند؛مانند فالگیری و طالع بینی و مانند آن،و [نیز] پیامبر از سحر منع فرمود.

##### ک:نوحه گری

1179.پیامبر صلی الله علیه و آله: نوحه گری [بر مردگان] از رفتارهای جاهلی است.

ص:399

1180-عنه صلی الله علیه و آله: مِن أمرِ الجاهِلِیَّهِ النِّیاحَهُ،وتَبَرُّؤُ امرِیً مِنِ ابنِهِ،وفَخرُهُ عَلَی النّاسِ [(1)](#content_note_400_1).

1181-أنَسٌ: إنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله أخَذَ عَلَی النِّساءِ حینَ بایَعَهُنَّ أن لا یَنُحنَ،فَقُلنَ:

یا رَسولَ اللّهِ،إنَّ نِساءً أسعَدنَنا فِی الجاهِلِیَّهِ أفَنُسعِدُهُنَّ؟فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله:لا إسعادَ فِی الإِسلامِ [(2)](#content_note_400_2).

1182-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: وَ لا یَعْصِینَکَ فِی مَعْرُوفٍ [(3)](#content_note_400_3)قالَ:النَّوحُ [(4)](#content_note_400_4).

ل:الحَلفُ بِغَیرِ اللّهِ

1183-زُرارَهُ: سَأَلتُهُ [ الإِمامِ الباقِرِ علیه السلام ] عَن قَولِهِ: فَاذْکُرُوا اللّهَ کَذِکْرِکُمْ آباءَکُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِکْراً [(5)](#content_note_400_5)قالَ:إنَّ أهلَ الجاهِلِیَّهِ کانَ مِن قَولِهِم:کَلّا وأبیکَ،بَلی وأبیکَ، فَاُمِروا أن یَقولوا:لا وَاللّهِ،وبَلی وَاللّهِ [(6)](#content_note_400_6).

1184-الإمام الصادق علیه السلام: لا أری أن یَحلِفَ الرَّجُلُ إلّابِاللّهِ،فَأَمّا قَولُ الرَّجُلِ:«لا بَل شانِئُکَ»فَإِنَّهُ مِن قَولِ أهلِ الجاهِلِیَّهِ،ولَو حَلَفَ الرَّجُلُ بِهذا وأشباهِهِ لَتَرَکَ الحَلفَ بِاللّهِ [(7)](#content_note_400_7).

5/6 مَحقُ الإِسلامِ لِعاداتِ الجاهِلِیَّهِ

1185-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: إنَّ اللّهَ عز و جل بَعَثَنی رَحمَهً لِلعالَمینَ،ولِأَمحَقَ المَعازِفَ وَالمَزامیرَ،واُمورَ الجاهِلِیَّهِ،وَالأَوثانَ [(8)](#content_note_400_8).

1186-عنه صلی الله علیه و آله: أبغَضُ النّاسِ إلَی اللّهِ ثَلاثَهٌ:مُلحِدٌ فِی الحَرَمِ،ومُبتَغٍ فِی الإِسلامِ سُنَّهَ الجاهِلِیَّهِ،ومُطَّلِبٌ دَمَ امرِیً بِغَیرِ حَقٍّ لِیُهریقَ دَمَهُ [(9)](#content_note_400_9).

ص:400

1- (1) مسند إسحاق بن راهویه:382/371/1 عن أبی هریره.

2- (2) سنن النسائی:16/4،مسند ابن حنبل:13031/392/4، [1]مصنّف عبدالرزّاق:6690/560/3.

3- (3) الممتحنه:12. [2]

4- (4) سنن ابن ماجه:1579/503/1،مسند ابن حنبل:36782/223/10 کلاهما عن امّ سلمه،الفردوس:7210/417/4 عن ابن الملیح.

5- (5) البقره:200. [3]

6- (6) تفسیر العیّاشی:272/98/1. [4]

7- (7) الکافی:2/449/7 [5] عن الحلبیّ وص 3/450،تهذیب الأحکام:1011/278/8 کلاهما عن سماعه و ح 1010،الفقیه:4288/363/3 کلاهما عن الحلبیّ.

8- (8) الکافی:1/396/6 [6] عن أبی الربیع الشامی عن الإمام الصادق علیه السلام،الأمالی للصدوق:688/502 عن محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله،روضه الواعظین:509؛ [7]مسند ابن حنبل:22370/307/8، [8]المعجم الکبیر:7803/197/8 کلاهما عن أبی امامه نحوه،شُعب الإیمان:6529/243/5 [9] عن أنس.

9- (9) صحیح البخاری:6488/2523/6،السنن الکبری:15902/51/8 کلاهما عن ابن عبّاس؛عوالی اللآلی:216/176/1. [10]

1180.پیامبر صلی الله علیه و آله: از سنّتهای جاهلی است:نوحه گری،بیزاری جستن شخص از فرزندش،و فخر و تکبّر بر مردم.

1181.اَنَس: رسول خدا هنگام بیعت کردن زنان،از آنان پیمان گرفت که نوحه گری نکنند.زنان گفتند:«ای پیامبر! زنانی در جاهلیت ما را در نوحه گری یاری رساندند آیا آنان را یاری رسانیم؟»رسول خدا فرمود:«این کار در اسلام روا نیست».

1182.پیامبر صلی الله علیه و آله -در تفسیر آیۀ«تو را در هیچ معروفی نافرمانی نکنند»-:مقصود، نوحه گری است.

##### ل:سوگند به غیر خدا

1183.زراره: از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیۀ:«خدا را یاد کنید؛مانند یاد کردن پدرانتان یا بیشتر»،پرسیدم.فرمود:«مردمان جاهلی،تکیه کلامشان این بود:نه،به پدرت سوگند؛بلی،به پدرت سوگند.از آن پس دستور داده شد که بگویند:نه،به خدا سوگند؛بلی،به خدا سوگند».

1184.امام صادق علیه السلام: روا نمی بینم که به غیر خدا سوگند یاد شود.این سخن برخی که می گویند«نه،بدخواهت چنین شود»،از گفته های جاهلی است و سوگند با این عبارتها و مانند آن،کنار نهادن سوگند به خداوند است.

#### 5/6 اسلام،نابود کنندۀ سنّتهای جاهلی

1185.پیامبر صلی الله علیه و آله: به راستی که خداوند عزّوجلّ،مرا رحمت برای جهانیان برانگیخت،و برای آنکه ساز و چنگ و نی و سنّتهای جاهلی و بُتان را نابود کنم.

1186.پیامبر صلی الله علیه و آله: مبغوض ترین انسانها نزد خداوند،سه کس است:آنکه در حرم،اِلحاد ورزد؛کسی که در اسلام دنبال سنّتهای جاهلی باشد؛و کسی که تلاش کند خون کسی را به ناحق بریزد.

ص:401

1187-عنه صلی الله علیه و آله -مِن خُطبَتِهِ فی عَرَفَهَ-:ألا کُلُّ شَیءٍ مِن أمرِ الجاهِلِیَّهِ تَحتَ قَدَمَیَّ مَوضوعٌ [(1)](#content_note_402_1)،ودِماءُ الجاهِلِیَّهِ مَوضوعَهٌ،وإنَّ أوَّلَ دَمٍ أضَعُ مِن دِمائِنا دَمُ ابنِ رَبیعَهَ بنِ الحارِثِ-کانَ مُستَرضِعًا فی بَنی سَعدٍ فَقَتَلَتهُ هُذَیلٌ-ورِبَا الجاهِلِیَّهِ مَوضوعٌ،وأوَّلُ رِبًا أضَعُ رِبانا رِبا عَبّاسِ بنِ عَبدِالمُطَّلِبِ فَإِنَّهُ مَوضوعٌ کُلُّهُ [(2)](#content_note_402_2).

1188-أبو عُبَیدَهَ: کانَ مِن مَآثِرِ یَشکُرَ فِی الجاهِلِیَّهِ أنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله خَطَبَ یَومَ الفَتحِ فَقالَ:ألا إنَّ کُلَّ مَکرُمَهٍ کانَت فِی الجاهِلِیَّهِ فَقَد جَعَلتُها تَحتَ قَدَمَیَّ إلَّا السِّقایَهَ وَالسَّدانَهَ [(3)](#content_note_402_3).فَقامَ إلَیهِ الأَسوَدُ بنُ رَبیعَهَ بنِ أبِی الأَسوَدِ بنِ مالِکِ بنِ رَبیعَهَ بنِ جُمَیلِ بنِ ثَعلَبَهَ بنِ عَمرِو بنِ عُثمانَ بنِ حَبیبِ بنِ یَشکُرَ فَقالَ:یا رَسولَ اللّهِ،إنَّ أبی کانَ تَصَدَّقَ بِمالٍ مِن مالِهِ عَلَی ابنِ السَّبیلِ فِی الجاهِلِیَّهِ،فَإِن تَکُن لی تَکرِمَهً تَرَکتُها،وإن لا تَکُن لی مَکرُمَهً فَأَنَا أحَقُّ بِها.فَقالَ:بَل هِیَ لَکَ مَکرُمَهٌ فَتَقَبَّلها [(4)](#content_note_402_4).

1189-عَلِیُّ بنُ إبراهیمَ: حَجَّ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله حَجَّهَ الوَداعِ لِتَمامِ عَشرِ حِجَجٍ مِن مَقدَمِهِ المَدینَهَ،فَکانَ مِن قَولِهِ بِمِنی أن حَمِدَ اللّهَ وأثنی عَلَیهِ ثُمَّ قالَ:...ألا وکُلُّ مَأثَرَهٍ أو بِدعَهٍ کانَت فِی الجاهِلِیَّهِ أو دَمٍ أو مالٍ فَهُوَ تَحتَ قَدَمَیَّ هاتَینِ، لَیسَ أحَدٌ أکرَمَ مِن أحَدٍ إلّابِالتَّقوی،ألا هَل بَلَّغتُ؟قالوا:نَعَم،قالَ:

اللّهُمَّ اشهَد.ثُمَّ قالَ:ألا وکُلُّ رِبًا کانَ فِی الجاهِلِیَّهِ فَهُوَ مَوضوعٌ،وأوَّلُ مَوضوعٍ مِنهُ رِبَا العَبّاسِ بنِ عَبدِالمُطَّلِبِ،ألا وکُلُّ دَمٍ کانَ فِی الجاهِلِیَّهِ فَهُوَ مَوضوعٌ،وأوَّلُ مَوضوعٍ دَمُ رَبیعَهَ،ألا هَل بَلَّغتُ؟قالوا:نَعَم،قالَ:اللّهُمَّ اشهَد [(5)](#content_note_402_5).

ص:402

1- (1) قال الشریف الرضی رحمه الله فی المجازات النبویّه:102/135 [1] بعد نقله لهذا الحدیث:هذا القول مجاز،والمراد به إذلال أمر الجاهلیّه،وحطّ أعلامها ونقض أحکامها،کما یستذلّ الشیء الموطوء الذی تدوسه الأخامص الساعیه والأقدام الواطئه،فلا یبقی منه مرفوع إلّاوضع ولا قائم إلّاصرع.

2- (2) صحیح مسلم:147/889/2،سنن أبی داود:1905/185/2، [2]سنن ابن ماجه:3074/1025/2،سنن الدارمی:1793/476/1 [3] کلّها عن حاتم بن إسماعیل عن الإمام الصادق عن أبیه علیهما السلام عن جابر بن عبداللّه.

3- (3) سدانه الکعبه:خدمتها وتولّی أمرها وفتح بابها وإغلاقه (تاج العروس:276/18). [4]

4- (4) الإصابه:158/225/1، [5]وراجع اسد الغابه:141/228/1. [6]

5- (5) تفسیر القمّی:171/1. [7]

1187.پیامبر صلی الله علیه و آله -از سخنرانی پیامبر در روز عرفه-:بدانید که هر سنّتی از سنّتهای جاهلی را زیر پا گذاشتم و کنار نهادم.خونخواهی جاهلی نیز کنار نهاده می شود،و به درستی که اوّل خونی که کنار می نهم،خون ابن ربیعه،پسر حارث است-که در قبیله بنی سعد دوران رضاع را می گذراند و قبیلۀ هذیل او را کشتند-ربای جاهلی،مُلغی است و اوّل ربایی که لغو می کنم ربای عباس پسر عبدالمطّلب است؛به درستی که همۀ اینها مُلغی هستند.

1188.ابوعبید: از کارهای برجسته یَشْکُر در جاهلیت این است:پیامبر صلی الله علیه و آله در روز فتح مکّه،سخنرانی کرد و فرمود:«بدانید که همه کارهای افتخارآمیز جاهلیت را زیر پا گذارم،جز آب رسانی به حاجیان و پرده داری کعبه».آنگاه، اسود بن ربیعه بن ابوالاسود بن مالک بن ربیعه بن جمیل بن ثعلبه بن عمرو بن عثمان بن حبیب بن یَشکُر به پا خاست و گفت:«ای رسول خدا! به راستی که پدرم در جاهلیت،اموالی را بر در راه ماندگان بخشش می کرد.اگر این برای من بزرگی است،رهایش کنم و اگر شرافتی نیست،من سزاوارترم که آن را ادامه دهم؟».رسول خدا فرمود:«این برای تو افتخاری است؛پس آن را بپذیر».

1189.علی بن ابراهیم: رسول خدا در دهمین سال ورود به مدینه،حجهالوداع [ حجّ خداحافظی] را بجای آورد.بخشی از سخنان وی که در سرزمین منا پس از حمد و سپاس الهی ایراد کرد،چنین بود:«بدانید که هر افتخار یا بدعت جاهلی و هر خون و سنّت جاهلی،در زیر پاهای من است.هیچ کس شرافتی بر دیگری ندارد،جز به تقوا؛آیا رساندم؟».گفتند:«بلی».فرمود:

«خدایا! گواه باش».سپس فرمود:«بدانید هر ربای جاهلی،مُلغی است و اوّلین ربای لغو شده،ربای عباس پسر عبدالمطّلب است.آگاه باشید که هر خون جاهلی را ملغی کردم و اوّلین خونخواهیِ لغو شده،خون ربیعه است؛ آیا رساندم؟».گفتند:«بلی».فرمود:«بارخدایا! گواه باش».

ص:403

1190-رسول اللّه صلی الله علیه و آله -مِن خُطبَتِهِ فی حَجَّهِ الوَداعِ-:إنَّ رِبَا الجاهِلِیَّهِ مَوضوعٌ وإنَّ أوَّلَ رِبًا أبدَأُ بِهِ رِبَا العَبّاسِ بنِ عَبدِ المُطَّلِبِ،وإنَّ دِماءَ الجاهِلِیَّهِ مَوضوعَهٌ وإنَّ أوَّلَ دَمٍ أبدَأُ بِهِ دَمُ عامِرِ بنِ رَبیعَهَ بنِ الحارِثِ بنِ عَبدِ المُطَّلِبِ،وإنَّ مَآثِرَ [(1)](#content_note_404_1)الجاهِلِیَّهِ مَوضوعَهٌ غَیرَ السَّدانَهِ وَالسِّقایَهِ،وَالعَمدُ قَوَدٌ وشِبهُ العَمدِ ما قُتِلَ بِالعَصا وَالحَجَرِ وفیهِ مِائَهُ بَعیرٍ،فَمَنِ ازدادَ فَهُوَ مِنَ الجاهِلِیَّهِ [(2)](#content_note_404_2).

1191-الإمام الباقر علیه السلام: صَعِدَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله المِنبَرَ یَومَ فَتحِ مَکَّهَ فَقالَ:أیُّهَا النّاسُ،إنَّ اللّهَ قَد أذهَبَ عَنکُم نَخوَهَ الجاهِلِیَّهِ وتَفاخُرَها بِآبائِها.ألا إنَّکُم مِن آدَمَ علیه السلام وآدَمُ مِن طینٍ.ألا إنَّ خَیرَ عِبادِ اللّهِ عَبدٌ اتَّقاهُ،إنَّ العَرَبِیَّهَ لَیسَت بِأَبٍ والِدٍ ولکِنَّها لِسانٌ ناطِقٌ،فَمَن قَصُرَ بِهِ عَمَلُهُ لَم یُبلِغهُ حَسَبُهُ.ألا إنَّ کُلَّ دَمٍ کانَ فِی الجاهِلِیَّهِ أو إحنَهٍ-وَالإِحنَهُ:الشَّحناءُ-فَهِیَ تَحتَ قَدَمی هذِهِ إلی یَومِ القِیامَهِ [(3)](#content_note_404_3).

1192-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: إنَّ اللّهَ قَد وَضَعَ بِالإِسلامِ مَن کانَ فِی الجاهِلِیَّهِ شَریفًا،وشَرَّفَ بِالإِسلامِ مَن کانَ فِی الجاهِلِیَّهِ وَضیعًا،وأعَزَّ بِالإِسلامِ مَن کانَ فِی الجاهِلِیَّهِ ذَلیلًا،وأذهَبَ بِالإِسلامِ ما کانَ مِن نَخوَهِ الجاهِلِیَّهِ وتَفاخُرِها بِعَشائِرِها وباسِقِ أنسابِها.فَالنّاسُ الیَومَ کُلُّهُم-أبیَضُهُم وأسوَدُهُم، وقُرَشِیُّهُم وعَرَبِیُّهُم وعَجَمِیُّهُم-مِن آدَمَ،وإنَّ آدَمَ خَلَقَهُ اللّهُ مِن طینٍ،وإنَّ أحَبَّ النّاسِ إلَی اللّهِ عز و جل یَومَ القِیامَهِ أطوَعُهُم لَهُ وأتقاهُم [(4)](#content_note_404_4).

1193-الإمام الصادق علیه السلام: إنَّما أفاضَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله خِلافَ أهلِ الجاهِلِیَّهِ کانوا یُفیضونَ بِإِیجافِ [(5)](#content_note_404_5)الخَیلِ وإیضاعِ الإِبِلِ،فَأَفاضَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله خِلافَ

ص:404

1- (1) مآثر العرب:مکارمها ومفاخرها التی تؤثر عنها وتُروی (النهایه:288/4). [1]

2- (2) تحف العقول:31.

3- (3) الکافی:342/246/8، [2]معانی الأخبار:1/207 کلاهما عن حنّان بن سدیر عن أبیه،الزهد للحسین بن سعید:150/56 [3] عن أبی عبیده الحذّاء نحوه،دعائم الإسلام:729/198/2. [4]

4- (4) الکافی:1/340/5 [5] عن أبی حمزه الثمالی عن الإمام الباقر علیه السلام.

5- (5) الإیجاف:سُرعه السیر،إیضاع الإبل:حملها علی سرعه السیر (النهایه:157/5 [6] وص 196).

1190.پیامبر صلی الله علیه و آله -از سخنرانی ایشان در حجه الوداع-:به راستی که ربای جاهلی کنار نهاده شد و اوّلین ربایی که از آن شروع می کنم،ربای عبّاس پسر عبدالمطّلب است؛و به راستی که خونهای جاهلی،کنار نهاده شد و اوّلین خونی که از آن شروع می کنم،خون عامر پسر ربیعه پسر حارث پسر عبدالمطّلب است؛و به راستی که افتخارات جاهلی،کنار نهاده شد،جز پرده داری و آب رسانی به حاجیان.قتل عمد،قصاص دارد و قتل شبه عمد،آن که با سنگ و عصا کشته شود،صد شتر دیه دارد؛هرکه بر آن بیفزاید،او از جاهلیت است.

1191.امام باقر علیه السلام: رسول خدا در روز فتح مکّه،بر منبر رفت و فرمود:«ای مردم ! خداوند،غرور جاهلی و فخر فروشی را از میان برداشت.آگاه باشید که همۀ شما از آدم،و آدم از خاک آفریده شد.بدانید که بهترین بندۀ خدا،کسی است که از خدا پروا کند.عربیّت،پدر و تبار نیست؛بلکه زبانی است گویا؛ آنکه در کردارش قصور و کوتاهی باشد،تبار او جبران نکند.آگاه باشید که هر خون جاهلی یا کینۀ جاهلی،زیر پای من است تا روز قیامت».

1192.پیامبر صلی الله علیه و آله: به راستی که خداوند،آنکه را در جاهلیتْ شریف بود،پست کرد و به سبب اسلام،کسانی را که در جاهلیتْ پست بودند،شرافت بخشید؛به واسطه اسلام،کسانی را که در جاهلیت خوار بودند،عزیز ساخت؛و خداوند، به واسطۀ اسلام،غرور جاهلی و فخر فروشی به قبیله ها و تبارهای برجسته را از بین برد.امروز همۀ مردم،سیاه و سفید،قُرَشی،و عربی و غیر عرب،از آدم [آفریده شده اند] و خداوند،آدم را از خاک بیافرید.به درستی که محبوب ترین کسانْ نزد خداوند،در روز رستاخیز،پارساترین و پیروترین آنها نسبت به خداوند است.

1193.امام صادق علیه السلام: رسول خدا بر خلاف رسم جاهلیت [از مشعر الحرام به سوی منا] حرکت کرد.در جاهلیت،از مشعر با سرعت اسبان و شتران را به حرکت

ص:405

ذلِکَ بِالسَّکینَهِ وَالوَقارِ وَالدَّعَهِ،فَأَفِض بِذِکرِ اللّهِ وَالاِستِغفارِ وحَرِّک بِهِ لِسانَکَ،فَإِذا مَرَرتَ بِوادی مُحَسِّرٍ-وهُوَ وادٍ عَظیمٌ بَینَ جَمعٍ ومِنی وهُوَ إلی مِنی أقرَبُ-فَاسعَ فیهِ حَتّی تُجاوِزَهُ [(1)](#content_note_406_1).

1194-الإمام الباقر علیه السلام: قالَ [رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله ] لِعَلِیٍّ علیه السلام:یا عَلِیُّ ائتِ بَنی خُزَیمَهَ مِن بَنِی المُصطَلِقِ فَأَرضِهِم مِمّا صَنَعَ خالِدُ بنُ الوَلیدِ.ثُمَّ رَفَعَ صلی الله علیه و آله قَدَمَیهِ فَقالَ:

یا عَلِیُّ،اِجعَل قَضاءَ أهلِ الجاهِلِیَّهِ تَحتَ قَدَمَیکَ.فَأَتاهُم عَلِیٌّ علیه السلام،فَلَمَّا انتَهی إلَیهِم حَکَمَ فیهِم بِحُکمِ اللّهِ عز و جل.فَلَمّا رَجَعَ إلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قالَ:یا عَلِیُّ، أخبِرنی بِما صَنَعتَ... [(2)](#content_note_406_2).

1195-عنه علیه السلام: دَعا رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله عَلِیَّ بنَ أبی طالِبٍ علیه السلام فَقالَ:یا عَلِیُّ،اُخرُج إلی هؤُلاءِ القَومِ [یَعنی بَنی جَذیمَهَ] فَانظُر فی أمرِهِم،وَاجعَل أمرَ الجاهِلِیَّهِ تَحتَ قَدَمَیکَ.فَخَرَجَ عَلِیٌّ حَتّی جاءَهُم ومَعَهُ مالٌ قَد بَعَثَ بِهِ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله،فَوَدی لَهُمُ الدِّماءَ وما اصیبَ لَهُم مِنَ الأَموالِ حَتّی إنَّهُ لَیَدی لَهُم میلَغَهَ الکَلبِ [(3)](#content_note_406_3).

1196-الإمام زین العابدین علیه السلام: إنَّ اللّهَ عز و جل رَفَعَ بِالإِسلامِ الخَسیسَهَ،وأتَمَّ بِهِ النّاقِصَهَ، وأکرَمَ بِهِ اللُّؤمَ،فَلا لُؤمَ عَلَی المُسلِمِ،إنَّمَا اللُّؤمُ لُؤمُ الجاهِلِیَّهِ [(4)](#content_note_406_4).

1197-الإمام الصادق علیه السلام: الأَکلُ عِندَ أهلِ المُصیبَهِ مِن عَمَلِ أهلِ الجاهِلِیَّهِ،وَالسُّنَّهُ البَعثُ إلَیهِم بِالطَّعامِ کَما أمَرَ بِهِ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله فی آلِ جَعفَرِ بنِ أبی طالِبٍ لَمّا جاءَ نَعیُهُ [(5)](#content_note_406_5).

ص:406

1- (1) تهذیب الأحکام:637/192/5،علل الشرایع:1/444 [1] نحوه وکلاهما عن معاویه بن عمّار،وراجع ص /249الفصل السادس:الجاهلیّه الاُولی/دین الجاهلیّه/الطواف عریًا.

2- (2) علل الشرایع:35/474، [2]الأمالی للصدوق:252/238 [3] وفیه«بنی جذیمه»بدل«بنی خزیمه»وکلاهما عن محمّد بن مسلم.

3- (3) السیره النبویّه لابن هشام:72/4 [4] عن حکیم بن حکیم.

4- (4) الکافی:3/344/5، [5]الزهد للحسین بن سعید:158/59 [6] کلاهما عن زراره بن أعین عن الإمام الباقر علیه السلام،تهذیب الأحکام:1587/397/7 عن محمّدبن مسلم عن أحدهما علیهما السلام،دعائم الإسلام:728/198/2 عن الإمام الباقر علیه السلام.

5- (5) الفقیه:548/182/1.

درمی آوردند؛ولی رسول خدا با آرامش و متانت و فروتنی،از مشعر به سوی منا حرکت کرد.پس در حال فرود آمدن با یاد خدا و استغفار باش و زبان را به یاد خدا بچرخان.هنگامی که به وادی مُحَسَّر-که منطقه ای عظیم میان جَمع و مناست و به منا نزدیکتراست-رسیدی،با سرعت حرکت کن تا از آن بگذری.

1194.امام باقر علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:«نزد طایفه بنی خزیمه از بنی المصطلق برو و آنان را از کاری که خالد بن ولید انجام داد،راضی کن».

آن گاه،رسول خدا پایش را بلند کرد و فرمود:«داوری جاهلی را زیر پا گذار».

علی علیه السلام نزد آنان آمد و با حکم خداوند،در میانشان داوری کرد.هنگامی که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برگشت،رسول خدا فرمود:«ای علی! به من بگو چه کردی؟»

1195.امام باقر علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله،علی بن ابی طالب علیه السلام را فرا خواند و فرمود:«ای علی! به سوی این گروه [بنی خزیمه]،حرکت کن و در کارهایشان بنگر،و رسمهای جاهلی را زیر پا گذار».علی علیه السلام خارج شد و نزد آنان آمد.با او اموالی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاده بود.پس خونبهای خونهای ریخته شده و خسارت اموال تلف شده،حتّی کاسۀ آبخوری سگ را پرداخت کرد.

1196.امام سجاد علیه السلام: به راستی که خداوند،به واسطه اسلام،خسّت و پستی را از میان برداشت،و نقص و کمی را با آن تمام کرد و به سبب آن،فرومایگی به بزرگواری تبدیل شد.پس هیچ پستی بر مسلمان نیست.همانا پستی و فرومایگی،پستی دوران جاهلیت است.

1197.امام صادق علیه السلام: خوردن نزد صاحبان عزا و مصیبت،رفتاری جاهلی است.سنّت اسلامی،فرستادن غذا برای صاحبان عزاست؛همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که خبر مرگ جعفر بن ابی طالب را شنید،دستور داد برای خاندان او غذا ببرند.

ص:407

6/6 ما ابرِمَ مِن مَحاسِنِ السُّنَنِ

1198-رسول اللّه صلی الله علیه و آله -فی وَصِیَّتِهِ لِمُعاذِ بنِ جَبَلٍ لَمّا بَعَثَهُ إلَی الیَمَنِ-:أمِت أمرَ الجاهِلِیَّهِ إلّاما سَنَّهُ الإِسلامُ،وأظهِر أمرَ الإِسلامِ کُلَّهُ صَغیرَهُ وکَبیرَهُ [(1)](#content_note_408_1).

1199-عنه صلی الله علیه و آله -أیضًا-:أمِت أمرَ الجاهِلِیَّهِ إلّاما حَسُنَ [(2)](#content_note_408_2).

1200-عنه صلی الله علیه و آله: إنَّ عَبدَ المُطَّلِبِ علیه السلام سَنَّ فِی الجاهِلِیَّهِ خَمسَ سُنَنٍ أجراهَا اللّهُ عز و جل فِی الإِسلامِ:حَرَّمَ نِساءَ الآباءِ عَلَی الأَبناءِ،فَأَنزَلَ اللّهُ عز و جل وَ لا تَنْکِحُوا ما نَکَحَ آباؤُکُمْ مِنَ النِّساءِ [(3)](#content_note_408_3)،ووَجَدَ کَنزًا فَأَخرَجَ مِنهُ الخُمسَ وتَصَدَّقَ بِهِ، فَأَنزَلَ اللّهُ عز و جل وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَیْءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ ...الآیه [(4)](#content_note_408_4)،ولَمّا حَفَرَ بِئرَ زَمزَمَ سَمّاها سِقایَهَ الحاجِّ،فَأَنزَلَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالی أَ جَعَلْتُمْ سِقایَهَ الْحاجِّ وَ عِمارَهَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ کَمَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ ...الآیه [(5)](#content_note_408_5)،وسَنَّ فِی القَتلِ مِائَهً مِنَ الإِبِلِ،فَأَجرَی اللّهُ عز و جل ذلِکَ فِی الإِسلامِ،ولَم یَکُن لِلطَّوافِ عَدَدٌ عِندَ قُرَیشٍ فَسَنَّ لَهُم عَبدُ المُطَّلِبِ سَبعَهَ أشواطٍ،فَأَجرَی اللّهُ عز و جل ذلِکَ فِی الإِسلامِ [(6)](#content_note_408_6).

1201-عنه صلی الله علیه و آله: لا حِلفَ فِی الإِسلامِ،وأیُّما حِلفٍ کانَ فِی الجاهِلِیَّهِ لَم یَزِدهُ الإِسلامُ إلّا شِدَّهً [(7)](#content_note_408_7).

1202-عَمرُو بنُ شُعَیبٍ عَن أبیهِ عَن جَدِّهِ:جَلَسَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله عامَ الفَتحِ عَلی دَرَجِ الکَعبَهِ،فَحَمِدَ اللّهَ وأثنی عَلَیهِ،ثُمَّ قالَ:مَن کانَ لَهُ حِلفٌ فِی الجاهِلِیَّهِ لَم یَزِدهُ الإِسلامُ إلّاشِدَّهً [(8)](#content_note_408_8).

ص:408

1- (1) تحف العقول:25.

2- (2) المجازات النبویّه:147/188 [1] قال الشریف الرضیّ رحمه الله بعد ذکره للحدیث:هذه استعاره،والمراد توصیته بأن یحیل أمر الجاهلیّه بنقض أحکامها وخفض أعلامها،حتّی ینسی ذکرها ویعفو أثرها،فتکون کالمیّت الذی نسی ذکره وانقطع خبره؛مختصر تاریخ دمشق:321/371/24 عن عبید بن صخر،کنزالعمّال:43464/871/15 وفیهما«ما حسّنه الإسلام».

3- (3) النساء:22. [2]

4- (4) الأنفال:41. [3]

5- (5) التوبه:19. [4]

6- (6) الفقیه:5762/365/4 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبیه جمیعًا عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام،الخصال:90/312 عن أنس بن محمّد عن أبیه عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله،وراجع عیون أخبار الرضا علیه السلام:1/212/1. [5]

7- (7) صحیح مسلم:206/1961/4،سنن أبی داود:2925/129/3، [6]مسند ابن حنبل:16761/620/5 [7] کلّها عن جبیر بن مطعم و ج 6934/653/2 عن عمرو بن شعیب عن أبیه عن جدّه،سنن الدارمی:2431/693/2 [8] عن ابن عبّاس وکلاهما نحوه؛الأمالی للطوسی:481/263 [9] عن عمرو بن شعیب عن أبیه عن جدّه.

8- (8) الأدب المفرد:570/173، [10]مسند ابن حنبل:7032/672/2 [11] نحوه.

#### 6/6 سنّتهای تأیید شدۀ خوب

1198.پیامبر صلی الله علیه و آله -در سفارش به معاذ بن جبل هنگامی که او را به یمن فرستاد-:

رسمهای جاهلی را نابود کن؛جز آنچه را که اسلام تأیید کرده است؛و شئون اسلامی را آشکار کن،بزرگ و کوچک آن را.

1199.پیامبر صلی الله علیه و آله -در سفارش به معاذ بن جبل،هنگامی که او را به یمن فرستاد-:

عادات جاهلی را بمیران؛جز آنچه نیکوست.

1200.پیامبر صلی الله علیه و آله: به راستی که عبدالمطّلب علیه السلام در جاهلیت پنج سنّت بنا نهاد که خداوند عزّوجلّ،در اسلام نیز آنها را جاری ساخت:زنِ پدران را بر فرزندان حرام کرد؛پس خداوندِ عزّوجلّ،این آیه را نازل کرد:«با زنانی که پدران شما به ازدواج درآورده اند،ازدواج مکنید»؛و گنجی را یافت،یک پنجم آن را جدا کرد و صدقه داد؛پس خداوند عزّوجلّ،این آیه را نازل فرمود:«بدانید اگر غنیمت و بهره ای به دست می آورید،یک پنجم آن برای خدا و رسول است»؛هنگامی که چاه زمزم را حفر کرد،آن را«سقایه الحاج»نامید؛پس خداوند عزّ وجلّ،این آیه را فرود آورد:«آیا آب دادن به حاجیان و آبادنی مسجدالحرام را مانند ایمان به خدا و روز آخرت می دانید؟»؛در کشتن،صد شتر را به عنوان دیه سنّت نهاد؛پس خداوند،همان را در اسلام جاری ساخت؛و قریش،برای طواف عددی خاص نداشتند؛پس عبدالمطّلب هفت دور را سنّت کرد و خداوند عزّوجلّ،همان را در اسلام اجرا ساخت.

1201.پیامبر صلی الله علیه و آله: هیچ پیمان (تازه ای) در اسلام نیست،و هر پیمانی که در جاهلیت بود اسلام آن را محکم ساخت.

1202.عمرو بن شعیب: از پدرش و او از جدّش چنین نقل می کند:پیامبر در سال فتح مکّه،بر پلکان کعبه نشست؛پس خدا را حمد کرد و او را ستایش کرد و فرمود:هر که در جاهلیت پیمانی داشته،اسلام آن را شدّت بخشیده است.

ص:409

1203-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: کُلُّ قَسمٍ قُسِمَ فِی الجاهِلِیَّهِ فَهُوَ عَلی ما قُسِمَ (لَهُ)،وکُلُّ قَسمٍ أدرَکَهُ الإِسلامُ فَهُوَ عَلی قَسمِ الإِسلامِ [(1)](#content_note_410_1).

1204-عنه صلی الله علیه و آله: أیُّما دارٍ أو أرضٍ قُسِمَت فِی الجاهِلِیَّهِ فَهِیَ عَلی قَسمِ الجاهِلِیَّهِ، وأیُّما دارٍ أو أرضٍ أدرَکَهَا الإِسلامُ ولَم تُقسَم فَهِیَ عَلی قَسمِ الإِسلامِ [(2)](#content_note_410_2).

1205-عنه صلی الله علیه و آله: ما کانَ مِن میراثٍ قُسِمَ فِی الجاهِلِیَّهِ فَهُوَ عَلی قِسمَهِ الجاهِلِیَّهِ،وما کانَ مِن میراثٍ أدرَکَهُ الإِسلامُ،فَهُوَ عَلی قِسمَهِ الإِسلامِ [(3)](#content_note_410_3).

1206-ابنُ عَبّاسٍ: کانَتِ القَسامَهُ فِی الجاهِلِیَّهِ حِجازًا بَینَ النّاسِ،وکانَ مَن حَلَفَ عَلی یَمینِ صَبرٍ أثِمَ فیها ارِیَ عُقوبَهً مِنَ اللّهِ یُنکَلُ بِها مِنَ الجُرأَهِ عَلَی المَحارِمِ،فَکانوا یَتَوَرَّعونَ عَن أیمانِ الصَّبرِ ویَخافونَها،فَلَمّا بَعَثَ اللّهُ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله أقَرَّ القَسامَهَ [(4)](#content_note_410_4).

1207-فُضَیلُ بنُ عِیاضٍ: قُلتُ لِأَبی عَبدِاللّهِ علیه السلام:أفَیُعتَدُّ بِشَیءٍ مِن أمرِ الجاهِلِیَّهِ؟فَقالَ:

إنَّ أهلَ الجاهِلِیَّهِ ضَیَّعوا کُلَّ شَیءٍ مِن دینِ [(5)](#content_note_410_5)إبراهیمَ علیه السلام إلَّاالخِتانَ وَالتَّزویجَ وَالحَجَّ،فَإِنَّهُم تَمَسَّکوا بِها ولَم یُضَیِّعوها [(6)](#content_note_410_6).

1208-عَبدُاللّهِ بنُ عُمَرَ: إنَّ عُمَرَ قالَ:یا رَسولَ اللّهِ،إنّی نَذَرتُ فِی الجاهِلِیَّهِ أن أعتَکِفَ لَیلَهً فِی المَسجِدِ الحَرامِ.

قالَ:فَأَوفِ بِنَذرِکَ [(7)](#content_note_410_7).

1209-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: ألا إنَّ رَجَبًا شَهرُ اللّهِ الأَصَمُّ،وهُوَ شَهرٌ عَظیمٌ،وإنَّما سُمِّیَ الأَصَمَّ لِأَنَّهُ لا یُقارِنُهُ شَهرٌ مِنَ الشُّهورِ عِندَ اللّهِ عز و جل حُرمَهً وفَضلًا،وکانَ أهلُ الجاهِلِیَّهِ یُعَظِّمونَهُ فی جاهِلِیَّتِها،فَلَمّا جاءَ الإِسلامُ لَم یَزدَد إلّاتَعظیمًا وفَضلًا [(8)](#content_note_410_8).

ص:410

1- (1) سنن أبی داود:2914/126/3، [1]سنن ابن ماجه:2485/831/2،السنن الکبری:18286/205/9 کلّها عن ابن عبّاس.

2- (2) الموطّأ:35/746/2، [2]السنن الکبری:18285/205/9 کلاهما عن ثور بن زید الدیلی.

3- (3) سنن ابن ماجه:2749/918/2 عن عبداللّه بن عمر،مصنّف عبدالرزّاق:12638/167/7 عن نافع نحوه.

4- (4) المعجم الکبیر:10737/304/10.

5- (5) فی المصدر«من دون»،والصحیح ما أثبتناه کما فی بحار الأنوار:9/91/99.

6- (6) علل الشرایع:3/414، [3]وراجع المفصّل فی تاریخ العرب:451/6.

7- (7) صحیح البخاری:6319/2464/6 و ج 1927/714/2 و ص 1937/718،صحیح مسلم:27/1277/3،مسند ابن حنبل:255/87/1، [4]السنن الکبری:8586/522/4. [5]

8- (8) فضائل الأشهر الثلاثه:12/24، [6]ثواب الأعمال:4/78 کلاهما عن أبی سعید الخدریّ،روضه الواعظین:435، [7]وراجع المفصّل فی تاریخ العرب:199/6.

1203.پیامبر صلی الله علیه و آله: هر سهمی که در جاهلیت تقسیم شد،به همان صورت خواهد بود،و هر سهمی که اسلام آن را درک کرد،پس به سهم اسلام خواهد بود.

1204.پیامبر صلی الله علیه و آله: هر خانه و زمینی که در جاهلیت تقسیم شد،به همان تقسیم جاهلی است،و هر خانه و زمینی که اسلام آن را درک کرد و تقسیم نشده بود،به دستور اسلام تقسیم می شود.

1205.پیامبر صلی الله علیه و آله: هر میراثی که در جاهلیت تقسیم شد،به همان قسمتْ باقی است و هر میراثی که اسلام آن را درک کرد،به تقسیم اسلام است.

1206.ابن عبّاس: قَسامه [سوگند گروهی]،مانعی برای مردم،در جاهلیت بود و هر کس سوگند صبر یاد می کرد-اینکه کسی را حبس کنند تا سوگند یاد کند-به سبب گناهی که مرتکب شده بود،کیفری خدایی به او نمایانده می شد که از جرأت یافتن بر انجام امور حرام،سر باز زند.از این رو،از سوگند صبر اجتناب کرده،می ترسیدند.هنگامی که خداوند محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث کرد،قَسامه را امضا نمود.

1207.فضیل بن عیاض -به امام صادق علیه السلام گفتم:«آیا چیزی از سنّتهای جاهلی محترم است؟»فرمود:«اهل جاهلیت،هر آنچه را از دین ابراهیم علیه السلام بود،تباه ساختند؛جز ختنه کردن،ازدواج و حج.آنان به این سه تمسّک جُستند و تباه نکردند».

1208.عبداللّه بن عمر: عمر به رسول خدا عرض کرد:«ای رسول خدا ! در جاهلیت نذر کردم که یک شب در مسجد الحرام معتکف شوم».پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:«به نذر خود،وفا کن».

1209.پیامبر صلی الله علیه و آله: بدانید که رجب،ماه سنگین خداست و آن،ماهی بزرگ است و بدان جهت،ماه رجب را«اصمّ»نامیده اند؛زیرا هیچ ماهی در احترام و فضیلتْ به پایه اش نرسد.مردمان جاهلی،این ماه را بزرگ می شمردند؛پس هنگامی که اسلام آمد،بر عظمت و فضیلت آن افزود.

ص:411

1210-مُجاهِدٌ: [إنَّ] السّائِبَ بنَ عَبدِاللّهِ قالَ:جیءَ بی إلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله یَومَ فَتحِ مَکَّهَ، جاءَ بی عُثمانُ بنُ عَفّانٍ وزُهَیرٌ،فَجَعَلوا یُثنونَ عَلَیهِ،فَقالَ لَهُم رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله:لا تُعلِمونی بِهِ قَد کانَ صاحِبی فِی الجاهِلِیَّهِ.قالَ:قالَ:نَعَم یا رَسولَ اللّهِ،فَنِعمَ الصّاحِبُ کُنتَ،قالَ:فَقالَ:یا سائِبُ،اُنظُر أخلاقَکَ الَّتی کُنتَ تَصنَعُها فِی الجاهِلِیَّهِ فَاجعَلها فِی الإِسلامِ؛أقرِ الضَّیفَ،وأکرِمِ الیَتیمَ،وأحسِن إلی جارِکَ [(1)](#content_note_412_1).

1211-زُرارَهُ: قُلتُ لِأَبی جَعفَرٍ علیه السلام:النّاسُ یَروونَ عَن رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله أنَّهُ قالَ:أشرَفُکُم فِی الجاهِلِیَّهِ أشرَفُکُم فِی الإِسلامِ،فَقالَ علیه السلام:صَدَقوا،ولَیسَ حَیثُ تَذهَبونَ،کانَ أشرَفُهُم فِی الجاهِلِیَّهِ أسخاهُم نَفسًا،وأحسَنَهُم خُلقًا، وأحسَنَهُم جِوارًا،وأکَفَّهُم أذًی،فَذلِکَ الَّذی إذا أسلَمَ لَم یَزِدهُ إسلامُهُ إلّا خَیرًا [(2)](#content_note_412_2).

1212-عَلقَمَهُ بنُ یَزیدَ بنِ سُوَیدٍ الأَزدِیُّ: قالَ سُوَیدُ بنُ الحارِثِ:وَفَدتُ عَلی رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله سابِعَ سَبعَهٍ مِن قَومی،فَأَعجَبَهُ ما رَأی مِن سَمتِنا وزِیِّنا، فَقالَ:ما أنتُم؟قُلنا:مُؤمِنونَ،فَتَبَسَّمَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله وقالَ:إنَّ لِکُلِّ قَولٍ حَقیقَهً،فَما حَقیقَهُ إیمانِکُم؟قالَ سُوَیدٌ:قُلنا:خَمسَ عَشرَهَ خَصلَهً، خَمسٌ مِنها أمَرَتنا رُسُلُکَ أن نُؤمِنَ بِها،وخَمسٌ أمَرَتنا رُسُلُکَ أن نَعمَلَ بِها،وخَمسٌ مِنها تَخَلَّقنا بِها فِی الجاهِلِیَّهِ فَنَحنُ عَلَیها إلّاأن تَکرَهَ مِنها شَیئًا.

فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله:مَا الخَمسُ الَّتی أمَرَکُم رُسُلی أن تُؤمِنوا بِها؟قُلنا:أن نُؤمِنَ بِاللّهِ،ومَلائِکَتِهِ،وکُتُبِهِ،ورُسُلِهِ،وَالبَعثِ بَعدَ المَوتِ.قالَ:ومَا

ص:412

1- (1) مسند ابن حنبل:15500/280/5، [1]اُسد الغابه:1913/395/2، [2]الفردوس:8559/403/5 وفیه السائب بن یزید وفیه ذیله.

2- (2) الزهد للحسین بن سعید:157/59، [3]مستدرک الوسائل:9781/395/8 [4] نقلًا عن الکوفی فی کتاب الأخلاق.

1210.مجاهد: سائب بن عبداللّه گفت:مرا روز فتح مکّه،نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند.

عثمان بن عفان و زهیر،مرا آوردند.آنها شروع به مدح سائب کردند.آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان فرمود:دربارۀ او به من خبر مدهید؛او در جاهلیت همنشین من بود.سائب گفت:«بلی،ای رسول خدا! خوبْ همنشینی بودی».

آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:«ای سائب! به خلق و خویی که در جاهلیت داشتی، بنگر؛همۀ آنها را در اسلام حفظ کن؛به میهمان غذا بخوران؛یتیمان را گرامی بدار و به همسایگانْ نیکی کن».

1211.زراره: به امام باقر علیه السلام عرض کردم:مردم نقل می کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«گرامی ترین شما در جاهلیت،گرامی ترین شما در دوران اسلام است».امام باقر علیه السلام فرمود:«راست می گویند؛ولی نه آن گونه که آنان گمان می کنند.

شریف ترین مردمان در جاهلیت،کسانی اند که از همه بخشنده تر،خوشْ اخلاق تر،همسایه دارتر و بی آزارتر بودند؛اینان اگر اسلام آورند؛جز بر خوبی شان نیفزاید».

1212.علقمه بن یزید بن سوید ازدی: سوید بن حارث گفت:من هفتمین نفر قبیله ام بودم که بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدم.رسول خدا صلی الله علیه و آله از راه و روش ما خوشش آمد و فرمود:«چگونه اید؟».گفتیم:«مؤمن هستیم».رسول خدا صلی الله علیه و آله تبسّم کرد و فرمود:«هر سخنی را حقیقتی است؛حقیقت ایمان چیست؟».سوید می گوید که گفتیم:«[حقیقت ایمان ما] پانزده خصلت است ؛پنج خصلت را فرستادگانت فرمان دادند که بدان ایمان بیاوریم،و پنج خصلت را فرمان دادند که بدان عمل کنیم،و پنج خصلت را در جاهلیت بدان خو گرفتیم و الان هم بدان پایبندیم؛مگر آنکه شما آن را ناپسند شمرید».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:«پنج خصلتی که فرستادگان من دستور دادند که بدان ایمان آورید،چیست؟».گفتیم:اینکه ایمان آوریم به خدا،

ص:413

الخَمسُ الَّتی أمَرَتکُم رُسُلی أن تَعمَلوا بِها؟قُلنا:نَقولُ:لا إلهَ إلَّااللّهُ ومُحَمَّدٌ رَسولُ اللّهِ،ونُقیمُ الصَّلاهَ،ونُؤتِی الزَّکاهَ،ونَحُجُّ البَیتَ،ونَصومُ رَمَضانَ.قالَ:ومَا الخَمسُ الَّتی تَخَلَّقتُم بِها فِی الجاهِلِیَّهِ؟قُلنا:الشُّکرُ عِندَ الرَّخاءِ،وَالصَّبرُ عِندَ البَلاءِ،وَالصَّبرُ فی مَواطِنِ اللِّقاءِ،وَالرِّضا بِمُرِّ القَضاءِ،وَالصَّبرُ عِندَ شَماتَهِ الأَعداءِ.فَقالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله:حُلَماءُ عُلَماءُ،کادوا مِن صِدقِهِم أن یَکونوا أنبِیاءَ [(1)](#content_note_414_1).

ص:414

1- (1) اسد الغابه:2344/593/2، [1]تاریخ دمشق:8235/201/41.

فرشتگانش،کتب آسمانی اش،پیامبرانش،و زنده شدن پس از مرگ».

فرمود:«پنج خصلتی که مأمور شدید که بدان عمل کنید،چیست؟».گفتیم:

اینکه بگوییم:«لا اله الا اللّه و محمّد رسول اللّه؛نماز برپا داریم؛زکات بدهیم؛حجّ خانه [خدا] به جا آوریم؛و ماه رمضان را روزه بداریم».فرمود:

«پنج خصلتی که در جاهلیتْ بدان خو کردید،چیست؟».گفتیم:«شکر و سپاس به هنگام ناز و نعمت؛شکیبایی در سختی ها؛شکیبایی به هنگام برخورد [با دشمن]؛خشنودی به تلخی قضا و قدر؛و شکیبایی به هنگام سرزنش دشمنان».آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:«بردبارانی دانشمند،که نزدیک است از صداقت و راستی به پیامبری رسند».

ص:415

الفصل السّابع:الجاهِلِیَّهُ الاُخری

1/7 الاِنقِلابُ إلَی الأَعقابِ

الکتاب

وَ ما مُحَمَّدٌ إِلاّ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَ فَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلی أَعْقابِکُمْ وَ مَنْ یَنْقَلِبْ عَلی عَقِبَیْهِ فَلَنْ یَضُرَّ اللّهَ شَیْئاً وَ سَیَجْزِی اللّهُ الشّاکِرِینَ [(1)](#content_note_416_1).

\* الحدیث

1213-الإمام الباقر علیه السلام -فی قَولِهِ تَعالی: وَ لا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِیَّهِ الْأُولی [(2)](#content_note_416_2)-:أی سَیَکونُ جاهِلِیَّهٌ اخری [(3)](#content_note_416_3).

1214-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: بُعِثتُ بَینَ جاهِلِیَّتَینِ،لَاُخراهُما شَرٌّ مِن اولاهُما [(4)](#content_note_416_4).

1215-عنه صلی الله علیه و آله: لا تَقومُ السّاعَهُ حَتّی یُقبَضَ العِلمُ [(5)](#content_note_416_5).

ص:416

1- (1) آل عمران:144. [1]

2- (2) الأحزاب:33. [2]

3- (3) تفسیر القمّی:193/2 [3] عن طلحه بن زید عن الإمام الصادق علیه السلام؛تفسیر الدرّ المنثور:601/6 [4] نقلًا عن ابن أبی حاتم عن ابن عبّاس.

4- (4) الأمالی الخمیسیّه:277/2 عن حصین بن مخارق عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام.

5- (5) صحیح البخاری:989/350/1،مسند ابن حنبل:7491/68/3 [5] کلاهما عن أبی هریره.

### فصل هفتم:جاهلیت دیگر

#### 1/7 بازگشت به عقب

قرآن

و محمّد،جز فرستاده ای که پیش از او [هم] پیامبرانی [آمدند و] گذشتند،نیست.

آیا اگر او بمیرد یا کشته شود،از عقیدۀ خود برمی گردید؟و هر کس از عقیدۀ خود بازگردد،هرگز هیچ زیانی به خدا نمی رساند،و به زودی خداوند،سپاسگزاران را پاداش می دهد.

حدیث

1213.امام باقر علیه السلام -در تفسیر آیۀ«مانند جاهلیت،خودآرایی و خودنمایی مکنید»-:به زودی،جاهلیت دیگری اتّفاق خواهد افتاد.

1214.پیامبر صلی الله علیه و آله: میان دو جاهلیت برانگیخته شدم که دومین آن،بدتر از اوّلی است.

1215.پیامبر صلی الله علیه و آله: رستاخیز برپا نشود؛مگر آنکه دانشْ محدود گردد.

ص:417

1216-عنه صلی الله علیه و آله: مِن أشراطِ السّاعَهِ أن یَقِلَّ العِلمُ،ویَظهَرَ الجَهلُ [(1)](#content_note_418_1).

1217-عنه صلی الله علیه و آله: إنَّ مِن أشراطِ السّاعَهِ أن یُرفَعَ العِلمُ،ویَثبُتَ الجَهلُ [(2)](#content_note_418_2).

1218-عنه صلی الله علیه و آله: إنَّ بَینَ یَدَیِ السّاعَهِ لَأَیّامًا یَنزِلُ فیهَا الجَهلُ،ویُرفَعُ فیهَا العِلمُ [(3)](#content_note_418_3).

1219-الإمام علیّ علیه السلام: ألا وإنَّکُم قَد نَفَضتُم أیدِیَکُم مِن حَبلِ الطّاعَهِ،وثَلَمتُم حِصنَ اللّهِ المَضروبَ عَلَیکُم بِأَحکامِ الجاهِلِیَّهِ،فَإِنَّ اللّهَ سُبحانَهُ قَدِ امتَنَّ عَلی جَماعَهِ هذِهِ الاُمَّهِ فیما عَقَدَ بَینَهُم مِن حَبلِ هذِهِ الاُلفَهِ الَّتی یَنتَقِلونَ فی ظِلِّها،ویَأوونَ إلی کَنَفِها،بِنِعمَهٍ لا یَعرِفُ أحَدٌ مِنَ المَخلوقینَ لَها قیمَهً، لِأَ نَّها أرجَحُ مِن کُلِّ ثَمَنٍ،وأجَلُّ مِن کُلِّ خَطَرٍ،وَاعلَموا أ نَّکُم صِرتُم بَعدَ الهِجرَهِ أعرابًا،وبَعدَ المُوالاهِ أحزابًا،ما تَتَعَلَّقونَ مِنَ الإِسلامِ إلّابِاسمِهِ، ولا تَعرِفونَ مِنَ الإِیمانِ إلّارَسمَهُ [(4)](#content_note_418_4).

2/7 ما یوجِبُ الرَّجعَهَ إلَی الجاهِلِیَّهِ

أ:عَدَمُ مَعرِفَهِ الإِمامِ

1220-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: مَن ماتَ بِغَیرِ إمامٍ ماتَ میتَهً جاهِلِیَّهً [(5)](#content_note_418_5).

1221-عنه صلی الله علیه و آله: مَن ماتَ ولَیسَ عَلَیهِ إمامٌ ماتَ میتَهً جاهِلِیَّهً [(6)](#content_note_418_6).

1222-عنه صلی الله علیه و آله: مَن ماتَ ولا یَعرِفُ إمامَهُ ماتَ میتَهً جاهِلِیَّهً [(7)](#content_note_418_7).

1223-عنه صلی الله علیه و آله: مَن ماتَ ولَیسَ فی عُنُقِهِ بَیعَهٌ ماتَ میتَهً جاهِلِیَّهً [(8)](#content_note_418_8).

1224-عنه صلی الله علیه و آله: مَن ماتَ ولَیسَ لَهُ إمامٌ مِن وُلدی ماتَ میتَهً جاهِلِیَّهً،ویُؤخَذُ بِما

ص:418

1- (1) صحیح البخاری:81/43/1 و ج 5255/2120/5 کلاهما عن أنس.

2- (2) صحیح البخاری:80/43/1،صحیح مسلم:8/2056/4،سنن ابن ماجه:4045/1343/2 وفیه«یظهر»بدل«یثبت»،مسند ابن حنبل:12529/302/4 [1] کلّها عن أنس.

3- (3) صحیح البخاری:6653/2590/6،صحیح مسلم:10/2056/4،مسند ابن حنبل:3695/37/2 و ص 4306/165 [2] وفیه«قبل»بدل«إنّ بین یدی»وکلّها عن عبداللّه وأبی موسی،سنن ابن ماجه:4050/1345/2 عن عبداللّه و ح 4051 عن أبی موسی وفیه«من ورائکم»بدل«بین یدی الساعه».

4- (4) نهج البلاغه:الخطبه 192. [3]

5- (5) مسند ابن حنبل:16876/22/6،المعجم الکبیر:910/388/19،کلاهما عن معاویه،مسند أبی داود الطیالسیّ:1913/259 عن ابن عمر؛الملاحم والفتن:475/327 [4] عن معاویه،تفسیرالعیّاشیّ:119/303/2 [5] عن عمّار الساباطیّ عن الإمام الصادق علیه السلام،الاختصاص:268 عن عمر بن یزید عن الإمام الکاظم علیه السلام.

6- (6) الکافی:1/397/1 [6] عن سالم بن أبی حفصه عن الإمام الباقر علیه السلام،وج 123/146/8 عن بشیر الکُناسیّ عن الإمام الصادق علیه السلام؛المعجم الأوسط:5820/70/6،مسند أبی یعلی:7375/366/13 کلاهما عن معاویه،المعجم الکبیر:1687/289/10 عن ابن عبّاس.

7- (7) الکافی:6/20/2، [7]المحاسن:475/252/1، [8]ثواب الأعمال:1/244 کلّها عن عیسی بن السریّ عن الإمام الصادق علیه السلام.

8- (8) صحیح مسلم:58/1478/3،السنن الکبری:16612/270/8 کلاهما عن عبداللّه بن عمر،المعجم الکبیر:769/334/19 عن معاویه.

1216.پیامبر صلی الله علیه و آله: از نشانه های رستاخیز،اندک شدن دانش و آشکار شدن نادانی است.

1217.پیامبر صلی الله علیه و آله: از نشانه های رستاخیز،آن است که دانش،برچیده شده و نادانی، استوار و پابرجا گردد.

1218.پیامبر صلی الله علیه و آله: به درستی که روزگاری پیش از رستاخیز خواهد بود که نادانی،فرود آید و دانشْ برچیده شود.

1219.امام علی علیه السلام: آگاه باشید که شما دستانتان را از ریسمان پیروی و طاعت برگرفتید و حصارهای کشیده شده از سوی خداوند را با دستورهای جاهلی شکستید.به درستی که خداوندِ سبحان،بر این امّت منّت نهاد،با ریسمانِ الفتی که در میان آنان برقرار ساخت؛الفتی که به سایه اش وارد می شوند و در پناه آن جای می گیرند؛یا نعمتی که کسی از آفریدگانْ بهایش را نمی داند؛زیرا از هر بهایی با ارزش تر و از هر بزرگی،بزرگتر است.بدانید که پس از هجرت،نادان و گمراه شدید،و بعد از دوستی،گروه،گروه گرویدید؛ پیوندی با اسلام،جز به نامش ندارید و از ایمانْ نمی شناسید جز نشانش.

#### 2/7 اسباب بازگشت به جاهلیت

##### الف:نشناختن امام

1220.پیامبر صلی الله علیه و آله: آنکه بدون امام بمیرد،به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.

1221.پیامبر صلی الله علیه و آله: آنکه بمیرد و امامی بر او نباشد،به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.

1222.پیامبر صلی الله علیه و آله: آنکه بمیرد و امامش را نشناسد،به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.

1223.پیامبر صلی الله علیه و آله: آنکه بمیرد و بر گردنش بیعتِ [امامی] نباشد،با مرگ جاهلی از دنیا رفته است.

1224.پیامبر صلی الله علیه و آله: آنکه بمیرد و امامی از فرزندان من نداشته باشد،به مرگ جاهلی

ص:419

عَمِلَ فِی الجاهِلِیَّهِ وَالإِسلامِ [(1)](#content_note_420_1).

1225-الإمام علیّ علیه السلام: لا یَخرُجُ المُسلِمُ فِی الجِهادِ مَعَ مَن لا یُؤمَنُ عَلَی الحُکمِ ولا یُنَفِّذُ فِی الفَیءِ أمرَ اللّهِ عز و جل،فَإِن ماتَ فی ذلِکَ کانَ مُعینًا لِعَدُوِّنا فی حَبسِ حُقوقِنا وَالإِشاطَهِ بِدِمائِنا،ومیتَتُهُ میتَهٌ جاهِلِیَّهٌ [(2)](#content_note_420_2).

ب:شُربُ المُسکِرِ

1226-رسول اللّه صلی الله علیه و آله: ما مِن أحَدٍ یَشرَبُها [أیِ الخَمرَ] فَیَقبَلَ اللّهُ لَهُ صَلاهَ أربَعینَ لَیلَهً،ولا یَموتُ وفی مَثانَتِهِ مِنها شَیءٌ إلّاحُرِّمَت عَلَیهِ بِهَا الجَنَّهُ،فَإِن ماتَ فی أربَعینَ لَیلَهً ماتَ میتَهً جاهِلِیَّهً [(3)](#content_note_420_3).

1227-عنه صلی الله علیه و آله: الخَمرُ امُّ الفَواحِشِ وَالکَبائِرِ [(4)](#content_note_420_4).

1228-عنه صلی الله علیه و آله: الخَمرُ جِماعُ الإِثمِ،واُمُّ الخَبائِثِ،ومِفتاحُ الشَّرِّ [(5)](#content_note_420_5).

1229-عنه صلی الله علیه و آله: مُدمِنُ الخَمرِ یَلقَی اللّهَ عز و جل کَعابِدِ وَثَنٍ [(6)](#content_note_420_6).

1230-عنه صلی الله علیه و آله: شارِبُ الخَمرِ کَعابِدِ وَثَنٍ،وشارِبُ الخَمرِ کَعابِدِ اللّاتِ وَالعُزّی [(7)](#content_note_420_7).

1231-عنه صلی الله علیه و آله: مَن شَرِبَ الخَمرَ مَساءً أصبَحَ مُشرِکًا،ومَن شَرِبَ صَباحًا أمسی مُشرِکًا [(8)](#content_note_420_8).

1232-أبوالحسن علیه السلام: شارِبُ الخَمرِ کافِرٌ [(9)](#content_note_420_9).

1233-الإمام الصادق علیه السلام: مَن شَرِبَ مُسکِرًا فَأَذهَبَ عَقلَهُ،خَرَجَ مِنهُ روحُ الإِیمانِ [(10)](#content_note_420_10).

ص:420

1- (1) عیون أخبار الرضا علیه السلام:214/58/2 عن الحسن بن عبداللّه الرازیّ التمیمیّ،کنزالفوائد:327/1 [1] عن الحسن بن محمّد بن عبداللّه الرازیّ وکلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام.

2- (2) الخصال:10/625 عن أبی بصیر ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام،تحف العقول:114.

3- (3) المستدرک علی الصحیحین:7236/163/4،المعجم الأوسط:363/117/1 کلاهما عن عبداللّه بن عمر.

4- (4) کنزالعمّال:13181/349/5 نقلًا عن الطبرانی عن ابن عبّاس.

5- (5) بحار الأنوار:64/149/79 [2] نقلًا عن جامع الأخبار.

6- (6) الکافی:2/404/6 [3] عن زید الشحّام عن الإمام الصادق علیه السلام.

7- (7) الجامع الصغیر:4853/74/2،الفردوس:3636/367/2 عن أنس وفیه المقطع الأخیر فقط.

8- (8) جامع الأخبار:1193/427. [4]

9- (9) الکافی:9/405/6 [5] عن محمّد بن داذویه.

10- (10) دعائم الإسلام:467/133/2. [6]

مُرده و به کارهایش که در جاهلیت و اسلام انجام شده مؤاخذه خواهد شد.

1225.امام علی علیه السلام: مسلمان برای جهاد،با کسی که در حکمرانی امین نیست و در مصرف فیء [اموال عمومی] دستور خداوند را در نظر ندارد،بیرون نخواهد رفت؛پس اگر در این راه بمیرد،یاور دشمن ما خواهد بود،در جلوگیری از حقوق و ریختن خون ما،و مرگ او،مرگ جاهلی خواهد بود.

##### ب:باده نوشی

1226.پیامبر صلی الله علیه و آله: کسی نیست که باده بنوشد و خداوند،نمازش را تا چهل شبانه روز بپذیرد؛اگر بمیرد و در مثانۀ او آثار شراب باشد،بهشت بر او حرام خواهد شد،و اگر در این چهل شبانه روز بمیرد،به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.

1227.پیامبر صلی الله علیه و آله: شراب،سرچشمۀ پلیدی ها و گناهان بزرگ است.

1228.پیامبر صلی الله علیه و آله: شراب،گردآورندۀ همه گناهان،و سرچشمۀ پلیدی ها،و کلید زشتی هاست.

1229.پیامبر صلی الله علیه و آله: میگسار،خداوند عزّوجلّ را مانند بت پرست ملاقات کند.

1230.پیامبر صلی الله علیه و آله: باده نوش،مانند بت پرست است و میگسار،مانند پرستندۀ لات و عزّی [از بُتان جاهلیت] است.

1231.پیامبر صلی الله علیه و آله: آنکه شب میگساری کند،در صبح مشرک خواهد شد و آنکه در صبحگاهان باده نوشد،در شامگاهان مشرک شود.

1232.ابوالحسن علیه السلام: میگسار،کافر است.

1233.امام صادق علیه السلام: آنکه میگساری کند و عقل را از کف دهد،روح ایمان از او بیرون رود.

ص:421

#### پژوهشی در اسباب بازگشت به جاهلیت

##### اشاره

از دیدگاه قرآن کریم و احادیث اسلامی،دوران رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله،عصر حاکمیت عقل و علم،و دوران پیش از بعثت آن حضرت،عصر جاهلیت است.فلسفۀ این نامگذاری،آن است که پیش از بعثت آن حضرت،به دلیل تحریف ادیان آسمانی،مردم،راهی برای شناخت حقایق هستی و برنامۀ صحیح زندگی نداشتند،و آنچه به نام دین بر جوامع مختلف بشر تحمیل می شد،همراه با موهومات و خرافات بود و ادیان تحریف شده،ابزاری بودند برای حکومت و سودجویی سلطه جویان مستکبر و مرفّهان بی درد.

بعثت مبارک رسول اللّه صلی الله علیه و آله،آغاز عصر علم بود و اساسی ترین مسئولیت ایشان، روشن کردن حقایق برای مردم و آشنا ساختن آنان با برنامه های صحیح زندگی و مبارزه با تحریف ادیان گذشته و موهوماتی بود که به نام دین به جامعه عرضه می شد.پیامبر صلی الله علیه و آله خود را برای مردم،پدری مهربان و معلّمی دلسوز می دانست و می فرمود:

إنّما أنا لکم مثل الوالد،اُعلّمکم. [(1)](#content_note_422_1)

ص:422

1- (1) .مسند ابن حنبل،ج 3،ص 53 (ح7413)؛ [1]سنن النسائی،ج1،ص 38؛سنن ابن ماجه،ج 1،ص114 و 313.

همانا من برای شما مانند پدرم؛شما را آموزش می دهم.

او از طرف پروردگار،نبوّت خود و برنامه هایی که برای روش صحیح زندگی آورده، منطبق با موازین عقلی و علمی معرّفی می کرد که اگر دانشمندان درصدد شناخت آن برآیند،به روشنی می توانند صداقت او را دربارۀ ارتباطش با مبدأ هستی درک کنند:

وَ یَرَی الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِی أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ هُوَ الْحَقَّ وَ یَهْدِی إِلی صِراطِ الْعَزِیزِ الْحَمِیدِ. 1

و کسانی که از دانشْ بهره یافته اند،می دانند که آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده،حق است و به راهِ آن عزیزِ ستودهْ [صفات]،راهبری می کند.

و بر این اساس،مردم را از پیروی آنچه بدان علم ندارند،به شدّت برحذر می داشت و این آیه را بر آنان تلاوت می فرمود:

وَ لا تَقْفُ ما لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤادَ کُلُّ أُولئِکَ کانَ عَنْهُ مَسْؤُلاً. 2

و چیزی را که بدان علم نداری،دنبال مکن؛زیرا گوش و چشم و قلب،همه مورد پرسش واقع خواهند شد.

##### هشدار قرآن

قرآن کریم،با تأکید بر ضرورت تداوم نهضت علمی و فرهنگی اسلام،به مسلمین هشدار داد که مبادا پس از پیامبر اسلام،به عصر جاهلیتِ قبل از اسلام بازگردند:

ص:423

وَ ما مُحَمَّدٌ إِلاّ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَ فَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلی أَعْقابِکُمْ. 1

و محمد،جز فرستاده ای که پیش از او [هم] که پیامبرانی [آمدند] و گذشتند، نیست.آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود،از عقیدۀ خود بر می گردید؟

این آیه و نیز مفهوم آیه 33 سورۀ احزاب:

وَ لا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِیَّهِ الْأُولی.

و مانند روزگار جاهلیت قدیم،زینتهای خود را آشکار مکنید.

طبق تفسیر امام باقر علیه السلام:-«أی سیکون جاهلیه اخری»-اشاره به تجدید حیات جهل در تاریخ اسلام است.آن حضرت،در این باره می فرماید:

بعثت بین جاهلیتین،لأخراهما شرّ من أولاهما. [(1)](#content_note_424_1)

میان دو جاهلیت برانگیخته شدم؛همانا دومی بدتر از اولی است.

##### عوامل ارتجاع

مسئلۀ مهم،شناخت عوامل رجعتِ به جاهلیت و به فرموده قرآن،«انقلاب إلی الأعقاب»است.در یک نگاه کلّی،عوامل ارتجاع را به دو دسته می توان تقسیم کرد:

عوامل فردی و عوامل اجتماعی.

الف) عوامل فردی ارتجاع

همۀ آنچه تحت عنوان«حُجب العلم والحکمه»در کتاب«العلم والحکمه فی الکتاب والسنّه» [(2)](#content_note_424_2)و در این کتاب با عنوان«آفات العقل» [(3)](#content_note_424_3)ذکر شده،اسباب ارتجاعِ

ص:424

1- (2) .الأمالی الخمیسیّه،ج 2،ص 277.

2- (3) .ر.ک:العلم و الحکمه فی الکتاب والسنه،ص 157-179. [1]

3- (4) .ر.ک:ص 351-381.

آحاد جامعه به جاهلیت است.در حقیقت،پیامبر اسلام با مبارزه با این موانع، دوران جاهلیت نخست را پایان داد.این آفاتِ معرفتْ به هر میزان در هر کس تحقّق پیدا کند،او را به مرز جاهلیت نزدیک تر می نماید؛لیکن در میان همۀ عوامل فردی ارتجاع،روایتهای بسیاری شربِ خُمر را [(1)](#content_note_425_1)مورد تأکید قرار داده است.دلیل این امر، در روایات بعدی آمده است که خمر،امّ الفواحش و کلید هر پلیدی است.در واقع، اعتیاد به مسکرات و مواد تخدیر کنندۀ عقل،زمینه را برای انواع موانع معرفت فراهم می کند و موجبات ابتلای انسان را به عقاید،اخلاق و اعمال جاهلیت،فراهم می سازد.

ب:عوامل اجتماعی ارتجاع

عوامل اجتماعی رجعت به جاهلیت،آفاتی است که اساس نظام اسلامی را تهدید می کند؛مانند اختلاف که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

ما اختلفت امّه بعد نبیها إلّاظهر أهل باطلها علی أهل حقها. [(2)](#content_note_425_2)

هیچ امّتی پس از پیامبر اختلاف نکردند؛مگر آنکه پیروان باطل بر پیروان حقّ پیروز شدند.

در میان عوامل اجتماعی رجعت به جاهلیت،خطرناک ترین آنها رهبری امامان گمراه است و لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

إنّ أخوف ما أخاف علی امّتی الأئمّه المضلون. [(3)](#content_note_425_3)

بیشترین چیزی که بر امّت خویش می ترسم،پیشوایان گمراه کننده اند.

ص:425

1- (1) .ر.ک:ص 397.

2- (2) .کنزالعمّال،ج 1،ص 183 (ح 929)؛نهج البلاغه،خطبۀ 192.

3- (3) .همان،ج 10،ص 188 (ح 28986).

در حدیث است که عمر بن خطّاب از کعب پرسید:

إنّی أسألک عن أمر فلا تکتمنی،قال:لا واللّه لا أکتمک شیئاً أعلمه،قال:ما أخوف شیءٍ تخوفه علی امّه محمّد صلی الله علیه و آله؟قال:أئمّه مضلین.قال عمر:صدقت قد أسرّ إلیّ ذلک وأعلمنیه رسول اللّه صلی الله علیه و آله. [(1)](#content_note_426_1)

از مسئله ای می پرسم،آن را کتمان مکن.کعب گفت:«سوگند به خداوند، چیزی را که می دانم،کتمان نمی کنم».عمر گفت:«از چه چیزی بیش از همه بر امّت پیامبر صلی الله علیه و آله می ترسی؟».کعب گفت:«پیشوایان گمراه کننده».عمر گفت:

«درست می گویی.رسول خدا این را پنهانی به من فرمود».

خطر ائمّه ضلالت برای اسلام و نقش آنها در بازگشت جامعۀ اسلامی به دوران جاهلیت،تا حدّی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث معتبر متّفق علیه در بین مسلمین،تأکید می فرماید که:

من مات بغیر امام،مات میته جاهلیه.

آنکه بدون امام بمیرد،به مرگ جاهلی مرده است.

و این،بدان معناست که امامتِ پیشوایانِ حق و عدل،پشتوانه و ضامن تداوم عصر علم و یا عصر اسلام راستین است،و بدون آن،جامعۀ اسلامی به جاهلیت پیش از اسلام،باز می گردد.

این واقعیت تلخ،در تاریخ اسلام تحقّق یافت و امروز،نه تنها جوامع اسلامی، بلکه جهان با وجود همۀ پیشرفت های شگفت انگیز علوم تجربی [(2)](#content_note_426_2)در دوران

ص:426

1- (1) .همان،ج 5،ص 756 (ح 14293).

2- (2) .ر.ک:درآمد کتاب العلم والحکمه.

جاهلیت اخری به سر می برد.

پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله به مردم جهان مژده داده که این دوران نیز پایانی دارد و با قیام فردی از خاندان او،مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله،جاهلیت در جهان پایان خواهد یافت و با هدایت و رهبری او،نور علم حقیقی،جهان را فرا خواهد گرفت،فساد و تباهی از جهان رخت برخواهد بست و عدالت،سراسر گیتی را فراخواهد گرفت.فصل هفتم این کتاب،اشاره به این بشارات است.امیدواریم که تجدید حیات اسلام در ایران، مقدمۀ تحقّق آن بشارت باشد.

ص:427

الفصل الثّامن:خِتامُ الجاهِلِیَّهِ

1234-رسول اللّه صلی الله علیه و آله -فی ذِکرِ الأَئِمَّهِ علیهم السلام-:تاسِعُهُمُ القائِمُ الَّذی یَملَأُ اللّهُ عز و جل بِهِ الأَرضَ نورًا بَعدَ ظُلمَتِها،وعَدلا ً بَعدَ جَورِها،وعِلمًا بَعدَ جَهلِها [(1)](#content_note_428_1).

1235-الإمام علیّ علیه السلام -بَعدَ بَیانِ المَلاحِمِ وَالفِتَنِ-:فَکَذلِکَ حَتّی یَبعَثَ اللّهُ رَجُلًا فی آخِرِ الزَّمانِ،وکَلِبٍ [(2)](#content_note_428_2)مِنَ الدَّهرِ،وجَهلٍ مِنَ النّاسِ،یُؤَیِّدُهُ اللّهُ بِمَلائِکَتِهِ،ویَعصِمُ أنصارَهُ،ویَنصُرُهُ بِآیاتِهِ،ویُظهِرُهُ عَلی أهلِ الأَرضِ حَتّی یَدینوا طَوعًا وکَرهًا،یَملَأُ الأَرضَ قِسطًا وعَدلا ً ونورًا وبُرهانًا، یَدینُ لَهُ عَرضُ البِلادِ وطولُها،لا یَبقی کافِرٌ إلّاآمَنَ بِهِ ولا طالِحٌ إلّاصَلَحَ، وتَصطَلِحُ فی مُلکِهِ السِّباعُ،وتُخرِجُ الأَرضُ نَبتَها،وتُنزِلُ السَّماءُ بَرَکَتَها، وتَظهَرُ لَهُ الکُنوزُ،یَملِکُ ما بَینَ الخافِقَینِ أربَعینَ عامًا.فَطوبی لِمَن أدرَکَ أیّامَهُ وسَمِعَ کَلامَهُ [(3)](#content_note_428_3).

1236-عنه علیه السلام -فی خُطبَهٍ لَهُ یومِئُ فیها إلَی المَلاحِمِ-:وأخَذوا یَمینًا وشِمالا ً ظَعنًا (طَعنًا) فی مَسالِکِ الغَیِّ وتَرکًا لِمَذاهِبِ الرُّشدِ.فَلا تَستَعجِلوا ما هُوَ

ص:428

1- (1) کمال الدین:5/259، [1]إعلام الوری:378 [2] کلاهما عن الأصبغ بن نباته عن الإمام علیّ علیه السلام.

2- (2) کَلِب الدهر علی أهله:إذا ألحَّ علیهم واشتدّ (النهایه:195/4). [3]

3- (3) الاحتجاج:158/70/2 [4] عن زید بن وهب الجهنیّ عن الإمام الحسن علیه السلام.

### فصل هشتم:پایان جاهلیت

1234.پیامبر صلی الله علیه و آله -در یادآوری نام امامان علیهم السلام-:نهمین آنان قائم است که خداوند به وسیله او زمین را پس از تاریکی،پُر فروغ خواهد کرد،و پس از جور و ستم،از عدالت،و پس از جهالت و نادانی،از دانش پُر خواهد ساخت.

1235.امام علی علیه السلام -پس از بیان فتنه ها و حوادث-:این چنین خواهد بود تا آنکه خداوند،در آخر زمان به هنگام سختی روزگار و نادانی مردم،مردی را برانگیزد که او را با فرشتگان،تأیید کند و یارانش را مصون بدارد،و با آیات خویش،او را یاری کند،و او را بر مردم زمین پیروز گرداند تا همه به رغبت یا اکراه دیندار شوند؛زمین را پر از قسط و عدل و روشنی و برهان گرداند؛ گسترۀ زمین،فرمانبر او شوند؛کافری باقی نماند،مگر آنکه ایمان آورد،و بدکاری نباشد،مگر آنکه صالح گردد؛درندگان در حکومت وی،سازش کنند و زمین،روییدنی هایش را بیرون ریزد،و آسمان،برکتش را فرو فرستد؛ گنجها برایش آشکار گردد؛چهل سال بر خاور و باختر حکم راند؛خوشا به حال کسی که آن روزگار را درک کند و سخن او را بشنود.

1236.امام علی علیه السلام -در سخنرانی یی که به پیش آمدهای روزگار اشاره می کند-:

راه راست و چپ را در پیش گرفتند،تا در راههای فتنه فرو روند و راههای هدایت را کنار گذارند.شتاب نکنید نسبت بدانچه در کمین است و دیر

ص:429

کائِنٌ مُرصَدٌ،ولا تَستَبطِئوا ما یَجیءُ بِهِ الغَدُ.فَکَم مِن مُستَعجِلٍ بِما إن أدرَکَهُ وَدَّ أنَّهُ لَم یُدرِکهُ ! وما أقرَبَ الیَومَ مِن تَباشیرِ غَدٍ ! یا قَومِ،هذا إبّانُ (إیّانُ) وُرودِ کُلِّ مَوعودٍ،ودُنُوٍّ مِن طَلعَهِ ما لا تَعرِفونَ.ألا وإنَّ مَن أدرَکَها مِنّا یَسری فیها بِسِراجٍ مُنیرٍ،ویَحذو فیها عَلی مِثالِ الصّالِحینَ؛لِیَحُلَّ فیها رِبقًا،ویُعتِقَ فیها رِقًّا،ویَصدَعَ شَعبًا [(1)](#content_note_430_1)ویَشعَبَ صَدعًا فی سُترَهٍ عَنِ النّاسِ،لا یُبصِرُ القائِفُ أثَرَهُ ولَو تابَعَ نَظَرَهُ.ثُمَّ لَیُشحَذَنَّ فیها قَومٌ شَحذَ القَینِ [(2)](#content_note_430_2)النَّصلَ [(3)](#content_note_430_3)،تُجلی بِالتَّنزیلِ أبصارُهُم،ویُرمی بِالتَّفسیرِ فی مَسامِعِهِم،ویُغبَقونَ [(4)](#content_note_430_4)کَأسَ الحِکمَهِ بَعدَ الصَّبوحِ [(5)](#content_note_430_5).

1237-الإمام الباقر علیه السلام: إذا قامَ قائِمُنا وَضَعَ اللّهُ یَدَهُ عَلی رُؤوسِ العِبادِ فَجَمَعَ بِها عُقولَهُم وکَمُلَت بِهِ أحلامُهُم [(6)](#content_note_430_6).

1238-الفُضَیلُ بنُ یَسارٍ: سَمِعتُ أبا عَبدِاللّهِ علیه السلام یَقولُ:إنَّ قائِمَنا إذا قامَ استَقبَلَ مِن جَهلِ النّاسِ أشَدَّ مِمَّا استَقبَلَهُ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله مِن جُهّالِ الجاهِلِیَّهِ.قُلتُ:

وکَیفَ ذاکَ؟قالَ:إنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله أتَی النّاسَ وهُم یَعبُدونَ الحِجارَهَ وَالصُّخورَ وَالعیدانَ وَالخَشَبَ المَنحوتَهَ،وإنَّ قائِمَنا إذا قامَ أتَی النّاسَ وکُلُّهُم یَتَأَوَّلُ عَلَیهِ کِتابَ اللّهِ یَحتَجُّ عَلَیهِ بِهِ،ثُمَّ قالَ:أما وَاللّهِ لَیُدخِلَنَّ عَلَیهِم عَدلَهُ جَوفَ بُیوتِهِم کَما یَدخُلُ الحَرُّ وَالقُرُّ ! [(7)](#content_note_430_7)

1239-الإمام الصادق علیه السلام: العِلمُ سَبعَهٌ وعِشرونَ حَرفًا،فَجَمیعُ ما جاءَت بِهِ الرُّسُلُ حَرفانِ،فَلَم یَعرِفِ النّاسُ حَتَّی الیَومِ غَیرَ الحَرفَینِ،فَإِذا قامَ القائِمُ علیه السلام أخرَجَ الخَمسَهَ وَالعِشرینَ حَرفًا فَبَثَّها فِی النّاسِ،وضَمَّ إلَیهَا الحَرفَینِ حَتّی یَبُثَّها سَبعَهً وعِشرینَ حَرفًا [(8)](#content_note_430_8).

1240-عنه علیه السلام -حینَما ذَکَرَ الکوفَهَ-:سَتَخلو کوفَهُ مِنَ المُؤمِنینَ ویَأرِزُ عَنهَا العِلمُ

ص:430

1- (1) الشَعب:الإصلاح والإفساد،وهو من الأضداد (النهایه:477/2).

2- (2) القین:الحدّاد (لسان العرب:350/13).

3- (3) النَّصْلُ:حدیدهُ السهمِ والرمح (لسان العرب:662/11). [1]

4- (4) الغَبُوق:شُرب آخر النهار مقابل الصبوح (النهایه:341/3). [2]

5- (5) نهج البلاغه:الخطبه 150. [3]

6- (6) الکافی:21/25/1، [4]کمال الدین:30/675 [5] کلاهما عن ابن أبی یعفور عن مولی لبنی شیبان،مختصر بصائر الدرجات:117،الخرائج والجرائح:57/840/2 وفیه«أخلاقهم»بدل«أحلامهم»وکلاهما عن أبی خالد الکابلی ولیس فیها«اللّه».

7- (7) الغیبه للنعمانی:1/296. [6]

8- (8) مختصر بصائر الدرجات:117،الخرائج والجرائح:59/841/2 وفیه«جزء»بدل«حرف»فی جمیع المواضع وکلاهما عن أبان.

مشمارید آنچه که فردا خواهد آورد-چه بسیار شتاب کننده ای چون بدان رسد،دوست می داشت که بدان نمی رسید-و چقدر امروز نزدیک است،به آثار فردا.ای قوم من ! این وقت،زمان رسیدن وعده ها و هنگام نزدیک شدن فتنه هایی است که نمی شناسید.آگاه باشید آنکه از ما آن فتنه ها را دریابد،با چراغی روشن آن را درنوردد،و به شیوۀ نیکان رفتار کند تا بندی را بگشاید، و اسیری را آزاد کند،و جمعیّتی را پراکنده سازد و پراکندگانی را گرد آورد،و [این همه] ناپیدا از چشم مردم است که جویندۀ اثرش را نبیند؛هرچه در آن نظر افکند.پس گروهی در آن فتنه ها صیقل داده شوند؛مانند صیقل دادن آهنگر،پیکان تیر را؛چشمانشان با قرآن،جلا یابد و تفسیر در گوشهایشان جای گیرد و پس از جامهای صبحگاهان،در پایان روز،جام حکمت به آنان نوشانیده شود.

1237.امام باقر علیه السلام: هنگامی که قائم ما قیام کند،خداوند دستش را بر سر بندگان گذارد؛پس از آن،عقلها به هم پیوندد و خردهایشان به کمال رسد.

1238.فضیل بن یسار: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:«هنگامی که قائم ما به پا خیزد،با نادانی مردم مواجه شود،بیش از آنچه پیامبر با جاهلان جاهلیت مواجه گشت».گفتم:«چگونه؟».فرمود:«به درستی که پیامبر صلی الله علیه و آله نزد مردم آمد،در حالی که آنان سنگها و صخره ها و چوبهای تراشیده را می پرستیدند؛ امّا هنگامی که قائم ما قیام کند و نزد آنان آید،تمامی مردم،کتاب خدا را تأویل می برند و بر او احتجاج می ورزند».پس فرمود:«سوگند به خدا،بدانید عدالت او تا درون خانه ها وارد شود،همان گونه که سرما و گرما واردمی شود».

1239.امام صادق علیه السلام: دانش،بیست و هفت حرف است،و تمام آنچه پیامبران آوردند، دو حرف است و مردم تا امروز،جز آن دو حرف را نمی شناسند.پس هنگامی که قائم به پا خیزد،بیست وپنج حرف دیگر را بیرون آورد و در میان مردم منتشر سازد؛آن دو حرف را نیز ضمیمه کند تا بیست وهفت حرف [دانش را] منتشر ساخته باشد.

1240.امام صادق علیه السلام -هنگامی که از کوفه یاد کرد-:به زودی کوفه از مؤمنان تخلیه گردد و دانش در آن فرو رود،همان گونه که مار در سوراخش فرو می رود.پس دانشْ در شهری که قم نامیده می شود،آشکار گردد و آن شهر،

ص:431

کَما تَأرِزُ الحَیَّهُ فی جُحرِها.ثُمَّ یَظهَرُ العِلمُ بِبَلدَهٍ یُقالُ لَها:قُمُّ،وتَصیرُ مَعدِنًا لِلعِلمِ وَالفَضلِ حَتّی لا یَبقی فِی الأَرضِ مُستَضعَفٌ فِی الدّینِ حَتَّی المُخَدَّراتُ فِی الحِجالِ [(1)](#content_note_432_1)،وذلِکَ عِندَ قُربِ ظُهورِ قائِمِنا،فَیَجعَلُ اللّهُ قُمَّ وأهلَهُ قائِمینَ مَقامَ الحُجَّهِ،ولَولا ذلِکَ لَساخَتِ الأَرضُ بِأَهلِها ولَم یَبقَ فِی الأَرضِ حُجَّهٌ،فَیَفیضُ العِلمُ مِنهُ إلی سائِرِ البِلادِ فِی المَشرِقِ وَالمَغرِبِ، فَیَتِمُّ حُجَّهُ اللّهِ عَلَی الخَلقِ حَتّی لا یَبقی أحَدٌ عَلَی الأَرضِ لَم یَبلُغ إلَیهِ الدّینُ وَالعِلمُ،ثُمَّ یَظهَرُ القائِمُ علیه السلام ویَصیرُ [(2)](#content_note_432_2)سَبَبًا لِنِقمَهِ اللّهِ وسَخَطِهِ عَلَی العِبادِ،لِأَنَّ اللّهَ لا یَنتَقِمُ مِنَ العِبادِ إلّابَعدَ إنکارِهِم حُجَّهً [(3)](#content_note_432_3).

1241-السَّیِّدُ ابنُ طاووسٍ -فی زِیارَهِ الإِمامِ المَهدِیِّ عَجَّلَ اللّهُ فَرَجَهُ-:اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وأهلِ بَیتِهِ،وأرِنا سَیِّدَنا وصاحِبَنا وإمامَنا ومَولانا صاحِبَ الزَّمانِ،ومَلجَأَ أهلِ عَصرِنا،ومَنجی أهلِ دَهرِنا،ظاهِرَ المَقالَهِ،واضِحَ الدَّلالَهِ،هادِیًا مِنَ الضَّلالَهِ،مُنقِذًا مِنَ الجَهالَهِ [(4)](#content_note_432_4).

اللّهمّ إنّی أعتذر إلیک من جهلی.

اللّهمّ إنّی أستجیر بک من جهلی.

اللّهمّ اغفر لی خطیئتی وجهلی وإسرافی فی أمری وما أنت أعلم به منّی.

اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّدٍ وعجّل فرج قائمهم واملأبه الأرض نوراً بعد ظلمتها وعلماً

بعد جهلها،وارزقنا عقلاً کاملاً،وعزماً ثاقباً،ولبّاً راجحاً،وقلباً ذکیّاً،وعلماً کثیراً،وأدباً بارعاً،واجعل ذلک کلَّه لنا،ولا تجعله علینا.اللّهمّ صلّ علی محمّد وآله،وتقبّل منّا،یا مبدّل السیّئات بالحسنات،بفضلک ورحمتک یا أرحم الراحمین.

ص:432

1- (1) الحَجَلَه:بیت کالقُبّه یُستر بالثیاب وتکون له أزرار کبار،وتجمع علی حجال (النهایه:346/1). [1]

2- (2) فی المصدر«یسیر»وما أثبتناه هو الصحیح.

3- (3) بحار الأنوار:23/213/60 [2] نقلًا عن تاریخ قم للحسن بن محمّد بن الحسن القمّی.

4- (4) بحار الأنوار:2/87/102. [3]

جایگاه دانش و فضیلت گردد؛چنانکه ناتوان در دینْ بر روی زمین یافت نشود،حتی زنان پرده نشین؛و این،نزدیک آشکار شدن قائم ماست.پس خداوند،قم و مردمانش را جانشینان حجّت گرداند.اگر چنین نباشد،زمین اهلش را فرو بلعد و حجّتی در زمین نباشد.[از آن] پس،دانش از شهر قم به همۀ شهرها در شرق و غرب سرازیر گردد تا حجّت خداوند بر مردم تمام شود و کسی نباشد که دین و دانش به او نرسیده باشد.پس از آن،قائم آشکار گردد و وسیلۀ خشم و غضب الهی بر بندگان باشد؛چرا که خداوند،از بندگانش انتقام نگیرد،مگر زمانی که آنان،حجّت را منکر شوند.

1241.سید بن طاووس در زیارت امام مهدی(عج) [ آورده است]:بار خدایا! بر محمّد و دودمانش درود فرست،و سرور،صاحب،امام و مولای ما،صاحب زمان را به ما بنمایان؛او که پناهگاه مردم زمان ما و نجات دهندۀ مردم روزگار ماست،و گفتارش آشکار،راهنمایی اش روشن است،و هدایت کننده از گمراهی و نجات دهنده از نادانی است.

بار خدایا! از تو به سبب نادانی ام،عذر می خواهم.

بار خدایا! به تو پناه می برم از نادانی ام.

بار خدایا! بر من ببخشای لغزشم،نادانی ام و اسراف در کارهایم را و آنچه که تو بدان از من داناتری.

بار خدایا! بر محمد و دودمانش درود فرست و ظهور قائم آنان را نزدیک ساز و به او،زمین را پُر از روشنی کن،پس از تاریکی،و پر از دانش گردان،پس از نادانی،و به ما روزی کن،خردی کامل،عزمی استوار،دلی پاکیزه،دانشی بسیار،و ادبی برجسته؛وهمۀ اینها را به سود ما گردان،نه به ضرر ما.

بار خدایا! بر محمد و دودمانش درود فرست و از ما بپذیر،ای تبدیل کننده بدی ها به خوبی ها،به بخشش و رحمتت،ای مهربانترین مهربانان!

ص:433

ص:434

ص:435

ص:436

ص:437

ص:438

ص:439

ص:440

ص:441

ص:442

ص:443

ص:444

ص:445

ص:446

ص:447

ص:448

ص:449

ص:450

ص:451

ص:452

ص:453

ص:454

ص:455

ص:456

ص:457

ص:458

ص:459

ص:460

ص:461

ص:462

ص:463

ص:464

ص:465

ص:466

ص:467

ص:468

ص:469

ص:470

ص:471

ص:472

## فهرست ها

ص:473

ص:474

فهرس الآیات بقره

آیه شماره صفحه

أَ تَأْمُرُونَ النّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَکُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ... 44 88

وَ إِذْ قالَ مُوسی لِقَوْمِهِ إِنَّ اللّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تَذْبَحُوا... 67 298

فَقُلْنا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِها کَذلِکَ یُحْیِ اللّهُ الْمَوْتی... 73 72

وَ إِلهُکُمْ إِلهٌ واحِدٌ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحِیمُ 163 78

إِنَّ فِی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ... 164 78

وَ إِذا قِیلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا ما أَنْزَلَ اللّهُ قالُوا بَلْ نَتَّبِعُ ما... 170 88،284

وَ مَثَلُ الَّذِینَ کَفَرُوا کَمَثَلِ الَّذِی یَنْعِقُ بِما لا یَسْمَعُ إِلاّ... 171 88،284

وَ لَکُمْ فِی الْقِصاصِ حَیاهٌ یا أُولِی الْأَلْبابِ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ 179 332

فَإِذا قَضَیْتُمْ مَناسِکَکُمْ فَاذْکُرُوا اللّهَ کَذِکْرِکُمْ آباءَکُمْ... 200 400 کَذلِکَ یُبَیِّنُ اللّهُ لَکُمْ آیاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ 242 72

وَ قالَ لَهُمْ نَبِیُّهُمْ إِنَّ اللّهَ قَدْ بَعَثَ لَکُمْ طالُوتَ مَلِکاً... 247 330

اَللّهُ وَلِیُّ الَّذِینَ آمَنُوا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی... 257 100

ص:475

یُؤْتِی الْحِکْمَهَ مَنْ یَشاءُ وَ مَنْ یُؤْتَ الْحِکْمَهَ فَقَدْ... 269 52،128

آل عمران

وَ ما مُحَمَّدٌ إِلاّ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَ فَإِنْ... 144 416،424

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَیْکُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَهً نُعاساً یَغْشی... 154 364

إِنَّ فِی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ... 190 196

اَلَّذِینَ یَذْکُرُونَ اللّهَ قِیاماً وَ قُعُوداً وَ عَلی جُنُوبِهِمْ... 191 196

النساء

وَ لا تَنْکِحُوا ما نَکَحَ آباؤُکُمْ مِنَ النِّساءِ إِلاّ ما قَدْ سَلَفَ... 22 408

یا أَیُّهَا النّاسُ قَدْ جاءَکُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ أَنْزَلْنا... 174 100

المائده

أَ فَحُکْمَ الْجاهِلِیَّهِ یَبْغُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللّهِ حُکْماً... 50 364

وَ إِذا نادَیْتُمْ إِلَی الصَّلاهِ اتَّخَذُوها هُزُواً وَ لَعِباً ذلِکَ... 58 284

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَیْسِرُ وَ الْأَنْصابُ... 90 394

قُلْ لا یَسْتَوِی الْخَبِیثُ وَ الطَّیِّبُ وَ لَوْ أَعْجَبَکَ کَثْرَهُ... 100 234

ما جَعَلَ اللّهُ مِنْ بَحِیرَهٍ وَ لا سائِبَهٍ وَ لا وَصِیلَهٍ... 103 88،372

الأنعام وَ مَا الْحَیاهُ الدُّنْیا إِلاّ لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَلدّارُ الْآخِرَهُ خَیْرٌ... 32 86

وَ قالُوا لَوْ لا نُزِّلَ عَلَیْهِ آیَهٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللّهَ قادِرٌ... 37 90

ص:476

وَ جَعَلُوا لِلّهِ شُرَکاءَ الْجِنَّ وَ خَلَقَهُمْ وَ خَرَقُوا لَهُ بَنِینَ... 100 370

وَ إِنْ تُطِعْ أَکْثَرَ مَنْ فِی الْأَرْضِ یُضِلُّوکَ عَنْ سَبِیلِ اللّهِ... 116 88،365

وَ جَعَلُوا لِلّهِ مِمّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَ الْأَنْعامِ نَصِیباً فَقالُوا... 136 376

وَ کَذلِکَ زَیَّنَ لِکَثِیرٍ مِنَ الْمُشْرِکِینَ قَتْلَ أَوْلادِهِمْ... 137 390

وَ قالُوا هذِهِ أَنْعامٌ وَ حَرْثٌ حِجْرٌ لا یَطْعَمُها إِلاّ مَنْ... 138 372،376

وَ قالُوا ما فِی بُطُونِ هذِهِ الْأَنْعامِ خالِصَهٌ لِذُکُورِنا... 139 372

قَدْ خَسِرَ الَّذِینَ قَتَلُوا أَوْلادَهُمْ سَفَهاً بِغَیْرِ عِلْمٍ وَ حَرَّمُوا... 140 390

قُلْ تَعالَوْا أَتْلُ ما حَرَّمَ رَبُّکُمْ عَلَیْکُمْ أَلاّ تُشْرِکُوا بِهِ... 151 80،236

الأعراف

وَ إِذا فَعَلُوا فاحِشَهً قالُوا وَجَدْنا عَلَیْها آباءَنا وَ اللّهُ... 28 392

قُلْ إِنَّما حَرَّمَ رَبِّیَ الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ... 33 392

تِلْکَ الْقُری نَقُصُّ عَلَیْکَ مِنْ أَنْبائِها وَ لَقَدْ جاءَتْهُمْ... 101 216

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْکِتابَ یَأْخُذُونَ... 169 332

وَ لَقَدْ ذَرَأْنا لِجَهَنَّمَ کَثِیراً مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ... 179 84،218

خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجاهِلِینَ 199 346

الأنفال

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللّهِ الصُّمُّ الْبُکْمُ الَّذِینَ لا یَعْقِلُونَ 22 270،283

وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَیْءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ... 41 408

ص:477

التوبه

أَ جَعَلْتُمْ سِقایَهَ الْحاجِّ وَ عِمارَهَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ کَمَنْ... 19 408

یونس

بَلْ کَذَّبُوا بِما لَمْ یُحِیطُوا بِعِلْمِهِ وَ لَمّا یَأْتِهِمْ تَأْوِیلُهُ... 39 330،332

وَ مِنْهُمْ مَنْ یَسْتَمِعُونَ إِلَیْکَ أَ فَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَ لَوْ... 42 88

قُلْ أَ رَأَیْتُمْ ما أَنْزَلَ اللّهُ لَکُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ... 59 370

ثُمَّ بَعَثْنا مِنْ بَعْدِهِ رُسُلاً إِلی قَوْمِهِمْ فَجاؤُهُمْ... 74 216

فَالْیَوْمَ نُنَجِّیکَ بِبَدَنِکَ لِتَکُونَ لِمَنْ خَلْفَکَ آیَهً وَ إِنَّ کَثِیراً... 92 108

وَ ما کانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلاّ بِإِذْنِ اللّهِ وَ یَجْعَلُ... 100 84

هود

وَ هُوَ الَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ فِی سِتَّهِ أَیّامٍ... 7 74

حَتّی إِذا جاءَ أَمْرُنا وَ فارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِیها مِنْ... 40 90

قالَ یا نُوحُ إِنَّهُ لَیْسَ مِنْ أَهْلِکَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَیْرُ صالِحٍ... 46 298

یوسف

قالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَیَّ مِمّا یَدْعُونَنِی إِلَیْهِ وَ إِلاّ... 33 298

وَ ما أُبَرِّئُ نَفْسِی إِنَّ النَّفْسَ لَأَمّارَهٌ بِالسُّوءِ إِلاّ ما رَحِمَ... 53 32

وَ ما یُؤْمِنُ أَکْثَرُهُمْ بِاللّهِ إِلاّ وَ هُمْ مُشْرِکُونَ 106 382

لَقَدْ کانَ فِی قَصَصِهِمْ عِبْرَهٌ لِأُولِی الْأَلْبابِ ما کانَ... 111 196

ص:478

الرعد

وَ فِی الْأَرْضِ قِطَعٌ مُتَجاوِراتٌ وَ جَنّاتٌ مِنْ أَعْنابٍ وَ زَرْعٌ... 4 80

أَ فَمَنْ یَعْلَمُ أَنَّما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ الْحَقُّ کَمَنْ هُوَ... 19 148

اَلَّذِینَ یُوفُونَ بِعَهْدِ اللّهِ وَ لا یَنْقُضُونَ الْمِیثاقَ 20 148

وَ الَّذِینَ یَصِلُونَ ما أَمَرَ اللّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ وَ یَخْشَوْنَ... 21 148

النحل

وَ سَخَّرَ لَکُمُ اللَّیْلَ وَ النَّهارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومُ... 12 78

وَ یَجْعَلُونَ لِما لا یَعْلَمُونَ نَصِیباً مِمّا رَزَقْناهُمْ تَاللّهِ... 56 376

وَ یَجْعَلُونَ لِلّهِ الْبَناتِ سُبْحانَهُ وَ لَهُمْ ما یَشْتَهُونَ 57 368،370

وَ إِذا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثی ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ کَظِیمٌ 58 388

یَتَواری مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ ما بُشِّرَ بِهِ أَ یُمْسِکُهُ عَلی... 59 388

وَ اللّهُ خَلَقَکُمْ ثُمَّ یَتَوَفّاکُمْ وَ مِنْکُمْ مَنْ یُرَدُّ إِلی أَرْذَلِ... 70 48

وَ اللّهُ فَضَّلَ بَعْضَکُمْ عَلی بَعْضٍ فِی الرِّزْقِ فَمَا الَّذِینَ... 71 وَ لا تَکُونُوا کَالَّتِی نَقَضَتْ غَزْلَها مِنْ بَعْدِ قُوَّهٍ أَنْکاثاً... 92 74

فَکُلُوا مِمّا رَزَقَکُمُ اللّهُ حَلالاً طَیِّباً وَ اشْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ... 114 370

إِنَّما حَرَّمَ عَلَیْکُمُ الْمَیْتَهَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِیرِ وَ ما أُهِلَّ... 115 370

وَ لا تَقُولُوا لِما تَصِفُ أَلْسِنَتُکُمُ الْکَذِبَ هذا حَلالٌ وَ هذا... 116 372

الإسراء

وَ لا تَقْتُلُوا أَوْلادَکُمْ خَشْیَهَ إِمْلاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَ إِیّاکُمْ... 31 392

ص:479

وَ لا تَقْفُ ما لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤادَ... 36 423

أَ فَأَصْفاکُمْ رَبُّکُمْ بِالْبَنِینَ وَ اتَّخَذَ مِنَ الْمَلائِکَهِ إِناثاً إِنَّکُمْ... 40 368

وَ مَنْ کانَ فِی هذِهِ أَعْمی فَهُوَ فِی الْآخِرَهِ أَعْمی وَ أَضَلُّ... 72 84

الکهف

وَ یُنْذِرَ الَّذِینَ قالُوا اتَّخَذَ اللّهُ وَلَداً 4 368

ما لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَ لا لِآبائِهِمْ کَبُرَتْ کَلِمَهً تَخْرُجُ مِنْ... 5 368

طه

اَلَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ مَهْداً وَ سَلَکَ لَکُمْ فِیها سُبُلاً وَ أَنْزَلَ... 53 194

کُلُوا وَ ارْعَوْا أَنْعامَکُمْ إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِأُولِی النُّهی 54 194

أَ فَلَمْ یَهْدِ لَهُمْ کَمْ أَهْلَکْنا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ یَمْشُونَ فِی... 128 194

الأنبیاء

وَ ما أَرْسَلْنا قَبْلَکَ إِلاّ رِجالاً نُوحِی إِلَیْهِمْ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ... 7 280،316

لَقَدْ أَنْزَلْنا إِلَیْکُمْ کِتاباً فِیهِ ذِکْرُکُمْ أَ فَلا تَعْقِلُونَ 10 72،100

أُفٍّ لَکُمْ وَ لِما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّهِ أَ فَلا تَعْقِلُونَ 67 84

الحجّ

یا أَیُّهَا النّاسُ إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنّا خَلَقْناکُمْ مِنْ... 5 48

أَ فَلَمْ یَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَتَکُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ یَعْقِلُونَ بِها... 46 106

ص:480

المؤمنون

وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ سُلالَهٍ مِنْ طِینٍ 12 39،257

ثُمَّ جَعَلْناهُ نُطْفَهً فِی قَرارٍ مَکِینٍ 13 39،257

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَهَ عَلَقَهً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَهَ مُضْغَهً فَخَلَقْنَا... 14 39،257

وَ هُوَ الَّذِی یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ لَهُ اخْتِلافُ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ... 80 72

النور

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِکُمْ وَ تَقُولُونَ بِأَفْواهِکُمْ ما لَیْسَ لَکُمْ... 15 328

وَ لْیَسْتَعْفِفِ الَّذِینَ لا یَجِدُونَ نِکاحاً حَتّی یُغْنِیَهُمُ اللّهُ مِنْ... 33 394

الفرقان

وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَهً لا یَخْلُقُونَ شَیْئاً وَ هُمْ یُخْلَقُونَ... 3 368

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَکْثَرَهُمْ یَسْمَعُونَ أَوْ یَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلاّ... 44 84،88

وَ عِبادُ الرَّحْمنِ الَّذِینَ یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ هَوْناً وَ إِذا... 63 338،340

وَ الَّذِینَ لا یَشْهَدُونَ الزُّورَ وَ إِذا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا کِراماً 72 340

القصص

وَ ما کُنْتَ بِجانِبِ الطُّورِ إِذْ نادَیْنا وَ لکِنْ رَحْمَهً مِنْ رَبِّکَ... 46 350

وَ إِذا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قالُوا لَنا أَعْمالُنا... 55 338

العنکبوت

قُلْ سِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَانْظُرُوا کَیْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللّهُ... 20 106

ص:481

إِنّا مُنْزِلُونَ عَلی أَهْلِ هذِهِ الْقَرْیَهِ رِجْزاً مِنَ السَّماءِ بِما... 34 88

وَ لَقَدْ تَرَکْنا مِنْها آیَهً بَیِّنَهً لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ 35 88،106

وَ تِلْکَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنّاسِ وَ ما یَعْقِلُها إِلاَّ الْعالِمُونَ 43 80،88،102،130،148

وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَحْیا بِهِ... 63 90

الروم

یَعْلَمُونَ ظاهِراً مِنَ الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَهِ هُمْ... 7 283

وَ مِنْ آیاتِهِ یُرِیکُمُ الْبَرْقَ خَوْفاً وَ طَمَعاً وَ یُنَزِّلُ مِنَ... 24 80

ضَرَبَ لَکُمْ مَثَلاً مِنْ أَنْفُسِکُمْ هَلْ لَکُمْ مِنْ ما مَلَکَتْ... 28 80

فَإِنَّکَ لا تُسْمِعُ الْمَوْتی وَ لا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعاءَ إِذا... 52 283

کَذلِکَ یَطْبَعُ اللّهُ عَلی قُلُوبِ الَّذِینَ لا یَعْلَمُونَ 59 216

لقمان

وَ لَقَدْ آتَیْنا لُقْمانَ الْحِکْمَهَ أَنِ اشْکُرْ لِلّهِ وَ مَنْ یَشْکُرْ... 12 128

وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ لَیَقُولُنَّ... 25 88

الأحزاب

وَ قَرْنَ فِی بُیُوتِکُنَّ وَ لا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِیَّهِ... 33 350،364

416،424

إِنّا عَرَضْنَا الْأَمانَهَ عَلَی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ... 72 226

سبأ

وَ یَرَی الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِی أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ... 6 423

ص:482

یَعْمَلُونَ لَهُ ما یَشاءُ مِنْ مَحارِیبَ وَ تَماثِیلَ وَ جِفانٍ... 13 88

وَ یَوْمَ یَحْشُرُهُمْ جَمِیعاً ثُمَّ یَقُولُ لِلْمَلائِکَهِ أَ هؤُلاءِ إِیّاکُمْ... 40 370

قالُوا سُبْحانَکَ أَنْتَ وَلِیُّنا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ کانُوا یَعْبُدُونَ... 41 370

وَ ما آتَیْناهُمْ مِنْ کُتُبٍ یَدْرُسُونَها وَ ما أَرْسَلْنا إِلَیْهِمْ... 44 350

فاطر

وَ الَّذِینَ کَفَرُوا لَهُمْ نارُ جَهَنَّمَ لا یُقْضی عَلَیْهِمْ فَیَمُوتُوا... 36 84

وَ هُمْ یَصْطَرِخُونَ فِیها رَبَّنا أَخْرِجْنا نَعْمَلْ صالِحاً... 37 84

یس

وَ ضَرَبَ لَنا مَثَلاً وَ نَسِیَ خَلْقَهُ قالَ مَنْ یُحْیِ الْعِظامَ... 78 382

قُلْ یُحْیِیهَا الَّذِی أَنْشَأَها أَوَّلَ مَرَّهٍ وَ هُوَ بِکُلِّ خَلْقٍ عَلِیمٌ 79 382

الصافات

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِینَ 136 86

وَ إِنَّکُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَیْهِمْ مُصْبِحِینَ 137 86

وَ بِاللَّیْلِ أَ فَلا تَعْقِلُونَ 138 86

وَ جَعَلُوا بَیْنَهُ وَ بَیْنَ الْجِنَّهِ نَسَباً وَ لَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّهُ... 158 370

ص

قالَ لَقَدْ ظَلَمَکَ بِسُؤالِ نَعْجَتِکَ إِلی نِعاجِهِ وَ إِنَّ کَثِیراً... 24 90

ص:483

الزمر

وَ الَّذِینَ اجْتَنَبُوا الطّاغُوتَ أَنْ یَعْبُدُوها وَ أَنابُوا إِلَی... 17 78

اَلَّذِینَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولئِکَ الَّذِینَ... 18 78،196

غافر

وَ قالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ یَکْتُمُ إِیمانَهُ أَ تَقْتُلُونَ... 28 90

اَلَّذِینَ یُجادِلُونَ فِی آیاتِ اللّهِ بِغَیْرِ سُلْطانٍ أَتاهُمْ کَبُرَ... 35 216

هُوَ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَهٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَهٍ ثُمَّ... 67 78

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلاً مِنْ قَبْلِکَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنا عَلَیْکَ... 78 250

الجاثیه

وَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ ما أَنْزَلَ اللّهُ مِنَ السَّماءِ مِنْ... 5 78

أَ فَرَأَیْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ وَ أَضَلَّهُ اللّهُ عَلی عِلْمٍ... 23 210،264

وَ قالُوا ما هِیَ إِلاّ حَیاتُنَا الدُّنْیا نَمُوتُ وَ نَحْیا وَ ما یُهْلِکُنا... 24 381

وَ أَمَّا الَّذِینَ کَفَرُوا أَ فَلَمْ تَکُنْ آیاتِی تُتْلی عَلَیْکُمْ... 31 380

وَ إِذا قِیلَ إِنَّ وَعْدَ اللّهِ حَقٌّ وَ السّاعَهُ لا رَیْبَ فِیها قُلْتُمْ... 32 380،382

وَ بَدا لَهُمْ سَیِّئاتُ ما عَمِلُوا وَ حاقَ بِهِمْ ما کانُوا بِهِ یَسْتَهْزِؤُنَ 33 380

وَ قِیلَ الْیَوْمَ نَنْساکُمْ کَما نَسِیتُمْ لِقاءَ یَوْمِکُمْ هذا... 34 380

ذلِکُمْ بِأَنَّکُمُ اتَّخَذْتُمْ آیاتِ اللّهِ هُزُواً وَ غَرَّتْکُمُ الْحَیاهُ... 35 380

محمّد

وَ لَوْ نَشاءُ لَأَرَیْناکَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِیماهُمْ وَ لَتَعْرِفَنَّهُمْ... 30 330

ص:484

الفتح

إِذْ جَعَلَ الَّذِینَ کَفَرُوا فِی قُلُوبِهِمُ الْحَمِیَّهَ حَمِیَّهَ الْجاهِلِیَّهِ... 26 364،384

ق

إِنَّ فِی ذلِکَ لَذِکْری لِمَنْ کانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَی السَّمْعَ... 37 128،128

الذاریات

وَ ذَکِّرْ فَإِنَّ الذِّکْری تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِینَ 55 280

الطور

أَمْ لَهُ الْبَناتُ وَ لَکُمُ الْبَنُونَ 39 368

النجم

أَ فَرَأَیْتُمُ اللاّتَ وَ الْعُزّی 19 368

وَ مَناهَ الثّالِثَهَ الْأُخْری 20 368

أَ لَکُمُ الذَّکَرُ وَ لَهُ الْأُنْثی 21 368

تِلْکَ إِذاً قِسْمَهٌ ضِیزی 22 368

فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلّی عَنْ ذِکْرِنا وَ لَمْ یُرِدْ إِلاَّ الْحَیاهَ الدُّنْیا 29 283

الحدید

اِعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ یُحْیِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها قَدْ بَیَّنّا لَکُمُ... 17 80

ما أَصابَ مِنْ مُصِیبَهٍ فِی الْأَرْضِ وَ لا فِی أَنْفُسِکُمْ إِلاّ... 22 398

ص:485

المجادله

أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ نُهُوا عَنِ النَّجْوی ثُمَّ یَعُودُونَ لِما نُهُوا... 8 388

الحشر

لا یُقاتِلُونَکُمْ جَمِیعاً إِلاّ فِی قُریً مُحَصَّنَهٍ أَوْ مِنْ وَراءِ... 14 88،290

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّهَ وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٌ ما قَدَّمَتْ... 18 386

الممتنحه

یا أَیُّهَا النَّبِیُّ إِذا جاءَکَ الْمُؤْمِناتُ یُبایِعْنَکَ عَلی أَنْ... 12 392،400

الطلاق

أَعَدَّ اللّهُ لَهُمْ عَذاباً شَدِیداً فَاتَّقُوا اللّهَ یا أُولِی الْأَلْبابِ... 10 234

التحریم

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَکُمْ وَ أَهْلِیکُمْ ناراً وَقُودُهَا... 6 39

الملک

تَبارَکَ الَّذِی بِیَدِهِ الْمُلْکُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ 1 74

وَ قالُوا لَوْ کُنّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ ما کُنّا فِی أَصْحابِ السَّعِیرِ 10 84

الجنّ

وَ أَنَّهُ کانَ رِجالٌ مِنَ الْإِنْسِ یَعُوذُونَ بِرِجالٍ مِنَ... 6 398

ص:486

القیامه

وَ لا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوّامَهِ 2 32

التکویر

وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ 8 390

بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ 9 390

الانفطار

یا أَیُّهَا الْإِنْسانُ ما غَرَّکَ بِرَبِّکَ الْکَرِیمِ 6 290

الشمس

وَ نَفْسٍ وَ ما سَوّاها 7 32،34

فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها 8 32،34

التین

ثُمَّ رَدَدْناهُ أَسْفَلَ سافِلِینَ 5 264

الماعون

أَ رَأَیْتَ الَّذِی یُکَذِّبُ بِالدِّینِ 1 384

فَذلِکَ الَّذِی یَدُعُّ الْیَتِیمَ 2 384

وَ لا یَحُضُّ عَلی طَعامِ الْمِسْکِینِ 3 384

ص:487

ص:488

## فهرست منابع تحقیق

### حرف الالف

1-الاحتجاج علی أهل اللجاج. لأبی منصور أحمد بن علی بن أبی طالب الطبرسی (ت 620 ه.ق)،تحقیق:إبراهیم البهادری ومحمّد هادی به،دار الاُسوه-طهران،الطبعه الاُولی 1413 ه.ق.

2-إحقاق الحقّ وإزهاق الباطل ،للشهید القاضی نوراللّه بن السیّد شریف الشوشتری (ت 1019ه.ق) مع تعلیقات السیّد شهاب الدین المرعشی،مکتبه آیه اللّه المرعشی-قم.

3-إحیاء علوم الدین .لأبی حامد محمّد بن محمّد الغزالی (ت 505 ه.ق)،دار الهادی-بیروت،الطبعه الاُولی 1412 ه.ق.

4-أخبار الحمقی والمغفّلین .لأبی الفرج عبدالرحمن بن علیّ القرشی البغدادی المعروف بابن الجوزی (ت 597 ه.ق)، دارالکتاب العربی-بیروت،الطبعه الاُولی 1994 م.

5-أخبار مکّه وما جاء فیها من الآثار، لأبی الولید محمّد بن عبداللّه الأزرقی (ت 250 ه.ق)،تحقیق:رشدی الصالح ملحس، دار الأندلس-بیروت،الطبعه الاُولی 1411 ه.ق.

6-الاختصاص. لأبی عبداللّه محمّد بن محمّد بن النعمان العکبری البغدادی المعروف بالشیخ المفید (ت 413 ه.ق)،تحقیق:

علی أکبر الغفّاری،مؤسّسه النشر الإسلامی-قم.

ص:489

7-أدب الدنیا والدین. لأبی الحسن علیّ بن محمّد الماوردی (ت 450 ه.ق)،تحقیق:یاسین محمّد السوّاس،دار ابن کثیر -بیروت،دمشق،الطبعه الاُولی 1413 ه.ق.

8-الأدب المفرد .لأبی عبداللّه محمّد بن إسماعیل البخاری (ت 256 ه.ق)،تحقیق:محمّد عبدالقادر عطا،دار الکتب العلمیّه-بیروت،الطبعه الاُولی 1410ه.ق.

9-الإرشاد فی معرفه حجج اللّه علی العباد. لأبی عبداللّه محمّد بن محمّد بن النعمان العکبری البغدادی المعروف بالشیخ المفید(ت 413ه.ق)،تحقیق ونشر:مؤسّسه آل البیت علیهم السلام-قم،الطبعه الاُولی 1413 ه.ق.

10-إرشاد القلوب. لأبی محمّد الحسن بن محمّد الدیلمی،مؤسّسه الأعلمی-بیروت،الطبعه الرابعه 1398 ه.ق.

11-اُسد الغابه فی معرفه الصحابه. لأبی الحسن عزّالدین علیّ بن محمّد بن محمّد بن عبدالکریم الشیبانی المعروف بابن الأثیر (ت 630 ه.ق)،تحقیق:علی محمّد معوّض وعادل أحمد،دارالکتب العلمیه-بیروت،الطبعه الاُولی 1415 ه.ق.

12-الإصابه فی تمییز الصحابه. لأبی الفضل أحمّد بن علیّ بن حجر العسقلانی (ت 852 ه.ق)،تحقیق:عادل أحمد عبدالموجود،دارالکتب العلمیّه-بیروت،الطبعه الاُولی 1415ه.ق.

13-الأصنام. لأبی المنذر هشام بن محمّد بن السائب الکلبی (ت 204 ق)،تحقیق:أحمد زکی باشا،المطبعه الأمیریه- القاهره،الطبعه الاُولی 1332 ه.ق.

14-الاُصول الستّه عشر. عدّه من الرواه،دارالشبستری-قم،الطبعه الثانیه 1405 ه.ق.

15-أعلام الدین فی صفات المؤمنین. للحسن بن أبی الحسن الدیلمی (ت 711 ه.ق)،تحقیق ونشر:مؤسّسه آل البیت علیهم السلام-قم،الطبعه الاُولی 1408 ه.ق.

16-الأغانی. لأبی الفرج علیّ بن الحسین الإصفهانی (ت 356 ه.ق)،الشرح:علی مهنّا،دارالکتب العلمیّه-بیروت،الطبعه الثانیه 1407 ه.ق.

ص:490

17-الأمالی. لأبی جعفر محمّد بن علیّ بن الحسین بن بابویه القمّی المعروف بالشیخ الصدوق (ت 381 ه.ق)،تحقیق:

مؤسّسه البعثه-قم،الطبعه الاُولی 1417 ه.ق.

18-الأمالی. لأبی جعفر محمّد بن الحسن المعروف بالشیخ الطوسی (ت 460 ه.ق)،تحقیق:مؤسّسه البعثه،دارالثقافه-قم، الطبعه الاُولی 1414 ه.ق.

19-الأمالی. لأبی عبداللّه محمّد بن محمّد بن النعمان العکبری البغدادی المعروف بالشیخ المفید (ت 413 ه.ق)،تحقیق:

حسین استاد ولی وعلی أکبر الغفّاری،مؤسّسه النشر الإسلامی-قم،1403 ه.ق.

20-أمالی الشجری (الأمالی الخمیسیّه). لیحیی بن الحسین الشجری (ت 499 ه.ق)،عالم الکتب-بیروت،الطبعه الثالثه 1403 ه.ق.

### حرف البا

21-بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمّه الأطهار علیهم السلام. للعلّامه محمّد باقر بن محمّد تقی المجلسی (ت 1110 ه.ق)،دار إحیاء التراث-بیروت،الطبعه الثالثه 1403 ه.ق.

22-البدایه والنهایه .لأبی الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی (ت 774 ه.ق)،تحقیق ونشر:مکتبه ا لمعارف- بیروت،1410 ه.ق.

23-بصائر الدرجات فی فضائل آل محمّد صلی الله علیه و آله. لأبی جعفر محمّد بن الحسن الصفّار القمّی (ت 290 ه.ق)،تحقیق:میرزا محسن کوچه باغی التبریزی،مکتبه آیه اللّه المرعشی-قم،الطبعه الاُولی 1404 ه.ق.

24-بلاغات النساء .لأبی الفضل أحمد بن أبی طاهر المعروف بابن طیفور (ت 280 ه.ق)،منشورات الشریف الرضی-قم.

25-بلوغ الإرب فی معرفه أحوال العرب .لأبی المعالی محمود شکری الآلوسی (ت 1342 ه.ق)،الشرح:محمّد بهجه الأثری،دارالشرق العربی-بیروت،الطبعه الاُولی 1314 ه.ق.

ص:491

### حرف التا

26-تاج العروس من جواهر القاموس .للسیّد محمّد بن محمّد مرتضی الحسینی الزبیدی (ت 1205 ه.ق)،تحقیق:علی شیری،دار الفکر-بیروت،1414 ه.ق.

27-تاریخ بغداد. لأبی بکر أحمد بن علی الخطیب البغدادی (ت 463 ه.ق)،المکتبه السلفیّه-المدینه المنوّره.

تاریخ دمشق (ترجمه الإمام علی علیه السلام ) ترجمه الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام من تاریخ مدینه دمشق.

28-التاریخ الکبیر .لأبی عبداللّه محمّد بن إسماعیل البخاری (ت 256 ه.ق)،دار الفکر-بیروت.

29-تاریخ المدینه المنوّره .لأبی زید عمر بن شبه النمیری (ت 262 ه.ق)،تحقیق:فهیم محمّد شلتوت،دارالتراث- بیروت،الطبعه الاُولی 1410 ه.ق.

30-تاریخ الیعقوبی. لأحمد بن أبی یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح المعروف بالیعقوبی (ت بعد 292 ه.ق)،دار صادر- بیروت.

31-التبیان (تفسیر التبیان) .لأبی جعفر محمّد بن الحسن المعروف بالشیخ الطوسی (ت 460 ه.ق)،تحقیق:أحمد حبیب قصیر العاملی،مکتبه الأمین.

32-تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله. لأبی محمّد الحسن بن علیّ بن الحسین بن شعبه الحرانی (ت 381 ه.ق)،تحقیق:

علی أکبر الغفّاری،مؤسّسهالنشر الإسلامی-قم،الطبعهالثانیه 1404 ه.ق.

33-تذکره الخواصّ. لیوسف بن فرغلیّ بن عبداللّه البغدادی سبط الحافظ عبدالرحمن ابن الجوزی (654 ه.ق)،مکتبه نینوی الحدیثه-طهران.

34-ترتیب کتاب العین .للخلیل بن أحمد الفراهیدی (ت 175 ه.ق)،إعداد:محمّد حسن بکائی،مؤسّسه النشر الإسلامی- قم،الاُولی 1414 ه.ق.

ص:492

35-ترجمه الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام من تاریخ مدینه دمشق. لأبی القاسم علیّ بن الحسن بن هبه اللّه المعروف بابن عساکر (ت 571 ه.ق)،تحقیق:علی شیری،دار الفکر-بیروت،1415 ه.ق.

36-الترغیب والترهیب من الحدیث الشریف. لعبدالعظیم بن عبدالقوی المنذری الشامی (ت 656 ه.ق)،تحقیق:مصطفی محمّد عماره،دار إحیاء التراث-بیروت،الطبعه الثالثه 1388 ه.ق.

37-تفسیرالطبری (جامع البیان فی تفسیر القرآن) .لأبی جعفر محمّد بن جریر الطبریّ (310 ه.ق)،دار الفکر-بیروت، 1408ه.ق.

تفسیر علیّ بن إبراهیم تفسیر القمّی.

38-تفسیر العیّاشی. لأبی النضر محمّدبن مسعود بن عیاش السلمی السمرقندی المعروف بالعیّاشی (ت 320 ه.ق)،تحقیق:

السیّد هاشم الرسولی المحلّاتی،المکتبه العلمیّه الإسلامیّه-طهران 1380 ه.ق.

39-تفسیر القمّی. لأبی الحسن علیّ بن إبراهیم بن هاشم القمّی (القرن الرابع الهجری)،تحقیق:السیّد طیّب الموسوی الجزائری،مؤسّسه دارالکتاب-قم،الطبعه الثالثه 1404 ه.ق.

تفسیر مجمع البیان مجمع البیان فی تفسیر القرآن.

تفسیر المیزان المیزان فی تفسیر القرآن.

40-تفسیر نمونه. آیه اللّه مکارم شیرازی (معاصر)،دارالکتب الإسلامیّه-طهران،الطبعه الثامنه 1372 ه.ش.

تفسیر نورالثقلین نور الثقلین.

41-التمحیص. لأبی علی محمّد بن همام الإسکافی (ت 336 ه.ق)،تحقیق ونشر:مدرسه الإمام المهدی(عج)-قم،الطبعه الاُولی 1404 ه.ق.

42-تنبیه الخواطر ونزهه النواظر (مجموعهورّام). لأبی الحسین ورّام بن أبی فراس (ت605ه.ق)،دارالتعارف ودار صعب- بیروت.

ص:493

43-تنبیه الغافلین. لأبی اللیث نصر بن محمّد السمرقندی (ت 373 ه.ق)،دار ابن کثیر-بیروت،الطبعه الاُولی 1413 ه.ق.

44-تهذیب الأحکام. لأبی جعفر محمّد بن الحسن المعروف بالشیخ الطوسی (ت 460 ه.ق)،تحقیق:السیّد حسن الموسوی الخرسان،دارالتعارف و دار صعب-بیروت،1401ه.ق.

45-التوحید. لأبی جعفر محمّد بن علیّ بن الحسین بن بابویه القمّی المعروف بالشیخ الصدوق (ت 381 ه.ق)،تحقیق:السید هاشم الحسینی الطهرانی،مؤسّسه النشر الإسلامی-قم.

46-تیسیر المطالب فی أمالی الإمام أبی طالب، لیحیی بن الحسین بن هارون (ت 424 ه.ق)،منشورات موسّسه الأعلمی للمطبوعات-بیروت.

### حرف الثا

47-ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. لأبی جعفر محمّد بن علیّ بن الحسین بن بابویه القمّی المعروف بالشیخ الصدوق (ت 381 ه.ق)،تحقیق:علی أکبر الغفّاری،نشر الکتبی النجفی-قم و مکتبه الصدوق- طهران.

### حرف الجیم

48-جامع الأحادیث. لأبی محمّد جعفر بن أحمد بن علیّ القمّی المعروف بابن الرازی (القرن الرابع الهجری)،تحقیق:السیّد محمّد الحسینی النیشابوری،مؤسّسه الطبع و النشر التابعه للحضره الرضویّه المقدّسه-مشهد، الطبعه الاُولی 1413 ه.ق.

49-جامع الأخبار أو معارج الیقین فی اصول الدین. لمحمّد بن محمّد السبزواری (القرن السابع الهجری)،تحقیق و نشر:

مؤسّسه آل البیت علیهم السلام-قم،الطبعه الاُولی 1414 ه.ق.

50-جامع بیان العلم وفضله، لأبی عمر یوسف بن عبدالبر النمری القرطبی المعروف بابن عبدالبرّ (ت 463 ه.ق)،تحقیق إداره الطباعه المنیریّه،دار الکتب العلمیه-بیروت.

ص:494

51-الجامع الصغیر فی أحادیث البشیر النذیر. لجلال الدین عبدالرحمن بن أبی بکر السیوطی (ت 911 ه.ق)،دارالفکر- بیروت.

52-الجعفریّات (الأشعثیّات). لأبی علی محمّد بن محمّد الأشعث الکوفی (القرن الرابع الهجری)،مکتبه نینوی الحدیثه- طهران،طُبع مع قرب الإسناد فی جلد واحد.

53-الجمل والنصره لسیّد العتره فی حرب البصره .لأبی عبداللّه محمّد بن النعمان العکبری البغدادی المعروف بالشیخ المفید (ت 413 ه.ق)،تحقیق:السیّد علی میر شریفی،المؤتمر العالمی بمناسبه الذکری الألفیّه لوفاه الشیخ المفید-قم، الطبعه الاُولی 1413 ه.ق.

### حرف الحا

54-حلیه الأولیاء وطبقات الأصفیاء. لأبی نُعیم أحمد بن عبداللّه الأصبهانی (ت 430 ه.ق)، دارالکتاب العربی-بیروت،الطبعه الثانیه 1387 ه.ق.

### حرف الخا

55-الخرائج والجرائح. لأبی الحسین سعید بن هبهاللّه الراوندی المعروف بقطب الدین الراوندی (ت 573 ه.ق)،تحقیق ونشر:مؤسّسه الإمام المهدی(عج)-قم،الطبعه الاُولی 1409 ه.ق.

56-الخصال. لأبی جعفر محمّد بن علیّ بن الحسین بن بابویه القمّی المعروف بالشیخ الصدوق (ت 381 ه.ق)،تحقیق:علی أکبر الغفّاری،مؤسّسه النشر الإسلامی-قم،1403 ه.ق.

57-خصائص الأئمّه علیهم السلام خصائص أمیر المؤمنین علیه السلام .لأبی الحسن الشریف الرضی محمّد بن الحسین بن موسی الموسوی (ت 406 ه.ق)،تحقیق:محمّد هادی الأمینی،مؤسّسه الطبع والنشر التابعه للحضره الرضویه المقدّسه-مشهد، 1406ه.ق.

### حرف الدال

58-الدُرّالمنثور فی التفسیر المأثور. لجلال الدین عبدالرحمن بن أبی بکر السیوطی (ت911ه.ق)، دارالفکر-بیروت،الطبعه الاُولی 1403 ه.ق.

59-الدرّه الباهره من الأصداف الطاهره. لأبی عبداللّه محمّد بن مکّی العاملی الجزینی المعروف بالشهید الأوّل (ت 786 ه.ق)،تحقیق:داود الصابری،مؤسّسه الطبع و النشر التابعه للحضره الرضویّه المقدّسه-مشهد،1365 ه.ش.

60-الدروع الواقیه. لرضیّ الدین علیّ بن موسی بن جعفر الحلّی المعروف بابن طاووس (ت 664 ه.ق)،تحقیق ونشر:

مؤسّسه آل البیت علیهم السلام-قم،الطبعه الاُولی 1414 ه.ق.

61-دستور معالم الحکم ومأثور مکارم الشیم من کلام أمیر المؤمنین علیه السلام .لأبی عبداللّه محمّد بن سلامه القضاعی (ت 454 ه.ق)،دار الکتاب العربی-بیروت،1401ه.ق.

62-دعائم الإسلام و ذکرالحلال و الحرام و القضایا و الأحکام. لأبی حنیفه النعمان بن محمّد بن منصور التمیمی المغربی (ت 363 ه.ق)،تحقیق:آصف بن علی أصغر فیضی،دارالمعارف-مصر،الطبعه الثالثه 1383 ه.ق.

63-الدعوات (سلوه الحزین). لأبی الحسین سعید بن هبهاللّه الراوندی المعروف بقطب الدین الراوندی (ت 573 ه.ق)، تحقیق و نشر:مؤسّسه الإمام المهدی (عج)-قم،الطبعه الاُولی 1407 ه.ق.

64-دلائل الإمامه .لأبی جعفر محمّد بن جریر الطبری الصغیر (ت 310 ه.ق)،تحقیق ونشر:مؤسّسه البعثه-قم،الطبعه الاُولی 1413 ه.ق.

65-دلائل النبوّه ومعرفه أحوال صاحب الشریعه. لأبی بکر أحمد بن الحسین البیهقی (ت458ه.ق)،تحقیق:عبدالمعطی قلعجی،دارالکتب العلمیّه-بیروت،الطبعه الاُولی 1405 ه.ق.

### حرف الذال

66-ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی .لأبی العبّاس أحمد بن عبداللّه الطبری المکّی (ت 694 ه.ق)،تحقیق:أکرم البوشی ومحمود الأرناؤوط،مکتبه الصحابه-جدّه،1415ه.ق.

ص:495

ص:496

### حرف الرا

67-ربیع الأبرار ونصوص الأخبار .لأبی القاسم محمود بن عمر الزمخشری (ت 538 ه.ق)، منشورات الرضی-قم،الطبعه الاُولی 1410 ه.ق.

68-روضه الواعظین. لمحمّد بن الحسن بن علیّ المعروف بالفتّال النیسابوری (ت 508 ه.ق)،مؤسّسه الأعلمی-بیروت، الطبعه الاُولی 1406 ه.ق.

69-الزهد .لأبی عبدالرحمن بن عبداللّه بن المبارک الحنظلی المروزی (ت 181 ه.ق)،تحقیق:حبیب الرحمن الأعظمی،دار الکتب العلمیّه-بیروت.

70-الزهد. لأبی محمّد الحسین بن سعید الکوفی الأهوازی (ت 250 ه.ق)،تحقیق:غلامرضا عرفانیان،حسینیان-قم، الطبعه الثانیه 1402 ه.ق.

### حرف السیرا

71-سجع الحمام فی حِکَم الإمام أمیرالمؤمنین علیه السلام. لعلی الجندی (معاصر)،مکتبه الأنجلو المصریه-القاهره.

72-سعدالسعود. لرضیّ الدین علیّ بن موسی بن جعفر الحلّی المعروف بابن طاووس (ت664 ه.ق)،منشورات الرضی-قم، الطبعه الاُولی 1363 ه.ش.

73-سنن ابن ماجه. لأبی عبداللّه محمّد بن یزید بن ماجه القزوینی (ت 275 ه.ق)،تحقیق:محمّد فؤاد عبدالباقی،دار إحیاء التراث-بیروت،1395 ه.ق.

74-سنن الدارمی. لأبی محمّد عبداللّه بن عبدالرحمن بن الفضل بن بهرام الدارمی (ت 255 ه.ق)،تحقیق:مصطفی دیب البغا ،دارالقلم-دمشق،الطبعه الاُولی 1412 ه.ق.

75-السنن الکبری. لأبی بکر أحمد بن الحسین بن علیّ البیهقی (ت 458 ه.ق)،تحقیق:محمّد عبدالقادر عطا،دارالکتب العلمیّه-بیروت،الطبعه الاُولی 1414 ه.ق.

76-سنن النسائی. لأبی عبدالرحمن أحمد بن شعیب النسائی (ت 303 ه.ق)،دارالفکر-بیروت،

ص:497

الطبعه الاُولی 1348 ه.ق.

77-سیره ابن هشام (السیره النبویّه). لأبی محمّد عبدالملک بن هشام بن أیّوب الحمیری (ت 218 ه.ق)،تحقیق:

مصطفی السقا وإبراهیم الابیاری،مطبعه المصطفی و أولاده-مصر،1355 ه.ق.

### حرف السیر

78-الشافی فی الإمامه .لأبی القاسم علیّ بن الحسین الموسوی المعروف بالسیّد المرتضی (ت 436 ه.ق)،تحقیق:عبدالزهراء الحسینی الخطیب،مؤسّسه الإمام الصادق علیه السلام-طهران،الطبعه الثانیه 1410 ه.

ق.

79-شرح الأخبار فی فضائل الأئمّه الأطهار .لأبی حنیفه القاضی النعمان بن محمّد المصری (ت 363 ه.ق)،تحقیق:السیّد محمّد الحسینی الجلالی،مؤسّسه النشر الإسلامی-قم،الطبعه الاُولی 1412 ه.ق.

80-شرح نهج البلاغه. لعزّ الدین أبو حامد بن هبه اللّه بن محمّد بن محمّد بن أبی الحدید المعتزلی المعروف بابن أبی الحدید (ت 656 ه.ق)،تحقیق:محمّد أبوالفضل إبراهیم،دار إحیاء التراث-بیروت،الطبعه الثانیه 1385 ه.ق.

81-شعب الإیمان. لأبی بکر أحمد بن الحسین البیهقی (ت 458 ه.ق)،تحقیق:أبوهاجر محمّد السعید ابن بسیونی زغلول، دارالکتب العلمیّه-بیروت،الطبعه الاُولی 1410 ه.ق.

### حرف الصاد

82-الصحاح .لإسماعیل بن حمّاد الجوهری (ت 393 ه.ق)،تحقیق:أحمد عبدالغفور عطار، دارالعلم للملایین-بیروت،الطبعه الرابعه 1990م.

83-صحیح البخاری. لأبی عبداللّه محمّد بن إسماعیل البخاری (ت256 ه.ق)،تحقیق:مصطفی دیب البغا،الیمامه و دار ابن کثیر-دمشق،الطبعه الرابعه 1410 ه.ق.

ص:498

84-صحیح مسلم. لأبی الحسین مسلم بن الحجّاج القشیری النیسابوری (ت 261 ه.ق)،تحقیق:محمّد فؤاد عبدالباقی، دارالحدیث-القاهره،الطبعه الاُولی 1412 ه.ق.

85-صحیفه الإمام الرضا علیه السلام. المنسوبه إلی الإمام الرضا علیه السلام،تحقیق و نشر:مدرسه الإمام المهدی (عج)-قم،الطبعه الاُولی 1408 ه.ق.

86-الصحیفه السجّادیه الکامله. أدعیه مأثوره عن الإمام زین العابدین علیه السلام،تحقیق:علی أنصاریان،المستشاریّه الثقافیّه الإیرانیّه-دمشق.

87-صفات الشیعه. لأبی جعفر محمّد بن علیّ بن الحسین بن بابویه القمّی المعروف بالشیخ الصدوق (ت 381 ه.ق)،تحقیق و نشر:مؤسّسه الإمام المهدی (عج)-قم،الطبعه الاُولی 1410 ه.ق.

88-الصمت وآداب اللسان .لأبی بکر عبداللّه بن محمّد القرشی المعروف بابن أبی الدنیا(ت 281ه.ق)، تحقیق:نجم عبدالرحمن خلف،دارالغرب العربی-بیروت،الطبعه الاُولی 1406 ه.ق.

89-الصواعق المحرقه فی الردّ علی أهل البدع والزندقه .لأحمد بن حجر الهیثمی الکوفی (ت974ه.ق)،إعداد:عبدالوهاب بن عبداللطیف،مکتبه القاهره-مصر،الطبعه الثانیه 1385 ه.ق.

### حرف الطا

90-طبّ الأئمّه علیهم السلام. لأبی عتاب عبداللّه بن سابور الزیّات و الحسین ابنی بسطام النیسابوریین، المکتبه الحیدریّه-النجف 1385 ه.ق.

91-طب النبیّ .لأبی العبّاس جعفر بن محمّد المستغفری (ت 432 ه.ق)،مؤسسه آل البیت علیهم السلام-بیروت،الطبعه الاُولی 1411 ه.ق.

ص:499

### حرف العیر

92-العدد القویّه لدفع المخاوف الیومیّه. لأبی منصور الحسن بن یوسف الحلی (ت726 ه.ق)، تحقیق:السیّد مهدی الرجائی،مکتبه آیه اللّه المرعشی-قم،الطبعه الاُولی 1408 ه.ق.

93-عدّه الداعی و نجاح الساعی. لأبی العبّاس أحمدبن محمّد بن فهدالحلّی الأسدی (ت 841ه.ق)،تحقیق:أحمد الموحّدی القمّی،مکتبه الوجدانی-قم.

94-علل الشرایع. لأبی جعفر محمّد بن علیّ بن الحسین بن بابویه القمّی المعروف بالشیخ الصدوق (ت381 ه.ق)،دار إحیاء التراث-بیروت،الطبعه الثانیه 1385 ه.ق.

95-العلم والحکمه فی الکتاب والسنّه. لمحمّدی الرَّیشهری (معاصر)،مؤسسه دارالحدیث الثقافیّه-قم،الطبعه الاُولی 1376 ش.

96-عوالی اللآلی العزیزیّه فی الأحادیث الدینیّه. لمحمّد بن علیّ بن إبراهیم الإحسائی المعروف بابن أبی جمهور (ت 940 ه.ق)،تحقیق:مجتبی العراقی،مطبعه سیّد الشهداء علیه السلام-قم،الطبعه الاُولی 1405 ه.ق.

97-عیون أخبار الرضا علیه السلام. لأبی جعفر محمّد بن علیّ بن الحسین بن بابویه القمّی المعروف بالشیخ الصدوق (ت 381 ه.ق)،تحقیق:السیّد مهدی الحسینی اللاجوردی،مکتبه جهان-طهران.

العین ترتیب کتاب العین للخلیل الفراهیدی.

### حرف الغیر

98-عیون الأخبار. لأبی محمّد عبداللّه بن مسلم بن قتیبه الدینوری (ت 276 ه.ق)،منشورات الشریف الرضی-قم،الطبعه الاُولی 1415 ه.ق.

### حرف الغیر

99-الغارات. لأبی إسحاق إبراهیم بن محمّد بن سعید المعروف بابن هلال الثقفی (ت 283 ه.ق)، تحقیق:السیّد جلال الدین المحدّث،أنجمن آثار ملّی-طهران.

100-غرر الحکم ودرر الکلم. عبدالواحد الآمدی التمیمی (القرن السادس الهجری)،تحقیق:السیّد جلال الدین المحدّث، جامعه طهران،الطبعه الثالثه 1360 ه.ش.

ص:500

### حرف الفاء

101-الفردوس بمأثور الخطاب. لأبی شجاع شیرویه بن شهردار الدیلمی الهمدانی (ت 509 ه.ق)، تحقیق:السعید بن بسیونی زغلول،دارالکتب العلمیّه-بیروت،الطبعه الاُولی 1406 ه.ق.

102-فضائل الأشهر الثلاثه. لأبی جعفر محمّد بن علیّ بن الحسین بن بابویه القمّی المعروف بالشیخ الصدوق (ت 381 ه.ق)، تحقیق:غلام رضا عرفانیان،مطبعهالآداب-النجف الأشرف،الطبعهالاُولی 1396 ه.ق.

103-فقه الرضا (الفقه المنسوب إلی الإمام الرضا علیه السلام ) .تحقیق:مؤسّسه آل البیت علیهم السلام،المؤتمر العالمی للإمام الرضا علیه السلام- مشهد،الطبعه الاُولی 1406 ه.ق.

104-الفقیه (من لایحضره الفقیه). لأبی جعفر محمّد بن علیّ بن الحسین بن بابویه القمّی المعروف بالشیخ الصدوق (ت 381 ه.ق)،تحقیق:علی أکبر الغفّاری،مؤسّسه النشر الإسلامی-قم،الطبعه الثانیه.

### حرف القاف

105-القاموس المحیط. لمجدالدین محمّد بن یعقوب الفیروزآبادی (ت 817 ه.ق)،دارالفکر- بیروت،الطبعه الاُولی 1403 ه.ق.

106-قرب الإسناد. لأبی العبّاس عبداللّه بن جعفر الحمیری القمّی (القرن الثالث الهجری)،تحقیق ونشر:مؤسّسه آل البیت علیهم السلام -قم،الطبعه الاُولی 1413 ه.ق.

107-قضاء الحوائج. لأبی بکر عبداللّه بن محمّد القرشی المعروف بابن أبی الدنیا (ت 281 ه.ق)،تحقیق:إبراهیم مجدی، مکتبه القرآن-القاهره.

### حرف الکاف

ص:501

108-الکافی. لأبی جعفر محمّد بن یعقوب بن إسحاق الکلینی الرازی (ت 329 ه.ق)،تحقیق:علی أکبر الغفّاری،دارالکتب الإسلامیه-طهران،الطبعه الثالثه 1388 ه.ق.

109-کامل الزیارات. لأبی القاسم جعفر بن محمّد بن قولویه القمّی (ت 368 ه.ق)،تحقیق:جواد القیّومی،مؤسسه نشر الفقاهه-قم،الطبعه الاُولی 1417 ه.ق.

110-کتاب سلیم بن قیس. لسلیم بن قیس الهلالی العامری الکوفی،تحقیق:الشیخ محمد باقر الأنصاری،نشر الهادی-قم، الطبعه الاُولی 1415 ه.ق.

111-کشف الخفاء ومزیل الإلباس. لأبی الفداء إسماعیل بن محمّد العجلونی (ت 1162 ه.ق)،الکتب العلمیّه-بیروت، الطبعه الثالثه 1408 ه.ق.

112-کشف الغمّه فی معرفه الأئمّه. لأبی الحسن علیّ بن عیسی الإربلی (ت 687 ه.ق)،تصحیح:السیّد هاشم الرسولی المحلّاتی،دارالکتاب الإسلامی-بیروت،1401 ه.ق.

113-کشف المحجّه لثمره المهجه. لرضیّ الدین علیّ بن موسی بن جعفر الحلّی المعروف بابن طاووس (ت664ه.ق)، تحقیق:محمّدالحسّون،مکتب الإعلام الإسلامی-قم،الطبعهالاُولی 1412 ه.ق.

114-کفایه الأثر فی النصّ علی الأئمّه الاثنی عشر. لأبی القاسم علیّ بن محمّد بن علیّ الخزّاز القمّی (القرن الرابع الهجری)، تحقیق:السیّد عبداللطیف الحسینی الکوه کمری،نشر بیدار-قم،1401 ه.ق.

115-کمال الدین و تمام النعمه. لأبی جعفر محمّد بن علیّ بن الحسین بن بابویه القمّی المعروف بالشیخ الصدوق (ت 381 ه.

ق)،تحقیق:علی أکبر الغفّاری،مؤسّسه النشر الإسلامی-قم،1405 ه.ق.

116-کنزالعمّال فی سنن الأقوال والأفعال. لعلاء الدین علیّ المتّقی ابن حسام الدین الهندی (ت 975 ه.ق)،ضبط:بکری حیّانی،وتصحیح:صفوه السقا،مکتبهالتراث الإسلامی-بیروت،الطبعهالاُولی 1395 ه.ق.

117-کنز الفوائد. لأبی الفتح الشیخ محمّد بن علیّ بن عثمان الکراجکی الطرابلسی (ت 449 ه.ق)،

ص:502

إعداد:عبداللّه نعمه، دارالذخائر-قم،الطبعه الاُولی 1410 ه.ق.

### حرف اللام

118-لسان العرب. لأبی الفضل جمال الدین محمّد بن مکرم بن منظور المصری (ت 711 ه.ق)،دار صادر-بیروت،الطبعه الاُولی 1410 ه.ق.

### حرف المیم

119-مائه کلمهللإمام أمیرالمؤمنین علیه السلام. لأبی بکر عمرو بن بحر المعروف بالجاحظ (ت 255 ه.ق)،تحقیق:ریاض مصطفی العبداللّه،دارالمختار العربیه-بیروت،الطبعه الاُولی 1416 ه.ق.

120-المجازات النبویّه. لأبی الحسن الشریف الرضی محمّد بن الحسین بن موسی الموسوی (ت406 ه.ق)،تحقیق:طه محمّد الزینی،مکتبه بصیرتی-قم.

121-مجمع البحرین. لفخر الدین الطریحی (ت 1085 ه.ق)،تحقیق:قسم الدراسات الإسلامیّه فی مؤسّسه البعثه-قم، الطبعه الاُولی 1415 ه.ق.

122-مجمع البیان فی تفسیر القرآن. لأبی علی الفضل بن الحسن الطبرسی (القرن السادس الهجری)،تحقیق:السیّد هاشم الرسولی المحلّاتی والسیّد فضل اللّه الیزدی الطباطبائی،دارالمعرفه-بیروت،الطبعه الثانیه 1408 ه.ق.

123-المحاسن. لأبی جعفر أحمد بن محمّد بن خالد البرقی (ت 280 ه.ق)،تحقیق:السیّد مهدی الرجائی،المجمع العالمی لأهل البیت علیهم السلام-قم،الطبعه الاُولی 1413 ه.ق.

124-المحاسن والمساوئ، لإبراهیم بن محمّد البیهقی(ت 320 ه.ق)،دار صادر-بیروت،1390ه.ق.

125-محاضرات الاُدباء ومحاورات الشعراء والبلغاء. لأبی القاسم الحسین بن محمّد الراغب الإصفهانی (ت 502 ه.ق)، المکتبه الحیدریّه-قم،الطبعه الاُولی 1416 ه.ق.

126-المحجّه البیضاء فی تهذیب الإحیاء. لمحمّد بن المرتضی المدعو بالمولی محسن الفیض الکاشانی (ت1091 ه.ق)، تحقیق:علی أکبر الغفّاری،مؤسّسه النشر الإسلامی-قم،الطبعه

ص:503

الثانیه.

127-مختصر بصائر الدرجات. للحسن بن سلیمان الحلّی (القرن التاسع الهجری)،انتشارات الرسول المصطفی صلی الله علیه و آله-قم.

128-مدینه المعاجز. للشیخ هاشم بن سلیمان الحسینی البحرانی (ت 1107 ه.ق)،تحقیق:لجنه التحقیق فی مؤسسه المعارف الإسلامیّه-قم،الطبعه الاُولی 1413 ه.ق.

129-مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول. للعلّامه محمّد باقر المجلسی (ت1111 ه.ق)،تحقیق:السید هاشم الرسولی، دارالکتب الإسلامیّه-طهران،الطبعه الثالثه 1370 ه.ش.

130-المستدرک علی الصحیحین. لأبی عبداللّه محمّد بن عبداللّه الحاکم النیسابوری (ت 405 ه.ق)،تحقیق:مصطفی عبدالقادر عطا،دارالکتب العلمیّه-بیروت،الطبعه الاُولی 1411 ه.ق.

131-مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. للحاج المیرزا حسین النوری (ت 1320 ه.ق)،تحقیق و نشر:مؤسّسه آل البیت علیهم السلام-قم،الطبعه الاُولی 1407 ه.ق.

132-مسند ابن حنبل. لأحمد بن محمّد بن حنبل الشیبانی (ت241 ه.ق)،تحقیق:صدقی محمّد جمیل العطّار،دارالفکر- بیروت،الطبعه الاُولی 1412 ه.ق.

133-مسند أبی یعلی. لأبی یعلی أحمد بن علی بن المثنّی الموصلی (ت307 ه.ق)،تحقیق:إرشاد الحق الأثری،دارالقبله- جدّه،وعلوم القرآن-بیروت،الطبعه الاُولی 1408 ه.ق.

134-مسند أبی داود الطیالسی ،لسلیمان بن داود بن الجارود البصری المعروف بأبی داود الطیالسی (ت 204 ه.ق)،دار المعرفه-بیروت.

135-مسند إسحاق بن راهویه. لأبی یعقوب إسحاق بن إبراهیم الحنظلی المروزی(ت 238 ه.ق)،تحقیق:عبدالغفور البلوشی ،مکتبه الإیمان-المدینه المنوّره،الطبعه الاُولی 1411 ه.ق.

136-مسند الإمام زید. المنسوب إلی زید بن علیّ بن الحسین علیهما السلام (القرن الثانی الهجری)،دار مکتبه الحیاه،الطبعه الاُولی 1966 م.

137-مسند الشهاب. لأبی عبداللّه محمّد بن سلامه القضاعی (ت 454 ه.ق)،تحقیق:حمدی

ص:504

عبدالمجید السلفی،مؤسّسه الرساله-بیروت،الطبعه الاُولی 1405 ه.ق.

138-مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار. لأبی الفضل علیّ الطبرسی (القرن السابع الهجری)،المکتبه الحیدریّه-النجف الأشرف، الطبعه الثانیه 1385 ه.ق.

139-مصباح الشریعه ومفتاح الحقیقه. المنسوب إلی الإمام الصادق علیه السلام،مع شرح فارسی لعبد الرزّاق الگیلانی وتصحیح السیّد جلال الدین الأرموی،نشر:مکتبه الصدوق،الطبعه الثالثه 1366 ه.ش.

140-مصباح المتهجّد. لأبی جعفر محمّد بن الحسن الطوسی المشتهر بالشیخ الطوسی(ت460 ه.ق)،تحقیق:علی أصغر مروارید-مؤسّسه فقه الشیعه-بیروت،الطبعه الاُولی 1411 ه.ق.

141-المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. لأحمد بن محمّد المقری الفیّومی (ت 770 ه.ق)،دار الهجره-قم،الطبعه الثانیه 1414 ه.ق.

142-المصباح فی الأدعیه والصلوات والزیارات. لتقیّ الدین إبراهیم بن زین الدین الحارثی الهمدانی المعروف بالکفعمی (ت 900 ه.ق)،مؤسّسه الأعلمی-بیروت،الطبعه الاُولی 1414 ه.ق.

143-المصنّف. لأبی بکر عبدالرزّاق بن همام الصنعانی (ت 211 ه.ق)،تحقیق:حبیب الرحمن الأعظمی،منشورات المجلس العلمی-بیروت.

144-مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول صلی الله علیه و آله. لکمال الدین محمّد بن طلحه الشافعی(ت654 ه.ق)،النسخه المخطوطه فی مکتبه آیه اللّه المرعشی-قم.

145-المطالب العالیه بزوائد المسانید الثمانیه. لأبی الفضل أحمد بن علیّ بن حجر العسقلانی (ت 825 ه.ق)،تحقیق:حبیب الرحمن الأعظمی،المطبعه العصریّه-الکویت،الطبعه الاُولی 1393 ه.ق.

146-معانی الأخبار. لأبی جعفر محمّد بن علیّ بن الحسین بن بابویه القمّی المعروف بالشیخ الصدوق (ت 381 ه.ق)، تحقیق:علی أکبر الغفّاری،مؤسّسه النشر الإسلامی-قم،1361 ه.ش.

ص:505

147-المعجم الأوسط. لأبی القاسم سلیمان بن أحمد اللخمی الطبرانی (ت 360 ه.ق)،تحقیق:طارق بن عوض وعبدالمحسن الحسینی،دار الحرمین-القاهره،1415 ه.ق.

148-المعجم الکبیر. لأبی القاسم سلیمان بن أحمد اللخمی الطبرانی (ت 360 ه.ق)،تحقیق:حمدی عبدالمجید السلفی،دار إحیاء التراث العربی-بیروت،الطبعه الثانیه.

149-معجم مقاییس اللغه. لأبی الحسین أحمد بن فارس الرازی (ت 395 ه.ق)،تحقیق:عبدالسلام محمّد هارون،مطبعه المصطفی وأولاده-مصر،الطبعه الثانیه 1389 ه.ق.

150-معدن الجواهر و ریاضه الخواطر. لأبی الفتح محمّد بن علیّ الکراجکی (ت 449 ه.ق)،تحقیق:السیّد أحمد الحسینی، مطبعه مهر استوار-قم،1394 ه.ق.

151-مفردات ألفاظ القرآن. لأبی القاسم الحسین بن محمّد الراغب الأصفهانی (ت 502 ه.ق)،تحقیق:صفوان عدنان داودی ،دار القلم-دمشق،الطبعه الاُولی 1412 ه.ق.

152-المفصّل فی تاریخ العرب قبل الإسلام. لجواد علی (معاصر)،دارالعلم للملایین-بیروت،الطبعه الاُولی 1976 م.

153-المقنع. لأبی جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن بابویه القمّی المعروف بالشیخ الصدوق (ت 381 ه.ق)،تحقیق:

مؤسّسه الإمام الهادی علیه السلام-قم،1415 ه.ق.

154-مکارم الأخلاق. لأبی نصر الحسن بن الفضل بن الحسن الطبرسی (القرن السادس الهجری)،تحقیق:علاء آل جعفر، مؤسّسه النشر الإسلامی-قم،الطبعه الاُولی 1414 ه.ق.

155-الملاحم والفتن (التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن). لأبی القاسم علیّ بن موسی الحلّی المعروف بابن طاووس (ت 664 ه.ق)،تحقیق:مؤسّسه صاحب الأمر (عج)-قم،الطبعه الاُولی 1416 ه.ق.

156-المناقب. لموفّق بن أحمد الخوارزمی المکّی (ت 568 ه.ق)،تحقیق:مالک المحمودی،مؤسّسه النشر الإسلامی-قم، الطبعه الثانیه 1411 ه.ق.

157-مناقب آل أبی طالب (مناقب ابن شهر آشوب). لأبی جعفر رشید الدین محمّد بن علیّ بن شهر

ص:506

آشوب المازندرانی (ت 588 ه.ق) المطبعه العلمیّه-قم.

158-منیه المرید فی أدب المفید و المستفید. للشیخ زین الدین بن علیّ الجبعی العاملی المعروف بالشهید الثانی (ت 965 ه.

ق)،تحقیق:رضا المختاری،مکتب الإعلام الإسلامی-قم،الطبعه الاُولی 1409ه.ق.

159-مهج الدعوات و منهج العبادات. لرضیّ الدین علیّ بن موسی بن جعفر الحلّی المعروف بابن طاووس (ت664 ه.ق)، مؤسّسه الأعلمی-بیروت،الطبعه الاُولی 1414 ه.ق.

160-المواعظ العددیّه. لمحمّد بن الحسن الحسینی،تحریر:المیرزا علی المشکینی الأردبیلی،الهادی-قم،الطبعه الخامسه 1414 ه.ق.

161-الموطّأ. لمالک بن أنس (ت 179 ه.ق)،تحقیق:محمّد فؤاد عبدالباقی،دار إحیاء التراث العربی-بیروت 1406،ه.ق.

162-المیزان فی تفسیر القرآن. للعلّامه السیّد محمّد حسین الطباطبائی (ت 1140 ه.ق)،مؤسّسه إسماعیلیان-قم،الطبعه الثالثه 1393 ه.ق.

### حرف النون

163-نثر الدر. لأبی سعد منصور بن الحسین الآبی (ت 421 ه.ق)،تحقیق:محمّد بن علی قرنه، الهیئه المصریّه العامه للکتاب.

164-نزهه الناظر و تنبیه الخاطر. للحسین بن محمّد بن الحسن بن نصر الحلوانی (القرن الخامس الهجری)،تحقیق:مدرسه الإمام المهدی (عج)-قم،الطبعه الاُولی 1408 ه.ق.

165-النهایه فی غریب الحدیث و الأثر. لمجد الدین أبی السعادات المبارک بن محمّد الجزری المعروف بابن الأثیر(ت 606ه.ق)،تحقیق:طاهر أحمدالزاوی،إسماعیلیان-قم،1367ه.ش.

166-نهج البلاغه. ما اختاره أبوالحسن الشریف الرضی محمّد بن الحسین بن موسی الموسوی من کلام الإمام أمیرالمؤمنین علیه السلام (ت 406 ه.ق)،تحقیق:السیّد کاظم المحمّدی و محمّد

ص:507

الدشتی،دارنشر الإمام علیّ علیه السلام-قم، الطبعه الثانیه 1369 ه.ش.

167-نوادر الاُصول فی معرفه أحادیث الرسول. لأبی عبداللّه محمّد بن علیّ الترمذی المشهور بالحکیم الترمذی (ت 320 ه.ق)،تحقیق:مصطفی عبدالقادر عطا،دار الکتب العلمیّه-بیروت،الطبعه الاُولی 1413 ه.ق.

### حرف الواو

168-نوادر الراوندی. لفضل اللّه بن علیّ الحسنی الراوندی (ت حدود 1 57 ه.ق)،المطبعه الحیدریّه-النجف الأشرف،الطبعه الاُولی 1370 ه.ق.

169-وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه. للشیخ محمّد بن الحسن الحرّ العاملی (ت 1104 ه.ق)،تحقیق:الشیخ عبدالرحیم الربّانی الشیرازی،دار إحیاء التراث العربی-بیروت،الطبعه الخامسه 1403 ه.ق.

### حرف الیا

170-ینابیع المودّه لذوی القربی. لسلیمان بن إبراهیم القندوزی الحنفی (1294 ه.ق)،تحقیق:علی جمال أشرف الحسینی، دارالاُسوه-طهران،الطبعه الاُولی 1416 ه.ق.

ص:508